

پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی



دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی / ۶

قلاع و استحکامات نظامی

تالیف و تدوین: دکتر کاظم ملازاده و مریم محمدی

قلاع و استحکامات نظامی

(دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دورهٔ اسلامی)

تألیف و تدوین
کاظم ملازاده و مریم محمدی





پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی

قلاع و استحکامات نظامی

(دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دورهٔ اسلامی / جلد ۶)

تألیف و تدوین
کاظم ملازاده و مریم محمدی

لیتوگرافی: نورنگ
چاپ و صحافی: چاپ سوره
چاپ اول: ۱۳۸۵
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
شابک: ۴ ـ ۹۹۶ ـ ۴۷۱ ـ ۹۶۴

ملازاده، کاظم، ۱۳۴۶ ـ
قلاع و استحکامات نظامی / تألیف و تدوین کاظم ملازاده، مریم محمدی. ــ تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۵.
۳۷۶ ص. ــ مصور. ــ (دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره‌های اسلامی؛ ۶)

ISBN: 964 - 471 - 996 - 4

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
۱. قلعه‌ها ــ ایران. ۲. استحکامات ــ ایران. ۳. ایران ــ آثار تاریخی ــ راهنماها. الف. محمدی، مریم. ب. شرکت انتشارات سوره مهر. ج. عنوان.
۲ د ۷ م / ۱۳ DSR   ۹۵۵/۰۰۴۲
کتابخانه ملی ایران   ۸۳ـ۳۷۶۹۷ م

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، کوچهٔ جمشید جم، شمارهٔ ۷۲.
صندوق پستی: ۱۱۴۴ـ۱۵۸۱۵
تلفن: ۶۶۴۶۵۸۴۸ • نمابر: ۶۶۴۶۹۹۴۷
تلفن مرکز پخش: ۵ ـ ۶۶۴۶۰۹۹۳
www.IRICAP.com

با تشکر از:

مدیریت حوزه‌هنری و به‌ویژه دکتر گودرزی دیباج ریاست پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی

- مدیریت مرکز اسناد و مدارک، کتابخانه‌ها و شبکه‌های اطلاع‌رسانی سازمان میراث‌فرهنگی
- مدیریت کتابخانه ملی
- آقایان علی صدرائی (عضو هیأت علمی سازمان میراث فرهنگی کشور)، دکتر یعقوب محمدی‌فر و عباس مترجم (اعضای هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینای همدان)، محسن جانجان، بهزاد بلمکی و خانم لیلا شاه‌محمدی (دانشجویان رشته باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا) که در تهیه تعدادی از مقالات همکاری داشته‌اند.

فهرست

پیشگفتار

به یاری خداوند قادر و متعال جلّد ششم مجموعه «دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی» سرانجام یافت و در اختیار جامعه فرهنگی کشور و دوستداران معماری اسلامی ایران قرار گرفت. امید است این جلّد نیز در کنار جلّدهای دیگر بتواند انتظارات و نیازهای فرهنگی خوانندگان ارجمند را جوابگو باشد. کتاب حاضر به معرفی قلاع و استحکامات نظامی و تاریخی ایران و در کل آندسته از بناهایی که با هدف دفاعی و جلوگیری از نفوذ و تسلط دشمن ساخته شده‌اند، می‌پردازد. این‌گونه بناها و به عبارت کلی‌تر «معماری نظامی» از زیرمجموعه‌های مهم معماری اسلامی ایران است که از جهات مختلف تفاوت‌هایی با بخش‌های دیگر داشته و به جهت مشکلات موجود کمتر مورد مطالعه و معرفی قرار گرفته است.

علی‌رغم دشواری طراحی و اجرای این دسته از سازه‌های معماری که معمولاً در مقیاس وسیع و حجم‌های سنگین و اغلب در محل‌ها و نقاط صعب‌الوصول و ناهموار صورت می‌گیرد، شواهد و مدارک موجود نشان می‌دهد که معماران ایرانی در این بخش از معماری نیز شایستگی‌های خود را به اثبات رسانیده و آثار برجسته و ماندگاری از خود به یادگار گذاشته‌اند؛ هرچند باتوجه به عملکرد و ماهیت وجودی، امروز ما با ویرانه این بناها روبرو هستیم. علاوه بر جنبه معماری، قلاع و استحکامات نظامی از نظر تاریخی نیز حائز اهمیت ویژه هستند. بسیاری از این بناها (الموت، لمبسر، گردکوه، قهقهه...) در ارتباط نزدیک با وقایع و حوادث مهم تاریخی ایران قرار می‌گیرند و به نوعی بیانگر آن وقایع می‌باشند.

متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی از وجود و ساخت تعداد بیشماری قلعه و بناهای دفاعی در گوشه و کنار سرزمین ایران خبر می‌دهند امّا امروزه ما تنها تعداد بسیار محدودی از آنها را مشاهده می‌کنیم؛ و آنهم اغلب به صورت ویرانه. ویرانی گسترده این دسته از بناها به عوامل چندی برمی‌گردد؛ نخست ماهیت نظامی آنها که اغلب غلبه دشمن به ویرانی کامل آنها منجر می‌شد. دوم از دست دادن کارائی این بناها در دوره اخیر است که امر بازسازی و نگهداری آنها را منتفی کرده است و دلایل دیگر. درکنار این مشکل، در امر شناسائی و مطالعه نیز مشکلات زیادی وجود دارد که از جمله آنها موارد ذیل را می‌توان برشمرد: فاصله نسبتاً زیاد آنها از مراکز جمعیتی (بغیر از آن تعداد محدود که در داخل و یا حاشیه شهرها و روستاها قرار دارند)، قرار گرفتن اغلب آنها بر فراز ارتفاعات صعب‌الوصول، مشکلات خاص در زمینه بررسی، کاوش و نقشه‌برداری، فقدان کتیبه، سنگ‌نوشته (بغیر از موارد اندک) تزیینات و سبک‌های خاص معماری که کمک بسیاری به تاریخگذاری و شناسائی بنا می‌کنند و بالاخره بازسازی‌های مکرر آن‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی که امر تاریخگذاری را با مشکلات بیشتری همراه می‌کند. مشکل اخیر در این مجموعه نمود بیشتری پیدا کرده است. بسیاری از قلاع و استحکامات قبل از اسلام، در دوره اسلامی بازسازی، تعمیر و مورد استفاده مجدد قرار گرفته است. از این‌رو ضروری بود علی‌رغم اختصاص این مجموعه به بناهای دورهٔ اسلامی، به آن دسته از بناها نیز اشاره شود.

باتوجه به مشکلات موجود و کمبود منابع و مطالعات صورت گرفته، نمی‌توان انتظار داشت تمام قلاع و استحکامات نظامی ایران در این مجموعه به‌صورت شایسته و کامل مورد مطالعه و معرفی قرار گرفته باشد. مجموعه حاضر تا حدود زیادی متکی بر منابع کتابخانه‌ای و به مقدار کمتری مطالعه میدانی است. منابع کتابخانه‌ای در ارتباط با بسیاری از قلاع اطلاعات ناچیزی ارائه می‌کنند؛ واقعیتی که به نوعی در این مجموعه خود را نشان داده است. با این حال تلاش فراوان کرده‌ایم از طرق مختلف و از جمله مطالعات میدانی و سفارش مقالات و مراجعه به مراکز اسناد سازمان میراث فرهنگی و شبکه‌های اطلاع‌رسانی این سازمان، کمبودها را جبران کنیم. علی‌رغم کاستی‌های موجود مجلّد حاضر اولین و کاملترین مجموعه‌ای است که در ارتباط با قلاع و استحکامات نظامی ایران منتشر شده و تا حدود زیادی می‌تواند جوابگوی علاقمندان به این بخش از معماری ایران باشد. شیوه نگارش و تدوین این مجلّد نیز همانند جلدهای پیشین است و خوانندگان می‌توانند ضمن مطالعه کلیاتی پیرامون تاریخچه و معماری قلاع و استحکامات نظامی در ایران با تقسیم‌بندی استانی و ترتیب الفبائی به مطالعه تک‌تک بناها بپردازند. در پایان کتاب نیز مجموعه کاملی از منابع فارسی و نیز تصاویر و نقشه‌های مربوط به قلاع ایران فراهم شده است.

کاظم ملازاده

پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی

كليات

کلیات

یکی از ضروریات شکل‌گیری حیات انسانی وجود امنیت است که بدون آن شکل‌گیری جوامع انسانی و حیات و تداوم آنها غیرممکن به نظر می‌رسد. از مهم‌ترین عوامل تأمین‌کننده امنیت، پوشش‌های مناسب، مستحکم و تدافعی است.

انسان باتوجه به ساختار فیزیکی و نیز شیوه زندگی، در مقایسه با جانداران دیگر از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردار است، لذا نیازمند تدابیر و پوشش‌هایی است که او را در مقابل گرما، سرما و ناملایمات جوی، حیوانات وحشی و همچنین تهاجم دیگر همنوعان محفوظ دارد. باتوجه به داده‌های باستان‌شناسی، پناه بردن به غارها و پناهگاه‌های سنگی جزء اولین ترفندهایی بود که گروه‌های انسانی برای مواجهه با خطرها، بکار گرفتند و سابقه آن به صدها هزار سال پیش برمی‌گردد. آثار این استقرار در غارها و پناهگاه‌های سنگی بسیاری شناسائی، کاوش و مطالعه شده است. غارها و پناهگاه‌های سنگی شرایط بسیار مناسبی برای استقرار گروه‌های کوچک انسانی در روزگاران پیش از تاریخ و زمانی که انسان‌ها تنها از طریق گردآوری غذا و شکار گذران می‌کرده و جمعیت کمی داشتند، فراهم می‌کرده است. آنها پوشش مناسبی در برابر ناملایمات جوی و حفاظ مناسبی در برابر هجوم حیوانات وحشی و دیگر گروه‌های انسانی بودند. ساکنان این غارها با مسدود کردن دهانه غار به کمک تیرهای چوبی و شاخ و برگ درختان و نیز سنگ‌چینی، خود را در برابر خطرات محافظت می‌کردند.

مرحله غارنشینی در تاریخ حیات بشری صدها هزار سال طول کشید و تنها از حدود ۱۰ هزار سال پیش بود که انسان‌ها به‌طور گسترده زندگی در فضای باز و ساخت منازل مسکونی را آغاز کردند. تغییر در شیوه معیشت، محدودیت‌های خاص زندگی غارنشینی، افزایش جمعیت گروه‌های انسانی و عوامل دیگر، چنین تغییر و تحولی را سبب شده است. البته تذکر این نکته لازم است که زندگی در غارها و فضاهای ایجاد شده در صخره‌ها، در مقیاس بسیار اندک و توسط گروه‌های کوچک انسانی تا هزاران سال بعد نیز ادامه یافت. این گروه‌ها با ایجاد تغییراتی در فضای غار و دیواره‌های صخره‌ای، آنها را با شیوه جدید زندگی خود و تغییر و تحولات صورت گرفته هماهنگ ساختند. معماری صخره‌ای دوره‌های متأخرتر در گوشه و کنار ایران و جهان تداوم چنان سنتی است.

اولین منازل ساخته شده توسط جوامع انسانی از طراحی، استحکام و کارائی چندانی برخوردار نبود اما این ضعف‌ها با تکامل تکنولوژی و رونق زندگی روستانشینی و افزایش تولید و جمعیت، به سرعت برطرف شده و در هزاره‌های بعد روستاهای واقعی با معماری کارا و مستحکم به‌وجود آمدند. در روستاهای جدید تدابیر ویژه‌ای برای مقابله با خطرات احتمالی اندیشیده شده بود. یکی از این روستاهای پیش از تاریخ، در محوطه معروف چاتال هویوک (واقع در ترکیه امروزی) شناسائی و مورد کاوش قرار گرفته است. در این روستا تمامی منازل متصل به یکدیگر ساخته شده و تشکیل واحد متراکمی را می‌دادند که فاقد درگاه، کوچه و فضاهای عمومی معمول در دیگر روستاها می‌باشد. راه دسترسی به این منازل از طریق راه‌پله‌ها و روزنه‌های تعبیه شده در سقف آنها بوده است. این روستا در مقایسه با روستاهای دیگر توان دفاعی ویژه‌ای داشته است. با شکل‌گیری طبقات اجتماعی و به‌ویژه طبقه حاکمه و آغاز دوره شهرنشینی، نوعی سازمان اجتماعی و شهری بوجود آمد که نشانه آن ساخت بناهای عمومی و از جمله بناهای استحکاماتی و دفاعی است.

با تشکیل دولت‌های محلی و افزایش جمعیت‌های انسانی و مهاجرت‌های قومی، درگیری مابین جوامع افزایش یافت. برای مصون ماندن از عواقب این درگیری‌ها، ساخت و استحکام‌بخشی حصار و دیوارهای دفاعی و نظامی ضرورت بیشتری یافت. سرزمین ایران به جهت قرار داشتن در مسیر شاهراه‌های ارتباطی و مهاجرت‌های قومی و نیز تنوع جغرافیایی طبیعی و بالطبع تنوع قومی و فرهنگی، در طول تاریخ شاهد تهاجمات، درگیری‌ها و کشمکش‌های بسیاری بوده است. این تهاجمات از جانب شمال‌شرقی و شمال‌غربی، توسط اقوام بیابانگرد و از غرب توسط آشوری‌ها و اورارتوئی‌ها و در دوره‌های بعد توسط مقدونی‌ها و رومی‌ها و نیز اعراب صورت گرفته است. تسلط کوتاه‌مدت و بلندمدت این مهاجمان در کنار تضادهای فرهنگی، قومی و یاغیگری‌های بسیار، به‌ویژه به هنگام روی کار آمدن دولت‌های ضعیف، محیطی ناامن و ناپایدار پدید می‌آورد. در چنین محیطی ساخت استحکامات دفاعی رونق بسیار داشت. حصارهای اولیه که در اطراف مناطق مسکونی کشیده می‌شدند فاقد برج‌های دفاعی در فواصل منظم و غیرمنظم بودند تا به‌وسیله آنها بتوان از دیوارها بهتر محافظت کرد. در ایران، ایجاد مساکن گروهی حصاردار از سه هزار سال ق.م با طرح و نقشه‌های مختلف آغاز شده است. نمونه اینگونه قلاع در بلورآباد واقع در حاشیه دشت شمالی روستای قره‌ضیاءالدین آذربایجان غربی به‌دست آمده است. روی یک بخش سنگی مسطح در دامنه کوهی مرتفع که به‌طرف دشت شیب دارد، بقایای دیوارهای یک قلعه دیده می‌شود که قسمتی از سراشیبی دامنه و دشت را بخود اختصاص داده است... این قلعه که طرح اصلی آن به‌شکل مثلث است، در داخل حصاری مستطیل شکل به ابعاد ۶۵×۹۰ متر قرار گرفته است. حصار اصلی قلعه به پهنای ۳ متر بنا شده است و مصالح آن عبارت از سنگ‌های بزرگ نتراشیده در جلو و قلوه سنگ در قسمت‌های میانی و عقب آن می‌باشد که بدون ملات رویهم قرار گرفته‌اند. حصار فاقد برج‌های دفاعی در رویه داخلی و خارجی است. در فضای داخلی حصار تعداد زیادی خانه شناسائی شده است.

در راوز واقع در جنوب‌غربی ماکو یک محل مسکونی که در ۳۰۰۰ ق.م ایجاد شده (تصویر ش۱)، وجود دارد که در مکانی بشکل مثلث... خانه‌ها ساخته شده است... خانه‌های قسمت شرقی که در دشت واقع شده‌اند دارای امکانات طبیعی دفاعی نیستند. به‌همین سبب در این بخش یک دیوار به عرض ۴ متر از سنگ‌های بزرگ و قلوه‌سنگ و بدون استفاده از ملات کشیده شده که به دروازه باریکی منتهی می‌شوند... بین سال‌های ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م برای استحکام‌بخشی بیشتر، در دیوارهای راوز، برج‌های نیم‌دایره‌ای پیش آمده ایجاد شده و کلیه زوایای دیوارها هم با تغییراتی مستحکم‌تر شده‌اند(کلایس. ۱۳۶۶، صص ۶-۱۰۵).

بناهای حصاردار و مستحکم در جنوب‌غربی ایران و حوزه تمدنی عیلام نیز ساخته می‌شده که عمدتاً از بین رفته‌اند با این حال آثار معماری ارزشمند چغازنبیل (مربوط به اواخر هزاره دوم ق.م) و محوطه‌های باقی‌مانده دیگر، گویای پیشرفت معماری در این دوره است(تصویر ش۲).

شمالغرب و غرب ایران در طی سده‌های نخستین هزاره اول ق.م به‌طور گسترده‌ای در معرض تهاجمات مکرر امپراتوری قدرتمند آشور و پادشاهی اورارتو و نیز اقوام بیابانگرد سکائی قرار داشت. چنین وضعیت ناامن و ناپایداری اقوام ساکن در منطقه را وادار به ساخت قلعه‌های بسیار و مستحکم نمود. از طرف دیگر دولت‌های مهاجم نیز برای حفظ منافع خود اقدام به ساخت قلعه‌های مستحکم در منطقه نمودند؛ به‌ویژه اورارتو که با ساخت قلعه‌های مستحکم بسیاری در شمالغرب ایران، سبک خاصی از معماری نظامی را در ایران رواج داد. امروزه بقایای تعداد زیادی از این قلاع برجای مانده است. مهم‌ترین این بقایا، محوطه باستانی بسطام در شمال‌غرب دریاچه ارومیه می‌باشد که در قرن هفتم ق.م شکل گرفته است(تصویر ش ۱۰). این محوطه که یک مقر حکومتی بوده، در زمان آبادانی در میان مجموعه‌ای از محکم‌ترین و متنوع‌ترین استحکامات دفاعی قرار می‌گرفته است. برج‌های بسیار مستحکم و در فواصل برج‌ها، دیوارهای عریض و محکم و قابل‌دفاع از جمله این استحکامات بود(همان، ص۱۰۷).

در کنار معماری نظامی اورارتو اقوام ساکن در منطقه (مانائی‌ها، مادها و دیگر گروه‌های قومی) نیز در راستای مقابله با تجاوزات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به احداث قلاع و استحکامات دفاعی اقدام کردند که شرح آنها در نقوش برجسته و کتیبه‌های آشور و اورارتو آمده و بقایای آنها نیز در جریان کشفیات باستان‌شناسی، شناسائی و مطالعه شده است(تصاویر ش۷-۳). مهم‌ترین این استحکامات در محوطه‌های باستانی حسنلو، زندان سلیمان، جان‌آقا (در آذربایجان غربی)، زیویه (کردستان)، نوشیجان‌تپه و گودین‌تپه (همدان) قرار گرفته‌اند. باتوجه به متون و نقوش برجسته آشوری، معماری نظامی و تدافعی و همچنین تکنیک‌ها، روش‌ها و تجهیزات قلعه‌کوبی و قلعه‌گیری در این دوره پیشرفت بسیاری داشته است. دژها در این دوره اغلب با مصالح سنگی و بر روی تپه‌ها و کوه‌ها ساخته می‌شدند و دارای حصارهای بلند با برج‌های تدافعی کنگره‌دار بودند. تعدادی از قلعه‌های مهم دارای برج و باروی متعدد و لایه‌های مختلف دفاعی بودند(تصویر ش۳) که گاه تعداد آنها به هفت لایه می‌رسید. شرح یکی از این قلعه‌ها که پایتخت مادها یا اکباتان بوده، در تاریخ هرودوت آمده است: «... دیوارهای آن بلند و محکم و دایره‌وار تو در تو ساخته شده است و وضع آنجا اینست که سر هر کدام از دیوارها از دیوار بعدی بلندتر است. جنس زمین که تپه نرمی است تا حدی برای این ساختمان مساعد بوده ولی بنای آن بیشتر از روی صنعت شده است. شماره دیوارها هفت تاست، کاخ پادشاهی و خزانه در درون محوطه آخری است، محیط دیوار خارجی خیلی نزدیک به‌همان اندازه دیوار آتن است. رنگ بام‌های این دیوارها از اینقرار است: اول سفید، دومی سیاه، سومی ارغوانی، چهارمی آبی، پنجمی نارنجی است و تمام اینها را با الوان رنگین کرده بودند و بام دوتای آخری یکی از نقره و دیگری با طلا مستور شده بود. دیوکس (دیاکو) تمام این استحکامات را برای خود و قصر خود برپا داشت و به اهالی پیشنهاد کرد که خانه‌های خود را در خارج محیط دیوار بسازند» (هرودت. ۱۳۶۲، صص ۹-۷۸). این توصیف وضعیت قلاع حکومتی و مرکزی را در دوره مورد بحث آشکارا بیان می‌دارد.

همچنان که اشاره شد خانه‌های مردم عادی به جهت شیوه معیشت مبتنی بر کشاورزی و دامداری، بیرون از قلعه‌ها قرار می‌گرفت و ساکنان آنها تنها به هنگام بروز خطر در قلاع پناه می‌گرفتند. در این دوره از عوارض طبیعی همچون کوه، رودخانه و دریاچه در امر دفاع نهایت استفاده می‌شد و در مواردی اقدام به حفر خندق در پیرامون قلعه و آب بستن آن، می‌نمودند. در دوره هخامنشی به جهت افزایش قدرت و ثروت دولت مرکزی و گسترش قلمرو که شامل حوزه‌های تمدنی بزرگی چون بین‌النهرین، آسیای صغیر، یونان و مصر می‌شد، معماری نظامی و تدافعی نیز چون دیگر شاخه‌های هنری و فنی پیشرفت بسیار کرد. نمونه‌های معماری نظامی و دفاعی این دوره را در پاسارگاد و تخت‌جمشید شاهد هستیم. در پاسارگاد مقر پادشاهی کوروش، بقایای یک بنای مستحکم نظامی برجای مانده که به «تل تخت» شهرت دارد و ظاهراً در زمان آبادانی مقر نظامی و محل نگهداری خزانه دولتی بوده است(تصویر ش۱۱). وسعت، استحکام، شیوه معماری و عظمت بنای تل تخت نسبت به انواع دوره‌های گذشته برتری آشکاری را نشان می‌دهد. آن بخش از دیوارهای دفاعی باقی مانده در تخت‌جمشید نیز حکایت از تکامل حصارسازی در این دوره دارد (تصویر ش ۱۲). دیوار دفاعی مزبور برج‌های مستطیل‌شکل بزرگ داشته که در داخل آن اتاق‌ها

و نیز راهروهایی جهت دسترسی به طبقات بالاتر و راهروی بالای حصار تعبیه کرده بودند.

در دوره اشکانی با توجه به متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی، شهرهای محصور زیادی به همراه قلاع و استحکامات نظامی و تدافعی ساخته می‌شود. اشکانیان در این دوره درگیری‌های زیادی با سلوکیان و بعدها با رومیان، داشتند که این مسئله ساخت قلعه و استحکامات نظامی بسیار را توجیه می‌کند. از قلاع مهم این دوره که در داخل مرزهای کنونی ایران قرار دارند؛ می‌توان به قلعه یزدگرد سرپل‌ذهاب و قلعه ضحاک هشترود اشاره کرد (تصاویر ش ۴۲-۳۸).

در دوره ساسانی نیز شاهد پیشرفت و گسترش معماری نظامی و تدافعی هستیم که نمونه‌های برجسته آن تخت سلیمان تکاب و قلعه دختر فیروزآباد می‌باشد. تخت سلیمان بر روی صفه‌ای طبیعی و رسوبی و در اطراف دریاچه‌ای ژرف و زیبا به ابعاد ۲۰۰×۴۰۰ متر ساخته شده و دارای حصاری مستحکم با ۳۸ برج مدور دفاعی است (تصویر ش ۱۵-۱۳). نمای این حصار با سنگ‌های تراشیده و با استادی تمام‌کار شده است. در میانه اضلاع شمالی و جنوبی این حصار دروازه‌هایی با طاق بیضوی قرار گرفته است. محوطه تخت سلیمان محل مهم‌ترین آتشکده زمان ساسانی یعنی آتشکده آذرگشنسب بوده است. بر فراز ارتفاعات مشرف به تخت سلیمان بقایای قلعه‌ای دیگر از دوره ساسانی برجای مانده است. محوطه باستانی تخت‌سلیمان در دوره اسلامی و بعویژه دوره آباقاخان مغول بازسازی و مورد استفاده قرار می‌گیرد. قلعه دختر فیروزآباد نیز با معماری و طراحی ممتازی بر بالای صخره مشرف به تنگه مهم و ارتباطی فیروزآباد قرار گرفته و توسط اردشیر اول، بنیانگذار امپراتوری ساسانی ساخته شده است(تصویر ش۱۸-۱۶).

در معماری نظامی و استحکاماتی دوره ساسانی از پوشش‌های طاق و گنبد، مصالح سنگ‌های تراشیده، قلوه‌سنگ و سنگ لاشه و ملات گچ و آهک و نیز خشت و آجر استفاده شده است. استفاده مناسب از برج‌های دفاعی مدور که از مقاومت و استحکامات بهتری برخوردارند، از دیگر ویژگی‌های معماری نظامی این دوره است. نکته دیگری که اشاره به آن در اینجا لازم است انتساب بنای اولیه بسیاری از قلاع صدر اسلام به دوره ساسانی است. با سقوط سلسله ساسانی و پیروزی اعراب مسلمان هرچند بسیاری از استحکامات دوره ساسانی ویران شدند اما تعداد بسیار دیگر همچنان مورد استفاده فاتحان، امرای محلی و بویژه امیرانی که تسلیم اعراب نشده بودند و همچنان به مقاومت خود ادامه می‌دادند، قرار داشت. امرای زرتشتی رشته‌کوه‌های البرز و نواحی ساحلی دریای خزر دهها سال با اتکا به چنین استحکاماتی، استقلال خود را حفظ کردند. همچنین در شمالغرب ایران قیام خرم‌دینان و جنگ‌ها و مقاومت آنان در برابر لشکریان خلفای عباسی، زمینه‌ساز ایجاد، بازسازی و استحکام‌بخشی قلعه‌های بسیاری شد که امروزه بقایای تعداد زیادی از آنها بر فراز رشته‌کوه‌های شمالی آذربایجان برجای مانده است. مهم‌ترین این قلعه‌ها، قلعه بابک یا جمهور است که ظاهراً مقر فرماندهی بابک خرم‌دین بوده است. در این دوره ستیغ کوه‌ها و صخره‌های صعب‌العبور با توان دفاعی بالا، مورد توجه قلعه‌سازان قرار گرفت تا از آنها بتوان به‌عنوان پناهگاهی دست‌نیافتنی در برابر لشکریان بسیار استفاده کرد. آوازه و شهرت شکست‌ناپذیری خرم‌دینان تا حدود زیادی به اتکا این قلعه‌ها بود. با درهم شکستن قیام خرم‌دینان و مقاومت امرای زرتشتی شمال ایران، بسیاری از این قلاع ویران شدند اما با شکل‌گیری حکومت‌های ملی و منطقه‌ای، دیگر بار ساخت بناهای مستحکم و دفاعی رونق گرفت.

در دوره آل‌بویه و در شهرهای مهمی چون اصفهان و ری شاهد ساخت قلعه‌های مهم و نیز حصارهای مستحکم پیرامون شهرها هستیم. این روند توسط حاکمان دوره سلجوقی نیز پی‌گیری شد اما شاید بتوان دوره شکوفائی قلعه‌سازی در دوره اسلامی را مربوط به حیات حدود ۲۰۰ ساله اسماعیلیان در ایران دانست که از اوایل قرن پنجم هجری آغاز و با استیلای مغولان و بر افتادن قلاع اسماعیلیه در اوایل قرن هفتم هجری به پایان می‌رسد. قلاع مورد استفاده اسماعیلیه در بیشتر نقاط ایران' بویژه استان‌های قزوین، سمنان، اصفهان و خراسان پراکنده‌اند. از جمله مهم‌ترین و مشهورترین این قلعه‌ها می‌توان به قلعه الموت و لمبسر در قزوین و دژ گردکوه در دامغان اشاره کرد.

«اسماعیلیه برای دفاع بهتر در مقابل هجوم دشمنان علاوه بر دیوارهای جانبی به فواصل مختلف دیوارهای محکم دیگری می‌ساختند که عموماً به برج‌های بسیار مستحکم منتهی می‌شدند و نمونه این کار را در قلعه قاین واقع در خراسان می‌بینیم. شگفت‌آورترین موردی که در قلاع دیده می‌شود عبارتست از مجموعه سربازخانه‌های قلاع، متشکل از اتاق‌های کوچک در دو طرف یک راهرو و بهترین این مجموعه‌ها در قلعه طبس مسینا (تصویر ش ۱۶۱) واقع در خراسان و نزدیک مرز افغانستان مشاهده می‌شود. در اثر ادامه قلعه‌سازی توسط اسماعیلیه یک روش تازه در معماری قلاع بوجود آمد و تدریجاً توسعه و تکامل یافت تا آنجا که کاملترین آنها در قلعه‌ای واقع در جنوب ساوه ایجاد شد که بیشتر شبیه یک کاخ می‌باشد (تصویر ش ۳۴۷). این بنا شامل یک راهروی میانی است که در دو طرف آن تعداد زیادی اتاق برای سربازان ساخته شده است و متأسفانه در طول زمان آسیب فراوان دیده است» (کلایس، ۱۳۶۶، صص ۱۰-۱۰۹). قلاع اسماعیلیه به جهت استقرار دائم ساکنان در آن و کارکردهای مختلف، از امکانات و فضاهای کارکردی بیشتری نسبت به دیگر قلاع برخوردار بودند. این قلاع در جریان هجوم و قوام مغولان در ایران، تسخیر و منهدم شدند. تعدادی از این قلاع همانند قلعه گردکوه به جهت وضعیت طبیعی

خاص و استحکامات و تدابیر ویژه و چند لایه، توانستند سال‌ها در برابر لشکر قدرتمند مغول مقاومت کنند.

قلعه‌سازی و قلعه‌نشینی در دوره ایلخانی و تیموری نیز ادامه یافت. بنای مهم قلعه‌دختر میانه که از پل و جاده مهم ارتباطی حراست می‌نموده، مربوط به این دوره تاریخی است. در دوره صفویه همگام با دیگر بخش‌های معماری، ساخت بناهای تدافعی و نظامی نیز رونق گرفت؛ به‌ویژه آندسته از بناها که وظیفه حفظ و حراست از راه‌های تجاری، کاروانسراها، تنگه‌ها و گذرگاه‌های مهم ارتباطی و نیز قلعه‌های سرحدی که وظیفه مقابله با هجوم اقوام بیابانگرد و نیز عثمانی‌ها را برعهده داشتند. قلعه میان‌کاله یا میان‌قلعه گرگان و قلعه بردوک آذربایجان غربی مربوط به گروه اخیر است. در این دوره همچنین به جهت حضور استعمارگران اروپائی در خلیج‌فارس، شاهد ساخت قلاع مستحکم در جزایر ایرانی هرمز، خارک و قشم توسط استعمارگران مذکور هستیم (تصویر ش ۶۱-۳۵۶). طرح قلعه هشت‌ضلعی میان‌کاله گرگان با برج‌های هشت‌گوش، مربوط به دوره شاه‌عباس اول به نظر می‌رسد با الگوگیری از طرح‌های اروپائی ساخته شده باشد(کلایس. ۱۳۶۶. صص ۱۱۱).

معماری تدافعی در دوره افشاریه و زندیه نیز تداوم پیدا کرد. قلاع و استحکامات نظامی کلات نادری و نیز ارگ کریمخان شیراز از ساخته‌های این دوره است.

در دوره قاجاریه نیز شاهد ساخت قلاع بسیاری هستیم؛ به‌ویژه قلاعی که توسط حاکمان و سران محلی ساخته شده و به‌عنوان محل زندگی از آنها استفاده می‌شده است. در این دوره به جهت ضعف دولت مرکزی تعدادی از قلاع و استحکامات نظامی به پایگاه و پناهگاه یاغیان، متمردین، و... تبدیل می‌شود(هرچند چنین مواردی در دوره‌های قبل نیز وجود داشته است). در این دوره تعدادی از شهرها با برج و بارو محصور شده و ارگ‌های حکومتی با معماری خاص خود و دروازه‌هایی که تعدادی از آنها برجای مانده‌اند، ساخته می‌شوند. دروازه‌های ساخته شده در این دوره، در کنار کارکرد اصلی، جنبه‌ای تزیینی و نمادی پیدا می‌کنند. دروازه تهران، دروازه ارگ سمنان و دروازه‌های قزوین (تصاویر ش ۳۳-۲۲۲) از این جمله‌اند. در دوره قاجار همچنین با کمک مشاوران اروپائی و به تقلید از انواع اروپائی تعدادی قلعه و حصار شهری ساخته می‌شود؛ برج و باروی شهر خوی و قلعه کهنه کرمانشاه (نقشه‌های ش ۵ و ۳۰۱) که امروزه از میان رفته‌اند، از نمونه‌های خوب این دسته‌اند.

در اواخر دوره قاجاریه و اوایل دوره پهلوی با پیشرفت در ساخت انواع جنگ‌افزارهای نظامی، افزایش ضریب امنیتی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی دیگر، به‌ویژه در زمینه ارتباطات، قلعه‌سازی و قلعه‌نشینی و ساخت دیگر استحکامات دفاعی موضوعیت خود را از دست داده و به‌تدریج از صحنه خارج می‌شوند.

انواع استحکامات دفاعی

استحکامات دفاعی و تاریخی برجای مانده در ایران را می‌توان به انواع زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱) غارها و پناهگاه‌های سنگی که بدون تغییرات و یا با تغییرات و فضاسازی‌هایی به صورت قلعه و پناهگاه مستحکم درآمده‌اند.

۲) قلاع (با تنوع گسترده‌ای از نظر ساخت، معماری، عملکرد و...)

۳) استحکامات دفاعی شهری و روستائی (به صورت برج و بارو، خندق و دروازه)

۴) استحکامات دفاع منطقه‌ای (به صورت دیوارکشی‌های گسترده، مسدود کردن تنگه‌ها و حفر خندق و غیره)

۱) از گروه نخست نمونه‌های زیادی در گوشه و کنار ایران و مناطق کوهستانی شناسائی و مطالعه شده که از جمله آنها می‌توان به معماری صخره‌ای غار کرفتو در کردستان، بی‌بی‌کندی در آذربایجان غربی، غار اسپهبد خورشید در مازندران، قلعه زیرزمینی گلستان در اردبیل و موارد دیگر اشاره کرد. در این دسته از استحکامات، در کنار فضاهای طبیعی، باتوجه به نیازهایی که وجود داشت، فضاهای مختلفی در دل صخره کنده شده است. باتوجه به قرار گرفتن این واحدها در دیواره صخره‌ای کوه، امکان نفوذ دشمن به حداقل می‌رسیده و ساکنان آنها می‌توانستند با حداقل امکانات در برابر دشمن قوی مقاومت کنند.

۲) بخش عمده استحکامات تاریخی و نظامی ایران را قلعه‌ها تشکیل می‌دهند. باتوجه به تنوع بسیار این بناها از نظر ساخت، معماری، کاربرد و استفاده‌ای که از آنها می‌شده، ارائه یک تقسیم‌بندی علمی کار دشواری است؛ به‌ویژه اینکه در خصوص بسیاری از آنها هیچگونه اطلاعات تاریخی (تاریخ ساخت، بانی، نوع استفاده، مدت استفاده، دوره‌های بازسازی و...) وجود ندارد. با این حال در یک تقسیم‌بندی کلی و غیردقیق می‌توان قلعه‌ها را به انواع کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم‌بندی نمود. براساس تقسیم‌بندی دیگر قلاع را می‌توان باتوجه به کارکردی که داشتند به انواع ذیل طبقه‌بندی کرد: قلعه‌های نظامی و سرحدی (که وظیفه حفظ امنیت کشور را داشتند)، قلاع راهداری (که وظیفه تأمین امنیت راه‌ها، کاروان‌های تجاری و کاروانسراهای بین راه را برعهده داشتند)، قلاع و استحکاماتی که مورد استفاده اقلیت‌های مذهبی و سیاسی مخالف دولت مرکزی قرار داشتند (همانند قلاع اسماعیلیه)، قلاع و استحکاماتی که مورد استفاده یاغیان، متمردین و راهزنان و امثالهم قرار می‌گرفت، قلاع حاکم‌نشین که معمولاً در مراکز جمعیتی مهم مورد استفاده حکام محلی و منطقه‌ای قرار داشت، قلاع روستایی که به صورت دائم یا در مواقع خطر مورد استفاده اهالی محل قرار می‌گرفت و بالاخره یک تعداد از قلاع مستحکم

کوهستانی که حاکمان در مواقع خطر و هجوم دشمن به همراه خانواده و اموال ارزشمند خود بدان پناه می‌بردند.

تعیین عملکرد واقعی بسیاری از قلعه‌های تاریخی ایران در فقدان مدارک مکتوب تاریخی غیرممکن به‌نظر می‌رسد از این رو در ادامه، تقسیم‌بندی قلعه‌ها به انواع کوهستانی و جلگه‌ای مبنای بحث قرار گرفته است.

قلاع کوهستانی

مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری قلاع کوهستانی، استفاده از عامل طبیعی در امر دفاع و بازدارندگی و جلوگیری از غلبه دشمن است. در قلعه‌های کوهستانی به شرط انتخاب مکان مناسب برای ساخت قلعه، می‌توان با نیرو و امکانات اندک، حداقل در کوتاه‌مدت، در برابر لشکر بسیار مقاومت کرد، در حالیکه قلعه‌های جلگه‌ای فاقد چنین قابلیتی هستند. در اغلب قلعه‌های کوهستانی دسترسی به قلعه منحصر به باریکه راهی است خطرناک که با تدابیر ساده‌ای می‌توان آن را در برابر دشمن نفوذناپذیر ساخت.

در قلاع کوهستانی نمی‌توان شاهد طرح‌ها و نقشه‌های هندسی، مشابه و از پیش‌طراحی شده بود چرا که نقشه آنها متناسب با سطح صخره‌ها و قلّه‌ها شکل می‌گرفت و همانگونه که این صخره‌ها فاقد شکل و طرح مشخصی می‌باشند، قلعه‌های ساخته شده نیز چنین وضعیتی می‌یافت، این تنوع در فضاهای داخلی قلعه نیز نمود پیدا می‌کند. در تعدادی از قلعه‌ها باتوجه به وضعیت طبیعی کوه و صخره اصولاً نیازی به ساخت برج و باروی اضافی وجود نداشته چرا که دیواره‌های صخره‌ای و پرتگاههای ژرف، نقش برج و بارو را ایفا می‌کرده‌اند. در چنین مواردی تنها بخش ورودی و شکاف‌های احتمالی کوه با دیواره‌های مستحکم مسدود و حفاظت می‌شد. در مقابل قلعه‌هایی نیز وجود دارند که با برج و باروی متعدد و لایه‌های دفاعی مختلف نفوذناپذیر شده‌اند.

قلعه‌های کوهستانی از نظر ساخت و مصالح نیز تنوع زیادی را نشان می‌دهند؛ درحالیکه تعدادی از فضاهای معماری در دل صخره کنده شده‌اند، فضاهای دیگر با مصالح متداول و به صورت آزاد بنا می‌شدند. مصالح مورد استفاده در قلعه‌های کوهستانی به جهت فراوانی مصالح سنگی در محل، عمدتاً از سنگ لاشه، قلوه‌سنگ و در مواردی سنگ تراشیده و فرم گرفته می‌باشد که با ملات ساروج، گل، آهک، گچ و در مواردی به صورت خشکه چین کار شده‌اند. در این قلعه‌ها همچنین از آجر، خشت و گل نیز استفاده شده است. پوشش‌های مورداستفاده در این قلعه‌ها از انواع مسطح تیرپوش و طاق و گنبد می‌باشند.

در مورد آندسته از قلعه‌ها که امکان نفوذ دشمن از جهات مختلف وجود داشت، دور تا دور قلعه را برج و بارو فرا می‌گرفت. در این قلعه‌ها (برخلاف قلعه‌های جلگه‌ای)، برج‌های دفاعی در فواصل نامنظم و تنها در نقاطی که ضرورت داشت، ساخته می‌شدند. این برج‌ها در دوره اسلامی عموماً طرحی مدور، با قطرهای مختلف، دارند. برج‌های کم‌قطر بیشتر به صورت توپر و برج‌های حجیم‌تر با فضاهای خالی و کاربردی در میانه، ساخته می‌شدند. در برج‌های دسته اخیر فضاهایی در چند طبقه و نیز راه‌پله‌ای برای صعود به طبقات بالاتر تعبیه می‌شد. بر بالای برج و بارو روزنه‌ها و کنگره‌هایی تعبیه می‌شد تا نگهبانان ضمن دیده‌بانی، در مواقع هجوم دشمن از آنها تیراندازی کرده و اجسام و موادی را بر سر دشمن بریزند. در تعدادی از قلاع مهم کوهستانی برای افزایش توان دفاعی، برج و باروی دومی نیز در نظر گرفته می‌شد و یا در مواردی همچون قلعه الموت و در دامنه جنوبی آن از خندق نیز برای جلوگیری از نفوذ دشمن استفاده می‌شده است.

دروازه اصلی قلعه‌ها معمولاً در انتهای باریکه راه منتهی به قلعه قرار می‌گرفت و در طرفین آن دو برج مستحکم دفاعی ساخته می‌شد. این دروازه‌ها پوششی طاقی و دربی چوبی و مستحکم داشتند. برای جلوگیری از آتش زدن درب‌ها توسط دشمن، معمولاً آن را با روکش فلزی پوشش می‌دادند (انواع درهای فلزی و سنگی نیز وجود داشته است). قلعه‌ها معمولاً دارای دروازه فرعی و یک راه مخفی بودند که در مواقع ضروری مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در فضای داخلی دروازه قلعه، اتاق‌هایی برای نگهبانان درنظر گرفته می‌شد که معمولاً روزنه‌هایی به بیرون قلعه داشتند. معماری بناهای داخلی قلعه‌های کوهستانی فاقد طرح و نقشه خاصی بود و این پستی و بلندهایی سطح کوه یا صخره بود که محل این تأسیسات و چگونگی قرارگیری آنها را تعیین می‌کرد. فضاهای داخلی از نظر تعداد، وسعت و ساخت نیز بسیار متنوع بوده و معمولاً شامل محل استقرار سربازان و جنگجویان، فضاهای تدارکاتی و مقر فرمانده و حاکم قلعه می‌شد. در قلعه‌های مهم و وسیع، بناهای متعدد دیگری با کارکردهای مختلف وجود داشته است (مسجد، کوشک، کارگاه‌های تولیدی، زندان و...). مقر فرمانده یا کوتوال قلعه در مرتفع‌ترین و دست‌نیافتنی‌ترین نقطه قلعه ساخته می‌شد، به گونه‌ای که گاه این محل خود به قلعه مستحکمی، در میان قلعه اصلی، تبدیل می‌شد. معماری این بخش نیز بسیار متنوع و تابع شرایط و عوامل مختلف به‌ویژه اهمیت و بزرگی قلعه بود.

یکی از مسائل مهم در ساخت قلعه‌های کوهستانی مسئله تأمین آب بود. با توجه به بقایای قلعه‌های برجای مانده، این مسئله به شیوه‌های مختلف حل می‌شد. در تعدادی از قلعه‌ها از جمله قلعه الموت، با ایجاد کانال‌ها و آبراه‌های زیرزمینی و به کمک تنبوشه، آب را از چشمه‌ها و نهرهای جاری در ارتفاعات بالاتر به سطح قلعه هدایت می‌کردند. تعدادی از قلعه‌ها در میان یا کنار خود چشمه‌های آب جاری

داشتند. در تعدادی دیگر، همانند قلعه لمبسر با ایجاد یک راهرو زیرزمینی، از محل قلعه تا کنار رودخانه، امکان استفاده قلعه‌نشینان را از آب رودخانه، حتی در مواقع خطر فراهم می‌ساختند. در تعداد دیگری از قلعه‌ها همانند قلعه فلک‌افلاک، ارگ بم و قلعه دختر کرمان به ایجاد و حفر چاه عمیق اقدام کرده‌اند. اما در بسیاری از قلاع و در نبود چنین امکاناتی (و در مواردی در کنار چنین امکاناتی) به ایجاد حوضچه‌های ذخیره آب حاصل از بارش، یا آب‌انبارها اقدام می‌کردند. این حوضچه‌ها در نقاط خاصی از صخره یا کوه که آب باران یا برف در آن جاری می‌شد، ساخته می‌شدند و در مواردی با ایجاد نهرها و شیارهایی در اطراف آنها، آبهای جاری را بداخل این آب‌انبارها هدایت می‌کردند. شیوه ساخت این آب‌انبارها نیز کاملاً متفاوت بود. تعدادی از آنها در دل صخره کنده شده و تعدادی دیگر با مصالح متداول و ملات ساروج ساخته می‌شدند و تعدادی دیگر نیز متشکل از دیواره یا سد کوچکی بودند که در محل مناسب قرار می‌گرفتند و آب‌های جاری در پشت‌سر آنها جمع می‌شدند (همانند انواع قلعه‌سنگ سیرجان و قلعه دختر جاده کرمان ـ زرند). تعدادی از آب‌انبارها با کمک پوشش‌های مسطح و یا به کمک طاق و گنبد مسقف می‌شدند، تعدادی دیگر پوشش‌های موقت داشتند و بعضی دیگر فاقد هرگونه پوششی بودند. تعداد این آب‌انبارها در قلعه‌های مورد مطالعه متفاوت بوده و تعداد آنها از یک تا ۱۳ مورد متغیر است. قلعه دختر کرمان واقع در جاده کرمان ـ زرند، دارای وسیعترین حوضچه‌های ذخیره آب است.

قلعه‌های جلگه‌ای

قلعه‌های کوهستانی هرچند از استحکام و نفوذناپذیری بیشتری برخوردارند اما برای کسانی که در دشت‌ها و جلگه‌ها زندگی می‌کنند و امکان دسترسی سریع به اینگونه قلعه‌ها را ندارند و همچنین برای مراکز پرجمعیت و حاکمانی که وظیفه تأمین امنیت قلمرو تحت حاکمیت خود را دارند، چندان مناسب نیستند. از همین‌رو قلعه‌های جلگه‌ای همگام با قلعه‌های کوهستانی رشد و نمو کرده و به حیات خود ادامه داده است. در ساخت قلعه‌های جلگه‌ای تپه‌های طبیعی و مصنوعی و بلندیها، به جهت اشراف بر مناطق پیرامون و توان دفاعی بیشتر، موردتوجه ویژه بودند.

قلعه‌های جلگه‌ای عموماً براساس طرح و نقشه از پیش‌طراحی شده و شکلی هندسی ساخته می‌شدند و باتوجه به ماهیت وجودی از ابعاد، استحکام، ساخت و طراحی متفاوتی برخوردار بودند. عنصر اصلی و دفاعی قلعه‌های جلگه‌ای را خندق و برج و بارو شکل می‌دهد، از این رو توجه ویژه‌ای به این بخش می‌شده است. علاوه بر برج و باروی اصلی، در مواردی خندق و حومه یا اراضی مجاور قلعه، توسط حصار دیگری که البته هرگز به استحکام حصار اصلی نمی‌رسید، محصور می‌شده است. خندق دور قلعه به گونه‌ای طراحی و اجرا می‌شد که با اتصال به منبع آب (رودخانه و...) در صورت لزوم با آب پر شده و به مانع مهمی در برابر نفوذ دشمن تبدیل می‌گشت. در فقدان آب، حجم خالی خندق خود مانعی مهم در سر راه دشمن و دستیابی او به حصار قلعه، به‌ویژه انتقال تجهیزات سنگین قلعه‌کوبی می‌شد. خندق‌ها در ابعاد مختلف اجرا می‌شدند اما به‌طور معمول ۴-۳ متر عمق و مقدار بیشتری پهنا داشتند. خاک حاصل از حفر خندق در مواردی برای ساخت قلعه مورد استفاده قرار می‌گرفت.

قلاع جلگه‌ای همگی دارای حصاری مرتفع و مستحکم بودند. این حصار معمولاً در فواصل معین و به‌ویژه در زوایا با برج‌های دفاعی تقویت می‌شد. این برج‌ها عمدتاً در داخل خود فضاهای چند طبقه و راه‌پله‌ای برای دسترسی به طبقات بالا داشتند. حصارها اغلب نقشه‌ای مربع مستطیل و در مواردی چند ضلعی و دایره داشتند. بر بالای برج و بارو به صورت منظم کنگره‌ها و روزنه‌هایی، جهت دیده‌بانی و دفاع تعبیه می‌شد. این عناصر در کنار جنبه کاربردی، نمایی زیبا به قلعه می‌بخشید. مصالح مورد استفاده در برج و بارو را اغلب چینه، خشت و گل تشکیل می‌داد. در مواردی از جمله در قسمت ازاره و دروازه‌ها از مصالح سنگ و آجر نیز استفاده می‌شده است. در تعدادی از قلعه‌های مهم همانند ارگ بم (تصویر ش ۲۷۴)، بر بالای برج و بارو، راهرویی که در دو طرف به جان پناه منتهی می‌شد، تعبیه می‌کردند که در آن نگهبانان قلعه تردد کرده و به دفاع می‌پرداختند و نیز تجهیزات مربوط به دفاع، از جمله توپ بر آن نصب می‌شد. حصارها باتوجه به نوع قلعه به ضخامت‌های مختلف ساخته می‌شدند اما از ضخامت همگی آنها، با افزایش ارتفاع دیوار، کاسته می‌شد.

در ضلع اصلی حصار که معمولاً رو به جانب جاده ارتباطی داشت، دروازه قرار می‌گرفت. تعدادی از قلاع گاه بیش از یک دروازه داشتند. این دروازه‌ها در طرفین توسط برج‌های مستحکم دفاعی حفاظت می‌شدند. در داخل این برج‌ها، بالای دروازه و فضای پشت آن، اتاق‌هایی برای استقرار نگهبانان ساخته می‌شد. این اتاق‌ها روزنه‌هایی به بیرون قلعه داشتند و ورود و خروج به قلعه را کنترل می‌کردند. در قلعه‌های خندق‌دار، برای عبور از خندق و رسیدن به دروازه، پلی از نوع ثابت یا متحرک تعبیه می‌شد. نمونه پل‌های ثابت در ارگ بم دیده می‌شود (تصویر ش ۲۵۹). اما پل‌های متحرک و چوبی که در قدیم به آنها «تخته پل» می‌گفتند، به گونه‌ای ساخته می‌شدند که در مواقع خطر براحتی بتوان آنها را برچید و راه عبور دشمن را سد کرد. در برخی از قلعه‌های مجهز و مهم از درهای متحرک دروازه به جای پل استفاده می‌کردند؛ بدین‌صورت که لت بزرگ و یک تکه دروازه با دو زنجیر که از سوراخ‌های بالا و دو طرف دروازه بیرون می‌آمد، بر روی خندق می‌خوابید و شب‌ها یا به هنگام خطر با کشیدن زنجیرها پل برچیده و

دروازه مسدود می‌شد. زلالی در شعری دروازه قلعه قهقهه را به دهان و تخته پل یک لتی آن را به زبان تشبیه کرده است.

قـلعه قـهقهه، دهـان کـردن تخته پل بر درش زبان کـردن

ساختار و معماری داخلی قلعه‌های جلگه‌ای بـاتوجه بـه نـوع آن متفاوت بود. فضای داخلی تعدادی از قلعه‌ها در اصـل مـحل زندگی حاکم را تشکیل می‌داد در حـالیکه در تـعدادی دیگـر فـضای داخـلی روستایی کوچک بود و در بعضی دیگر، ترکیبی از این دو و فراتر از آن. از جمله مورد اخیر می‌توان به ارگ بم اشاره کـرد کـه مـتشکل از ارگ حکومتی، قسمت شهر (شارستان)، برج و باروی اصـلی و خـندق و حومه (ربض) می‌باشد. در چنین مواردی ارگ حکومتی در مرتفع‌ترین بخش و در قسمت انتهایی قلعه اصلی قرار می‌گرفت و از برج و باروی مستحکم و اختصاصی بهره می‌برد. این قسمت معمولاً از طریق یک دروازه به داخل قلعه و از طریق دروازه دیگری به خارج از حصار قلعه راه پیدا می‌کرده است.

استحکامات دفاعی شهر (برج و بارو، خندق و دروازه)

تقریباً اکثر شهرها و نیز روستاهای مهم در گذشته دارای حصاری بودند که آنها را در مقابل خطرات احتمالی مـحافظت مـی‌نمود. شـرح تعداد زیادی از این حصارها در متون تاریخی آمده است ولی متأسفانه به جهت ویرانی ناشی از گسترش شهرها از آن همه امروزه تنها بقایای اندکی در شهرهایی چون یزد، کاشان، طوس و... برجای مانده است. با ویرانی برج و بارو شهری، تقریباً تمامی دروازه‌های شهری نیز از میان رفته مگر موارد نادری چون دروازه سنگی خوی، دروازه‌های قزوین و نیز دروازه‌های مربوط به ارگ حکومتی در سمنان و تهران. برج و باروی شهرها با چینه و خشت و گـل سـاخته مـی‌شد و تـوسط خـندقی در پیرامون آن حفاظت می‌شده است. دروازه‌های شهری نـیز در راستای جاده‌های مهم ارتباطی قرار می‌گرفت و از فضاهای مهم شهری به‌شمار می‌آمد و حکومت‌ها از آنها برای کنترل ورود و خروج و تأمین امنیت، وصول عوارض گـمرکی و غـیره اسـتفاده مـی‌کردند. دروازه‌هـا دارای درهای یک لتی یا دو لتی بودند و به هنگام شب بسته می‌شدند. کـار حفاظت از دروازه را همانند قلعه‌ها، برج‌های طـرفین ورودی بـرعهده داشتند. دروازه‌های شهری معمولاً یک دهانه بیشتر نداشتند اما از دوره قاجاریه دروازه‌هایی داریم که علاوه بر دهانه اصـلی، دارای دو دهـانه فرعی در طرفین دهانه اصلی بوده و به شیوه هنرمندانه و بـا تـزیینات کاشیکاری و آجرکاری ساخته شده‌اند(تصاویر ش ۳۳-۲۲۲ و ۱۷۶).

استحکامات دفاعی منطقه‌ای

درکنار قلاع و استحکامات شهری که یک محدوده کوچک و تعداد مشخصی از افراد را تحت پوشش خود قـرار مـی‌داد، استحکامات و تدابیر دفاعی دیگری نیز وجود داشتند کـه در یک سـطح گسـترده‌تر، مناطقی ازکشور و حتی خودکشور را در مقابل هجوم دشمن محافظت می‌کرده است. نمونه برجسته و غیر ایرانی چنین استحکاماتی، دیوار بزرگ چین می‌باشد که مانع هجوم اقوام بیابانگرد به این کشور می‌شده است. در ایران نیز نمونه چنین استحکامات دفـاعی، البـته در مـقیاس کوچک‌تر، شناسائی شـده است؛ دیوار دفـاعی گـرگان، دیـوار دربـند، خندق جرکلباد از این جمله‌اند.

دیوار گرگان در دوره ساسانی به موازات رود گرگان و حد شـمالی آن، از کناره دریای خزر تا کوه‌های شمال شرق گنبد قابوس، بـه طـول ۱۵۵ کیلومتر و عرضی در حدود ۱۰ متر، با هدف جلوگیری از هجوم اقوام بیابانگرد، کشیده شده است (نقشه ش ۳۰۳-۳۰۲). امروزه بقایای این دیوار به ارتفاع بین ۲ تا ۵ متر برجای مانده است. در قسمت شمالی این دیوار همچنین بقایای خندقی به عرض ۳۰ و عمق ۳ مـتر وجـود داشته که بقایای آن در قسمت‌های میانی مشهود است. در فاصله هر ۳ تا ۴ کیلومتر این دیوار، قلعه‌هایی بنا شده بود که امروزه بقایای تعدادی از آنها برجای مانده است. شکل این قلعه‌ها عموماً مربع یـا مسـتطیل بوده و در اندازه‌های متفاوتی از ۱۱۲×۱۲۰ تا ۲۰۰×۲۸۰ متر بنا شده‌اند (پازوکی، ۱۳۶۷، ص ۱۰۷).

دیوار دربند که امروزه بیرون از مرزهای سیاسی ایران و در خـاک جمهوری آذربایجان قرار گرفته، در حد فاصل دریای خزر و ارتـفاعات شرقی کوه‌های قفقاز کشیده شده و تنگه و گذرگاه مهم ارتباطی شمال و جنوب را مسدود می‌کرده است. این دیوار بـه مـناسبت دروازه‌ای کـه برای عبور و مرور در آن تعبیه شده بود، «دربند» و «دروازه» نیز خوانده می‌شده است. در منابع اسلامی گاه از آن به‌عنوان سد ذوالقرنین، سـد سکـندر و سـد یـاجوج و مـاجوج نـیز یـاد شـده است (همان، صص۱۴-۱۱۲). تاریخ بنای اولیه این دیوار مشخص نیست اما با توجه به شواهد و قرائن مـوجود مـی‌توان آن را از سـاخته‌های اوایـل دوره هخامنشی و احتمالاً کوروش کبیر دانست. این دیوار در دوره بـاستان مانع مهمی در برابر هجوم اقـوام بـیابانگرد بـه داخـل سـرزمین ایـران محسوب می‌شده و توسط قلعه و سپاهیان زبـده مـحافظت مـی‌شده است. عنایت‌الله رضا در خصوص این دیوار می‌نویسد: «استحکامات دربند، دیوار سنگی بسیار بلندی بود کـه بـه درازای چـهل کـیلومتر از کوهستان تا کرانـه دریـای خـزر امـتداد داشت و خـط دفـاعی بسـیار مستحکمی در برابر سواران مهاجم دشمن به شمار می‌رفت. این دیوار که از تخته سنگ‌های بسیار بزرگ ساخته شده بود ۱۸ تا ۲۰ متر ارتفاع داشته و سی برج بر فراز این دیوار قرار گرفته بود. دیوار سه دروازه آهنی داشت که یک دروازه آن به دریا گشوده می‌شد.»

خندق جرکلباد نیز میان دریای خزر و کوه بردنا قرار داشته و امروزه حدود یک کیلومتر از خندق و خاکریز آن باقی مانده است. با توجه به

روایت‌های موجود قدمت این خندق به دوره ساسانی باز می‌گردد که در دوره‌های بعد، از جمله در دوره صفوی و قاجاریه بازسازی شده است. منوچهر ستوده می‌نویسد که این خندق در زمان شاه‌عباس اول کنده شده است تا اشرف‌البلاد (بهشهر امروزی) را از یورش‌های ترکمانان حفظ کند. (ستوده. ۱۳۶۶، ص ۹۲)

علاوه بر دیوارها و خندق‌ها که در سطحی نسبتاً گسترده کشیده می‌شدند. در تنگه‌های مهم ارتباطی که تنها راه دسترسی مناطق محسوب می‌شدند و در تنگ‌ترین نقطه آن، دیواره و دروازه‌ای ساخته می‌شد و از طریق احداث قلعه و پاسگاه، ورود و خروج از آن کنترل می‌شد. سابقه چنین دروازه‌هایی به دوره هخامنشی برمی‌گردد و شرح آنها در تاریخ هرودوت آمده است.

یکی از دروازه‌های مهمی که در کتب تاریخی از آن سخن بسیار رفته و نقش مهمی در تاریخ این سرزمین داشته، دروازه خزر است. دهخدا در این رابطه می‌نویسد: «دروازه خزر گذرگاه عمده سرزمین ماد به سرزمین‌های پارت و هیرکانیا بود. در میان رشته‌کوه البرز دره‌ای عمیق بود که آن را قابل‌عبور کرده بود. با این حال فقط یک ارابه جنگی می‌توانست از آن بگذرد. ایرانی‌ها در تنگ‌ترین قسمت آن دروازه آهنین نصب کرده و پاسبانان بر آن گماشته بودند...». این قبیل دروازه‌ها تا قرن ۱۲ و حتی ۱۳ هجری کمابیش در نقاط مختلف ایران وجود و کاربرد داشته است. در سفرنامه مک‌گرِگُر، افسر انگلیسی که در حدود سال ۱۸۷۵ م از کلات نادری دیدن کرده، تصاویر چنین دروازه‌هایی آمده است (پازوکی ۱۳۷۶، ص ۱۲۷) دروازه قرآن شیراز را شاید بتوان از این گروه محسوب داشت که ورودی جلگه شیراز را در تنگ اللّه‌اکبر تحت‌کنترل خود داشته است.

در پایان مبحث بناهای استحکاماتی و تدافعی اشاره به این نکته شایسته است که در ایران تعدادی از رباط‌ها و کاروانسراهای بین راه، در کنار کارکرد اصلی، نقشی حفاظتی و دفاعی داشتند و مجهز به برج و باروی مستحکم بودند که آنها را در برابر یورش راهزنان و دشمنان دیگر محافظت می‌کرد. همچنین با استقرار تعدادی نیروی نظامی در این مراکز، امنیت کاروانیان و راه‌های تجاری تأمین می‌شد.

درخصوص انواع قلعه‌ها، قلعه‌داری و قلعه‌گیری مطالب ارزشمندی در کتاب «آداب‌الحرب و الشجاعه»، مربوط به نیمهٔ اول قرن هفتم هجری آمده که به‌جاست بخش‌هایی از آن را در اینجا بیاوریم: «و حصار هم بر چند نوعست: ۱) آن است که در زیرزمین سمج‌ها کرده باشند و آن راه‌ها کرده باشند و سوراخ‌های آن را در رودباری یا لوره‌کندی یا بیشه‌ای بیرون برده تا کسی درنیابد. ۲) آنست که حصار بر روی زمین باشد که درو سمج توان گرفت و به مراد جنگ توان کرد. ۳) آنست که بر پشته‌ها و سرهای کوه باشد. اگر برگ حصار ساخته باشد از مرد و جز آن دشوار توان ستد. بر آن صلح باید کرد و بازگشت که اگر بی‌صلح بازگردد، وهنی بزرگ باشد و اگر بر حصار بنشیند چون عسر شد، لشکر به کاه و علف رنج بیند و به سبب مقام لشکرگاه تباه شود و هوا عفن گردد و رنجوری‌های مزمن خیزد و نشاید که پادشاهان زیر چنین حصارها روند. و اگر شهری حصین باشد و اسباب آنچه در حصار باید ساخته باشد و مرد بسیار، نشاید که پادشاه نزدیک آن حصار رود که اوباش شهر استنساخ شوند و به نزدیک شهر رها نکنند. او اگر بی‌غرض برخیزد وهنی بزرگ باشد. و اگر مردمان حصاری، درمانند و امان خواهند و التماس کنند که آنچه بتوانند ببرند، باید داد و در آن هیچ مضایقت نگیرد که چون حصار فتح شد کاری بزرگ باشد. به حصار بسنده باید کرد که غرض از کارها برآمد مرادست و گرفتن و مسلم شدن حصار. و اللّه‌اعلم بالصواب» (پازوکی. ۱۳۷۶، صص ۷۲-۱۷۱).

صاحب کتاب «آداب‌الحرب والشجاعه» درباره احتیاجات قلعه‌نشینان می‌نویسد: «و آنچه درونیان را باید مردان دانشمند و مؤذن و طبیب و منجم و طباخ و زه‌تاب و تیرگر و کمانگر و درودگر و زرگر و زراد و سراج و چیلانگر و چرخگر و جراح و حجام و درزی و پنبه‌زن و جولاه و فقاعی و کلال و گازر و نعلبند و نمدگر و موی‌تاب و غسال و حفار و کناس و طبال و دمامه و دهل‌زن و بوقی و چوبک‌زن و دیگر طبل و علم و دمامه و دهل و کاسه و بوق و صنج و طبل‌باز و دیگر تیر کلک و تیر ناوک و غورک و ملخک و جوال‌دوز و دانگ سنگ و نیم‌دانگ سنگ و کمان و زنبورک و نیم‌چرخ و چرخ و کشک‌انجیر و منجنیق و عراده‌گردان و خفته و سنگ منجنیق و سنگ دست و سنگ فلاخن و دیگر آرد گندم و جو و دیگر حبوب از هر جنسی بسیار و روغن و سرکه و گل سیاه و روغن گاو و کنجد و پیه و کنجاره و روغن چراغ و پلیته و مشعله و چراغدان‌های زیادتی و گوشت قدید و سر گوسفند و پاچه قدید و هیزم بسیار و نی بسیار که اگر تیر نماند تیر سازند و آهن بسیار و میخ‌های دولابی و دیوارکن و خام گاو و گاومیش و زنجیرهای سرکژ که اگر خرک نهند، پشتوارهٔ نی با هیزم را در آن سخت کنند و بر خرک فرو هلند تا خرک و آن کس که زیر خرک باشد بسوزد. و دیگر تخته‌های سبک و تخته‌های گران و موش دنبها و سنگ‌های گران که سر دیوار و کنگره‌ها نهند و آسیا سنگ‌ها و هیکل‌های ارمت (؟) و میخ‌های دوسر آهنین در قیاس نیم‌من و یک من و از حوائج آنچه به مطبخ به کار شود، از هر جنسی ترشی و شیرینی و پرورده‌ها و آچارها و ادویه و دیگر پیه گاو بجهت کمان و زه‌کمان و انگشتوانهٔ بسیار و سپر گرگ و سوشک و خفچه و خدنگ و رشته‌های زیادتی از جهت منجنیق و کواره و کهاره از جهت سنگ کشیدن و فلاخن و شیلو و تنبوره و جمله سازها و مطربان که از جهت پاس داشتن سماع کنند و دیگر جوشن و خُود و خفتان و بغلطاق و برگستوان و کدر (نسخه: کدری) و از جهت روغن ریختن کفلیزهای آهنین بزرگ به سبب روغن جوشیده که فرو ریزد و خشت خام بسیار و آهک و گچ و نی و کره (ظاهراً:

لوئی) و چیزی که اگر جائی خلل افتد، در حال درست کنند و تخته‌های برکال (نوعی گل) گشته و خرتیرها. و چون خصمی نزدیک حصار آید، البته یاوه نگویند و دشنام ندهند و خدای را بسیار یاد کنند و در هیچ کار تقصیر نکنند و غافل نباشند که اگر چه حصار نیک حصین باشد، پاس و تیمار بهتر دارند و همه شب بیدار باشند و پیوسته تفحص دیوارها و رخنه‌ها بکنند و بر دربانان اعتماد نکنند و کلید قلعه را بستانند و شب‌ها خود نگاه دارند. و هر شب پاسبانان را از برجی به برج دیگر فرستند که شاید از بیرون برایشان راست نهاده باشند و در پاس داشتن غفلت نکنند تا ایشان از دیوار کندن و نقب‌زدن بپردازند و هر شب چهار بار بر درهای قلعه روند و احتیاط کنند و دربانان و سرهنگان را که بر در باشند تلطف نمایند و امیدوار به تربیت و انعام کنند و منجنیق و عراده‌اندازان را تشریف وصلت دهند و ناوک و غورک و جوال‌دوزاندازان را باید که پیوسته بر سر کار دارند و تیر و ناوک و جوال‌دوز بیهوده خرج نکنند، به‌وقت و هنگام جنگ خرج کنند... و اگر جنگ بیرون در باشد، از پس فصیل و خندق نگذرند و در خالی رها نکنند و بر در سرهنگان و نقیبان جلد مردانه، روز جنگ نصب کنند و درها را به سلاح از تیر و کمان و نیزه و نیم‌نیزه و دمک و پیل‌کش و گروه و سپر چرخ و سپر فراخ دامن آراسته دارند و تیراندازان و ناوک‌اندازان و نفط‌اندازان را پیوسته بر درهای قلعه مرتب دارند و شب و روز دل در کار جنگ دارند تا خدای تعالی آن شر دفع کند» (ستوده. ۱۳۶۶، ص ۹۵-۹۴).

انواع منجنیق هم که آلت اصلی دفاع و تعرض بوده است در کتاب «آداب‌الحرب و الشجاعه» چنین توصیف شده است (همانجا):

«۱ـ منجنیق عروس و آنرا به چهار سوی بتوان انداخت

۲ـ منجنیق دیو

۳ـ منجنیق غوری‌وار

۴ـ منجنیق روان و عراده یکروی و عراده‌گردان و عراده خفته و عراده روان».

اما درخصوص سلاح‌های تعرضی و طرز تسخیر دژها بخش‌هایی از مقاله دکتر ستوده را عیناً نقل می‌کنیم: «آلات جنگ دفاعی و تعرضی دژها تقریباً مشترک است. دژنشینان از تیر و کمان و انواع آنها و منجنیق و عراده و اقسام آنان و کشکنجیر استفاده می‌کردند. بیرونیان وسایل بیشتری لازم داشتند. ابتدا در محلی که از تیررس درونیان بیرون بود خندقی به دور دژ حفر می‌کردند و پس از چپربندی، لشکریان پشت آن فرود می‌آمدند. مهاجمین از راه گرفتن و سوزاندن درها یا شکستن آنها به وسیله فیل‌ها، یا رخنه‌کردن در دیوارها یا نقب‌زدن و خراب کردن دیوارها می‌توانستند به دژ دست پیدا کنند. برای این کار ابتدا مجبور بودند خندق دژها را با هیمه و خاشاک پر کنند تا بتوانند وسایل رخنه کردن به دیوار را به پای بارو برسانند. محفظه‌هایی با الوار قطور درست می‌کردند و کارگران را در سایه آن به پای دیوارها می‌رساندند. ضمناً نقب‌چیان از فواصل دورتر نقب می‌زدند و به زیر بارو می‌رسیدند و بارو را بر سر چوب می‌گرفتند و به کار خویش خاتمه می‌دادند، یعنی با آتش دادن چوب‌ها بارو یا برج دژ را خراب می‌ساختند و راهی برای بالا رفتن درست می‌کردند. نقب‌چیان گاهی نیز راهی برای ورود به دژ حفر می‌کردند و سربازان شبانه به دژ وارد می‌شدند و با زدن دهل و کرنا و تولید رعب و وحشت ورود خود را اعلان می‌کردند و پس از جنگ دژ را می‌گرفتند. یکی از کارهای مأمورین حفاظت دژ گوش بزنگ بودن و صدای ضربه‌های نقبچیان را شناختن بود. گاهی نقبچیان داخل دژ نیز یا زدن نقب خود را در زیرزمین به ایشان می‌رساندند و عمل نقبچیان بیرونیان را خنثی می‌کردند... درودگران پس از ساختن خرک آنرا به دست سربازان مسئول می‌دادند و ایشان هم آنرا به طرف بارو می‌راندند و از آن بالا می‌رفتند و با انداختن پل متحرک آن، به بالای بارو دسترسی پیدا می‌کردند... درونیان برای دفع خرک‌گذاران روغن داغ و آتش از بالای دژ بر سر ایشان می‌ریختند و با انداختن سنگ و تیر ایشان را مانع انجام عمل می‌شدند. از کمند و نردبان‌های چوبی و کنفی نیز برای بالا رفتن از بارو استفاده می‌کردند».

صاحب کتاب آداب‌الحرب، باب بیست و هفتم کتاب خود را به بیان جنگ حصار و تدبیر و حیلت گشادن دژ اختصاص داده است: «امّا اندر حصار گرفتن حیلت آنست تا دل حصاریان به سوی خویش آرند، به رقعه اندرون انداختن و پیغام فرستادن و سخن نیکو گفتن و وعده‌های خوب کردن بهر وجهی که بتوان و دیگر اخبار اراجیف انداختن، چنانکه گویند منجنیق‌ها خواهند نهاد و در او آتش زد تا دیوار فرود آید و نفط و آتش خواهند انداخت در حصار تا همه بسوزد و فلان لشکر قراری خواهد رسید و فلان لشکر به فلان جای رسیده است... رقعه‌های دروغ نویسند بهر کسی از مقدمان حصار یعنی شما به ما یارید موافق و آنچه بودید معلوم گردانیده بر آن وقوف افتاد و تدبیر آن کرده می‌شود و منت داشته می‌آید... تا ایشان دو گروه شوند و حصار را هیچ‌چیز بدتر از دو گروهی نیست... آنچه در حصار گشادن باید اینست: نردبان لیفین و ریسمانی و کنب و سرچنگال و خرک و مترس و ده مرده و منجنیق و عرادهٔ گردان و عرادهٔ خفته و دیوارکن و آتش‌کش آهنین و بیل و کلند و نیزه مردگیر و سپر چخ و گروه (=گلوله) و نیزه سردندانه و تخت‌های زیادتی و ستون‌ها». دژهای غار مانند را که در دل پرتگاه‌های عظیم بود به اشکال و سختی می‌توانستند گشاد. بیرونیان مجبور بودند به قلل کوه‌هائی که این نوع دژها در آنست بروند و سربازان و جنگجویان خود را در صندوق‌ها بگذارند و با طناب‌های قطور به پائین بفرستند تا در مقابل دهانه غار قرار گیرند. آنوقت با دژنشینان با تیر و کمان و نیزه و شمشیر به جنگ بپردازند و سپس خود را به درون غار اندازند و با خنجر و کارد کار دژنشینان را بسازند.

تسخیر دژهای کوهستانی به مراتب مشکلتر از دژهای جلگه‌ای بود

زیرا نقب‌زدن، خرک پیش بردن با استفاده از نردبان چوبین در این نوع دژها بی‌اثر بود از این جهت در لشکریان گروهی به‌نام «کوه‌رو» یا «کوهمال» بودند که بندها و سختان‌ها را به راحتی بالا می‌رفتند و به آتش زدن دروازه‌ها یا کمند انداختن و از بارو بالا رفتن یا نصب نردبان‌های ریسمانی، به داخل دژ دست پیدا می‌کردند و با گشودن دروازه‌ها، یا آتش زدن مواد غذائی و مواد سوختنی و نظایر این اعمال، دژنشینان را مجبور به تسلیم می‌کردند. نصب منجنیق و عراده هم در این نوع دژها مشکل بود و اغلب مجبور بودند قسمت‌های جداگانه آنها را به کوه‌هائی که سرکوب دژ هستند بکشند و پس از نصب، از بالا بارو و بناهای دژ را بکوبند... صاحب کتاب آداب‌الحرب در بیان راه تسلیم شدن چنین آورده است: «و اگر دانند که حصار را نگاه نتوان داشت نسبت چند چیز یا خلل حصار و یا اندکی مرد و سپاه و یا ناساختگی سلاح و یا تنگی آب و علف و کاه و هیزم و یا ناموافقی اهل حصار و چون این چیزها مشاهده کردند و معلوم گردانیدند، زینهار، زینهار که بر عقل مکابره مکنید و امان خواهید و به‌عهد و سوگند مغلظ مؤکد گردانید و بیهوده خود را و خانه و جان فرزندان را بباد مدهید و در مهلکه نیفکنید که چون حصار به‌قهر و جنگ ستده شود نتوان دانست که حال هریک چه شود و عاقبت کار به کجا رسد تا این دقایق معلوم گردانند و کار خود پیش از وقت بسازند تا درنمانند و هلاک نشوند. تا مردم زنده است آنچه از دست او شود باز به دست آید و خدای تعالی عوض دهد تا غم قماش و کدخدائی نخورند که معتبر جان است و دیگر همه‌چیز تبع‌اند تا استبداد نکنند و خلاص خود جویند» (ستوده. ۱۳۶۶، صص ۹۷-۹۶).

منابع: پازوکی. ۱۳۷۶؛ خاماچی. ۱۳۷۲؛ ذکاء. صص ۲۴۰-۲۰۹؛ ستوده. ۱۳۶۶، صص ۱۰۴-۹۱؛ سلطانزاده. ۱۳۷۲؛ سورتیجی. ۱۳۸۱؛ عریان. ۱۳۷۴، صص ۱۰-۳۰۵؛ کلایس. ۱۳۶۶. صص ۲۸-۱۰۵

کاظم ملازاده

آذربایجان شرقی

قلعه آغجا / آغجا قالا (ورزقان)

این بنا که به قیز قالاسی (قلعه دختر) نیز شهرت دارد، بر فراز تپه یا کوهی، از ارتفاعات قره‌داغ و در ۵۰ کیلومتری شمال‌غربی‌ورزقان و ۱۰۵ کیلومتری غرب اهر واقع شده است. وجه تسمیه این قلعه به آغجا (سفید) ظاهراً به جهت رنگ سفید ملات آهکی آن است.

دسترسی به قلعه آغجا از طریق جاده معدن مس امکان‌پذیر است. این قلعه نسبت به جاده مزبور حدود ۵۰۰ متر ارتفاع دارد و بغیر از بخش جنوبی آن، در جهات دیگر پرتگاه بوده و با درختان جنگلی پوشیده شده است. تنها جهت جنوبی قلعه سطح شیب‌دار و قابل دسترسی دارد و احتمالاً دروازه اصلی قلعه نیز در همین سمت قرار داشته است. بقایای سنگ‌های فروریخته از دیوارهای جنوبی قلعه در همه جا پراکنده است. نقشه قلعه متناسب با شکل طبیعی کوه بوده و در حال حاضر بقایای ۸ برج نیم دایره‌ای و بقایای دیوارهای مستحکم آن باقی‌مانده است. ارتفاع کنونی برج‌های باقی‌مانده به ۴ متر می‌رسد. ۵ عدد از این برج‌ها در جبهه جنوبی و ۳ عدد دیگر در سه گوشه قلعه قرار گرفته است. دیوارهای قلعه حدود ۲ متر ضخامت دارند و ارتفاع کنونی آنها نیز به ۳ تا ۴ متر می‌رسد.

ورود به قلعه از ضلع جنوبی و از طریق پلکان‌هایی صورت می‌گرفته که در طول زمان ویران شده و تنها آثاری از آنها برجای مانده است. شواهد موجود نشان می‌دهد که در ضلع شمالی قلعه نیز دروازه‌ای وجود داشته است. مساحت فضای داخلی قلعه به حدود ۱۵۰×۲۰۰ متر می‌رسد. بناهای داخلی در دو قسمت اصلی و متمایز از همدیگر ساخته شده‌اند. قسمت شرقی دارای چندین اتاق دو طبقه بوده که توسط پلکان‌هایی به قسمت غربی که مشتمل بر یک تالار بزرگ و فضاهای پیرامون بوده، مربوط می‌شده است. این تالار به بیشتر فضاهای معماری اطراف خود دسترسی داشته است. مصالح مورد استفاده در بنا، سنگ لاشه محلی و ملات ساروج سفید رنگ است. شالوده دیوارها و برج‌ها برای استحکام بیشتر بر بستر صخره‌ای کوه قرار گرفته است. با توجه به موقعیت مناسب قلعه که به درّه‌ها و نقاط پیرامون اشراف دارد و با توجه به شواهد مربوط به دوره‌های مختلف تعمیراتی، احتمال می‌توان داد این قلعه در دوره‌های اشکانی، ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی مورد استفاده بوده است. موقعیت و ساخت این قلعه را می‌توان با دیگر قلاع منطقه از جمله قلعه بابک، جوشین، قهقهه، آوارسین و پشتو مقایسه کرد.

منبع: خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۱۷-۱۳

قلعه آق‌گنبد (جزیره اسلامی)

بقایای اندک این بنا بر فراز ارتفاعات جنوبی روستای آق‌گنبد و گوشه شمال‌شرقی جزیره اسلامی (از توابع شهرستان آذرشهر) واقع شده و احتمال می‌توان داد همان قلعه شاهی باشد که گنجینه هولاکوخان مغول مدتی در آن نگهداری می‌شده و همچنین قبر هولاکوخان و دیگر سرداران مغول در آنجا بوده است.

بنای اولیه قلعه به قرون نخستین اسلامی برمی‌گردد و ظاهراً همانی است که توسط ابن‌مسکویه و در زمان خلافت متوکل عباسی، «قلعه‌شراه» (قلعه یاغیان) نامیده شده است. از این قلعه امروزه آثار چندانی برجای نمانده؛ شاید شهرت مدفون شدن گنجینه هولاکوخان مغول، ویرانی گسترده این بنا را سبب شده است. سه جانب این قلعه به پرتگاه منتهی می‌شود که این مسئله دفاع از قلعه را آسان می‌کرده است. در بخش جنوبی قلعه بقایای دیوار سنگی به عرض یک متر و ارتفاع باقی مانده ۳ متر دیده می‌شود.

منابع: خاماچی. ۱۳۷۰، ص ۱۶۵

خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۸-۳۳

ویلبر. ۱۳۴۶، ص ۱۱۸

قلعه آوارسین (کلیبر)

بقایای این قلعه که در محل به قلعه گبر نیز شهرت دارد، بر فراز صخره کوهی، در ارتفاع ۲۲۵۰ متری و در نزدیکی روستای آوارسین، واقع در منطقه کوهستانی و جنگلی شمال‌شرق شهرستان کلیبر، قرار گرفته است. روستای آوارسین در ۲۳ کیلومتری جنوب خداآفرین و ۱۱ کیلومتری شمال راه شوسه اهر ـ کلیبر قرار دارد. صخره‌ای که قلعه بر بالای آن ساخته شده، بر تمام نقاط پیرامون اشراف دارد. بر فراز این صخره، قلعه در جهت شرقی ـ غربی و به ابعاد ۴۵×۲۵۰ متر ساخته شده که امروزه بقایای دیوارها، برج‌ها و تاسیسات داخلی آن برجای مانده است. ضلع جنوبی قلعه مشرف به درّه بسیار عمیقی است و سه جانب دیگر آن نیز به پرتگاه منتهی می‌شود. دسترسی به داخل قلعه از جهت شمالی و از داخل جنگل است. در این مسیر تعداد ۳۴ عدد پلکان در قسمت شرقی دیواره صخره‌ای کنده شده است. این راه‌پله تنها راه بُز رو مانندی است که به درب اصلی قلعه منتهی می‌شود.

دروازه و درب اصلی قلعه در میانه جبهه شمالی قلعه قرار داشته و در طرفین آن دو برج نگهبانی ساخته شده است. دیواره قلعه حدود ۱/۵ متر ضخامت، و از صخره کوه حدود ۴ متر ارتفاع دارد. در داخل قلعه ۷ اتاق وجود داشته که اتاق میانی بزرگ‌تر از سایر اتاق‌ها بوده است. اتاق‌های دیگر قلعه، در مجاورت حصار ساخته شده و پنجره‌ها و روزنه‌های آنها به جنگل و جبهه شمالی و دره‌های پیرامون اشراف داشته است.

در داخل قلعه آب‌انباری به شکل مکعب مستطیل، با سنگ‌های درشت و ملات آهکی و طاق ضربی بنا شده است. مصالح مورد استفاده در بنا سنگ لاشه و در مواردی سنگ‌های تراشیده با ملات

ساروج و آهکی است.

بنای قلعه آوارسین قابل‌مقایسه با دیگر قلعه‌های منطقه است که احتمالاً قبل از اسلام ساخته شده و در دوره اسلامی با بازسازی مورد استفاده قرار گرفته است.

منبع: خاماچی، ۱۳۷۲، صص ۷-۴۰

قلعه بابک (کلیبر)

این بنا که به قلعه جمهور، دژ بذ و قلعه جاویدان نیز شهرت دارد، در ۵۰ کیلومتری شمال شهرستان اهر و ۳ کیلومتری جنوب‌غربی کلیبر و بر فراز ارتفاعات غربی یکی از شعبات رود قره‌سو واقع شده است. ارتفاعات مزبور بخشی از ارتفاعات وسیعتری است که به کوهستان جمهور شهرت دارد. مرتفع‌ترین قلّه این بخش حدود ۳۰۰۰ متر ارتفاع دارد. دره‌های عمیق و گردنه‌های صعب‌العبور و خطرناک و پوشش جنگلی انبوه از دیگر ویژگی‌های این بخش از آذربایجان است.

احداث قلعه‌ای نظامی و پناهگاهی مطمئن در این نقطه کوهستانی که دسترسی به آن، به‌ویژه برای لشکریان دشمن بسیار دشوار است، مطمئناً با مطالعه و بررسی صورت گرفته است؛ چراکه حفاظت از این قلعه با تعداد کم نیرو امکانپذیر بوده است.

شهرت اصلی قلعه بابک یا جمهور نه به جهت موقعیت و معماری آن بلکه به جهت وقایع تاریخی مرتبط با آن و انتساب آن به بابک خرم‌دین است. بابک خرم‌دین رهبر قیام و جنبشی بود که در اوایل قرن سوم هجری بر علیه حاکمیت خلفای عباسی شکل گرفت. این جنبش بیش از ۲۰ سال در مقابل لشکرکشی‌های خلفای عباسی مقاومت کرد و شکست‌های سنگینی بر آنها وارد ساخت. شاید یکی از عوامل اصلی این موفقیت و پایداری، وجود و استفاده مناسبی است که از قلعه‌ها و پناهگاه‌های مطمئن کوهستانی در این دوره صورت می‌گیرد. قیام خرم‌دینان عاقبت در سال ۲۲۳ هجری با دستگیری و قتل بابک خرم‌دین سرکوب شد. شرح این جنبش و عملکرد و سرنوشت آن در کتب تاریخی آمده است.

از شهر کلیبر برای رسیدن به قلعه بابک دو راه وجود دارد. یک راه ماشین‌رو کوهستانی که به قهوه‌خانه روستای شجاع‌آباد ختم می‌شود و از آنجا در مسیری کوهستانی به قلعه می‌رسد. راه دوم که دشوارتر است، از منطقه جنگلی و دره رودخانه غربی کلیبر آغاز شده و به قلعه منتهی می‌شود.

قلعه بابک بر فراز کوهی، در ارتفاع ۲۶۰۰ متری ساخته شده و مشتمل بر برج و بارو، برج‌های دیده‌بانی، راهروهای ارتباطی بیرونی و داخلی، مقر حاکم قلعه و فضاهای معماری و تأسیسات ضروری دیگر است که در کل مساحتی به وسعت ده هزار متر مربع را می‌پوشاند (نقشه و تصاویر ش ۲۶-۱۹).

اطراف قلعه را دره‌های ژرفی به عمق ۴۰۰ تا ۶۰۰ متر فراگرفته است و تنها از یک سو راهی باریک و دشوار جهت دسترسی به قلعه وجود دارد. پس از رسیدن به دامنه کوه و در فاصله ۲۰۰ متری دروازه قلعه، معبری تنگ و صخره‌ای وجود دارد که به دروازه ورودی قلعه منتهی می‌شود. این معبر اجازه عبور حداکثر دو نفر را فراهم می‌سازد و نگهبانان قلعه براحتی می‌توانستند از آن در مقابل نفوذ دشمن حفاظت کنند. در پیرامون قلعه و به فاصله‌ای از آن، برج‌های دیده‌بانی مدوری از سنگ‌های تراشیده و فرم داده شده و ملات ساروج، ساخته شده است. بعد از عبور از معبر مذکور و چند پله نامنظم کنده شده در صخره، می‌توان به مدخل مقر حاکم قلعه که با دو نیم ستون دربرگرفته شده، رسید. این بخش از قلعه در دو و سه طبقه ساخته شده و مشتمل بر تالار مرکزی و اتاق‌هایی در پیرامون آن است. بناهای این بخش نیز با سنگ‌های تراشیده ساخته شده و از آجر در بازسازی و تعمیرات دوره‌های بعد آن، استفاده شده است.

در جبهه شرقی مقر حاکم، تأسیسات دیگری از جمله اتاق‌ها و آب‌انبارها ساخته شده‌اند. بخش‌هایی از پوشش این آب‌انبارها برجای مانده و نشان می‌دهد که در اینجا از پوشش‌های طاقی، با قوس جناقی و گهواره‌ای استفاده شده است. دیواره‌های داخلی آب‌انبارها به منظور عایق‌بندی با ملات ساروج مرغوبی اندود شده است. این آب‌انبارها در فصول بارندگی با آب باران و برف پر شده و در فصول دیگر به مصرف ساکنان قلعه می‌رسیده است.

از جبهه شمال‌غربی قصر یا مقر حاکم، پلکان‌های سرتاسری بوده که به بخش مرتفع‌تر مجموعه راه پیدا می‌کرده است. مدخل این بخش نیز با ردیف پلکان و دو نیم ستون مشخص می‌شود. در قسمت بالای این نیم‌ستون‌ها فضاهایی برای دیده‌بانی جاسازی شده است. فضاهای پشت‌سر این مدخل، مشتمل بر چند بخش، ظاهراً اختصاص به سربازان و مدافعان قلعه داشته است. بارو و دیوار دفاعی قلعه تمام شکاف‌های کوه را که احتمال نفوذ از آن می‌رفته، پوشش می‌داده و برج‌های تدافعی و دیده‌بانی نیز به تمام جوانب کوه اشراف داشته‌اند.

در سال ۱۳۴۵ از طرف مرکز باستان‌شناسی و به سرپرستی کامبخش‌فرد، کاوشی در این قلعه صورت گرفت و بخش‌هایی از آن خاکبرداری شد. سفالینه‌هائی به‌دست آمده از این کاوش، استقراری تا قرن ۷ هجری را نشان می‌دهد. همچنین تعدادی سکه مسی مربوط به اتابکان آذربایجان و خاندان هزار اسپیان(قرون ۶ و ۷ هجری) به‌دست آمد. مدارک مزبور نشان می‌دهد که قلعه بابک بعد از سرکوب قیام خرم‌دینان با بازسازی و تغییراتی به مدت چند قرن دیگر نیز مورد استفاده قرار گرفته است. این بازسازی براساس مدارک به‌دست آمده احتمالاً در طی قرون ۴ و ۵ هجری صورت گرفته است. در این بازسازی کف اتاق‌ها با آجر فرش شده و از آجر همچنین به مقدار کمتر

در تعمیرات بخش‌های دیگر استفاده شده است و این در حالی است که در بنای اولیه هیچ استفاده‌ای از آجر صورت نگرفته بود. بخش‌های بازسازی شده تمایز آشکاری با قسمت‌های اصلی نشان می‌دهند. ادامه کاوش در سطوح پایین‌تر منجر به کشف کف قدیمی‌تر، تنورها و سفالینه‌هایی شد که به قرن سوم هجری تعلق داشته‌اند و این چنین فرضیه استفاده بابک خرم‌دین از این قلعه تایید شد.

مشابهت معماری قلعه بابک با قلاع دوره ساسانی همچنین این احتمال را بوجود آورده است که بنای اولیه قلعه در دوره ساسانی ساخته شده و با تغییراتی در دوره اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. بقایای قلعه بابک به شماره ۶۲۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: آگاهینامه. ش ۱۳۵۵، ۴، ص ۱۹؛ احمدزاده. ۱۳۷۷، صص ۶۳-۶۱؛ اذان دره. ۱۳۷۴، صص ۱-۳۰؛ ترابی طباطبائی. ۱۳۵۵، صص ۷۱-۴۶۶؛ خاماچی. ۱۳۷۰، صص ۳۱-۲۳۰؛ خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۷-۵۲؛ دیباج. ۱۳۳۶، صص ۱۰-۸؛ کامبخش‌فرد. ۱۳۴۵/۱، صص ۶-۲؛ کامبخش‌فرد. ۱۳۴۵/۲، صص ۹-۴؛ کامبخش‌فرد. ۱۳۸۰، صص ۲۹۶/۳۰۶؛ مشکوتی. ۱۳۴۹، ص ۴؛ مشکور. ۱۳۴۹، صص ۲-۴۰۱

قلعه بختک (ملکان)

بقایای قلعه بختک یا بختاک در غرب بخش لیلان از توابع شهرستان ملکان و در کنار جاده منتهی به لیلان واقع شده و یکی از بزرگ‌ترین قلعه‌های شناسائی شده در منطقه است که معرف آثاری از هزاره اول ق.م تا اواخر دوره ایلخانی می‌باشد. این قلعه امروزه به صورت تپه بزرگی درآمده با این حال طرح چهارگوش آن هنوز مشهود است و می‌توان ابعاد آن را به طول ۱۲۰۰ و عرض ۱۰۰۰ متر اندازه‌گیری کرد(براساس گزارش هیئت آلمانی ۱۰۰۰ متر طول و ۵۰۰ تا ۶۰۰ متر عرض). بزرگ‌ترین ضلع این قلعه در جانب شرقی و کوچک‌ترین آن در جانب شمالی است. بقایای حصارهای این قلعه به ارتفاع تقریبی ۸ متر باقی‌مانده است. پهنای این حصار در پایه به ۲۵ تا ۳۰ متر می‌رسد. مصالح مورد استفاده در این حصار خشت و گل است. در جریان مطالعه و بررسی این محوطه قطعات سفال، کاشی و پایه ستون‌هایی از دوره اسلامی به‌دست آمده است.

منابع: احمدی ملکی. ۱۳۷۸، صص ۹-۳۵
امیری. ۱۳۶۷
صدرائی. ۱۳۸۰
گزارش‌های باستان‌شناسی در ایران، ۱۳۵۴

علی صدرائی

قلعه پشتو/پیشتاب (اهر)

بقایای این بنا بر روی یکی از کوه‌های بلند هشتادسر بخش هوراند شهرستان اهر و در غرب روستای پیشتاب و شرق روستای کوجان و ۱۲ کیلومتری بخش هوراند واقع شده است(تصاویر ش ۳۰-۲۷).

قلعه پشتو بر بالای صخره سنگی که وسعت چندانی ندارد، به صورت شمالی ـ جنوبی ساخته شده و دسترسی به سطح آن تنها از طریق باریکه راهی خطرناک که به صورت راه‌پله‌ای در صخره کنده شده، امکان‌پذیر است. جهات دیگر این صخره پرتگاه و دیواره صخره‌ای است. راه‌پله مذکور متشکل از ۲۵۰ پله است که طول آنها در نقاط مختلف بین یک متر تا ۲۰ سانتیمتر و ارتفاع هرکدام از آنها از ۳۰ تا ۱۰ سانتیمتر متغیر است(تصویر ش ۳۰). موقعیت قلعه پشتو بر روی این صخره به مدافعان آن این امکان را می‌داده تا با نیرو و امکانات اندک از قلعه در برابر دشمنان دفاع کنند.

از بنای قلعه پشتو امروزه به‌غیر از راه‌پله سنگی و آب‌انبارها و حفره‌های ذخیره کنده شده در صخره، آثار قابل‌توجهی برجای نمانده است. آثار موجود نشان می‌دهد قلعه در طول حیات خود چند بار بازسازی شده است. مصالح مورد استفاده در بنای قلعه را سنگ‌های تراشیده، سنگ لاشه و مقدار کمی آجر تشکیل می‌داده است. با توجه به سفالینه‌های جمع‌آوری شده از سطح محوطه و شیوه معماری قلعه و مقایسه آن با دیگر قلاع منطقه، می‌توان گفت که این قلعه در سده‌های نخستین اسلامی ساخته شده و احتمالاً به‌عنوان پناهگاه و استحکامات نظامی مورد استفاده خرم‌دینان قرار گرفته است.

از محل این قلعه می‌توان قلعه قهقهه را در ارتفاعات جنوب شرقی مشاهده کرد.

منابع: پازوکی. ۱۳۷۶، صص ۱۸-۲۱۵
خاماچی. ۱۳۷۰، صص ۵۳-۲۵۱
خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۶۲-۱۵۹

قلعه پیکان/یزید قلعه سی (کلیبر)

بقایای این بنا که به قلعه پیغام نیز شهرت دارد، بر فراز کوه یا صخره‌ای بلند و مرتفع، در ۵۰۰ متری رودخانه ایل‌قره و در مسیر جاده کلیبر به اهر و ۱۳ کیلومتری کلیبر واقع شده است. وضع طبیعی صخره و طرز وقوع آن و همچنین دیواره‌های غیرقابل نفوذ، مکان مناسبی را برای ساخت قلعه و پناهگاه نظامی فراهم آورده است(تصویر ش۳۴).

کوه قلعه پیکان در قسمت شرقی و جنوبی خود دارای دیواره‌های غیرقابل نفوذی است و تنها یک معبر از سمت شمالغرب دارد. قسمت فوقانی کوه به صورت سه سطح یا طبقه است که در هر سطح تأسیسات دفاعی ساخته شده است. در بلندترین طبقه، باروی قلعه دور تا دور لبه کوه را فرا گرفته است. این بارو با مصالح سنگ لاشه و قلوه با ملات

ساروج ساخته شده و امروزه بخش‌هایی از آن باقی مانده است. علاوه بر این دیوار، بقایای برج‌های دفاعی نیم‌دایره، به قطر تقریبی ۳/۵ متر و در فواصل معینی از طول بارو دیده می‌شود. ارتباط سطوح مختلف قلعه توسط پلکان‌های سنگی برقرار می‌شده است.

با توجه به سفالینه‌های یافت شده از سطح محوطه، به‌نظر می‌رسد بنا در دوره قبل از اسلام ساخته شده و در سده‌های نخستین اسلامی با تغییراتی مورد استفاده قرار گرفته است. اهالی محل به این قلعه نام «یزید قلعه‌سی»(قلعه یزید) داده‌اند و کوه مقابل آن را بدون آنکه قلعه‌ای بر بالای آن وجود داشته باشد، «امام قلعه‌سی»(قلعه امام) نامیده‌اند.

قلعه پیکان فاصله زیادی با قلعه بابک ندارد و از همین رو احتمال داده می‌شود به هنگام قیام خرم‌دینان و اوایل قرن سوم هجری مورد استفاده خرم‌دینان بوده است. در این صورت این قلعه راه رسیدن به قلعه بابک را در تنگه رودخانه ایل‌قره محافظت می‌کرده است.

منابع: افشار سیستانی. ۱۳۶۹/۱، ص ۳۳۹

ترابی طباطبائی. ۱۳۵۵، ص ۴۷۵

خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۶۶-۱۶۴

کامبخش‌فرد. ۱۳۸۰، صص ۸۹-۲۸۷

قلعه جوشین (ورزقان)

بقایای این قلعه بر فراز کوهی در ۶ کیلومتری قریه جوشین و ۲۶ کیلومتری غرب ورزقان و ۱۷ کیلومتری جاده شوسه تبریز ـ اهر واقع شده است. از قریه جوشین تا قلعه ۶ کیلومتر راه صعب‌العبور و کوهستانی وجود دارد.

کوهی که قلعه جوشین بر آن قرار گرفته به نقاط پیرامون اشراف دارد و از سه جانب دارای دیواره صخره‌ای است و تنها از یک جهت به بالای آن راهی باریک و صعب‌العبور وجود دارد. برج و باروی قلعه متناسب با پستی و بلندی‌های سطح کوه شکل گرفته و مصالح آن را سنگ و ملات آهکی تشکیل می‌دهد. تعداد فضاهای استقراری قلعه با توجه به نوع عملکردی که قلعه داشته، اندک است. در این قلعه و در سطح کوه حوضچه‌ها یا آب‌انبارهای متعددی برای جمع‌آوری آب‌های حاصل از برف و باران ایجاد شده است. تعداد این حوضچه‌ها به ۷ عدد می‌رسد و در اطراف آنها شیارهایی ایجاد شده که آب‌های جاری را بداخل آب‌انبارها هدایت می‌کرده است.

سفالینه‌های مکشوفه از سطح محوطه، گستره‌ای از هزاره‌اول ق.م تا قرن ششم هجری را شامل می‌شود، بااین‌حال استفاده اصلی از قلعه همانند دیگر قلعه‌های منطقه مربوط به سده‌های نخستین اسلامی است.

منابع: افشار سیستانی. ۱۳۶۹/۱، ص ۳۳۵

ترابی طباطبائی. ۱۳۵۵، صص ۵۶-۴۵۳

خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۶۸-۱۶۷

قلعه حوض‌دار (سراب)

بقایای این قلعه در ۲۰ کیلومتری شمال‌شرق بخش مهربان و ۳۹ کیلومتری غرب شهرستان سراب و مابین روستاهای آتمیان، نرمیق و اسماعیل‌کندی واقع شده است. قلعه حوض‌دار(یا به نام محلی آن حوض‌لی قلعه‌سی) از دامنه کوه در حدود ۳۰۰ متر ارتفاع دارد اما صعود به همین ارتفاع نیز بسیار دشوار است. در حال حاضر آنچه از قلعه باقی مانده حدود ۱۲ پله سنگی و بقایای چند واحد ساختمانی بزرگ و کوچک و آب‌انبار است. عرض بزرگ‌ترین پله‌های سنگی ۷۰ سانتی‌متر و ارتفاع آنها ۳۰ سانتی‌متر است. آب‌انبار مذکور نیز ۲×۲/۵ متر وسعت و ۳ متر عمق دارد. مصالح مورد استفاده در بنا سنگ و ملات آهکی است. قلعه حوض‌دار در چهار جهت خود چند قلعه کوچک‌تر استحفاظی داشته که از بین رفته‌اند.

منبع: خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۷۴-۱۷۰

قلعه دختر میانه

بقایای این قلعه بر فراز ارتفاعات قافلانکوه، در ۲۲ کیلومتری جنوب‌شرقی شهر میانه و ۲ کیلومتری شمال پل‌دختر میانه واقع شده است(نقشه و تصاویر ش ۷-۳۵). قلعه دختر میانه ظاهراً همزمان با پل‌دختر و در دوره ایلخانی یا تیموری و برای محافظت از جاده و پل مزبور ساخته شده است؛ با این حال بنا به روایت‌ها بنای اولیه قلعه به دوره اردشیر ساسانی بازمی‌گردد. همچنین آمده که در اوایل دوره صفویه این قلعه پناهگاه راهزنان شده بود که به دستور شاه‌عباس اول تخریب شد.

قلعه دخترمیانه بر روی صخره بزرگی با آجر و به شکل کثیرالاضلاع و غیرمنتظم (نقشه ش ۳۶) ساخته شده است. در این قلعه بالاترین درجه مهارت در معماری قلعه‌سازی، از لحاظ استفاده از زمین و عوارض طبیعی آن برای بالا بردن قدرت دفاعی قلعه و استحکام بخشی به آن بکار رفته است. بلندی بارو یا دیوار بیرونی قلعه به ۱۴ متر می‌رسد. در دیوار قلعه دو مدخل ساخته شده که هر کدام ۳ متر بلندی دارند و در بالای یکی از آنها ظاهراً کتیبه‌ای بوده که از بین رفته است. قلعه دارای ۲۴ برج دفاعی و دیده‌بانی است که ۸ تای آنها به رودخانه قزل‌اوزن مشرف است. قلعه دختر ظاهراً دارای سه قسمت یا طبقه اصلی بوده است. طبقه اول باروی قلعه، طبقه دوم حفاظ داخلی و طبقه سوم مقر اصلی را تشکیل می‌داده است.

در مرتفع‌ترین نقطه قلعه یک بنای قصر مانند ایجاد شده که طرح آن با طرح سایر بناهای اسماعیلیه در شمیران و ساوه قابل‌مقایسه است و از این‌رو احتمال می‌توان داد بنا در قرن ۵ و ۶ نیز مورد استفاده بوده است. بناهای مزبور در وسعتی حدود ۳۱×۴۰ متر و ارتفاع ۱۵ متر با سنگ و ملات آهکی ساخته شده‌اند.

بقایای قلعه دختر میانه به شماره ۸۷۰ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

منابع: باستانی پاریزی. ۱۳۶۳، ص ۱۵۳؛ خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۸۱-۱۷۶؛ دیباج. ۱۳۴۳، ص ۵۰؛ دیباج ۱۳۴۵، صص ۸-۹۷؛ دیولافوا. ۱۳۶۱، ص۷۶؛ سعیدیان. ۱۳۷۶؛ ص ۳۲۵؛ کلایس. ۱۳۶۶، ص۱۱۰؛ مخلصی. ۱۳۷۱، ص ۲۲۷؛ مشکور. ۱۳۴۹، ص ۴۰۳؛ مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی کشور

قلعه دختران ملکان

بقایای این بنا که در محل به «قزلار قلعه‌سی» شهرت دارد، بر فراز ارتفاعات واقع در یک کیلومتری روستای لیلی‌داغی و ۳ کیلومتری روستای تازه‌کند قره‌ناز و نزدیک جاده شوسه مراغه ـ ملکان واقع شده و به خط مستقیم ۱۵ کیلومتر از شهرستان ملکان فاصله دارد.

قلعه دختران ملکان بر بلندای چندین قلّه که به شکل نعل اسبی به هم پیوسته‌اند و دهانه آن به سمت جنوب است، قرار دارد. ارتفاع کوه و قلعه روی آن در قسمت دهانه کمتر است و این ارتفاع با شیب تندی تا قسمت مرکزی افزایش می‌یابد.

شکاف‌های صخره کوه در این قلعه با سنگ‌های تراشیده و به ابعاد ۹۰×۶۰×۴۰ یا ۷۰×۵۰×۴۰ سانتیمتر مسدود شده است. لایه‌های فوقانی این دیوارها با گذشت زمان فرو ریخته‌اند. در قسمت‌های مرتفع‌تر بر روی قسمت سنگی دیوار لایه‌های چینه‌ای کار شده است. بین هر لایه گل نیز یک لایه حصیر قرار داده‌اند. عرض این دیوارها حدود ۷۰-۶۰ سانتیمتر است و قسمت‌های گلی باقیمانده آن حدود ۲ متر ارتفاع دارد. در قسمتی از این دیوار و به فاصله یک متر از هم، شیارها و روزنه‌های باریک و بلندی برای دیده‌بانی و تیراندازی تعبیه شده است. عرض این شیارها ۱۵-۱۰ سانتیمتر و طول آنها حدود ۵۰ سانتیمتر است.

در سراشیبی داخلی و دره مانند میانه قلعه و در قسمت شرقی دهانه، صخره‌های صافی وجود دارد که بر روی آنها پله‌هایی کنده شده و نیز فضاهایی در دل صخره برای استقرار و کارهای دیگر ایجاد شده است.

قلعه دختران ملکان علاوه بر راه اصلی، دارای راهی میانبُر در قسمت شرقی است که عرض آن حدود ۳ متر است و شیب بیشتری دارد. یکی از سنگرهای دیده‌بانی قلعه مشرف به این راه فرعی است. قلعه دختران ملکان به‌نظر می‌رسد همان «قلعه گاودول» مذکور در متون تاریخی باشد که در زمان شاه‌عباس اول مسکن قبادخان، حاکم مراغه و پسرش شیخ‌حیدر مکری بوده است.

منبع: احمدی ملکی. ۱۳۶۸، صص ۴-۵۲

قلعه سردرود (تبریز)

بقایای این بنا در سردرود و ۱۰ کیلومتری تبریز و سر راه خسروشهر به تبریز واقع شده است. قلعه سردرود آخرین عارضه مشرف به جلگه تبریز است و از قسمت فوقانی آن می‌توان به جهات شمالی، شرقی و غربی اشراف داشت. جانب جنوبی آن به تپه‌ماهورها پیوسته است. قلعه دارای دیوارهای خشت و چینه‌ای به عرض ۲ متر بر روی شالوده‌ای از قلوه‌سنگ و ملات گچ و آهک است. از سطح محوطه قلعه سفالینه‌های مربوط به هزاره اول ق.م تا دوره ایلخانی و صفوی به‌دست آمده است.

منبع: سامع سردرودی. ۱۳۸۰، صص ۲-۳۱

قلعه سن‌سارود (هرزند)

بقایای این بنا در جنوب دهستان هرزند و ۲۶ کیلومتری شمال مرند و در میان باغات و برفراز بلندی قرار گرفته است. امتداد حصارهای دفاعی قلعه هنوز از سطح زمین نمایان است. بعلاوه قسمت‌هایی از دیوار تا ارتفاع زیادی برجای مانده و بقایای برج‌های نیم‌استوانه‌ای پیش آمده در طول آن مشهود است.

در محوطه داخلی قلعه، شالوده چند اتاق نمایان است. تمام دیوارها از سنگ لاشه و ملات گل و آهک ساخته شده‌اند. در جنوب قلعه، قبرستان قدیمی اسلامی و بقایای پی ساختمانی قرار دارد که در محل به «پیرحسین» معروف است. قلعه سن‌سارود ظاهراً در طی قرن‌های ۷ و ۸ هجری ساخته شده و این احتمال وجود دارد که باتوجه به نام آن، محل سکونت ارامنه منطقه بوده باشد. در قسمت شرقی قلعه تخته‌سنگ‌های بزرگی وجود دارد که حداقل برای بنای اولیه قلعه قدمت بیشتری را پیشنهاد می‌کند.

منبع: خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۱۹۵-۱۹۱

قلعه سنگ / داش قلعه ضحاک (عجب‌شیر)

بقایای این بنا برفراز کوه صخره‌ای و منفردی در ۲۶ کیلومتری شرق عجب‌شیر و نزدیک روستای باراز و ینگجه واقع شده و با توجه به سفالینه‌های مکشوفه از سطح آن، عمده استقرار آن مربوط به دوره اسلامی و قرن‌های ۱۱ و ۱۲ میلادی است، با این حال سبک معماری قلعه به آثار دوره ساسانی می‌ماند(نقشه و تصاویر ش ۳-۳۱) کوهی که قلعه بر آن ساخته شده تنها یک راه دسترسی از جانب شرقی و پشت روستای باراز دارد و بقیه جهات آن پرتگاه بوده و بدون تجهیزات کوهنوردی غیرقابل صعود است. باتوجه به این وضعیت قلعه در جهات مختلف نیازی به برج و بارو و استحکامات اضافی نداشته و بقایای برج‌های موجود نیز عمدتاً جهت دیده‌بانی است.

از استحکامات ساخته شده در سمت شرق و طرفین دروازه

ورودی، بقایای اندکی باقی مانده است. در این استحکامات از سنگ‌های مکعب‌شکل، قابل‌مقایسه با انواع دوره ساسانی، استفاده شده است. در اینجا یک برج دفاعی نیز دیده می‌شود که از خشت و پایه‌سنگی ساخته شده است. در فضای داخلی قلعه بقایای ۱۱ آب‌انبار بزرگ و کوچک دیده می‌شود که در داخل صخره کنده شده و در نوع خود بی‌نظیر می‌باشند. بزرگ‌ترین این آب‌انبارها ۲۵×۲۶ متر وسعت دارد و عمق کنونی آن به ۲/۵ متر می‌رسد. ورودی آب انبار در اینجا به صورت دهانه غار مانند بوده و دارای ۵ متر عرض و ۲ متر ارتفاع است. به فاصله ۵۰ متری این آب‌انبار، دو بنای صخره‌ای در کنار هم و در دل کوه کنده شده‌اند که سقف قسمتی از آنها فرو ریخته است. به کمک ۷ پله می‌توان بداخل این فضاها راه یافت.

تنها بقایای معماری در داخل قلعه ضحاک، سه اتاق تو در تو در سمت غربی قلعه می‌باشد که در فرورفتگی صخره و پایین‌تر از سطح قلعه ساخته شده‌اند. این اتاق‌ها ۳×۴ و ۳×۳ متر وسعت داشته و در ساخت آن‌ها از آجر و ملات گچ استفاده شده است. قطر دیوارها یک متر و ابعاد آجرهای آن ۷×۳۰×۳۰ سانتی‌متر است. در جای‌جای قلعه بقایای اتاقک‌هایی وجود دارد که پی آنها در صخره‌سنگی حفر شده است.

در ارتفاع ۲۰۰ متری کمرکش شمالی کوه، دخمه‌ای وجود دارد که به غاری منتهی می‌شود. در این غار تنبوشه یا لوله‌های سفالین بسیار محکم کار گذاشته شده که مدخل کانال و آب‌روئی است که احتمالاً آب مورد نیاز قلعه‌نشینان را از چشمه درون غار و نیز از چشمه دامنه کوه مقابل، تأمین می‌کرده است.

منابع: بازوکی. ۱۳۷۶، صص ۱۱-۲۰۶

خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۲۰۰-۱۹۶

کامبخش‌فرد. ۱۳۸۰، صص ۵۰-۳۴۹

قلعه‌سنگ (میانه)

بقایای این قلعه در ضلع جنوب شرقی روستای قلعه‌سنگ (از توابع بخش کاغذکنان شهرستان میانه که به روستای قره‌بلاغ نیز شهرت دارد) واقع شده است. قلعه سنگ در زمینی به مساحت ۵ هکتار و بر روی صخره‌ای که صعود به بالای آن تنها از جانب شمال‌غربی امکان دارد، ساخته شده است. در این سمت با کندن پلکانی در بدنه صخره‌ای، دسترسی به بالای صخره را ممکن ساخته‌اند.

دیوارهای قلعه از سنگ لاشه ساخته شده و دارای برج‌هایی به شکل استوانه‌ای است. یکی از برج‌ها نسبتاً سالم برجای مانده است. باتوجه به سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه، به‌نظر می‌رسد قلعه‌سنگ در فاصله قرن‌های ۴ تا ۱۳ هجری مورد استفاده بوده است. در ضلع شمال‌غربی‌روستای قلعه‌سنگ تپه‌ای باستانی واقع شده که باتوجه به سفالینه‌های موجود احتمالاً همزمان و در ارتباط با قلعه قرار داشته است.

در دامنه ضلع جنوبی قلعه، رودخانه گورجه جریان دارد و قلعه‌نشینان می‌توانستند آب مورد نیاز را از آن تأمین کنند.

لیلا شاه‌محمدی

قلعه شیویار (میانه)

بقایای این قلعه بر فراز تپه‌ای متصل به ضلع شمال شرقی روستای شیویار (از توابع بخش کندوان شهرستان میانه) واقع شده و باتوجه به سفالینه‌های پراکنده در سطح تپه، معرف استقراری از قرن ۵ تا ۱۰ هجری است. تپه‌ای که قلعه بر بالای آن ساخته شده ۳۰۰×۳۰۰ متر وسعت داشته از جاده همجوار خود حدود ۱۵ متر ارتفاع دارد.

منبع: مرکز و اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی

لیلا شاه‌محمدی

قلعه ضحاک (هشترود)

بقایای این بنا بر فراز کوه سرمه‌لو و در ۱۶ کیلومتری شرق شهر سراسکند(از توابع شهرستان هشترود) واقع شده است. این نقطه در میانه دو رودخانه قرانقو(شاخه فرعی آن) و شورچای قرار گرفته و روستای عربلو در ۲ کیلومتری شمال آن و روستای دلمه در غرب آن و ایستگاه راه‌آهن خراسانک در ۳ کیلومتری شرق آن قرار گرفته است. راه‌آهن مراغه ـ میانه از کنار این قلعه می‌گذرد(نقشه و تصاویر ش ۴۲-۳۸).

قلعه ضحاک به جهت وسعت، آثار معماری مشهود و مهم و قدمت بسیار، از سالیان دور مورد بازدید و مطالعه محققان قرار گرفته است. نخستین‌بار در سال ۱۸۳۳ میلادی کلنل مونتیت انگلیسی این قلعه را مورد بررسی قرار داده و بقایای چهار طاقی آن را آتشکده معرفی کرده است. در سال ۱۸۴۱ راولینسون از این محل بازدید کرده و آن را قلعه‌ای از دوره ساسانی قلمداد کرده است. از ایران نیز حدود ۴۰ سال پیش محمدتقی مصطفوی از قلعه ضحاک دیدن کرده و آن را از آثار دوره ماد معرفی کرده که در دوره‌های هخامنشی، اشکانی، ساسانی و اسلامی مورد استفاده مجدد قرار گرفته است. در سال ۱۹۶۴ کار شیپ‌مان محوطه را بررسی کرد و در سال ۱۹۷۱ والفرام کلایس آن را مورد مطالعه و کاوش قرار داد. از سال ۱۳۵۰ به بعد نیز سازمان میراث فرهنگی در چند مرحله اقدام به مطالعه، کاوش و مرمت این بنا کرده است. در جریان کاوش‌های سال‌های اخیر که به سرپرستی جواد قندگر صورت گرفته، بقایای تالار مربع شکلی به ابعاد ۱۱×۱۱ متر با چهار ورودی در چهار جهت اصلی و راهروهای جانبی، با مصالح آجر و گچ به‌دست آمده است. قطر دیوارهای این بنا ۲/۵-۲ متر بوده و از داخل با

طاقچه‌های مزین به گچبری، نماسازی شده بودند. کف تالار دارای اندود گچی بوده و بقایای تزیینات نقاشی بر دیوارهای آن مشهود بود. علاوه بر تالار مذکور، بقایای سه اتاق تودرتو با معماری مشابه معماری چهار طاقی، بقایای تزیینات گچبری و سفالینه‌هایی از دوره اشکانی، ساسانی و اسلامی از این محوطه به‌دست آمد.

وسعت کلی قلعه ضحاک حدود یک کیلومتر است که در جهت شمالی - جنوبی کشیده شده و از دو قسمت مرتفع شمالی و جنوبی و قسمت مسطح میانی تشکیل شده است (نقشه ش ۳۸). همچنین بقایای یک راه قدیمی در ضلع غربی اراضی مسطح قلعه ضحاک قابل‌شناسائی است که هنوز قسمت‌هایی از زیرسازی آن با لاشه‌سنگ مشاهده می‌شود. این راه از رودخانه به طرف بالا ادامه پیدا می‌کند و به قسمت مسطح که محوطه مسکونی در آنجا قرار داشته، منتهی می‌گردد.

کل محوطه قلعه در اصل با حصاری دو لایه محصور بوده و هرکدام از دو قسمت مرتفع شمالی و جنوبی نیز جداگانه با باروهای مستحکمی محصور می‌شده‌اند. حصار مذکور با برج‌های نیم‌دایره تقویت و پشتیبانی می‌شد. این دیوار به‌نظر می‌رسد در دوره‌های مختلف (از هزاره اول ق.م تا اوایل دوره اسلامی) بازسازی و تعمیر شده و الحاقاتی بدان صورت گرفته است. ورودی قلعه ظاهراً در انتهای راه قدیمی قرار داشته است. همچنین باتوجه به شواهد موجود به نظر می‌رسد بناهای مهم و اصلی محوطه در قسمت مرتفع شمالی قلعه قرار داشته و شامل کاخ و بناهای مهم اقامتی می‌شده که نمونه بازمانده آن بنای مشهور به چهار طاقی است.

چهار طاقی مذکور با آجرهایی به ابعاد ۶×۳۲×۳۲ و ۶×۳۳×۳۳ سانتیمتر و بر روی شالوده‌ای از لاشه‌سنگ ساخته شده است. پی سنگی از بیرون ۹/۱۰×۹ متر و از داخل ۵/۹×۵/۸۰ متر وسعت دارد. این چهار طاقی دارای پوشش گنبدی بوده و یک ورودی در جانب شمال‌شرقی و پنجره کوچکی در ضلع چهارم داشته است. ارتفاع کلی بنا با احتساب کنگره‌ها که قسمت فوقانی دیوارها را تزیین می‌نموده به حدود ۱۲ متر می‌رسیده است. نمای داخلی بنا با گچبری، نقاشی، طاقنماسازی و طرح‌های کنگره‌ای مزین می‌شده است (تصاویر ش ۴۲-۳۹).

با توجه به فرم معماری، تزیینات و آجرچینی آن، می‌توان چهارطاقی مورد بحث را تفرجگاهی از قرن اول میلادی و دوره اشکانی دانست. آثار معماری به‌دست آمده نشان می‌دهد که قلعه ضحاک یک بنای نظامی صرف نبوده بلکه یک مقر و مرکز حکومتی محسوب می‌شده است.

علی‌رغم اینکه در این قلعه آثاری از هزاره اول ق.م تا دوره اسلامی به‌دست آمده، اما استفاده اصلی از آن، باتوجه به بقایای معماری موجود به دوره اشکانی بازمی‌گردد. مینورسکی معتقد است که قلعه ضحاک با محلی که بطلمیوس از آن با عنوان «فاناسپا»ـ ی پارتی یاد کرده، مطابقت دارد.

بقایای قلعه ضحاک به شماره ۴۲۹ به ثبت تاریخی رسیده است.

منابع: خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۲۰۸-۲۰۲؛ روزنامه ایران. ۱۳۸۰/۷/۱۱، ص ۱۰؛ زائر. ۱۳۷۷، ص ۴۱؛ صیامی. ۱۳۸۰، صص ۳۲-۲۹؛ قلعه ضحاک هشترود. ۱۳۸۰، ص ۲۶؛ کلایس. ۱۳۷۲، صص ۷۵-۷۱؛ مخلصی. ۱۳۷۱، صص ۲۳-۲۲۰؛ مصطفوی. ۱۳۴۱، صص ۳۲-۱۲۸

قلعه علی‌بیک (علمدار)

این بنا در غربی‌ترین نقطه کوهستانی قراداغ یا ارسباران و در ساحل جنوبی رود ارس و بلندترین نقطه کوهستانی کامتال(کمتال) که به «بورداشی قلعه» معروف است، قرار دارد و نام خود را از یکی از خوانین فراری و یاغی منطقه قفقاز و قره‌باغ که در دوره صفویه به ایران پناهنده شده بود، گرفته است. مسافت این قلعه از روستای دستجرد(از توابع شهرستان علمدار) ۱۲ کیلومتر و تا مرند ۱۴۷ کیلومتر است.

ساختمان قلعه علی‌بیک بر پستی و بلندی‌های کوه بگونه‌ای بنا شده که دسترسی به آن غیر از دو راه کوهستانی، غیر مقدور می‌باشد. مصالح مورد استفاده در قلعه، سنگ لاشه و به مقدار کمتری سنگ تراشیده با ملات ساروج است. در بازسازی‌ها و تعمیرات دوره بعد، از آجرهای مربع‌شکل نیز استفاده شده است. ورودی قلعه دارای طاقی ضربی با سنگ‌های تراشیده است. در داخل قلعه بقایای ۳ اتاق و یک تالار و زیرزمینی که ظاهراً جهت آغل و اصطبل بوده، قابل‌شناسائی است. در کنار فضاهای معماری مذکور تعدادی آب‌انبار یا حوضچه ذخیره آب به فاصله کمی از یکدیگر ایجاد شده‌اند. سبک معماری قلعه و مقایسه آن با دیگر قلعه‌های منطقه بنای اولیه آن را به اواخر دوره اشکانیان و اوایل دوره ساسانیان مربوط می‌کند که در سده‌های نخستین اسلامی و احتمالاً بعد از آن مورد استفاده مجدد قرار گرفته است. قلعه علی‌بیک در سده چهارم هجری ظاهراً یکی از ۵۵ قلعه خرم‌دینان بوده است.

منبع: خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۵۶-۲۵۱

قلعه عباس‌آباد کُردشت

بقایای این بنا بر روی تپه‌ای صخره‌ای، در روستای کُردشت از بخش ورزقان شهرستان اهر واقع شده و از آثار دوره قاجاریه و ساخته‌های عباس‌میرزا نایب‌السلطنه است. عباس‌میرزا احتمالاً این قلعه را در محل قلعه قدیمی‌تری، برای مقابله با نیروهای روسی ساخته و از آن به‌عنوان پایگاه دفاعی مهمی استفاده کرده است. در سال ۱۲۴۳ قمری و بعد از تصرف منطقه توسط روس‌ها، این قلعه مدتی در تصرف

دشمن قرار گرفت و پس از آن ویران شد و بعدها با بازسازی و تغییراتی مورداستفاده امرای محلی قرار گرفت. باروی این قلعه با سنگ و آجر ساخته شده و در فواصل معین دارای برج‌های دفاعی است. قلعه عباس‌آباد در دوره اخیر از طرف سازمان میراث فرهنگی تعمیر و در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است (تصویر ش ۴۳).

منبع: خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۴۸-۲۴۳

قلعه قهقهه (اهر)

بقایای این بنا بر فراز کوههای قراچه‌داغ و در ۳ کیلومتری روستای گنجوبه و قره‌آغاجلو و ۲۱ کیلومتری شهر هوراند و ۲۶ کیلومتری شرق جاده اهر ـ کلیبر واقع شده و از مستحکمترین قلعه‌های منطقه به شمار می‌آید.

عمده شهرت قلعه قهقهه به جهت استفاده‌ای است که در روزگار صفویه از آن شده و نیز حوادثی که در ارتباط با این قلعه صورت گرفته است. در کتاب «عالم‌آرای عباسی» در ارتباط با این قلعه آمده است: «قلعه عالی اساس سپهر حماس قهقهه در الکاء یافت از اعمال قراچه‌داغ بر فراز قلّه کوهی رفیع آسمان پیوند واقع شده از سنگ یک پارچه که ساکنانش با سکنه فلک‌الافلاک دمساز و پاسبانانش با شب‌زنده‌داران فلک ثوابت همرازند. از درگاه قلعه که دامنه آن کوه است تا فراز قلعه راهی است سربالا تا نیم‌فرسخ در غایت تنگی که عبور یک سوار از آنها در نهایت دشواریست که یک نفر تفنگچی مانع خروج کثیر می‌تواند باشد. در زمان شاه‌جنت‌مکان(شاه طهماسب) که چند مرتبه خواندگار (سلطان عثمانی) به آذربایجان آمد و در آن ولایت فترت بود بنابر استحکام قلعه خزاین پادشاهی به آنجا نقل شده بود. اسمعیل میرزا و القاس‌میرزا و سام‌میرزا نیز با اولاد در آن قلعه محبوس بودند. هیچ پادشاه ذی شوکت کمند همت به کنگره تسخیر آن حصن حصین بلند ارکان نینداخته و آرزوی گرفتن آن عالی بنیاد در مخیله هیچ یک از سلاطین کشور گیر صورت نبسته همیشه یکی از امراء معتمد عالی‌قدر به‌حراست و کوتوالی آن قیام داشته‌اند».

در زمان شاه‌طهماسب، پسر وی اسمعیل‌میرزا مدتی در این قلعه زندانی شد و بیش از ۱۹ سال در آنجا ماند و بعد از او شاهزاده سام‌میرزا برادر شاه‌طهماسب به‌عنوان زندانی روانه قلعه شد و در آنجا به همراه فرزندانش به امر شاه کشته شدند. القاس‌میرزا برادر دیگر شاه‌طهماسب نیز مدتی در این قلعه زندانی بود و سرانجام به امر شاه او را از فراز قلعه به‌زیر افکندند. در سال ۹۷۵ هـ‌ق نیز خان احمد گیلانی که بر شاه‌طهماسب عصیان کرده بود، در قهقهه زندانی شد. آخرین واقعه مهمی که در قلعه قهقهه افتاد، طغیان زندانیان قلعه در سال ۱۰۱۹ و دوران شاه‌عباس اول است. در این سال عده‌ای از اسیران عثمانی که در جنگ اسیر شده بودند، دست به شورش زده و کوتوال قلعه را کشته و قلعه را متصرف می‌شوند و به مدت ۲ ماه در برابر سپاه شاه مقاومت می‌کنند اما سرانجام شاه‌عباس موفق به تسخیر قلعه می‌شود.

قلعه قهقهه بر فراز کوهی بلند و صخره‌ای ساخته شده و از سه طرف به پرتگاه منتهی می‌شود. از دامنه کوه تا فراز قلعه، راهی تنگ و سربالا به طول ۳ کیلومتر وجود دارد. این قلعه همانند قلعه پیکان کلیبر، دارای ۳ حصار تودرتو بوده است. هر حصار یک دروازه داشته و حصار اصلی دارای چهار برج و دروازه آن دارای دو برج ۵ ضلعی و طاق هلالی بوده است. بعد از این دروازه راهرویی به عرض ۲/۵ و ارتفاع ۳ متر با طاق هلالی قرار دارد. مصالح مورد استفاده در قلعه را سنگ‌های رسوبی تراشیده و نتراشیده و نیز آجر با ملات آهک و گچ تشکیل می‌دهد. در بالای قلّه کوه اتاق‌هایی با پایه‌های قطور و مصالح سنگ و آجر ساخته شده است. بنای معروف به زندان اتاقی است در بدنه صخره‌ای کوه که سه دیوار آن منتهی به پرتگاه بوده و تنها از یک طرف به داخل قلعه راه دارد. در سمت شمال‌غربی‌قلعه، برجی هشت‌ضلعی جهت دیده‌بانی ساخته‌اند. در قلعه قهقهه همچنین ۵ حوضچه ذخیره آب در بدنه کوه کنده‌اند.

منابع: اسکندربیک ترکمان. ۱۳۵۵، ص ۸۱۹؛ اشراقی. ۱۳۵۳، صص ۳-۲۱؛ خاماچی. ۱۳۷۰، صص ۲۵-۴۲۳؛ خاماچی. ۱۳۷۲، ص ۲۱۳

قلعه مرازاد / مارازاد (علمدار)

بقایای این قلعه در دامنه کوه مرتفعی مشرف به رودخانه ارس و یک کیلومتری شرق روستای مارازاد و ۲۲ کیلومتری شرق شهرستان علمدار واقع شده است(نقشه ش ۴۴).

از قلعه مرازاد امروزه تنها بقایای دیوارها و پی‌های سنگی عظیم آن باقی مانده است. فاصله دیوارهای قلعه تا رودخانه ارس در حدود ۲۰۰ متر است ولی به نظر می‌رسد در زمان آبادانی، تأسیسات قلعه تا کناره رودخانه گسترش می‌یافته است. قطر دیوارهای عظیم قلعه به ۴ متر بالغ می‌شود. این دیوارها از قطعه سنگ‌های بزرگ که گاه ابعاد آنها به ۲ متر می‌رسد، ساخته شده‌اند. در قسمت‌های مختلف دیوار بقایای چند برج دیده‌بانی که محیط دایره آنها متجاوز از ۱۵ متر است، به چشم می‌خورد. قسمت فوقانی دیوارها و برج‌ها با خشت بنا گردیده و اندازه هر خشت ۱۳×۴۳×۴۳ سانتیمتر است.

ظاهراً بنای اولیه قلعه به هزاره اول ق.م مربوط می‌شود که در دوره اشکانی و ساسانی و اوایل اسلام مورد استفاده مجدد قرار گرفته است. به گفته اهالی این قلعه در طی جنگ‌های ایران و روسیه در زمان قاجار نیز مورد استفاده بوده و بعد از آن دستخوش خرابی شده است.

منبع: کامبخش‌فرد. ۱۳۸۰، صص ۸۵-۳۸۴

قلعه نجفقلی‌خان (میانه)

بقایای ویرانه این قلعه در جنوب‌شرقی شهرستان میانه و جنوب رودخانه شهرچای واقع شده است. در ضلع شمال‌شرقی قلعه خانه‌های مسکونی قرار گرفته و ضلع جنوب و جنوب‌غربی آن را زمین‌های زراعی و درختان سرسبز پوشانده است.

بنای اولیه قلعه منسوب به دوره ساسانی است لیکن در دوره‌های مختلف اسلامی تا اواخر دوره قاجاریه مورد استفاده بوده است. مصالح اصلی قلعه را خشت و گل تشکیل می‌دهد. ابعاد خشت‌های استفاده شده در این قلعه ۳۰×۴۰ سانتیمتر می‌باشد(تصاویر ش ۶-۴۵)

بقایای قلعه نجفقلی‌خان میانه به شماره ۱۱۱۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

لیلا شاه‌محمدی

قلعه نودوز / قلعه‌داغ (اهر)

این بنا بر فراز کوهی سنگی، در گردنه نودوز، از ارتفاعات قراداغ (ارسباران) و سمت شرقی قریه‌ای به همین نام و کنار راه شوسه اهر ـ مشکین‌شهر و ۲۶ کیلومتری شرق اهر واقع شده است. این قلعه که مشرف به رودخانه اهرچای و نقاط پیرامون است، در محوطه محدود و کوچکی ساخته شده و احتمالاً نقش نظارتی و دیده‌بانی و کنترل کانال ارتباطی را برعهده داشته است. دسترسی به این قلعه تنها از یال شمالی کوه امکانپذیر است که با ایجاد دیواره بلندی این راه مسدود شده است.

قلعه نودوز دارای برج و باروئی است که ارتفاع باقی مانده آن در بعضی قسمت‌ها به ۱۱ متر می‌رسد. قسمت پایین این دیوار از سنگ‌های رسوبی کرم‌رنگ تراشیده و ملات آهکی(ساروج) و قسمت بالای آن با خشت و گل ساخته شده است. بقایای سه برج این قلعه باقی مانده است. در بدنه صخره‌ای کوه تعدادی حوضچه ذخیره آب ایجاد شده است. قطعات سفال به‌دست آمده از قلعه و نیز معماری سنگی قلعه به انواع دوره ساسانی می‌ماند اما ساختار خشتی دیوارها، استفاده از آن در دوره اسلامی را نیز تأیید می‌کند.

منابع: خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۵۰-۲۴۹؛ کامبخش‌فرد. ۱۳۸۰، صص ۷۳-۲۷۲؛ مخلصی. ۱۳۷۱، ص ۷۷-۷۶؛ مشکوتی. ۱۳۴۹، ص ۴

قلعه هلاکو (مرند)

بقایای این بنا بر روی یک تپه صخره‌ای و مرتفع در شهرستان مرند واقع شده و شامل بقایای یک دیواره سنگی می‌شود که نزد اهالی به قلعه گبرها شهرت دارد. سنگ‌های این دیوار به صورت خشکه‌چین و بدون استفاده از ملات اجرا شده و از استحکام مناسبی برخوردار است. قلعه هلاکو حصاری بسیار مستحکم و عریض، تا ۳/۵۰ متر، داشته که بقایای موجود حاکی از پس و پیشرفتگی‌هائی در طول حصار است. در یکی از این پیش‌آمدگی‌ها، آثار دروازه کاملاً مشهود است. در درون محوطه قلعه و بر پهنه و یا ستیغ‌ها بقایای مخروبه‌ای از مصالح لاشه سنگ که مربوط به دیوارهای داخلی است، پراکنده می‌باشد. بنای اولیه قلعه احتمالاً مربوط به قبل از اسلام است که در دوره اسلامی و به‌ویژه دوره ایلخانی با بازسازی و تغییراتی مورد استفاده قرار گرفته است. شاردن سیاح فرانسوی که در دوره صفوی از این محل دیدن کرده، از قول اهالی می‌نویسد: «هلاکو پادشاه معروف... در این محل شهری بنا می‌نهد که در نتیجهٔ جنگ‌های عثمانیان و ایرانیان منهدم گشته است».

منبع: کامبخش‌فرد. ۱۳۸۰، ص ۳۸۳

آذربایجان غربی

پناهگاه صخره‌ای بی‌بی‌کندی / اشکفت فرهاد (شاهین‌دژ)

بقایای این بنا با معماری صخره‌ای بر دامنه صخره‌ای تپه‌ای در نزدیکی روستای بی‌بی‌کندی واقع شده و با توجه به قطعات سفالینه‌های پراکنده در محوطه روبروی آن، استقراری از هزاره اول ق.م تا دوره اسلامی را در این محوطه شاهد هستیم. درصد سفالینه‌های اسلامی بیشتر از انواع دیگر است.

دامنه غربی تپه مذکور به صورت دیواره صخره‌ای به ارتفاع تقریبی ۳۰ متر، از سنگ‌های رسوبی آهکی است که در قسمت پایین آن یک پناهگاه سنگی طبیعی به طول ۱۰ متر و طرحی نیم‌دایره وجود دارد. از حدود هزاره اول ق.م به بعد در داخل این دیواره صخره‌ای و در ارتباط با پناهگاه مذکور، یک سری اتاق‌ها و راهروهایی در سه طبقه کنده می‌شود که از طریق درگاه‌ها و روزنه‌هایی به فضای بیرون ارتباط پیدا می‌کنند. در حال حاضر و با توجه به ریزش سطح دیواره صخره‌ای، آثاری از راه‌پله و دسترسی مناسب به طبقات بالا مشاهده نمی‌شود. احتمال می‌توان داد این دسترسی از طریق نردبان‌های طنابی صورت می‌گرفته است.

از وضعیت معماری و تدابیر اتخاذ شده در این مجموعه می‌توان چنین برداشت کرد که از آن به‌عنوان پناهگاهی مطمئن به هنگام خطر و هجوم دشمن استفاده می‌کرده‌اند. نمونه چنین پناهگاهی در نزدیکی روستای سماقان(از توابع شهرستان شاهین‌دژ) و در مسافتی نه چندان دور از پناهگاه بی‌بی‌کندی وجود دارد. این پناهگاه نیز به صورت اتاق‌هایی در دیواره صخره‌ای و با فاصله نسبتاً زیادی از دره و روستا ساخته شده و به نظر می‌رسد تنها در مواقع خطر و هجوم دشمن مورد استفاده بوده است. چنین استفاده‌ای از این محل در دوره‌های متاخرتر نیز صورت گرفته و نام «سنگر» که در محل بدان معروف است، از همین معناست. به گفته اهالی منطقه در اغتشاشات جنگ جهانی از این پناهگاه به‌عنوان سنگر و مخفیگاه استفاده شده است.

منابع: پازوکی. ۱۳۷۶، صص ۷۵-۱۷۲

مطالعات میدانی

دروازه سنگی خوی

این دروازه در جنوب شرقی شهر خوی و جنوب مجموعه بازار و بافت کهنه شهر واقع شده است. دروازه سنگی خوی بخش باقیمانده حصار تدافعی است که با گسترش شهر تمامی بخش‌های دیگر آن از بین رفته است. تعدادی از محققان تاریخ بنای این دروازه را به دوره ایلخانیان نسبت می‌دهند اما شیوه معماری بنا و این حقیقت که برج و بارو و دروازه‌های شهر خوی در دوره قاجاریه چندین بار بازسازی شده، این احتمال را تقویت می‌کند که دروازه سنگی از ساخته‌های دوره قاجاریه باشد(تصاویر ش ۵۰-۴۷).

نمای شمالی بنا که رو به بازار قدیمی شهر است با آجر ساخته شده اما نمای جنوبی آن(نمای خارجی) با سنگ‌های تراشیده سیاه و سفید و ترکیبی موزون و هماهنگ ساخته و نماسازی شده است(تصاویر ش ۸-۴۷). بر بالای جرزهای طرفین ضلع جنوبی دروازه، نقش دو شیر حجاری گردیده است. قسمت فوقانی ورودی از بیرون (جبهه جنوبی) دارای دو قوس زیبا و نیم‌دایره است در حالی که قسمت شمالی و آجری آن، دو قوس جناغی دارد.

دروازه سنگی شهر خوی که به طرف سلماس باز می‌شود، یکی از چند دروازه قدیمی شهر است که در باروی قدیمی خوی جای می‌گرفته است. به احتمال زیاد این دروازه درهای آهنی یا چوبی مستحکم داشته است. از برج و باروی خوی متاسفانه به دلیل گسترش شهر هیچگونه آثاری برجای نمانده اما تاریخچه آن و نیز نقشه ارزشمند شهر و برج و باروی آن، که در دوره قاجار و توسط روس‌ها کشیده شده، برجای مانده و در کتاب «تاریخ خوی» تألیف محمدامین ریاحی آمده است(نقشه ش ۵۱). دروازه خیابان مورد اشاره در نقشه و ضلع جنوبی شهر ظاهراً همین دروازه سنگی است. برج و باروی شهر خوی از نظر طراحی و ساخت شباهت بسیاری به نقشه قلعه کهنه کرمانشاه دارد(نقشه ش ۳۰۱). براساس متون تاریخی نقشه برج و باروی خوی توسط مهندسان فرانسوی تهیه و توسط معماران ایرانی اجرا شده است. قلعه کهنه کرمانشاه نیز منسوب به دوره افشاریه است و احتمالاً با الگوی اروپائی ساخته شده است.

در سال ۱۳۵۶ سازمان میراث فرهنگی، اقدام به مرمت دروازه سنگی خوی نمود. در جریان این عملیات حفاری مختصری نیز در پیرامون دروازه انجام شد که در نتیجه آن بقایای خندق فرا روی دروازه مشخص شد. دروازه سنگی خوی به شماره ۸۰۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: بایرام‌زاده. ۱۳۸۱

پازوکی. ۱۳۷۶، صص ۳۱-۱۲۹

ریاحی. ۱۳۷۸، صص ۹۲-۲۸۸ و ۶۰۳

قلعه اسماعیل آقا (ارومیه)

این قلعه بر فراز کوهی در ۱۸ کیلومتری شمال‌غربی‌ارومیه و در حاشیه رودخانه نازلو چای و به فاصله نسبتاً کمی از جاده سرو واقع شده است.

برج و باروی برجای مانده بر سطح کوه مربوط به دوره قاجاریه است، اما در جنب آن بقایای معماری و قلعه‌ای قدیمی وجود دارد که قدمت آن به هزاره اول ق.م بازمی‌گردد که تا دوره صفویه نیز مورد استفاده بوده است.

قسمت اعظم برج و باروی قلعه اسماعیل آقا هنوز پابرجاست (تصویر ش ۵۲) ولی اتاق نگهبانی و سایر واحدهای مسکونی آن

خراب شده و آسیب بسیار دیده است. مصالح مورد استفاده در قلعه قاجاری، خشت خام و گل و چینه است.

منابع: زنده‌دل. ۱۳۷۷، ص ۸۱

سرفراز. ۱۳۴۴

حیدری. ۱۳۸۲، ص ۱۲۴

علی صدرائی

باش‌قلعه (ارومیه)

بقایای این بنا بر روی ارتفاعات صخره‌ای، واقع در ۲۰ کیلومتری شمالغرب ارومیه و ۱۲ کیلومتری دریاچه ارومیه قرار گرفته و معرف آثاری از پیش از اسلام و دوره اسلامی است. بقایای دیوارهای سنگی قلعه هنوز پابرجاست. با توجه به قطعات سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه، باش‌قلعه تا اواخر قرن ششم هجری و دوره ایلخانی مورد استفاده بوده و بعد از آن ویران و متروک شده است.

علی صدرائی

قلعه بخشی / بخشی قلعه (ارومیه)

بقایای این قلعه بر فراز کوهی به شکل مخروطی ناقص، در ۲ کیلومتری کناره دریاچه ارومیه و ۱۲ کیلومتری شمال‌غربی‌شهرستان ارومیه واقع شده و معرف آثاری از دوره اسلامی و قبل آن است. بر طبق متون تاریخی در سال ۶۱۷ هجری اوزبک ابن‌پهلوان جاده‌های اطراف کوه و قلعه را بازسازی کرده است. در نزدیکی قلعه نهری جریان دارد که پلی بر روی آن ساخته شده است. اهالی محل این پل را «اوزبک کورپوسی» (پل اوزبک) می‌خوانند.

بقایای قلعه بخشی به شماره ۳۳۸۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: زنده‌دل. ۱۳۷۷، ص ۸۵

دهقان. ۱۳۴۸

مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی کشور

علی صدرائی

قلعه بردوک (ارومیه)

بقایای این قلعه بر فراز ارتفاعات کوشن در ۶ کیلومتری غرب روستای بردوک، از توابع محال برادوست و در ارتفاعات سوق‌الجیشی و ۸۵ کیلومتری شمال‌غربی‌شهرستان ارومیه واقع شده است. در این محل تنگه‌ای به نام حسنی (کوتل) وجود دارد که یکی از کانال‌های نفوذی به داخل ایران محسوب می‌شود. قلعه بردوک در دوره صفوی و برای کنترل این تنگه، بر بالای کوه مشرف بر آن ساخته شده است. بقایای معماری برجای مانده در این محل مشتمل بر برج و بارو و تأسیسات داخلی آن، آب‌انبارها، ساختمان سه‌طبقه و برج دیده‌بانی است. مصالح بکار رفته در حصار قلعه سنگ لاشه و ملات ساروج است. این دیوار در فواصل مختلف با پشتبندهای نیم‌دایره استحکام‌بخشی شده است. حصار قلعه دارای یک دروازه اصلی در جانب شرقی است که با سنگ‌های تراشیده آهکی و پوشش طاق جناغی، ساخته شده است. در این دروازه از سنگ‌های تراشیده آتشفشانی جهت نماسازی و نیز کتیبه‌ای از سنگ مرمر استفاده کرده‌اند. متن کتیبه دروازه قلعه عبارت است از: «امر ببناء هذه‌العماره صاحب‌السلطنه تقی سلطان بن نظربیک بن غازی‌بیک فی‌سنه ۱۰۷۸».

از در ورودی قلعه تا بخش میانی آن یک معبر تنگ و باریک قرار گرفته که با شیب ملایم در صخره ایجاد شده است. در انتهای این معبر ساختمانی سه طبقه با پلان چهارگوش قرار دارد که امروزه قسمت‌هایی از آن در مقابل دروازه ورودی باقی مانده است. مصالح بکار رفته در این ساختمان سنگ لاشه با ملات ساروج است.

در بخش مرکزی قلعه بقایای چندین بنا دیده می‌شود که یکی از آنها از ماندگاری بیشتری برخوردار است. این بنا با نقشه مربع شکل و مصالح سنگ لاشه و ملات ساروج ساخته شده و دارای پوشش طاقی است. به‌نظر می‌رسد از این بنا به‌عنوان آب‌انبار استفاده می‌شده است.

در جبهه شمالی قلعه و بر بلندترین قلّه کوه، بقایای بنای بزرگی دیده می‌شود که احتمالاً برج دیده‌بانی قلعه بوده است. این بنا یا برج با طرح دایره ساخته شده و بر مناطق پیرامون اشراف کامل دارد. در کنار این برج چشمه‌ای جاری است (تصویر ش ۵۳).

در دامنه شرقی کوه و به فاصله ۵۰۰ متری قلعه، بقایای مسجد زیبایی قرار دارد که براساس کتیبه تاریخی موجود، دو سال بعد از بنای قلعه ساخته شده است. مجموعه بناهای قلعه بردوک به شماره ۱۷۲۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: سرفراز، علی‌اکبر و جواد بابک‌راد. ۱۳۴۴

صدرائی. ۱۳۷۵، صص ۲۰۳-۱۸۶

علی صدرائی

قلعه برده‌سور (سیلوانا)

بقایای این قلعه بر فراز پشته بلندی در جانب غربی دریاچه ارومیه و ۴ کیلومتری جنوب غربی قریه سیلوانا واقع شده و از نظر مرزبانی دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است.

شیوه معماری قلعه برده‌سور (سنگ سرخ) مشابه قلعه بردوک در محال برادوست است و مقارن همان ایام (دوره صفویه) ساخته شده امّا فاقد عظمت قلعه بردوک بوده و دسترسی به آن بسیار سهل‌تر است.

امروزه از قلعه برده‌سور تنها بقایای چند دیوار و پایه بنا باقی مانده است.

علی صدرائی

قلعه بردینه (بوکان)

بقایای این قلعه بر روی تپه‌ای منفرد و مرتفع، در ۳۰۰ متری شمال‌شرقی روستای آغجیوان و ۳۵ کیلومتری شمال‌شرقی شهرستان بوکان واقع شده است. با توجه به آثار معماری و سفالینه‌های پراکنده بر سطح تپه، بنای اصلی قلعه در هزاره اول ق.م ساخته شده و در دوره اشکانی ـ ساسانی و نیز اسلامی مورد استفاده مجدد قرار گرفته است. (تصویر ش ۵۴).

قسمت فوقانی تپه، صخره‌ای است و دسترسی به بالای آن تنها از یک جهت امکانپذیر است. در این جهت با ایجاد راهی به دروازه قلعه که به صورت راه‌پله‌ای در صخره کوه تراشیده شده، می‌توان رسید. امروزه از برج و بارو و تأسیسات داخلی قلعه آثار چندانی برجای نمانده است. مساحت قلعه بردینه(رأس‌تپه) در حدود ۱۰۰×۱۸۵ متر است و در فضای داخلی آن چندین حوضچه ذخیره آب‌های حاصل از برف و باران دیده می‌شود که در داخل بدنه صخره‌ای تپه کنده شده‌اند.

قلعه تبت (بوکان)

بقایای این قلعه بر فراز تپه بلندی در نزدیکی روستای تبت(از توابع شهرستان بوکان) و کنار جاده ارتباطی بوکان ـ سقز واقع شده است. با توجه به آثار معماری و سفالینه‌های پراکنده در سطح تپه، قلعه تبت معرف استقراری از هزاره اول ق.م تا دوره صفویه است.

تپه‌ای که قلعه بر آن قرار گرفته حدود ۱۰۰ متر ارتفاع دارد و در سطح آن فضای وسیع و مناسبی برای احداث قلعه وجود دارد. بقایای برج و باروی دفاعی قلعه با مصالح سنگ و گچ و آهک در یک جانب قلعه برجای مانده است. همچنین در سطح قلعه چندین حوضچه ذخیره آب دیده می‌شود که در داخل بدنه صخره‌ای کوه کنده شده‌اند.

علی صدرائی

قلعه جم‌جم (ارومیه)

بقایای این بنا بر فراز کوهی در ۲۶ کیلومتری شهرستان ارومیه و بر سر راه این شهر به اشنویه و در نزدیکی روستاهای تُمترو، بزرگ‌آباد و پولاوده واقع بوده و به نام‌های «شهرخرابه»، «قلعه خرابه جم‌جم» و «قلعه خرابه دُمد» نیز شهرت دارد.

طول قلعه در حدود یک کیلومتر و عرض آن در حدود ۳۰۰ متر و ارتفاع آن از سطح جلگه در حدود ۲۰۰ متر است. دیواره‌های صخره‌ای کوه حفاظ طبیعی برای قلعه بوجود آورده است. در این قسمت صخره‌ای، تعداد زیادی غار طبیعی وجود دارد که دهانه اغلب آنها در دوره صفویه برای حفاظت از قلعه مسدود شده است. در قسمت غربی کوه نیز غاری به ارتفاع ۲۵ متر وجود دارد که در محل به زندان مشهور است. دهانه این غار نیز در دوره صفویه مسدود شده است. در ضلع شرقی قلعه پلکانی با مصالح سنگ، گل و آهک ایجاد کرده‌اند که به «چهل‌پله» مشهور است. در قسمت بالای صخره نیز بقایای برج و باروی قلعه برجای مانده است.

قلعه جم‌جم ظاهراً در دوره ساسانی ایجاد شده و با بازسازی و تغییراتی تا دوره صفویه مورد استفاده قرار گرفته است.

منبع: اسلامی، ۱۳۴۵

علی صدرائی

قلعه جوق (ماکو)

این بنا در ضلع جنوبی قریه قلعه جوق و تقریباً متصل به آن ساخته شده و از آثار دوره قاجاریه محسوب می‌شود. بنای قلعه جوق که در اصل خانه یا قصر اربابی است، در دوره قاجار توسط عزیزخان پیرنیا، مالک قریه مذکور و از بستگان سردار ماکو و احتمالاً به الگوگیری از کاخ باغچه جوق ماکو ساخته شده است. بنای قلعه جوق در داخل باغ و در دو طبقه ساخته شده است(تصویر ش ۵۵).

منبع: مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان غربی

قلعه جوق (مهاباد)

بقایای این قلعه بر بالای تپه مرتفعی در نزدیکی روستای قلعه جوق که از کیلومتر ۳۳ جاده بوکان ـ مهاباد به آن می‌توان رسید، واقع شده است. قسمت فوقانی تپه‌ای که قلعه بر فراز آن قرار داشته به صورت صخره‌ای است که در این قسمت به ایجاد راه‌پله‌ها و حوضچه‌های ذخیره آب و آذوقه اقدام کرده‌اند. شیوه ساختمانی بکار رفته و نیز تعدادی از سفال‌های پراکنده در سطح تپه قدمت بنا را به هزاره اول ق.م می‌رساند اما بیشتر سفال‌های پراکنده در سطح تپه مربوط به دوره اسلامی است. از این رو می‌توان احتمال داد بنای اولیه قلعه در دوره پیش از اسلام ایجاد شده و در دوره اسلامی مورد استفاده مجدد قرار گرفته است.

منبع: مطالعات میدانی

قلعه چورس (قره‌ضیاءالدین)

بقایای این بنا در حد جنوبی جلگه چایپاره واقع شده و قدمت آن به دوره ایلخانی می‌رسد. بنای قلعه امروزه به صورت توده‌های عظیمی از سنگ و خشت درآمده است. بقایای این قلعه به شماره ۹۱۶۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

علی صدرائی

قلعه چهریق (سلماس)

بقایای این قلعه بر روی تپه‌ای در نزدیکی روستای چهریق علیا و

۲۳ کیلومتری جنوب غربی سلماس و کنار رودخانه زولا قرار گرفته است. بنای اولیه قلعه احتمال دارد پیش از اسلام ساخته شده باشد اما عمده اهمیت آن مربوط به دوره اسلامی و به‌ویژه دوره قاجاریه است.

قلعه چهریق با توجه به متون تاریخی در دوره‌های متاخرتر مرکز ایل شکاک که در مرز آذربایجان با ترکیه مستقر هستند، بوده است. قلعه چهریق از دوره افشار و زندیه به بعد شهرت فراوانی کسب می‌کند. یکی از دلایل این شهرت زندانی شدن سیدعلی محمد باب، مقتدای طایفه بابیه در این قلعه و در دوره قاجاریه است. نامبرده بعد از اینکه مدتی در این قلعه زندانی بوده، در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه، در تبریز کشته می‌شود. در سال ۱۲۹۰ شمسی و در جریان جنگ مجاهدان و مشروطه‌خواهان با مهاجمان روس، این قلعه مدتی مورد استفاده مجاهدان قرار می‌گیرد. در سال‌های بعد قلعه چهریق مقر فرماندهی اسماعیل‌آقا شکاک(سمیتقو) که بر علیه دولت وقت شورش کرده بود می‌شود. قلعه چهریق ظاهراً در این دوره در اوج رونق و آبادانی خود قرار داشته است. قیام اسماعیل‌آقا در سال ۱۳۲۴ هـ‌ش آغاز و در سال ۱۳۰۹ هـ‌ش با کشته شدنش توسط عوامل دولت وقت به پایان می‌رسد. اسماعیل‌آقا در طی این قیام بخش‌های وسیعی از منطقه را تحت‌سلطه خود درآورده و با کمک عثمانی‌ها و تجهیزاتی که آنها در اختیار او قرار داده بودند، در مقابل قوای دولتی مقاومت می‌کرد. در سال ۱۳۰۲ شمسی قلعه چهریق به‌دست نیروهای دولت ایران افتاد و در سال ۱۳۰۹ شمسی اسماعیل آقا سمیتقو با ترفندی به قتل رسید.

از بنای قلعه چهریق امروزه آثار چندانی برجای نمانده است اما خوشبختانه نقشه‌ای از این قلعه در دست است که به سال ۱۲۷۹ قمری و توسط «عالیجاه عبدالعلی‌بگ سرهنگ» تهیه شده است(تصویر ش ۵۶). نامبرده از شخصیت‌های نظامی دوره ناصری بوده است. این نقشه پس از شورش شیخ عبیدالله نقشبندی تهیه شده و نشان می‌دهد که بناها و ساختمان‌های قلعه در دوران یحیی‌خان چهریقی(زمان تهیه نقشه) هنوز خرابی دوره‌های بعدی را به خود ندیده و از آبادانی و سلامت کامل و از حیث معماری از وضعیت بسیار مناسبی برخوردار بوده است.

طبق این نقشه ارتفاع قلعه بیش از ۸۰ متر و مساحت آن بیش از ۱۲ هزار متر مربع بوده و دارای ۱۲ برج اصلی و چهار برج در داخل عمارت یحیی‌خان چهریقی بوده است. مطابق این نقشه تاریخی، مجموعه عمارت‌های موجود در قلعه به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می‌شدند.

عمارت‌های داخل قلعه شامل موارد ذیل بودند:

۱ـ عمارت اصلی یحیی‌خان چهریقی که در بلندترین قسمت قلعه واقع شده و از طریق نردبان ویژه به آنجا می‌توان رسید.

۲ـ محل اسکان قراول‌ها

۳ـ جای سرکرده قراول

۴ـ جای قورخانه(محل نگهداری اسباب و وسایل جنگی یا اسلحه‌خانه)

۵ـ مسجد

۶ـ طویله

۷ـ انبار آذوقه

۸ـ اتاق یکی از رؤسای قلعه

۹ـ خانه‌های اکراد(این خانه‌ها در ارتفاع پایین قلعه و در نزدیکی چهریق واقع بودند)

۱۰ـ چاه‌های قلعه(دو چاه در ضلع جنوبی و شمالی قلعه)

۱۱ـ بناهای دیگر

براساس نقشه مذکور یک برج مستطیلی شکل جهت دیده‌بانی و با نام برج نایب‌السلطنه در بیرون از قلعه وجود داشته است. نقشه ارزشمند و تاریخی قلعه چهریق در آرشیو مؤسسه تاریخ معاصر ایران نگهداری می‌شود.

محوطه تاریخی قلعه چهریق به شماره ۲۰۷۵ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

منبع: کریمیان سردشتی، ۱۳۸۲، صص ۹۵-۲۸۰

قلعه دم‌دم(ارومیه)

بقایای این قلعه بر فراز قلّه صخره‌ای دم‌دم، در سر راه ارومیه به اشنویه، بعد از بخش بالانج و نرسیده به دره قاسملو(دره شهدا) واقع شده است. از این قلعه می‌توان تمامی مناطق پیرامون را تا مسافت بسیار در معرض دید قرار داد. صعود به قلّه دم‌دم از طرف جنوب و شمال تقریباً محال است زیرا این دو جبهه از تخته‌سنگ‌های عظیم و یکپارچه با دره‌های عمیق تشکیل یافته است.

قلعه دم‌دم را امیرخان یکدست از سران اکراد صومای برادوست در سال ۱۰۱۸ هـ‌ق به بهانه اینکه قلعه ارومی انهدام یافته و قابل‌تعمیر نمی‌باشد، از شاه‌عباس اجازه گرفت و ساخت و بعد از تهیه آذوقه و مهمات و تدارکات، بر علیه حکومت مرکزی شورش کرد و با کمک قسمتی از طایفه مکری که از حامیان وی بودند، به یاغیگری پرداخت. چند سال بعد این شورش سرکوب و امیرخان یکدست کشته شد. در سالهای بعد الوح‌بیگ، برادر امیرخان، سران اکراد سلدوز و مهاباد را با خود همراه کرده و قلعه دم‌دم را مجدداً مستحکم می‌کند و سپس بر علیه دولت عصیان می‌نماید. این قیام نیز توسط قبان‌خان، حاکم وقت ارومیه سرکوب می‌شود.

مؤلف «عالم‌آرای عباسی» درخصوص این قلعه مطالب در خور توجهی آورده که به ذکر چکیده‌ای از آن می‌پردازیم: «... در سه فرسخی بلده ارومی بر بالای کوه رفیع که داخل ترگور است طرح قلعه انداخته...

در میانه اکراد مشهور است که قبل از ظهور اسلام و زمان اکاسره در همان مکان قلعه بود که به قلعه دمدم اشتهار داشته... قلعه مذکور بر بالای کوه بلندی از سنگ یکپارچه طولانی کم‌عرض واقع شده که سطح آن پشت ماهی است که طرف آن که شمالی و جنوبی دره عمیقی است که از پائین به بالا جزء نردبان خیال نتوان رفت و از غایت ارتفاع محتاج به حصار نبوده و حصار نکرده، از دو طرف دیگر که عرض قلعه است شرقی آن در بلندی است که به جبال اتصال دارد و حصاری مرتفع و بروج عالی ساخته یک دروازه دارد و ضلع غربی آن به زمین نزدیکتر است و حصار استوار ترتیب داده یک دروازه در جانب جنوبی قلعه قرار دارد که از دروازه تا روی زمین راهی است در میان سنگ در نهایت تنگی و پیچ و خم که عبور یک سوار از آنجا به‌غایت دشوار است و در جانب شرقی از پای حصار تا یک تیر پرتاب، سنگ لخت است که از نقب زدن و جسر کندن مصون است و در منتهای آن بر روی سنگ کناره دره از خوف نقب و ممانعت نقبچیان برجی عظیم در غایت ارتفاع اساسی نهاده‌اند که فی‌الحقیقه آن هم قلعچه‌ایست که به اصل قلعه اتصال یافته و تا آن برج به‌دست نیاید محال است که سیبه(وسیله قلعه‌گیری و قلعه‌کوبی) بپای قلعه توان برد و آب قلعه از حوض بزرگی است که با آب باران پر می‌شود. اما در میان دره جانب شمالی چشمه‌ایست که آب قلیلی دارد و امیرخان تنقیه آن چشمه کرده بر سر آن حوضی فراخور آب ساخته که از اول شب تا صبح پر می‌شود و یک روز خواص اهل قلعه را کفایت می‌کند و بر روی حوض گنبدی ساخته پشت آن را به‌زمین هموار کرده‌اند که از نظر بیرونیان پوشیده و پنهانست و آنرا «سولق» می‌نامند و بجهت محافظت حوضخانه و آب برون، برج در جنب دیوار قلعه واقع شده و باصل قلعه متصل گشته و در جانب جنوبی یخدانی در جنب قلعه ترتیب داده‌اند که در زمستان به یخ و برف پر می‌کنند و حوضی در زیر آب آن ساخته شده که هر چه در تابستان و شدت گرما از یخ و برف آب شود در حوض جمع شده در هنگام قلت و گرما بکار آید و این یخدان را نیز قلعچه کرده تیرانداز و تفنگ انداز بقاعده مقرر گذاشته و استحکام داده‌اند و آنرا «بوزلق» و «قارلق» نیز می‌گویند و راه آن نیز به‌دست‌ور راه سولوق(سولق) بر بیرونیان مخفی است».

به هنگام شورش امیرخان یکدست نیروهای شاه‌عباس به فرماندهی اعتمادالدوله به‌طرف قلعه حرکت کرده و به محاصره آن پرداختند و با توجه به استحکام قلعه این محاصره طولانی شد. اسکندر بیک ترکمان، مؤلف عالم‌آرای عباسی، که خود در فتح قلعه حضور داشته در این ارتباط می‌نویسد: «چون از تسخیر سولق بنابر کثرت بارندگی و تقاطر امکار چنانکه مذکور شد مقصود به‌حصول نه پیوست، قرار یافت که همگی امراء عظام سیبه‌ها به‌کوچه سبد پیش برده قلعه را به‌توفیق الله به‌زور مردانگی و قهر و غلبه مفتوح سازند... از هر طرف شب و روز سعی نموده مصالح می‌کشیدند و سبد... می‌بافتند و جمعی خاک و گل جهت پر کردن سبد از دور می‌آوردند و تخته تخته سطبوری (؟سطبری) را آهن بر روی کشیده... در برابر کوچه سبد می‌گذاشتند که کارکنان در عقب آن کار کرده از آسیب گلوله ضربزن و تفنگ محفوظ باشند و بدین‌ترتیب در تیره شب‌ها کار کرده ذرع ذرع پیش می‌رفتند و روز پاس آن می‌داشتند. معهذا هیچ شبی نبود که دو سه کس از آسیب ضربزن و تفنگ ضایع نشود... و بدین طریق سیبه را به پای برج خارج رسانیدند و به دیوار رسیدند... نقبچیان دو سه روز کار کرده چوب‌هائی که جهت استحکام عمارت در میان خشت و گل کشیده بودند آتش زده سوختند...».

قلعه دمدم سرانجام با استفاده از توپخانه و شرحی که گذشت، به‌دست لشکریان شاه‌عباس فتح و به دستور او ویران شد. این قلعه بعدها بازسازی و برای حفاظت از منطقه مورد استفاده قرار گرفت. در حال حاضر بقایای ویرانه این قلعه به صورت پشته‌هایی برجای مانده است.

منابع: اسکندر بیک ترکمان. ۱۳۳۵، صص ۹۷-۷۹۲
پدرام. ۱۳۵۴، صص ۴۸-۴۴
خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۸۳-۱۸۲
صدرائی. ۱۳۷۳، صص ۲۰۸-۱۹۵

علی صدرائی

قلعه رشکان(ارومیه)

بقایای این قلعه بر فراز تپه‌ای مرتفع در کنار دریاچه ارومیه و جنوب روستای رشکان(از توابع شهرستان ارومیه و در جنوب شرقی آن) واقع شده است. بنای اولیه قلعه مربوط به قبل از اسلام است اما در دوره اسلامی و به‌ویژه دوره ایلخانی با بازسازی و تغییراتی مورد استفاده قرار گرفته است. تپه‌ای که قلعه بر روی آن ساخته شده از زمین‌های اطراف خود در حدود ۵۰ متر بلندتر است. دامنه و قسمت فوقانی این تپه با استفاده از تخته‌سنگ‌های بزرگ به صورت سکویی مطبق درآمده است. باروی قلعه به قطر ۴ متر با سنگ و ملاط گل ساخته شده و امروزه بقایای تعدادی از برج‌های آن برجای مانده است. تعدادی از این برج‌ها به‌نظر می‌رسد الحاقی دوره ایلخانی باشند. راهروی ورودی به قلعه در قسمت شرقی و روبروی دریاچه قرار گرفته است.

آب شرب محل از دامنه کوه‌های غربی و از طریق نهری قدیمی هم‌اکنون در پای قلعه جریان دارد. مسیر این آب در دامنه و قسمت غربی تپه به صورت استخر مانندی از روزگاران باستان بوجود آمده و اطراف آن را سنگ‌چین نموده‌اند. این استخر ۷۰ متر طول و ۴۵ متر عرض دارد. مدخلی در قسمت غربی قلعه رشکان برای دسترسی به این استخر تعبیه شده بود.

منبع: سرفراز، علی‌اکبر و جواد بابک‌راد. ۱۳۴۴، صص ۹۶-۲۹۴

علی صدرائی

قلعه ساری قورخان (تکاب)

بقایای این قلعه بر فراز تپه مرتفع و بلندی در مجاورت روستای ساری قورخان و حاشیه جنوبی رودخانه ساروق و ۴۵ کیلومتری غرب شهرستان تکاب واقع شده است. با توجه به بقایای معماری و قطعه سفالینه‌های پراکنده بر سطح این تپه، بنای اولیه قلعه در هزاره اول ق.م ساخته شده و در دوره اسلامی و به‌ویژه دوره ایلخانی و صفویه با تغییراتی مورد استفاده مجدد قرار گرفته است(تصویر ش ۵۷).

بخش فوقانی تپه‌ای که قلعه بر روی آن قرار گرفته به صورت صخره‌ای لخت است که تنها از باریکه راهی و با پلکان سنگی ایجاد شده در آن، به بالا می‌توان راه یافت. اضلاع دیگر به‌صورت پرتگاه بوده و امکان صعود از آنها بدون تجهیزات کوهنوردی مقدور نیست. در نقاطی از این دیواره صخره‌ای که امکان نفوذ وجود داشته با احداث دیواره‌های مستحکمی، آنرا نفوذناپذیر ساخته‌اند.

فرسایش جدار آهکی صخره در طول زمان باعث ایجاد حفره‌های سنگی و محوطه‌های سرپوشیده وسیعی شده که اقوام مستقر در قلعه از آنها به‌عنوان پناهگاه استفاده کرده‌اند. این پناهگاه‌ها به‌وسیله چندین راهرو به یکدیگر متصل می‌شده‌اند. در این قلعه همچنین آب‌انبارهایی ساخته شده است.

قلعه ساری قورخان در دوره اسلامی تا قرن ۱۱ هجری دارای اهمیت بوده و شرح برخی از حوادث مرتبط با آن در ذیل «جامع‌التواریخ»، «تاریخ حبیب‌السیر»، «شرفنامه بدلیسی» و «عالم‌آرای عباسی» آمده است.

این محوطه تاریخی به شماره ۱۲۴۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: بررسی‌های میدانی

قراخانی بهار. ۱۳۵۵، ص ۶

حیدری. ۱۳۸۲، ص ۱۲۶

قلعه شاهزاده راز (سلماس)

بقایای این قلعه در روستای چهریق علیا واقع شده و آثار معماری موجود در آن معرف استقراری از پیش از اسلام تا قرن‌های ۶ و ۷ هجری است. در این مکان بقایای برج و بارو، پلکان‌ها و دخمه‌های صخره‌ای از دوره‌های مختلف مشهود است.

علی صدرائی

قلعه قطور (خوی)

این قلعه در ۲۰ کیلومتری غرب شهرستان خوی و بر بالای کوه مخروطی شکل مرتفع، مسلط به دره ارتباطی که در گذشته کانال ارتباطی مهم ایران عصر صفوی با امپراتوری عثمانی بوده، ساخته شده است.

بنای اولیه قلعه قطور به دوره ایلخانی منسوب است اما استفاده اصلی از آن مربوط به دوره صفویه است. اولیاء چلبی که در دوره صفویه از محل بازدید کرده، در کتاب «کرد در تاریخ همسایگانش» مطالب مفیدی در خصوص این قلعه نوشته است: «در انتهای جنوبی یک دره بر روی یک کوه کله قندی بسیار مرتفع، قلعه مستطیل شکل بسیار مستحکمی ساخته‌اند. دور تا دور آنرا نتوانستم اندازه بگیرم اما قلعه کوچکی است. این محل آخرین نقطه مرزی ایران است. سه هزار تفنگچی زبده مازندرانی در آن خدمت می‌کنند. شبی که ما به آنجا رسیده و در باغچه‌های پایین میهمان بودیم تمامی برج‌ها و دیوارهای قلعه را با مشعل چراغانی کرده بودند و صدای «خدا خوب» نگهبانان آن تا صبح به گوش می‌رسید... در سال ۹۹۲ که «فرهاد پاشا» اینجا را تصرف کرد، (قلعه) به دست عثمانی‌ها افتاد. سپس در سال ۹۹۶ که «پسر جغاله» در جنگ سراب شکست خورد و بار و بنه و مهماتش را برجای گذاشت، عجم‌ها فرصت را غنیمت شمرده و دوباره قلعه را متصرف شدند و آن را بهتر از سابق بازسازی کردند. در سال ۱۰۴۵ سلطان مراد چهارم پس از تصرف «روان» در این دره پیاده شده بود. از این قلعه چنان آنها را به توپ کوبیده بودند که کسی جرأت جنبیدن نداشت...».

در سال ۱۰۴۸ که عثمانی‌ها بغداد را تصرف کردند، به هنگام امضاء پیمان صلح، قید می‌شود که ایرانی‌ها قلعه قطور را ویران نمایند اما این کار انجام نشد و فقط سربازان از آن بیرون آمدند و قلعه متروکه شد. در سال‌های بعد این قلعه یک‌بار دیگر بازسازی شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

منبع: کلایس. ۱۳۶۶، ص ۱۱۱

علی صدرائی

قلعه کاظم داشی (ارومیه)

بقایای این قلعه که در محل «گورچین قلعه»(قلعه کبوتر) نیز خوانده می‌شود، بر فراز تپهٔ صخره‌ای برآمده در کنار دریاچه(در بخش قوشچی شهرستان ارومیه) واقع شده است. وجه تسمیه قلعه به جهت استفاده‌ای است که در طی سال‌های ۱۸-۱۹۱۴ میلادی توسط کاظم‌خان قوشچی برای مقابله با تهاجمات اسماعیل‌آقا سمیتقو، از آن شده است. با این حال بنای اولیه قلعه مربوط به پیش از اسلام است که در دوره ایلخانی و بعدها قاجار، بنای قدیمی را بازسازی کرده و مورد

استفاده مجدد قرار می‌دهند (تصویر ش ۵۹).

بر سطح این قلعه که تنها از طریق یک ورودی و جاده سنگی به کنار دریاچه متصل می‌شود، بقایای ساختمان‌هایی از سنگ‌های بزرگ تراشیده به چشم می‌خورد. در بالای این قلعه همچنین حوضچه‌ای به طول و عرض ۲/۵ متر و عمق ۸ متر وجود دارد که آب حاصل از بارندگی در آن جمع‌آوری می‌شده است. بر سطح قلعه بقایای معماری دوره ساسانی به بعد مشهود است. ظاهراً از دوره ایلخانی و زمان سلطان ابوسعید بهادرخان، در بدنه صخره‌ای قلعه کتیبه‌ای بوده که در دوره‌های بعد به داخل دریاچه سقوط می‌کند. در دوره استقرار کاظم‌خان قوشچی در این قلعه بناهای متعددی ساخته می‌شود که از جمله آنها بنائی دو طبقه بود که مورد استفاده نامبرده و خانواده‌اش قرار داشت.

منابع: حیدری. ۱۳۸۲، ص ۱۲۳

خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۴۴-۲۳۵

زنده‌دل. ۱۳۷۷، صص ۳-۸۲

قلعه ماران (نقده)

بقایای این قلعه بر فراز ارتفاعات واقع در ۷ کیلومتری غرب شهرستان نقده و کنار جاده نقده به پیرانشهر قرار گرفته و از آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود. بقایای دیواره‌های قلعه ماران امروزه به صورت تلی از خاک درآمده است. سطح قلعه در حدود ۱۳۵ متر طول و ۵۵ متر عرض دارد. در قسمت غربی، دیواره صخره‌ای کوه به ارتفاع ۱۵ متر، حفاظ طبیعی برای این قلعه بوجود آورده است. بر طبق نوشته «تاریخ مفصل کردستان» امیر بداق‌بن‌میرابدال در دوره صفویه ماران را در تصرف داشت و آن را تعمیر کرده است.

منبع: صدرائی. ۱۳۷۳، صص ۸۱-۶۸

علی صدرائی

قلعه ماکو

بقایای این قلعه در جبهه شمالی شهرستان ماکو و در مدخل ورودی تنگه ماکو از طرف مرز بازرگان واقع شده و از آثار دوره صفویه به شمار می‌آید که احتمالاً به‌جای بنای قدیمی‌تری ساخته شده است.

برای رسیدن به قلعه ماکو می‌باید مسیر داخل شهر را به‌طرف شمال طی کرد. از کنار گوی مسجد (مسجد کبود) بقایای برج و باروی قلعه قابل‌مشاهده است. آثار بر جای مانده حکایت از عظمت بنا در دوره آبادانی می‌کند. دیوارهای مرتفع، راهروهای مختلف، حصارهای داخلی تودرتو و تراس‌های تراشیده سنگی، مقرهای دیده‌بانی که با مصالح سنگ تراشیده ساخته شده‌اند، از جمله این آثار هستند. جبهه جنوبی قلعه ماکو در جریان ساخت و سازهای دوره‌های بعد به‌طور کامل از میان رفته است. علاوه بر قطعات سنگ تراشیده از خشت و گل و آهک نیز در ساخت قلعه استفاده شده است.

در بالای قلعه چشمه آب بسیار گوارائی وجود دارد که از داخل کوه می‌جوشد و در گذشته می‌توانسته آب موردنیاز قلعه‌نشینان را تأمین کند. در این قلعه همچنین سنگ نوشته‌ای به ابعاد ۶۰×۸۰ سانتی‌متر وجود دارد که امروزه قسمت مهمی از آن ناخوانا شده است. اما باتوجه به قرائت‌هایی که در گذشته از آن صورت گرفته، اشعاری است در وصف ویرانی قلعه به‌دستور شاه‌عباس و به‌سال ۱۰۵۲ هـ‌ق. این ویرانی به جهت جستن پناه یاغیان و دزدان در این قلعه صورت گرفته است.

علی صدرائی

قلعه هلاکوخان / حسین‌آباد (میاندوآب)

بقایای این قلعه در نزدیکی روستای حسین‌آباد و ۱۵ کیلومتری شهرستان میاندوآب واقع شده است. ساخت این قلعه ظاهراً در اوایل دوره ایلخانی و به‌دستور هلاکوخان مغول صورت گرفته است.

امروزه بخش‌هایی از دیوار قلعه، قسمتی از فضای سرپوشیده، پایه‌های یکی از برج‌های نگهبانی و آثار اندک دیگری از آن بر جای مانده است. مصالح مورد استفاده در بنا خشت و گل است و با توجه به وضعیت موجود، احتمالاً فضاهای سرپوشیده، پوششی مسطح و تیرپوش داشته‌اند.

منبع: حیدری. ۱۳۸۲، ص ۱۲۸

قلعه هلوری / قلعه‌کوه (ارومیه)

بقایای ویرانه این قلعه در یک کیلومتری شمال‌غربی‌قریه هلوری نرسیده به محال دشت واقع و به صورت سه سکوی مطبق است. اهالی این ویرانه‌ها را «قلعه کوه» می‌نامند که یک قلعه اسلامی است و احتمالاً در هجوم مغولان ویران شده است.

منبع: سرفراز، علی‌اکبر و جواد بابک‌راد. ۱۳۴۴

علی صدرائی

اردبیل

قلعه ارشق (مشکین‌شهر)

بقایای این بنا بر فراز صخره بسیار بلندی از کوهستان هشت‌سر، و در دهستان ارشق(از توابع بخش مرکزی اردبیل) و در ساحل غربی رودخانه قره‌سو قرار دارد. قلعه ارشق از نظر معماری قابل‌مقایسه با دیگر قلاع منطقه قره‌داغ بوده و دارای بارو و برج‌های متعددی است که امروزه تنها بقایای بخشی از بارو و چهار برج نیم استوانه‌ای آن بر جای مانده است. در داخل قلعه نیز بقایای فضاهای معماری به چشم می‌خورد. مصالح مورد استفاده در بنا سنگ لاشه و ملات آهکی است.

قلعه ارشق از سه طرف به پرتگاه عمیق کوهستانی منتهی می‌شود و تنها از بخش شرقی می‌توان بدان دسترسی پیدا کرد. درخصوص تاریخ ساخت قلعه اطلاع دقیقی در دست نیست، احتمال می‌توان داد بنای اولیه پیش از اسلام ساخته شده و در دوره اسلامی مورد استفاده مجدد قرار گرفته باشد.

منبع: خاماچی. ۱۳۷۲، ص ۲۳-۲۰

قلعه اولتان (اصلاندوز)

بقایای این بنا در مجاورت قریه اولتان و ۳۹ کیلومتری شمال اصلاندوز و کنار رودخانه ارس قرار گرفته است.

قلعه اولتان که از جمله قلاع جلگه‌ای محسوب می‌شود، در زمین مسطحی به وسعت ۳۲۰ هزار متر مربع و ابعاد ۴۰۰×۸۰۰ متر بنا شده و گرداگرد آن را دیوار عظیم خشتی به ضخامت حدود ۶ متر فراگرفته است. در پشت این دیوار نیز خندق بزرگی به عرض ۳۰ متر قرار دارد که از سه جهت قلعه را در برگرفته است. جبهه دیگر قلعه را رودخانه ارس حفاظت می‌کند. ابعاد خشت‌های استفاده شده در این قلعه ۱۰×۴۱×۴۱ تا ۱۰×۴۴×۴۴ سانتیمتر است.

بر روی بقایای دیوار و در فواصل معین پشته‌هایی دیده می‌شود که در اصل برج‌های بنا بوده‌اند. ظاهراً بنای اولیه قلعه در دوره اشکانی ساخته شده امّا به جهت موقعیت مناسب آن با بازسازی و تغییراتی تا قرن ۱۲ هجری همچنان مورد استفاده قرار گرفته است. عمده قطعه سفال‌های پراکنده در سطح قلعه مربوط به دوره اسلامی است.

محوطه باستانی قلعه اولتان به شماره ۲۶۵۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: افشار سیستانی. ۱۳۶۹، ص ۳۵۲
خاماچی. ۱۳۷۰، ص ۲۱۳
خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۵۱-۴۸
قلمی. ۱۳۷۶، ص ۱۱۸

قلعه بوینی یوغون (نیر)

بقایای این قلعه بر روی صخره کوه بوینی‌یوغون(گردن‌کلفت) و مجاور روستای کور عباسلو و ۱۱ کیلومتری جنوب‌شرقی شهرستان نیر واقع شده است. قلعه بوینی‌یوغون به روزگار آبادانی از وسعت و استحکام بسیاری برخوردار بوده و به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین قلعه‌های منطقه را شامل می‌شده است. امروزه از این دژ بقایای بارو و برج‌های آن باقی مانده است. علاوه بر آثار معماری تعداد چهار حوضچه یا آب‌انبار بزرگ در سطح خرابه‌های قلعه و بدنه صخره‌ای کوه کنده شده و در اطراف آن شیارهایی ایجاد شده تا آب باران و برف را بداخل این حوضچه‌ها هدایت کنند. این حوضچه‌ها در قسمت جنوبی قلعه و به موازات و با فاصله حدود یک متر از همدیگر کنده شده‌اند و هرکدام از آن‌ها حدود ۱۸ متر طول و ۶ متر عرض و حداقل ۴ متر عمق دارند. ظاهراً بنای اولیه قلعه به دوره قبل از اسلام برمی‌گردد اما وجود آجرها و سفالینه‌های دوره اسلامی در سطح قلعه حاکی از بازسازی و استفاده‌ای است که این دوره صورت گرفته است. شواهد و مدارک نشان می‌دهد که در این استفاده تا دوره صفوی همچنان ادامه داشته است.

منبع: شکاری نیری. ۱۳۷۹، صص ۵۱-۵۰

قلعه دختر گرمی

بقایای این بنا در کنار رودخانه برزند و ۱۷ کیلومتری شمال گرمی واقع شده است. قلعه دختر گرمی در اصل دژی مستحکم و بزرگ بوده که امروزه از آن تنها بقایای دو دیوار و دو برج باقی مانده است. مصالح بکار رفته در بنا سنگ لاشه و قلوه با ملات آهکی است. سبک معماری و وجه تسمیه بنا قدمت آن را به دوره قبل از اسلام می‌رساند.

بقایای قلعه دختر گرمی به شماره ۶۲۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: مخلصی. ۱۳۷۱، ص ۲۱۷

قلعه دیو (مشکین‌شهر)

بقایای این بنا بر بالای کوهی به نام «کوه خرابه» و در کنار رودخانه شوردره و ۵ کیلومتری جنوب‌غربی روستای کویج(از توابع مشکین‌شهر) واقع شده است. بر بالای کوه مذکور سطح همواری را به صورت صفه در آورده و قلعه دیو را بر بالای آن ساخته‌اند. امروزه بغیر از صفه‌سازی مزبور آثار چندانی از این قلعه برجای نمانده است(نقشه ش ۶۰).

در قسمتی از کوه که مشرف به رودخانه و پرتگاه است، با ایجاد دیواری سنگی و پشتبنددار شکاف‌های طبیعی و حفره‌های کوه را گرفته و مسدود ساخته‌اند. طول این دیوار در کل به ۵۰۰ متر می‌رسد. دیوار مزبور از تخته‌سنگ‌های فرم داده شده و به صورت خشکه چین ساخته شده است. ابعاد سنگ‌های کار شده گاه به ۶۰×۱۰۰×۲۰۰

سانتیمتر می‌رسد. در پشت این دیوار جابجا محل‌های صفه مانند و محدودی احداث گردیده است. امروزه قسمتی از سنگ‌های فوقانی دیوارها که وزن بعضی از آنها گاه به ۳ تن می‌رسد، از جای خود غلطیده و به‌درون دره و دامنه کوه سرازیر شده است.

با توجه به قطعه سفالینه‌های پراکنده بر سطح محوطه، قدمت بنای اولیه قلعه دیو به قبل از اسلام بازمی‌گردد. محوطه باستانی قلعه دیو به شماره ۳۶۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: کامبخش‌فرد. ۱۳۸۰، صص ۷۲-۲۷۱

مخلصی. ۱۳۷۱، ص ۲۱۵

قلعه زیرزمینی گلستان (نیر)

غار یا دژ زیرزمینی گلستان در کنار روستای گلستان و ۱۲ کیلومتری شمال‌شرقی شهرستان نیر واقع شده است. دهانه این غار در دامنه جنوبی کوهی موسوم به قُرقچی داغ قرار دارد که به صورت دو منفذ کوچک است. از منفذ سمت چپ به صورت سینه‌خیز می‌توان وارد غار شد و پس از طی ۳ تا ۴ متر وارد تالار وسیعی به طول ۱۸ متر شد (نقشه ش ۶۱). از داخل این تالار ۶ تونل در جهاتِ مختلف کنده شده که برخی به اتاق‌های کنده شده منفرد منتهی می‌شوند، اما برخی دیگر به اتاق‌هایی منتهی می‌شوند که داخل آنها نیز تونل‌هایی وجود دارد. از موارد جالب‌توجه در این مجموعه چاه‌های متعددی است که در کف و مدخل فضاها و نیز در وسط تونل‌ها کنده شده‌اند. این چاه‌ها احتمالاً برای به تله انداختن دشمنان، مخفی شدن و یا مخفی کردن اموال کاربرد داشته است. راه دسترسی به تعدادی از فضاها نیز به صورت چاهی در کنج اتاق‌ها کنده شده است.

به دلیل پیچیدگی و گسترش این مجموعه که امروزه تنها بخش مرکزی آن شناسائی شده، احتمال می‌توان داد از آن به‌عنوان یک مجموعه نظامی، پناهگاه و غیره استفاده می‌شده است. در خصوص تاریخگذاری مجموعه مدرکی در دست نیست و احتمال می‌توان داد از ساخته‌های قبل از اسلام باشد. بر روی سطح تپه بقایای قلعه‌ای مربوط به پیش از اسلام شناسائی شده است.

منبع: شکاری نیری. ۱۳۷۹، صص ۴-۵۱

قلعه قشلاق زاخور (مشکین‌شهر)

بقایای این بنا که به قلعه قره‌لر نیز شهرت دارد، در کنار رودخانه قره‌سو و بر روی ارتفاعات قشلاق زاخور و شرق روستای دوست بیگلو (از توابع شهرستان مشکین‌شهر) واقع شده است.

قلعه قشلاق زاخور بر روی صخره و در ارتفاع ۲۰۰ متری از پای‌کوه قرارگرفته و سه جانب آن به پرتگاه منتهی می‌شود و تنها از یک سمت و توسط راه صعب‌العبوری می‌توان بدان راه یافت. امروزه از بنای قلعه بقایای حصار و برج‌های آن که با لاشه‌سنگ و ملات آهکی ساخته شده‌اند، برجای مانده است. قطر برج شرقی قلعه که به صورت نیم‌استوانه‌ای ساخته شده به ۵ متر می‌رسد. در سمت شرقی قلعه نیز بقایای ۵ برج ویران دیده می‌شود.

در خصوص تاریخ ساخت قلعه اطلاع دقیقی در دست نیست، با این حال و باتوجه به شواهد و مقایسه آن با دیگر قلاع منطقه می‌توان بنای اولیه آن را به پیش از اسلام مربوط دانست.

منبع: خاماچی. ۱۳۷۲، صص ۱۲-۲۰۹

قلعه کهنه مشکین‌شهر

بقایای این بنا بر فراز تپه‌ای در سمت چپ رودخانه خیاو و سمت راست ورودی شهر و جنوب میدان عمومی مشکین‌شهر واقع شده است. بنای اولیه قلعه کهنه ظاهراً از آثار سده‌های نخستین اسلامی و یا دوره ساسانی است که با بازسازی‌هایی تا دوره قاجار مورد استفاده قرار گرفته است. بقایای موجود مربوط به بازسازی‌های دوره زندیه و بعد از آن است. پلان قلعه به صورت ذوذنقه‌ای غیرمنتظم، در امتداد شمال‌غربی‌و جنوب‌شرقی است.

طول ضلع شمالی آن در حال حاضر ۱۹۰ متر و ضلع جنوبی آن ۲۳۷ متر است. عرض این قلعه در سمت غربی ۱۱۵ متر و در سمت شرقی ۹۱ متر است. در دو گوشه شمال‌غربی‌و جنوب‌غربی آثار برج مدوری به قطرهای ۶ و ۱۰ متر دیده می‌شود. در وسط و منتهی‌الیه سمت شرقی ضلع شمالی هم آثار دو برج به قطرهای ۷/۵ و ۶ متر با وضعی بهتر از برج‌های دیگر به چشم می‌خورد. ازاره حصار قلعه از سنگ با ملات آهکی و بقیه آن از خشت و گل است. بر روی برج‌های برجای مانده تزیینات جالبی از خشت به شکل لوزی جلب‌توجه می‌کند (مشکوتی برج‌ها و تزیینات آنها را آجری ذکر کرده است). وجود غرفه‌های متعدد جهت اسکان سربازان و وجود آخورهایی در دل دیوارهای قطور قلعه، در جبهه‌های مختلف، حاکی از استفاده نظامی است که در قرون گذشته از این قلعه می‌شده است. در سال ۱۳۱۸ هـ‌ق این قلعه به‌عنوان سربازخانه مورد استفاده ارتش بوده است.

قلعه کهنه مشکین‌شهر به شماره ۶۱۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: مخلصی. ۱۳۷۱، صص ۱۳-۲۰۹

مشکوتی. ۱۳۴۹. ص ۱۳

نارین قلعه (اردبیل)

این قلعه که امروزه هیچ آثاری از آن باقی نمانده، از قلعه‌های مهم و تاریخی اردبیل بوده که در دوره پهلوی اول ویران گردیده است.

بنای اصلی قلعه مربوط به دوره قاجاریه بود؛ هر چند پیش از این

دوره نیز قلعه کوچک‌تری به نام ارک در آن محل وجود داشته است. در عهد فتحعلیشاه، یک هیأت نظامی فرانسوی به سرپرستی ژنرال گاردن به ایران آمده و مدتی در آذربایجان میهمان عباس‌میرزا بودند. این هیأت در اردبیل اقدام به تجهیز و استحکام‌بخشی نارین‌قلعه نمودند و دور تا دور آن را از خارج باروی محکمی با برجهای مستحکم کشیدند و علاوه بر خندقی که از سابق داشت و در داخل دیوارهای جدید قرار گرفته بود، در خارج آن نیز خندق عمیق و عریض کندند و نهر آبی هم از محله شاه‌باغی بر آن مشرف ساختند و برای رفت و آمد دو در بزرگ و محکم در وسط ضلع شمالی و جنوبی آن تعبیه کردند.

این قلعه قبل از ویرانی به‌عنوان پادگان و سربازخانه مورد استفاده قرار می‌گرفت.

منابع: افشار سیستانی. ۱۳۶۹، ص ۲۹۹
قاضی‌زاده. ۱۳۷۲، صص ۳-۲۲

اصفهان

باروی اصفهان

با انتخاب اصفهان به پایتختی در دوره آل‌بویه بر اهمیت این شهر افزوده شد. از جمله اقدامات دیلمیان در این شهر ایجاد بارویی دور شهر بود که بقایای آن تا نیم قرن قبل برجای بوده اما با ساخت و سازهایی که طی دهه‌های گذشته صورت گرفته، به‌طور کامل از میان رفته است. شیخ جابری انصاری مؤلف «تاریخ اصفهان و ری» درباره این بارو می‌نویسد: «... رکن‌الدوله روزی که قمر در برج قوس بود بارویی گرد شهر بکشید و دور بارو بیست و یک هزار گام بود و از آثار آن بارو تا این سال هزار و سیصد و سی بخشی برون دروازه جوباره و پایین دروازه مقداری باقی بود و از این تاریخ راه هدم و عدم پیمود». باروی مذکور با خشت و گل ساخته شده بود.

منابع: شفقی. ۱۳۸۰، ص ۶۵

میرعظیمی. ۱۳۷۹، ص ۳۱

باروی کاشان

از باروی کاشان امروزه تنها بقایای اندکی در قسمت جنوبی شهر و در حد فاصل دروازه‌های اصفهان تا فین باقی مانده که در سال‌های اخیر از طرف سازمان میراث فرهنگی تعمیر و مرمت شده‌اند(تصویر ش ۶۳).

سابقه و قدمت برج و باروی کاشان حداقل به سده‌های نخستین اسلامی باز می‌گردد. از آن پس این بارو مرتباً تعمیر و بازسازی شده است. در دوره سلجوقی، سلطان جلال‌الدین ملکشاه، قلعه جلالی را متصل به این برج و بارو می‌سازد. در این دوره همچنین باروی کاشان به همت مجدالدین عبداللّه(درگذشت ۵۳۵ هـ.ق) بازسازی و استحکام‌بخشی می‌شود. در عهد سلاطین صفویه، به‌خصوص مدت ۱۲ سالی که محمدخان ترکمان بر کاشان حاکمیت داشت، علاوه بر مرمت کامل استحکامات قلعه جلالی، تمام برج و باروی شهر تعمیر شده و آنرا به صورت دژ محکمی درمی‌آورند.

در سال ۱۱۳۵ هـ.ق در نتیجه هجوم افغان‌ها، خرابی‌هایی در بنای برج و باروی کاشان رخ می‌دهد که پس از رفع این غائله، خرابی‌ها مرمت می‌شوند. در حدود سال ۱۱۷۵ هـ.ق عبدالرزاق‌خان، حاکم وقت کاشان، خندق عمیق و معتبری بر گرد باروی شهر حفر می‌کند. در آشفتگی‌های مشروطیت، نایب حسین کاشی و پسرانش به شهر مسلط شده و سکنه اطراف باروی شهر را مجبور به پرداخت مخارج مرمت و تجدید بنای خرابی‌ها می‌کنند. در درگیری‌های سال‌های بعد نیز برج و باروی شهر آسیب می‌بینند. بعد از سرکوب یاغیان در حدود سال ۱۳۳۳ هـ.ق دیگر هیچگونه مرمتی در بارو صورت نمی‌گیرد و به مرور زمان تخریب شده و بناهای جدید جایگزین آن می‌شود.

بقایای باقیمانده باروی شهر کاشان به شماره ۱۳۵۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: پازوکی. ۱۳۷۶، صص ۷۳-۲۷۰

فرخ‌یار. ۱۳۶۹، ص ۶۴

نراقی. ۱۳۴۸، صص ۱۰۰-۹۵

دروازه‌های نایین

در شهرستان نایین و محلات قدیمی آن تعدادی دروازه تاریخی وجود دارد که به نام محله‌ها نامگذاری شده‌اند، این دروازه‌ها که به هنگام شب بسته می‌شده‌اند عبارتند از:

۱) دروازه چهل‌دختران که مهم‌ترین دروازه تاریخی شهر نایین است و در جلوی بازار قرار دارد. این دروازه دارای برج دفاعی بزرگ و در چوبی است.

۲) دروازه کلوان که در محله‌ای به همین نام قرار دارد و در کنار آن برجی ساخته شده است.

۳) دروازه باب‌المسجد که در محله‌ای به همین نام قرار دارد و اکنون فاقد برج می‌باشد.

۴) دروازه نوگاباد که در محله‌ای به همین نام واقع شده فاقد برج می‌باشد.

۵) دروازه محله پنجاهه

۶) دروازه محله گودالو

۷) دروازه محله سرای نو

منبع: سلطانزاده. ۱۳۷۴، صص ۶۱-۱۶۰

قلعه تخت رستم (اصفهان)

بقایای این قلعه بر روی ارتفاعات کوه صفه و در مجاورت شهر اصفهان واقع و امروزه تنها دیواری از آن باقی مانده است. احتمال می‌رود قلعه تخت رستم همانند شاهدز، جزء قلاع مورد استفاده اسماعیلیه در طی قرن ۵ و ۶ هجری بوده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی میراث فرهنگی استان اصفهان

قلعه تخت سلیمان (اصفهان)

بقایای این بنا در مجاورت شهر اصفهان و بر روی بدنه شمال شرقی کوه صفه و حدود شروع کوهپایه و درست در زیر چشمه گل زرد قرار گرفته است. با توجه به مدارک موجود این محل مقر ییلاقی پادشاهان صفویه بوده است. در این محل چشمه‌ای در فرورفتگی صخره‌های کوه وجود دارد که اطراف آن از گذشته‌های دور، درختان چنار، نارون، توت و اقاقیا کاشته‌اند. این مکان به چشمه پاچنار نیز معروف است. از منابع قدیم چنین برمی‌آید که به دستور شاه‌سلیمان صفوی در اینجا برجی سفید با چند اتاق بزرگ و باغی در مقابل آن

احداث کرده بودند. در حال حاضر تنها پایه این برج و چنار کهن آن باقی مانده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان

قلعه تُرشاب / تُرشک (کاشان)

بقایای این قلعه بر فراز کوهی در دامنه‌های شرقی کوه کهرود و در مسیر جاده کاشان به بَرزُک، حدود ۲۵ کیلومتری بعد از دو راهی مشهد اردهان و نزدیک روستای مَرَق واقع شده است. قدمت بنای قلعه ترشاب با توجه به سفالینه‌های موجود، به قرن پنجم هجری می‌رسد که در دوره‌های بعد و به‌ویژه افشاریه، زندیه و قاجاریه بازسازی و مورد استفاده مجدد قرار گرفته است(تصویر ش ۶۶).

رأس کوهی که قلعه تُرشاب بر بالای آن ساخته شده استوانه‌ای شکل است، با دامنه‌های پرتگاهی و بلند که علاوه بر جنبه نفوذناپذیری، اشراف خوبی بر مناطق پیرامون دارد. پس از طی حدود یک کیلومتر از دامنه کوه به سمت چپ دره و جانب قلعه، دهانه دو پناهگاه نسبتاً بزرگ دیده می‌شود که در دل کوه حفر شده‌اند. این پناهگاه‌ها در حقیقت طبقه اول قلعه را تشکیل می‌دهند. بر سقف پناهگاه‌ها، آثار میخ و زنجیر دیده می‌شود که ظاهراً از قدمت زیادی برخوردارند. بر بدنه پرتگاه و سنگ‌های اطراف آن همچنین نقش‌هایی دیده می‌شود که امروزه قابل تشخیص نمی‌باشند. پس از عبور از کنار پناهگاه‌ها، باید از صخره‌ای سنگی و لغزنده به ارتفاع ۵ متر عبور کرد و به بلندترین نقطه قلعه رسید. بر فراز قلعه تُرشاب آثار و بقایای اتاق‌های متعدد و یک آب‌انبار مشاهده می‌شود که به کلی ویران شده‌اند. مصالح مورد استفاده در این بناها، سنگ لاشه و ملات ساروج می‌باشد. نوع سفال‌های این قلعه با انواع قلعه وشاق در نطنز مشابهت‌های زیادی دارند ولی قدمت کمتری را نشان می‌دهند.

منبع: بازوکی، ۱۳۷۶، صص ۲۵-۲۲۲

قلعه جلالی (کاشان)

بقایای این قلعه در قسمت غربی شهر کاشان و متصل به باروی قدیمی شهر واقع شده و از ساخته‌های سلطان جلال‌الدین ملکشاه سلجوقی(۴۶۵-۴۵۵ هجری) است.

در کتاب «زینت‌المجالس» در ارتباط با این قلعه می‌خوانیم: «در جانب غربی بر کنار شهر، سلطان ملکشاه سلجوقی قلعه گلینی ساخته و به قلعه جلالی مشهور است چنانچه حصار شهر و حصار قلعه یکی شده و یک دروازه به شهر گشوده می‌شود و دروازه دیگر به صحرا و الحق آن قلعه به‌غایت حصاری حصین است». قلعه جلالی دارای حصار و بارویی قطور و معتبر با هشت برج مدور و مرتفع می‌باشد که برخی از قسمت‌های آن هنوز باقی است. قسمتی از حصار سمت جنوب قلعه که در خارج شهر واقع شده، مانند باروی دور شهر دارای دو دیوار مستحکم مضاعف و خندقی بوده که آثار آن هم کاملاً باقی و نمودار است. (تصاویر ش ۵-۶۴) بعد از دوره سلجوقی و ایلخانان مغول، به‌ویژه زمانی که ایران فاقد مرکزیت ثابت و دولت مقتدری بوده، این قلعه به‌عنوان پایگاهی مستحکم توسط یاغیان و سرکشان طوایف مختلف مورد استفاده بوده و از این رو به هنگام آمدن شاه اسماعیل صفوی به کاشان، او فرمان داد تا کنگره‌ها و استحکامات آن را منهدم سازند. در دوره‌های بعد نیز افراد یاغی بارها این قلعه را مرمت کرده و مورد استفاده قرار دادند. در آشفتگی‌های اوایل مشروطه و طغیان نایب‌حسین کاشی و پسرانش، قلعه جلالی پایگاه سرکشان گشته و نبردهای خونین در اطراف آن درمی‌گیرد. از جمله در سال ۱۳۲۸ هـ‌ق مهاجمین به این قلعه هجوم آورده و آن را تصرف کرده و به قصد پایداری استحکامات آن را بازسازی و تقویت می‌کنند. پس از دو هفته گروهی از سواران بختیاری کاشان را محاصره کرده و زد و خوردی میان قلعه‌نشینان و بختیاری‌ها رخ می‌دهد. عاقبت برج و باروی قلعه جلالی و سنگرهای آن حوالی که محل تمرکز یاغیان و مهم‌ترین نقطه اتکا و سنگرگاه آنان بود، با گلوله توپ‌های دولتی فرو ریخته و خراب می‌شود و سران متمردین نیز شبانه به سوی اردستان متواری می‌شوند. بار دیگر در سال ۱۳۳۳ قمری اردوی دولتی کاشان را محاصره کرده و با سه هزار تفنگچی اشرار و راهزنانی که از نقاط مختلف ایران به کاشان آمده و پیرامون نایب‌حسین و ماشاءالله‌خان گرد آمده بودند، جنگ می‌کنند که در نتیجه آن یاغیان شکست می‌خورند. از این تاریخ به بعد قلعه جلالی دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و متروک و خراب می‌شود.

منابع: بازوکی، ۱۳۷۶، صص ۶۷-۲۶۶

فرخ‌یار، ۱۳۶۹، ص ۶۴

قلعه جلالی، ۱۳۵۶، ص ۶

نراقی، ۱۳۴۸، ص ۴۲۹

قلعه جندق

این بنا که به قلعه اردبیل و زندان انوشیروان نیز شهرت دارد، در روستای جندق(از توابع شهرستان نایین و در حاشیه کویر) واقع شده است. بنا به روایت جندقی‌ها «ارد» و «بیل» نام دو دیو است که به فرمان حضرت سلیمان دریاچه‌ای در محلی که امروزه کویر نمک است، بوجود می‌آورند.

قلعه جندق با پلان ذوزنقه‌ای ساخته شده و ابعاد ضلع شمالی آن ۱۶۲، ضلع شرقی ۱۳۱/۵، ضلع جنوبی ۱۳۰/۵ و ضلع غربی ۱۴۲/۵ متر است. دروازه و ورودی قلعه به سمت شرق باز می‌شود. طرفین این دروازه دو برج دارد. علاوه بر چهار برج زوایای قلعه، ضلع شرقی سه برج و ضلع جنوبی دو برج دارد که یکی از آنها جدیدتر است. مصالح

مورد استفاده در ازاره بنا سنگ و در بقیه آن خشت و گل است.

درخصوص تاریخ دقیق ساخت بنا اطلاعی در دست نیست اما به نظر می‌رسد این قلعه در دوره اسلامی و برای حراست از راه کویری اصفهان به دامغان ساخته شده باشد.

منبع: حکمت یغمایی. ۱۳۷۰، ص ۷۳

قلعه حسن آباد (اصفهان)

بقایای این قلعه در پایین کوه و کنار رودخانه زاینده‌رود و مجاور روستای حسن‌آباد واقع شده و احتمالاً از قلاع مورد استفاده پیروان اسماعیلیه بوده است. قلعه حسن‌آباد با خشت‌هایی به ابعاد بزرگ ساخته شده است.

منبع: مهریار. ۱۳۴۳، صص ۱۲-۱۱۱

قلعه خان‌لنجان / قلعه بُزی (اصفهان)

بقایای این قلعه که خولنجان نیز خوانده می‌شود، بر فراز کوه قلعه بُزی و شرق رودخانه زاینده‌رود و در حوزه لنجان اصفهان واقع است. قلعه خان‌لنجان در کنار دو قلعه کوچک‌تر قرار گرفته و باتوجه به مدارک موجود در دوره سلجوقی ساخته شده و بعدها توسط پیروان فرقه اسماعیلیه مورد استفاده قرار گرفته است. این قلعه به تصریح «ابن‌اثیر» در پنج فرسنگی یا هفت فرسنگی اصفهان قرار داشته است و در ابتدا از آن مویدالملک فرزند نظام‌الملک طوسی، وزیر مشهور سلاجقه بوده است. قلعه لنجان به همراه دو قلعه کوچک‌تر بر بالای کوهی بلند و صعب‌الوصل و بر روی سه قلّه از ارتفاعات کوه بُزی قرار گرفته‌اند و با مصالح محکم سنگ و آجر و ملات ساروج ساخته شده‌اند. این قلعه‌ها دارای برج و بارو و آب‌انبارهایی برای ذخیره آب هستند.

شرح چگونگی تصرف قلعه خان‌لنجان با حیله توسط پیروان اسماعیلیه در کتاب ابن‌اثیر آمده است.

این قلعه به شماره ۷۵۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: شفقی. ۱۳۸۰، صص ۷۰-۶۹

مشکوتی. ۱۳۴۹، ص ۶۰

مهریار. ۱۳۴۳، صص ۱۱۱-۹۲

هنرفر. ۱۳۴۴، صص ۵۰-۴۹

قلعه زرین‌کفش (مشهد اردهال)

بقایای این قلعه بر فراز تپه‌ای در پشت روستای «باریک رسف» و نزدیک مشهد اردهال کاشان واقع شده و احتمال می‌رود بنای اولیه آن از آثار دوره ساسانی باشد(تصویر ش ۶۷).

گرداگرد قلعه زرین‌کفش را حصاری فراگرفته که امروزه بقایای آن همچنان باقی است. در داخل حصار، ارگ قلعه قرار دارد که از چند اتاق مخروبه تشکیل شده است. در قسمت جنوبی قلعه قسمتی از صخره سنگی کوه را بریده‌اند تا دسترسی به قلعه از آن نقطه غیرممکن شود. بعضی از دیوارهای قلعه به‌صورت خشکه‌چین و بدون استفاده از ملات اجرا شده است.

در مشهد اردهال به جهت شرایط سیاسی و نظامی که در طول تاریخ بر آن حاکم بوده، با قلعه‌های نسبتاً زیادی برخورد می‌کنیم. از دیگر قلعه‌های مشهد اردهال می‌توان به قلعه‌های محسن اردهانی، قلعه حاج‌آقا حبیب و قلعه حاج‌آقا محمد محسنی اشاره کرد که تاکنون پابرجا مانده‌اند. قلعه‌ای که در ابتدای ده و سمت مشرق جاده قرار دارد، دارای چهار برج مدور با آجرکاری‌های زیبا می‌باشد. در سقف یکی از این برج‌ها آثار نقاشی زیبایی دیده می‌شود. برج‌های دیگر دارای مقرنسکاری‌های ظریف و زیبایی هستند.

منبع: پازوکی. ۱۳۷۶، صص ۶۵-۲۶۳

قلعه شاهدز (اصفهان)

بقایای این قلعه بر فراز کوه صفه و در مجاورت شهر اصفهان واقع شده و از ساخته‌های ملکشاه سلجوقی به شمار می‌آید و وجه تسمیه آن نیز به همین جهت است(نام عامیانه بنا قلعه دیو است). سلطان ملکشاه سلجوقی(۴۸۵-۴۶۵ هـ.ق) بعد از ساخت قلعه شاهدز، کوتوالی آن را به یکی از معتمدین خود سپرد و آنجا را خزانه و انبار سلاح خود کرد. بعد از مرگ ملکشاه و به هنگام افزایش قدرت اسماعیلیان، احمدبن‌عبدالملک‌بن‌عطاش که نزد اسماعیلیه حرمت بسیار داشت خود را به کوتوال قلعه شاهدز نزدیک ساخت و بعد از فوت او قلعه رامتصرف شد و بدین‌ترتیب قدرت زیادی به‌دست آورد. در زمان سلطان محمد سلجوقی و حدود سال ۵۰۰ هـ.ق، شاه برای تصرف آن قلعه لشکری عظیم فراهم آورد و خود بر کوهی که در سوی مغرب و مقابل آن قلعه قرار داشت، ناظر صحنه جنگ شد. در پایان جنگ قلعه به تصرف پادشاه درآمد و ابن‌عطاش زنده دستگیر و به قتل رسید.

قلعه شاهدز در واقع مجموعه‌ای از قلاع و استحکامات نظامی بود که بر بالای کوه صفه ساخته شده و از دسترسی دشمن به بالای کوه ممانعت می‌کردند و از همین روست که برای اسماعیلیان شاهدز پناهگاهی بسیار مستحکم و امن به شمار می‌آمد و با تکیه به همین قلعه و نمونه‌های مشابه بود که آنان رعب و وحشت زیادی در منطقه مستولی کرده بودند.

کوه صفه به فاصله نیم‌فرسنگی جنوب شهر اصفهان و مسلط بر آن واقع شده و از مغرب به مشرق امتداد یافته است. بر فراز این کوه آثار قلاع متعددی وجود دارد که به اسامی مختلفی از قبیل قلعه دیو و تخت رستم معروف می‌باشند. بعضی از این آثار در قلّه کوه و برخی دیگر در

کمرگاه آن قرار گرفته‌اند. در نزدیکی و یا در کنار بسیاری از این بقایا، چشمه آب کوچکی وجود داشته که بخشی از آب موردنیاز قلعه‌نشینان را تامین می‌کرده است. مصالح مورد استفاده در این تأسیسات عمدتاً آجر و سنگ است و از نقطه‌نظر معماری شباهتی میان همگی آثار(و نیز قلعه‌خان لنجان مربوط به همین دوره) وجود دارد و نشان می‌دهد که همگی در یک دوره تاریخی ساخته شده‌اند.

علاوه بر برج و باروها که بر ستیغ کوه، با مصالح سنگ و آجر و آهک ساخته شده‌اند، شکاف‌ها و معبرها و گذرگاه‌هایی که به قلعه راه می‌داده، همه را مسدود کرده‌اند و در مقابل مسیل‌ها دیوار بلندی برآورده و همه را به هم ارتباط داده‌اند و بدین‌نحو، گذشته از خود قلعه، در سرتاسر بالای کوه با سد معابر و گذرگاه‌ها، حصار و مانع طویلی بوجود آورده‌اند و از همین‌رو بود که سلطان محمد برای فتح قلعه مجبور شد کل کوه را به مساحت چهار فرسنگ به محاصره خود درآورد.

با توجه به پراکندگی گذرگاه‌ها و نیز نحوه قرارگیری قلاع، استحکامات بوجود آمده شکل منظمی نداشته است. در اینجا در مقابل گذرگاه‌ها و معابر دشواری که از پایین به بالای کوه راه می‌یافته، اغلب برج کوچک یا بزرگی برای مراقبت از مدخل ساخته‌اند. این برج‌ها در حال حاضر بیشتر خراب شده و تنها قسمتی از دیوارهای آن باقی مانده است. مصالح مورد استفاده در این برج‌ها، سنگ و ملات آهکی است.

در قسمت‌های مختلف کوه با ساخت دیوارهایی در مقابل شکاف‌ها و دره‌ها، حوضچه‌ها و آب‌بندهایی بوجود آورده‌اند که علاوه بر بستن شکاف کوه، بخشی از آبهای جاری را در پشت خود جمع‌آوری و به مصرف قلعه‌نشینان می‌رسانده است.

اگر از دامنه کوه جنوبی اصفهان یا صفه بالا برویم و پس از گذشتن از جاده باریکی که در کنار برج کوچکی در نزدیکی چشمه آب و درخت چنار بزرگی واقع است، خود را بر سر کوه برسانیم، به آثار قلعه‌ای می‌رسیم که از همه قلاع دیگر بزرگ‌تر است و آن را قلعه دیو (=شاهدز) می‌نامند. اگر از این قلعه به سوی غرب روان شویم به آثار و قلاع دیگری می‌رسیم. در سمت غرب این قلاع نیز قلاع دیگری وجود دارد. در این قلاع برحسب آثار موجود، سنگ‌های بستر عظیم و مصالح مستحکم بکار رفته است و بر دور و کنار آن، برج‌ها و معقل‌ها برآورده‌اند و از همه آنها، به انضمام قسمتی از کوه، قلعه‌ای بوجود آورده‌اند. باز هم اگر راه خویش را به جانب غرب ادامه دهیم، به برج‌ها، دیوارها، معقل‌ها و آثاری برمی‌خوریم که همه به منظور نگهبانی و قلعه‌داری ایجاد شده‌اند. و باز در سمت غرب و بالای کوه آثار مهمی چون تخت رستم وجود دارد که از لحاظ قلعه‌داری و دیده‌بانی اهمیت به‌سزا دارد؛ چرا که در شمال بر گردنه و جلگه قریه دستگرد، از جنوب غربی بر دشت فاصل مابین این کوه تا به گردنه آب نیل و از جانب جنوب بر گردنه معروف به سنگ آسیاب، اشراف و تسلط داشته است.

با توجه به توصیفی که از شاهدز در کتب تاریخی شده و با توجه به وضعیت موجود آثار، می‌توان قلعه اصلی شاهدز را با قلعه دیو کنونی و سایر استحکامات موجود را با ملحقات آن مطابقت داد.

با توجه به متون تاریخی به نظر می‌رسد قلعه شاهدز بعد از تصرف آن به‌دست سلطان محمد سلجوقی، متروک و به‌مرور زمان منهدم شده است.

منابع: شفقی. ۱۳۸۰، ص ۷-۶۲

مهریار. ۱۳۴۳، صص ۱۴۸-۸۸

قلعه طبرک (اصفهان)

بقایای این قلعه تا چند دهه پیش در شرق اصفهان و نزدیک چشمه خوراسگان و راهروان واقع بوده و از قلعه‌های مهم و تاریخی اصفهان به‌شمار می‌آمده است(تصویر ش ۶۹).

قلعه طبرک ظاهراً در دوره دیلمی به جای قلعه قدیمی‌تری ساخته شده است. به نوشته لطف‌الله هنرفر: «مؤیدالدوله و فخرالدوله دیلمی در جنوب شرقی شهر اصفهان قطعه زمینی را که بیش از صدهزار متر مربع مساحت داشته برای ساختن قلعه‌ای محکم انتخاب نمودند. اراضی مزبور که در محل قلعه طبرک سابق قرار داشت از دو طرف محدود به چشمه خوراسگان و راهروان می‌شده و این چشمه‌ها برای قلعه مزبور مشابه خندقی طبیعی بوده است. اطراف قلعه باروئی بسیار محکم که قطر آن از ده متر متجاوز بوده، کشیده می‌شود و این بارو فاصله به فاصله به برج‌هائی منتهی می‌شده است». بنای قلعه طبرک در متون تاریخی به رکن‌الدوله و عضدالدوله دیلمی و نیز ملکشاه سلجوقی و نیز دیگر سلاطین منسوب شده است. وجود چنین تناقض‌هایی حاکی از بازسازی مکرر این قلعه توسط پادشاهان و در دوره‌های مختلف تاریخی است. بنا به روایت‌های صورت گرفته قلعه طبرک از طریق راهروی زیرزمینی به کاخ‌های دیلمیان در نزدیک میدان کهنه ارتباط پیدا می‌کرده است.

با توجه به متون تاریخی، در دوره ایلخانی و تیموری این قلعه آباد بوده و در چند مورد به‌عنوان زندان اشخاص مهم مورد استفاده قرار گرفته است. در دوره صفویه با توجه به مشاهدات سیاحان اروپائی به نظر می‌رسد قلعه طبرک در چند مرحله بازسازی شده باشد. پیترو دلاواله در عهد شاه‌عباس، بین سال‌های ۱۶۲۳-۱۶۱۷م از اصفهان دیدن کرده و در خصوص این قلعه می‌نویسد: «قصر... از بیرون مثل قلاع و استحکاماتی که خندقی بر گرد خود دارند نیست و نیز جان‌پناه و دیوار خندق ندارد بلکه فقط دیواری دارد بسیار بلند و نسبتاً قطور که از سنگ و یا شن ساخته نشده بلکه از خشت خام خشک شده در آفتاب بنا شده است». شاردن سیاح دیگر اروپائی که ۵۰ سال بعد و در دوره

شاه‌سلیمان صفوی از اصفهان دیدن کرده توصیف متفاوتی دارد: «این استحکامات بشکل مربع غیرمنتظمی است که قطری حدود هزار قدم دارد، تماماً از گل ساخته شده و از خارج با گچ اندود شده است. دیوار مرتفعی دارد. دارای کنگره و مجهز به یک جان‌پناه بزرگ و بر دو طرف در فواصل معین برج‌های مدور که ضخامتی حدود ۱۲ تا ۱۴ قدم دارند به همراه خندقی گرداگرد قلعه. این خندق خاکریزی بیش از سی‌قدم ضخامت دارد و بسیار مستحکم است. قلعه دارای پیش‌دیواری است که بمراتب از دیوار اصلی کوتاهتر است. این قلعه یک دیوار متصل به بارو نیز دارد... بیشتر به زندان می‌ماند تا به دژ».

با این همه از نظر تاورنیه که حدود ۱۰ سال جلوتر از شاردن در اصفهان بوده طول ارگ اصفهان دو برابر عرض آن است و به‌جز چند برج محدود که تماماً مثل بقیه قسمت‌ها از گل خام ساخته شده، فاقد هرگونه استحکامات دفاعی است. به نوشته تاورنیه شاه صفوی تمام اشیاء نادر و نفیسی که خریده یا به او پیشکش کرده‌اند(به‌جز وسایل بسیار قیمتی همچون ظروف طلا) را در این قلعه نگهداری می‌کند.

با توجه به این توصیف احتمال می‌توان داد در اواخر سلطنت شاه‌عباس دوم یا اوایل دوره شاه‌سلیمان، قلعه طبرک به‌طور کامل بازسازی و تغییر شکل داده شده باشد و از شکل مستطیل دراز به مربع نامنظم تبدیل شده و مجهز به خندق و خاکریز و دیوار پیشین(آنگونه که شاردن توصیف کرده) شده باشد.

از عملکرد قلعه در دوره افشاریه و زندیه اطلاعی در دست نیست. در دوره قاجاریه نیز چندان مورد توجه نبوده به گونه‌ای که در زمان حکمرانی ظل‌السلطان بر اصفهان، این قلعه به یکی از خانواده‌های اصفهانی واگذار می‌شود. خرابی تأسیسات قلعه و برج و باروی آن در خلال سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ صورت می‌گیرد. در حال حاضر در مکان قلعه طبرک بناهای مسکونی و تجاری زیادی ساخته شده است.

منابع: شاردن. ۱۳۶۲، ص ۱۳۱

شفقی. ۱۳۸۰، صص ۶۷-۶۶

گدار. (ج۴)، ۱۳۷۱، صص ۳۶-۳۳۴

هنرفر. ۱۳۴۸، صص ۴۰-۳۷

قلعه قورتان (اصفهان)

بقایای این بنا در روستای قورتان و کناره شمالی زاینده‌رود و حدود ۹۰ کیلومتری اصفهان واقع شده و قدمت آن به دوره سلجوقی یا دیلمیان می‌رسد.

قلعه قورتان در شیب کنار رودخانه بنا شده و گرداگرد آن را دیواری قطور و بلند به ارتفاع متغیر ۱۰ تا ۱۵ متر فراگرفته که همچنان سالم و پابرجا مانده است. تنها در سمت جنوبی قلعه، یعنی در سمت رودخانه است که دیوار آن شاید به جهت طغیان رودخانه فرو ریخته است. قلعه دارای دروازه‌های متعدد است. داخل قلعه دربرگیرنده خانه‌ها و فضاهای بسیاری است، با کوچه‌های پرپیچ و خم که جهت‌یابی در آنها مشکل است. بلندی دیوارهای بیرونی هم سبب می‌شود نتوان پیرامون قلعه را دید و از آن برای جهت‌یابی کمک گرفت. بسیاری از بناهای داخل قلعه ویران شده‌اند اما قابل‌بازسازی می‌باشند.

در درون قلعه چند مسجد دیده می‌شود که مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی می‌باشند. سابق بر این اهالی قورتان در درون این قلعه زندگی می‌کرده‌اند.

منابع: صمصام بختیاری. ۱۳۷۳، صص ۷-۴

هنرفر. ۱۳۵۷، صص ۴۰-۱۹

قلعه گوگد (گلپایگان)

این بنا در شهر قدیمی گوگد(واقع در ۶ کیلومتری گلپایگان) و خیابان گلپایگان و کوچه قلعه واقع شده و از ساخته‌های اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجاریه است. در میان اسناد مکتوب و در خصوص تاریخچه قلعه سندی وجود دارد که از واگذاری مالکیت سه دانگ آن از طرف همسر محمد علیخان، پسر معمار سازنده قلعه به آقای سیدحسین مقدسی در سال ۱۲۸۸ هـ‌ق حکایت دارد. این قلعه پناهگاه مردم گوگد به هنگام هجوم اشرار و غارتگران بوده است(نقشه و تصویر ش ۵-۷۱).

قلعه گوگد با پلانی مربع‌شکل به ابعاد ۷۰×۷۰ متر، با چهار برج مدور به ارتفاع ۱۱ متر در زوایای آن، ساخته شده است. قلعه دارای دو دروازه و صحن وسیع مرکزی است. اتاق‌ها و فضاهای معماری در چهار طرف این صحن وسیع گرد آمده‌اند و بخشی از آنها به صورت دو طبقه بنا گردیده است.

بنای قلعه گوگد در سال‌های اخیر از طرف سازمان میراث فرهنگی تعمیر و بازسازی شده و به شماره ۲۵۷۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: اثر. ۱۳۷۹، ص ۳۴۲

قلعه مورچان (کاشان)

بقایای این قلعه در حومه شهر کاشان و در مسیر جاده کاشان به نصرآباد و در نقطه‌ای قبل از محمدآباد و سمت چپ جاده و غرب راه‌آهن واقع شده و به نظر می‌رسد از ساخته‌های قرن ۱۲ و ۱۳ هجری بوده باشد که بر روی بقایای قلعه قدیمی‌تری بنا شده است(تصویر ش ۷۶).

قلعه مورچان به صورت هشت ضلعی، با برجی در هر گوشه آن ساخته شده است. برج‌های ضلع غربی که ورودی در آن واقع شده، از دیگر برج‌ها بلندتر و بزرگ‌تر می‌باشند. قطر دیوارهای جانبی و دیوار

برج‌ها حدود ۳ الی ۴ متر و قطر فضای داخلی و مدور برج حدود ۳ متر است. ارتفاع دیوار و برجها بین ۴ تا ۶ متر متغیر است. طول قطر داخلی قلعه حدود ۷۰ متر می‌باشد. قلعه مورچان با مصالح چینه و خشت ساخته شده و در فاصله هر یک متر چینه، دو ردیف خشت بکار رفته است.

در نواحی مختلف جلگه و نواحی هموار شرق کاشان تا سیاه کوه، آثار مخروبه این گونه قلعه‌های دشتی و قدیمی بسیار دیده می‌شود. مهم‌ترین این قلعه‌ها عبارتند از: قلعه وزیر، قلعه ضیم، قلعه گریج که در مسیر پارک فخرالملک(فخرآباد) قرار دارد و قلعه اقبالیه(کیهانی‌ها) واقع در نزدیکی روستای یزدل. قدمت این قلعه‌ها متفاوت بوده و بیشتر به قرن ۱۱ تا ۱۲ هجری مربوط می‌شوند که در اواخر دوره قاجار به‌تدریج متروک شده‌اند.

منبع: پازوکی. ۱۳۷۶، صص ۵۳-۲۵۱

قلعه مورچه‌خورت (اصفهان)

این قلعه در روستای مورچه‌خورت و ۵۰ کیلومتری اصفهان واقع شده است. قلعه مورچه‌خورت بنای بزرگی است و مرتفع که بر نواحی پیرامون خود اشراف دارد. تاریخ دقیق بنای این قلعه که از آثار دوره اسلامی است، چندان مشخص نیست. در یک برهه از تاریخ، این قلعه مرکز یاغیان و گردنکشان بوده اما اکنون رو به نابودی گذاشته است. قلعه مورچه‌خورت دارای برج و باروی گلی و خشتی است که به‌مرور زمان از ارتفاع آن کاسته شده است. این حصار دارای سه دروازه و نیز ۸ برج تدافعی است. در بخش فوقانی دیوارها روزنه‌ها و تیرکش‌هایی تعبیه شده است.

در فضای داخلی قلعه، کوچه‌های تنگ و تاریک و مسقف با منازل مخروبه و نیمه‌مخروبه و یک باب حمام قدیمی و طاق‌ها و طاق‌نماهای متعدد وجود دارد. در این قلعه همچنین بقعه امامزاده علی یا شاهزاده علی قرار دارد که گنبد مخروطی شکل آن از دور مشهود است. تا چند دهه پیش ۲۵-۲۰ خانواده در این قلعه زندگی می‌کرده‌اند.

منبع: آذری دمیرچی. ۱۳۵۳، صص ۴۸-۴۴

قلعه نوش‌آباد (کاشان)

این قلعه در شهرک نوش‌آباد و حدود ۱۵ کیلومتری شمال شرق کاشان واقع شده و از جملهٔ قلعه‌های جلگه‌ای است که احتمالاً در قرن دوم و سوم هجری ساخته شده و تا دوره قاجاریه، با تعمیرات و بازسازی‌ها، مورد استفاده قرار گرفته است(تصاویر ش ۸-۷۷).

قلعه نوش‌آباد به صورت چهار ضلعی، به ابعاد هر ضلع ۷۵ متر و با مصالح خشت و گل ساخته شده است. در زوایا و نیز میانه هر یک از اضلاع قلعه(به غیر از ضلع ورودی) برجی مدور به قطر ۵ و ارتفاع ۱۰ متر و در سه طبقه ساخته‌اند. در میان برجها پلکانی برای دسترسی به طبقات بالاتر ساخته‌اند. ورودی قلعه در جهت شمال‌غربی قرار دارد و در طرفین آن دو برج دفاعی تعبیه شده است. هر طبقه از برجهای قلعه دارای ۶ اتاقک کوچک هستند که از آنها امکان دیده‌بانی و تیراندازی وجود داشته است. فضای داخل برجها با پوشش‌های طاقی زیبا مسقف شده است. با توجه به شواهد موجود بناهای داخلی قلعه به صورت دو طبقه بوده که طبقه زیرین آن امروزه در خاک مدفون شده است. در گرداگرد طبقه فوقانی بنا، دیواری به ارتفاع ۲ متر تعبیه شده که به منزله جان‌پناه است.

از بنای قلعه نوش‌آباد امروزه تنها دیوار شمالی و اتاق‌های گرداگرد قلعه برجای مانده و آنچه در فضای میانه قرار داشته تخریب و به زمین بازی تبدیل شده است.

منبع: پازوکی. ۱۳۷۶، صص ۵۱-۲۴۹

قلعه وشاق (نطنز)

بقایای این قلعه بر فراز یکی از قلّه‌های بلند کوه کرکس و ۱۵ کیلومتری جاده نطنز به کاشان و پشت روستای لاکج و اوره واقع شده و ظاهراً بنای اصلی آن مربوط به قبل از اسلام بوده که در دوره اسلامی با بازسازی‌هایی مورد استفاده قرار گرفته است(تصویر ش ۷۹).

قلعه وشاق در اصل از دو قسمت تشکیل شده است، قسمت اول که در نقطه‌ای پایین‌تر از قلعه اصلی واقع شده، راحت‌تر قابل‌دسترسی می‌باشد و احتمالاً جایگاه افراد عادی و محافظان و نگهبانان قلعه بوده است. این قسمت در سمت شمالی قلعه اصلی، بر فراز صخره‌ای سنگی قرار گرفته و شامل چندین اتاق کوچک و بزرگ است. در سمت مشرق و مغرب و شمال این قسمت که قابل‌صعود می‌باشد، برجهایی بر فراز تپه‌ها ساخته شده که شکاف‌ها و دره‌ها را زیر نظر دارند. در کنار برجها و زیر صخره‌ای که بر فراز آن قلعه اصلی یا ارگ وشاق واقع شده، بقایای دو آب‌انبار که یکی به صورت دایره بوده و اکنون خراب شده و دیگری به صورت مستطیل و به ابعاد ۱/۵×۲/۶۰ متر است، وجود دارد.

در سمت شرقی و غربی صخره اصلی شکاف‌هایی وجود دارد که راه‌های دسترسی به قلعه اصلی است. صعود از این شکاف‌ها بسیار مشکل و خطرناک است و به احتمال زیاد در زمان آبادی قلعه، نردبان یا راه‌پله‌ای در این قسمت تعبیه می‌شده است. ارتفاع این صخره حدود ۸۰ متر است و بقایای میخ‌هایی که در سنگ فرو کرده بودند همچنان باقی است. قسمت دوم قلعه وشاق بر بالای این صخره قرار دارد. دسترسی به این قسمت بسیار مشکل است و از این جهت از رفیع‌ترین و مستحکم‌ترین قلاع کوهستانی ایران به شمار می‌آید. بر فراز این صخره بقایای چندانی از قلعه مشخص نیست و فقط توده‌های انبوه و

انباشته خاک و سنگ و سفال دیده می‌شود. چیزی که در اینجا قابل‌توجه است، وجود خرده کاشی‌های فراوانی است که برخی از آنها کتیبه‌دار می‌باشند. به نظر می‌رسد بنای قلعه از بیرون با کاشی‌های فیروزه‌ای و آبی تزیین شده بود. بقایای موجود نشان می‌دهد که در بنای قلعه از خشت، آجر، لاشه‌سنگ و ملات گچ و ساروج استفاده کرده‌اند.

تخریب گسترده این قلعه ظاهراً توسط جویندگان گنج صورت گرفته است.

منبع: پازوکی. ۱۳۷۶، ص ۲۲-۲۱۹

نارنج قلعه نایین

بقایای این قلعه در مرکز بافت تاریخی شهر نایین واقع شده و بنای اولیه آن ظاهراً به پیش از اسلام برمی‌گردد که در دوره اسلامی بازسازی و مورد استفاده قرار گرفته است. نارنج قلعه که امروزه به ویرانه‌ای تبدیل شده در گذشته احتمال دارد ارگ یا کهندژ (مرکز حکومتی) شهر را تشکیل می‌داده است. این قلعه در محل تقاطع مهم‌ترین گذرهای اصلی شهر و در نقطه‌ای که احتمالاً در دوره‌ای مرکز فیزیکی شهر بوده و سطح آن از سطح محیط پیرامونش بلندتر است، قرار گرفته و بر نواحی پیرامون اشراف دارد. سرپرسی‌سایکس در سفرنامه خود از نارنج‌قلعه نایین یاد کرده و گفته است که اهالی آن را قلعه‌گبری می‌خواندند. اطلاق چنین نامی معمولاً حکایت از قدمت زیاد بنا دارد. نارنج‌قلعه در حدود ۲۶ متر ارتفاع داشته و سابق بر این اطراف آن را خندقی به عرض ۲۵ ذرع دربرمی‌گرفته است. مصالح مورد استفاده در بنا خشت‌هایی به ابعاد ۲۵×۵۰ سانتیمتر بوده است(تصویر ش ۸۰).

منابع: بلاغی. ۱۳۶۹، ص ۷۰

سلطانزاده. ۱۳۶۶، صص ۲۴۳ و ۲۵۳

ايلام

پشت قلعه آبدانان

بقایای این بنا برفراز یک تپه طبیعی نسبتاً مرتفع، در کنار روستای پشت قلعه از توابع شهرستان آبدانان واقع است. با توجه به سفالینه‌های مکشوفه از سطح قلعه، به نظر می‌رسد بنای اولیه پشت قلعه در دوره ساسانی ساخته شده و با بازسازی تا دوره سلجوقی مورد استفاده قرار گرفته است(تصاویر ش ۲-۸۱).

تپه‌ای که پشت قلعه بر آن ساخته شده، شیب نسبتاً تندی دارد و برج و باروی قلعه روی آن از مسافت دور مشهود است. حصار قلعه با پلان نامنظم کوهستانی، در فواصل مختلف با برجهای نیم‌دایره و گاه مربع تقویت شده است. در این حصار همچنین بقایای روزنه‌های دیده‌بانی و تیراندازی(تیرکش‌ها) دیده می‌شود. درون قلعه بقایای متراکمی از ویرانه اتاق‌ها و دیوارها دیده می‌شود که با استفاده از سنگ‌های نتراشیده و ملات گچ ساخته شده‌اند.

در ضلع غربی تپه‌ای که قلعه بر روی آن ساخته شده، رودخانه آبدانان جاری است. از کنار این رودخانه تا قلعه تونلی با سطح شیبدار و پلکانی و پوشش طاق گهواره‌ای ایجاد شده که دسترسی ساکنان قلعه را به آب رودخانه فراهم می‌ساخته است. چنین تدبیری در تعداد دیگری از قلعه‌های تاریخی ایران(از جمله قلعه لمبسر قزوین از دوره اسماعیلیه و قلعه توس در حمسنی) نیز دیده می‌شود.

در مجاورت پشت‌قلعه آبدانان بقایای مخروبه نسبتاً گسترده‌ای وجود دارد که احتمالاً در ارتباط با این قلعه قرار داشته است. ساکنان این محل ظاهراً به هنگام خطر در این قلعه پناه می‌گرفته‌اند.

منبع: مطالعات میدانی

عباس مترجم ـ یعقوب محمدی‌فر

قلعه پنج‌برار (آبدانان)

بقایای این بنا بر فراز تپه‌ای در دامنه جنوبی کوه کاسه‌ماس و شرق جاده آبدانان به مورموری و ۵ کیلومتری شمال مورموری و در املاک تاجمیر واقع شده است. در این نقطه محوطه باستانی عظیمی به‌نام پنج‌برار وجود دارد که شامل مجموعه‌ای از بنا می‌شود. این مجموعه در کنار چشمه معروف پنج‌برار شکل گرفته است.

قلعه پنج‌برار مشرف به بناهای دیگر و در سمت شرقی مجموعه واقع شده است. ابعاد این قلعه ۶۰×۷۵ متر است که در حال حاضر حدود یک متر از ارتفاع دیوارهای آن باقی مانده است(کروکی ش ۸۳). در چهارگوشه این قلعه چهار برج دایره شکل توخالی به قطر هرکدام ۳ متر تعبیه شده است. محوطه داخلی قلعه و بناهای آن به جهت استفاده کشاورزی از محوطه قلعه مسطح شده و اثر چندانی مشهود نیست و صرفاً بقایای یک اتاق به ابعاد ۴/۷۰×۷/۶ متر با چند طاقچه با پوشش هلالی، برجای مانده است.

با توجه به قطعه سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه، احتمال می‌رود بنای اولیه قلعه از ساخته‌های دوره ساسانی باشد که در سده‌های نخستین اسلامی نیز مورد استفاده بوده است.

منبع: مطالعات میدانی

یعقوب محمدی‌فر ـ عباس مترجم

قلعه جولیان (آبدانان)

در ضلع شمالی ویرانه‌های موسوم به شهر جولیان(واقع در شمال بخش مورموری و در دامنه‌های شمالی کبیرکوه) و به فاصله حدود ۱۰ متری آن یک تپه ماهور نسبتاً مرتفع وجود دارد که در رأس آن بقایای قلعه‌ای دیده می‌شود(تصویر ش ۸۴). این قلعه ظاهراً همزمان با شهر ویران جولیان در دوره ساسانی ساخته شده و تا سده‌های نخستین اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است.

قلعه جولیان با پلان تقریباً بیضوی به طول و عرض ۶۰×۷۰ متر (نقشه ش ۸۵)، با مصالح اصلی سنگ‌قلوه و ملات‌گچ ساخته شده و از استحکام خوبی برخوردار است. ضخامت دیوارهای بیرونی قلعه به ۲ متر می‌رسد که در فواصل نامعین با برجهای نیم‌دایره تقویت شده است. این برجها دارای تیرکش‌های مستطیل شکل می‌باشند که وسعت آنها در سمت داخل کمتر است. این تدبیر ضمن ارائه دید وسیعتر، مدافعان را در مقابل تیرهای مهاجمان بهتر حفظ می‌کند.

ورودی قلعه در ضلع شمالی آن و در میان دو جرز نسبتاً محکم و قطور تعبیه شده است. سطح شیبدار این ورودی به صورت پلکانی است و با مصالح اصلی قلعه ساخته شده است.

منبع: مطالعات میدانی

عباس مترجم ـ یعقوب محمدی‌فر

قلعه جهانگیرآباد (دره‌شهر)

بقایای این قلعه در جنوب روستای جهانگیرآباد، از توابع شهرستان دره‌شهر، واقع شده و در اصل خانه و کاخی است اربابی از دوره قاجاریه که فاقد برج و بارو و جنبه دفاعی و استحکاماتی است.

بنا با پلانی تقریباً مربع‌مستطیل و در یک طبقه ساخته شده و ورودی آن از ضلع شمالی است. پوشش‌های طاقی درگاه‌ها و طاقچه‌ها و بخاری بنا از نوع نیم‌دایره اما پوشش فضاهای دیگر بنا به صورت مسطح و تیرپوش است. مصالح مورد استفاده در بنا سنگ لاشه و قلوه با ملات گچ و آهک و گل است. این بنا در سال‌های اخیر از طرف سازمان میراث فرهنگی تعمیر و مرمت شده است.

قلعه سراب‌نقل (آبدانان)

بقایای این بنا در ۷۰۰ متری ضلع شمال‌شرقی تنگه‌ای که آب سراب از

آن جاری است و جنوب‌شرقی شهرستان آبدانان واقع شده و ظاهراً از آثار دوره ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی است(تصاویر ش ۷-۸۶).

قلعه سراب‌نقل با پلان مربع و مستطیل به ابعاد ۱۵×۱۵/۵ متر و با مصالح سنگ قلوه و ملات گچ بنا شده است. ورودی اصلی بنا در ضلع جنوبی قرار داشته است. در داخل قلعه یک سری تالارهای مستطیل کم‌عرض و طویل ساخته شده و سطوح داخلی آنها را با لایه ضخیمی از گچ اندود کرده‌اند. ضخامت تمامی دیوارهای بنا ۱/۲۰ متر است. به استثناء دالان طویل غربی، یک حالت تقارن بین اتاق‌ها و تالارهای قلعه به‌چشم می‌خورد.

منبع: مطالعات میدانی

عباس مترجم - یعقوب محمدی‌فر

قلعه شمیران (ایوان غرب)

بقایای این قلعه بر فراز کوهی در ضلع جنوب‌غربی روستای سرتنگ، از توابع شهرستان ایوان غرب، واقع شده است. کوهی که قلعه شمیران بر بالای آن ساخته شده از سطح دشت در حدود ۴۰۰ متر ارتفاع دارد و رودخانه کنگیر از پای آن عبور می‌کند. موقعیت استراتژیک محل از قبیل دسترسی به آب رودخانه و واقع شدن در میان تنگه‌ای که امکان دسترسی ساکنان دشت بین‌النهرین را از طریق مرز سومار به داخل منطقه فراهم می‌کرده، از مهم‌ترین ویژگی‌های این قلعه است.

بر بالای کوه مذکور بقایای یک قلعه عظیم برجای مانده که تماماً با استفاده از سنگ و ملات ساروج بنا گردیده است. حصار قلعه در فواصل نامنظم با برجهای نیم‌دایره تقویت می‌شده است. پلان قلعه شمیران متناسب با وضعیت توپوگرافی سطح کوه شکل گرفته و به صورت نامنظم کوهستانی است.

منبع: مطالعات میدانی

عباس مترجم

قلعه قلاقیران (ایلام)

بقایای این قلعه برفراز کوهی مرتفع و منفرد به نام قلاقیران در غرب شهر ایلام واقع شده است. قسمت فوقانی این کوه دارای دیواره‌های صخره‌ای بلندی است که حالتی نفوذناپذیر به آن داده است. تنها راه دسترسی به بالای کوه از جانب جنوب‌شرقی آن می‌باشد. از بالای این کوه تقریباً می‌توان بر تمامی دشت ایلام و مناطق پیرامون اشراف داشت(تصویر ش ۸۸). بنای اولیه قلعه ظاهراً از آثار دوره ساسانی است و دیوارهای سنگی ساخته شده به صورت خشکه‌چین و گاه با ملات ساروج، احتمالاً بقایای به جای مانده این دوره است. در دوره والیان پیشکوه که مقر حکمرانی و منطقه ییلاقی آنان قریه حسین‌آباد و ایلام امروزی بوده، به جهت موقعیت مناسب این کوه قلعه‌ای بر بالای آن ساخته می‌شود. این قلعه تا زمان سقوط آخرین والی در زمان پهلوی اول، همچنان مورد استفاده بوده است. بعد از این تاریخ قلعه متروک شده و به مرور زمان ویران می‌شود. امروزه بقایای دیوارها و شالوده قلعه که به‌صورت چند ضلعی ساخته شده، همچنان باقی است.

منبع: مطالعات میدانی

عباس مترجم

قلعه قلانو (آبدانان)

بقایای این بنا برفراز تپه‌ای طبیعی به ارتفاع ۱۵ متر، در شرق روستای قلانو و جنوب‌شرقی شهرستان آبدانان واقع شده است (کروکی ش ۸۹).

قلعه قلانو با پلان مربع مستطیل به ابعاد ۵۸×۵۲ متر و با مصالح سنگ و ملات گچ ساخته شده است. آنچه امروزه از بنای قلعه باقی مانده، دیوار خارجی آن به ارتفاع و ضخامت حدود یک متر و چهار برج تو خالی در چهار گوشه بنا، به قطر ۱/۲۵ متر می‌باشد. در سطح داخلی بنا به جزء انباشت پراکنده سنگ و ملات گچ، هیچ اثر معماری دیگری دیده نمی‌شود.

ورودی اصلی بنا به عرض ۲/۵ متر، در ضلع جنوبی آن تعبیه شده است. از ویژگی‌های قلعه قلانو می‌توان به ۱۰ طاقچه با طاق گهواره‌ای در قسمت داخلی دیوار جنوبی اشاره کرد.

منبع: مطالعات میدانی

یعقوب محمدی‌فر - عباس مترجم

قلعه کنچانچم (مهران)

این بنا بر کرانه رودخانه کنچانچم و نزدیک روستای امیرآباد و ۱۵ کیلومتری شمال‌شرقی مهران واقع شده و در حدود سال ۱۳۰۵ هـ.ق به عنوان جایگاه قشلاقی غلامرضاخان، والی پشتکوه(ایلام کنونی) ساخته شده است.

قلعه کنچانچم در زمینی به مساحت ۲۰۰۰ متر مربع و با ۹۶۵ متر زیربنا، به شیوه چهار ایوانی با پوشش‌های طاقی ساخته شده است. تمام اطاق‌های قلعه به وسیله درهای تودرتو به یکدیگر و از طریق راهروهایی به بیرون از بنا ارتباط پیدا می‌کنند. قلعه دارای سه ورودی است که یکی اصلی و دو دیگر در اضلاع جنوبی و غربی، در زیر برجهای دیده‌بانی واقع شده‌اند. مصالح مورد استفاده در قلعه را سنگ و آجر و ملات گچ تشکیل می‌دهد. قلعه کنچانچم در سال‌های اخیر از طرف سازمان میراث فرهنگی تعمیر و مرمت شده و در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: روزنامه همبستگی ۸۰/۱۱/۲، ص ۵

قلعه لرغه (آبدانان)

بقایای این قلعه برفراز یکی از ارتفاعات داخلی روستای لرغـه و کنار جاده آسفالته آبدانان بـه دشت عـباس واقـع شـده و بـاتوجه بـه سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه، بـه‌نظر مـی‌رسد از سـاخته‌های سده‌های نخستین اسلامی باشد که تا سده‌های میانی نیز مورد استفاده بوده است. تپه‌ای که این قلعهٔ بـرروی آن قـرار گـرفته از سـطح جـاده آسفالته حدود ۱۰۰ متر ارتفاع دارد.

منبع: مطالعات میدانی

عباس مترجم ـ یعقوب محمدی‌فر

قلعه والی (ایلام)

این قلعه بر روی تپه‌ای باستانی در شمال شهر ایلام واقع شده و در زمان محمدعلی‌شاه قاجار و سال ۱۳۲۶ هـ.ق به دستور غلامرضا خان، والی منطقه ایلام ساخته شده است. این قلعه در کـل ۳۱۳۰ مـترمربع وسعت و ۱۴۰۰ متر زیربنا دارد. بنای قلعه والی در سال‌های اخیر از طرف سازمان میراث فرهنگی تعمیر و مرمت شده و به شماره ۱۷۹۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: همشهری ۸۰/۱۰/۲۳، ص ۲۰

قلعه هزارانی (آبدانان)

بـقایای ایـن بـنا بـر فـراز تـپه کـم ارتـفاعی در ۳۰۰ مـتری شمال‌غربی‌روستای هزارانی و امتداد جاده آبـدانـان بـه طـرف بـخش مورموری واقع شده است. بنای اولیـه قـلعه هـزارانـی ظـاهراً در دوره ساسانی ساخته شده و در دوره اسلامی نیز مورد استفاده قـرار گـرفته است(نقشه ش ۹۰).

سطح تپه‌ای که قلعه بر آن قرار گرفته، از زمین‌های زراعی اطـراف حدود ۱۰ متر مرتفع‌تر است. بر این سـطح قـلعه هـزارانـی بـا پـلانی مستطیل‌شکل و مصالح سنگ قلوه و ملات گـچ سـاخته شـده است. پوشش‌های قلعه فرو ریخته ولی احتمال می‌توان داد از نوع طاق‌های گهواره‌ای بوده باشند. دیوارهای قلعه در بعضی نقاط تا ارتفاع ۱/۳ متری برجای مانده است. به فاصله ۱۵۰ متری ضلع شمالی قلعه هزارانی و بر روی یک پشته طبیعی کم‌ارتفاع، بقایای مربع شکل بنای دیگری مشهود است که از نظر شیوه و مصالح مشابه قلعه هزارانی است و در محل به همین نام هم شهرت دارد. بنای اخیر از قلعه هزارانی کوچک‌تر است و احتمالاً در ارتباط با قلعه اصلی قرار داشته است.

منبع: مطالعات میدانی

عباس مترجم ـ یعقوب محمدی‌فر

قلعه هزار درب (آبدانان)

بقایای این بنا در حاشیه جنوب‌شرقی شهرستان آبدانان واقع شده است. بنای اولیه قلعه هزار درب احتمال می‌رود از آثار دوره ساسانی باشد که در دوره‌هـای مـختلف اسـلامی، بـه‌ویژه سـده‌های نـخست، بازسازی و مورد استفاده قرار گرفته است. وجه تسمیه ایـن قـلعه بـه جهت تعداد زیاد درگاه‌هایی است که در قلعه وجود دارد(تـصاویر ش ۲-۹۱).

قلعه هزار درب با مصالح سنگ قلوه و ملات گچ ساخته شـده و دارای طاق‌های هلالی و پوشش‌های ضربی گهواره‌ای است. در بعضی نقاط قلعه بقایای طاقچه‌هایی با همین فرم پوشش، بـاقی مـانده است. باتوجه به آثار معماری موجود، می‌توان به وجود دوره‌هـای مـختلف تعمیراتی در این قلعه پی برد.

آب مورد نیاز قلعه‌نشینان ظاهراً از رودخانه آبدانـان کـه درحـاشیه جنوب قلعه جریان دارد، تأمین می‌شده است.

منبع: مطالعات میدانی

عباس مترجم ـ یعقوب محمدی‌فر

بوشهر

قلعه بابشاد (سیراف/بندر طاهری)

بقایای این بنا در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی در شرقی‌ترین حد سیراف(بندر طاهری) و منتهی‌الیه بقایای حصار شرقی سیراف قدیم، و بر روی پشته‌ای کم‌ارتفاع به‌دست آمده است.

قلعه بابشاد با پلان تقریباً مربع به ابعاد ۲۱×۲۲ متر از قلوه‌سنگ‌های بزرگ و ملات گچ و گل ساخته شده است. حداکثر ارتفاع باقیمانده دیوارهای این قلعه ۷۵ سانتی‌متر و عرض آنها ۹۰-۷۰ سانتیمتر است. قلعه در چهار گوشه دارای چهار برج تدافعی و تقویتی است که دوتا از آنها مدور و دو دیگر چهارگوش هستند. تلفیق برج‌های مدور و چهارگوش در این بنا پدیده جالب‌توجهی است. حیاط مربع‌شکل بنا با ۹ اتاق و راهروی بزرگ ورودی محصور شده است.

علاوه بر ورودی اصلی که در ضلع غربی بنا قرار دارد، درگاههای دیگر در اضلاع جانبی، ارتباط بنا را با خارج از آن ممکن می‌سازد. بعضی از اتاق‌ها از طریق درگاه‌هایی به حیاط مرکزی راه پیدا می‌کنند. ورودی برجهای مدور از طریق اتاق‌های جانبی است ولی ورودی برجهای چهارگوش مشخص نیست و احتمال دارد در ارتفاع بالاتری قرار داشته است.

با توجه به مدارک و شواهد به‌دست آمده، می‌توان بنای اصلی قلعه را از ساخته‌های اواخر سده چهارم هجری داشت.

منبع: افشار سیستانی. ۱۳۶۹، صص ۵۷-۳۵۵

قلعه برازجان

این بنا در ضلع شرقی میدان مرکزی شهر برازجان واقع و علی‌رغم شهرت آن به قلعه در اصل به عنوان کاروانسرا، در حدود سال ۱۲۸۸ هجری قمری و به دستور حاج‌میرزا ابوالحسن‌خان مشیرالملک و با هزینه‌ای معادل چهل‌هزار تومان ساخته شده است(تصاویر ش ۹۵-۹۳).

قلعه برازجان تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی به‌عنوان کاروانسرا استفاده می‌شد. در این سال با آمدن قشون نظامی به برازجان این بنا که دارای حصار و بنای مستحکمی است، به‌عنوان قرارگاه قشون انتخاب و مورد استفاده قرار گرفت و اطلاق قلعه به این بنا ظاهراً از همین‌جا نشأت می‌گیرد. در سال ۱۳۳۵ هجری شمسی با تغییرات و تعمیراتی بنا در اختیار شهربانی قرار گرفت و از آن به‌عنوان زندان استفاده گردید. در سالهای اخیر با پی‌گیری سازمان میراث‌فرهنگی، قلعه برازجان تخلیه و بعد از تعمیرات لازم به کاربری فرهنگی اختصاص یافته است.

دژ برازجان با نقشه مستطیلی شکل به ابعاد ۷۰×۹۰ متر و زیربنائی در حدود ۴۲۰۰ متر بنا گردیده و مجموعاً دارای ۶۸ باب اتاق و حجره بوده که در طی زمان تغییراتی در آن صورت گرفته است. در چهار گوشه بنا ۴ برج مرتفع تعبیه شده که ارتفاع هرکدام از آنها حدود ۱۲ متر است (جزئیات بیشتر درخصوص این بنا در مجلد «کاروانسراها و بناهای بین راه» ارائه خواهد شد). قلعه برازجان به شماره ۱۶۳۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: دژ برازجان. ۱۳۶۵

شبکه اطلاع رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه بردستان

بقایای این بنا در مدخل روستای بردستان واقع شده و از ساخته‌های دوره قاجاریه و احتمالاً محمدخان دشتی(۱۲۹۸-۱۲۴۶ هجری قمری) محسوب می‌شود. در قلعه بردستان علائم چندین‌بار تعمیر و مرمت به‌چشم می‌خورد. قلعه بردستان که از نظر شیوه معماری قابل‌مقایسه با قلعه خورموج است، در زمین مسطحی ساخته شده و دارای سه حصار تودرتو، سه حیاط، چهار برج بیرونی و چهار برج درونی، یک عمارت شاه‌نشین، آب‌انبار و تأسیسات مورد نیاز دیگر است. دو دیوار داخلی بنا به صورت غرفه‌دار ساخته شده‌اند. هریک از این دیوارها دارای هشت تا ده اتاق و غرفه و فضاهای مورد نیاز دیگر بوده است. طاقسازی و گچبری‌های گوشواره‌ها و غرفه‌ها به شیوه ساسانی و سبک سنتی متداول در منطقه جنوب ایران صورت گرفته است.

منابع: اقتداری. ۱۳۴۸، صص ۲۶۶ و ۲۷۴

افشار سیستانی. ۱۳۶۹، ص ۳۳۳

قلعه حصار (دیلم)

این بنا در روستای حصار از توابع شهرستان دیلم واقع است و در اواخر دوره قاجاریه و حدود ۱۱۰ سال قبل، توسط آقاخان لیراوی، حاکم دهستان لیراوی احداث شده است.

قلعه حصار در حدود ۴۰۰۰ متر مربع مساحت دارد و دارای حصاری با ۴ برج تدافعی است. در داخل بنا تعداد ۱۵ اتاق و یک حمام ساخته شده است. پوشش اتاق‌ها با چوب صندل و بوریا صورت گرفته است. ارتفاع ساختمان به بیش از ۷ متر می‌رسد و در طبقه زیرین آن فضاهایی برای ذخیره آذوقه و انجام کارهای خدماتی دیگر ساخته شده است. قلعه خان دیلم از قلاع زیبای حاشیه خلیج‌فارس است و در بزرگی و وسعت چشمگیر می‌باشد.

منبع: مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه خان (بندر ریگ)

این بنا در جنوب و بافت قدیمی بندر ریگ(از توابع بندر گناوه) واقع شده و از ساخته‌های خانعلی‌خان حیاتداوری و اواسط قرن دوازدهم هجری است.

قلعه با برج خان با نقشه مستطیل‌شکل و سبک ویژه خطه جنوب ایران ساخته شده و مشتمل بر دو بخش اندرونی و بیرونی است. بخش اصلی بنا به صورت دو طبقه ساخته شده و هر طبقه دارای دو اتاق به ابعاد ۵×۵ متر است و ما بین آنها نیز راهروئی قرار گرفته است(تصاویر و نقشه ش ۸-۹۶). جلو این اتاق‌ها و در هر طبقه طارمی یا ایوانی با هشت ستون یا جرز ساخته شده است.

مصالح مورد استفاده در بنا، سنگ‌های اسفنجی است که از سواحل جزیره خارک و خارکو به بندر ریگ حمل شده است. ملات مورد استفاده نیز ساروج است. پوشش بنا از نوع مسطح بوده و با کمک چوب صندل(چندل) و بوریا صورت گرفته است. عمده تزئینات بنا را منبت‌کاری، در قسمت درها و پنجره‌ها و گچکاری تشکیل می‌دهد.

منبع: مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه زائر خضرخان (اهرم)

این قلعه که به قلعه کلات نیز شهرت دارد، بر روی تپه‌ای در شمال شهر اهرم، از توابع تنگستان، واقع شده و ظاهراً در مکان قلعه قدیمی‌تری بنا گردیده است(تصویر ش ۹۹).

قلعه زائرخان در اواخر دوره قاجار توسط زائر خضرخان، امیرالاسلام بنا شده و محل سکونت فرزندزادگان او و رئیس‌علی تنگستانی است. این قلعه در زمان بانی خود یکی از پایگاه‌های مقاومت در برابر استعمارگران انگلیسی بوده است. قلعه زائرخان با پلان مستطیل شکل به ابعاد ۵۰×۶۸ متر و مساحت ۳۴۰۰ متر مربع ساخته شده و دارای بارو با چهار برج دفاعی در چهار گوشه آن است.

برج و باروی قلعه که ضخامت دیواره آنها به ۸۰ سانتی‌متر می‌رسد، همگی با خشت و گل ساخته شده‌اند. برجهای زوایای بنا ۵ متر قطر و ۶ متر ارتفاع دارند و فضای داخلی آنها مورد استفاده قلعه‌نشینان قرار می‌گیرد. بناهای داخلی قلعه به دو قسمت بیرونی و اندرونی تقسیم می‌شود و شامل تأسیسات ورودی و هشتی، حیاط قسمت بیرونی با اتاق‌هایی در پیرامون حیاط و قسمت اصلی که محل اسکان خان اهرم بوده، می‌شود. بناهای داخلی نیز با خشت و گل ساخته شده و تنها در شالوده آنها از سنگ استفاده کرده‌اند. اتاق‌ها به جهت گریز از گرما و رطوبت بر روی کرسی‌های مرتفع ساخته شده‌اند. اتاق‌های اصلی قلعه با تزئینات گچبری مزین شده است. در مرکز حیاط اصلی قلعه آب‌انباری ساخته شده است. قلعه خضرخان به شماره ۲۰۸۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: افشار سیستانی. ۱۳۶۹، صص ۷۲-۳۷۱

روزنامه ایران. ۸۰/۶/۱۸، ص ۱

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه شیخ / نصوری (بندر طاهری)

این قلعه در غرب بندر طاهری(سیراف قدیم) و برفراز تپه‌ای در کنار جاده و مشرف به دریا واقع شده و از ساخته‌های اوایل دوره قاجاریه به شمار می‌آید. بانی قلعه «شیخ‌جبار نصوری» است که در حدود ۱۸۰ سال پیش این قلعه را به معماری «علی‌اصغر شیرازی» بنا نموده است(تصویر ش ۱۰۰).

قلعه شیخ از سنگ‌های بزرگ با ملات گل و گچ ساخته شده و ورودی آن از سمت جنوب است و دارای درب بزرگ چوبی با گل میخ و تزئینات کنده‌کاری است. بعد از ورودی اصلی یک هشتی بزرگ با هشت طاقچه ساده در اطراف آن قرار دارد. از طریق این هشتی می‌توان وارد حیاط قسمت بیرونی شد که در جبهه شمالی آن یک ردیف پلکان به طبقه دوم منتهی می‌شود و یک در چوبی ساده آن را به اندرونی وصل می‌کند.

در جبهه‌غربی نیز پلکان دیگری برای دسترسی به طبقه دوم قرار گرفته است. در جبهه‌غربی حیاط بیرونی، ایوانی است با چهار ستون زیبای سنگی و گچبری‌هایی که داخل آن را مزین کرده است. این ایوان از طریق پنج در چوبی به اتاقی راه می‌یابد که در غرب آن قرار دارد. از جبهه شمالی حیاط بیرونی با عبور از یک راهرو کوچک به حیاط اندرونی می‌توان رسید که در غرب و شرق آن ایوان‌های ستوندار و فاقد تزئین قرار گرفته‌اند. بنا دارای بادگیری به سبک بادگیرهای منطقه جنوب و مربوط به دوره قاجاریه است.

قلعه شیخ دارای طبقه دومی است که برای رسیدن به آن ابتدا باید به پشت‌بام رفت و سپس به‌وسیله پله‌های سنگی به ایوان این طبقه راه یافت. ایوان طبقه دوم ستوندار بوده و سبک حجاری ستون‌ها شباهتی به انواع وکیلی شیراز دارد. این ایوان نیز با درهای متعددی به اتاق‌های جانبی راه پیدا می‌کند. ایوان و اتاق‌های مزبور با تزئینات زیبای گچبری به اشکال گیاهی و انسانی و نیز مجالس زیبایی از شاهنامه مزین شده است.

منابع: اقتداری. ۱۳۴۸، ص ۴۳۵

معصومی. ۱۳۵۲، ص ۳۲۱

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه محمدخان دشتی (خورموج)

بقایای این قلعه در شهرستان دشتی و مرکز خورموج واقع شده و بخش باقیمانده، قسمت کوچکی از قلعه اصلی را تشکیل می‌دهد. قلعه محمدخان دشتی در حدود سال ۱۲۷۰ هجری قمری و زمان فتحعلیشاه قاجار بنا گردیده است. علی‌رغم شهرت و انتساب بنا به «محمدخان دشتی»، بانی اصلی آن جمال خان دشتی است(تصاویر و نقشه‌های ش ۴-۱۰۱).

قلعه محمدخان دشتی در اصل مشتمل بـر حـصار و چـهار بـرج وسیع، اندرونی، عمارت مرکزی و تعدادی قراولخانه و اصطبل بوده که بخش‌هایی از آن از جمله برجها در چهار یا پنج طبقه ساخته شده بودند. امروزه از این مجموعه تـقریباً یک بـرج بـزرگ آن بـاقی مـانده کـه از ساخته‌های جمال‌خان دشتی است. نقشه برج به صورت هشت ضلعی ناقص یا هفت ضلعی است که با احتساب قسمت رو‌باز فـوقانی کـه جهت دیده‌بانی و تیراندازی بوده، تعداد طـبقات آن بـه پـنج مـی‌رسد (نقشه ش ۱۰۱).

از طبقه همکف برج که به‌عنوان انبار مورد استفاده بـوده و دارای فضایی دو قسمتی است، توسط پلکانی مارپیچ که در دیواره جانبی برج تعبیه شده، به طبقات فوقانی می‌توان راه یافت. طبقات میانی برج بـه صورت شاه‌نشین‌هایی ساخته شده و با تزئینات گچبری مزین شده‌اند. در اضلاع مختلف این طبقات پنجره‌هایی تعبیه شده که موجب جریان هوا و تهویه مطبوع فضای داخلی می‌شود. پوشش شـاه‌نشین‌ها دارای کاربندی‌های ظریف، همراه با طاق‌نماهای تزئینی است. طبقه دیگر برج طرحی ساده دارد. نمای بیرونی برج با طاق‌نماهایی نماسازی و با گـچ اندود شده است. عمده مصالح مـورد اسـتفاده در بـنا را سـنگ و گـچ تشکیل می‌دهد.

قلعه محمدخان دشتی از معروفیت نسبتاً زیادی برخوردار است که عمده آن به جهت دخیل بودن آن در وقایع سیاسی و نظامی منطقه در دوره قاجاریه است. در این دوره و همزمان با جنگ تنگستانی‌ها بر علیه قشون انگلیسی، این قشون در دو نوبت و به تحریک زائر عبدالله‌خان، قصد قلعه جمال‌خان را کرده و در نوبت دوم جمال‌خان را دستگیر و به بوشهر منتقل می‌نمایند. زائـر عـبدالله‌خان دشـتی بـه‌عنوان ضـابط و دست‌نشانده انگلیسی‌ها به مدت سه‌سال در این قلعه اقامت می‌کند و پس از شورش خوانین دشتی، از بوشهر گـریخته و «غـلام رزمـی» از روسای لاور رزمی به‌عنوان ضابط دشتی در این قلعه مستقر می‌شود.

قلعه محمدخان دشتی به شماره ۳۰۳۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: اقتداری. ۱۳۴۸، صص ۲۵-۲۱۳
روزنامه ایران. ۸۰/۵/۱۷، ص ۱۱
شبکه اطلاع رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

تهران

باروی قدیم ری

شهر ری در دوره پیش از اسلام و سده‌های نخستین اسلامی یکی از مراکز مهم جمعیتی ایران محسوب می‌شد و از همین‌رو دارای برج و بارو و ارگ مستحکمی بوده که در دوره‌های مختلف بازسازی و مرمت شده است. امروزه از باروی قدیم ری تنها بخش‌های اندک برجای مانده است. در حالی که براساس عکس هوایی که اشمیت حدود ۷۰ سال پیش از این منطقه گرفته(تصویر ش ۱۰۵) بخش‌های بسیار بیشتری برجای بوده است. قسمتی از این بارو در جریان ساخت کارخانه‌های سیمان و گلیسیرین ری از بین رفته‌اند.

بخش باقی‌مانده این بارو در سال‌های اخیر توسط سازمان میراث فرهنگی استان تهران مرمت و بازسازی شده است. براساس مطالعات صورت گرفته دیوار در اصل قطری حدود ۱۰ متر داشته و با چینه و ردیف‌هایی از خشت ساخته شده است. ارتفاع باقیمانده دیوار به حدود ۸ متر می‌رسد.

منابع: باروی قدیم ری. ۱۳۵۶، صص ۹-۸

Schmidt.1940

برج دیده‌بانی جیلزجند(فیروزکوه)

بقایای این بنا برفراز تپه‌ای مشرف بـه درهٔ رود واشی، در ۴ کیلومتری شمال روستای جلیزجند(از توابع شهرستان فیروزکوه) واقع شده و ظاهراً تا قرن ۸ یا ۹ هجری مورد استفاده بوده است. در محل این برج محوطه تاریخی ـ اسلامی به طول و عرض حدود ۵۰×۱۵۰ متر وجود دارد. به احتمال بسیار برج دیده‌بانی مذکور در ارتباط با تنگه واشی و قلعه پشت تندیر که در بالای تنگه واشی واقع است، کاربرد داشته و خط مقدم دفاعی آن محسوب می‌شده است.

برج دیده‌بانی جلیزجند در سال ۱۳۸۱ توسط اداره کل میراث فرهنگی استان تهران مورد کاوش، مطالعه و مرمت قرار گرفت.

منبع: بازوکی. ۱۳۸۱، ص ۲۸۰

برج دیده‌بانی هرانده(فیروزکوه)

بقایای این بنا بر روی صخره سنگی منفردی در شمال‌شرقی روستای هرانده و در نقطه‌ای که روستا به رودخانه حبله‌رود متصل می‌شود، واقع شده است. بر بالای صخره یاد شده، شکافی به عرض حداکثر ۳ متر در جهت شمال‌شرقی و جنوب‌غرب ایجاد شده است و در میانه این شکاف، بقایای پی برج هرانده به وسعت حدود ۱۰ متر مربع، و با مصالح سنگ لاشه و ملات ساروج و در ارتفاع بالاتر با خشت و چینه، ساخته شده است. در جریان کاوش‌های غیرمجاز بخش قابل‌توجهی از بنا ویران شده است.

با توجه به سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه، این برج احتمال دارد در قرن ۷ و ۸ هجری ساخته شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

منبع: بازوکی. ۱۳۸۱، ص ۱۹۶

برج‌های دیده‌بانی سیمین‌دشت(فیروزکوه)

بقایای این برج‌ها بر فراز تپه‌ای در فاصله ۱۵۰۰ متری شمال‌غرب سیمین‌دشت(از توابع شهرستان فیروزکوه) واقع شده و از آثار اواسط دوره قاجاریه محسوب می‌شوند.

در این محل بقایای ۳ برج دیده‌بانی و تدافعی از خشت و گل دیده می‌شود که در امتداد یکدیگر ساخته شده‌اند. بقایای دیواری که این برج‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌ساخته نیز باقی مانده است(نقشه‌های ش ۸-۱۰۷).

منبع: بازوکی. ۱۳۸۱، صص ۵۹-۱۵۷

دروازه محمدیه (تهران)

این دروازه در منطقه ۱۲ تهران و میدان اعدام واقع شده و در سال آخر سلطنت محمدشاه قاجار(۱۲۶۳ هـ‌ق) در انتهای بازار عباس‌آباد و نزدیک میدان معروف به پاقاپوق(میدان اعدام) بنا گردیده و تنها دروازه باقیمانده شهر قدیم تهران است.

دروازه محمدیه چهارمنار کوتاه مزین به کاشی‌های فیروزه‌ای اعلا داشته که بخشی از آنها برجای مانده است. نمای دروازه نیز با کاشیکاری مزین شده و نقوش کاشیکاری جبهه بالای آن شامل جنگ رستم و دیو می‌شد که امروزه این کاشی‌ها در انبار موزه ایران باستان نگهداری می‌شود. کاشی‌های مزبور کار استاد محمدقلی کاشی‌پز شیرازی بوده است.

دروازه محمدیه تهران به شماره ۱۰۹۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

سردر باغ ملی (تهران)

این بنا که امروزه در مجاورت میدان و خیابان امام‌خمینی و ساختمان وزارت خارجه قرار گرفته، در حدود سال ۱۳۴۰ هـ ق توسط استاد محمدعلی کرمانی ساخته شده و به عنوان یکی از دو مدخل میدان مشق (که در دوره فتحعلیشاه تأسیس و در عهد ناصرالدین‌شاه توسعه یافت) محسوب می‌شد. اندکی بعد با ایجاد باغ ملی در گوشه‌ای از میدان مشق، نام دروازه به سردر باغ ملی تغییر یافت. چند سال بعد در محل باغ ملی ساختمان و عمارت‌های دولتی وزارت خارجه، کتابخانه ملی و موزه ملی ایران ساخته شد.

سردر باغ ملی را شاید بتوان معظم‌ترین و زیباترین دروازه‌های تاریخی ایران محسوب داشت. این دروازه با طرحی معمارانه ساخته شده و با تزیینات کاشیکاری مزین شده است. بر فراز دروازه، اتاق نسبتاً

بزرگی قرار دارد که بعدها از آن به‌عنوان نقاره‌خانه استفاده می‌شده است.

این بنا به شماره ۱۹۶۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

سردر قورخانه (تهران)

این سردر در مجاورت خیابان خیام و نزدیک تقاطع این خیابان با خیابان امام‌خمینی واقع شده و از آثار دوره قاجاریه است. محوطه داخلی این دروازه که در گذشته قورخانه تهران را شامل می‌شده امروزه به ایستگاه مترو میدان امام خمینی(توپخانه) تغییر کاربری داده است. سردر مزبور با تزیینات آجرکاری مزین شده است.

سردر قورخانه به‌شماره ۱۹۱۲ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

قلعه آتشان (فیروزکوه)

بقایای این بنا که به قلعه زرین‌دشت و برج دیده‌بانی زروان نیز شهرت دارد، بر یال یک صخره سنگی، در حد فاصل تنگه زروان و تنگه حبله‌رود و ۲۳۰ متری شرق ایستگاه زرین‌دشت و ۲۵ کیلومتری جنوب فیروزکوه واقع شده است.

با توجه به قطعه سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه قلعه، احتمال دارد قلعه آتشان از ساخته‌های قرن ۵ و ۶ هجری باشد تا دوره قاجار مورد استفاده بوده است و نقشی نظارتی و کنترلی بر راه ارتباطی فلات مرکزی با طبرستان، از طریق تنگه‌های این محل داشته است. قلعه آتشان در جهت شرقی ـ غربی، به طول و عرض ۱۰×۳۵ متر ساخته شده است. مصالح مورد استفاده در پی‌ها و حوضچه قلعه، نمای خارجی و دیوارهای جانبی، سنگ لاشه و ملات ساروج است اما در بناهای داخلی از خشت و گل استفاده شده است. بخش اعظم قلعه توسط حفاران غیرمجاز تخریب شده است.

منبع: پازوکی، ۱۳۸۱، صص ۲۲-۱۲۱

قلعه ارژنگ (طالقان)

بقایای این قلعه بر فراز یکی از قلعه‌های منفرد و مرتفع جنوب طالقان و ضلع شرقی روستای فشندک و ۲/۵ کیلومتری ضلع جنوب‌غربی روستای میناوند واقع شده و براساس قطعه سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه، احتمال می‌رود بنای اولیه آن از آثار قبل از اسلام باشد که تا دوره تیموری مورد استفاده قرار گرفته است.

مسیر سهل‌الوصول قلعه در جبهه جنوب‌شرقی آن قرار دارد. قلعه ارژنگ در جهت شرقی ـ غربی، به طول و عرض ۱۵×۶۵ متر ساخته شده است. در سطح قلعه آثار و بقایای معماری زیادی مشتمل بر اتاق‌ها، راهروها، آب‌انبار و برجهای دیده‌بانی مشاهده می‌شود. در ضلع جنوب‌شرقی قلعه که بقایای یکی از برجهای نگهبانی در آنجا مشهود است، در امتداد شمال به جنوب آثار راهرو یا کانال عبوری به طول مشهود ۳۰ و عرض ۲ متر در دل صخره دیده می‌شود که احتمال دارد مسیر ورود به قلعه باشد.

منبع: پازوکی، ۱۳۸۰، صص ۶۸-۵۶۷

قلعه ارو (فیروزکوه)

بقایای این بنا در دهستان ارو(از توابع فیروزکوه) و کنار تنگه مشهور به «تنگه ارو» و بر صخره‌های سمت چپ جاده‌ای که از روستای طرود به قرقو(قرقاب) امتداد می‌یابد، واقع شده است. مصالح مورد استفاده در بنای قلعه سنگ لاشه، خشت و گل و در برخی قسمت‌ها ملات گچ و ساروج است. قطعه سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه، تاریخی از هزاره چهارم ق.م تا اواخر دوره صفویه را نشان می‌دهند.

قلعه ارو را می‌توان از جمله قلعه‌های راهداری دانست که گذرگاه میان قومس و فیروزکوه را تحت‌کنترل خود داشته است.

منبع: پازوکی، ۱۳۸۱، ص ۸۳

قلعه امامه (شمیرانات)

بقایای این قلعه بر فراز صخره‌ای مرتفع، در شمال‌شرق روستای امامه(از توابع شمیرانات) و ۱۰ کیلومتری شرق لوشان واقع شده و از آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود. از قلعه امامه شرحی ارزشمند در یک نسخه خطی از دوره قاجاریه(متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی) باقی‌مانده است که به آن اشاره می‌کنیم: «خرابه این قلعه در فاصله ربع فرسنگ در شمال‌شرقی امامه واقع است که طرح اصلی آن به صورت مثلث متساوی‌الساقین است، که آنرا از سنگ و شن و آهک ساخته بوده‌اند. سنگ‌های بکار رفته قطور و بزرگ است، و چنین به‌نظر می‌رسد که قلعه را دست انسانی به عمد خراب کرده است. ضلع شرقی و غربی قلعه پنجاه ذرع و ضلع جنوب‌شرقی آن چهل و دو ذرع و به صورت کثیرالاضلاع و مرکب از خطوط مختلط است. صحن قلعه ناهموار و پرتگاهی عارضه‌دار، و دارای سنگ‌های بلندی است که همچون شاخ از زمین به‌در آمده است. گویا ارک حکومتی در سوی شمال بنا شده بوده است. ضخامت دیوار قلعه در بعضی نقاط به دو ذرع و گاه به سه ذرع می‌رسد، و به مقیاس برجهای به‌جا مانده ظاهراً بلندی دیوارها میان ده و دوازده ذرع بوده است. این قلعه از خارج، سه برج رو به مغرب و دو برج رو به جنوب و دو برج رو به مشرق(دارد) که جمعاً هفت برج می‌شود و از داخل دو برج رو به جنوب داشته است. بلندی فعلی برجها از هشت تا یازده ذرع است. درکنار برج جنوبی که در گوشه افتاده است، آب‌انباری وسیع و گود و استواری ساخته بوده‌اند، و از دره

غربی قلعه با تنبوشه آب بدآنجا می‌بردند. راه باستانی این دژ استوار از درهٔ جنوب‌شرقی بوده است. در دو سوی بلندیی که قلعه بر فراز آنست، دو دره قرار دارد. بلندی قلعه از هر یک از دو دره از صد و پنجاه تا سیصد متر است». سمت جنوب و غرب صخره‌ای که قلعه بر فراز آن قرار گرفته، غیرقابل صعود است. سمت شمال و شرق نیز شیب بسیار تندی دارد. برای نفوذناپذیر کردن این سمت، دیوارهای قطوری احداث کرده‌اند. تنها راه دسترسی به قلعه از طریق گذرگاه باریکی بوده که از سمت شمال غرب به طرف غرب امتداد می‌یابد.

از شواهد موجود برمی‌آید که قلعه امامه از دو بخش مجزا تشکیل می‌شده است. بخش شمالی آن که امروزه بقایای اتاق‌ها، برج و بارو و حصار دفاعی و یک غار یا آب‌انبار در آن قابل‌رویت است، بخش عامه‌نشین بوده و بخش دیگر که در جنوب این قسمت واقع شده و دارای استحکام بیشتری است، ارک یا حاکم‌نشین بوده است. قسمت اخیر دارای سه برج دفاعی و حصار بسیار مستحکم بوده و بخش اعظم مصالح آن، به‌خصوص اتاق‌ها، آجر است. ابعاد یکی از آجرهای مکشوفه ۳×۱۸×۱۸ سانتیمتر می‌باشد. یکی از برج‌های جنوب‌شرقی این بخش از قلعه که به لبه پرتگاه بلندی احداث شده، به علت صعوبت دسترسی، از تعرض مهاجمان و حفاران غیرمجاز مصون مانده است. در بخش عامه‌نشین قلعه امامه نیز اثر ۳ برج برجای مانده و شواهد نشان می‌دهد که دو برج دیگر نیز در قسمت شرقی بوده که از میان رفته است. در داخل این بخش پی بناهای متعددی مشهود است. سراسر جبهه شمالی قلعه دارای دیوار قطوری بوده و احتمالاً دروازه ورودی قلعه نیز در همین قسمت قرار داشته است. بخشی از این دیوار که بر یال صخره‌ای کوه به طرف شرق امتداد می‌یابد، هم‌اکنون قابل‌مشاهده است.

در سطح قلعه آثار حداقل یک انبار بزرگ و دو آب‌انبار کوچک مشاهده می‌شود.

منابع: پازوکی. ۱۳۸۲، صص ۴۲-۳۳۶

کریمان. ۱۳۵۶، ص ۱۹۲

قلعه ایرج / گبری (ورامین)

بقایای این قلعه در شمال عسگرآباد عباسی و شرق جاده کمربندی ورامین به پیشوا و حدود ۳ کیلومتری شمال‌شرق ورامین واقع شده است. بنای اولیه قلعه ایرج یا قلعه گبری منسوب به دوره ساسانی است که در دوره‌های مختلف اسلامی (احتمالاً تا دوره صفویه) مورداستفاده قرار گرفته است.

قلعه ایرج از جمله قلاع جلگه‌ای است که با نقشه مربع مستطیل و مصالح خشت و گل ساخته شده است. امروزه از بناهای داخل قلعه هیچ اثری برجای نمانده و فضای داخلی آن تسطیح شده و جهت کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اعتمادالسلطنه که در دوره قاجار از این قلعه دیدن کرده در کتاب مطلع‌الشمس می‌نویسد: «نرسیده به شهر ورامین آثار بسیار عظیمی ملاحظه شد که چشم را خیره می‌کرد پرسیدم گفتند قلعه ایرج است... بروج زیاد داشته وضع آن مربع مستطیل است که طولش از شمال به جنوب است عرضش از مشرق به مغرب. برجهای سمت جنوب آن را شماره کردیم سی و شش برج است و فاصله هر برج به برج دیگر باید بیست و پنج ذرع باشد. یک دروازه داشته خندق هم داشته که حالا با وجودی که پر شده است، باز هم به تفاوت از یک ذرع و دو ذرع عمق دارد. داخل قلعه مسطح است ولی بناهای قدیم داشته از بس کاوش کرده و عقب دفاین گشته و گاو بسته و آب انداخته‌اند همه را با زمین مساوی نموده‌اند... داخل قلعه هزار جریب است. دیوار این قلعه را تماماً از خشت ساخته‌اند. هر خشتی نیم ذرع عرض و نیم ذرع طول و یک‌چارک قطر دارد و این دیوار در این مدت مدید... باران خورده و خراب شده است به‌طوری که مانند تپه بزرگی است که از دو طرف دامنه‌های وسیع دارد با وجود این الان از آنجای دیوار که با خشت است تا سطح زمین‌های زیر دامنه پانزده ذرع هست. خارج قلعه از سمت مشرق بلندی‌ها دارد که معلوم می‌شود خارج قلعه هم خانه و آبادی بوده است. دو قنات از میان این قلعه حفر کرده‌اند یکی خالصه است و دیگری اربابی....».

جهانگردان خارجی نیز در گذشته از این بنا دیدن کرده و شرح بازدید خود را نگاشته‌اند. مادام دیولافوا فاصله برجها را از یکدیگر ۳۰ متر ثبت کرده است (تصویر ش ۱۱۱). لرد کرزن ارتفاع دیوار گلی آن را پنجاه پا و محوطه‌اش را به نقل از ایستویک، ۱۸۰۰ یارد در ۱۵۰۰ یارد تخمین زده است. لیدی میشل نیز طول و عرض آن را حدود نیم مایل ذکر می‌کند.

ضخامت دیوارهای این قلعه در حال حاضر به ۵ تا ۶ متر بالغ می‌شود و خشت‌های بکار برده شده در آن ابعادی در حدود ۱۳×۴۳×۴۳ و ۱۳×۴۵×۴۵ سانتیمتر دارند.

در سطح قلعه قطعات سفالینه‌هایی از قرون مختلف اسلامی به‌ویژه قرن‌های ۶ و ۷ هجری مشاهده می‌شود.

منابع: خلعتبری. ۱۳۸۰، صص ۹۹-۳۹۷

رکوعی. ۱۳۷۴، صص ۲-۳۰۱

قدیانی. ۱۳۷۹، صص ۶۴-۱۶۳

صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه). (ج ۳) ۱۳۶۲، ص ۳۶۶

میشل. ۱۳۶۹، ص ۶۳

قلعه بابا ریش (فیروزکوه)

بقایای این قلعه برفراز صخره عظیمی به همین نام، در شمال غرب روستای مزداران واقع شده و در نزد اهالی به حمام شهرت دارد (تصویر

ش ۱۱۲).

بقایای موجود مربوط به قلعه‌ای با چهار برج عظیم است که دو برج ضلع جنوبی تا حدود زیادی تخریب شده و تنها بقایای اندکی از پی آنها برجای مانده است. بقایای دیوار قلعه به ارتفاع ۵ و ضخامت ۱ متر هنوز دیده می‌شود. مصالح مورد استفاده در برج و باروی قلعه، سنگ لاشه و ملات گچ و ساروج می‌باشد. بناهای داخل قلعه از خشت و گل بوده که تماماً تخریب شده‌اند. بیشتر سفالینه‌های پراکنده در سطح قلعه مربوط به دوره اسلامی و قرون ۵ تا ۹ هجری است. احتمال داده می‌شود قلعه باباریش جزء آندسته از قلاعی بوده که مورد استفاده پیروان اسماعیلیه قرار گرفته‌اند.

قلعه باباریش به‌شماره ۳۸۳۳ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۱، صص ۲۸-۱۲۷

قلعه بُز / بُز قلعه (اشتهارد)

بقایای این بنا برفراز ارتفاعات مشرف به مزرعه موسوی در روستای مختارآباد و ۱۵ کیلومتری شرق اشتهارد واقع شده و با توجه به قطعه سفالینه‌های پراکنده بر روی سطح محوطه به‌نظر می‌رسد از آثار دوره صفویه باشد.

بُز قلعه به‌شدت توسط حفاران غیرمجاز تخریب شده به‌گونه‌ای که نمی‌توان پلان و نقشه‌ای از آن ارائه داد. مصالح مورد استفاده در قلعه، سنگ و آجر و ملات ساروج است. تنوع و زیبائی قطعه سفالینه‌های پراکنده بر سطح محوطه حکایت از اهمیت قلعه مزبور دارد. محوطه باستانی بُز قلعه به شماره ۶۵۷۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

ابوالقاسم حاتمی

قلعه پشت تندیر (فیروزکوه)

بقایای این بنا در خط‌الرأس ارتفاعات قسمت غرب(تنگه واشی) و در نزدیکی روستای جلیزجند و مزرعه واشی(از توابع شهرستان فیروزکوه) واقع شده است(تصاویر ش ۴-۱۱۳).

بقایای قلعه پشت تندیر در زمینی به طول تقریبی ۳۰۰ متر و عرض متغیر و حداکثر ۱۰۰ متر مشاهده می‌شود که بخش اعظم آن زیر خاک مدفون شده و تنها در قسمت جنوب‌غربی آن بقایای یک برج به قطر دیواره ۱ الی ۱/۳۰ متر و قطر داخلی ۱/۵ متر و در سمت راست (شرق) آن اتاقی به ابعاد ۵×۷ متر(با طراحی نزدیک به بیضوی) مشاهده می‌شود. مصالح مورد استفاده در بنای قلعه، سنگ‌لاشه و ملات گچ و ساروج است.

قطعه سفالینه‌های مکشوفه از محوطه قلعه معرف استقراری از هزاره چهارم ق.م تا اواخر دوره ایلخانی است، امّا بقایای معماری موجود از آثار دوره اسلامی به‌نظر می‌رسد.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۱، صص ۸۵-۲۸۴

قلعه پیرکمر (فیروزکوه)

بقایای این قلعه بر روی صخره سنگی(به ارتفاع حدود ۲۰ متر)، در ۳/۵ کیلومتری ضلع شرقی شهرستان فیروزکوه و سمت راست جاده و راه‌آهن فیروزکوه به مازندران واقع شده است.

بقایای قلعه پیرکمر مشتمل است بر چند پله، فضای اتاق مانند و چند اتاق و برج نگهبانی که با مصالح سنگ و ساروج ساخته شده‌اند. متأسفانه بخش قابل‌توجهی از این آثار در جریان حفاری غیرمجاز از میان رفته و تنها بقایای یک اتاق و برج نگهبانی آن، به ارتفاع حدود ۴۰ سانتی‌متر باقی است. در مجاورت بقایای قلعه، تپه‌ای باستانی قرار گرفته که براساس قطعه سفالینه‌های موجود معرف استقراری از هزاره دوم ق.م تا اواخر دوره صفویه است. قلعه مورد بحث احتمالاً در ارتباط با همین تپه و در دوره اسلامی ساخته شده است.

تپه پیرکمر و بقایای قلعه آن به شماره ۴۴۰۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۱، صص ۵۵-۵۳

قلعه تپه‌گبران / گردان (کرج)

بقایای این بنا بر روی تپه‌ای به ارتفاع ۸۰ متر در شمال روستای هیو (از توابع شهرستان کرج) واقع شده است. تپه گبران که در زبان محلی تپه‌گردان خوانده می‌شود، به جهت اشراف کامل به نواحی پیرامون و سهولت دفاع، موقعیت مناسبی برای ساخت قلعه فراهم کرده است. بر سطح این تپه ویرانه‌های بناهای سنگی و آجری و نیز بقایای حوضچه‌های ذخیره آب دیده می‌شود. مصالح مورد استفاده در این تپه سنگ و آجر(به ابعاد ۵×۳۰×۳۰ سانتیمتر) و ملات گچ و ساروج است. بنا به گفته اهالی روستا، از آجرهای قلعه برای ساخت حمام روستا استفاده کرده‌اند. براساس قطعه سفالینه‌های پراکنده در سطح تپه، قلعه تپه‌گبران در طی قرن‌های ۴ تا ۹ هجری مورد استفاده بوده است.

ابوالقاسم حاتمی

قلعه تلی‌جاره (فیروزکوه)

بقایای این بنا بر فراز یال پیش آمده کوهی که به میان تنگه آمده است، در ۵ کیلومتری جنوب زرین‌دشت و سمت غرب دره‌ای که رودخانه حبله‌رود در آن جریان دارد، واقع شده است. با توجه به اشراف کامل قلعه به کانال ارتباطی طبرستان ـ فلات مرکزی، احتمال دارد از آن برای کنترل و نظارت بر این مسیر استفاده کرده‌اند. این

استفاده حداقل دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار را شامل می‌شود.

قلعه تلی‌جاره در جهت شمال‌غرب ـ جنوب‌شرق ساخته شده و ۱۹×۱۷ متر وسعت دارد و شامل یک دیوار محصورکننده و اتاق‌ها و راهروها و آب‌انبار می‌باشد. مصالح مورد استفاده در بنا سنگ لاشه، ملات ساروج، خشت و گل و اندود گچی است.

بقایای قلعه تلی‌جاره به‌شماره ۴۹۱۲ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: بازوکی. ۱۳۸۱، صص ۴۲-۱۴۱

قلعه تنگ‌گسیل (کرج)

بقایای این بنا برفراز کوهی در تنگ گسیل و بالای تونل جاده چالوس و نزدیک روستای گسیل(از توابع دهستان نساء) و ۵۲ کیلومتری شمال کرج واقع شده است(تصویر ش ۱۱۵).

باتوجه به حفاری‌های غیرمجاز صورت گرفته و گذشت زمان، قلعه تنگ‌گسیل امروزه به ویرانه‌ای تبدیل شده و فقط قسمت‌های بسیار محدودی از دیوارهای آن باقی مانده است. مصالح بکار رفته در قلعه، سنگ، آجر و ملات ساروج است. باتوجه به سفالینه‌های مکشوفه از محل احتمال می‌رود بنا در دوره سلجوقی ـ ایلخانی ساخته شده باشد. قلعه تنگ گسیل ظاهراً همان قلعه «لورا»ست که در متون تاریخی به آن اشاره شده است. سیدظهیرالدین مرعشی در تاریخ گیلان و دیلمستان در مواردی از این قلعه یاد کرده است: «... در محرم اثنی و ثلاثین و ثمانمائه(۸۳۲ هـ.ق) لشکر کوه و گیلان را مهیا ساخته، همراه سپهسالار نامدار محمدبن نوپاشا به‌صوب پشت‌کوه رستمدار روانه ساختند... به پای قلعه لورا رفتند و آن قلعه را به اندک زمان مفتوح ساختند...». همچنین در ضمن وقایع سال ۸۷۱ هجری آورده: «هوشنگ (بن‌ملک بهمن ملک گیوموس بیستون) در غایت بدکرداری با پدر خود در مقام عناد بود... و در قلعه لورا که از قلاع حصین آن دیار است، که در زمان ملاحده(اسماعیلیه) آنرا احداث فرموده، بر آن قلّه کوه از دست مسلمانان ملتجی بودند، متحصن بود و مطلقاً اطاعت کسی نمی‌کرد...».

منوچهر ستوده از این قلعه در سال‌های ۱۳۲۳ و ۱۳۳۸ دیدن کرده و در کتاب «قلاع اسماعیلیه» به بقایای آن اشاره می‌کند؛ برجهای متعدد و بزرگ با روزنه‌های دیده‌بانی، دیوار عظیمی به ارتفاع ۷ متر که دو طرف آن به دو برج توپُر به ارتفاع ۵ و قطر ۲ متر منتهی می‌شده است و آب‌انباری به طول و عرض ۴/۴۰×۴/۳۰ متر و عمقی در همین حدود.

مصالح مورد استفاده در این بنا سنگ و ملات گچ و آجرهائی به ابعاد ۶×۲۵×۲۵ سانتیمتر است.

منابع: حاتمی. ۱۳۸۰، ص ۶۰

ستوده. ۱۳۴۵، صص ۱۳۱-۱۲۹

کریمان. ۱۳۵۶، صص ۹۵-۱۹۴

قلعه خسروان (دماوند)

بقایای این بنا در فاصله ۸۰۰ متری غرب روستای خسروان(از توابع شهرستان دماوند) و در سینه‌کش جنوبی ارتفاعات شمالی حد فاصل میان روستاهای خسروان و آیینه‌ورزان واقع شده است. قدمت این قلعه باتوجه به سفالینه‌های موجود به پیش از اسلام برمی‌گردد که تا دوره تیموری نیز همچنان مورد استفاده بوده است.

بقایای معماری موجود حکایت از گستردگی و وسعت قلعه خسروان در زمان آبادانی می‌کند. به‌نظر می‌رسد این قلعه حداقل ۴ برج و بیش از ۱۵ اتاق و راهروهای جانبی داشته که در جریان حفاری‌های غیرمجاز آسیب دیده‌اند. قلعه خسروان احتمالاً از جمله قلاع استقراری بوده که در مواقع خطر ساکنان محل به آن پناه می‌برده‌اند.

منبع: بازوکی. ۱۳۸۱، صص ۲۰۱-۲۰۰

قلعه دختر شهرستانک (کرج)

بقایای این بنا که نزد اهالی به «قلعه دختر دزد بند شهرستانک» معروف است، برفراز خط‌الرأس کوه شهرستانک و بر بلندترین قلّه آن واقع شده است. طرح معماری بنا به آثار دوره ساسانی می‌ماند اما قطعه سفالینه‌های پراکنده بر سطح قلعه معرف استقراری از دوره ایلخانی و تیموری است(تصویر و نقشه ش ۱۱۸-۱۱۶).

براساس بقایای موجود که شامل پایه‌های سه اتاق و قسمتی از پوشش یک اتاق می‌باشد، می‌توان گفت قلعه دختر شهرستانک بیشتر یک پاسگاه و محل دیده‌بانی بوده و با دیگر قلاع که حصاری مستحکم دارند، متفاوت است. بقایای موجود با قلوه سنگ و ملات ساروج ساخته شده و نمای داخلی آنها گچ اندود شده است. پوشش مورد استفاده در این بنا از نوع طاق گهواره‌ای است.

ابوالقاسم حاتمی

قلعه دختر طالقان

بقایای این بنا در ضلع شمالی قلّه کهار(کاهار بزرگ) و یال کوهی در حد فاصل میان روستاهای گته‌ده و دراپی و در ارتفاع ۷۱۰ متری از کف رودخانه گته‌ده واقع شده است. باتوجه به شواهد موجود به‌نظر می‌رسد بنای اولیه قلعه مربوط به پیش از اسلام باشد که تا قرن ۶ و ۷ هـ.ق همچنان مورد استفاده بوده است.

به جهت صخره‌ای بودن سطح زیرین قلعه، تنها راه دسترسی آسان به قلعه در سمت غربی آن قرار دارد که آنهم با دیوار قطوری مسدود شده است. بنای قلعه دختر طالقان ۱۰×۱۲ متر وسعت دارد و در زمان آبادانی در چهار گوشه آن برجهای مدوری وجود داشته است. امروزه بقایای دو برج مدور و حصار مابین آن دو در ضلع شمال و شمال‌شرقی

برجای مانده است. ضخامت دیوارهای باقی‌مانده حدود ۱/۳۰ تا ۱/۵۰ متر می‌باشد و ارتفاع باقیمانده آن نیز حداکثر به ۵/۵ متر می‌رسد.

از بناهای داخلی بقایای اندکی برجای مانده از جمله حوضچه ذخیره آب که بخشی از عمق آن در صخره کنده شده و بخش فوقانی آن با مصالح سنگ و ملات ساروج بالا آمده است. مصالح مورد استفاده در بنای قلعه، سنگ لاشه و قلوه با ملات ساروج و در برخی نقاط گچ است. در ضلع شرقی قلعه و به فاصله حدود ۲۵۰ متر، بقایای قبرستانی از دوره اسلامی دیده می‌شود.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۰، صص ۷۱-۷۰

قلعه دختر کلاک (کرج)

بقایای این قلعه بر فراز کوه قلعه اسفندیار و شرق روستای کلاک بالا و ۳ کیلومتری شرق کرج واقع شده است. باتوجه به قطعه سفالینه‌های پراکنده در سطح قلعه، بنای آن را می‌توان از آثار دوره سلجوقی ـ ایلخانی داشت(تصویر ش ۱۱۹).

ابوالقاسم حاتمی

قلعه ده‌خیر (ری)

بقایای این بنا در شرق روستای ده‌خیر(از توابع دهستان قلعه نو بخش کهریزک شهرستان ری) و کنار خط راه‌آهن واقع شده و از آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود.

قلعه ده‌خیر با پلان مربع و ابعاد داخلی ۳۰×۳۰ متر ساخته شده و در چهارگوشه آن چهار برج تعبیه شده است. مصالح مورد استفاده خشت‌هایی به ابعاد ۵×۲۱×۲۱ سانتیمتر(و در مواردی ۶×۲۸×۲۸ سانتیمتر) و چینه است. برج شمال‌شرقی قلعه سالمتر باقی مانده است. قطر برج مزبور ۵×۵ متر و ارتفاع کنونی آن از داخل ۴ متر و ضخامت دیوار آن یک متر است. باتوجه به شواهد موجود به‌نظر می‌رسد ورودی قلعه از میانه باروی غربی بوده است.

منبع: پوربخشنده و قدیر افروند. ۱۳۸۱، صص ۸۸-۱۷۸

قلعه رستم سیدآباد (دماوند)

بقایای این قلعه برفراز تپه مرتفعی در سمت چپ دره‌ای که از سیدآباد به طرف شمال امتداد می‌یابد و در ۸۷ کیلومتری جاده تهران ـ فیروزکوه واقع شده و معرف استقراری از دوره سلجوقی تا اواسط دوره قاجار است.

رستم قلعه در جهت شمالی ـ جنوبی، با طرح نزدیک به بیضی ساخته شده که قطر بزرگ آن ۴۴ و قطر کوچک آن ۲۴ متر است. گرداگرد این قلعه را دیواری به قطر ۲ متر و ارتفاع کنونی و متغیر حدود ۳ متر محصور کرده است. این دیوار با سنگ لاشه و ملات گل ساخته شده است. در سطح داخلی قلعه بقایای بناهای چندی مشهود است که بر اثر عوامل متعدد از جمله مصالح نامرغوب و استفاده از گل به عنوان ملات، تخریب شده‌اند.

باتوجه به موقعیت قلعه و اشراف و تسلط آن بر مناطق پیرامون، احتمال دارد از آن به‌عنوان پاسگاه و قلعه دیده‌بانی و نیز پناهگاهی به هنگام خطر، استفاده می‌شده است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۱/۲، صص ۹۳-۱۹۱

قلعه روستای ورونه (دماوند)

بقایای این قلعه برفراز تپه صخره‌ای در مجاورت روستای ورونه، از توابع شهرستان دماوند، واقع شده و قدمت آن باتوجه به سفالینه‌های موجود، حداقل به دوره سلجوقی می‌رسد.

قلعه ورونه در جهت غربی ـ شرقی به طول ۳۷ و عرض متغیر ۶ تا ۹ متر ساخته شده و امروزه از آن بقایای پی دو برج در منتهی‌الیه شرق و غرب قلعه و دیواری به طول ۶ متر در جبهه جنوبی صخره که احتمالاً در سراسر این جبهه کشیده می‌شده، باقی مانده است. مصالح بکار رفته در قلعه سنگ لاشه و ملات گچ است.

قلعه ورونه به‌نظر می‌رسد محل استقرار و پناهگاهی به هنگام خطر بوده و در مواقع دیگر(به جهت اشراف آن به مناطق پیرامون) احتمالاً جهت دیده‌بانی مورد استفاده بوده است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۱/۲، صص ۲۵-۴۲۴

قلعه زروان تنگه (فیروزکوه)

بقایای این بنا برفراز یال کوهی در ضلع شرقی ایستگاه زرین‌دشت و شرق قلعه آتشان و در فاصله ۷۱۰ متری از آن واقع شده و باتوجه به سفالینه‌های موجود احتمالاً از آثار سده‌های نخستین اسلامی و دوره سلجوقی است که در دوره‌های بعد نیز مورد استفاده بوده است.

قلعه زروان بر بالای صخره سنگی که صعود به آن مشکل است، بنا شده و ۳۰×۴۵ متر وسعت دارد. مصالح به کار رفته در آب‌انبار و نمای خارجی بنا، آجرهایی به ابعاد ۴×۲۲×۲۲ سانتیمتر، سنگ لاشه و ملات ساروج است. دیواره‌های داخلی و لایه میانی دیوار پیرامون قلعه از خشت و ملات گل می‌باشد. بقایای موجود در جریان حفریات غیرمجاز آسیب زیادی دیده‌اند. قلعه زروان ظاهراً به‌عنوان پناهگاهی مورد استفاده اهالی منطقه قرار می‌گرفته است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۱/۱، ص ۱۲۳

قلعه زورآباد (احمدآباد دماوند)

بقایای این قلعه در فاصله ۲۳۰۰ متری جنوب روستای احمدآباد (خاک‌تپه) و ۴ کیلومتری جنوب پل دوآب و در وسط دره‌ای که آب

رودخانه‌های فصلی نواحی مختلف دماوند را به ایوانکی می‌رساند، واقع شده است. قدمت قلعه زورآباد باتوجه به قطعه سفالینه‌های پراکنده در سطح قلعه به پیش از اسلام می‌رسد که با بازسازی تا اواخر دوره ایلخانی مورد استفاده بوده است(کروکی ش ۱۲۰).

قلعه زورآباد از خشت و گل ساخته شده و باتوجه به شواهد موجود، به‌نظر می‌رسد در ۳ طبقه یا بخش مجزا با دو دیوار جداکننده برای هر قسمت، احداث شده و در اطراف آن حداقل ۸ برج دفاعی وجود داشته است. احتمالاً بخش اول قلعه محل استقرار عامه یا سربازان و بخش دوم محل استقرار فرماندهان و بخش سوم حاکم‌نشین قلعه بوده است. ارتفاع کل قلعه از زمین‌های اطراف حدود ۲۷ متر و مصالح اصلی آن چینه و در قسمت‌هایی سنگ، خشت و آجر است. کف اتاق‌ها و فضاهای مختلف و به‌خصوص صفه‌ای که قلعه روی آن احداث شده، با شن دانه‌درشت و قلوه سنگ پر شده و این امر در استحکام و ایستایی قلعه نقش مهمی ایفا کرده است.

ارگ یا بالاترین بخش قلعه از استحکام و ثبات ویژه‌ای برخوردار بوده و بخش اعظم آن همچنان پابرجاست، اما به‌علت ریزش سقف و فروریختن بدنه دیوار، امکان مطالعه بخش‌های مختلف آن در شرایط فعلی مقدور نیست. ابعاد ارگ قلعه حدود ۱۰×۱۰ متر و ابعاد کلی بخش دوم قلعه حدود ۱۵×۲۰ متر و ابعاد آن در کف حدود ۳۵×۴۰ متر می‌باشد. به احتمال قریب به یقین حد فاصل میان قلعه و کوه و ارتفاعات طرفین آن دیواری وجود داشته که بر اثر احداث جاده در ضلع غربی و تسطیح و شخم‌زدن زمین در ضلع شرقی، بقایای آن از میان رفته است. باتوجه به موقعیت جغرافیایی قلعه و وضعیت قرارگیری آن در وسط تنگه، احتمالاً کارکردی نظامی و نظارتی داشته و در مواقع خطر پناهگاهی برای ساکنان محل بوده است. در ضلع شرقی قلعه و به فاصله ۷۰ متری آن، در پایین ارتفاعات شرقی مشرف به تنگه و قلعه، بنای مستطیل شکل با گنبدی مخروطی فرو ریخته وجود دارد که با مصالح سنگ و ساروج و گچ ساخته شده است. در خصوص کارکرد این بنا و ارتباط احتمالی آن با قلعه زورآباد اطلاعی در دست نیست.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۱، صص ۴۶-۴۴۳

قلعه سربند / ساکا (لواسان)

بقایای این قلعه در ضلع شمالی روستای افجه و در جبهه جنوب غربی قلل مرتفع ریزان، آتشکده و جنوب مهرچال واقع شده و به گستره وسیعی اشراف دارد. قدمت این قلعه حداقل به قرن‌های ۲ و ۳ اسلامی برمی‌گردد که تا اوایل حکومت صفویه نیز مورد استفاده بوده است.

تنها راه آسان دسترسی به قلعه سربند یا ساکا از مسیر شمال‌شرقی روستای افجه می‌باشد که آنهم نیازمند ۴ ساعت راهپیمایی است. وسعت سطح قلعه و نقاطی که آثار معماری در آن دیده می‌شود، حدود ۳۵۰ متر مربع می‌باشد. در این گستره بقایای دو حوضچه به ابعاد تقریبی ۱/۵×۲ متر، یک دیوار محیطی که بخش‌های زیادی از آن تخریب و بکلی محو شده و در بقیه نقاط تنها پی آن قابل‌رویت است و شواهدی از وجود حداقل چهار اتاق قابل‌ملاحظه است. مصالح مورد استفاده در بنا سنگ لاشه با ملات گچ و ساروج است. از آجر، خشت و گل نیز در این قلعه استفاده شده است.

بقایای قلعه سربند به شماره ۱۰۳۷۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۲، صص ۹۰-۱۸۶

قلعه سرخ سرانزا (فیروزکوه)

بقایای این بنا برفراز تپه‌ای سرخ‌رنگ در مجاورت روستای سرانزا و ۱۶ کیلومتری شرق شهرستان فیروزکوه و سمت راست جاده فیروزکوه ـ سمنان واقع شده است(نقشه و تصویر ش ۲۴-۱۲۱).

طبق شواهد موجود قلعه سرخ سرانزا دارای ۸ برج دفاعی بوده و در سه طبقه یا سطح ساخته شده است. بالاترین طبقه آن دارای فضاهایی جهت دیده‌بانی و طبقه دوم دارای اتاق‌ها و فضاها و راهروهایی است که برخی از آنها به برجهای پیرامون راه پیدا می‌کرده‌اند. طبقه اول به صورت زیرزمین بوده و شامل اتاق‌های متعددی است که توسط دالان‌هایی با یکدیگر ارتباط داشته‌اند. مصالح مورد استفاده در قلعه خشت خام و چینه است و وسعت کلی آن حدود ۲۰۰ متر مربع می‌باشد.

در بلندترین نقطه قلعه برج قرمز رنگ مدوری است که در دو طبقه جهت دیده‌بانی ساخته شده است. سطح این برج تا کف تپه در حدود ۳۰ متر ارتفاع دارد. بنای قلعه در سال‌های اخیر از طرف سازمان میراث فرهنگی مورد مطالعه و مرمت قرارگرفته و به شماره ۲۹۳۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۱/۱، صص ۷۴-۷۲

قلعه سردره (فیروزکوه)

بقایای این بنا در ضلع شرقی زرین‌دشت و حدفاصل آن با روستای ارجنه و در شرق تنگه زروان و نقطه‌ای که اهالی ارجنه به آن سردره می‌گویند، واقع شده است. قدمت این قلعه به قرن ۴ و ۵ هجری برمی‌گردد.

قلعه سردره از وسعت کمی برخوردار است و از این‌رو شاید بتوان آن را تنها یک برج دیده‌بانی دانست که تردد از تنگه صعب‌العبور زروان را تحت‌نظارت داشته است. این قلعه شامل اتاقی به ابعاد ۴/۶ متر و دو دیوار قطور در شرق و غرب آن است که با مصالح سنگ و ساروج و

خشت و گل بنا شده و حدود ۱/۵متر از ارتفاع دیوارهای آن باقی مانده است.

در قسمت جنوب‌شرقی این قلعه و جنوب روستای ارجنه، قلعه دیگری قرار دارد که وسعت و گستره آن از قلعه سردره بیشتر است و به «قلعه ارجنه» معروف است. این قلعه احتمالاً محل استقرار اهالی روستا به هنگام خطر بوده است و احتمال می‌رود با قلعه سردره همزمان باشد.

منبع: پازوکی، ۱۳۸۱/۱، ص ۱۲۴

قلعه شُگران (طالقان)

بقایای این قلعه در یک کیلومتری شمال روستای شُگران و برفراز قلّه مرتفع و منفردی واقع شده و براساس سفالینه‌های موجود معرف استقراری از قرن دوم تا نهم هجری است.

دسترسی به قلعه از جبهه غربی آن میسر است. به‌نظر می‌رسد این بخش از قلعه دو دروازه داشته و بقایای برجهای قلعه در این بخش به‌هم نزدیک‌تر است. قلعه شُگران به تبعیت از شکل کوه در جهت شرقی ـ غربی و به طول و عرض ۱۵×۵۵ متر بنا شده و دارای حصاری با ۶ برج است. این برج‌ها در نقاطی که ضرورت داشته قرار گرفته‌اند. بخش‌های زیادی از برج و باروی قلعه ویران شده و امروزه قسمت‌هایی از آن در اضلاع غربی و جنوبی با ارتفاعی از نیم تا ۳ متر برجای مانده است. مصالح مورد استفاده در قلعه سنگ لاشه و ملات و گچ است. آب مصرفی قلعه‌نشینان از طریق تنبوشه‌هایی از چشمه‌های ارتفاعات غربی تأمین می‌شده است.

منبع: پازوکی، ۱۳۸۰، صص ۵۱-۲۵۰

قلعه سیاه‌ده (فیروزکوه)

بقایای این بنا برفراز صخره سنگی منفردی در ۲۵۰ متری شرق روستای سیاه‌ده و ۶کیلومتری جاده فیروزکوه به طرف سمنان و سمت چپ آن واقع شده و با توجه به سفالینه‌های موجود معرف استقراری از دوره سلجوقی تا اواخر دوره صفویه است.

با توجه به قرار داشتن این قلعه بر سر راه ارتباطی فیروزکوه به نواحی مرکزی و قومس، احتمال می‌توان داد پاسگاهی دیده‌بانی و استحفاظی در ارتباط با این مسیر بوده است. حصار قلعه و بناهای داخلی آن از خشت و گل ساخته شده اما در زیر این سازه‌ها، ساختمان‌های دیگری وجود دارد که با سنگ لاشه و ملات ساروج ساخته شده‌اند. طول این قلعه از شرق به غرب ۶۷ متر و عرض آن ۲۵ متر می‌باشد. در سطح قلعه بقایای راهرویی شرقی ـ غربی با اتاق‌ها و فضاهای دیده‌بانی و حداقل ۳ آب‌انبار که با ملات ساروج چندین‌بار عایق‌کاری شده‌اند، قابل مشاهده است.

منبع: پازوکی، ۱۳۸۱/۱، صص ۶۵/۶۶

قلعه شاه‌چشمه‌گدوک (فیروزکوه)

بقایای این بنا برفراز تپه‌سنگی منفردی در دامنه‌های شمالی ارتفاعات «باهورده» و ۱۱۰۰ متری جنوب‌شرقی کاروانسرای گدوک واقع شده و باتوجه به سفالینه‌های موجود معرف استقراری از قرن ۴ تا ۶ هجری می‌باشد.

آثار معماری موجود که با سنگ لاشه، آجر و ملات ساروج ساخته شده‌اند، نشانگر وجود اتاقها و راهروهای متعدد در سطح قلعه است که بر اثر حفاری‌های غیرمجاز ترکیب اصلی آنها به‌هم خورده است. باتوجه به موقعیت این مکان و اشراف کامل آن بر گدوک و جاده باستانی فیروزکوه ـ مازندران، می‌توان این قلعه را پاسگاهی دیده‌بانی دانست، در جانب شرقی قلعه بقایای سه برج دیده می‌شود. قلعه شاه چشمه‌گدوک ظاهراً درگذشته به نام‌های «قلعه اولاد» و «دیو سفید» نیز خوانده می‌شده است.

منابع: پازوکی، ۱۳۸۱/۱، صص ۶۴-۶۳

ستوده، ۱۳۶۶، صص ۲۸-۴۲۷

قلعه شاهدز (کرج)

بقایای این قلعه بر روی ارتفاعات شهرستان کرج واقع شده و احتمالاً از جمله قلعه‌هایی است که در قرن ۵ تا ۷ هجری مورد استفاده پیروان فرقه اسماعیلیه قرار داشته است.

امروزه از بنای قلعه شاهدز آثار اندکی برجای مانده که مشتمل است بر حوضچه‌های ذخیره آب و ویرانه بناهای مختلفی که بر سطح کوه پراکنده‌اند. با توجه به ویرانی زیاد این قلعه از نقشه و برج و باروی آن اطلاع چندانی در دست نیست.

منبع: ستوده، ۱۳۴۵، صص ۳۵-۱۳۴

قلعه صمصام (کرج)

این بنا در مدخل ورودی شهر کرج و ضلع غربی جاده کرج ـ چالوس واقع شده و از آثار دوره قاجاریه محسوب می‌شود (نقشه و تصویر ش ۲۶-۱۲۵).

قلعه صمصام با نقشه مستطیل شکل در مساحتی حدود ۱۱۲۲ متر مربع ساخته شده و مشتمل بر یک صحن مرکزی و تعدادی اتاق مخروبه (که بعدها به بنای اصلی الحاق شده‌اند) و چهار برج در چهارگوشه بنا می‌باشد. از این برجها تنها دو برج ضلع شمالی سالم برجای مانده است. مصالح بکار رفته در قلعه صمصام سنگ، آجر و ملات ساروج است.

این بنا به شماره ۲۲۴۵ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

ابوالقاسم حاتمی

قلعه طبرک / رشکان (ری)

این قلعه که امروزه آثار اندکی از آن برجای مانده، سابق بر این بر بالای کوه نقارخانه یا طبرک قدیم و مقابل ضلع جنوبی کارخانه سیمان ری واقع بوده و از مهم‌ترین بناهای تاریخی ری قدیم محسوب می‌شده است. قلعه طبرک در دوره آل‌بویه، غزنویان و سلجوقیان از جایگاه خاصی برخوردار بوده است.

تعدادی از متون تاریخی بانی قلعه طبرک را خلیفه عباسی‌المهدی (سده سوم هجری) ذکر کرده‌اند، امّا بیشتر آنها رافع‌بن‌هرثمه را سازنده اصلی قلعه و سال ۲۷۸ هـ ق را تاریخ بنای آن را دانسته‌اند. همچنین بنای قلعه طبرک به فخرالدوله‌بن رکن‌الدوله دیلمی (۳۸۷-۳۶۶ هـ‌ق) نیز منسوب است. قلعه‌ای که وی ساخته بود به فخرآباد نیز شهرت داشت و در روزگار سلجوقیان به آن دژ اشکان یا رشکان می‌گفتند. وجود روایت‌های مختلف احتمالاً ناشی از بازسازی‌های متعددی است که در این قلعه صورت گرفته است. در سده‌های نخستین اسلامی کمتر روایتی از ری داریم که در آن به نام قلعه طبرک که حاکم‌نشین ری و متصل به باروی آن بوده، اشاره نشده باشد. این قلعه در سال ۵۸۸ هـ ق توسط طغرل‌بن‌ارسلان‌بن طغرل سلجوقی ویران گردید و بعد از آن هیچگاه بازسازی و مورد استفاده مجدد قرار نگرفت.

منابع: عربان. ۱۳۷۴، صص ۳۰۹-۳۰۵

قدیانی. ۱۳۷۹، صص ۴۹-۱۴۷

کاتب. ۱۳۴۷، ص ۲۴۰

کریمان. ۱۳۵۰، صص ۵۸-۱۱۶

کریمی. ۱۳۲۸، ص ۱۵۵

قلعه فالیس (طالقان)

بقایای این بنا بر فراز تپه بلندی در ۲۱ کیلومتری غرب شهرک (مرکز طالقان) و حد فاصل روستاهای شهرانسر و روشنابه‌در واقع شده و براساس شواهد موجود معرف استقراری از قرن ۸ و ۹ هجری است. رودخانه شاهرود این تپه را تقریباً به‌طور کامل دور می‌زند و تپه تنها از سمت جنوب و از طریق تپه ماهورهایی به ارتفاعات جنوبی طالقان متصل می‌شود. سطح قلعه محوطه مسطحی به طول و عرض ۵×۳۵ متر است که در جهت شمال‌شرقی ـ جنوب‌غربی کشیده شده است. از شواهد موجود برمی‌آید که قلعه دارای دو دیوار محیطی بوده که یکی از آن‌ها در بالای صخره دامنه تپه و دیگری در فاصله ۱۰ متر مانده به سطح قلعه احداث شده بودند. در میانه حصار داخلی ساختمان‌های قلعه ساخته شده بودند که امروزه تماماً به صورت ویرانه‌ای درآمده‌اند. مصالح مورد استفاده در ساخت قلعه، سنگ‌های رودخانه‌ای و ملات گچ بوده و برای روکش دیوارها از اندودگلی قرمز رنگ که خاک آن در منطقه وجود دارد، استفاده شده است.

در ضلع جنوبی قلعه فالیس و به فاصله حدود ۲۵۰ متری آن بقایای قبرستانی از دوره اسلامی وجود دارد که احتمالاً در ارتباط با قلعه قرار داشته است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۰، صص ۶۰-۴۵۹

قلعه فیروزکوه

بقایای این بنا بر بالای کوه منفردی در مرکز شهر فیروزکوه واقع شده و ظاهراً بنای اولیه آن از ساخته‌های دوره ساسانی است که تا دوره صفوی همچنان مورد استفاده بوده و از قلاع مهم منطقه به شمار می‌آمده است (تصاویر ش ۲۸-۱۲۷).

با توجه به نام «فیروزکوه» و نیز روایت‌های تاریخی به‌نظر می‌رسد بنای اولیه قلعه فیروزکوه در دوره ساسانی و پادشاهی فیروز صورت گرفته و در دوره اسلامی بازسازی و تعمیر شده و الحاقاتی بدان افزوده شده است. در متون تاریخی و در ضمن حوادث قرن‌های ۶ و ۷ هجری از این قلعه که در آن زمان در دست حاکمی از طبرستان و مازندران قرار داشت، چندین‌بار نام برده شده است. در دوره ایلخانیان نیز قلعه فیروزکوه از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. در دوره تیمورلنگ قلعه مدتی در دست اسکندر شیخی بود و در حدود سال ۷۸۸ هجری نامبرده بر تیمور یاغی شده و مدتی را در این قلعه و استحکامات دیگر منطقه، در برابر لشکریان تیمور مقاومت می‌نماید. امیر تیمور در نهم ذیقعده سال ۷۸۸ هجری برای فتح قلعه به این محل آمد و اقدام به جنگ و محاصره قلعه نمود. ساکنان قلعه طلب عفو نموده و ظاهراً امیر از جرایم آنها گذشت و به نقطه دیگرشان کوچ داد و اینگونه در همان ماه قلعه فتح شد. تیمور بعد از این فتح کوتوالی قلعه را به امیر زنگی تونی واگذار نمود.

در حدود سال ۹۰۹ هجری قلعه فیروزکوه از قلعه‌های امیرحسین کیای چلاوی محسوب می‌شد و کوتوالی آن را امیرعلی کیای ضماندار برعهده داشت. شاه اسماعیل صفوی در این زمان قلعه را به تصرف خود در آورد و ظاهراً ویرانی قلعه نیز در همین زمان صورت گرفته است.

کلاویخو سیاح اروپائی که در دوره تیموری از منطقه دیدن کرده در ارتباط با قلعه فیروزکوه می‌نویسد: «گویند فیروزکوه چنان نیرومند بود که هیچکس نمی‌توانست آن را در صورتی که پادگان کافی در آن موجود می‌بود، به حمله بگیرد. چون حصار بر نوک کوهی است مشرف بر دشتی که این کوه را از کوه‌های دیگر به کلی مجزا می‌کند. در پای حصار، در کنار دشت دیواری است که گرداگرد آبادی فیروزکوه را گرفته است و از آنجا دفاع می‌کنند. و بالاتر از این دیوار، دیوار دیگری به موازات آن کشیده شده است و بالاتر هم دیوار دیگری است به موازات دو دیوار اول که همانا دیوار دژ اصلی است. در میان دو دیوار اخیر خانه‌های آبادی واقع است. برفراز این‌ها سنگرها و استحکامات دژ

مرکزی قرار دارد با دیوار محکم و برجهای استوار و بسیار. به این طریق با آنکه فیروزکوه داخل یک دژ است، سه حصار دارد که یکی برفراز دیگری است، و نیز در دژ مزبور چشمه زلالی است که اهالی آنجا را کفایت می‌کند و حال آنکه از پایین حصار هم رودخانه‌ای می‌گذرد که بر روی آن پل‌های متحرک وجود دارد که برای دست یافتن به حصار اول باید از آنها گذشت». توصیف دیگری از قلعه فیروزکوه در دوره قاجار توسط صنیع‌الدوله صورت گرفته و در «مطلع‌الشمس» آمده است.

بخش زیادی از تأسیساتی که کلاویخو از آنها یاد کرده امروزه از میان رفته‌اند. کوهی که قلعه بر بالای آن قرار گرفته به صورت منفرد در مرکز شهر فیروزآباد قرار دارد و سه ضلع شمالی، جنوبی و غربی آن بدون استفاده از وسایل کوهنوردی غیرقابل صعود است. ضلع شرقی کوه که دارای شیب ۳۵ تا ۵۰ درجه می‌باشد، قابل صعود بوده و دسترسی اصلی قلعه را تشکیل می‌دهد. براساس اسناد و مدارک معتبر تاریخی و نیز بقایای معماری موجود، قلعه فیروزکوه شامل ۳ بخش مجزا با کاربردهای خاص بوده است. بخش اول که شامل دامنه کوه و قسمت‌هایی از زمین‌های اطراف بوده و با حصاری محصور می‌شده، شهر قدیم فیروزکوه را تشکیل می‌داده و تأسیسات عمومی و خانه‌های اهالی شهر در آنجا بوده است. امروزه در این بخش ساختمان‌های مسکونی جدیدی ساخته شده است. بخش دوم قلعه که دربرگیرنده تعدادی خانه است، تا میانه بدنه کوه امتداد داشته و بقایای دیوارهای خشتی، چند برج و جرزهای طرفین دروازه‌های بزرگ انتهای آن را به‌نحوی مشخص می‌کند. در این بخش بقایای آب‌انبار و چاه آبی وجود دارد.

بخش سوم قلعه از پشت دروازه و دیوار عظیم و قطور انتهای بخش دوم آغاز و تا نوک کوه امتداد می‌یافت. این قسمت محل استقرار و زندگی فرماندهان سپاه و رؤسای گروهها بوده و برج‌های نگهبانی مستحکم و دیوار قطوری داشته است. در بالاترین قسمت کوه ارگ حکومتی قرار داشته که با توجه به بقایای موجود از استحکام و اهمیت زیادی برخوردار بوده است. مصالح بکار رفته در قلعه فیروزکوه خشت و گل در خانه‌ها و سنگ لاشه و ملات ساروج و گچ برای برج و بارو بوده است.

بقایای قلعه فیروزکوه به شماره ۳۸۳۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: بازوکی. ۱/۱۳۸۱، صص ۴۱-۴۰

بازوکی. ۲/۱۳۸۱، صص ۱۸۰-۱۶۶

صنیع‌الدوله. ۱۳۶۶. ج ۲ و ۳، صص ۱۰۱۵-۱۰۱۴

قلعه قاسم‌آباد (ورامین)

بقایای ویرانه این قلعه درکنار جاده آسفالته ورامین به چرمشهر و ۲ کیلومتری ورامین واقع شده و باتوجه به سفالینه‌های مکشوفه از سطح آن، به‌نظر می‌رسد از ساخته‌های قرن ۷ و ۸ هجری بوده باشد.

قلعه قاسم‌آباد حدود ۲ هکتار مساحت داشته و به علت احداث جاده ورامین به چرمشهر بخشی از آن از میان رفته است. بنای قلعه با خشت و گل ساخته شده و اندازه خشت‌های آن ۵×۳۰×۳۰ و یا ۵×۳۲×۳۲ سانتیمتر است. بناهای داخلی قلعه امروزه به پشته‌های خاک تبدیل شده‌اند.

منبع: مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی استان تهران

قلعه قُل‌دوش لزور (فیروزکوه)

بقایای این بنا در ارتفاعات شمال غرب روستای لزور(از توابع شهرستان فیروزکوه) و شمال امامزاده خوشنام و برفراز صخره سمت راست تنگه‌ای که آب روستای لزور از آنجا تأمین می‌شود، واقع شده و احتمالاً از آثار قرن ۵ و ۶ هجری است.

قلعه قُل‌دوش دارای پلان مربع به ابعاد هر ضلع ۱۸/۵ متر می‌باشد و در چهار گوشه آن برجهایی تعبیه شده است. در فضای داخلی این قلعه چند اتاق، راهرو و انباری وجود داشته که بخش اعظم آنها ویران شده و تنها دیوار گرداگرد قلعه به ارتفاع کنونی ۱/۵ و ضخامت ۱/۳۰ متر باقی مانده است. مصالح مورد استفاده در بنا سنگ لاشه و ملات و گچ و گل می‌باشد. متأسفانه این قلعه در اثر حفاری‌های غیرمجاز آسیب دیده است.

بقایای قلعه قُل‌دوش لزور به شماره ۶۳۳۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: بازوکی. ۱/۱۳۸۱، ص ۲۵۶

قلعه کامین / سرخ (ری)

بقایای این قلعه در یک کیلومتری جنوب شرقی روستای حکیم‌آباد (از توابع دهستان وهن‌آباد بخش فشاپویه شهرستان ری) و حدود یکصدمتری سمت چپ بزرگراه تهران ـ قم واقع شده و از آثار دوره اسلامی به شمار می‌آید.

قلعه کامین با نقشه مربع به ابعاد ۵۰×۵۰ متر ساخته شده و دارای بارویی از خشت و چینه و برج‌هایی در گوشه‌ها می‌باشد. ضخامت بخش چینه‌ای دیوار ۱/۵ متر است که در بعضی قسمت‌ها این مقدار افزایش می‌یابد. در بخش‌هائیکه از چینه استفاده بیشتری شده، در حد فاصل هر ردیف چینه یک‌رج خشت(به ابعاد هر خشت ۱۰×۴۰×۴۰ سانتیمتر) بکار رفته است. برجهای چهارگانه بنا با خشت ساخته است.

منبع: پوربخشنده. ۱۳۸۱، صص ۶۴-۱۵۹

قلعه‌کهنک / شیرخشت قلعه (دماوند)

بقایای این قلعه در مرتفع‌ترین نقطه ارتفاعات واقع در ۲ کیلومتری شمال روستای کهنک(از توابع شهرستان دماوند) ساخته شده و با توجه به سفالینه‌های مکشوفه از آثار قرن ۵ و ۶ هجری به‌شمار می‌آید.

قلعه کهنک یا شیرخشت قلعه در موقعیتی قرار گرفته که اشراف بسیار مناسبی به مناطق پیرامون دارد. بنای مزبور به ابعاد ۴×۱۰ متر(در ضلع شمالی پهنای آن به ۳ متر کاهش می‌یابد)، با مصالح سنگ لاشه و ملات گچ و ساروج ساخته شده و از استحکام خوبی برخوردار است. از آنجا که شیرخشت قلعه فاقد تأسیسات و الحاقات قلاع مسکونی است، احتمالاً از آن به‌عنوان قلعه دیده‌بانی استفاده می‌شده است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۱/۳، صص ۱۶۲/۶۳

قلعه‌کهنه‌دیر (فیروزکوه)

بقایای این قلعه برفراز تپه‌ای سنگی و در نزدیکی تنگه‌ای باریک و ۲ کیلومتری روستای پیرده و حدفاصل این روستا با روستای دره‌ده، واقع شده و از آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود. بر بالای تپه‌مذکور، بقایای قلعه‌ای مشاهده می‌شود که با چینه و خشت ساخته شده است. بخش عمده بناهای این قلعه از میان رفته است. بقایای موجود به شماره ۳۸۳۵ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۱/۱، ص ۱۰۰

قلعه‌کیقباد (طالقان)

بقایای این بنا بر فراز بلندترین نقطه ارتفاعات شمال‌غربی‌روستای هرنج و شمال روستای حسنجون واقع شده و ظاهراً از جمله قلاعی است که در قرن ۵ تا ۷ هجری مورد استفاده پیروان فرقه اسماعیلیه قرار داشته است.

قلعه کیقباد اشراف خوبی به مناطق پیرامون دارد و از طرف دیگر دسترسی به آن با دشواری بسیار همراه است. این قلعه برفراز انتها و تقاطع دو یال کوه احداث شده است. حد فاصل این دو یال که شبیه عدد ۸ است، با احداث دیواری مسدود شده و بناهای قلعه بر رأس آن قرار گرفته است. در صخره زیرین قلعه چند حوضچه ذخیره آب و نیز حفره‌هایی برای استقرار کنده شده است.

بر بالای یال شرقی کوه که ضلع شرقی قلعه محسوب می‌شود، بقایای ۳ برج عظیم و در زیر آنها حفره‌های کنده شده در صخره، برجای مانده است. دیوار پیرامونی قلعه به‌جز در لابلای صخره‌ها که کمتر در معرض فرسایش بوده، تماماً تخریب شده است. بقایای موجود نشان می‌دهد که حصار با مصالح سنگ لاشه و ملات گچ و گل بنا شده است. در محوطه قلعه قطعات سفالینه‌هایی از قرن ۴ و ۵ هجری و دوره سلجوقی پراکنده است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۰، صص ۵۸-۳۵۷

قلعه‌کیقباد (میگون)

بقایای این بنا در ضلع جنوبی تنگه‌ای که راه میگون به شمشک از آن عبور می‌کند و جبهه شرقی تنگه‌ای که «هملون» نامیده می‌شود و بر بالای صخره‌های سنگی مشرف به تنگه هملون و تنگه اصلی ارتباطی شمشک به میگون واقع شده است. باتوجه به شواهد موجود به‌نظر می‌رسد قلعه کیقباد در قرن ۴ و ۵ هجری ساخته شده و تا دوره قاجار مورد استفاده بوده است.

از بنای قلعه کیقباد امروزه آثار قابل‌توجهی برجای نمانده با این حال و باتوجه به شواهد موجود دو قسمت مجزا داشته است. قسمت اول سطح قلعه است که در آن آثاری از معماری سنگی و گلی دیده می‌شود و بر اثر حفاری‌های غیرمجاز کاملاً مخدوش شده و قسمت دوم فضاهای غار مانند، سه طبقه و دست‌ساخته‌ای که در زیر فضای اصلی قلعه قرار گرفته‌اند.

بقایای قلعه کیقباد به شماره ۱۰۴۰۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۲، ص ۹۲-۳۹۰

قلعه‌گبری (دهگردان)

بقایای این قلعه که به «قلعه عمر» نیز شهرت دارد، در منتهی‌الیه جنوب روستای دهگردان زرین‌دشت(از توابع شهرستان فیروزکوه) و آن سوی تنگه یا دره وَرُنه واقع شده و قدمت آن به قرن ۵ و ۶ هجری برمی‌گردد.

قلعه گبری دهگردان از وسعت کمی برخوردار است لیکن تنوع سفالینه‌های موجود نشان می‌دهد که از اهمیت زیادی برخوردار بوده و در دوره‌های سلجوقی، ایلخانی و تیموری رونق زیاد داشته است. امروزه از بناهای قلعه در جهت شرقی و غربی دیواره‌هایی باقی مانده که در ساخت آنها از سنگ لاشه و ملات ساروج و خشت و گل استفاده شده است. متأسفانه بخش عمده بنای قلعه و محوطه آن در جریان حفاری‌های قاچاق تخریب شده است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۱/۱، ص ۱۴۱

قلعه‌گبری (شهرری)

بقایای این بنا در حد جنوب‌شرقی ری قدیم و شرق بقعه حضرت عبدالعظیم، در شهرک علایین و تقاطع خیابان‌های میثم و سلمان‌فارسی قرار دارد. درخصوص تاریخ دقیق ساخت بنا اطلاعی در دست نیست و ظاهراً همراه باروی ری در سده‌های نخستین اسلامی بنا شده است. در کتب تعدادی از جغرافیانویسان و تاریخ‌نگاران، بنای باروی ری(و بنای

قلعه گبری که متصل به آن است) به دوران خلیفه‌عباسی المهدی (سده سوم هجری) نسبت داده شده است. البته این بارو در دوره‌های بعد چندین بار تعمیر و مرمت شده است. از طرف دیگر باتوجه به رونق و اهمیت ری در دوره اشکانی و ساسانی، احتمال دارد بنای اولیه برج و باروی شهر ری مربوط به این دوره‌ها باشد که در دوره اسلامی بازسازی و مرمت شده است. داده‌های باستان‌شناسی به‌دست آمده از باروی ری باستان که شامل سفالینه‌های متعلق به دوره آل‌بویه و سلجوقی هستند، نشان می‌دهد بارو و قلعه به احتمال زیاد در دوره آل‌بویه ساخته شده است.

کرپرتر، سیاح انگلیسی که در سال ۱۸۲۱ میلادی تصویر با ارزشی از ری تهیه کرده و در آن به قلعه‌های متعدد، دروازه‌ها و باروی شهر اشاره شده، از قلعه گبری به‌نام دژ محکم جنوب‌شرقی ری یاد کرده است.

قلعه گبری، بنایی دفاعی و نظامی است که در گوشه جنوب‌شرقی باروی ری باستان قرار دارد. دیوار شرقی بارو در سمت شرق این قلعه بین برج اول و دوم به قلعه متصل بوده و دیوار جنوبی باروی ری از بین برج اول و دوم دیوار غربی قلعه گبری به سمت غرب امتداد داشته است. این قلعه همچنین بر سر جاده ورامین و مسلط بر جبهه جنوبی و شرقی شهر بوده و دروازه جنوبی شهر را حفاظت می‌کرده است.

قلعه گبری با پلان مربع نزدیک به ذوذنقه ساخته شده و فضای داخلی آن حدود ۲ هکتار وسعت دارد. اندازه اضلاع بیرونی قلعه با احتساب برجها ۱۶۵×۱۸۷ متر و ابعاد داخلی آن ۱۳۶×۱۴۸ متر می‌باشد. در هر ضلع بنا چهار برج دفاعی و مدور ساخته شده که برجهای زوایا از وسعت بیشتری برخوردارند. محیط برجهای اخیر حدود ۲۸ متر و قطر آنها ۱۴ متر است. قطر برجهای دیگر نیز ۷/۵ متر است. فاصله این برجها از یکدیگر به ۵۰ متر می‌رسد. ضخامت حصار قلعه حدود ۱۰ متر است و طبق بازسازی ولفرام کلایس(نقشه ش ۱۲۹)، ارتفاع دیوارها از خارج ۱۹ متر و از داخل ۱۷ متر بوده است. بلندترین نقطه باقیمانده دیوار در قسمت شمالی است و حدود ۱۳ متر ارتفاع دارد. پیرامون قلعه در بیرون گودتر بوده و به‌نظر می‌رسد مانند بیشتر قلعه‌های نظامی و جلگه‌ای، خندقی آن را احاطه می‌کرده است.

در ساخت قلعه گبری از چینه‌های قطور و پهن به ضخامت ۶۰-۵۰ سانتیمتر و با ساختار شن، ماسه و گل استفاده کرده‌اند و بین آنها ملات نازکی از گل قرار داده‌اند. با افزایش ارتفاع دیوار از ضخامت چینه‌ها کاسته شده و جهت ایستائی بیشتر دیوار، در ارتفاع بالا ردیفی از خشت‌های قالب‌زده به ابعاد ۱۰×۴۰×۴۰ سانتیمتر استفاده شده است. چگونگی قرار گرفتن چینه و خشت در سمت داخلی دیوار شمالی از پایین به بالا شامل هفت ردیف چینه یک ردیف خشت، دو ردیف چینه و بین آنها یک ردیف خشت و چهار ردیف چینه تا بالای دیوار می‌باشد. بین خشت‌ها ملاتی از گل به ضخامت حدود ۲ سانتیمتر قرار داده‌اند. بالای این دیوار امکان راه رفتن و دیده‌بانی نگهبانان وجود داشته و احتمالاً در این بخش جان‌پناهی بوده که از میان رفته است.

درگاه ورودی فعلی قلعه در ضلع شرقی و بین برجهای دوم و سوم قرار دارد و دو طرف آن، دیوار آجری جدیدی ساخته‌اند. درگاه مزبور، ورودی اصلی قلعه به شمار نمی‌رود. عکس هوائی قلعه نشان می‌دهد که در تمام سطوح داخلی قلعه آثار معماری بوده و کاوش‌های صورت گرفته نیز این موضوع را تأیید می‌کند. در حال حاضر این سطوح تاکنار درگاه شرقی با خاک دستی و شن و ماسه پر شده و سطوح مسطحی را بوجود آورده است. در سه ضلع دیگر قلعه گبری(غرب، شمال و جنوب) و در فرورفتگی‌های بین فضای میانی و دیوارهای قلعه آثار و بقایای دیوارهای چینه‌ای برجای مانده که مربوط به واحدهای ساختمانی و تأسیسات قلعه بوده است. در اطراف محوطه میانی قلعه گبری نیز آثار جرزهای ضخیم چینه‌ای دیده می‌شود که به‌نظر می‌رسد مربوط به حصار داخلی قلعه که بخش‌های مهم آن را دربرمی‌گرفته، بوده است.

بنای قلعه گبری در سالهای اخیر به انبار مرکزی آستانه حضرت عبدالعظیم تبدیل شده است. بقایای این قلعه به شماره ۱۹۸۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی استان تهران

قلعه‌گذرخانی (زرین‌دشت)

بقایای این بنا برفراز جبهه شرقی صخره‌ای مرتفع در ۹ کیلومتری جنوب‌غربی زرین‌دشت(از توابع شهرستان فیروزکوه) واقع شده و از قلاع بزرگ و مهم منطقه می‌باشد. بنای اولیه قلعه گذرخانی مربوط به دوره ساسانی است که با بازسازی تا قرن ۷ و ۸ هجری مورد استفاده بوده است. این احتمال نیز وجود دارد که قلعه گذرخانی همان قلعه استوناوند معروف و مذکور در کتب تاریخی باشد(قلعه استوناوند معرفی شده در استان سمنان و شهرستان گرمسار).

بقایای قلعه گذرخانی در حال حاضر شامل چند قسمت مجزا می‌باشد که به احتمال قریب به یقین در گذشته‌های دور به یکدیگر متصل بوده‌اند اما گذشت زمان و سستی صخره رسوبی و عوامل دیگر موجب تخریب و گسستگی بخش‌های مختلف آن شده است. بخش‌های کنونی عبارتند از:

۱) بخش عمومی قلعه که بر یال یکی از شاخه‌های کوه به طرف شمال‌شرق کشیده شده و در پایین‌ترین قسمت آن بقایای چند اتاق دیده می‌شود و در بالاتر از آن برجی وجود دارد که تنها آثار اندکی از آن باقی مانده و پس از آن سطح قلعه گسترش یافته و به طرف جنوب و غرب و بالای کوه کشیده می‌شود. در این قسمت آثار ۳ آب‌انبار، چندین اتاق و

بقایای معماری صخره‌ای و گودال‌های ذخیره آذوقه دیده می‌شود. به احتمال زیاد این بخش از قلعه محل استقرار مردم عادی بوده است.

۲)بخش میانی با وسعتی کمتر در سمت جنوب قلعه قرار دارد و دسترسی به آن بسیار مشکل‌تر از بخش قبلی است. این بخش مشتمل بر بقایای آب‌انبار، چندین اتاق و دو دیوار قطور در گرداگرد آن است. این قسمت از استحکام بسیاری برخوردار است و امروزه کمتر کسی بدون وسایل کوهنوردی از دیواره آن می‌تواند صعود کند. این بخش از قلعه محل استقرار فرماندهان و محافظین قلعه بوده است.

۳) بخش فوقانی یا ارگ قلعه در بالاترین نقطه کوه قرار دارد و ورود به آنجا بسیار دشوار است و تنها کوهنوردان قادر به صعود از دیواره آن می‌باشند. این بخش سابق بر این وسعت بیشتری داشته است. از بالای این قسمت و محل استقرار حاکم، تمامی منطقه و راه‌های ارتباطی آن، به شعاع ۱۰ کیلومتر زیر دید مستقیم قرار داشته است.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۱/۱، صص ۵۴-۱۵۱

قلعه گل‌خندان (بومهن)

بقایای این بنا در وسط روستایی به همین نام (از توابع بومهن) و ۸ کیلومتری جنوب راه آسفالته رودهن به تهران قرار گرفته است. در محوطه قلعه سفال‌های متنوعی از دوران ساسانی تا قرن ۱۰ هجری پراکنده شده است. بر همین اساس می‌توان بنای اولیه قلعه گل‌خندان را از دوره ساسانی دانست که در دوره اسلامی با بازسازی مورد استفاده مجدد قرار گرفته است.

قلعه گل‌خندان بر بالای پشته‌ای عظیم که مشرف به‌محل تلاقی دو رودخانه رودهن و بومهن و دره‌ای سرسبز می‌باشد، واقع شده است. حصاری عظیم از قلوه‌سنگ‌های درشت، دورتادور بنای مستطیلی شکل قلعه را فراگرفته و در چهارگوشه این حصار چهار برج توپر مدور به‌منظور دفاع و استحکام بیشتر ایجاد کرده‌اند. برآمدگی شمالی بنا که دنباله سنگی آن تا محوطه روستا کشیده شده، به‌منزله مدخل قلعه بوده است. سنگچینی حصار از پایین پشته که قلعه بر آن قرار گرفته شروع می‌شود. این دیوار مستحکم با سنگ‌های ریز و درشت و ملات گچ و آهک، به ارتفاع ۹ متر در جبهه شرقی و غربی کاملاً سالم مانده است. برج‌های توپر دیوار غربی تا حدودی سالم مانده وجلوه خاصی به قلعه بخشیده است. به‌علت ریزش بناهای داخلی قلعه، وضعیت معماری آنها مشخص نیست.

یکی از جالبترین قسمت‌های داخلی، گذرگاه مخفی است که در جبهه غربی ایجاد شده و احتمالاً به‌وسیله پلکان‌های دو طرفه از آن بالا می‌رفته و وارد قلعه می‌شده‌اند. این گذرگاه تا قعر دره که در حدود ۵۰ متر است، امتداد می‌یابد. در این قلعه اتاق‌ها و تالارها و آب‌انبارهایی ساخته شده است. در یک مورد می‌توان آبراهی را که دارای پوشش گهواره‌ای است مشاهده کرد.

سیدظهیرالدین مرعشی صاحب «تاریخ گیلان و دیلمستان» از این دژ در وقایع سال ۸۵۲ هـ‌ق یاد کرده است. بر طبق مندرجات حبیب‌السیر، شاه‌اسماعیل نیز جمعی از رستمداریان را در این قلعه به هلاکت رسانده است: «قلعه گل‌خندان که محل توطن جمعی کثیر از رستمداریان بوده حصاریست مانند بروج سپهر دوار، از سنگ حوادث مصون... خندق عمیقش چون میدان اهل در غایت وسعت و خاکریز بلندش مثال همت خردمند در کمال رفعت... و چون ماهیچه رایات فیروزی فرجام پرتو وصول بر نواحی آن حصار انداخت، کوتوال بد افعالش ابواب مخالفت و عصیان برگشاد و دروب قلعه بر روی خود بسته، انداختن تیر و سنگ آغاز نهاد، غازیان... آن قلعه را چون نگین در انگشتری احاطه نموده روز اول به‌ترتیب اسباب قلعه‌گیری پرداختند و صباح روز دوم از هر چهار طرف جنگ درانداختند و فتح آن حصن حصین را پیش نهاد همت خود ساختند...».

منبع: قراخانی بهار. ۱۳۵۳، صص ۲۴-۲۰۷

قلعه لاجورد (فیروزکوه)

بقایای این قلعه برفراز تپه خاکی و منفردی به ارتفاع حدود ۳۰۰ متر، در سمت چپ جاده فیروزکوه به سمنان و ۱۵ کیلومتری فیروزکوه و ۵ کیلومتری تنگه سرانزا واقع شده است. با توجه به سفالینه‌های مکشوفه از سطح تپه احتمال دارد بنای اولیه قلعه مربوط به دوره ساسانی باشد که در دوره اسلامی بازسازی شده و تا اواخر دوره تیموری مورد استفاده قرار گرفته است.

قلعه لاجورد احتمالاً از جمله قلاعی بوده که مورد استفاده پیروان فرقه اسماعیلیه قرار گرفته است و بعد از شکست آنها مدتی متروک مانده و سپس در دوره تیموری، در اختیار خاندان مرعشی قرار گرفته است. تپه‌ای که قلعه لاجورد بر روی آن ساخته شده رأسی صخره‌ای دارد که ارتفاع این قسمت از ۵ تا ۲۰ متر متغیر است. تنها راه دسترسی به این قلعه از سمت شرق بوده که در این سمت دروازه‌ای به ارتفاع ۲ متر باقی مانده است. جهات دیگر قلعه صخره‌ای بوده و امکان صعود از آنها وجود نداشته و در مواردی که شکاف یا جای نفوذی وجود داشته، با احداث دیواره‌هایی مسدود شده است. امروزه در سمت شمال و جنوب شرقی این قلعه بقایای برج و باروی قلعه همچنان پابرجا مانده است. بر تمامی سطح بالای تپه و داخل قلعه بقایای واحدهای ساختمانی دیده می‌شود. مصالح مورد استفاده در اینجا سنگ لاشه و خشت می‌باشد. طول این قلعه از شرق به غرب حدود ۱۲۰ متر و عرض آن در قسمت غربی حدود ۱۱۰ متر و در قسمت شرقی و جایی که دروازه در آنجا تعبیه شده بود، ۸۰ متر است.

قلعه لاجورد بر تمامی نواحی اطراف خود تا مساحت دور اشراف

کامل دارد. نام این دژ در شاهنامه فردوسی آمده است. بقایای این قلعه به شماره ۴۴۱۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.
منبع: پازوکی، ۱۳۸۱/۱، صص ۸۳/۸۵

قلعه مسلمان / مسلمان قلعه و کافر قلعه (فیروزکوه)

بقایای این دو قلعه بر فراز ارتفاعات شمالی و جنوبی تنگه جنوب‌شرقی روستای درده(از توابع فیروزکوه) واقع شده و از آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود(تصویر ش ۱۳۰).

در این محل بقایای برج و بارو و استحکامات تدافعی وجود دارد که از خشت و چینه ساخته شده‌اند. آثار موجود بنا به اظهار اهالی مربوط به دو قلعه قدیمی است. بقایای شرقی به نام کافر قلعه و بقایای سمت غربی به‌نام مسلمان قلعه معروف است. ظاهراً مسلمان قلعه، محل سکونت مسلمانان و کافر قلعه محل اسکان ارامنه بوده است. این قلعه‌ها احتمالاً در ارتباط با تنگه مجاور ساخته شده‌اند و یا مکانی بوده‌اند که اهالی محل به هنگام خطر در آن پناه می‌گرفتند.
منبع: پازوکی، ۱۳۸۱/۱، صص ۱۰۲-۱۰۱

قلعه منصور (طالقان)

این بنا در بالاترین نقطه ارتفاعات شمال روستای هرنج و در فاصله حدود یک کیلومتری شمال‌شرقی قلعه کیقباد و بر بالای صخره عظیم سنگی که کاملاً منفک از ارتفاعات پیرامون است، واقع شده و بر مناطق پیرامون خود اشراف کامل دارد.

قلعه منصور به‌نظر می‌رسد از قلاع مهم منطقه، در دوره‌های مختلف اسلامی بوده است. دسترسی به این قلعه به جهت موقعیت قرار گرفتن آن کاری بس دشوار است و گذرگاه‌هایی را که امکان نفوذ داشته، با احداث دیواره‌های قطور سنگی مسدود کرده‌اند. از بنای قلعه که وسعت زیادی داشته امروزه بقایای برج و بارو و حوضچه‌های سنگی برجای مانده است.
منبع: پازوکی، ۱۳۸۰، ص ۳۶۵

قلعه می‌وُرد کتالان (فیروزکوه)

بقایای این قلعه در ۲۰۰ متری شرق امامزاده قاسم و برفراز ارتفاعات شمال‌غرب روستای کتالان و ۱۲ کیلومتری شمال‌شرق شهرستان فیروزکوه واقع شده و با توجه به سفالینه‌های موجود قدمت آن به قرون ۴ و ۵ هجری برمی‌گردد.

قلعه می‌وُرد بنای نسبتاً کوچکی با ۱۵۰ متر مربع وسعت است که بقایای حصار و اتاق‌های داخلی آن بر جای مانده است. مصالح مورد استفاده در این سازه‌ها، سنگ لاشه و ملات ساروج است. در ضلع شرقی قلعه و در صخره کوه، غاری وجود دارد که ورودی آن عمودی بوده و تا عمق ۱۵ متری امتداد می‌یابد.
منبع: پازوکی، ۱۳۸۱/۱، صص ۳۰۴-۳۰۳

قلعه نوده /کیان خاتون (طالقان)

بقایای این قلعه برفراز صخره کوهی در فاصله ۱۷۶۰ متری شمال‌شرق روستای دهدر و حد فاصل این روستا و روستای آسکان واقع شده است. با توجه به شواهد موجود احتمال دارد بنای اولیه قلعه در دوره ساسانی ساخته شده و در دوره اسلامی بازسازی و تا قرن ۸ و ۹ هجری(به‌ویژه در دوره فعالیت اسماعیلیه) مورد استفاده قرار گرفته باشد.

تنها مسیر دسترسی به این قلعه از سمت شمال و پس از طی حدود ۱۰ متر صخره سنگی است. سطح قلعه به دو قسمت مجزای شمال‌شرقی و جنوب‌غربی تقسیم شده و حد فاصل آنها مسیر باریکی وجود دارد که امکان ارتباط دو بخش را فراهم می‌نماید. بخش شمال‌شرقی قلعه تختگاهی است به ابعاد تقریبی ۲۵×۷۵ متر که تمامی سطح آن با بقایای اتاقها، راهروها، حوضچه‌های ذخیره آب و انبارها پوشانیده شده است. به‌نظر می‌رسد در زیر آثار معماری مشهود، فضاهای مسکونی دیگری باشد که در اثر تخریب بناهای طبقه فوقانی مدفون شده‌اند.

راهرو ارتباطی میان دو قسمت قلعه ۵۰ متر طول و ۵ متر عرض دارد. ضلع شرقی این قسمت پرتگاه است اما ضلع غربی آن شیب تندی دارد که با صفه‌سازی بناهای چندی بر آن ایجاد کرده‌اند. بخش جنوب‌غربی قلعه نیز تختگاهی است به ابعاد ۱۰×۱۵ متر که بر آن نیز بقایای بناهایی مشهود است. آب مصرفی این قلعه از چشمه‌ای که در بالای کوه چله‌خان، در آنسوی رودخانه آسکان قرار دارد، تأمین می‌شده است. با توجه به وضعیت کلی قلعه نوده چنین استنباط می‌شود که کاربرد اصلی آن استقرار اهالی روستاهای پیرامون به هنگام خطر و نیز مراقبت از دو تنگه شرقی و غربی بوده است.
منبع: پازوکی، ۱۳۸۰، صص ۸۰-۷۹

قلعه نوذر (آئینه‌ورزان دماوند)

بقایای این قلعه برفراز تپه مشرف به روستای آئینه‌ورزان شهرستان دماوند واقع شده و با توجه به سفالینه‌های موجود، قدمت آن حداقل به اوایل دوره اسلامی می‌رسد.

پلان قلعه نوذر متناسب با سطح تپه طرحی گلابی‌شکل، به طول ۷۵ و عرض متغیر ۱۲ تا ۸ متر دارد. باتوجه به شواهد موجود، بنای قلعه شامل حصاری حداقل با چهار برج در چهار طرف آن، اتاقها، راهروها و فضاهای جمعی و داخلی می‌شده است. متأسفانه بخش عمده این سازه‌ها از بین رفته است. مصالح مورد استفاده در این قلعه

سنگ لاشه و ملات ساروج و گچ و گل می‌باشد. قلعه نوذر با کارکرد نظامی و دیده‌بانی مکان مناسبی جهت استقرار اهالی به هنگام هجوم دشمن بوده است. در محوطه بیرونی قلعه و به خصوص ضلع غربی آن آثار قبوری از دوره اسلامی دیده می‌شود.

منبع: پازوکی. ۱۳۸۱/۳، صص ۱۰۸-۲۰۷

چهارمحال و بختیاری

قلعه بارده (شهرکرد)

این بنا بر روی پشته‌ای در غرب روستای بارده و ۵۱ کیلومتری شمال شهرکرد واقع شده و در حدود سال ۱۲۸۷ هجری قمری توسط دو برادر به نام‌های «محمدحسن‌خان» و «داراب‌خان» فرزندان چراغعلی‌خان، از سران ایل چهار لنگ طایفهٔ محمدصالح ساخته شده است. چراغعلی‌خان قلعه اول را در جایی که امروزه بافت روستای بارده آنرا احاطه کرده است، ساخته و در احداث آن بیشتر جنبه دفاعی مورد توجه بوده است. از حدود سال ۱۲۷۰ هجری قمری بنیان قلعه جدید به جای قلعه چراغعلی‌خان گزارده شد و براساس وصیت‌نامه مرحوم محمدحسن‌خان که نزد نوادگان وی موجود است، مبلغ ۳۰۰۰ تومان خرج احداث قلعه گردید. ایشان به فرزندان خود وصیت نموده تا قلعه را تکمیل و تزئین کنند که این کار هیچگاه انجام نمی‌گیرد. استادکاران این قلعه عبارت بودند از «استاد اسماعیل ترکان بنا» و برادرش «استاد علی محمد معمار اصفهانی».

قلعه بارده در جهت شرقی و غربی ساخته شده و دارای دو بیرونی و اندرونی مجزا می‌باشد. اندرونی‌ها دارای زیرزمین و طبقه همکف بوده و جوانب جنوبی و شمالی آنها را اتاقهای نشیمن احاطه کرده است. بیرونی‌ها نیز شامل اصطبل و سر طویله هستند که قسمت اعیانی با راه ورودی جداگانه بر روی آنها قرار گرفته است.

چهار برج مدور در چهار زاویه بیرونی بنا ساخته شده است. برجهای شرقی جنبه تدافعی داشته و برجهای غربی در قسمت فوقانی کارکرد مسکونی داشتند. مصالح به کار رفته در بنا خشت، آجر و سنگ می‌باشد. پوشش قسمت زیرزمین، اصطبل و سرطویله‌ها با طاق ضربی اجرا شده و اتاقهای نشیمن با تیر و چوب و به صورت مسطح پوشش یافته‌اند.

دروازه اصلی قلعه در میانه ضلع غربی قرار دارد و با آجر ساخته شده و دارای نمایی قوسی شکل با تزئینات آجری است. در طرفین درب ورودی دو سکوی سنگی قرار داشته است. بعد از ورودی یک هشتی با طاق و گنبد قرار داشته که بعدها تخریب شده است. بعد از هشتی راهرویی وجود دارد که ارتباط با بخش‌های مختلف را فراهم می‌سازد.

قلعه بارده در اصل همین دروازه را داشته اما با تقسیم املاک بین دو برادر(محمدحسن و داراب‌خان) دروازه اصلی سهم قسمت شمالی شده و برای قسمت جنوبی دروازه جداگانه‌ای ساخته شده است.

واحد شمالی قلعه: این قسمت دارای یک بخش اندرونی و یک بخش بیرونی است. اندرونی دارای زیرزمین، طبقه همکف و اتاق‌های نشیمن در پیرامون حیاط می‌باشد. زیرزمین در عمق ۱/۵ متری از کف حیاط ساخته شده و در نمای آجری آن هفت طاق‌نمای هلالی‌شکل کار شده است. زیرزمین شامل راهروها، انبارها، مطبخ و تنور پخت نان می‌باشد. مصالح مورد استفاده در این بخش خشت و گل است. طبقه همکف دارای ایوانی شمالی و جنوبی است و مشتمل بر ۱۰ اتاق نشیمن، دو گوشواره و یک شاه‌نشین می‌باشد. اتاق پنج دری در وسط ایوان قرار دارد. سطح زیرین پوشش مسطح این طبقه با قاب‌بندی مزین شده که امروزه تنها قطعاتی از آن برجای مانده است. پوشش ورودی‌ها قوسی شکل اجرا شده و در بالا دارای نورگیرهای بیضی‌شکلی می‌باشند. اتاقها فاقد تزئینات خاصی است و تنها با طاقچه‌های دیواری زیادی نماسازی شده‌اند. قسمت بیرونی بخش شمالی، بر روی سرطویله و اصطبل ساخته شده و راه جداگانه‌ای از کنار و پشت اصطبل دارد. اتاقهای بیرونی شامل شاه‌نشین و مهمانخانه می‌شوند. شاه‌نشین این بخش مشابه نمونه اندرونی است.

واحد جنوبی قلعه: این واحد قرینه واحد شمالی است با این تفاوت که در ضلع جنوبی حیاط فاقد اتاق بوده و در حال حاضر اجزاء بیرونی آن تخریب شده‌اند.

برجهای قلعه: قلعه بارده دارای چهار برج در چهار زاویه بناست که با لاشه‌سنگ ساخته شده‌اند. طبقات زیرین دو برج شرقی که در طرفین اندرونی‌ها قرار دارند جهت انباری و طبقات بالا جهت نگهبانی و محافظت از قلعه در نظر گرفته شده‌اند. در طبقات بالا برای ذخیره مهمات، مسائل تدافعی و تیراندازی پیش‌بینی‌های لازم از قبیل طاقچه‌بندی، سکوبندی و ایجاد منافذ لازم، صورت گرفته است. دو برج ضلع غربی که به شاه‌نشین بیرونی‌ها متصل هستند، در قسمت بالا به صورت اتاق چهارگوش نشیمن و در پائین به عنوان اصطبل مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. پوشش‌های برجها تماماً تیر و چوبی است.

منبع: آخوندی، ۱۳۷۹، صص ۴۹-۴۶

قلعه چالشتر/ستوده (شهرکرد)

این بنا که به قلعه ستوده نیز شهرت دارد در روستای چالشتر و ۵ کیلومتری شمال‌غربی‌شهر کرد واقع شده و از آثار اواخر دوره قاجاریه به‌شمار می‌آید. براساس مدارک موجود این قلعه در حدود سال ۱۳۲۳ هجری قمری توسط خدارحم‌خان برای یکی از فرزندان خود به نام احمدخان ساخته شده است. سابق بر این قلعه خدارحم نیز در مجاورت همین قلعه قرار داشته که به مرور زمان ویران شده و اکنون آثار قابل‌توجهی از آن برجای نمانده است. قلعه چالشتر از جمله قلاعی است که برای سکونت مالکان و حاکمان محلی ساخته شده و جنبه نظامی آن ضعیف است(نقشه و تصاویر ش ۳۵-۱۳۱).

بقایای به‌جای مانده از قلعه چالشتر در حدود ۳۴۰۰ متر مربع وسعت دارد و بخش‌های اصلی آن شامل حیاط، ساختمانی دو طبقه و حمامی اختصاصی می‌شود. بناهای اضلاع شرقی و غربی ویران شده‌اند. ورودی کنونی بنا نسبتاً جدید است و ورودی اصلی آن در

جبهه شرقی قرار داشته است. در میانه حیاط قلعه چالشتر حوضی سنگی و مدور وجود دارد که بر جدار بیرونی تخته‌سنگ‌های تراشیده آن نقوشی حجاری شده است.

بنای اصلی و مسکونی قلعه که اختصاص به مالک قلعه و خانواده وی داشته در ضلع شمالی قرار گرفته و از نظر شیوه ساختمانی قابل‌مقایسه با دیگر قلاع چهارمحال و بختیاری است که در دوره قاجار ساخته شده‌اند. این بخش از قلعه در دو طبقه ساخته شده و دارای نمایی زیبا و مجلل است. طبقه پائین که بخشی از آن در زیر سطح زمین قرار گرفته، شامل سه اتاق و یک راهرو است که اختصاص به خدمه و کارهای خدماتی و انبار داشته است و از طریق پنجره‌ها و نورگیرهای تعبیه شده در جانب حیاط، روشنائی آنها تأمین می‌شود. نمای این طبقه در جانب حیاط با تخته‌سنگ‌های حجاری شده پوشش یافته است. این طبقه در حال‌حاضر به موزه مردم‌شناسی تبدیل شده است.

طبقه دوم دارای ۵ اتاق اصلی و یک ایوان ستوندار سراسری است. پوشش مسطح ایوان در جلو و با کمک قوس‌های زیبای بیضوی بر روی چهار جفت ستون در میانه و ستون‌ها و جرزهایی در طرفین قرار گرفته است. ستون‌ها سنگی و دارای سرستون و پایه ستون‌های حجاری شده زیبایی هستند. سطوح داخلی ایوان با گچبری و نقاشی روی گچ و همچنین نماسازی، توسط ورودی‌ها و نورگیرها و قاب‌بندی تزئین شده است.

اتاق میانی این طبقه که وسیعتر از اتاق‌های دیگر است، به‌عنوان تالار پذیرایی مورد استفاده بوده و از تزئینات غنی‌تری برخوردار است. سطوح داخلی این اتاق با گچبری، نقاشی، ایجاد رف‌ها و طاقچه‌های متعدد، بخاری دیواری و نیز قاب‌بندی چوبی سقف به زیبایی مزین شده است. تمامی اتاق‌ها از طریق درگاه‌هایی به ایوان ستوندار راه پیدا می‌کنند. همچنین روشنایی این اتاقها از طریق روزنه‌های بیضوی شکل تعبیه شده بر بالای درها تأمین می‌شود.

در ضلع جنوبی قلعه چالشتر حمامی قدیمی وجود دارد که به شیوه سنتی، مشتمل بر سربینه و گرمخانه، ساخته شده است. پوشش گنبدی فضای اصلی بر روی چهارستون سنگی حجاری شده قرار گرفته است. در میانه این بخش حوضی سنگی ساخته‌اند. سطوح داخلی حمام با کاشیکاری پوشش یافته است. قلعه چالشتر در سالهای اخیر از طرف سازمان میراث فرهنگی استان خریداری و بعد از تعمیر و مرمت به موزه و مرکز فرهنگی تغییر کاربری داده است. این بنا به شماره ۲۱۰۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: روزنامه همشهری. ۸۰/۵/۱۱ ص ۱۴

مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی کشور

زنیلی بروجنی، هاجر (تحقیق درسی)

قلعه چنار سبز (شلمزار)

بقایای این بنا برفراز تپه‌ای در نزدیکی شهر شلمزار قرار گرفته و اقامتگاه تابستانی حاکم محلی در اوایل دوره قاجار بوده است. بقایای به‌جای مانده در دو طبقه ساخته شده و دارای چشم‌انداز زیبایی است و چشمه آبی در پائین آن جاری است. باتوجه به فقدان استحکامات دفاعی، بنای «چنار سبز» بیشتر به یک تفرجگاه شبیه است. مصالح مورد استفاده در بنا آجر و سنگ و ملات آهک و گچ است.

قلعه دزک (شهرکرد)

این بنا در روستای دزک، از توابع بخش کیار و ۳۵کیلومتری جنوب شرقی شهرکرد واقع شده و در اواسط دوره قاجار(طی سالهای ۱۲۹۲ تا ۱۳۲۵ هجری قمری) توسط لطفعلی‌خان امیر مفخم بختیاری(از خوانین معروف هفت‌لنگ) ساخته شده است(تصویر ش ۱۳۶).

تاریخ احداث شالوده و قسمت اصلی قلعه که اصطلاحاً بدان «دیوان‌خانه» گفته می‌شود و مشتمل بر اتاق‌ها و اسکلت طبقه همکف بنای کنونی است، به سال ۱۲۹۲ هجری قمری برمی‌گردد، از آن پس تا سال ۱۳۲۵ هجری قمری که آخرین لوحه تاریخ‌دار در این مجموعه نصب شده، به تدریج قسمت‌های دیگر شامل عمارت اندرونی، حیاط‌های خلوت و سایر منضمات به بنای اصلی افزوده شده و تزئینات داخلی و نماسازی ساختمان، مخصوصاً در عمارت سردر و بیرونی، در چند مرحله صورت گرفته و تکمیل شده است.

قلعه دزک در دو طبقه با ایوان‌های شمالی و جنوبی و با دیوارهای قطور ساخته شده و تا حدودی از معماری اروپائی تأثیر گرفته اما تزئینات آن ایرانی است. نمای بیرونی بنا با آجر و اندود گل صورت گرفته است. قلعه دزک و یا به عبارت بهتر کاخ قلعه دارای چهار برج مخروطی شکل است که کاربرد تدافعی ندارند بلکه بیشتر برای القای شکوه ساخته شده‌اند.

تزئینات بنا بیشتر در طبقه اول متمرکز شده و شامل آجرچینی و تلفیق آن با کاشی‌های لعابی هندسی است. تالار سفره‌خانه و اتاق آینه از جالب‌ترین و مهم‌ترین قسمت‌های این بناست. حاشیه بالایی دیوارهای تالار و اطراف درهای ورودی با گچبری و نقش‌های داستانی و تصاویری از خوانین و بزرگان بختیاری آراسته است و ستون‌هایی با گچبری به صورت حصیری بر روی تیرهای چوبی دیده می‌شود.

اتاق آینه قلعه دزک در حقیقت یکی از هشت اتاق اصلی بازمانده از بنای اصلی است که دیوارها و سقف آن با آینه و نقاشی پشت شیشه تزئین شده است. نقاشی‌ها عموماً تصاویری از سوارکاری، قصرها، ابنیه سلطنتی با طرح اروپائی گل و مرغ، را شامل می‌شوند. تزئینات دیگر اتاق آینه، منبت‌کاری درها و حجاری است.

در میان حیاط شمالی و پُر درخت قلعه، حوض بزرگ سنگی با

طرح چند ضلعی قرار گرفته که در چهار سوی آن حجاری‌هایی به اشکال صورت‌های انسانی نصب کرده‌اند. یکی از اهمیت‌های تاریخی این بنا ارتباط آن با وقایع انقلاب مشروطه است. علامه فقید علی‌اکبر دهخدا به همراه عده‌ای از انقلابیون، در جریان جنگ جهانی اول و در ایام مهاجرت خود، مدتی را در این قلعه سپری کردند.

قلعه دزک به شماره ۱۷۳۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: روزنامه ایران. ۷۹/۵/۲۷، ص ۱۱

میراث فرهنگی. ش ۱، ص ۱۵

قلعه دهناش (فارسان)

این بنا در روستای دهناش منطقه بازفت و ۱۶۸ کیلومتری شهر فارسان واقع شده و در حدود سال ۱۳۳۴ هجری قمری توسط شخصی به نام محمد ظاهر، کلانتر وقت بازفت ساخته شده و به‌عنوان منزل مسکونی از آن استفاده می‌شده است. مصالح مورد استفاده در بنا، آجر و ملات آهک و گچ است. پوشش‌های استفاده شده در بنا از نوع مسطح و تیر و چوبی است.

منبع: شفیعی، ۱۳۷۸، ص ۴-۳

قلعه سردار اسعد (جونقان)

این بنا در مرکز شهر جونقان و ۲۰ کیلومتری شهر فارسان واقع شده و در اواخر دوره قاجاریه توسط علیقلی‌خان سردار اسعد، زمامدار وقت ایل بختیاری، ساخته شده است.

بنای قلعه در دو طبقه ساخته شده و مصالح مورد استفاده در آن خشت و در نما آجر با ملات گل و گچ است. قلعه سردار اسعد با منبت‌کاری، حجاری، گچبری، آیینه‌کاری و نقاشی تزئین شده است. این قلعه به شماره ۱۵۴۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شفیعی. ۱۳۷۸، ص ۵۸

قلعه سورک (شهرکرد)

این بنا در ۲۵۰ متری غرب روستای سورک، از توابع بخش کیار شرقی، و ۳۷ کیلومتری جنوب شرقی شهرکرد واقع گردیده و از آثار اواخر دوره قاجاریه و ساخته‌های نصیرخان صارم‌الملک (که در دوره مشروطه سردار جنگ لقب گرفت) می‌باشد.

قلعه سورک در دو طبقه ساخته شده و دارای ایوانی ستوندار و سراسری در طبقه بالا، حمام، اصطبل، سرطویله و انبارهای خارج از حصار (ولی متصل به آن) و نیز باغ و مزرعه بوده که در سالهای گذشته به غیر از ساختمان اصلی و حمام جنب آن، بقیه مجموعه به‌طور کامل تخریب شده و از میان رفته است (تصاویر ش ۴۱-۱۳۸).

ویژگی مهم بنای قلعه سورک ایوان ستوندار سراسری، با طاق‌های مابین ستون‌ها، مساحت زیاد اتاقها و برجهای استوانه‌ای شکل طرفین ضلع شمالی بنا می‌باشد. ارتفاع این برجها نسبت به پشت‌بام کمتر است که این در قلعه‌سازی معمول نیست. مصالح بکار رفته در بنا را خشت و گل تشکیل می‌دهد و از آجر در نمای ساختمان استفاده شده است.

طبقه همکف قلعه با اختلاف ارتفاعی حدود یک متر از کف حیاط مرکزی، دارای راهرویی در امتداد شرقی و در قسمت جلو می‌باشد که اتاقها به آن راه پیدا می‌کنند. این بخش دارای ۱۱ پنجره بزرگ طارمی مشبک است. در طرفین این راهرو، اتاق‌ها و انباری‌ها، با کارکردهای خدماتی قرار گرفته‌اند. پوشش این بخش با کمک سازه‌های طاقی صورت گرفته است. اتاق‌ها دارای بخاری دیواری می‌باشند.

طبقه فوقانی بنا که اختصاص به حاکم قلعه و خانواده وی داشته، مشتمل بر راهروها، ایوان ستوندار جنوبی، هشت اتاق و ایوان شمالی و همچنین تأسیسات بهداشتی است. ایوان جنوبی با عرض حدود ۴/۵ متر دارای ۱۴ ستون سنگی با پایه و سرستون حجاری شده می‌باشد. بر روی این ستون‌ها طاق‌هایی زده و بر روی طاق‌ها سقف تیرپوش ایوان قرار گرفته است. پیشانی ایوان با آجرکاری و مقداری کاشیکاری مزین شده است. سقف ایوان و تمامی اتاقهای طبقه فوقانی تیرپوش بوده و از پائین با قاب‌های لوزی شکل که گاه در مرکز دارای ستاره فلزی برجسته می‌باشند، قاب‌بندی شده‌اند.

راهروها و تمامی اتاق‌های دارای بخاری دیواری با تزئینات ساده گچبری می‌باشند. اتاقهای این بخش به یکدیگر و به ایوان و راهروها راه دارند. در سمت دیگر ساختمان نیز ایوانی به ابعاد ۵×۶ متر قرار دارد که در اصل ادامه راهرو میانی این طبقه است.

قلعه سورک دارای حمامی در قسمت شرقی مشتمل بر سربینه، میان‌در و گرمخانه است. همچنین در میانه حیاط اصلی قلعه حوض بزرگ و زیبایی ساخته شده است. بنای قلعه سورک در سال ۱۳۷۲ توسط سازمان میراث فرهنگی استان و با همکاری مالک آن، تعمیر و مرمت شده است. در این تعمیرات سقف تمامی ایوان جمع‌آوری و با آجرچینی قسمت‌های آسیب‌دیده دیوار، مجدداً تیرریزی، تخته‌کوبی و پوشش یافته است.

منبع: آخوندی. ۱۳۷۹، صص ۵۹-۵۵

قلعه شلمزار

این بنا در شهر شلمزار واقع شده و از آثار دوره قاجاریه است (تصویر ش ۱۳۷). بنای اصلی و داخلی قلعه شلمزار که امروزه به صورت متروکه درآمده با پلان مستطیل شکل در دو طبقه ساخته شده و یک ایوان سرتاسری ستوندار در نمای دو طبقه آن اجرا شده است.

قلعه یوسف‌خان امیر مجاهد (شهرکرد)

این بنا در ۲۵ کیلومتری غرب شهرکرد و در روستای شمش‌آباد واقع شده و در حدود ۱۲۰ سال پیش توسط یوسف‌خان امیر مجاهد، از خوانین مشهور بختیاری، ساخته شده است (تصاویر ش ۴۴-۱۴۲).

قلعه در دو طبقه همکف و زیرزمین به صورت مجموعه‌ای مشتمل بر ورودی هشتی شکل، چهار برج و ابینه جانبی دیگر، ساخته شده است. مصالح مورد استفاده خشت و در نما آجر است. طبقه همکف بنا دارای ایوان ستوندار است. پایه ستونهای این ایوان با نقوش زیبایی حجاری شده است. قلعه یوسف‌خان امیر مجاهد به شماره ۲۲۹۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

ارگ بهارستان (بیرجند)

بقایای این بنا در خیابان طالقانی و کوچه شهید کوشه‌ای و در محدوده بافت تاریخی شهر بیرجند واقع شده و در اواخر دوره افشاریه و اوایل زندیه و حکومت امیر علم‌خان اول بنا گردیده است.

مهم‌ترین بخش ارگ بهارستان، کوشک آن است که به شکل هشت‌ضلعی و در سه طبقه ساخته شده است. نمای خارجی این بخش دارای تزئینات آجرکاری به سبک بناهای دوره زندیه شیراز است. بخش دوم ارگ، قلعه دفاعی است که دارای یک برج و حصار می‌باشد و با مصالح خشت و گل بنا شده است. این بخش به مرور زمان و در اثر عوامل طبیعی و انسانی آسیب‌های زیادی متحمل شده است.

بخش سوم ارگ، حیاط اندرونی و اتاقهای پیرامون آن است که پس از تأسیس مدرسه پسرانه شوکتیه در بیرجند، این بخش از ارگ به مدرسه دخترانه اختصاص یافت و به نام مدرسه نسوان مشهور شد. بقایای ارگ بهارستان به شماره ۳۶۸۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

ارگ حاجی‌آباد (بیرجند)

بقایای این ارگ در ۷ کیلومتری شرق بیرجند واقع شده و در اواسط دوره قاجار، توسط امیر ابراهیم علم شوکت‌الملک، حکمران وقت قهستان بنا گردیده است (تصاویر ش ۴۶-۱۴۵).

ارگ حاجی‌آباد در اصل دارای حصاری با چهار برج تدافعی و دیده‌بانی بوده است. همچنین این ارگ دارای ۴ باغ بوده که محوطه ارگ را درمیان می‌گرفته‌اند. بقایای به جای مانده ارگ از دو بنای مستقل تشکیل می‌شود. بنای بزرگ‌تر در دو طبقه ساخته شده و طبقه اول آن مشتمل بر چند دالان، سرسرا، اتاقهای پذیرایی و نشیمن است. بخش همکف نیز از چند اتاق و دالان ارتباطی تشکیل شده و احتمالاً محل استقرار خدمه و انجام کارهای خدماتی بوده است. در ضلع شرقی بنا پلکانی بوده که دو طبقه را به هم ارتباط می‌داده که در حال حاضر تنها آوار آن برجای مانده است. تزئینات اصلی بنا در دو اتاق پذیرایی، مشتمل بر مقرنس و گچبری است. پوشش درگاه‌ها و پنجره‌ها و دالان‌ها، طاقی بوده اما پوشش اتاقها مسطح و به صورت تیرپوش اجرا شده است. بدنه خارجی طبقه همکف با استفاده از طاقنماهای متعدد نماسازی شده است.

بنای دوم که در فاصله ۳۰ متری و در جبهه شمال‌غربی بنای اصلی واقع است، مخصوص نگهداری چهارپایان و اسکان خدمه می‌باشد و شامل چند اتاق و راهرو است. مصالح مورد استفاده در ارگ حاجی‌آباد خشت‌خام، آجر، چوب و ملات گل و گچ است.

این بنا به شماره ۱۸۹۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور.

ارگ سپهری (بیرجند)

این بنا در علی‌آباد سرکار و ۳۵ کیلومتری شمال‌شرقی جاده بیرجند به زاهدان واقع شده و از آثار اوایل دوره قاجاریه محسوب می‌شود. این مجموعه قبل از این به خاندان سپهری (از مشاوران معروف اسدالله علم در دوران حکومت پهلوی) تعلق داشته و اکنون در مالکیت آقای مهدی علی‌آبادی قرار دارد.

ارگ سپهری مشتمل بر باغ، کوشک اصلی، بناهایی جهت اسکان خدمه، حمام، مطبخ و فضاهای وابسته دیگر است. وجود حصارها و برجهای دیده‌بانی در چند صد متری کوشک حکایت از تدابیر دفاعی ارگ جهت مقابله با حملات مهاجمان ترکمن و افغان دارد. بنای ارگ فاقد تزئینات خاصی است.

ارگ سپهری به شماره ۳۶۷۹ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

ارگ طبس

بقایای این بنا در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه شهر قدیمی طبس، از میان ویرانه‌های زلزله سال ۱۳۵۷ بیرون آورده شده است. در جریان کاوش‌های سال ۱۳۷۳ چهار ضلع خارجی حصار و برجهای ارگ (تصویر ش ۱۴۸) خاکبرداری شد و در مراحل بعد کوچه‌های داخلی و قسمت‌های مرکزی و قسمتی از سرای شمال‌شرقی و سرای جنوب‌غربی خاکبرداری شد. بعد از کاوش پی‌بندی و مرمت آثار نیز انجام گردید.

عمده رونق شهر طبس و بناهای تاریخی آن مربوط به دوره اسلامی و حدود قرن ۵ هجری قمری بوده است. بقایای ارگ طبس به شماره ۲۳۰۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و طرح تبدیل آن به موزه معماری و مجتمع تاریخی ـ فرهنگی در سال ۱۳۸۰ به تصویب رسیده است.

منبع: میربهرسی، ۱۳۸۰، ص ۸

ارگ کلاه فرنگی (بیرجند)

این ارگ در حاشیه خیابان شهید مطهری واقع شده و از آثار ارزنده دوره زندیه بیرجند محسوب می‌شود. ارگ کلاه‌فرنگی در اصل محل حکمرانی حسام‌الدوله «امیر معصوم‌خان خزیمه» بوده و وجه تسمیه آن به جهت سبک خاص معماری آن است. این بنا در حال‌حاضر در مالکیت فرمانداری شهرستان بیرجند است (تصاویر ش ۵۰-۱۴۹).

ارگ کلاه فرنگی در شش‌طبقه و به فرم زیگورات یا پلکانی ساخته شده که تنها دو طبقه تحتانی آن دارای کاربری است و طبقات دیگر تنها

به منظور فرم‌بخشی ایجاد شده‌اند. ورودی اصلی بنا در ضلع جنوبی آن قرار دارد. در مرکز بنا، حوضخانه قرار گرفته که از نظر ویژگی‌های معماری و تزئینات، بسیار جالب‌توجه است.

از جمله این تزئینات، مقرنسکاری‌هایی است که به صورت انبوه سطح زیرین پوشش بنا را مزین کرده است. این بنا به شماره ۱۸۸۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

ارگ و باروی شهر طوس

بقای ارگ و باروی شهر طوس امروزه به صورت ویرانه‌ای در کنار آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی واقع شده است. ویرانی این بناها به چندین سده قبل برمی‌گردد (تصاویر ش ۵۴-۱۵۱). صنیع‌الدوله مؤلف «مطلع‌الشمس» که در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار از این محل دیدن کرده، درخصوص بارو و ارگ شهر می‌نویسد: «باره‌ی دور این شهر در بعضی مواضع به درستی برپا و در برخی اماکن از سرباره قدری خراب شده و در هرحال نمودار است که حصن آن حصانتی کمال داشته است. (ضخامت) دیواره باره در پایین پنج ذرع بوده است. دور شهر که این‌باره آن را تعیین می‌نماید تقریباً یک فرسخ است و از آنجاکه علایم بروج به خوبی نمودار بلکه بعضی از آنها به‌حال خود مانده یکصد و شش برج بر دیوار باره به شمار می‌آید و در نه محل می‌نماید که اینجا دروازه بوده... آثار قلعه ارکی در طرف شمال شهر نزدیک بباره دیده می‌شود که قلعه آن تقریباً مربع متساوی‌الاضلاع است و هشت‌صد ذرع دوره آن می‌باشد و خندق معتبری به عرض پانزده ذرع این قلعه را احاطه نموده است.

مدخل قلعه رو به مغرب و در وسط قلعه است. بر روی تپه مصنوعی قلعه هشت‌برجی مربع مستطیل ساخته بوده‌اند و حالا نصف کمتر از دیوار آن خراب است و این دیوار اگر چه در ظاهر به نظر گلی می‌آید اما پاره‌آجر و سنگ در آن بسیار به کار رفته است. طول این قلعه که در آن نه برج است، هشتاد قدم و عرض آن پنجاه قدم و مدخل آن نیز رو به مغرب است. دور این قلعه از سه طرف احتمال و آثار خندق هست ولی در جلو مدخل یقیناً حفره و خندق نبوده است.

در نزدیکی مدخل قلعه ارگ، تقریباً در زاویه چاهی است که دوره آنرا با سنگ بالا آورده‌اند و عمق آن حالا سه ذرع است. قطر دهنه تقریباً یک ذرع بوده ولی الان از بالا بیشتر است... قلعه ارگ دوازده برج دارد و بعضی از بروج آن را خراب کرده آجر بسیاری از آن برده‌اند... در جلو ارگ جلوخان وسیعی بوده و در این دوران نیز آثار خندق دیده می‌شود».

امروزه بخش‌های زیادی از ارگ و باروی طوس که بدان‌ها اشاره شد از میان رفته است.

منبع: صنیع‌الدوله. ۱۳۶۲، صص ۸۳-۱۸۰

ارگ و باروی شهر نیشابور

بقایای ارگ و باروی شهر نیشابور تا دوره قاجار برجای بوده و صنیع‌الدوله در «مطلع‌الشمس» بدان اشاره می‌کند: «باروی شهر نیشابور را پنجاه و شش برج است و فاصله هر برجی با برج دیگر پنجاه ذرع است. خندقی بدور شهر می‌باشد به عرض هشت ذرع، ارگ شهر که حالا خراب است و در زاویه بلده در طرف شمال‌شرقی واقع، هشت برج دارد و ارتفاع هر برجی هجده ذرع و دوره آن نیز همین‌قدر است».

منبع: صنیع‌الدوله. ۱۳۶۲، ص ۹۱

برج چشمه مولید (بیرجند)

این برج نگهبانی برفراز تپه‌ای سنگی در روستای چشمه مولید و ۴۵ کیلومتری شمال‌شرقی بیرجند واقع شده و به‌نظر می‌رسد به‌منظور نگهبانی از روستائیان و اموال با ارزش آنها در مقابل حملات مهاجمان ساخته شده و قدمت آن حداکثر به دوره صفویه می‌رسد.

برج چشمه مولید تک‌بنایی است دو طبقه، با طرحی مدور که با سنگ و ملات ساروج ساخته شده است. طبقه اول برج اتاقکی است که ورودی آن در جهت شرقی قرار دارد. در دیوارهای برج تیرکش‌ها و روزنه‌هایی جهت دیده‌بانی و تیراندازی تعبیه شده است.

این بنا به شماره ۴۷۹۳ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

برج نادری / باروی دربند ارغون شاه (کلات)

این بنا بر فراز تپه‌های شرقی مدخل دربند ارغون‌شاه و کانال ورودی کلات نادری واقع است. شکاف سنگلاخی بزرگی که گذرگاه رودخانه «ژرف‌رود» در کلات است، دربند ارغون‌شاه نامیده می‌شود. از این محل رودخانه ژرف‌رود وارد کلات شده و به سوی شمال‌شرقی جریان می‌یابد. دربند به صورت تنگه‌ای است که در واقع دروازه ورودی کلات نادری به شمار می‌رود. دو طرف این تنگه به صورت دو دیوار صخره‌ای بلند است. برج نادری برای کنترل این تنگه بر ارتفاعات مشرف بر آن ساخته شده است. این برج با طرح مدور و ارتفاع باقیمانده ۹ متر، از سنگ و آجر با ملات گل و آهک ساخته شده و از قطر آن با افزایش ارتفاع به تدریج کاسته می‌شود.

قسمت پائین دیواره برج از سنگ و قسمت فوقانی آن با آجر، همراه با تزئینات آجرکاری و روزنه‌هایی جهت دیده‌بانی و تیراندازی ساخته شده که از نظر ساخت و تزئین به برجهای ارگ کریمخانی شباهت پیدا می‌کند. در مجاورت برج نادری برج دیگری نیز قرار گرفته است. در سمت جنوب‌غربی برج و ۲۰۰ متر بالاتر از آن نیز، کتیبه‌ای از دوره

نادری برجای مانده است. این کتیبه اشعاری است به ترکی و فارسی در مدح نادرشاه افشار که به خط نستعلیق زیبا و در نهایت ظرافت و هنرمندی حجاری شده است. کتیبه فاقد تاریخ است اما احتمال می‌رود در طی سالهای ۱۱۵۵ تا ۱۱۶۰ هجری قمری نوشته شده باشد. علاوه بر برجهای مذکور در گذشته قورخانه و پاسدارخانه‌ای در همین محل دایر بوده که تنگه ارتباطی مورد اشاره را کنترل و حفاظت می‌کرده‌اند.

برج نادری به شماره ۶۶۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: بامداد. ۳۳۴، صص ۷-۳ و ۹؛ خسروی. ۱۳۶۷، صص ۶۰-۵۸
شریعتی. ۱۳۴۵، ص ۱۶۷؛ طوسی. ۱۳۷۲، صص ۵۰-۱۴۹
لولویی. ۱۳۷۸، صص ۵-۴۴؛ مشکوتی. ۱۳۴۹، ص ۸۲
مقری. ۱۳۵۹، ص ۴۶؛ ورجاوند. ۱۳۴۸، صص ۶۲-۵۹

دروازه چوب‌بست (مشهد)

این بنا در شهرستان مشهد واقع و از آثار دوره افشاریه است که به شماره ۶۶۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

دروازه دهچه (مشهد)

این بنا در شهرستان مشهد واقع و از آثار دوره افشاریه است که به شماره ۶۶۸ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه / آق‌قلعه (سبزوار)

بقایای این قلعه در شهرستان سبزوار واقع شده و از ساخته‌های دوره ایلخانی است که به شماره ۲۰۳۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

قلعه اسفراین

بقایای این قلعه در میان خرابه‌های شهر قدیم اسفراین (تصویر ش۱۵۵) و ۳ کیلومتری شهر کنونی و سمت راست جاده سبزوار واقع شده است.

قلعه اسفراین که در واقع ارگ شهر قدیم را شامل می‌شده، ۳۶۰ متر طول و ۱۳۵ متر عرض دارد و بر روی پشته‌ای به ارتفاع متغیر از ۶ الی ۹ متر ساخته شده است. حصار قلعه تماماً از خشت و گل و چینه ساخته شده و مجموعاً ۲۹ برج دفاعی در اندازه‌های مختلف دارد. دروازه ورودی قلعه در گوشه جنوب‌غربی آن واقع و در طرفین آن دو برج جاسازی شده است.

منبع: فدایی. ۱۳۷۴، ص ۶۹-۶۸

قلعه اکرم‌آباد (نهبندان)

بقایای این قلعه در نهبندان بیرجند واقع شده و از آثار دوره صفویه و قاجاریه به‌شمار می‌آید. بقایای قلعه اکرم‌آباد به شماره ۳۹۶۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه اللّه‌آباد (طبس)

این بنا در مسیر کاروانرو یزد ـ طبس و ۴۰ کیلومتری جنوب‌غربی کاروانسرای پشت بادام واقع و از آثار دوره قاجاریه است (نقشه ش ۱۵۶). بنای قلعه دارای یک برج سنگی نسبتاً مرتفع است که از فراز آن تا فواصل بسیار دور قابل دیده‌بانی است. قلعه اللّه‌آباد برای محافظت از راه کاروانرو و کاروانسرای بین راه ساخته شده است.

منبع: کلایس. ۱۳۶۶، ص ۱۱۰

قلعه ایراج (خور)

بقایای این بنا برفراز تپه‌ای نسبتاً مرتفع در دهکده ایراج از توابع شهرستان خور واقع شده است. شالوده قلعه ایراج از قلوه‌سنگ و بقیه آن از خشت و گل ساخته شده و در هر گوشه حصار قلعه برجی تعبیه کرده‌اند. این قلعه در سال ۱۳۲۷ هجری قمری و در جریان درگیری قوای دولتی با رمضان‌خان باصری به صورت ویرانه درآمد.

منبع: حکمت یغمایی. ۱۳۷۰، ص ۸۸

قلعه بازه (خواف)

بقایای ویرانه این قلعه که در محل به «قلعه بزه» معروف است، برفراز قلّه بلند «بازه» از رشته کوه «باخزر» که بر تمامی دشت‌های رشتخوار و خواف اشراف دارد، قرار گرفته است. این محل در ۷کیلومتری شمال خیرآباد، از توابع شهرستان خواف، قرار دارد.

شیب تند دامنه کوه و اشراف آن بر تمام جوانب، دفاع از قلعه را سهل می‌کرده است. به‌نظر می‌رسد برای ساخت قلعه، ابتدا سطح وسیعی بر فراز قلّه بازه ایجاد کرده و آنگاه مجموعه عظیم معماری را بر روی این سطح قرار داده‌اند. بقایای برج و باروی قلعه که با مصالح سنگ لاشه ساخته شده امروزه در اطراف این محل دیده می‌شود؛ هر چند چیزی از نقشه قلعه ارائه نمی‌کنند. ظاهراً شیب تند کوه تخریب و انهدام بارو را سرعت بخشیده است. ورودی قلعه از سمت شمال بوده و هرکدام از اتاقهای حاشیه قلعه، روزنه‌ای جهت دفاع و دیده‌بانی به بیرون داشتند. سطح قلعه بازه به‌طور متراکم و فشرده مورد ساختمان‌سازی واقع شده و فضاها و واحدهای مختلف ساختمانی، مشتمل بر واحدهای مسکونی، نظامی، صنعتی و عام‌المنفعه، ایجاد شده‌اند.

ابعاد اتاقهاکم و متغیر است و ورودی آنها به داخل قلعه باز می‌شده است. در درون قلعه تأسیسات صنعتی و نظامی و مخازن بزرگ آب، حمام و ابنیه عمومی دیگر وجود داشته است. از جمله تأسیسات صنعتی می‌توان به کارگاه و کوره سفال‌پزی اشاره کرد.

در دو قسمت شمال و جنوب قلعه دو مخزن بزرگ آب با پلان مستطیل و دایره وجود دارد. در قسمت مرکزی قلعه بقایای بنایی چهار ایوانی وجود دارد که ایوان‌های آن طرحی نیم‌دایره داشته و در مجموع گل چهارپری را مجسم می‌نماید. حدفاصل ایوان‌ها پایه‌ای نسبتاً عریض ایجاد شده که به احتمال زیاد در رأس به‌هم می‌پیوسته و پشتیبانی برای گنبد بوده‌اند. دیوارهای این بنا از سنگ‌لاشه و ملات گل و آهک ساخته شده و سطح داخلی آنها با آجر هموار شده و روی آجرها نیز اندود ضخیمی از ساروج کشیده‌اند. شکل بنا و الحاقاتی که در اطراف آن وجود دارد، گویای حمام بودن این بناست. در نزدیکی حمام تعدادی آجر لعابدار به رنگ‌های سبز و قرمز و سیاه مشاهده شدند که احتمالاً مربوط به نمای بنای مهمی بوده‌اند.

در سمت جنوب‌شرقی قلعه و خارج از بافت مسکونی، دو تالار مستطیل شکل وسیع به ابعاد ۸×۱۲ و ۸×۱۶ متر وجود داشته و احتمالاً از آنها به‌عنوان انباری استفاده می‌شده است.

باتوجه به مطالعات صورت گرفته به‌نظر می‌رسد قلعه بازه از جمله قلاع اسماعیلیه بوده و تحت حاکمیت خواجه مجد خوافی، در اوایل قرن ۸ هجری قمری، قرار داشته است. احتمال می‌توان داد ویرانی قلعه متعاقب شورش نامبرده بر علیه سلطان ابوسعید صورت گرفته باشد.

منبع: لباف خانیکی. ۱۳۷۰، صص ۱۰۷-۱۰۱

قلعه بزنگان (سرخس)

بقایای این قلعه در شهرستان سرخس قرار دارد و از آثار دوره افشاریه بوده و به شماره ۶۵۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه‌بندی‌وان (خواف)

بقایای این قلعه برفراز کوهی کم‌ارتفاع، معروف به «قلعه بندی‌وان» قرار دارد. این محل در ۱۲ کیلومتری شمال‌شرق خیرآباد (از توابع شهرستان خواف) و ۱۲ کیلومتری شمال روستای بندی‌وان و انتهای «دره‌میا» واقع شده است. این دره از شرق به غرب و در دامنه جنوبی رشته‌کوه باخزر کشیده شده است. قلعه مزبور بر روی ارتفاعات انتهایی دره قرار گرفته است.

بقایای قلعه بندی‌وان در زمینی تقریباً مثلث‌شکل به ابعاد ۴۰×۴۰×۳۰ متر گسترده شده است. از بنای قلعه امروزه به جز، بقایای دیوارها و توده‌های سنگ حاصل از انهدام دیوارها چیز بیشتری نمانده و حفاری‌های غیرمجاز نیز این خرابی را افزون کرده است. به‌نظر می‌رسد قلعه بندی‌وان از جمله قلاع اسماعیلیه و تحت حاکمیت خواجه مجد خوافی، در اوایل قرن هشتم هجری قمری، بوده است. نامبرده با توسل به قلاعی که در منطقه داشت، در اوایل قرن ۸ هجری قمری بر علیه سلطان ابوسعید شورش کرد، لیکن شورش او سرکوب شد و ظاهراً ویرانی قلعه نیز در جریان این سرکوب صورت گرفته است. در کنار قلعه بندی‌وان راهی کاروانرو وجود داشته که دشت خواف را به باخزر متصل می‌کرده است.

منبع: لباف خانیکی. ۱۳۷۰، صص ۱۰۷-۱۰۱

قلعه پایین‌شهر بیرجند

این بنا در داخل بافت قدیمی شهر بیرجند و بالای تپه نسبتاً مرتفعی واقع شده و بنای اولیه آن از آثار دوره صفویه است که در دوره‌های بعد، از جمله دوره اخیر تعمیر و مرمت شده است. قلعه پایین‌شهر بیرجند با مساحتی در حدود ۲۵۰۰ متر از خشت و گل ساخته شده است(تصاویر ش ۵۸-۱۵۷).

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی خراسان

قلعه توزنده‌جان (نیشابور)

بقایای این بنا در شهرستان نیشابور واقع و از آثار دوره اسلامی است که به شماره ۲۳۳۷ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه تیغدر (نهبندان)

بقایای این بنا در نهبندان بیرجند واقع شده و از آثار دوره قاجاریه می‌باشد که به شماره ۳۹۶۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه جلال‌الدین (جاجرم)

بقایای این قلعه برفراز کوه مخروطی‌شکل بلندی، در ۲ کیلومتری غرب شهر جاجرم و در میانه راه جاجرم به گرهه واقع شده و بر نقاط پیرامون اشراف و احاطه دارد. درخصوص تاریخ ساخت بنا اطلاع دقیقی در دست نیست اما می‌توان احتمال داد از آثار دوره سلجوقی باشد که در دوره‌های بعد بازسازی و مورد استفاده مجدد قرار گرفته است(نقشه و تصاویر ش ۶۰-۱۵۹).

طرح کلی بنا شش ضلعی است و در هر زاویه آن یک برج دفاعی مدور قرار داده‌اند. ارتفاع دیوار خارجی برجها از بیرون حدود ۱۵-۱۰ متر و قطر آنها حدود ۵ متر است. این برجها در هر طبقه روزنه‌هایی جهت دفاع و دیده‌بانی دارند. دیوارهای قلعه کنگره‌دار بوده و دارای

جان‌پناهی جهت تیراندازی هستند. ورودی قلعه از داخل برج جنوبی است. این برج از داخل با آجرهایی ساخته شده که احتمالاً متعلق به قرن هفتم هجری می‌باشند اما نماسازی آن بنظر می‌رسد مربوط به دوره صفوی باشد.

بناهای داخلی قلعه در دو طبقه ساخته شده است. طبقه پایین به صورت سرداب و اصطبل بوده و احتمالاً به‌عنوان زندان نیز از آن استفاده می‌شده است. راهیابی به طبقه بالا از طریق پلکانی در مجاورت برج جنوبی و از سمت شرقی آن صورت می‌گیرد. طرح طبقه دوم بسیار جالب است. دور تا دور این طبقه با راهرویی به عرض یک متر احاطه شده که در کف سرتاسر آن در اصل خمره‌های لعابدار ذخیره مواد غذایی کار گذاشته شده بودند که امروزه داغ آنها برجای مانده است. دیوار دور تا دور راهرو طبقه دوم به طرف داخل کوتاهتر است به طوری که مسلط بر حیاط و داخل قلعه می‌باشد.

در داخل حیاط قلعه و کنار ضلع غربی چاهی مشاهده می‌شود که امروزه ۱۰ متر عمق دارد، اما احتمال دارد عمق آن برابر ارتفاع تپه و حدود ۲۵ تا ۳۰ متر بوده و به سطح چشمه‌های زیر تپه می‌رسیده است. مصالح مورد استفاده در قلعه جاجرم سنگ لاشه، آجر و ملات آهکی است.

در کتاب «مطلع‌الشمس» که در دوره قاجار به نگارش درآورده، درخصوص این قلعه می‌خوانیم: «در نیم‌فرسخی قصبه جاجرم در طرف مغرب بر روی کوه‌تپه مانندی قلعه مسدسی است معروف به قلعه جلال‌الدین که از سنگ و آجر و گچ ساخته شده و عبارت است از شش برج و چند یورت. این قلعه که قطراً از شمال به جنوب و از طول از مغرب به مشرق است باید گفت طول آن بیست و هشت ذرع و عرض آن تقریباً بیست و چهار ذرع، دور قلعه از داخل نود و پنج ذرع، قطر دیوار در بالا که راه‌رو و نزدیک مزقل است سه ذرع، ارتفاع ده ذرع و دوازده ذرع و بیشتر به اختلاف دیوار و خرابی، دور برج سردر که در طرف جنوب‌غربی واقع است از بیرون بیست و سه ذرع، از برج سردر تا برج دیگر از خارج نه ذرع، اما بروج دیگر دور یک برج هجده ذرع و فاصله آن تا برج دیگر یازده ذرع... عمده مصالح این قلعه در بنیان سنگ و گچ و بعد از آن آجر و بعد از آن قطعات سنگ بزرگ به کار رفته است. در داخل قلعه در طرف شمال‌غربی چاهی است مخصوص آب قلعه که حالا تقریباً بیست ذرع عمق دارد و پیداست که پر شده است... چشمه بزرگی از دامنه تپه که قلعه بالای آن ساخته شده منفجر است (می‌جوشد)... قلعه جلال‌الدین، شیر حاجی (حصار بیرونی) و مرد رو داشته و در این مرد رو که تمام طبقه علیای دیواره باشد وصل به هم، دور تا دور خمره‌های بزرگ به بدنه دیوار کار گذاشته بوده‌اند... قلعه خیلی کهنه و کم‌وسعت است و جای ذخیره آذوقه آن کم، این خمره‌ها را در دیوار تعبیه و نصب کرده‌اند... برج طرف شرقی دو مرتبه و مدخل قلعه مثمن بوده است. ظن قوی آنکه بالای سردر عمارتی داشته است...».

قلعه جلال‌الدین جاجرم به شماره ۱۵۷۷ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منابع: پازوکی، ۱۳۷۶، صص ۱۴-۲۱۱

صنیع‌الدوله، ۱۳۶۲، صص ۱۱۱-۱۰۹

مقری، ۱۳۵۹، صص ۹۱-۹۰

قلعه چهکندوک (بیرجند)

بقایای این قلعه در شهرستان بیرجند واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید و به شماره ۳۹۷۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

قلعه حسن‌آباد (اسفراین)

بقایای این بنا برروی پشته‌ای طبیعی در حاشیه روستای حسن‌آباد و شمال‌شرقی شهرستان اسفراین واقع شده و به‌نظر می‌رسد تا سده‌های اخیر به‌عنوان تأسیسات دفاعی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. قلعه حسن‌آباد با نقشه مستطیل‌شکل به ابعاد ۷۰×۱۴۰ متر، با مصالح سنگ، چینه و آجر ساخته شده است. قسمتی از حصار سنگی و چینه‌ای قلعه به بلندی ۴ متر هنوز پابرجاست. ضخامت حصار قلعه در بخش‌های به‌جای مانده به یک متر می‌رسد. بناهای داخلی قلعه به‌طور کامل فرو ریخته‌اند.

منابع: فدایی، ۱۳۷۴، صص ۷۲-۷۱

قراخانی بهار، ۱۳۶۳، ص ۸۶

قلعه خوانشرف (نهبندان)

بقایای این قلعه در نهبندان بیرجند واقع شده و از آثار دوره قاجاریه بوده که به شماره ۴۴۶۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان خراسان

قلعه خور (بیرجند)

بقایای این قلعه در مجاورت روستای خور و در فاصله حدود ۸۵ کیلومتری غرب بیرجند و در کنار جاده بیرجند ـ طبس واقع شده و ظاهراً از ساخته‌های دوره صفویه است. متأسفانه قسمت عمده قلعه خشتی خور توسط اهالی منطقه تخریب شده و خاک آن برای ساخت خشت و تقویت مزارع مورد استفاده قرار گرفته است. امروزه از بنای قلعه تنها بخشی از حصار و برجی دو طبقه با پلان چهارگوش برجای مانده است.

از بررسی آثار برجای مانده برمی‌آید که قلعه خور طرحی چهار ضلعی با صحن مرکزی داشته است. در سطح قلعه قطعات پراکنده سفال آبی و سفید رایج دوره صفویه قابل‌مشاهده است.

این بنا به شماره ۳۴۶۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

قلعه خوسف (بیرجند)

بقایای این قلعه در شهرستان بیرجند قرار دارد و از آثار دوره افشاریه محسوب می‌شود. بقایای موجود به شماره ۴۴۸۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

قلعه دختر چشمه قلعه (خواف)

بقایای این قلعه برفراز کوه قلعه دختر، در فاصله ۷۰ کیلومتری جنوب خواف و در جنوب کوه «هرمزی» واقع شده است. ارتفاع کوهی که قلعه بر آن ساخته شده حدود ۵۰۰ متر است و از شمال به دشت گرماب و از جنوب به دشت تک اشراف دارد. قلعه دختر چشمه قلعه که نام خود را از چشمه‌ای در مجاورت خود گرفته است، شامل ۳ بخش شرقی، مرکزی و غربی است که بر سه سطح نسبتاً صاف در رأس و دامنه غربی کوه گسترده شده است.

در بلندترین نقطه کوه، شاه‌نشین و اتاقهایی جهت اسکان ایجاد شده‌اند و ظاهراً فضای ۸ گوش آجری که مجموعه‌ای از ایوان و اتاق بوده، مرکزیت این قسمت را تشکیل می‌داده است. ورودی قلعه نیز که از سمت شمال به قلعه راه می‌یافته، در همین قسمت قرار داشته است. در این قسمت از قلعه منفذهای متعددی جهت دیده‌بانی وجود داشته است.

آجرهای شاه‌نشین به شکل مربع و مستطیل و در ابعاد گوناگون هستند و بر روی اکثر آنها علائمی متشکل از یک، دو و یا سه خط ایجاد شده است. پوشش اتاقها آجری و ضربی بوده و چنین به‌نظر می‌رسد که بنای هشت‌گوش بر روی مخزن آبی احداث شده باشد.

بخش مرکزی قلعه که در سطحی پایین‌تر از شاه‌نشین و سمت غربی آن واقع شده، شامل آب‌انبارها و مخازن و سیلوهای آذوقه بوده که وسعت نسبتاً زیاد آنها امکان ذخیره مقدار زیادی آب و آذوقه را فراهم می‌ساخته است. در این قسمت یک مخزن آب با پلان مستطیل و با فاصله کمی از آن مخزن دیگری با پلان دایره و یک پاشیر احداث شده است. پوشش مخزن مدور گنبدی بوده است. دیوار مخازن مزبور با سنگ لاشه و ملات گل و آهک و اندود ساروج بالا آمده و پوشش آنها را با آجر شکل داده‌اند.

دو بخش اصلی قلعه در داخل یک حصار واقع شده است. حصار مزبور با سنگ‌لاشه و ملات گل ساخته شده و برجهای مدور دو طبقه، در گوشه‌ها، میانه اضلاع و طرفین ورودی دارد. علاوه بر حصار اصلی قلعه که سطح صاف قلّه کوه را دور زده است. در سمت شمالی و خارج از حصار، با دیوارکشی تالار مستطیل شکلی را جلو ورودی ایجاد کرده‌اند که از عملکرد اصلی آن اطلاعی در دست نیست.

سومین بخش قلعه که خارج از حصار و حدود ۵۰ متر پائین‌تر از قلعه بر سطحی صاف و مدور وجود داشته، مجموعه‌ای متشکل از سه واحد ساختمانی مجزا از همدیگر؛ شامل یک واحد سه اتاقه در جنوب، یک واحد یک اتاقه در غرب و یک واحد دو اتاقه در سمت شرق و نزدیک ورودی، بوده است. این مجموعه که خود در حکم قلعه‌ای کوچک با دیوار سنگی است، شکلی تقریباً مدور به قطر ۴۰ متر دارد. شواهد نشان می‌دهد این قسمت در ارتباط مستقیم با قسمت اصلی قلعه قرار داشته است.

با توجه به مطالعات تاریخی صورت گرفته به نظر می‌رسد چشمه قلعه یکی از قلاع اسماعیلیه و از آن خواجه مجدخوافی در اوایل قرن هشتم هجری بوده است. نامبرده با توسل به این قلعه و قلعه‌های دیگری که در منطقه داشته، بر علیه سلطان ابوسعید دست به شورش می‌زند اما شورش وی سرکوب و ظاهراً قلاع او نیز ویران می‌شوند.

منبع: لباف خانیکی. ۱۳۷۰، ص ۱۰۷-۱۰۱

قلعه دختر زیدر (شیروان)

بقایای این قلعه بر فراز کوه بلندی در نزدیکی روستای زیدر و ۶۵ کیلومتری شمال شیروان و نزدیک مرز ایران و ترکمنستان واقع شده و از آثار دوره اسلامی به شمار می‌آید.

قلعه دختر زیدر در مرتفع‌ترین نقطه کوه ساخته شده و تنها دارای یک راه صعب‌العبور است. بر بالای قلّه کوه آثار دیوارهای سنگی و قطور، واحدهای مسکونی و مخروبه سنگی، آب‌انبار و برج و بارو دیده می‌شود. از این قسمت می‌توان به تمامی نواحی پیرامون اشراف کامل داشت و با تعداد کمی محافظ از قلعه حفاظت کرد.

منبع: مقیمی. ۱۳۷۰، صص ۴۲-۲۴۱

قلعه دختر شوراب (گناباد)

بقایای این قلعه برفراز ارتفاعات مجاور روستای شوراب و ۱۵ کیلومتری شهر گناباد واقع شده است. بنای اولیه قلعه منسوب به دوره ساسانی است اما در دوره اسلامی بازسازی شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

بقایای قلعه دختر شوراب مرکب از سه فضای معماری است که تمامی آنها به‌صورت برآمدگی بقایای ساختمانی از شرق به غرب گسترده شده است. بخش تحتانی آن مدخل قلعه به‌شمار آمده و

مشتمل بر برج مدور، رشته بلندی از دالان‌های مسقف با دیوارهای عریض و نیم‌برجهای تقویت‌کننده است. قسمت فوقانی آن نیز اختصاص به‌تالار و اتاقهای وسیع و برجهای مدور و نیم‌دایره‌ای داشته است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی خراسان

قلعه دختر شوسف (نهبندان)

بقایای این قلعه برفراز کوهی بلند، در ۵ کیلومتری شوسف و جنوب روستای طارق (از توابع شهرستان نهبندان) واقع شده است. بنای اولیه قلعه منسوب به دوره ساسانی است اما در دوره اسلامی و به ویژه در قرن ۵ و ۶ هجری و توسط اسماعیلیه مورد بازسازی و استفاده مجدد قرار گرفته است.

این قلعه سنگی که مردم شوسف آن را به نام قلعه دختر و مردم طارق به نام قلعه رستم می‌شناسند، صعب‌الوصول‌ترین قلعه نهبندان به‌شمار می‌آید. نقشه قلعه متناسب با ناهمواری‌های کوه شکل گرفته و شکل منظم و هندسی ندارد.

در این قلعه و در قسمت‌هایی که به دلیل شیب زیاد، امکان صعود وجود نداشته، استحکامات کمتری ساخته‌اند اما در بخش‌های دیگر تدابیر دفاعی و استحکامی ویژه‌ای اتخاذ شده است.

بقایای این بنا به شماره ۳۵۱۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

قلعه دختر گاویج (بیرجند)

بقایای این قلعه برفراز صخره‌ای سنگی در یک کیلومتری شرق روستای گاویج، از توابع بخش «درمیان» شهرستان بیرجند واقع شده است. بنای اولیه قلعه منسوب به دوره ساسانی است. به‌دلیل وسعت تخریب، وضعیت معماری قلعه مشخص نیست و تنها بقایای حصار آن، به‌ویژه دیوار ضلع شمالی، برجای مانده است. بقایای این بنا به شماره ۹۷۹۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

قلعه دختر گوجگی (مشهد)

بقایای این قلعه در روستای گوجگی و ۳۶ کیلومتری شمال شهرستان مشهد و در دامنه‌های جنوبی کوه‌های هزارمسجد و سر راه ارتباطی کلات به مشهد واقع شده است. بنای قلعه دختر گوجگی ظاهراً در دوره افشاریه برفراز یکی از معابر منطقه و برای جلوگیری از تاخت و تاز ترکمن‌ها به سمت مشهد، ساخته شده است.

منبع: منتخبی. ۱۳۴۸، صص ۵۸-۵۶

قلعه دختر مزار (بجستان)

بقایای این بنا برفراز قلّه کوهی منفرد و رفیع، در پنج کیلومتری جنوب‌غربی قریه مزار، از توابع بجستان گناباد، واقع شده است. احتمال می‌توان داد بنای اولیه در دوره ساسانی ساخته شده و در سده‌های نخستین اسلامی و سپس در دوه قدرت‌گیری اسماعیلیه(قرن ۵ و ۶ هجری) بازسازی و مورد استفاده مجدد قرار گرفته باشد. قلعه دخترمزار بر روی قلّه کوه مذکور، در چند سطح مختلف ساخته شده که علی‌رغم تمایز آنها در کل مجموعه واحدی را تشکیل می‌دهند. بخش‌های مختلف این قلعه عبارتند از: قسمت شمال‌شرقی، شمال‌غربی، جنوبی و مرکزی.

قسمت شمال‌شرقی و غربی، که حدود ۳۰ متر پایین‌تر از قسمت مرکزی قرار گرفته‌اند، دربرگیرنده بخش‌های ذیل می‌باشند: دیواری سنگی که از پایین شروع شده و تا پایه قسمت مرکزی امتداد می‌یابد و ضخامت آن بیش از یک متر و ارتفاع باقیمانده آن حدود یک متر است. در وسط این دیوار آثار باقیمانده یک برج نیم‌دایره قابل‌شناسائی است. در کنار این برج بقایای مدخل‌هایی به عرض تقریبی یک متر دیده می‌شود. این مدخل‌ها از قسمت شمال‌شرقی به قسمت شمال‌غربی امتداد یافته و در آخر از طریق دروازه عریض‌تری به قسمت مرکزی راه پیدا می‌کنند. در این قسمت همچنین بقایای اتاقهایی به ابعاد مختلف و آب‌انبارهای ساخته شده از سنگ و ساروج، دیده می‌شود. نکته قابل‌ذکر در معماری این بخش، اینست که بخشی از دیواره اتاقها و آب‌انبارها را صخره طبیعی کوه شکل می‌دهد.

در قسمت جنوبی قلعه آثار قابل‌توجهی دیده نمی‌شود اما قسمت مرکزی به مساحت ۳۰×۵۰ متر مهم‌ترین بخش قلعه را به خود اختصاص داده است. با توجه به آثار موجود این قسمت از خارج به داخل مشتمل بر سه حلقه است که حلقه‌های بیرونی نسبت به حلقه داخلی در سطح پائین‌تری قرارگرفته‌اند. حلقه خارجی شامل دیوارهایی در قسمت غربی، شمال و شرقی است. این دیوارها با برجهایی تقویت شده‌اند. مرتفع‌ترین بخش باقیمانده دیوار غربی ۸/۲۰ متر ارتفاع دارد و ضخامت آن نیز به ۲/۱۰ متر بالغ می‌شود. دو نیم برج این دیوار، در فاصله ۲۴ متری از همدیگر قرار گرفته و شعاع داخلی هریک ۲/۷۵ متر است. در سطح این دیوار، علاوه بر نیم‌برجها، روزنه‌های مستطیل‌شکل تعبیه شده است. دیوار غربی در قسمت شمالی به دروازه بزرگی منتهی می‌شود. در پشت این دیوار ساختمان‌هایی به اشکال مربع و ابعاد هر ضلع ۸ متر دیده می‌شود. از دیوار شرقی نیز بقایای یک دروازه به عرض ۴ متر و ضخامت پایه ۲/۵ متر، یک برج مدور به محیط ۳۲ و ارتفاع باقیمانده ۵ متر، باقی مانده است.

نکته قابل‌ذکر در این قسمت وجود بقایای تیرهای چوبی در داخل دیوار سنگی است که احتمالاً برای استخوان‌بندی دیوار و جلوگیری از

نشست آن کار گذاشته شده است. در پشت دیوار شمالی نیز بقایای اتاق و یک آب‌انبار به ابعاد هر ضلع ۸ متر دیده می‌شود. دیوار شرقی به علت شیب تند کوه در این قسمت، ویران شده است.

حلقه میانی قلعه فضایی است به عرض حدود ۸ متر، در حد فاصل حلقه بیرونی و داخلی. وضعیت این قسمت چندان مشخص نیست. احتمال دارد فضای بازی را تشکیل می‌داده است. در میان حلقه مرکزی بقایای تالارهای صلیبی شکل، مستطیل شکل و مربع به همراه تأسیسات مرتبط دیگر دیده می‌شود.

طول بازوی شمالی تالار صلیبی شکل که وضعیت مشخص‌تری دارد، در حدود ۳/۵ متر و عرض آن ۴ متر است. در جلو دهانه این بازو و دیوار طرفین آن یک سکو و در جلو آن محلی به عمق یک متر با دیوار سنگی دیده می‌شود که به حوضچه شباهت دارد. تالار مستطیل شکل نیز ۸ متر عرض و ۱۶ متر طول دارد و در شمال آن راهروئی به عرض ۱/۴۰ متر وجود دارد. ضخامت دیوارهای این تالار به یک متر می‌رسد. با توجه به ابعاد تالار این احتمال وجود دارد اینجا در اصل فضای رو بازی بوده است. در یک گوشه این فضا بقایای برجی توپُر به شعاع ۱/۵ متر دیده می‌شود و احتمال دارد مشابه چنین برجی در گوشه‌های دیگر آن نیز وجود داشته است. علاوه بر تأسیسات مذکور، در اطراف قلعه دختر بقایای حفره‌ها یا حوضچه‌های کوچک ذخیره آب و نیز یک کانال خندق مانند در کمرکش کوه و سمت شمال‌غرب آن وجود دارد.

عمده مصالح مورد استفاده در قلعه، سنگ با ملات گچ و خاک و یا ساروج است. سطح دیوارها نیز در مواردی با ساروج و گچ اندود شده است. در کنار مصالح سنگی، آجرهایی به ابعاد مختلف به کار برده شده است.

منبع: زمانی. ۱۳۵۱، صص ۶۳-۲۵۳

قلعه رونج (تربت‌جام)

بقایای این بنا بر روی یک تپه باستانی در ۲۶ کیلومتری شمال غرب تربت‌جام واقع شده و با توجه به سفالینه‌های پراکنده در سطح قلعه، به نظر می‌رسد قلعه یا ارگ رونج از قرن سوم هجری تا دوره اخیر مورد استفاده قرار داشته است. بقایای این قلعه در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: روزنامه همشهری. ۸۰/۶/۱۱، ص ۸

قلعه زیبد (گناباد)

بقایای این بنا در جنوب‌غربی روستای زیبد، از توابع شهرستان گناباد و در ابتدای تنگل زیبد، بر روی یک تپه به ارتفاع ۲۵ متر واقع شده است. قلعه زیبد دارای پلانی تقریباً مستطیل شکل نامنظم به ابعاد تقریبی ۳۰×۴۳ متر است و در هر گوشه برجی مدور دارد. ضلع شرقی قلعه بزرگ‌تر از ضلع غربی است و برجها نیز از نظر ابعاد تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. قطر داخلی این برج‌ها بین ۳/۸۰ تا ۲/۴۳ متر متغیر است. مرتفع‌ترین بخش باقیمانده برج‌ها در حدود ۵ متر است. نقشه بناهای داخلی قلعه به جهت ویرانی کامل چندان مشخص نیست و عمده مصالح استفاده شده در بنا را سنگ‌لاشه با ملات گچ و ساروج تشکیل می‌دهد اما از آجر نیز در میان سنگ‌ها و احتمالاً برای پوشش فضاهای مختلف استفاده شده است.

در این قلعه آب‌انباری مدور به قطر حدود ۵ متر وجود دارد که با آجر ساخته شده است. بخش اصلی آب قلعه ظاهراً از طریق تنگل زیبد (به اصطلاح محلی آب کوه) تأمین می‌شده و بقایای مجرای انتقال آب در فاصله حدود ۳۰۰ متری جنوب قلعه قابل‌تشخیص است.

منبع: زمانی. ۱۳۵۱، صص ۵-۵۴

قلعه زینل آباد (نهبندان)

بقایای این قلعه در شهرستان نهبندان واقع شده و از آثار دورهٔ تیموری به شمار می‌آید که به شماره ۳۹۷۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

قلعه سنگی بندان (نهبندان)

این قلعه در روستای بندان و ۷۵ کیلومتری شرق نهبندان واقع شده و از آثار دوره تیموری به‌شمار می‌آید که با بازسازی و تعمیر تا دوره قاجاریه مورد استفاده قرار گرفته است.

قلعه سنگی روستای بندان مشتمل بر یک ایوان ورودی، یک صحن وسیع با چهار ردیف اتاق و یک حصار بلند به ارتفاع ۱۰ متر می‌باشد. در چهار گوشه این حصار، برج‌های بلندی بوده که اکنون تنها یکی از آنها در گوشه جنوب‌غربی سالم مانده است. این برج در ۳ طبقه ساخته شده است. قلعه سنگی‌بندان به شماره ۳۶۸۶ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

قلعه سهل آباد (زاوه)

این قلعه در روستای سهل‌آباد از توابع ولایت زاوه واقع شده و ظاهراً در گذشته روستای سهل‌آباد در داخل آن قرار داشته است.

قلعه سهل‌آباد با پلان مستطیل شکل به ابعاد ۲۰۰×۳۰۰ متر بنا شده و دارای حصاری با برج‌های دفاعی است. داخل قلعه از یک خیابان‌کشی منظم و شهرگونه برخوردار است؛ یعنی دروازه ورودی قلعه که درمیان دو برج قرار دارد، از طریق خیابان مشجر، مستقیم و

سنگفرشی به برجهای انتهایی قلعه می‌رسیده و کوچه‌ها به صورت منظم در اطراف این خیابان اصلی قرار گرفته و واحدهای مسکونی نیز در اطراف این کوچه‌ها و معابر ساخته شده بودند.

منبع: خسروی. ۱۳۶۹، ص ۳۳۲

قلعه شاهدز (نهبندان)

بقایای این قلعه که به قلعه شاهی نیز شهرت دارد برفراز کوهی مشرف به روستای خوانشرف و ۶کیلومتری جنوب‌شرقی نهبندان واقع شده و از بزرگ‌ترین قلعه‌های سنگی ایران محسوب می‌شود. بنای اولیه قلعه شاهدز منسوب به دوره ساسانی است اما در دوره اسلامی و به ویژه در دوره قدرت اسماعیلیه(قرن‌های ۵ و ۶ هجری) این قلعه رونق زیادی داشته است. در این دوره با توجه به متون تاریخی جمعیتی بالغ بر سه‌هزار تن در این قلعه زندگی می‌کردند.

در قلعه شاهدز دو نوع معماری یا بنا را می‌توان دید؛ نوع نخست که با سنگ و ملات ساخته شده و از ارتفاع و استحکام زیادی برخوردار می‌باشند و اصطلاحاً به آنها شاه‌نشین قلعه می‌گویند و نوع دوم که به صورت خشکه‌چین(بدون ملات) هستند و از ارتفاع کمتری برخوردارند و احتمالاً برای اسکان محافظان و مدافعان قلعه مورد استفاده بوده است. قسمت عمده معماری قلعه از نوع دوم است که به صورت محلات متعدد و متراکم ساخته شده‌اند. در این قلعه حدود هزار واحد مسکونی شمارش شده است. درمیان این واحدها، کوچه‌ها و معابر متعدد و میدانگاه‌هایی در نظر گرفته شده است.

پوشش مورد استفاده در بناهای شاه‌نشین از نوطاقی بوده اما بقیه واحدها به‌نظر می‌رسد پوششی مسطح و تیرپوش داشته‌اند که امروزه آثاری از آنها برجای نمانده است.

قلعه شاهدز از جانب شرقی و جنوب‌شرقی با دیواره‌ها و پرتگاه‌های طبیعی کوه محافظت می‌شود با این حال در این بخش نیز برج‌های دیده‌بانی و مراقبت ساخته شده است. در دیگر قسمت‌ها که امکان نفوذ وجود داشته دیواره‌های سنگی، به صورت خشکه‌چین، ایجاد کرده‌اند. علاوه بر واحدهای مسکونی، در سطح قلعه و بر روی صخره کوه حوضچه‌های متعدد ذخیره آب ساخته‌اند که یک مورد از آنها طرحی پلکانی شکل دارد. قلعه شاهدز به شماره ۲۲۶۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: حسن‌آبادی. ۱۳۷۹

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

قلعه شاه‌نشین (زیبدگناباد)

بقایای این قلعه برروی کوه منفرد و مخروطی شکلی در مغرب تنگل زیبد و ۵کیلومتری قریه زیبد، از توابع گناباد، واقع شده است. این کوه از شمال به تنگه بیدو، از جنوب به تنگه کم‌چنار و از مغرب به دره پشت کاریز شهاب محدود می‌شود.

دسترسی به بالای قلّه‌کوه به جهت شیب تند و ارتفاع زیاد کار دشواری است. بر بالای این قلّه بقایای ویران شده قلعه‌ای دیده می‌شود که با مصالح سنگ و آجر ساخته شده و با توجه به شواهد موجود مربوط به دوره اسلامی می‌باشد. ابعاد تقریبی آثار در حدود ۳۲×۷۵ متر بوده و در انتهای شمالی آن حوضچه‌ای سنگی به قطر تقریبی ۶ متر و عمق بیش از ۵ متر دیده می‌شود.

منبع: زمانی. ۱۳۵۱، صص ۷-۵۵

قلعه شیروان

بقایای این بنا برفراز قلّه بلندترین کوه جانب‌غربی روستای «قلعه زو» و ۲۵ کیلومتری شمال‌غرب شیروان واقع شده و احتمال دارد از آثار دوره تیموری بوده باشد. دسترسی به این کوه حتی بدون درنظر گرفتن استحکامات قلعه کاری دشوار است.

با توجه به بقایای موجود، قلعه نقشه‌ای چهار ضلعی داشته و در زوایای آن چهار برج تدافعی وجود داشته است. برج جنوب‌غربی به ارتفاع ۹ متر از سطح صخره، سالم برجای مانده است. طول دیوارهای قلعه در حدود ۱۲۰ متر و عرض آن در قسمت‌های مختلف بین ۵۰ تا ۸۰ متر متغیر است. ضخامت دیوارها نیز حدود ۴ متر است.

مصالح مورد استفاده در برج و بارو و بناهای داخلی، سنگ، آجر و ملات گچ و تیرهای چوبی است. در داخل قلعه بقایای واحدهای بزرگ شاه‌نشین و واحدهای کوچک‌تری در اطراف آن قرار گرفته که بعضی از واحدهای کوچک به وسیله پل و نقب به برج‌ها ارتباط پیدا می‌کنند.

در قسمت شرقی بنا آب‌انبار بزرگی احداث گردیده که دیوارهای آن با آجر بالا آمده و دارای پوشش ضربی است. در ضلع شمالی آب‌انبار بقایای کوره آجرپزی و در بخش دیگر قلعه، بقایای حمام قابل‌شناسائی است.

منبع: مقیمی. ۱۳۷۰، صص ۳۸-۲۳۶

قلعه صعلوک (اسفراین)

بقایای این قلعه برفراز قلّه‌ای از ارتفاعات آلاداغ و در شمالی‌ترین نقطه از دره‌ای که روستاهای «توس» و «زاری» در آن قرار دارند و در غرب اسفراین واقع شده است. در این محل بقایای بنائی چهارگوش و آسیابی از سنگ قرار گرفته که توسط اهالی قلعه صعلوک نامیده می‌شود. حمدالله مستوفی در نزهة‌القلوب به قلعه صعلوک اشاره کرده اما آن را در شمال اسفراین دانسته است.

منبع: فدائی. ۱۳۷۴، ص ۷۳

قلعه طبس مینا (بیرجند)

بقایای این قلعه در طبس مینا (مسینا؟)، از توابع شهرستان بیرجند و نزدیک مرز افغانستان واقع شده و از قلاع اسماعیلیه به شمار می‌آید (نقشه ش ۱۶۱).

این قلعه برروی تپه مرتفع و صخره‌ای قرار دارد و پلان آن متناسب با توپوگرافی تپه مزبور شکل گرفته است. قلعه طبس دارای برج و باروی مستحکم، سربازخانه، بخش حاکم‌نشین و تأسیسات مورد نیاز دیگر است. سربازخانه این قلعه مشتمل بر اتاقهای مستطیل‌شکلی است که در دو طرف یک راهرو ساخته شده‌اند.

منبع: کلایس. ۱۳۶۶، صص ۱۱۰ و ۱۲۴

قلعه فرود (گناباد)

بقایای این قلعه برفراز کوهی منفرد و مرتفع در ۶ کیلومتری جنوب‌شرقی قریه کلات و ۳۰ کیلومتری جنوب‌غربی گناباد و در شرق جاده آسفالته گناباد ـ فردوس واقع شده است. کوه مذکور از ارتفاع و عظمت زیادی برخوردار بوده و توسط دو تنگه و دو دره از کوه‌های مجاور خود جدا افتاده است. ویرانه‌های قلعه فرود در یک محوطه تقریباً صلیبی‌شکل پراکنده شده است. در میان این ویرانه‌ها بقایای برج و بارو، معبرها و تأسیسات دیگر قلعه که تماماً از سنگ و ملات گچ و ساروج و در مواردی آجر، ساخته شده‌اند، قابل‌شناسائی است. دیوارها با برج‌هایی تقویت شده و دارای شکاف‌هایی جهت دیده‌بانی و تیراندازی است. این شکاف‌ها به فاصله ۱/۵ متری از یکدیگر قرار دارند.

بخش مرکزی قلعه که ارگ بالا نامیده می‌شود، در مرتفع‌ترین نقطه قرار گرفته و قطری در حدود ۵۰ متر دارد. در این بخش بقایای بناهای متعددی از جمله تالاری به ابعاد ۴×۶ متر دیده می‌شود. ضخامت دیوارهای این قسمت بیش از یک متر است. اثر دیگر، دیوارهای سنگی ایوان است به ابعاد ۵×۶ متر که ظاهراً در اطراف آن هم فضاهای معماری وجود داشته است. آجرهای فرو ریخته در این قسمت مؤید آن است که پوشش‌های طاقی با کمک آجر اجرا می‌شده است. ابعاد این آجرها ۷×۲۸×۲۸، ۷×۱۴×۲۸، ۶×۱۶×۳۳، ۳×۲۰×۲۰ سانتیمتر است. در میان آجرها انواع چند ضلعی به طول هر ضلع ۲۳ سانتیمتر نیز دیده می‌شود.

در میان بقایای قلعه آب‌انبارهای بزرگی نیز دیده می‌شود. یکی از این آب‌انبارها ۲۰×۳۰ متر وسعت دارد. آب‌انبار دیگر به طول و عرض ۴×۵ متر، با پوشش آجری و اندود ساروج و عمق باقیمانده ۱/۵ متر دیده می‌شود. در کنار تأسیسات اصلی قلعه، در دامنه کوه بقایای غارهای کنده شده در صخره و نیز آسیاب‌هایی برجای مانده است.

بنای اولیه قلعه احتمال دارد در دوره ساسانی ساخته شده باشد اما مدارک موجود نشان می‌دهد که بنا در دوره سلجوقی و ایلخانی نیز مورد استفاده بوده و احتمالاً از جمله قلاع اسماعیلیه به‌شمار می‌آمده است.

منبع: زمانی. ۱۳۵۱، صص ۳۹-۳۱

قلعه فرود (مشهد)

بقایای این قلعه در شهرستان مشهد واقع شده و از آثار دوره افشاریه به‌شمار می‌آید که به شماره ۶۷۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه فقت (اسفراین)

بقایای این قلعه برفراز تپه‌ای مابین قراء نوشیروان و دنج و در شمال‌شرقی اسفراین واقع شده است. در این محل بقایای مربوط به حصار و بناهای داخلی قلعه به‌دست آمده که اهالی آن را «فقت‌دژ» می‌نامند و بنای آن را مربوط به دوره ساسانی می‌دانند، اما اشیاء به‌دست آمده از این محل مربوط به دوره اسلامی و از جمله دوره ایلخانی است.

منبع: فدایی. ۱۳۷۴، ص ۷۱

قلعه فورک (بیرجند)

این قلعه برفراز صخره‌ای سنگی در روستائی به همین نام و ۸۰ کیلومتری شرق شهرستان بیرجند واقع شده و از قلاع زیبا و در خور توجه خراسان به‌شمار می‌آید. بنای اولیه قلعه در زمان نادرشاه افشار ساخته شده و در دوره‌های بعد بازسازی و تعمیراتی در آن صورت گرفته است (تصویر ش ۱۶۲). قلعه فورگ بر بالای صخره‌ای سنگی با ۱۸ برج دفاعی مدور و مصالح سنگ و ملات گل و آهک بنا شده و دارای سه بخش اصلی است: بخش مربوط به خدمتکاران و خدمه، بخش مربوط به نظامیان و محافظان قلعه و در نهایت بخش اصلی و هسته مرکزی، یعنی ارگ قلعه که محل استقرار حاکم و امیر قلعه بوده است. در سالهای اخیر قلعه فورگ به همت سازمان میراث فرهنگی بیرجند تعمیر و مرمت شده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی خراسان

قلعه قاین / حسین قاینی

بقایای این قلعه برفراز قلّه‌ای نسبتاً بلند در ۵ کیلومتری جنوب شهرستان قاین واقع شده است. منطقه قاینات یکی از مهم‌ترین مراکز تحت‌تسلط اسماعیلیان در قرن ششم هجری بوده است، لذا تعداد زیادی قلعه و استحکامات نظامی توسط پیروان فرقه اسماعیلیه

برفراز ارتفاعات این منطقه ساخته شده است. یکی از مهم‌ترین و عظیم‌ترین این قلعه‌ها، قلعه حسین‌قاینی است(نقشه و تصویر ش ۶۵-۱۶۳).

تعدادی از محققان خارجی از جمله دکتر بلد و سر پرسی‌سایکس، قلعه قاین را همان «ارتا گرانا»ـ ی هخامنشی می‌دانند که در مقابل لشکریان اسکندر مقدونی مقاومت می‌کرد. همچنین مشهور است که خواجه‌نصیرالدین طوسی در زمان حکومت ناصرالدین محتشم قهستانی، مدتی را در این قلعه زندگی کرده و کتاب «اخلاق ناصری» را در همین محل شروع به نگارش کرده است. قلعه حسین قاینی دارای چندین دیواره دفاعی است و از استحکامات فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌باشد.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی خراسان

کلایس، ۱۳۶۶، صص ۱۰۹ و ۱۲۹

قلعه قدیم شهر جاجرم

بقایای ویرانه این بنا در داخل شهر جاجرم واقع شده و از انواع قلعه‌های جلگه‌ای است که اهالی محل در مواقع خطر در آن پناه می‌گرفته‌اند(تصاویر ش ۶۶-۱۶۵).

کلنل سی، ام، مک گرگر در سفرنامه خود در ارتباط با این قلعه می‌نویسد: «قلعه قدیمی که اکنون به ویرانه‌ای مبدل شده در روی یک تل خاک به ارتفاع ۴۰ پا در وسط روستا ساخته شده و تا آنجا که از خرابه‌ها پیداست به شکل مربعی بوده با دیوارهایی به ارتفاع حدود ۳۰ پا، برج مستحکمی در وسط دژ قرار داشته و پانزده پا بلندتر بوده است. هم‌اکنون بیش از بیست سال می‌گذرد که کسی در این قلعه ساکن نیست... خندقی پهن و عمیق که در دامنه تل خاکی کنده شده، قلعه را احاطه کرده و روی‌همرفته می‌توان گفت اینجا در قدیم قلعه‌ای بسیار محکم بوده است».

منبع: پازوکی، ۱۳۷۶، صص ۱۱۵-۲۱۴

قلعه کاسگان(نهبندان)

بقایای ویرانه این قلعه در شهرستان نهبندان واقع شده و از آثار دوره‌قاجاریه به‌شمار می‌آید که به شماره ۳۹۶۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

قلعه کلاته محمدخان(نهبندان)

بقایای این قلعه در نهبندان واقع شده و از آثار دوره اسلامی به‌شمار می‌آید که به شماره ۴۴۹۱ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

قلعه کهنه گنبدلی (سرخس)

بقایای این قلعه در شهرستان سرخس واقع شده و قدمت آن به قرن ۵ هجری می‌رسد. بقایای موجود به شماره ۶۵۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی خراسان

قلعه گوند(نهبندان)

بقایای این قلعه در شهرستان نهبندان واقع شده و از آثار دوره قاجاریه است که به‌شماره ۳۹۷۷ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

قلعه محمودآباد (تربت‌جام)

این بنا که در محل «رود قلعه محمودآباد» خوانده می‌شود و در سابق نیز «زرشتک» نام داشته، در روستای محمودآباد و ساحل چپ رودخانه جام و قریه‌لنگر(از توابع شهرستان تربت‌جام) واقع شده است.

رود قلعه محمودآباد با نقشه مستطیل‌شکل، به ابعاد ۲۵۰×۳۰۰ متر ساخته شده و دور تا دور آن را دیوار مستحکمی به ارتفاع ۲۰ متر، با برج‌های دفاعی فراگرفته است. قلعه دو دروازه شرقی و غربی دارد. پایه‌های طرفین دروازه‌ها نمای آجری داشتند که امروزه مقداری از آن باقی است. روی دروازه‌ها حجره‌های بزرگی بنا شده بود که اکنون خراب می‌باشند. درکنار هر دروازه و زوایای قلعه برجی بلند ساخته‌اند که حدود ۲۰ متر ارتفاع دارند. علاوه بر برج‌های اصلی، در طول حصار قلعه و در فواصل معین شش برج کوچک‌تر وجود داشته که غالباً خراب شده و تنها آثار آنها برجای مانده است. عرض دیوار قلعه که با چینه بالا آمده، در حدود ۸ متر است. ضخامت این دیوار در محل دروازه‌ها به بیش از ۱۲ متر می‌رسد.

ساکنان محمودآباد در داخل و خارج قلعه و در درون خانه‌های گلی زندگی می‌کنند و قسمت‌هایی از دیوار قلعه را جهت مصارف خود خراب کرده‌اند. رود قلعه محمودآباد در قدیم «زرشتک» یا «زرشک» نام داشته و نهر اصلی آن که از جام‌رود منشعب می‌شود، اکنون به همین نام معروف است. در دو کیلومتری این قلعه، قلعه خرابه دیگری است که «قلعه زرشتک کهنه» خوانده می‌شود. این قلعه نیز از آثار دوره اسلامی است اما درخصوص تاریخ دقیق ساخت آنها اطلاعی در دست نیست.

منبع: مولوی، ۱۳۵۵، صص ۲۹-۲۸

قلعه میغان(نهبندان)

این قلعه که در شهرستان نهبندان واقع شده از آثار دوره صفویه

است و به شماره ۳۶۸۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی بیرجند

قلعه نهبندان

بقایای این قلعه بر فراز تپه‌ای باستانی در شهرستان نهبندان واقع شده و از ساخته‌های دوره صفویه به‌شمار می‌آید که خود بر روی آثار کهن‌تری بنا شده است. تپه مذکور حدود ۲۰ متر ارتفاع دارد و قلعه بر روی آن با قطری بیش از ۳۰۰ متر قرار گرفته و مشتمل بر حصار و برج‌های تدافعی، دروازه و بناهای متعدد داخلی است که امروزه به صورت ویرانه‌ای درآمده‌اند(تصاویر ش ۷۰-۱۶۸).

مرتفع‌ترین بخش قلعه سمت شرقی آن است که ظاهراً حاکم‌نشین قلعه بوده است. قلعه نهبندان در دوران آبادانی و رونق احتمالاً دروازه‌های متعددی داشته که هم‌اکنون یکی از آنها در سمت جنوب قلعه قابل‌تشخیص است. ورودی قلعه از طریق دروازه‌ای است که به یک فضای هشتی‌گونه و وسیع منتهی می‌شود. از انتهای این بخش گذرها و کوچه‌های متعدد منشعب می‌شوند. با توجه به ویرانی کامل بناهای داخلی قلعه، از جزئیات معماری آنها اطلاعی در دست نیست. عمده مصالح مورد استفاده در قلعه را چینه و خشت و ملات گل تشکیل می‌دهد اما از آجر و گچ نیز به مقدار کمتر استفاده شده است.

قلعه نهبندان به شماره ۱۹۳۴در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

نارین/نارنج قلعه بجنورد

بقایای این بنا که امروزه «قلعه کهنه‌کند» خوانده می‌شود، بر روی تپه‌ای به نام کهنه‌کند در شهرستان بجنورد واقع شده و از آثار دوره اسلامی است. محمد حسن‌خان صنیع‌الدوله که در دوره قاجار از این بنا دیدن کرده در کتاب «مطلع‌الشمس» می‌نویسد: «قلعه ارک بجنورد که حالا بقیه از آن باقیست از آثار برج و باره معلوم می‌شود که شکلاً مربع مستطیل بوده، دو طرف طول شش برج و دو طرف عرض چهار برج داشته، سوای دو برج طرفین دو دروازه که یکی در جنوب و دیگری رو به شمال است و دروازه شمالی همان دروازه قوچان است که ذکر شد. طول ارگ از مغرب به مشرق و عرض آن از جنوب به شمال و مسافت هر برج با برج دیگر پنجاه قدم و محیط هر برجی سی‌وسه قدم است. عمارت حکومتی که مسکن ابا و اجداد یارمحمدخان سهام‌الدوله بوده اغلب در ارگ و بعضی از آن رفیع و عالی و از آثار باقیه استحکام و جلوه بیش ازین آن ابنیه به نظر می‌آید».

منابع: شریعتی. ۱۳۴۵، ص۱۸۷

صنیع‌الدوله. ۲/۱۳۰، ص ۱۳۰

خوزستان

قلعه آبلش تاشان (بهبهان)

بقایای این قلعه در پایین روستای آبلش‌تاشان، از توابع شهرستان بهبهان، واقع گردیده و احتمال دارد از آثار دوره صفویه و یا از بناهای سران ایل آغاجری در دوره قاجاریه باشد. قلعه آبلش‌تاشان از سنگ و گچ بنا شده است.

منبع: مجیدی کرائی، ۱۳۷۸، صص ۹۵-۱۹۴

قلعه اوبید (شوشتر)

این قلعه در روستای اوبید قلعه از توابع بخش گتوند شهرستان شوشتر و در کنار جوی بزرگی که مسیر آب رودخانه‌ای است واقع شده و ظاهراً از ساخته‌های دوره قاجاریه است. تیرکش‌ها و پنجره‌های قلعه اوبید آجری است و کم و بیش حکایت از نفاستی در معماری قلعه دارد. روبروی این قلعه، خرابه‌های قلعه دیگری است که به‌طور کامل ویران شده و به تپه‌ای مبدل شده است.

منبع: اقتداری، ۱۳۵۳، ص ۷۶۸

قلعه دز زیدون (بهبهان)

بقایای این قلعه بر فراز کوهی در کنار رودخانه خیرآباد و نزدیک روستای امامزاده حیدر کرار واقع شده و باتوجه به سفالینه‌های مکشوفه احتمالاً از ساخته‌های دوره صفویه است. از قلعه دز زیدون امروزه تنها بقایای دیوار بیرونی آن برجای مانده است.

منبع: مجیدی کرائی، ۱۳۷۸، صص ۵۲-۱۵۱

قلعه سرجوشیر (بهبهان)

بقایای این قلعه در دامنه کوه حاتم و بر فراز تپه‌ای در نزدیکی چشمه جوشان «سرجوشیر» و در شهرستان بهبهان واقع گردیده و از آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود. قلعه سرجوشیر با سنگ و ملات گچ ساخته شده است.

منبع: مجیدی کرائی، ۱۳۷۸، صص ۹۵-۱۹۴

قلعه سلاسل (شوشتر)

بقایای این قلعه در آخرین نقطه شمالی شهرستان شوشتر و بر سطح صخره‌ای در کنار شاخه‌ای از رود کارون(رود شطیط) قرار دارد. موقعیت صخره در کنار رودخانه‌ای پر آب و خروشان، و کانالی از آن که از سمت دیگر صخره جاری است، به این صخره و قلعه بالای آن استحکام و نفوذناپذیری قابل‌توجهی بخشیده است.

بنای اولیه قلعه با توجه به شواهد و قرائن به‌نظر می‌رسد همزمان با ساختمان سد شاهپور، توسط شاهپور اول ساسانی ساخته شده و استفاده از آن با بازسازی‌ها و تعمیرات گسترده تا اواخر دوره قاجاریه ادامه یافته است. وجه تسمیه قلعه سلاسل ظاهراً به مناسبت کنگره‌ها و ساختمان‌های تودرتوی قلعه بوده که اعراب با مشاهده آنها چنین نامی را به آن داده‌اند. این نام از سده‌های نخستین اسلامی تاکنون در رابطه با این بنا کاربرد داشته است.

از بناهای قدیمی قلعه سلاسل امروزه آثار زیادی باقی نمانده است اما سابق بر این بناهای وسیعی بر سطح فوقانی و همچنین سطح زیرین صخره وجود داشته‌اند که به مرور زمان توسط عوامل طبیعی و انسانی ویران شده‌اند. همچنانکه اشاره شد قلعه سلاسل در دوره‌های مختلف بازسازی و تعمیر شده و از ساخته‌های ساسانی آن هیچ آثاری برجای نمانده است. آخرین‌بار این تعمیرات در زمان حکومت حسینقلی‌خان نظام‌السلطنه مافی(۱۳۰۶ هجری قمری) و به دستور ناصرالدین‌شاه صورت گرفت و ابنیه و آثار تازه بر آن افزوده شد. لرد کرزن که در سال ۱۳۰۷ هجری قمری از قلعه دیدن کرده، در توصیف آن نوشته است: «شهر شوشتر روی صخره‌ای بنا شده و قلعه برفراز آن قرار دارد، عرب‌ها اینجا را سلاسل نامیده‌اند و از زمان شاهپور بلکه پیشتر تاکنون مقر فرمانروایان خوزستان است. سربازخانه و قورخانه همه جنب قلعه قرار گرفته است». امام شوشتری نیز در این‌باره می‌نویسد: «قلعه سلاسل دژی است بسیار بزرگ، دارای حیاط‌های مفصل و متعدد و سربازخانه‌ها و طویله‌ها و حمام‌ها و شبستان‌ها و برج‌ها و باغچه‌ها و قورخانه(اسلحه‌خانه) و نقاره‌خانه‌ها و حرمخانه‌ها و آشپزخانه‌ها و حوض‌های بزرگ و حصار و خندق دارد که اکنون بیشتر آن ویران و ساختمان‌ها برهم ریخته شده است. شکل بیضی قلعه بی‌مانند و جایش بسیار باصفا، روی قطعه سنگی مشرف بر رود کارون بنا شده. هندسه بنایش برخلاف سایر ابنیه شرقی است. بنای ساختمان‌های چند طبقه در میانه و حیاط‌ها در اطراف آنهاست. سلاطین و امرای پیشین عمارت عالیه و قصرهای ممتاز که به طلا و مینا و لاجورد منقش بوده در آن ساخته بودند که آثار برخی از آنها تا روزگار ما باقی بود. خندق دور آن بسیار عمیق و عریض بود و به آب رودخانه کارون پیوند داشت و جز یکی دو پل راه رفت و آمد به قلعه نبود. این قلعه خیلی قدیمی است چه در فتح شوشتر به دست اعراب نام آن برده شده و پناهگاه هرمزان بوده است».

تا حدود سال ۱۳۱۴ شمسی هنوز قسمتی از ساختمان‌های آن پا برجا و سالم بود و کتیبه تعمیر آن، مربوط به سال ۱۳۰۷ هجری قمری بر یکی از سردرها نصب بوده است. اما امروزه آثار اندکی از آن همه بنا برجای مانده است. عمده خرابی‌های صورت گرفته مربوط به دوره پهلوی دوم است. در این دوره به پیشنهاد دارائی خوزستان و به دستور وزیر دارائی وقت بناهای تاریخی تخریب و بناهای جدیدی به جای آنها ساخته می‌شود.

از جمله بناهای قاجاریه قلعه که در این دوره تخریب شد، عمارت

خوابگاه ناصرالدین‌شاه بود که از زیباترین ابنیه دوره قاجاریه منطقه محسوب می‌شد. بنای اخیر با گچبری، کاشیکاری و نقاشی مزین بوده است. دکتر فوریه که در دوره قاجاریه از بنا دیدن کرده در توصیف این بنا می‌نویسد: «عمارت مربع شکل است، دورتادور آن غلام گردشی است با ستون‌های عدیده و توسط پلکانی به مرتبه اول راه دارد و در جلو آن سردری است به شکل طاق بر روی آن قرار گرفته و در وسط این سردر پلکان مرمری است با پانزده پله، عمارت خوابگاه با حجاری و ستون‌های گچی و نقوش گچبری تزیین شده و بر سردر پنجره‌های بیضی‌شکل آن، از گل و بوته گچبری‌های بسیار زیبا ساخته‌اند».

همچنانکه اشاره شد به سنت معماری منطقه و برای پرهیز از گرمای شدید خوزستان در زیر صخره فضاهای متعددی ساخته شده که امروزه بخش اندکی از آنها باقی مانده است و از طریق پلکان‌های کنده شده در صخره به آنها می‌توان رسید. در این بخش هرجا که لازم بوده صخره را تراشیده و فضاهای موردنظر را پدید آورده‌اند و در مواردی برای ساخت دیوارها و پوشش‌های طاقی از مصالح متداول(سنگ و آجر) استفاده کرده‌اند. بخش قابل‌توجه فضاهای زیرزمینی قلعه سلاسل در جریان فرسایش شدید صخره توسط رود کارون، از میان رفته است.

بقایای قلعه سلاسل به شماره ۱۱۱۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: پورکاظم. ۱۳۷۳، صص ۳۵-۳۳۴؛ رجبی. ۱۳۷۱، صص ۱۹-۱۱۸؛ صفائی. ۱۳۵۰، صص ۵۹-۵۵؛ فلاح‌فر. ۱۳۸۰، صص ۴۱-۴۰ میرفتاح. ۱۳۵۵، صص ۸۳-۵۹

قلعه شوش

این قلعه برفراز تپه باستانی، در شمال تپه آکروپل شوش واقع شده (تصویر ش ۱۷۱) و امروزه اداره میراث فرهنگی شوش در آن مستقر است. قلعه شوش در حدود سال ۱۸۹۸ میلادی به هنگام شروع کاوش‌های هیأت باستان‌شناسی فرانسه(به سرپرستی ژاک دمورگان) توسط این هیأت و به سبک قلاع قرون وسطای اروپا و با هدف جلوگیری از حملات مهاجمان به هیأت فرانسوی ساخته شده است. در ساخت این قلعه از مصالح جدید و قدیم و از جمله آجرهای کتیبه‌دار عیلامی استفاده شده است.

این بنا در فهرست آثار ملی ایران به‌ثبت رسیده است.

قلعه صالح (شوشتر)

بقایای این قلعه در کنار خرابه‌های شهر لور واقع و از جمله قلاع جلگه‌ای است که برای اسکان روستائیان ساخته شده است. این قلعه در حدود سال ۱۲۲۰ هجری قمری توسط حاج صالح‌خان مکری (حاکم وقت شهرهای شوشتر و دزفول) در کنار خرابه‌های شهر لور ساخته شده و وجه تسمیه آن نیز برگرفته از نام بانی است.

قلعه مزبور با پلان چهارگوش ساخته شده و دارای حصار و خندق و برج‌های دفاعی بوده است. حصار قلعه به ارتفاع حدود ۷ متر بوده و از ضخامت آن، با افزایش ارتفاع کاسته می‌شده است. قلعه یک دروازه داشته و خندق وسیعی اطراف آن را می‌گرفت که در مواقع خطر آن را با آب پر می‌کردند. برای محافظت و دیده‌بانی از قلعه و راه کاروانرو چند برج دیده‌بانی در ابتدای دروازه و چهار سوی قلعه تعبیه شده بود. مصالح مورد استفاده در بنا، گل و سنگ و آجر است.

آب قلعه را حاج صالح‌خان به‌وسیله یک رشته قنات از چشمه «کرزمی» واقع در کوه تنگدان تأمین کرده است. بعد از ساخت و اسکان در قلعه، تعداد جمعیت آن به ۱۰۰ خانوار می‌رسیده است. قلعه صالح ظاهراً حدود ۸۰ سال بعد از ساخت(حدود ۱۳۰۰ هجری قمری) ویران و متروک شده است.

منبع: جلالی عزیزیان. ۱۳۶۳، صص ۴۴-۴۰

قلعه گل و گلاب (سردشت زیدون)

بقایای این دو قلعه که در فاصله کمی از یکدیگر قرار دارند، در ۱۵ کیلومتری شمال‌شرق سردشت زیدون و ۵۴ کیلومتری جنوب‌شرقی بهبهان و دو فرسنگی روستای «علی گنجویی» واقع شده است. راه مالرو و پیاده این قلعه از نزدیکی روستای «علی گنجویی» آغاز می‌شود.

قلاع گل و گلاب بر بلندای دو کوه که دره‌ای کم‌وسعت به عرض حدود ۲۰ متر آن دو را از هم جدا می‌کند، ساخته شده‌اند. امروزه از این دو قلعه بقایای برج و بارو، دروازه، و واحدهای داخلی آنها که از سنگ لاشه و ملات گچ ساخته شده‌اند، باقی مانده است. در میانه این دو قلعه بقایای دیواره‌ای است که ظاهراً همانند پلی ارتباط آندو را برقرار می‌ساخته است.

بنای اولیه قلعه گلاب ظاهراً مربوط به دوره ساسانی است که در دوره‌های بعد و از جمله دوره قاجاریه با بازسازی و تعمیرات اساسی مورد استفاده مجدد قرار گرفته است. در زمان محمدشاه قاجار و حدود سال ۱۲۵۱ هجری قمری، ولیخان بکش حمسنی مدتی را در این قلعه پناه برده و با نیروهای دولتی به جنگ پرداخته است. فرهاد میرزا، فرمانفرمای فارس در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار، در کتاب «جام‌جم» می‌نویسد: «اما قلعه گل و گلاب در نزدیکی بهبهان است و در سال ۱۲۵۱ هجری قمری که ولی‌خان حمسنی در این قلعه متحصن شد، حسب‌الامر پادشاه مرحوم(محمدشاه قاجار) لشکر به آنجا شتافت. در حکومت نواب شاهزاده فیروز میرزا و وزارت معتمدالدوله (منوچهرخان) به اهتمام و یورش فوج دوم تبریز و خوی و حُسن تدبیر «هنری لنزی»، صاحب انگلیسی که بزرگ قشون بود، قهراً آن قلاع

حصینه مفتوح شد». ظاهراً ویرانی این دو قلعه مربوط به همین واقعه است.

در نزدیکی این دو قلعه بقایای قلعه دیگری به‌نام «قلعه ده مرد» وجود دارد که بر بالای رودخانه زهره ساخته شدهٔ است.

منبع: مجیدی کرائی. ۱۳۷۸، صص ۶۴-۱۵۵

زنجان

برج و باروی ارگ سلطانیه

بقایای ارگ سلطانیه در ۳۶ کیلومتری جنوب‌شرقی زنجان و در میان شهر کنونی سلطانیه و در مجاورت گنبد معروف سلطانیه واقع شده است. بنای اولیه ارگ و شهر سلطانیه به دوره ایلخانی و اواخر قرن ۷ و اوایل قرن ۸ هجری قمری برمی‌گردد. هنگامیکه ارغون‌خان(پسر آباقاخان)، چهارمین ایلخان مغول بر اریکه سلطنت تکیه زد، تصمیم گرفت در محل سلطانیه فعلی شهری بناکند. وی دستور داد «قلعه‌ای که دور باروی آن ۱۲ هزار گام باشد، از سنگ تراشیده بسازند». ارغون قبل از اتمام کارهای ساختمانی شهر جدید به سال ۶۹۱ هجری قمری درگذشت. غازان‌خان جانشین وی از پیگیری کار پدر منصرف شد و تبریز را به پایتختی برگزید و محله شنب‌غازان را در آنجا بنا نهاد. با به حکومت رسیدن اولجایتو(خدابنده)، او در سال ۷۰۵ هجری قمری دستور دادکار ساخت شهر سلطانیه از سرگرفته شود. وی فرمان داد تا شهری بسازند که ۳۰ هزار گام دور آن باشد و نیز قلعه‌ای به مساحت ۲۰۰۰ گام که با حصار و ۱۶ برج دربرگرفته می‌شد. عرض دیوارهای این قلعه به روایت مورخان چنان بود که چهار سوار پهلو به پهلوی یکدیگر می‌توانستند بر روی آن حرکت کنند. سلطان ایلخانی همچنین دستور ساخت بنای بی‌نظیر گنبد سلطانیه را صادر کرد و برای ساخت آن استادان و هنرمندانی از سراسر قلمرو ایلخانی را به سلطانیه دعوت کرد. در کنار ساخت و سازهایی که پادشاه بانی آنها بود، دیگر امراء و بزرگان کشوری و لشکری نیز بناها و محله‌های زیادی در شهر جدید برپا کردند. در حدود سال ۷۱۳ هجری قمری تقریباً همه عملیات ساختمانی سلطانیه به اتمام رسیده بود و به‌همین مناسبت جشن بزرگی ترتیب داده شد.

با درگذشت الجایتو در سال ۷۱۶ هجری قمری پایتخت جدید به سرعت موقعیت خود را از دست داد و به مرور زمان دچار رکود و ویرانی شد. بخشی از این ویرانی‌ها در جریان حملات تیمور لنگ رخ داد. با این حال قسمت‌هایی از شهر از جمله گنبد سلطانیه تاکنون پابرجا مانده است. با ساخت شهر جدید سلطانیه بقایای شهرقدیم در زیر ساختمان‌های جدید مدفون شدند و در موارد زیادی از مصالح بناهای قدیمی برای ساخت و سازه‌های جدید استفاده گردید.

ارگ سلطانیه قبل از ویرانی کامل مورد بازدید سیاحان و مورخان قرار گرفته و شرح و تصاویر نقاشی شده آن در کتاب‌ها آمده است. حافظ ابرو مورخ دوره تیموری ذیل جامع‌التواریخ رشیدی آورده: «... قلعه آن را دیوار از سنگ تراشیده کرده‌اند و بر سر دیوار آن چهار سوار پهلوی یکدیگر توانند راند و اصل قلعه مربع نهاده‌اند طول و عرض مساوی. هر دیواری به گز شرع پانصد گز چنانچه دو هزار گز دور آن باشد و یک دروازه و شانزده برج دارد... پادشاه و امرا عمارات بسیار در اندرون قلعه کرده بودند و خندق آنرا در غایت مغاکی رسانیده و دری بزرگ از آن مقطع کوفت کار بسیار کرده و به جهت قلعه...». کلاویخو سیاح اروپائی نیز که در دورهٔ تیموری از ارگ دیدن کرده می‌نویسد: «شهر سلطانیه در دشتی واقع و هیچ حصاری ندارد و در میان آن دژ بزرگی است که از سنگ ساخته‌اند و برج محکم دارد، برج‌ها و دیوارهای آن با کاشی‌های آبی آرایش شده و زیباست و در هریک از این برج‌ها یک عراده توپ قرار دارد».

کرپرتر دیگر سیاح اروپائی که در دوره قاجاریه از سلطانیه دیدن کرده و طرحی نیز از بقایای برج و باروی سلطانیه ارائه داده، در باره برج و باروی سلطانیه می‌نویسد: «... در زاویه شمال‌غربی‌بخشی از یک برج بزرگ و بارو به ارتفاع چهل فوت(حدود ۱۲ متر) برجا مانده که از سنگ‌های تراشیده و مکعب شکل ساخته شده و به نحو بسیار خوبی به یکدیگر جفت شده‌اند. پهنای بارو دوازده فوت می‌باشد. در بالا هنوز چند پایه ستون باقیمانده که متعلق به جان‌پناه‌های تیرکش‌هاست. دو کتیبه عربی هنوز سطح دیوار و برج را متمایز می‌نماید»(تصویر ش ۱۷۳).

با توجه به نوشته سیاحان و مورخان و کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته، امروزه به تقریب می‌توان ویژگی‌های برج و باروی ارگ سلطانیه را تشریح نمود. با توجه به موارد مذکور، حصار ارگ با پلان مربع یا مربع‌مستطیل بنا گردیده بود و احتمالاً یک دروازه اصلی در جبهه جنوبی و یک یا دو دروازه‌کوچک و فرعی در اضلاع دیگر داشته است. در فواصل معین این بارو و زوایای آن، ۱۶ برج نیم‌دایره و مستحکم قرار داده شده بود. سطح زیرین برج و بارو در تمامی طول بخش‌های کاوش شده همطراز بوده و این گویای خاکبرداری و تسطیح یکنواخت زمین در موقع پی‌کنی و شالوده‌سازی است. سطوح خارجی و داخلی حصار با سنگ‌های تراشیده و با استادی تمام کار شده بود و هسته داخلی دیوار نیز با شفته آهکی و سنگ قلوه پر شده است. بلندترین قسمت باقیمانده این دیوار در حدود ۴/۳۷ متر است. با این حال و با توجه به شواهد موجود می‌توان احتمال داد در اصل ارتفاعی در حدود ۹الی۱۲متر داشته است. البته ارتفاع برج‌ها بیش از این بوده است.

طول و عرض قلعه به نوشته مورخان، هر ضلعی ۵۰۰گز شرعی و با توجه به داده‌های باستان‌شناسی طول آن چیزی در حدود ۳۲۰ متر بوده است. براساس کاوش‌ها و مطالعات صورت گرفته، نقشه‌ای فرضی از این قلعه تهیه شده است(نقشه ش ۱۷۲) که پلان آن را مستطیل شکل نشان می‌دهد؛ با ۴ برج در اضلاع طولی و سه برج در اضلاع عرضی و نیز ۴ برج در چهار گوشه بنا. در صورت صحت این نقشه اضلاع شرقی و غربی ارگ طول بیشتری نسبت به دو ضلع دیگر داشته‌اند. همچنانکه اشاره شد سطوح خارجی دیوار با قطعات سنگ‌های تراشیده و مکعب‌شکل ساخته شده‌اند. این سنگ‌ها ارتفاعی مابین ۴۶ تا ۵۷

سانتی‌متر دارند اما طول آنها مابین ۲۰ تا ۱۵۷ سانتیمتر (در یک مورد ۲۲۲ سانتی‌متر) متغیر است. سطح نمای سنگها تراش کامل داشته و به خوبی به یکدیگر جفت شده‌اند. بر روی تعدادی از این قطعات علائم مربوط به سنگتراشان حک شده است.

از دیوار ارگ سلطانیه امروزه بقایای اندکی در کنار گنبد سلطانیه باقی مانده است و بقیه آن در زیر ساختمان‌های شهر کنونی سلطانیه مدفون شده، که در جریان بررسی و پیگردی‌های صورت گرفته، خود را نشان داده‌اند. باتوجه به مطالعات صورت گرفته حصار ارگ در قسمت پائین، دارای پنجه‌ای پیش آمده به ارتفاع ۳۵/۵ سانتیمتر بوده است. باتوجه به همین مطالعات ضخامت دیوار در قسمت بالا اندکی کمتر از قسمت پایین آن(به ازاء هر یک متر ارتفاع ۳/۵ سانتیمتر) بوده است که این امر برای ایستائی دیوار و جلوگیری از رانش آن مفید می‌باشد. در داخل برج جنوبی گنبد، راه‌پله‌ای وجود دارد که احتمالاً به مظهر قنات می‌رسیده است.

برج‌های حصار مقطع‌ای دایره در زوایا و نیم‌دایره در طول حصار داشتند(طرح ش ۱۷۴). قطر این برج‌ها به ۱۷/۵۰ متر و شعاع آنها به ۸/۷۵ متر و پیش‌آمده‌ترین نقطه آنها از امتداد بارو به ۱۱/۶۵ متر می‌رسد. با این توصیف برای ضخامت دیوار نیز می‌توان چیزی در حدود ۱۰ متر را پیشنهاد کرد.

برج و باروی ارگ با توجه به نوشته مورخان و نیز کشف قطعات کاشی فرو ریخته در کنار حصار، احتمالاً از داخل و خارج با باندها و قابهای کاشیکاری شده تزیین می‌شده است. در اطراف این حصار خندقی عمیق و عریض وجود داشته که بقایای گودی آن تا دوره اخیر برجای بوده است. در طرح ساماندهی محوطه باستانی سلطانیه محل این خندق‌ها به خیابان‌های جدید اختصاص داده شده است.

محوطه تاریخی سلطانیه به شماره ۱۶۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: ثبوتی. ۱۳۷۰

مهریار و دیگران. ۱۳۶۵، صص ۲۶۴-۲۰۹

ویلبر. ۱۳۴۶، صص ۵۳-۱۵۱

قلعه دختران / قیز لار قلعه‌سی (زنجان)

این بنا در شهرستان زنجان واقع شده و از آثار حدود قرن ۶ هـ.ق به‌شمار می‌آید که به شماره ۱۴۳۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه سانسیز / گور قلعه (زنجان)

بقایای این قلعه در منطقه طارم زنجان و کنار رودخانه قزل‌اوزن و روستای سانسیز واقع شده است. احتمال دارد بنای اولیه قلعه مربوط به دوره ساسانی باشد که در دوره اسلامی مورد استفاده مجدد قرار گرفته است. بقایای قلعه سانسیز برفراز تپه مرتفع و مجزائی قرار گرفته و دسترسی به آن به جهت شیب تند دامنه دشوار می‌باشد.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان زنجان

قلعه سهرین (زنجان)

بقایای این قلعه در ۳۰ کیلومتری زنجان و بر روی ارتفاعات شمالی مشرف به دشت سهرین واقع شده و بنای اولیه آن مربوط به قرن پنجم و ششم هجری است. آثار قلعه سهرین در طی کاوش‌های باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی استان زنجان کشف و معرفی شده است.

قلعه سهرین با پلان مستطیل شکل و به ابعاد ۸۲×۵۴ متر، با مصالح سنگ و گل ساخته شده است. ضخامت دیوارهای قلعه ۲ متر است و در قسمت نمای بیرونی از سنگ‌های تراشیده که با ملات گچ و آهک بندکشی شده، استفاده گردیده است. ارتفاع باقیمانده دیوار قلعه در بلندترین نقطه به ۳/۴۰ متر می‌رسد.

دروازه قلعه در دیواره جنوبی و با فاصله یک برج از ضلع غربی قرار گرفته و معبری به عرض یک متر دارد. در این قسمت از سنگ‌های مرغوبتری، به‌ویژه در جلو ورودی و کف دروازه، استفاده کرده‌اند. آثار بازسازی‌هایی، خصوصاً در ضلع شرقی و جنوب‌شرقی قلعه دیده می‌شود.

در مجاورت این قلعه بقایای یک روستای قدیمی نیز کشف شده است. باتوجه به قرار گرفتن قلعه سهرین بر بلندی و اشراف آن به روستای مذکور احتمال دارد کهندژ روستا بوده و ساکنان محل در مواقع خطر به آن پناه می‌برده‌اند.

منبع: قلعه سهرین. ۱۳۸۰

قلعه مهستان (ماه‌نشان)

بقایای این قلعه در کنار رودخانه قزل‌اوزن و مجاورت روستای مهستان، از توابع شهرستان ماه‌نشان، واقع شده است. بنای اولیه قلعه مهستان منسوب به دوره ساسانی است اما در دوره اسلامی و قرون ۵ تا ۷ هجری مورد استفاده بوده است. بقایای قلعه مهستان به شماره ۱۴۵۸ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه یاستی / یاستی‌قلعه (ماه‌نشان)

بقایای این قلعه در روستای یاستی/ یاسدی قلعه، از توابع بخش انگوران شهرستان ماه‌نشان، واقع شده و بنای اولیه آن منسوب به دوره

ساسانی است. بقایای باستی قلعه به شماره ۱۳۶۵ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

سمنان

ارگ علاء (سمنان)

این بنا در بخش علاء و کنار جاده سمنان به پایگاه هوایی واقع شده و از آثار دوره قاجاریه محسوب می‌شود(تصویر ش ۱۷۵).

ارگ علاء به صورت ساختمانی دو طبقه می‌باشد. طبقه زیرین بنا مرکب از یک محوطه شش ضلعی است که به وسیله شش مدخل به شش اتاق راه پیدا می‌کند. در قسمت فوقانی راهروها، رف‌های مثلثی شکل کم‌عمق اجرا شده است. سقف محوطه اصلی گنبدی کوتاه است. اتـاق‌های اطـراف دارای طـاقچه‌ها و رف‌هـا و پـنجره‌های مـتعددی می‌باشند.

طبقه دوم شامل ساختمان بادگیر مانندی است با طرح شش ضلعی از داخل و چهار ضلعی از بیرون. پوشش گنبدی این بخش بر روی چهار جرز خشتی قرار گرفته است. مصالح مـورد اسـتفاده در بـنا را عـمدتاً خشت با ملات گل و گچ و مقدار کمتری آجر تشکیل می‌دهد.

منبع: مخلصی. ۱۳۵۶، ص ۱۷۵

برج ده‌نمک/کافر قلعه (گرمسار)

بقایای این بنا در روستای ده‌نمک، از توابع شهرستان گرمسار، واقع شده و برجی گلی و مرتفع است که به جهت دیده‌بانی و مراقبت، بـنا گردیده است. صنیع‌الدوله در سفرنامه مراجعت ناصرالدین‌شاه قاجار از خراسان می‌نویسد: «... ده نمک قـلعه مـدوری دارد تـقریباً بـه ارتـفاع بیست ذرع. دیوار آن گبری و مدخل قلعه رو به مشرق و خندق و پـل داشته است...». درخصوص تاریخ ساخت بنا اطـلاع دقـیقی در دست نیست.

منابع: حقیقت. ۱۳۷۹، ص ۴۲۳

سیمای استان سمنان. ۱۳۷۴، ص ۵۸۸

دروازه ارگ سمنان

ایـن دروازه در شـمال شـهر سـمنان واقـع گـردیده(تـصاویر ش ۱۸۰-۱۷۶) و بخش باقیمانده ساختمان ارگ دولتی سمنان است که در زمان حکومت حاجی‌بهمن میرزا بهاءالدوله، فرزند فتحعلیشاه قـاجار، ساخته شده ولی اتمام آن و از جمله ساخت دروازه‌ها بعد از مرگ وی، در زمان ناصرالدین‌شاه، صورت گرفته است. به نوشته صنیع‌الدوله کـه در دوره قاجار از این بنا دیدن کرده، دوره بنای ارگ ۷۵۰ ذرع بوده و ۱۲ برج با عمارت و ابنیه عالی داشته است.

دور ارگ سمنان را دیواری بلند و چینه‌ای به ضخامت ۳ متر احاطه می‌کرده است. در میانه ارگ خیابانی از شمال به جنوب امتداد داشته که در طرفین آن ساختمان‌های قدیمی واقع بوده است. در داخل دیوارهای ارگ نیز اتاق‌هایی برای نگهبانان و دریچه‌هایی برای دیـده‌بانی و دفـاع تعبیه شده بود. متأسفانه بنای ارگ در زمان رضاشاه پـهلوی ویـران و بناهای جدید دولتی(شهرداری، شهربانی، دارائی، دادگستری و باشگاه بانک ملی) در جای آن ساخته شـدند. دروازه شـمالی ارگ بـا تـلاش فرهنگ‌دوستان از این خرابی در امان ماند. دروازه مـذکور هـمچنانکه اشاره شد در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار و حکـومت انـوشیروان مـیرزا ضیاءالدوله، که از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵ هجری قمری حکومت ایالت قومس را برعهده داشته، ساخته شده است. این دروازه که با آجر و به ارتفاع ۵ متر ساخته شده دارای دو نمای شمالی و جنوبی می‌باشد که نمای شمالی آن به مـراتب زیـباتر است. نـمای جـنوبی شـامل سـردر ورودی و دو راهروی کوچک راه‌پله و دو ایوان است. بر بالای سـردر ورودی کتیبه‌ای به شکل نیم‌دایره از کاشی‌های لاجوردی نصب شده و بر آن نام ناصرالدین‌شاه و سال ۱۳۰۲ هجری قمری ثبت شده است.

در پشت دو ایوان طرفین نمای جنوبی که هرکدام به‌وسیله راه‌پله‌ای به کف خیابان راه می‌یابند، اتاقی برای استراحت نگهبانان تعبیه شده و در جلو ایوان نیز نرده مشبک زیبائی کار گـذاشـته‌انـد. نـمای فـوقانی درگاه‌ها با کاشیکاری مزین شده است. طاق ایوان‌ها و دروازه اصلی با قوس جناغی و طاق دو راه‌پله با قوس نیم‌دایره اجرا شده است.

نمای شمالی دروازه که نمای اصلی آن را شامل می‌شود، مزین به کاشیکاری زیبا و شش ستون یا مناره زیباست. بر بالای درگاه ورودی و تاج نیم‌دایره آن، صحنه نبرد رستم و دیو سفید بر کاشی هفت‌رنگ اجرا شده است(تصویر ش ۱۷۸). نمای شمالی بر ازاره آجری به ارتفاع ۷۵ سانتیمتر قرار گرفته و دارای ۶ نیم‌ستون کاشیکاری شده است که ادامه مناره‌های فوقانی دروازه هستند. در این نما همچنین دو طاق‌نمای بزرگ و دو طاق‌نمای کوچک دو طبقه قرار داده شده است. ارتفاع مناره‌های طرفین ورودی که از چهار مناره دیگر مرتفع‌تر هـستند، از سـطح ازاره آجری ۱۱/۵ متر و ارتفاع مناره‌های کوچک‌تر ۱۰/۵ متر می‌باشد. بـر بالای درگـاه ورودی و نـیز دو طـاق‌نمای کـوچک طـرفین آن تـصویر نظامیان قاجار بر کاشی هفت‌رنگ نقش بسته است. همچنین بر بالای سردر و طاقنماهای طرفین، کتیبه‌ای به خط نستعلیق سـفید بـر زمـینه لاجوردی وجود دارد که حکایت از ساخت دروازه به سال ۱۳۰۲ و به دستور ناصرالدین‌شاه و به سـعی و هـمت انـوشیروان مـیرزا مـی‌کند. کاشیکاری و نقاشی بنا توسط «استاد حبیب‌الله استاد عـلی کـاشی‌پز کاشانی» و «محمدباقر ولدحاجی سـید مـهدی طـباطبائی سـمنانی»، صورت گرفته است.

درهـای دروازه ارگ از الوارهـای قـطور، بـا گـل مـیخ‌های آهـنی می‌باشد. دروازه ارگ در دوره اخیر از طرف سازمان مـیراث فـرهنگی تعمیر و مرمت شده و به شماره ۳۹۵ در فهرست آثـار مـلی بـه ثبت رسیده است.

منابع: مخلصی. ۱۳۶۵، ص ۷۴-۱۶۷

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان سمنان

قلعه اردهن/اردهین (گرمسار)

بقایای این قلعه در کوه‌های شمالی شهرستان گرمسار، به طرف فیروزکوه و دماوند قرار دارد. قلعه اردهن که از استحکام زیادی برخوردار بوده، از جمله قلاع اسماعیلیه بوده که ابوالفتح، خواهرزاده حسن صباح آن را در تصرف خود داشت.

منبع: حقیقت، ۱۳۷۹، ص ۴۲۷

قلعه استوناوند (گرمسار)

بقایای این بنا که در متون تاریخی از آن با نام‌های «جرهه» و «استناباذ» نیز یاد شده، در ارتفاعات شمالی شهرستان گرمسار و انتهای حوضه آبخیز رودخانه هبله‌رود واقع شده است. رودخانه هبله‌رود از کوهستان‌های اطراف فیروزکوه و دامنه‌های جنوبی سلسله‌جبال البرز سرچشمه گرفته و جلگه گرمسار را مشروب می‌کند. در بالای شرق و غرب تنگه و ارتفاعاتی که رودخانه از آن خارج می‌شود و به جلگه گرمسار می‌ریزد، بقایای قلعه بزرگی وجود دارد که بنا به نوشته دکتر منوچهر ستوده، همان قلعه معروف استوناوند است که در متون تاریخی بارها از آن نام برده شده است.

براساس متون تاریخی قدمت قلعه استوناوند به دوره اساطیری ایران برمی‌گردد. یاقوت حموی که در سال ۶۱۳ هجری قمری در حوالی ناحیه دماوند بوده، ظاهراً این قلعه را دیده و نام قدیمی آن یعنی «جرهه» (به فتح جیم و ضم‌هاء) را از اسناد قدیمی‌تر یافته و با نام دیگر آن یعنی «استناباذ» در کتاب خود آورده است. او در ذیل کلمه «استناباذ» می‌نویسد: «قلعه‌ای است که فاصله آن از ری ده فرسنگ است و جزء ناحیه طبرستان است و همان است که استوناوند می‌خوانند» و سپس در ذیل استوناوند می‌نویسد: «نام قلعه مشهوری است در دماوند، از اعمال ری و به آن جرهه می‌گفتند. این قلعه از قلاع قدیمی و بسیار محکم می‌باشد. عمر آن سه‌هزار سال بوده و در دوران شاهان ایران قبل از اسلام در دست «مس مغان» بوده، خالدبن‌برمک این قلعه را محاصره کرده و حکومت «مس مغان» را برانداخته... این قلعه چندین‌بار خراب و آباد شد. آخرین خرابی آن به دست ابوعلی چغانی، فرمانده لشکر خراسان در حدود سال ۳۵۰ هجری بوده است. باز علی‌بن کتامه دیلمی آن را آباد کرد و خزاین و ذخایر خود را در آن گذاشت. قلعه با خزاین آن به فخرالدوله بن رکن‌الدوله رسید. سپس اسماعیلیان بر آن دست یافتند تا سلطان‌محمدبن ملکشاه سلجوقی در سال ۵۰۶ امیر سنقر کنجک را به گرفتن قلعه فرستاد. پس از محاصره‌ای که به درازا کشید آن را فتح کرد و خراب نمود. از آن پس خبری از آن نداریم». قلعه استوناوند بعد از سال ۵۰۶ هجری نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در سالهای ۵۸۷ تا ۶۰۲ هجری حسام‌الدوله اردشیربن حسن بر آن تسلط داشت.

در دوره مغول و سال ۶۱۸ هجری قلعه استوناوند در دست رکن‌الدین غور سایجی ابن خوارزمشاه بود. در طی حکومت غازان‌خان و تا سال ۶۹۴ هجری قلعه تحت فرمان الوندمیرزا و محمدمیرزا، پسران یوسف‌بیگ‌بن امیر حسن بیک آق‌قویونلو بود. در اوایل حکومت صفویه و زمان شاه اسماعیل، حسین‌کیا چلاوی در آنجا بود تا اینکه قلعه به دست شاه اسماعیل فتح گردید. با توجه به مدارک و شواهد موجود به‌نظر می‌رسد بعد از این تاریخ دیگر هیچ استفاده‌ای از قلعه استوناوند نشده است. دکتر منوچهر ستوده و همکارانش تحقیق کاملی در خصوص بقایای قلعه استوناوند انجام داده و آنرا در قالب کتابی منتشر ساخته‌اند، در ادامه بحث به ذکر چکیده‌ای از این تحقیق می‌پردازیم.

دژ استوناوند برفراز تیغه‌های بلند و ناهمواری‌های دامنه جنوبی کوهستان البرز استوار شده و بقایای برج و باروی پیرامون آن پهنای دره هبله‌رود و راه قدیمی کناره غربی رود را در میان گرفته است. برج‌های دیده‌بانی این دژ بر تمامی طول دره و کناره‌های جنوبی رودخانه تا حد ارضی هموار حاشیه شمالی کویر اشراف دارند.

موقعیت جغرافیائی و ناهمواری‌های تپه و دیواره‌های رفیع طبیعی پیرامون دژ، بیشترین سهم را در ایجاد شکل تسخیرناپذیر این قلعه داشته و پدیدآورندگان آن در پاره‌ای از نقاط با کاستن از جسم تپه و در پاره‌ای از جای‌ها با افزودن خاک طبیعی تپه‌ها بر مواضع دیگر، دسترسی به سطوح فوقانی و داخلی دژ را غیرممکن ساخته و با احداث برج و بارویی، دفاع از قلعه را آسان نموده‌اند(تصاویر ش ۸۶-۱۸۲).

با وجود یکپارچگی فضای عمومی محصور در بین برج و باروهایی که بر بلندی‌های هر سه بخش مجاور دره هبله‌رود و دره غربی باقیمانده، تنوع مصالح به‌کار گرفته شده و شیوه ساختمانی که به‌ویژه در شالوده دیوارها دیده می‌شود و شواهد دیگر، حاکی از شکل‌گیری تدریجی دژ در دوره‌های مختلف تاریخی است(طرح ش ۱۸۶). با اینکه آخرین دوره استفاده از تمامی سطوح ساخته شده دژ، همراه با احداث استحکامات جدید است، لیکن اکثر قریب به اتفاق ساخته‌های دوره‌های قدیمی‌تر نیز پس از مرمت به نحوی مورد استفاده مجدد قرار گرفته‌اند، از این‌رو مجموعه آثار معماری دژ در نقاط مختلف آن یکنواخت دیده می‌شود. ناظر بودن برج‌های ساخته شده بر بلندترین تپه‌های هر دو سمت شرقی و غربی هبله‌رود، در راستای جبهه جنوبی دژ، نشانه ضرورت مراقبت و توجه محافظین دژ به راستای شمالی - جنوبی دره هبله‌رود، برای دفاع و حمایت از سرزمین‌های شمالی دژ و نگهبانی از مرز کوهستانی شمالی در مقابل تجاوزات احتمالی از سمت جنوبی(حاشیه شمالی کویر) می‌باشد.

دره هبله‌رود فضای توسعه یافته دژ را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم نموده که بخش غربی آن شامل دو دوره ساختمانی متأخر است.

بخش جدیدتر در زاویه جنوب‌غربی دژ و بخش قدیمی‌تر در شمال دره غربی واقع شده‌اند. بخش شرقی قدیمی‌ترین آثار باقیمانده و هسته اولیه دژ را شامل می‌شود.

وسعت بخش‌های مختلف دژ در کناره‌های شرقی و غربی رود متفاوت است. وسعت ـطرح و اراضی محصور و تأسیسات دفاعی کناره غربی دره به مراتب از بخش شرقی کمتر و در حدود ۱/۵ هکتار است. بلندترین سطح این بخش تپه‌ای است که برج دیده‌بانی دژ بر فراز آن احداث شده(امروزه تونل راه‌آهن از زیر این تپه می‌گذرد).

باتوجه به شیب زیاد دامنه‌های این بخش دسترسی به پای برج دشوار است و مدافعان دژ از فراز برج قادر به پاسداری از آن بوده‌اند. در وضعیت موجود در جبهه شرقی برج، تقاطع باروئی که به برج متصل بوده و راستای آن که به سوی دامنه‌های شرقی تپه و بر سطح شیب‌دار آن ادامه داشته، برجای مانده است، که به احتمال نزدیک به یقین تا بستر رودخانه کشیده می‌شود و برحسب قراین موجود، جای سنگ دروازه را می‌بایست، در امتداد این بارو و دامنه‌های کم‌شیب و پائین جبهه‌شرقی و احتمالاً در موقعیتی که جاده خاکی اتومبیل رو امروزی از آن می‌گذرد، جستجو کرد.

در بخش شمالی دره غربی بقایای برج و باروهای محیطی دژ برفراز بلندی‌های کناره غربی و به موازات دره هبله‌رود امتداد یافته است. وسعت این بخش از دژ در شمال دره غربی نیز برابر ۱/۵ هکتار قابل‌تخمین است.

بخش شرقی هبله‌رود در فاصله بین بستر رود و ارتفاعات شرقی مجاور آن، که برج و باروی دژ بر فراز آن استوار شده و حوزه شمالی دژ، قرار دارد. در این قسمت آثار ساختمانی قدیمی در کنار کشتزارهای امروزی باقی مانده است. شواهد موجود نشانگر آنست که احداث راه‌آهن با تغییرات و دخل و تصرف‌های عمده‌ای در فضای دره همراه بوده که در نتیجه آن، بستر رودخانه به کنار شرقی دره متمایل شده است و بقایای ساختمان‌های قدیمی تسطیح و برای کشاورزی مورد استفاده قرار گرفته است. در سطح کشتزار قطعات سفالینه‌های مربوط به قرون ششم و هشتم و نهم و دهم دیده شده که به نحوی در ارتباط با زمان استفاده از بناهای تخریب شده است.

بخش مرکزی دژ استوناوند در بین دو دیواره طبیعی و مرتفع محدود می‌گردد. وجود پرتگاه‌های بسیار در این بخش دستیابی دشمنان را به آن بسیار دشوار می‌ساخته است. با احداث حصار غربی به طول ۶۰ متر بین دو دیواره طبیعی شمالی و جنوبی) در کناره دره هبله‌رود و همچنین برج و باروی شرقی به طول ۸۰ متر (بر فراز بلندی‌های پشته طبیعی) فضای محدود در بین پدیده‌های طبیعی با وسعتی بالغ بر یک هکتار به دژی مستحکم و قابل‌دفاع تبدیل شده است. در محوطه داخلی بخش مرکزی اثری از ساختمان برجای نمانده است. این محوطه دارای یک دروازه ورودی اصلی در منتهی‌الیه شمالی باروی غربی و یک دروازه فرعی در میان باره شرقی برای دسترسی به فضای خارجی شرقی می‌باشد. در باروی غربی علاوه بر دروازه اصلی که در منتهی‌الیه شمالی آن در ارتفاعی معادل ۸ متر از اراضی این جبهه واقع شده، یک برج وجود دارد که در سطح نمای بارو مختصر برجستگی ایجاد کرده است.

باروی شرقی بخش مرکزی از دیواری خشتی بر شالوده‌ای از سنگ لاشه به پهنای ۸۰ سانتی‌متر تا حداکثر یک متر، برفراز پشته طبیعی تشکیل شده است. مرتفع‌ترین قسمت این دیوار به ۸ متر می‌رسد. برای استحکام این دیوار از پشت و در فواصل معینی(هر ۶ متر) جرزها و پشتبندهایی به آن الحاق شده است که ظاهراً مربوط به دوره ساختمانی و تعمیراتی جدیدتری است. در فاصله بین پنجمین و ششمین پشتبند دیوار، از سمت جنوب، دروازه‌ای به پهنای ۱/۸۰ و ارتفاع ۳ متر تعبیه گردیده است و بر منتهی‌الیه شمالی این بارو، شالوده برج مدوری به قطر ۷ متر باقی مانده است. راستای این بارو پس از برج، از سمت شمال‌شرقی برج ادامه یافته و پس از پیچ و خم‌هائی که برفراز و نشیب تپه‌های مرتفع پیدا کرده، از مجاورت دره فرعی می‌گذرد. این دیوار از سمت جنوب نیز بر ارتفاعات دیواره طبیعی ادامه دارد.

در بخش جنوبی دژ نیز همانند بخش‌های دیگر پدیده‌های طبیعی نقش اساسی را دارند. بر بالای قلّه‌های این بخش ساختمان ارگ و برج و باروی دژ قرار گرفته است. تنها دروازه ورودی بخش جنوبی دژ در جنوب جبهه غربی واقع شده است. بقایای بناهای داخلی در پشت این دروازه و فضای درونی دژ مشهود است. برجستگی‌های متعدد سطح نمای خارجی باروی این قسمت به مشابه برج‌های متعددی تلقی می‌شود که بعضاً استوانه‌ای شکل و پاره‌ای دیگر، دارای جداره‌های قائم‌الزاویه می‌باشند. در گوشه شمال‌شرقی باروی جنوبی و برفراز تپه‌ای، برجی به قطر ۸ متر، همتراز با سطح ارگ اصلی قرار دارد.

دسترسی به فضای داخلی بخش جنوبی دژ و ارگ اصلی از طریق عبور از دروازه جنوبی و پیمودن باریکه‌ای نسبتاً هموار در بین باروی غربی و دامنه‌های پست دیواره رفیع ارتفاعات مرکزی امکان‌پذیر می‌باشد، که پس از طی مسافتی بالغ بر ۲۰۰ متر به ساختمان کوچکی راه پیدا می‌کند که احتمالاً جهت بازرسی تردد به ارگ اصلی بوده است. بعد از این ساختمان، راهی خطرناک برای رسیدن به ارگ وجود دارد. در بلندترین سطوح خط‌الرأس ارتفاعات مرکزی و حدود ۱۵۰ متر بالاتر از سطح رودخانه، ارگ اصلی دژ استوار گردیده است. باروهای این بخش بر صخره‌های طرفین ارگ قرار گرفته است. از ارتفاع باروی پیرامون ارگ حداکثر ۱۲ متر باقی مانده است. شواهد موجود نشانگر آن است که سطح ارگ از دو بخش تشکیل شده است که بخش شرقی آن مرتفع‌تر از بخش غربی است. از جزئیات و تقسیمات فضای داخلی ارگ اطلاعی

در دست نیست اما آثار بناهای ساخته شده در این بخش مشهود است. ساختمان باروی محیطی ارگ و شیوه معماری آثار برجای مانده، نشانگر دقت بیشتری است که در ساختمان این بخش نسبت به بخش‌های دیگر صورت گرفته است.

فضاها و بخش‌های مختلف قلعه استوناوند به نوعی از یکدیگر استقلال داشته و دسترسی مستقیم از فضای داخلی هریک با بخش مجاور ظاهراً ممکن نبوده و تنها دسترسی آنها از طریق عبور از فضای خارجی و دروازه‌های تعبیه شده، بوده است.

منابع: بازوکی. ۱۳۷۶، ص ۹۳-۱۸۴

حقیقت. ۱۳۷۰، ص ۹-۴۰۰

ستوده. ۱۳۶۷

قلعه امیرآباد (دامغان)

این قلعه در ۲۵ کیلومتری جنوب‌غربی دامغان و ۴ کیلومتری جنوب راه شوسه تهران ـ مشهد و در بخش امیرآباد واقع شده و از آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود. قلعه امیرآباد از جمله قلاع جلگه‌ای و مسکونی است، با وسعت زیاد و برج‌های دفاعی متعدد که خانوارهای زیادی در داخل آن زندگی می‌کنند.

منبع: بنی‌اسدی. ۱۳۷۴، ص ۴۹۸

قلعه ایوانکی / سردره خوار (گرمسار)

بقایای این قلعه برفراز تپه‌ای در ایوانکی، از توابع شهرستان گرمسار، واقع شده است. بنای اولیه قلعه منسوب به دوره اشکانی است که با بازسازی‌ها و تعمیرات، در دوره‌های بعد مورد استفاده قرار گرفته است.

امروزه بقایای حصار قلعه ایوانکی با روزنه‌های تعبیه شده برای تیراندازی و دیده‌بانی برجای مانده است. قلعه برطبق نوشته صنیع‌الدوله، ۵ برج داشته که یکی از آنها آجری و دروازه قلعه بوده است.

منبع: حقیقت. ۱۳۷۹، صص ۲۳-۴۲۱

قلعه بالا (دامغان)

این بنا در روستای مایان و ۶ کیلومتری شهر دامغان و ۲ کیلومتری جنوب راه شوسه تهران ـ مشهد واقع است. در این روستا سه قلعه وجود دارد که دو قلعه آن (قلعه بالا و قلعه پایین) مسکونی و قلعه سوم (قلعه حرم) که در جنوب‌آبادی است، به صورت ویرانه درآمده است. ظاهراً قلعه بالا قدیمی‌ترین این قلعه‌ها بوده و مربوط به قبل از دوره مغول می‌باشد. این قلعه با نقشه مربع ساخته شده و دارای چهار برج، هرکدام به ارتفاع ۸ متر است که سه برج آن نیمه‌ویران و دارای سه طبقه است.

در جانب شمال، غرب و شرق قلعه خانه‌ها و باغ‌ها و در طرف جنوبی آن درب قلعه قرار گرفته است. در جانب جنوبی همچنین باغ بزرگی مشهور به باغشاه قرار داشته که در دوره قاجار مسکن رحیم‌خان حشمت‌الممالک بوده و اکنون اثری از آن برجای نیست. در داخل قلعه بالا تکیه ده قرارگرفته و در ایام عزاداری مورد استفاده است.

منابع: بنی‌اسدی. ۱۳۷۴، ص ۵۰۰

کشاورز. ۱۳۷۰، صص ۴۴-۱۴۳

قلعه بیار (شاهرود)

بقایای این قلعه برفراز یکی از بازوهای کوه «تیره» و در قریه بیار، حدود ۱۱۰ کیلومتری جنوب‌شرقی شاهرود واقع شده و از قلاع اسماعیلیه محسوب می‌شود. این قلعه به راه بیهق ـ بسطام تسلط داشته و ساکنان آن به قدری مزاحم کاروانیان می‌شدند، که مسافران آن را «کوه ملحدو خاک کافرو» می‌خواندند.

قلعه بیار آخرین قلعه‌ای است که در این قسمت از خراسان به دست اسماعیلیان بوده است. بر بالای کوه بقایای دیوارهای قلعه که از سنگ و گچ ساخته شده بودند و نیز حوضچه‌های ذخیره آب دیده می‌شود. تعدادی از این حوضچه‌ها با آجر و ملات ساروج ساخته شده‌اند.

منبع: ستوده. ۱۳۴۵، صص ۶۵-۱۶۴

قلعه پاچنار (سمنان)

قلعه پاچنار متشکل از دو قلعه غربی و شرقی است که در جنوب شهر سمنان و محله پاچنار واقع شده‌اند. ظاهراً بنای اولیه قلعه‌ها مربوط به دوره ساسانی است که بعدها مکرر بازسازی شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. تا سالهای اخیر در قلعه غربی پاچنار چند خانواده سکونت داشتند ولی قلعه شرقی متروک بوده است.

قلعه غربی پاچنار که بزرگ‌تر و وسیع‌تر است (تصویر ش ۱۸۱)، بیش از ۱۳ متر ارتفاع و ۲ برج دیده‌بانی مدور به قطر ۳ متر در دو گوشه دارد. دیوار ضلع شرقی قلعه از نظر ساختمانی با ضلع غربی تفاوت دارد. در این قسمت از برج‌های دیده‌بانی اثری نیست بلکه دیوار صافی است که نمای خارجی آن را خانه‌های مسکونی پوشانیده است. در بنای قلعه از خشت خام به ابعاد بزرگ و گل و سنگ استفاده شده است. سطح درونی قلعه بیش از ۲ متر از سطح بیرونی قلعه بلندتر است. بنای داخلی قلعه شامل دو طبقه نامنظم است که به وسیله ۲۸ پله بلند و نامنظم به پشت‌بام می‌توان رسید. در طبقه دوم اتاق‌های کوچکی قرار گرفته و در طبقه اول دالان بزرگ و بلند با پوشش گهواره‌ای و یک اتاق به ابعاد ۳×۳ متر و چند آغل و اصطبل قرار دارد. ضخامت دیوارهای پایینی قلعه حدود ۲ متر و ضخامت دیوارهای طبقه فوقانی بیش از یک

متر است.

قلعه شرقی که در صد قدمی قلعه غربی و در جنوب آن واقع شده، کوچک‌تر از قلعه غربی است. این قلعه نیز با خشت خام به ابعاد بزرگ ساخته شده و دارای یک برج دیده‌بانی نیمه‌ویران در ضلع شمالی است. در جریان احداث دبستان سپهر قسمتی از این قلعه ویران و از میان رفته است.

منبع: حقیقت. ۱۳۷۹، صص ۸۱-۷۵

قلعه پاده (گرمسار)

بقایای این قلعه در روستای پاده واقع و به قلعه کفشگران معروف است.

منبع: بنی‌اسدی. ۱۳۷۴، ص ۵۸۷

قلعه پایین (دامغان)

این بنا در روستای مایان و ۶ کیلومتری دامغان و ۲ کیلومتری جنوب راه شوسه تهران ـ مشهد واقع شده و در کنار قلعه بالا قرار گرفته و حدفاصل این دو قلعه را خانه‌های مسکونی دربر گرفته است. فضای داخلی قلعه نیز مسکونی است.

قلعه پایین با نقشه مربع مستطیل ساخته شده و برج‌ها و دیوارهای آن نسبت به قلعه بالا آسیب کمتری دیده است و به‌نظر می‌رسد در تاریخ جدیدتری و احتمالاً در دوره صفویه ساخته شده است. در داخل و ضلع شمالی قلعه باغی است که آنرا شترخان می‌نامند.

منبع: کشاورز. ۱۳۷۰، ص ۴۷-۱۴۴

قلعه پایین/پایین قلعه (سمنان)

بقایای این قلعه بر بالای کوهی به همین نام و سمت جنوبی خیابان سنگسر شهرستان سمنان واقع شده و از آثار دوره اسلامی است. بر بالای قلّه کوه مذکور بقایای سنگی قلعه‌ای بزرگ و نسبتاً سالم به چشم می‌خورد که نسبت به قلاع دیگر این خطه جدیدتر است. قلعه به صورت مربع‌مستطیل با چهار برج در چهار گوشه آن ساخته شده است.

منبع: مخلصی. ۱۳۵۶، ص ۶۴

قلعه تقی‌آباد (سمنان)

این قلعه در مزرعه‌ای به همین نام، از توابع دهستان علاء و ۴ کیلومتری جنوب سمنان واقع است و در دوره فتحعلیشاه قاجار، توسط ذوالفقارخان سمنانی، حاکم وقت سمنان بنا گردیده است.

منبع: مخلصی. ۱۳۵۶، ص ۷۳

قلعه حرم (دامغان)

بقایای این قلعه در روستای مایان و ۶ کیلومتری دامغان واقع و ظاهراً از ساخته‌های دوره صفویه یا قبل از آن است. قلعه حرم با نقشه مربع‌مستطیل ساخته شده و دارای شش برج هرکدام به ارتفاع ۸ متر است. در اوایل قرن حاضر در میانه قلعه ساختمان‌هایی از جمله تالار بزرگی بود و در چهار گوشه آن اتاق‌های کوچک‌تر. در طرف شمالی و خارج حرم نیز خرابه‌ای بود که «بیرونی» نامیده می‌شد و به فاصله صدمتر بقایای خرابه گنبدی که به آن «گورشاه» می‌گفتند.

با توجه به نوشته مورخان و سیاحان به‌نظر می‌رسد این منطقه همان «خسروآبادی» باشد که شاه عباس دوم در آنجا فوت کرده و جسد وی برای مدتی به امانت در آنجا دفن شده بود. نام‌هایی چون گورشاه، حرم، بیرونی، شترخان و غیره حکایت از چنین محلی می‌نماید.

منبع: کشاورز. ۱۳۷۰، صص ۴۷-۱۴۵

قلعه دولت‌آباد (دامغان)

این قلعه در ۱۸ کیلومتری جنوب‌شرقی دامغان و جنوب جاده شوسه تهران به مشهد واقع شده و دارای حصاری با برج‌های دیده‌بانی است.

منابع: بنی‌اسدی. ۱۳۷۴، ص ۴۹۸
حقیقت. ۱۳۷۹، ص ۳۱۹

قلعه ریکان (گرمسار)

بقایای ویرانه این بنا در روستای ریکان و ۶ کیلومتری شرق گرمسار واقع شده است. بقایای برج و باروی این قلعه هنوز پابرجاست.

منبع: بنی‌اسدی. ۱۳۷۴، ص ۵۸۱

قلعه زاوغان (سمنان)

بقایای این بنا تا چند دهه پیش در میان باغ‌های محله قدیمی زاوغان سمنان قرار داشته که در جریان سیل‌های دوره اخیر به‌طور کامل از میان رفته است. قلعه زاوغان در دوره‌های مختلف اسلامی با بازسازی‌هایی مورد استفاده بوده اما احتمال می‌رود بنای اصلی آن مربوط به دوره ساسانی باشد.

منابع: حقیقت. ۱۳۷۹، ص ۷۹
مخلصی. ۱۳۵۶، ص ۶۵

قلعه سارو (سمنان)

قلعه سارو متشکل از دو قلعه به‌نام‌های «ساروی بزرگ» و «ساروی کوچک» است که در ۱۰ کیلومتری شمال‌شرقی سمنان و محلی کوهستانی به نام «کلاته سارو» که چشمه‌سار زیبائی است، و بر فراز دو

رشته‌کوه طرفین این محل واقع شده‌اند(تصویر ش ۱۸۷).

وجود پرتگاه‌های خطرناک و صعب‌العبور بودن راه‌های دسترسی به این دو قلعه، آنها را در موقعیت مناسبی قرار داده است. با توجه به روایت‌های صورت گرفته، بنای اولیه قلعه‌ها به دوره ساسانی برمی‌گردد که در دوره‌های بعد بازسازی و تعمیر شده و مورد استفاده مجدد قرار گرفته‌اند. ظاهراً استفاده اصلی از این دو قلعه مربوط به دوره اسلامی و قرن‌های ۶ و ۷ هجری و پیروان فرقه اسماعیلیه است که در آن زمان ایالت قومس را به یکی از کانون‌های مهم فعالیت خود تبدیل کرده بودند.

قلعه ساروی کوچک یا قلعه شمالی بر اثر مرور زمان و عوامل مختلف تا حدودی ویران شده با این حال بقایای موجود حاکی از عظمت گذشته آن است. قلعه جنوبی یا ساروی بزرگ بر روی قلّه کوه مرتفع‌تری قرار گرفته و از استحکام و موقعیت دفاعی بسیار مناسبی برخوردار است. بنای قلعه در سه سطح یا طبقه شکل گرفته که سطوح بالاتر از نظر استقراری از اهمیت بیشتری برخوردار بودند. در چهار جانب قلعه‌های سارو، برج‌های تدافعی مدور ساخته‌اند. مصالح مورد استفاده در این قلعه‌ها سنگ، گچ و آجر است. یکی از نکات قابل ذکر در این قلعه‌ها وجود مجراهای زیرزمینی می‌باشد که به‌وسیله آن و با تکنیک‌های خاصی آب کلاته سارو را به بالای قلعه می‌رساندند.

منابع: حقیقت. ۱۳۷۹، صص ۷۰-۶۷
مخلصی. ۱۳۵۶، صص ۶۲-۵۹

قلعه سراچه (سمنان)

این قلعه که آثار آن در جریان خیابان‌کشی‌های سالهای اخیر از میان رفته، تا دوره اخیر در جنوب سمنان قرار داشته و از قلعه‌های مهم منطقه محسوب می‌شده است. قلعه سراچه براساس کتیبه‌ای که داشته، در سال ۷۳۹ هجری توسط خواجه یونس سمنانی، وزیر پهلوان حسن دامغانی سربدار ساخته شده بود.

منابع: حقیقت. ۱۳۷۹، صص ۸۶-۸۵
مخلصی. ۱۳۵۶، ص ۶۸

قلعه سردار / گهرشاهی (گرمسار)

این بنا مابین رشته‌کوه سفیدآب و ملک‌صدرا، در شهرستان گرمسار واقع شده و در زمان قاجاریه توسط نایب‌حسین کاشی ساخته شده و به مرور زمان به نام «قلعه‌کرشاهی» یا «گهرشاهی» معروف شده است.

قلعه سردار دارای دو ردیف دیوار بلند است که بین آنها گودال بزرگ یا خندقی حفر کرده‌اند. ساختمان قلعه از خشت و گل است و بر روی مظهر یک قنات بنا گردیده تا در صورت محاصره دشمن، ساکنان آن با کمبود آب مواجه نشوند.

منابع: حقیقت. ۱۳۷۹، ص ۴۲۳

قلعه شیخی / دژ وهل (شهمیرزاد)

بقایای این قلعه که به دژ وهل نیز شهرت دارد بر فراز صخره‌هایی به ارتفاع ۱۰۰ متر، تقریباً در مرکز بخش شهمیرزاد و شمال‌غربی آن واقع شده و به فاصله نزدیکی از شیر قلعه قرار دارد(نقشه ش ۱۸۸).

قلعه شیخی با طرح منظم و مستطیل شکل بنا شده و در چهار گوشه آن چهار برج مدور تعبیه شده است. در حال حاضر تنها قسمتی از دیوار غربی و دو برج آن پابرجا مانده است. در دیواره غربی قلعه و برای استحکام‌بخشی به آن، برج نیم‌دایره دیگری افزوده‌اند. تنها ورودی بنا در جبهه جنوب‌غربی واقع است. در داخل قلعه و در اضلاع غربی و شمالی آن و متصل به حصار، اتاقها و تأسیسات قلعه متشکل از فضاهای مستطیل شکل قرار گرفته‌اند. ارتفاع باقیمانده دیوارهای قلعه به ۲ متر می‌رسد. مصالح مورد استفاده در بنا را سنگ‌قلوه و تخته‌سنگ تشکیل می‌دهد.

با توجه به شیوه معماری قلعه شیخی و اختلاف آن با شیوه معماری شیر قلعه شهمیرزاد به‌نظر می‌رسد بنا در قرن دهم الی دوازدهم هجری، یعنی دوره صفویه، برای استفاده حکمرانان منطقه قومس ساخته شده باشد. با این حال پرفسور کلایس که در خصوص قلاع ایران مطالعات زیادی داشته، قلعه شیخی را از ساخته‌های دوره اسماعیلیه(قرون ۷-۶ هجری) دانسته‌اند.

منابع: حقیقت. ۱۳۷۹، ص ۸۴
کیانی. ۱۳۶۵/۱، صص ۹۰-۸۹
مخلصی. ۱۳۵۶، صص ۴-۶۳

قلعه شیر / شیر قلعه (شهمیرزاد)

بقایای این قلعه که به «قلعه شیخ چشمه‌سر» نیز شهرت دارد، در سه‌کیلومتری شمال‌غربی‌شهمیرزاد و ۲۴ کیلومتری شمال سمنان و برفراز کوه بلند و مرتفعی مشرف به دره سبز و خرم شیخ چشمه‌سر واقع شده است. در خصوص تاریخ ساخت بنای اولیه قلعه اطلاعاتی در دست نیست اما در دوره اسلامی این قلعه از پناهگاه‌های مستحکم اسپهبدان طبرستان بوده و بعدها در قرن ۶ و ۷ هجری با بازسازی و تعمیر مورد استفاده اسماعیلیان قرار می‌گیرد. مشابهت معماری این قلعه با قلاع دیگر اسماعیلیان این نکته را تایید می‌کند(تصاویر ش ۹۴-۱۸۹).

شیر قلعه برفراز صخره‌ای ساخته شده که از سه‌طرف به پرتگاه‌های خطرناک منتهی می‌شود به‌گونه‌ای که قسمتی از قلعه بر رأس صخره‌ای کوه و قسمت‌های دیگر آن در سراشیبی کوه‌جای گرفته است. با توجه

به ناهمواری سطح کوه، قلعه از نقشه و پلان منظمی برخوردار نیست (نقشه ش ۱۹۰) و سازنده آن متناسب با شکل سطح صخره‌ای کوه، آن را به صورت ۷ ضلعی نامنظم ساخته است. شیر قلعه دارای دو دروازه در اضلاع جنوبی و شرقی است. ضلع شمالی قلعه ۱۷/۵۰ متر و ضلع جنوبی آن ۱۴/۲۰ متر و ضلع شرقی ۱۰ تا ۲۰ متر و اضلاع غربی ۸/۶۰، ۸/۲۰ و ۱۰/۵۰ متر طول دارند. در چهارگوشه قلعه، چهار برج مدور احداث شده که از نظر اندازه باهم برابر نیستند. قطر برج‌های شمالی ۲/۷۰ و برج‌های جنوبی ۳/۳۰ متر است. در قسمت غربی و شرقی قلعه نیز سه برج نیم‌دایره به اندازه‌های متفاوت قرار گرفته است. ارتفاع کنونی برج‌ها از سطح صخره حدود ۲ متر است. تنها ورودی شیر قلعه در جبهه جنوب‌غربی آن قرار دارد. در داخل قلعه ویرانه اتاق‌های متعددی وجود دارد که برای سکونت، ذخیره آذوقه و انباری به کار می‌رفته‌اند. به‌نظر می‌رسد ابعاد اتاقها ۲/۷۰×۳/۷۰ متر بوده است. مصالح ساختمانی مورد استفاده قلوه‌سنگ با ملات‌گچ است. در شیر قلعه با احداث بنایی برج‌گونه در پای قلعه و ایجاد پله‌های مارپیچی در داخل آن، دسترسی مطمئن به منبع آب را برای ساکنان قلعه فراهم کرده‌اند. در بررسی سطحی محوطه دژ سفالینه‌هایی از قرن ۴ تا ۶ هجری به‌دست آمد.

منابع: حقیقت. ۱۳۷۹، صص ۷۵-۷۴

کیانی. ۱۳۶۵/۱، صص ۸۹-۸۸

مخلصی. ۱۳۵۶، صص ۶۳-۶۲

قلعه طالب‌آباد (سمنان)

این بنا در روستای طالب‌آباد و یک کیلومتری جنوب‌غربی سنگسر واقع شده و به صورت قلعه مسکونی در دوره‌های مختلف مورداستفاده ساکنان منطقه قرار داشته است(نقشه ش ۱۹۵).

منبع: مخلصی. ۱۳۵۶، ص ۷۴

قلعه عبدالله‌آباد (دامغان)

این قلعه در روستای عبدالله‌آباد و ۳۸ کیلومتری دامغان واقع شده است. در اینجا بقایای قلعه بزرگی وجود دارد که قلعه کوچک‌تر دیگری در داخل آن ساخته‌اند و در داخل قلعه کوچک‌تر ساختمانی مشهور به عمارت وجود دارد.

منابع: بنی‌اسدی. ۱۳۷۴، ص ۴۹۹

حقیقت. ۱۳۷۹، ص ۳۱۹

قلعه‌کافر / کافر قلعه‌سنگسر (سمنان)

بقایای این قلعه که به «گبر قلعه» نیز شهرت دارد، بر فراز کوهی به همین نام در قسمت جنوب‌غربی سنگسر و انتهای خیابان صفیعلیشاه، به‌صورت ویرانه‌ای برجای مانده است. همانگونه که از نام قلعه برمی‌آید، بنای اولیه آن مربوط به دوره ساسانی است که در دوره‌های بعد از جمله قرن ۶ و ۷ هجری توسط اسماعیلیان بازسازی و مورد استفاده قرار گرفته است.

منابع: حقیقت. ۱۳۷۰، صص ۸۴-۸۳

مخلصی. ۱۳۵۶، ص ۶۴

قلعه‌کند (گرمسار)

این بنا در ۱۳ کیلومتری شمال‌شرقی گرمسار واقع و از ساخته‌های حاجی‌محمد قلیخان آصف‌الدوله است و از همین‌رو به «کندقلی‌خان» نیز شهرت دارد.

منابع: بنی‌اسدی. ۱۳۷۴، ص ۵۸۹

حقیقت. ۱۳۷۹، ص ۴۲۶

قلعه‌کوشمغان (سمنان)

این بنا در محله قدیمی کوشمغان(کوشک‌مغان) و مغرب شهرستان سمنان واقع بوده که متأسفانه آثار آن در دهه‌های اخیر به کلی از میان رفته است. صنیع‌الدوله که در دوره قاجار از این قلعه بازدید کرده در این رابطه می‌نویسد: «طرف مغرب سمنان دو محله است که از محلات بیرون شهر محسوب می‌شوند و آن زاوغان و کوشک‌مغان است و کوشک‌مغان ظاهراً از مغان می‌باشد و فعلاً قلعه کهنه‌ای است خراب که خندقی داشته و بر روی آن خانه ساخته‌اند مدخل بالا آمده معهذا از زیر قلعه سوراخ کرده به داخل قلعه می‌روند. در قلعه که از قدیم باقیمانده، یکپارچه سنگ است. در قلعه کهنه هنوز چند خانوار سکنی دارند».

منابع: حقیقت. ۱۳۷۹، ص ۳۱۹

مخلصی. ۱۳۵۶، صص ۶۶-۶۵

قلعه‌گردکوه / گنبدان دژ (دامغان)

بقایای این قلعه برفراز کوه منفرد و مرتفعی در ۱۸ کیلومتری غرب دامغان و شمال روستای قدرت‌آباد قرار گرفته است. برای دسترسی به این قلعه می‌توان از قدرت‌آباد به طرف علی‌آباد مطلب‌خانی رفت و از آنجا به قلعه گردکوه رسید. طول این راه از قدرت‌آباد تا پای قلعه در حدود ۸ کیلومتر است. با توجه به عظمت گردکوه، از مسافت بسیار می‌توان این کوه را در میان کوه‌های دیگر مشاهده کرد. قلعه گردکوه یا گنبدان دژ یکی از کهنسال‌ترین قلعه‌های ایران است که سابقه آن به تاریخ اساطیری ایران برمی‌گردد و این به جهت موقعیت خاص طبیعی و غیرقابل تسخیر بودن آن است(نقشه و تصاویر ش ۲۰۱-۱۹۶). براساس متون تاریخی و اشعار دقیقی و فردوسی، اسفندیار قهرمان اساطیری ایران مدتی را به فرمان پدرش گشتاسب در این قلعه زندانی

بوده است. در متون تاریخی سده‌های نخستین اسلامی نیز از این قلعه یاد شده است. در سال ۴۵۶ هجری قلعه گردکوه جزء قلاعی بوده که شهاب‌الدوله قتلمش‌بن‌میکائیل‌بن سلجوقی، عموی الب‌ارسلان سلجوقی در دست داشته است، اما رونق اصلی قلعه مربوط به دوره ۲۰۰ ساله تسلط اسماعیلیان بر آن است و شاید بتوان گفت بخشی از اقتدار اسماعیلیان در منطقه متکی به همین قلعه بوده است.

درخصوص چگونگی تسلط اسماعیلیان بر این قلعه روایت شده که رئیس‌مظفر، حاکم دامغان در دوره سلجوقی، در طی سالهای ۴۸۵ و ۴۸۶ هجری با نیرنگ قلعه گردکوه را از سلجوقیان گرفته و با همکاری پنهانی اسماعیلیه بر آن حاکم شد. او با این همکاری به مدت چهل سال حاکم دامغان و گردکوه بود و در عمارت و استحکام قلعه اموال بسیار صرف کرد.

در جریان هجوم مغولان و تسخیر قلاع اسماعیلیه، قلعه گردکوه مقاومت بسیاری از خود نشان داد و حتی این مقاومت ۲۰ سال بعد از تسلیم و اشغال دیگر قلاع اسماعیلیه، نظیر قلعه الموت و لمبسر، همچنان ادامه یافت. قلعه گردکوه در زمان امیر تیمور گورکانی نیز اهمیت و حیات داشته، زیرا در سنه ۸۷۶ هجری که امیر ولی یاغی شده بود، عیال خود را در گردکوه گذاشته و خود از مقابل لشکریان امیر تیمور به ری فرار می‌کند. در دوره صفویه و بعد از آن دیگر ذکری از گردکوه به میان نمی‌آید و ظاهراً این قلعه در دوره تیموری ویران شده و اهمیت گذشته خود را از دست می‌دهد.

در دوره قاجاریه و به دستور ناصرالدین‌شاه گزارش جامع‌ای از این قلعه تهیه شده و در کتاب «مطلع‌الشمس» به چاپ می‌رسد. این گزارش در کتاب «تاریخ قومس» تألیف عبدالرفیع حقیقت نیز آمده است.

قلعه گردکوه در دامنه جنوبی سلسله کوههای البرز و در حاشیه کویر، بر فراز کوه بلند و منفردی قرار گرفته است. ارتفاع این کوه به ۵۰۰ متر بالغ می‌شود و وضعیت آن به‌گونه‌ای است که جزء از یک مسیر دشوار که در شرق آن واقع شده، دسترسی به بالای کوه تقریباً غیرممکن می‌نماید. این کوه دارای دو کمربند تراس‌گونه یا مردگرد است که عرض آن از ۱ تا ۱۰ متر متغیر است. این کمربند به‌طور طبیعی در برخی نقاط قطع می‌شود و دور زدن صخره کوه را غیرممکن می‌سازد این نقاط را قلعه‌نشینان به دو طریق به یکدیگر ارتباط داده‌اند؛ یا صخره را تراشیده و یا با ایجاد دیواری از سنگ و ساروج قسمت‌های بریده شده را به یکدیگر متصل کرده‌اند.

حفاظت از این مسیرها برای مدافعان قلعه کاری سهل بوده است. ارتفاع کمربند یا مردگرد اول تا سطح زمین حدود ۲۰۰ متر بوده و در قسمت جنوبی آن شکاف‌هایی جهت صعود وجود داشته که با ایجاد دیوارهای مستحکمی، این شکاف‌ها را بسته‌اند. امروزه این دیوارها فرو ریخته و صعود از آن نقاط با دشواری ممکن است. از مردگرد اول تا مردگرد دوم حدود ۱۵۰ متر ارتفاع یا فاصله است که تنها از سمت شرق که درب ورودی قلعه از آنجاست، می‌توان به آن صعود کرد. از مردگرد دوم به سطح اصلی قلعه دو راه وجود داشت؛ یکی راه شرقی یعنی همان مسیر دروازه اصلی و دیگری از قسمت جنوبی و پایین آب‌انبارهای بزرگ.

سطح قلعه که تقریباً بیضی‌شکل است، پستی و بلندی‌های زیادی دارد. قطر بزرگ این سطح حدود ۳۵۰ متر و قطر کوچک آن ۲۰۰ متر می‌باشد. در این سطح بقایای بناهای متعددی از جمله ۶ آب‌انبار بزرگ و کوچک(تصویر ش ۲۰۱)، آثار معماری صخره‌ای، بقایای خانه‌های متعدد، چاه، حمام، ارگ، حوضچه‌های کوچک که احتمالاً برای نگهداری غلات و حبوبات از آنها استفاده می‌شد و سایر تأسیساتی که برای قلعه‌نشینان مورد نیاز بود، دیده می‌شود.

در شیب ملایم دامنه کوه و گرداگرد این قلعه بقایای دو حصار کمربندی دیده می‌شود که علاوه بر استحکامات طبیعی و گفته شده، مانع نفوذ دشمن به محدوده قلعه می‌شده است. فاصله این دو دیوار در نقاط مختلف متفاوت است و بین ۲۰ تا ۱۵۰ متر متغیر می‌باشد. این دیوارها در طی مسیر خود گاهی از فراز تپه‌های کوچکی می‌گذرند که بر فرازشان بقایای بناهایی دیده می‌شود. این بناها ظاهراً قلاع کوچک و اقماری گردکوه بوده‌اند. تعداد این بناها به ۲۰ عدد می‌رسد(نقشه ش ۱۹۸) در بیرون دیوارهای کمربندی، آثار خندق‌هایی نیز به چشم می‌خورد که پر شده‌اند و از ابعادشان اطلاعی در دست نیست.

بقایای قلعه گردکوه یا گنبدان دژ به شماره ۲۶۵۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: پازوکی. ۱۳۷۳، صص ۵۵-۴۳؛ پازوکی. ۱۳۷۴، صص ۴۴-۲۳۳؛ پازوکی. ۱۳۷۶، صص ۲۰۶-۱۹۳؛ ستوده. ۱۳۳۱، ص ۴۳-۳۳۹؛ کشاورز. ۱۳۷۰، صص ۴۸-۳۸

قلعه لاسگرد(سمنان)

بقایای این قلعه در روستای لاسگرد(لاسجرد) و جنوب‌غربی سمنان و در مسیر تهران به مشهد، قرار دارد و در گذشته یکی از قلاع بسیار معروف سمنان بوده است. قدمت بنای اولیه قلعه به دوره قبل از اسلام برمی‌گردد لیکن این قلعه با بازسازی تا اواسط دوره قاجار برای سکونت ساکنان محل مورد استفاده بوده است.

صنیع‌الدوله وضعیت این قلعه را در دوره قاجار چنین توصیف می‌کند: «... این قلعه ۶ برج دارد و هر برج دارای شش اتاق است. گرداگرد این تل، خانه‌های یک طبقه به تفاریق ساخته‌اند و از دور تل تیرها به میان آن دوانیده و روی تیرها را پوشانده و کوچه مصنوعی درست کرده و عبور سکنه از روی این تیرهاست... ارتفاع تل بدون خانه‌ها هفت‌ذرع و با خانه‌ها دوازده ذرع می‌شود. دور تل دویست و

پنجاه قدم است...». لرد کرزن انگلیسی نیز که در سال ۱۸۹۱ میلادی از قلعه مذکور دیدن کرده در این‌باره می‌نویسد: «در این محل سابقاً ارگی بر سنگر گردی بلند ساخته بودند که شاید تا هشتاد پا ارتفاع داشته، آن ارگ فعلاً خراب است و بناهای داخلی آن نیز به صورت انبوهی از زباله و آجر درآمده و اهالی در همان خرابه‌ها استقرار یافته و بر رأس دیوارها، خانه‌های گلی دو طبقه ساخته‌اند که فقط با پله‌های راست و عجیب و غریبی می‌توان بالا رفت. از اختصاصات حیرت‌انگیز آن یکی این است که در جلو هر طبقه با الوارهای خشن، ایوانی گذاشته و روی آن را هم با گل‌فرش کرده‌اند و این ایوان لغزان که نرده‌ای برای جلوگیری از سقوط افراد ندارد، پر از سوراخ و حفره است... آن محل از فاصله زیاد مانند گنبد عظیمی است که از پلکان نخست عمودی ورود به آنجا امکان دارد و از یک در عقب که تخته‌سنگی است که بر محوری استوار گردیده و از آنجا بالا می‌روند... اطراف ارگ گودال عمیق و عریضی است که به صورت باغچه درآورده‌اند». قلعه لاسگرد طرحی مدور داشته و برای ساخت آن از خشت‌هایی به ابعاد بزرگ و ملات گل استفاده کرده‌اند.

منابع: حقیقت. ۱۳۷۹، صص ۷۴-۷۲

صنیع‌الدوله. ۱۳۶۲، ص ۳۳۶

مخلصی. ۱۳۵۶، صص ۶۸-۶۶

قلعه ماری (گرمسار)

بقایای این بنا در ۳/۵ کیلومتری جنوب ایوانکی و ۵۰۰ متری تپه تیس واقع شده و ظاهراً از ساخته‌های دوره صفویه است که تا دوره اخیر پناهگاه ساکنان منطقه بوده است.

منبع: بنی‌اسدی. ۱۳۷۴، ص ۵۸۹

قلعه محمدآباد (گرمسار)

بقایای این بنا در روستای محمدآباد(خسروآباد) و ۶ کیلومتری شرق گرمسار واقع شده و از آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود. بقایای برج و باروی مستحکم این قلعه برجای مانده است.

منابع: بنی‌اسدی. ۱۳۷۴، ص ۵۸۵

حقیقت. ۱۳۷۹، ص ۴۲۵

قلعه منصوره کوه (دامغان)

بقایای این قلعه بر فراز کوهی به همین نام در ۱۸ کیلومتری جانب شمالی دامغان و در دشت آهوانو و نزدیک قلعه دیگری به نام مهرنگار واقع شده است. از بانی و تاریخ ساخت قلعه اطلاع دقیقی در دست نیست اما در اوایل قرن ۶ هجری اسماعیلیه بر این قلعه تسلط داشتند تا اینکه ملک غازی رستم(۵۳۴-۵۱۱ هجری قمری) به قهر آن را(به همراه قلعه مهرنگار) متصرف شد.

از دامنه کوه منصوره تا قلّه آن، در فواصل مختلف سه ساختمان وجود داشته که اکنون تنها بقایای دیوارهای آنها باقی مانده است. از این قلعه بقایای برجی بزرگ و سنگی برجای مانده که ظاهراً طبقات مختلفی داشته است و در دیواره آن روزنه‌هایی برای دیده‌بانی و تیراندازی تعبیه کرده بودند.

قلعه منصوره کوه به شماره ۲۶۵۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: حقیقت. ۱۳۷۹، صص ۱۸-۳۱۵

نجاتی. ۱۳۵۷، صص ۶۱-۱۵۹

قلعه موکوشم (سمنان)

بقایای این بنا بر فراز تپه‌ای بلند در حوالی روستای لاسگرد و سمت چپ جاده سمنان به تهران واقع شده است. بنای اولیه قلعه منسوب به قبل از اسلام است، هرچند بقایای کنونی تاریخ بسیار متاخرتری را نشان می‌دهد.

قلعه موکوشم در دوره قاجار پناهگاه دزدان و راهزنان بوده و وجه تسمیه بنا نیز(موکوشم = می‌کشم) به همین جهت است. قلّه موکوشم بر اساس بقایای موجود بنایی کوچک است که از خشت و گل ساخته شده است.

منبع: حقیقت. ۱۳۷۹، ص ۷۸

مخلصی. ۱۳۵۶، ص ۷۳

قلعه مهرنگار (دامغان)

بقایای این قلعه بر بالای کوه منفردی به نام مهرنگار یا مهرین، در دشت آهوانو و ۲۵ کیلومتری جانب شمالی دامغان واقع است. از دامغان به طرف شمال، جلگه‌ایست که کم‌کم سربالا می‌رود و به کوه‌های کوتاهی می‌رسد که در پای کوه‌های بلندتری قرار گرفته‌اند. در همین رشته‌کوه‌هاست که طرف غربی آن قلعه گردکوه یا گنبدان دژ و در طرف شرقی آن قلعه‌های مهرنگار و منصوره‌کوه را ساخته‌اند. از بانی و تاریخ ساخت قلعه مهرنگار اطلاعی در دست نیست اما در اوایل قرن ۶ هجری این قلعه در دست اسماعیلیان بوده و ملک‌شاه غازی رستم (۵۳۴-۵۱۱ هجری قمری)، از ملوک مازندران آنرا(به همراه قلعه منصوره کوه) به تصرف خود درآورد.

قلعه کوه مهرنگار وسعت کمی دارد، یعنی در حدود ۱۵×۴۰ متر و بر این سطح ساختمان‌هایی از سنگ، گچ و خشت و گل ساخته‌اند که اکنون عمده آنها ویران شده است. از بناهای به جای مانده می‌توان به برج دیده‌بانی مستحکمی از سنگ و ملات گچ اشاره کرد که چهار متر از ارتفاع آن باقی مانده است. در قسمت غرب قلعه نیز یک چهار دیواری

به طول و عرض ۶×۱۰ متر قرار دارد و در وسط آن چاهی است که عمق کنونی آن ۱/۵ متر است.

قلعه مهرنگار به شماره ۲۶۵۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: حقیقت. ۱۳۷۹، ص ۱۸-۳۱۵

نجاتی. ۱۳۴۶، صص ۲۵-۳۲۴

قلعه میرزا عسکری / شیر قاضی (سمنان)

این قلعه سابق بر این در محله پاچنار شهر سمنان و محل کنونی درمانگاه و بیمارستان واقع بوده و از قلاع مستحکم و استواری بود که در یک زاویه آن برج مدور و عظیمی ساخته شده بود(توصیف وضعیت این قلعه در دوره قاجار در کتاب مطلع‌الشمس آمده است).

قلعه میرزا عسکری در جریان ساخت و سازهای دوره اخیر به طور کامل از میان رفته است. قدمت این قلعه حداقل به دوره صفویه برمی‌گردد. به هنگام حمله اشرف افغان، سیدعلی قاضی، حاکم سمنان بود و در این قلعه سکونت داشت. اشرف افغان سیدعلی قاضی را دستگیر و او را در مقابل لشگریان خودکور نمود و به همین جهت قلعه به «برج شیر قاضی» نیز معروف شده است.

منابع: حقیقت. ۱۳۷۹، صص ۸۷-۸۶

مخلصی. ۱۳۵۶، صص ۷۲-۷۱

قلعه ناسار (گرمسار)

این قلعه در روستای ناسار(نوحصار/ نه حصار)، از توابع شهرستان گرمسار واقع شده و قلعه‌ای است با دیوارهای عظیم و مستحکم که در کنار جاده ارتباطی روستا ساخته شده است.

منابع: حقیقت. ۱۳۷۹، ص ۴۲۵

بنی‌اسدی. ۱۳۷۴، ص ۵۸۲

قلعه نو خرقان (شاهرود)

بقایای این بنا در روستایی به همین نام، در ۲۰ کیلومتری شرق شاهرود و ابتدای جاده ارتباطی روستا، واقع شده و از آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود. بخشی از بنای قلعه نو خرقان، از جمله برج و باروی آن، هنوز برجای مانده است.

منابع: بنی‌اسدی. ۱۳۷۴، ص ۳۹۱

حقیقت. ۱۳۷۹

قلعه نوکلاته (سمنان)

بقایای ویرانه این بنا در ۶ کیلومتری جنوب سمنان و در مزرعه نوکلاته، از توابع روستای خیرآباد واقع شده و در اواخر دوره صفویه به دستور سیدعلی قاضی، حاکم وقت سمنان ساخته شده است. قلعه نوکلاته در دوره افشاریه از قلاع مهم منطقه بوده است.

منبع: مخلصی. ۱۳۵۶، ص ۷۳

قلعه یاتری (گرمسار)

بقایای این قلعه در ۲ کیلومتری گرمسار و در قریه «یاتری» واقع است. یاتری در گذشته حاکم‌نشین «خوار» بوده است. به نوشته صنیع‌الدوله، در زمان ناصرالدین‌شاه، عمارت مدور و دو طبقه زیبایی به همت امین‌السلطان، حاکم‌خوار، در اینجا ساخته شد.

منابع: بنی‌اسدی. ۱۳۷۴، ص ۵۸۱

حقیقت. ۱۳۷۹، ص ۴۲۵

سیستان و بلوچستان

ارگ سردار محمدحسین ناروئی (زابل)

این بنا در روستای قلعه نو، از توابع دهستان خمک بخش شهرکی شهرستان زابل واقع شده و از ساخته‌های اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی به شمار می‌آید که به شماره ۷۲۵۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه ابتر (ایرانشهر)

این بنا در روستای ابتر، از توابع بخش مرکزی شهرستان ایرانشهر، واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید که به شماره ۷۷۰۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه اسپکه (نیک‌شهر)

این بنا در روستای اسپکه، از توابع بخش لاشار شهرستان نیک‌شهر، واقع شده و از بناهای قرون میانه اسلامی به‌شمار می‌آید که به شماره ۷۲۶۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه اسپیدژ (ایرانشهر)

این بنا در روستای اسپیدژ، از توابع دهستان گیمان بخش بزمان شهرستان ایرانشهر واقع شده و از آثار سده‌های نخستین اسلامی به شمار می‌آید که به شماره ۶۷۴۶ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه ایرندگان (خاش)

این بنا در روستای ایرندگان، از توابع بخش مرکزی شهرستان خاش واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید که به شماره ۷۷۰۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه بگ (نیک‌شهر)

این بنا در روستای بگ، از توابع دهستان ساریوگ بخش قصر قند شهرستان نیک‌شهر واقع شده و در طی قرن ۷ هجری تا دوره قاجار مورد استفاده بوده است.

قلعه بگ به شماره ۷۲۵۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه بلو (خاش)

بقایای این قلعه و برجک قدیمی مجاور آن در دهستان گوهر کوه، از توابع بخش نوک‌آباد شهرستان خاش، واقع شده و از ساخته‌های دوره قاجاریه به شمار می‌آید که به شماره ۴۱۴۹ در فهرست آثار ملی ایران به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه بلوچ‌کته (چابهار)

بقایای این قلعه برفراز کوهی در شهرستان چابهار واقع شده است. در حال حاضر آثار دیوار قلعه، یک برج دیده‌بانی، دو مقبره هرمی شکل برجسته که با سنگ و ساروج ساخته شده است و همچنین آثار بند و حصار و باروی دژ در پیرامون محوطه اصلی باقی مانده است.

منبع: افشار سیستانی. ۱۳۷۱، ص ۱۵۳

قلعه بمپور

این قلعه در شمال‌غرب شهر بمپور و ۲۴ کیلومتری غرب ایرانشهر واقع شده و معروفترین و مهم‌ترین قلعه در سرتاسر بلوچستان به‌شمار می‌رود. قلعه بمپور در میانه جلگه و برفراز تپه‌ای ساخته شده و دارای حصاری به طول هر ضلع ۹۴ و ضخامت یک و ارتفاع ۵ متر است.

قلعه بمپور از انواع قلعه‌های مسکونی و تدافعی است که از خشت و گل ساخته شده و شامل دو قسمت ارگ یا حاکم‌نشین در قسمت شمالی و بخش عامه‌نشین در قسمت جنوبی است؛ به‌اضافه محل استقرار سربازان و انبارهای قلعه.

قلعه بمپور در سده‌های اخیر به ویژه دوران افشاریه، زندیه و قاجار معمور و آباده بوده اما به واسطه جنگ‌ها صدمات زیادی دیده و در نهایت به صورت مخروبه و متروکه درآمده است. بخشی از خرابی‌های قلعه در جریان به‌توپ بستن این قلعه از سوی حبیب‌اللّه‌خان محلاتی در زمان فرار برادرش آقاخان محلاتی در سال ۱۲۵۷ هجری قمری، حادث شده است.

در خصوص تاریخ ساخت بنای اولیه قلعه اطلاع دقیقی در دست نیست. تعدادی از نویسندگان آن را از آثار صفویه و تعدادی دیگر از آثار دوره افشاریه دانسته‌اند. ژنرال سرپرسی سایکس، در سفرنامه خود این قلعه را از ساخته‌های زمان شاه‌عباس اول و سال ۱۰۲۲ هجری ذکر کرده است. در تعدادی از منابع دیگر، بنای اولیه قلعه را مربوط به قبل از اسلام دانسته‌اند.

قلعه بمپور به شماره ۵۵۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: افشار سیستانی. ۱۳۶۸، ص ۲۹۶

روزنامه همشهری. ۸۰/۱/۱۸، ص ۱۴

سایکس. ۱۳۶۳، ص ۱۴۰
شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه بنت (نیک‌شهر)

این بنا در روستای بنت، از توابع بخش بنت شهرستان نیک‌شهر، واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید که به شماره ۷۲۶۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه پیروزگت (چابهار)

این بنا در روستای تیس، از توابع بخش مرکزی شهرستان چابهار واقع شده و از آثار قرون میانه اسلامی محسوب می‌شود که به شماره ۶۴۷۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه ترقون (زاهدان)

بقایای این قلعه در دلتای جنوبی رود هیرمند و در شهرستان زاهدان واقع شده و یکی از هفت قلعه دلتای مذکور محسوب می‌شود. بنای اولیه قلعه ترقون منسوب به سده‌های نخستین اسلامی است و بنا به روایتی در سال ۷۸۵ هجری به دستور تیمور لنگ ویران شده است. بعد از این تاریخ قلعه دوباره بازسازی شده و برای مدتی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد و از قلاع مهم سیستان بوده است.

قلعه ترقون بر روی صخره طبیعی و مرتفعی بنا شده و تنها از جانب شرقی می‌توان به آن دسترسی پیدا کرد. این سمت از قلعه را با ایجاد دیوارها و برج‌هایی استحکام بخشیده‌اند. در حال حاضر از دروازه قلعه آثاری برجای نمانده اما امتداد دیوارهای بلند آن در کناره‌های صخره مشهود است. در فضای داخلی قلعه فضاهای معماری و اتاق‌های متعددی با پوشش‌های طاق و گنبد وجود دارد.

مصالح مورد استفاده در بنا سنگ و آجر و خشت و گل است. از آجر بسیار کم و تنها برای تزیین و روکار بنا و نیز راه زیرزمینی و دیواره چاه استفاده شده است. حصار قلعه دارای روزنه‌هایی برای دیده‌بانی و تیراندازی است و همچنین برای تردد نگهبانان و دفاع از قلعه بر روی این دیوار راهروهای جان‌پناه‌دار ساخته‌اند.

منبع: افشار سیستانی. ۱۳۶۹، ص ۴۱-۶۳۶

قلعه تیس (چابهار)

بقایای این قلعه در ۹ کیلومتری غرب شهرستان چابهار واقع است و از آثار دوره قاجاریه محسوب می‌شود و به شماره ۵۵۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه تیمور (زابل)

بقایای این قلعه در ۲ کیلومتری جنوب‌شرقی شهرستان زابل واقع شده و مربوط به دوره ایلخانی ـ صفویه است. قلعه تیمور به شماره ۵۳۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: افشار سیستانی. ۱۳۶۹، ص ۱۳۴
شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه چاه‌ملک (بلوچستان)

این قلعه در چاه‌ملک بلوچستان واقع است و برطبق شرحی قدیمی از آن: «با نقشه دایره خیلی بزرگ ساخته شده، پایه‌های دیوار و برج آن خیلی پهن است و خندق عریض و پرآبی دور آن است که در حال حاضر به صورت نیزار درآمده. در میان این قلعه یک نارنج قلعه می‌باشد که ارگ قلعه بزرگ محسوب می‌شود. دور این قسمت نیز خندقی است که به نیزار تبدیل شده است».

منبع: فرمانفرما. ۱۳۶۰، ص ۱۴

قلعه چپو (زاهدان)

بقایای این بنا در شمال‌شرقی نادعلی(زرنج) و جنوب‌شرقی قلعه‌ی پلان(کلان) واقع است. دیوارهای آن فرو ریخته و به صورت تلی از خاک درآمده است و تنها یک دروازه آن هویداست. قلعه چپو از خشت و به مقدار کمتری آجر، ساخته شده است. ارگ میانی قلعه نیز به صورت تلی از خاک درآمده است.

منبع: افشار سیستانی. ۱۳۶۹، ص ۶۴۲

قلعه حوضدار (زابل)

این بنا در جنوب‌شرقی دریاچه هامون و جنوب‌غربی محوطه باستانی شهر سوخته و غرب قلعه مچی واقع است. در چهار دیواری این قلعه قصبه‌یی نیز وجود داشته است. دروازه‌های قلعه در اضلاع شمالی و جنوبی قرار گرفته‌اند. دور قلعه بقایای خندقی به عرض ۱۵ متر وجود دارد. در سمت چپ دروازه شمالی، بقایای ساختمان کاهگلی بزرگی وجود دارد که حاکم‌نشین قلعه بوده است. در داخل خندق آثار دو یا سه چاه دیده می‌شود.

منبع: افشار سیستانی. ۱۳۶۹، ص ۶۴۴

قلعه حیدرآباد (خاش)

این قلعه در شهر خاش و انتهای خیابان رودکی واقع شده و در اواسط دهه ۱۹۲۰ میلادی و زمان سلطه استعمار انگلستان بر منطقه،

بنا گردیده است. قلعه حیدرآباد توسط عیدوخان، مأمور شبه‌نظامی دولت انگلیسی هند بنا گردیده و تا پیش از سال ۱۳۰۷ هجری شمسی که قشون دولتی رضاخان خاش را تصرف کرد، مرکز حکومت عیدوخان بود. از این تاریخ به بعد به مرور زمان قلعه رو به ویرانی نهاد (تصویر ش ۲۰۲).

قلعه حیدرآباد با وسعتی در حدود ۳۹۰۰ متر مربع تماماً با مصالح خشت و گل ساخته شده است. نقشه اصلی و اولیه آن به شکل مستطیل بوده که در قسمت جنوب‌شرقی با اضافه شدن چندین اتاق و دیوار، نقشه عمومی بنا به ذوزنقه تغییر یافته است. قلعه حیدرآباد حداقل از سه بخش مجزا تشکیل شده است؛ قسمت شمالی و فوقانی بنا خود قلعه دفاعی کوچکی است با چهار برج دیده‌بانی مدور در چهار گوشه آن، بخش دوم حیاط اصلی و مرکزی مجموعه است و بالاخره مجموعه‌ای از اتاق‌ها و فضاهای معماری که جهت اسکان حاکم و خانواده وی می‌باشد. این قلعه در دوره اخیر توسط سازمان میراث فرهنگی تعمیر و مرمت شده و به شماره ۳۸۲۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: روزنامه همشهری، ۸۰/۴/۲، ص ۱۴

قلعه دامن (ایرانشهر)

این بنا در روستای دامن، از توابع دهستان دامن و شهرستان ایرانشهر، واقع شده و از آثار دوره قاجاریه محسوب می‌شود که به شماره ۶۴۷۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه دزک (سراوان)

بقایای این قلعه در شهرستان سراوان واقع شده و یکی از مهم‌ترین قلعه‌های ناحیه می‌باشد. قلعه دزک محل اقامت و حکمرانی علیمحمدخان، پدر دوست محمدخان بوده است.

قلعه رستم (زابل)

بقایای این قلعه در شیب‌آب و ۳۳ کیلومتری غرب شهرستان زابل واقع شده و اکنون به‌کلی ویرانه است. بنای اولیه قلعه منسوب به دوره تاریخی است اما از بقایای ویرانه‌های آن چنان برمی‌آید که چهارصد تا پانصد سال پیش متروک گردیده و چه بسا که تغییر مسیر هیرمند سبب خرابی آن شده است. وسعت خرابی‌های کنونی قلعه رستم در مساحتی به طول ۲ و عرض حدود یک کیلومتر گسترده شده است.

این قلعه به شماره ۵۴۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: افشار سیستانی، ۱۳۶۹، ص ۶۴۳

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه زاهدان

قلعه زاهدان در حال حاضر به ویرانه‌ای مبدل گردیده است و تنها بقایای دو برج و چندین اتاق آن، با سقف گنبدی، برجای مانده است. این اتاق‌ها هشت ضلعی و قطرشان حدود ۲/۴۳ متر است و در هر ضلع دارای دریچه‌ای می‌باشند که داخل آن را گچکاری کرده بودند. در یکی از اضلاع به جای دریچه، بخاری دیواری کوچکی ساخته‌اند. مصالح مورد استفاده در این بنا، آجر و خشت است.

منبع: افشار سیستانی، ۱۳۶۹، ص ۶۷۳

قلعه سام / سار (زابل)

این بنا در ۲۸ کیلومتری شرق جاده زاهدان ـ زابل واقع شده و بنای اولیه آن منسوب به دوره قبل از اسلام است که در دوره اسلامی بازسازی و مورد استفاده قرار گرفته است. احتمال می‌رود ساکنان محل به هنگام خطر در این قلعه پناه می‌گرفته‌اند.

قلعه سام با پلان ذوذنقه‌ای شکل ساخته شده و از شرق به غرب ۳۷۶ متر و از جنوب به شمال ۲۹۶ متر وسعت دارد. این قلعه دارای دو دروازه شمالی و جنوبی است که هرکدام دارای دو برج نگهبانی می‌باشند. مجموعه برج‌های آن بالغ بر ۳۶ عدد است که در طول بارو ساخته شده‌اند. ۹ برج آن بزرگ و در زوایای قلعه قرار گرفته و بقیه برج‌ها در طول دیوارها قرار داده شده‌اند. قلعه سام از چینه ساخته شده است و در داخل آن بقایای دو ساختمان مشهود است.

قلعه سام به شماره ۲۵۴۱ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منابع: افشار سیستانی، ۱۳۶۹

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه سب (سراوان)

این بنا در محله قدیمی یا قلعه محله روستای سیب و ۴۵ کیلومتری جنوب‌غربی شهرستان سراوان واقع شده است. نام قلعه سب از نام روستای سیب(به معنای جایگاهی که آب در آن روان است) گرفته شده است. این واژه به طایفه‌های کهن در سراوان هم اطلاق می‌شود. بنای اصلی قلعه سب که تقریباً در مرکز حصار و متصل به ضلع شمالی آن قرار گرفته، بر روی صفه‌ای صخره‌ای و طبیعی، با نقشه مستطیل شکل، به ابعاد ۲۵×۳۶ متر و در دو طبقه ساخته شده است (تصاویر ش ۲۰۳). ویژگی اصلی این بخش از قلعه هرمی شکل بودن آن است، به‌گونه‌ای که با افزایش ارتفاع از حجم آن کاسته می‌شود. این ویژگی موجب ایستایی و ماندگاری بیشتر بنا شده است. حداکثر ارتفاع باقیمانده قلعه ۲۳ متر است.

تنها ورودی اصلی بنا در ضلع جنوب‌شرقی قرار دارد و به واسطه راهرویی به طول ۱۶/۵ متر به حیاط مرکزی قلعه راه می‌یابد. برای

دسترسی به فضاهای حاکم‌نشین و تابستانی، راه‌پله‌ای کم‌عرض و با شیب تند وجود دارد. حصار قلعه به ابعاد ۷۴×۴۸ متر دارای دیواره‌ای به ضخامت حدود ۳ متر است و در جبهه داخلی آن و پیرامون حیاط حدود ۴۰ اتاق کوچک و بزرگ ساخته شده است. این حصار همچنین دارای چهار برج تدافعی در چهار گوشه می‌باشد. دور تا دور حصار و نیز برج‌ها از داخل دارای غلام‌گردهایی است تا در مواقع ضروری نگهبانان و مدافعان قلعه در آنجا مستقر شوند.

قلعه سب یکی از مهم‌ترین بناهای تاریخی منطقه است و از ماندگاری خوبی برخوردار می‌باشد. یکی از دلایل این ماندگاری همانگونه که قبلاً اشاره شد، سبک خاص ساختمان آن است و دیگری آنگونه که روایت شده، معماران محلی با بهره‌گیری از تجارب خود، برای احداث این قلعه، تخم گیاهی به‌نام «توتری» را با گل مخلوط کرده و ملاتی چسبناک به‌دست آورده‌اند که وقتی خشک می‌شد، شدیدترین رگبارها و باران‌های فصلی بلوچستان نیز قادر به شستن آن نبود.

در خصوص تاریخ دقیق ساخت بنا و بانی آن اطلاعی در دست نیست. بر اساس مدارک موجود قلعه سب از زمان صفویه به بعد، به‌ویژه در عصر افشاریه آباد و معمور بوده و در اوایل سده دوازدهم هجری مرکز حکمرانی ملک دینارخان بزرگ و فرزندان وی بوده است. آخرین حکمران قلعه سب، غلام رسول‌خان بوده که دو اتاق طبقه دوم قلعه از ساخته‌های اوست. قلعه سب در سالهای اخیر توسط سازمان میراث فرهنگی تعمیر و مرمت شده و به شماره ۱۷۵۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: افشار سیستانی. ۱۳۷۱، ص ۱۵۹

روزنامه ایران. ۸۰/۷/۱۵، ص ۱۱

روزنامه همشهری. ۸۰/۴/۱۶، ص ۱۴

قلعه سب. ۱۳۷۶، ص ۱۹۴

قلعه سرباز (ایرانشهر)

این بنا در شهرستان ایرانشهر واقع است و از بناهای دوره اسلامی محسوب می‌شود که توسط خوانین محلی ساخته شده است.

منبع: افشار سیستانی. ۱۳۷۱، ص ۴۸-۱۴۷

قلعه سه‌کوهه (زابل)

بقایای این قلعه در ۱۹ کیلومتری جنوب‌غربی زابل و ۳ کیلومتری شرق جاده آسفالته زابل ـ زاهدان و در روستای سه‌کوهه، از توابع بخش شیب آب، واقع شده است. قلعه سه‌کوهه از قلاع معتبر سیستان بوده و در دوره افشاریه توسط سردار علیخان سرابندی ساخته شده و بعدها نیز بناهایی به آن الحاق شده است. امروزه تنها بقایای برج و بارو و بناهای داخلی قلعه برجای مانده است(تصاویر ش ۶-۲۰۵)

قلعه سه‌کوهه به شماره ۷۲۵۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: افشار سیستانی. ۱۳۶۹، ص ۶۴۴

قلعه قدیمی ایرانشهر

این بنا در خیابان امام‌خمینی شهرستان ایرانشهر واقع شده و از آثار دوره قاجاریه است که به شماره ۱۸۲۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه قصر قند (نیک‌شهر)

این بنا در خیابان امام‌خمینی و شرق مسجد جامع نیک‌شهر واقع شده و از آثار دوره صفویه می‌باشد که به شماره ۷۲۶۰ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه کلات (چابهار)

قلعه کلات در محوطه‌ای به طول و عرض ۲۶×۵۴ متر ساخته شده و شامل حصار و دو برج دفاعی و بناهای داخلی است. ورودی قلعه دارای هشتی وسیعی است و در شمال‌شرقی آن قرار دارد. در اطراف صحن اصلی قلعه واحدهای ساختمانی کوچک قرارگرفته‌اند. برج‌های بنا در پایین در روی اتاق‌هایی قرارگرفته و با مصالح سنگ و گچ ساخته شده‌اند. در وسط و زوایای صحن قلعه آثار آب‌انبارهای ساخته شده از سنگ و ساروج، دیده می‌شود.

منبع: افشار سیستانی. ۱۳۶۹، ص ۵۲-۱۵۱

قلعه کسو جمپ (چابهار)

این بنا در روستای بسوت، از توابع بخش دشتیاری شهرستان چابهار، واقع شده و از آثار قرون میانه اسلامی به شمار می‌رود که به شماره ۶۴۷۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه مچی (زابل)

بقایای این قلعه در ۶۰ کیلومتری جنوب‌غربی شهرستان زابل و حدفاصل شهر سوخته و تاسو واقع شده و از آثار دوره صفویه است که به شماره ۲۱۳۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است(تصویر ش ۲۰۹)

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه ناصریه (ایرانشهر)

این بنا که به قلعه ایرانشهر و قلعه‌دوست محمدخان نیز شهرت دارد، در شهرستان ایرانشهر واقع شده و ساختمان آن در حدود سال ۱۲۷۱ هجری شمسی به معماری استادحسین معمارباشی کرمانی به پایان رسیده است. قلعه ناصریه در زمان حکومت امیردوست محمدخان بارکزایی به «قلعه دوست محمدخان» معروف شد و بعد از استقرار قوای دولتی در آن به «قلعه ایرانشهر» تغییرنام داد(تصویر ش ۲۱۰).

قلعه ناصریه به سبک دیگر قلاع دوره قاجاریه با پلان مربع ساخته شده و دارای مال‌بند سراسری در پای‌دیوار، چهار حیاط مجزا و بیش از ۱۵۰ اتاق یا فضای معماری است. حصار و برج‌های قلعه از ضخامت و استحکام خوبی برخوردارند؛ هر چند در طی زمان و عدم‌مراقبت و نگهداری امروزه به ویرانه‌ای تبدیل شده‌اند.

منبع: افشار سیستانی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۷

قلعه نیک‌شهر

این بنا در نزدیکی خیابان امام‌خمینی شهرستان نیک‌شهر واقع شده و از جمله قلعه‌هایی است که در دوره‌های مختلف تاریخی، از دوره اشکانی تا اواخر قاجار مورد استفاده بوده است. بقایای قلعه نیک‌شهر به شماره ۷۲۶۱ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

قلعه هریدوک (نیک‌شهر)

این بنا در روستای هریدوک، از توابع بخش لاشار شهرستان نیک‌شهر، واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید. قلعه هریدوک، به شماره ۷۲۶۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوجستان

قلعه‌های روم و رامرد (زابل)

بقایای مجموعه بناهای روم و رامرد در منطقه تاسوکی و ۳ کیلومتری جاده زابل به زاهدان واقع شده و از آثار دوره اسلامی به شمار می‌آید. بناهای مذکور به شماره ۳۹۴۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان

فارس

ارگ کریمخانی (شیراز)

این بنا در بافت تاریخی شهر شیراز واقع شده و توسط کریم‌خان زند(۱۲۳۱-۱۱۷۱ هجری قمری) در زمینی به وسعت ۱۲۸۰۰ متر مربع و زیربنای ۴۰۰۰ متر مربع ساخته شده است. کل مجموعه ارگ که مشتمل بر بخش مسکونی و بخش اداری است با دیواری مستحکم و مرتفع به ارتفاع ۱۲ متر دربرگرفته شده است. در هر گوشه این ارگ برجی مدور به ارتفاع ۱۴ متر با تزئینات آجرچینی ساخته شده است (تصاویر ش ۱۳-۲۱۱).

در فضای داخلی ارگ صحنی وسیع و زیبا باحوضی مستطیل‌شکل در میانه آن قرار گرفته است. در پیرامون این صحن فضاهای معماری مختلفی با تزئینات زیبای کاشیکاری، گچبری، نقاشی و پنجره‌های گره‌چینی زیبا قرار دارند.

بر سردر ورودی ارگ، طرح کاشیکاری هفت‌رنگ زیبایی با موضوع رستم و دیو سفید که از کارهای دوره قاجاریه است، نقش بسته است. ساختمان‌های مسکونی ارگ در سه ضلع شمالی، جنوبی و غربی بنا شده‌اند. ضلع شرقی ارگ مسکونی نبوده و با مرکزیت در و هشتی ورودی به دو قسمت تقسیم می‌شود. در هر ضلع مسکونی ارگ شش اتاق بزرگ یک طبقه و شش راه‌پله دو طبقه وجود دارد.

ازاره بخشی از بناهای ارگ از سنگ مرمر سبز رنگ بسیار زیبایی پوشیده شده. در گوشه جنوب‌شرقی ارگ، حمام خصوصی کریم‌خان زند قرار دارد که مشتمل بر سه بینه(رختکن)، گرمخانه و خزینه و راهروهای ارتباطی است. پوشش گنبدی حمام با آهک‌بری‌های زیبا تزیین شده است. بخشی از تزئینات نفیس ارگ بعد از فتح شیراز توسط آقامحمدخان قاجار به تهران منتقل شد(اطلاعات بیشتر در ارتباط با این بنا در مجلد «کاخ‌ها» ارائه خواهد شد).

ارگ کریمخانی، به شماره ۹۱۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

دروازه قرآن (شیراز)

این بنا در تنگه اللّه‌اکبر و در مدخل جلگه شیراز، از طریق جاده اصفهان، قرار دارد(تصاویر ش ۱۶-۲۱۴). وجه تسمیه دروازه‌قرآن به جهت یک جلد قرآن بسیار بزرگی بوده که در گذشته در اتاق واقع در بالای دروازه قرار داشته است. بنای اولیه این دروازه ظاهراً به دوره دیلمیان (آل‌بویه) برمی‌گردد. بنا به روایت‌های صورت گرفته در این دوره طاقی مرتفع از سنگ‌های تراشیده در مدخل تنگه و بر روی جاده شاهی ساخته می‌شود تا از طریق آن رفت و آمد کنترل شود.

در زمان کریمخان زند(۱۲۳۱-۱۱۷۱ هجری قمری) طاق مزبور که در شرف ویرانی بوده مرمت شده و در طرفین آن اتاق‌هایی برای محافظین و مأمورین و نیز آب‌انباری که از آب‌رکنی پر می‌شد، ساخته می‌شود. در این دوره بر بالای طاق سنگی اتاق کوچکی ساخته شده و در آن اتاق قرآن خطی بزرگی قرار داده می‌شود تا مسافرین به سلامت به مقصد برسند و از همین‌رو آن را «طاق قرآن» نیز نامیده‌اند. این قرآن نفیس که در دو جلد بزرگ نوشته شده و در شیراز به قرآن «هفده من» معروف بوده، اکنون در موزه پارس شیراز نگهداری می‌شود و به خط ابراهیم سلطان پسر شاهرخ تیموری است که در زیبائی و نفاست خط و تذهیب بی‌نظیر است.

در اوایل دوره پهلوی و سال ۱۳۱۶ شمسی، با توجه به فزونی رفت و آمد و تردد وسایل نقلیه و لزوم تعریض جاده، معبر و تنگه مذکور توسعه یافت که در جریان این عملیات طاق مزبور و بناهای پیرامون آن ویران شدند. با توجه به اهمیتی که این طاق در زندگی و فرهنگ مردم شیراز داشت، در سال ۱۳۲۷ شمسی مرحوم حسین ایگار (اعتمادالتجار) طاق کنونی را ساخته و قرآنی بر بالای آن قرار داد. مدفن این شخص در اتاقی در میانه جرز شرقی طاق قرآن قرار دارد.

طاق یا دروازه قرآن مزین به کاشیکاری و کتیبه‌های قرآنی است و با مصالح آجر و مقداری سنگ ساخته شده است. بعد از احداث بزرگراه شیراز ـ مرودشت، تردد اصلی به این بزرگراه منتقل شده و دروازه قرآن جنبه نمادین یافت. بنای دروازه قرآن به شماره ۱۸۰۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: بهروزی. ۱۳۴۹، ص ۳۰
پیرزاده. ۱۳۴۲، ص ۳۰
ویلبر. ۱۳۴۸، ص ۲۱۵
هاشمی. ۱۳۷۹، صص ۲۹-۲۷

قلعه آقامحمدخانی / باغ تخت (شیراز)

این بنا در پای کوهستان شمالی شهر شیراز و در محل معروف به باغ تخت واقع شده است(تصویر ش ۲۱۷). بنای اولیه باغ تخت قدمت زیادی دارد و به دوره اتابکان فارس می‌رسد. بنیان این باغ در سال ۴۸۰ هجری قمری و توسط اتابک قراچه گذاشته شده است. اتابک قراچه عمارتی را بر بالای محل مرتفعی ساخت و آن را تخت قراچه نام نهاد. بنای مزبور به مرور زمان دچار ویرانی شد تا اینکه در سال ۱۲۰۸ هجری قمری آقامحمدخان قاجار در محل مذکور قلعه مستحکمی بنیان نهاد و در زمان فتحعلیشاه قاجار نیز تعمیراتی در آن صورت گرفت.

در سال ۱۲۶۱ هجری قمری محمدشاه قاجار بنای جدید و محوطه‌های مسطح آن را که تخت قاجار نامیده می‌شد، احداث نمود که حوض‌ها و فواره‌ها و حمام و تأسیسات عالی داشت. بیشتر این تأسیسات از بین رفته است با این حال هیئت اصلی قلعه و پی‌بندی ساختمان به صورت اولیه در محل باقی است؛ از جمله کاشیکاری نمای جنوبی ساختمان و لب‌بندی‌های سنگی و ازاره سنگی ایوان

شرقی ساختمان. در دوره پهلوی اول این بنا بازسازی شد و در اختیار ارتش قرار گرفت.

وضع کنونی قلعه: بنائی است آجری و مستحکم که بر روی پشته طبیعی بنا شده است و در چهارگوشه آن چهار برج ساخته شده است. بنا در دوره پهلوی نوسازی و تجدید شده ولی پایه و شالوده اصلی خود را حفظ نموده است. دو سری ساختمان در داخل قلعه وجود دارد. یک ردیف ساختمان در سمت شمالی قلعه که در گوشه آن دو برج مدور ساخته‌اند. راه ورودی برج‌ها از داخل قلعه است. بر بالای برج کنگره‌هایی نصب شده و بر بدنه آن روزنه‌هایی جهت دیده‌بانی و تیراندازی تعبیه شده است.

ساختمان اصلی دوره قاجاریه در گوشه جنوب‌غربی قلعه قرار دارد. هشت اسپره کاشیکاری با طرح‌های زیبا، در نمای جنوبی ساختمان وجود دارد. لب‌بند بالای اسپره‌های کاشیکاری و لب‌بند و ازاره سنگی ایوان شرقی ساختمان و پلکان سنگی جلو ایوان، قدیمی و مربوط به اوایل دوره قاجاریه است. در گوشه جنوب‌غربی ساختمان، دیوار کوتاهی است که برج جنوب‌غربی قلعه را به ساختمان قدیمی مربوط می‌سازد و دو طاقنما در دیوار مذکور دیده می‌شود. در بالای طاقت‌نماهای مذکور دو لچکی کاشیکاری قدیمی است. اسپره‌های کاشیکاری نمای جنوبی ساختمان از نمونه‌های جالب کاشیکاری اوایل دوره قاجاریه است. نمای پی ساختمان در اطراف کاشیکاری، با قطعات سنگ سرخ‌فام حجاری شده بسیار زیبا، تزیین شده است.

ساختمان اصلی قلعه دو طبقه بوده در طبقه دوم آن دو اتاق دیده می‌شود. در وسط قلعه حوضی سنگی از دوره قاجار باقیمانده که لبه و پاشویه آن از قطعات سنگ سرخ‌فام حجاری شده است.

منبع: اسلامی. ۱۳۵۰، ص ۶۸-۵۵

قلعه‌استخر / ماران (مرودشت)

بقایای این قلعه در انتهای شمال‌غربی‌جلگه مرودشت و بر روی یکی از سه کوه منفرد که به قلعه استخر معروف است، قرار دارد و با توجه به متون تاریخی بنای اولیه آن در قرن چهارم هجری توسط عضدالدوله دیلمی، احتمالاً به جای بنای قدیمی‌تری، ساخته شده است. بر روی دو کوه منفرد و مجاور این قلعه نیز قلاعی وجود داشتند که به «قلعه شکسته» و «قلعه اشکنوان» معروف بودند.

برای رسیدن به قلعه استخر باید از طریق راه فرعی که از جانب نقش رستم به جانب شمال‌غربی‌امتداد دارد، به روستاهای سارویه و گرم‌آباد و قریه کوچک «بنی‌یکه» رفت و از کنار قریه اخیر به سمت چپ متوجه شده و به کوهسار رسید و از آنجا با طی دو ساعت کوهپیمایی به ویرانه‌های قلعه رسید. نقشه قلعه از شکل طبیعی رأس کوه پیروی کرده و فاقد نظم هندسی است. امروزه از قلعه استخر تنها بقایای شکسته دیوارهای آن و نیز حوضچه بزرگ ذخیره آب، برجای مانده است. مصالح مورد استفاده در این قلعه سنگ و ملات آهکی است. قلعه استخر به جهت استحکام فوق‌العاده‌اش و نیز به جهت وقایع تاریخی مرتبط با آن، از شهرت زیادی برخوردار است.

ابن‌حوقل جغرافی‌دان قرن چهارم هجری از استخر و قلعه مستحکم و بارودار آن نام می‌برد و نیز در همین محل از قلعه دیگری به نام اشکنوان یاد می‌کند. لسترنج به نقل از بلاذری و مقدسی و فارسنامه‌ابن‌بلخی و نزهةالقلوب حمدالله مستوفی، درباره این قلاع می‌نویسد: «بر فراز کوه‌های شمال باختری اصطخر سه قلعه بود یکی اصطخریار، دیگری قلعه شکسته و سوم قلعه اشکنوان. این سه قلعه را رویهم سه گنبدان می‌گفتند، آب قلعه اولی از دره‌ای عمیق که جلو آن را سدی بسته بودند می‌آمد و در این قلعه عضدالدوله دیلمی آب‌انبارهای بزرگ ساخته بود که سقف آن بر فراز بیست ستون قرار داشت و هنگامی که دشمن قلعه را محاصره می‌کرد آب آن آب‌انبار، برای مصرف هزار مرد که درون قلعه بودند، به مدت یک سال کفایت می‌نمود. نزدیک آن قلاع بر فراز کوه میدانی بود برای تمرین سپاهیان که آنرا هم عضدالدوله دیلمی ساخته بود».

در فارسنامه ابن‌بلخی در رابطه با قلعه استخر می‌خوانیم: «قلعه اصطخر قلعه‌ایست سخت عظیم و از این جهت آن را اصطخریار نام نهاده‌اند که یعنی یار اصطخر: هوای آن معتدل است و آب‌چشمه دارد». در نزهةالقلوب هم آمده که: «هیچ قلعه‌ای از آن قدیمی‌تر نیست و هر استحکامی که جهت قلاع ممکن بوده در آنجا انجام داده‌اند. در قدیم آن را سه‌گنبدان می‌گفتند زیرا قلاع شکسته و اشکنوان در پیرامون آن است و بر آن قلعه زمین عمیقی بود(دره) که آب باران بر آن رفتی و از یک طرفش به صحرا افتادی. عضدالدوله بر آن طرف بندی بست و آن زمین را به ساروج و سنگ و گچ حوضی ساخت که به هفده پایه نردبان درآوردند و به کرباس و قیر و موم و ساروج چنان محکم گردانید که قطعاً آب نمی‌تراوید و چندان آب درو جمع می‌شود که اگر هزار مرد یکسال از آب آن بکار برند یک پایه فرو نشیند و آن حوض‌ها را ستون‌ها درمیان ساخته‌اند و سقف گردانیده تا از تغییر هوا و آب سالم ماند و قلعه اصطخر قلعه محکم است و بدین سبب آن را بدین نام خوانند که در استحکام مانند اصطخر است».

قلعه استخر تا دوره شاه عباس اول پابرجا بوده و قلعه‌ای مهم و مستحکم محسوب می‌شده است. شاه اسمعیل اول و برادرانش قبل از تشکیل دولت صفوی، مدتی را در این قلعه به فرمان یعقوب‌بیگ آق‌قویونلو، زندانی بودند. خان احمد گیلانی، فرمانروای مقتدر گیلان نیز در دوره شاه‌طهماسب صفوی مدتی را در این قلعه زندانی شد.

یعقوب‌خان ذولقدر حاکم‌فارس در دوره شاه‌عباس اول، به‌جهت اقدامات خودسرانه خود و ترس از تنبیه شاه مدتی در این قلعه پناه

گرفت اما سرانجام با تدبیر شاه عباس او از قلعه خارج شد و به همراه خانواده‌اش توسط شاه کشته شدند. بعد از این واقعه شاه عباس دستور انهدام کامل قلعه را صادر کرد. مورخین آن دوره فتح این قلعه را توسط شاه عباس جزء کارهای شگفت‌انگیز قلمداد کرده‌اند. محمود بن هدایت‌الله، صاحب «نقاوة‌الآثار» در این باره می‌نویسد: «چون خبر این فتح مبین در اطراف و اکناف بلاد ایران‌زمین منتشر گردید اصحاب خبرت را موجب حیرت گشته وقع این امر غریب را از مقوله خرق عادت شمرده... زیرا که قلعه اصطخر در حصانت و رصانت موجب فخر سلاطین عجم بوده و از عهد جمشید که بانی مبانی آن قصر مشید است تا این روزگار هیچیک از پادشاهان ذوی‌الاقتدار را تصرف در آن دست نداده. در «عالم‌آرای عباسی» نیز مشابه چنین توصیفی آمده است. شاه عباس چند روز پس از قتل یعقوب‌خان و تسخیر قلعه به تماشای آن رفت و سپس دستور داد قلعه را ویران کنند.

منابع: اشراقی، ۱۳۵۳، صص ۲۰-۱۶

مصطفوی، ۱۳۴۳، ص ۴۷

قلعه امامزاده بزم (بوانات)

این قلعه در امامزاده بزم بوانات از توابع شهرستان سوریان واقع شده و از آثار اواسط دوره اسلامی به شمار می‌آید. قلعه امامزاده بزم بوانات با پلان چهارگوش ساخته شده و در زوایا و میانه اضلاع آن برج‌های دفاعی مدور تعبیه شده است.

برج و باروی این قلعه تقریباً سالم برجای مانده و کنگره‌های رأس دیوارها هنوز برجای خود باقی است. مصالح مورد استفاده در قلعه خشت و گل و چینه است. ضخامت برج و باروی قلعه با افزایش ارتفاع کاهش پیدا می‌کند که این امر بر ایستایی و ماندگاری بنا افزوده است.

قلعه ایزدخواست

این قلعه در بخش ایزدخواست فارس و در مسیر جاده اصلی شیراز به اصفهان واقع شده و بنای اولیه آن مربوط به دوره ساسانی است که با بازسازی و تعمیراتی تا دوره‌های متأخر مورد استفاده قرار گرفته است (تصاویر ش ۲۱-۲۱۹)

محلی که قلعه ایزدخواست بر روی آن بنا شده، صخره‌ای رسوبی است در کنار دره‌ای با ژرفای متوسط. برای بنای قلعه و دیوارهای جانبی آن، در محل‌هایی که طبقات صخره استحکام کافی نداشته است، اقدام به ساختن پایه‌های سنگی، به کمک سنگ لاشه و سنگ‌های نیمه‌تراش کرده‌اند. در بعضی قسمت‌ها از جمله در جانب غربی قلعه، بناهای خشت و گلی بر روی هم ایجاد شده و به منظور ایجاد استحکام در بدنه خارجی قلعه و حفظ بناها، در فواصل مختلف برج‌های نیم‌دایره از خشت ایجاد کرده‌اند. نمای این قسمت از قلعه معرف بناهای دو تا سه طبقه است و جالبترین نمای خارجی قلعه به‌شمار می‌رود.

تنها راه ورود به قلعه در سمت جنوب آن قرار دارد که به کمک پل کم‌عرضی تأمین می‌شود. با برداشتن این پل و با توجه به دیواره‌های عمودی صخره و خندق پیرامون قلعه، دسترسی به قلعه بسیار مشکل می‌شده است.

طرح داخلی قلعه عبارت است از یک مسیر کم‌عرض به پهنای ۲/۵ متر که در جهت شمالی ـ جنوبی و در امتداد پل کشیده شده است. از این مسیر، کوچه‌های فرعی با عرض و طول کم جدا می‌شوند. انتهای این کوچه‌ها به محوطه مستطیل‌شکلی که عمود بر کوچه است، ختم می‌شود. ورودی خانه‌ها در اطراف این محوطه و کوچه‌های مذکور قرار گرفته است. شبکه ارتباطی داخلی قلعه با توجه به تعداد زیاد واحدهای مسکونی به‌گونه‌ای معقول طراحی شده و دارای ارزش دفاعی است.

در قسمت ورودی قلعه در محلی که بخشی از دیوار آن فرو ریخته، با دیوارسازی خاص عهد ساسانی برخورد می‌کنیم. دیوار مزبور با خشت‌های بزرگ به ابعاد ۱۳×۴۰×۴۰ سانتیمتر، مشابه نمونه‌های دوره ساسانی، ساخته شده است. از جمله بناهای جالب قلعه ایزدخواست مسجدی است با طرح اصلی چهارطاقی که یادآور چهارطاقی‌های دوره ساسانی می‌باشد.

درگرداگرد قلعه که دره نسبتاً عمیقی آن را فراگرفته، برج‌های متعدد استوانه‌ای قرار داشته که به علت فرسایش از تعداد واقعی آنها اطلاعی در دست نیست و امروزه تنها ۷ عدد از آنها باقی مانده است. قسمتی از حصار قلعه در برخی نقاط کنگره‌های نیم‌دایره دارد. قلعه ایزدخواست از انواع قلعه‌های جلگه‌ای و مسکونی بوده است.

منابع: پازوکی، ۱۳۷۶، ص ۵۷-۲۵۳

ورجاوند، ۱۳۵۱، ص ۶۱-۵۹

قلعه بُخنگ (کازرون)

بقایای این قلعه بر فراز کوه بُخنگ و در جنوب‌شرقی شهرستان کازرون واقع شده است. در این محل آثار یک مجموعه ساختمانی و قلعه‌ای مخروبه دیده می‌شود که بقایای دیوار، آب‌انبار و اتاق‌های حاشیه‌ای آن هنوز پابرجاست.

منبع: مظفریان، ۱۳۷۴، ص ۲۷-۱۲۶

قلعه بندر/پهندر (شیراز)

بقایای این قلعه بر فراز کوهی در نیم‌فرسخی شرق شیراز و مجاور باغ دلگشا واقع شده است. این بقایا شامل برج و بارویی است که از سنگ و ملات آهک و گچ ساخته شده‌اند. در وسط این قلعه چاه بسیار عمیقی بوده که چهارده ذرع دور دهانه و نزدیک به ۱۰۰ ذرع عمق آن

بوده است. در اطراف این چاه بقایای حوض و منبع آب، از ساروج و آجر باقی مانده است.

در گذشته‌های دور و به روایت کتب تاریخی، مرتکبین زنا را درون این چاه می‌افکندند. علاوه بر چاه مذکور چاه دیگری در این قلعه وجود دارد که کوچک‌تر از اولی است. بنای اولیه قلعه بندر احتمالاً در دوره ساسانی ساخته شده و در سده‌های نخستین اسلامی نیز مورد استفاده بوده است. در متون تاریخی قرن ۵ هجری به بعد از این قلعه بارها نام برده شده است.

منابع: فرصت‌الدوله شیرازی. ۱۳۱۴، صص ۱۸-۴۱۶

قزوینی. ۱۳۲۴، صص ۳۶-۲۸

قلعه پرگان (قیر)

بقایای این بنا که به آن پرگون و پریان نیز گفته می‌شود، در ۲ کیلومتری جنوب‌شهر قیر واقع است و در زلزله سال ۱۳۵۱ تعدادی از برج‌ها و بناهای داخل آن ویران شده است.

قلعه پرگان در اصل مشتمل بر خندق، بارو، برج‌های دفاعی، واحدهای مسکونی، حمام، حاکم‌نشین یا نارنج قلعه، محل نگهداری اسب و دام و تأسیسات مرتبط دیگر و از جمله چند حلقه چاه بوده است. درخصوص تاریخ دقیق ساخت بنا اطلاع دقیقی در دست نیست، احتمال دارد از ساخته‌های دوره صفویه ـ قاجاریه بوده باشد.

منبع: محیط. ۱۳۷۵، ص ۲۴-۱۲۳

قلعه تبر (جهرم)

بقایای این قلعه در هشت فرسنگی (حدود ۳۵ کیلومتری) شرق جهرم (ظاهراً در نزدیکی روستای دوبران) و بر فراز کوه بلند و برج‌گونه‌ای، موسوم به کوه تبر واقع است. بنای اولیه قلعه براساس متون تاریخی به سده‌های نخستین اسلامی و حکمرانی حجاج بن یوسف برمی‌گردد و ظاهراً در قدیم «قلعه خورشه» نامیده می‌شده است. ابن‌بلخی در فارسنامه می‌نویسد: «قلعه خورشه در پنج فرسنگی جهرم نهاده است و این خورشه کی(که) این قلعه را بدو منسوب می‌کنند عاملی بود از قبل برادر حجاج بن یوسف و مالی به‌دست آورد و این قلعه بساخت و در آنجا رفت و عاصی شد و از این جهت روا نداشته‌اند کی(که) هیچ عامل صاحب قلعه باشد چو مال غرور در سر مردم آرد و قلعه غروری دیگر و کجا(چون) دو غرور در سر مردم شود ناچار فسادانگیزد و این خورشه جائی حصین است که به‌جنگ نتوان ستدن اما گرمسیر است معتدل». حمدالله مستوفی نیز تقریباً همین مضمون را تکرار کرده است. مؤلف «فارسنامه ناصری» نیز آورده: «در سال ۷۳ هجری، خورشید نام، حاکم جهرم از محمد بن یوسف ثقفی والی مملکت فارس، برادر حجاج بن یوسف، طاقی شده به قلعه تبر پناه برد». در تاریخ «ابن‌کامل» نیز آمده که فضلویه شبانکاره، والی فارس در دوره آلب ارسلان سلجوقی در این قلعه پناه گرفت.

با توجه به آثار و شواهد موجود قلعه تبر از استحکام زیادی برخوردار بوده و دسترسی به آن دشوار بوده است. در این محل و در چندین سطح، استحکاماتی با سنگ و گچ ساخته بودند و در میانه آنها مقر اصلی یا حاکم‌نشین قرار داشته است. علاوه بر چشمه‌های متعددی که در این کوه وجود دارد، حوضچه‌ها و آب‌انبارهای متعددی در قلعه ایجاد شده است: از جمله حوضچه‌ای به طول ۳۰ و عرض ۱۵ و عمق حدود ۳ الی ۴ متر که در قسمت اصلی قلعه قرار دارد. در نزدیکی این حوضچه چشمه کوچکی نیز وجود دارد.

منبع: طوفان. ۱۳۳۶، صص ۹۳-۹۱

قلعه تل‌برجی (کازرون)

بقایای این قلعه برفراز تپه بزرگی در مشرق شهر کازرون و در مجاورت بقعه سیدمحمد نورانی واقع و ظاهراً از آثار دوره قاجاریه است. این بنا تا زمان وقوع نهضت جنوب آباد بوده و در طول این نهضت پایگاه مقاومت بود و بعد از ماجرای نهضت آن را تخریب کرده‌اند.

منبع: مظفریان. ۱۳۷۴، صص ۲۸-۱۲۷

قلعه تنگ تیکاب (کازرون)

بقایای این بنا درکوه شمالی کازرون و در بالای تنگ تیکاب واقع شده است.

منبع: مظفریان. ۱۳۷۴، ص ۱۲۷

قلعه حمزه‌خان (قیر)

این بنا که به «قلعه سیاه» نیز معروف است، در ۲ کیلومتری روستای هورر، از توابع دهستان هنگام و در فاصله ۷۵ کیلومتری شهر قیر واقع و از ساخته‌های دوره قاجاریه است.

قلعه حمزه‌خان مشتمل بر سه طبقه با اتاقک نگهبانی در طبقه سوم و چاه و حمام است که قسمت‌هایی از آن ویران شده است.

منبع: مظفریان. ۱۳۷۵، ص ۱۲۳

قلعه خشتی بنارویه / بهره شهرستان (جویم)

بقایای این بنا که بدان «قلعه خندق» نیز گفته می‌شود، در مجاورت روستای بنارویه، از توابع شهرستان جویم و به فاصله تقریبی ۱۵۰ متری قلعه سنگی بنارویه، واقع است. در خصوص تاریخ ساخت بنا اطلاع دقیقی در دست نیست. با توجه به اینکه قلعه سنگی بنارویه معرف استقراری از دوره ساسانی تا قرن ۸ هجری می‌باشد، می‌توان

احتمال داد قلعه خشتی بعد از ویرانی قلعه سنگی ساخته شده و در دوره صفویه مورد استفاده بوده است.

قلعه خشتی یا قلعه بهره شهرستان، با پلان تقریباً مستطیل شکل در جهت شرقی ـ غربی ساخته شده است. طول باروی جنوبی بنا ۵۴۰، شمالی ۳۹۰، شرقی ۲۷۰ و غربی ۳۳۰ متر می‌باشد. ضخامت باروی شمالی و جنوبی با خاک‌ریز اطراف آنها بین ۱۶ تا ۲۰ متر در نوسان است. باروی شرقی در وضعیت فعلی قطر کمتری نسبت به دو باروی فوق‌الذکر دارد و اندازه آن بین ۹ تا ۱۸ متر در نوسان است. باروی غربی به جهت مجاورت با ساختمان‌های مسکونی روستا صدمه بسیاری دیده است. ارتفاع باروها در وضعیت فعلی بین ۳ تا ۵ متر و ابعاد خشت‌های بکار برده شده ۱۰×۳۵×۳۵ سانتیمتر می‌باشد. آثار تأسیسات حفاظتی و نگهبانی بر روی باروی شمالی قلعه قابل‌تشخیص است. در گوشه جنوب‌شرقی قلعه و در نتیجه خاکبرداری غیرمجاز آثار برجی ظاهر شده که در نمای خارجی و در فواصل معین دارای تیرکش‌هایی فلش مانند است. در بالای این تیرکش‌ها، پنجره‌های کور و تزیینی اجرا کرده‌اند. در سطح خارجی این برج بقایای اندود گچ دیده می‌شود. با توجه به وضعیت ویران دیوارها، از دروازه یا دروازه‌های قلعه آثاری برجای نمانده است. با این حال به نظر می‌رسد دروازه در جبهه‌شمالی قلعه و روبروی دشت بناررویه قرار داشته است.

در داخل قلعه چند تپه کم‌ارتفاع دیده می‌شود که نمایانگر واحدهای ساختمانی داخل قلعه می‌باشند. در سطح قلعه همچنین قطعه سفال‌هایی مشابه انواع قلعه سنگی بناررویه و منتسب به قرن ۶ تا ۸ هجری و نیز سفالینه‌هایی از دوره صفویه پراکنده‌اند. در داخل قریه بناررویه کاروانسرای نسبتاً سالمی از دوره صفویه وجود دارد که می‌توان قلعه خشتی را با آن همزمان دانست.

منبع: میرفتاح، ۱۳۷۱، صص ۳۸-۱۳۶

قلعه‌سنگی / بهمن (آباده)

بقایای این بنا برفراز قلّه سنگی کوهی در نزدیکی روستای «قلعه مختارخان» (از توابع سرحد چهاردانگه شهرستان آباده) واقع است. با توجه به آثار معماری و نیز بقایای کتیبه‌های موجود، بنای اولیه قلعه مربوط به دوره ساسانی است که در دوره اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. محمدتقی مصطفوی در باره قلعه سنگی می‌نویسد: «این قلعه بین راه کومه به سمیرم در ده کیلومتری جاده فرعی از ده حنا قرار دارد و شامل یک قلعه سنگی بزرگی در بالای کوه مرتفعی می‌باشد. در کمر این کوه کتیبه لایقراء (غیرخوانائی) دیده می‌شود و در پای کوه دو حوض بزرگ که در سنگ کنده شده بود، وجود داشت که گویا مخزن آب ساکنین قلعه بوده است. هر یک از مخازن سنگی دارای ۱۱ متر طول و ۴/۳۰ متر عرض و ۳/۳۰ متر عمق و ۱۳ پله بود که طول هر کدام از پله‌ها ۷۰ سانتی‌متر و عرض آنها ۲۸ سانتی‌متر و بلندی هریک ۲۵ سانتی‌متر بود. در قلّه کوه که به‌نام «داش قلعه‌سی» یا دژ بهمن نامیده می‌شود، بر روی ۴ ستون سنگی که در چهار طرف سطح فوقانی کوه قرار داشت، کتیبه‌هایی برجسته و گود نقر شده بود. این چهار ستون سنگی به وسیله دیوارهای چینه‌ای اطراف، سطح فوقانی کوه را بشکل قلعه درآورده بود. کتیبه دیگری به‌خط عربی در جنوب این کوه بر سینه سنگ دیده می‌شود».

قلعه‌سنگ یا دژ بهمن صخره بزرگی است که مانند تاج بر نوک تپه‌ای بلند قرار دارد و از دور خود را مانند دژ بزرگی نشان می‌دهد. دیواره این صخره به‌گونه‌ای است که بالا رفتن از آن جزء از سمت شرق و از شکاف موجود در آن، غیرممکن می‌نماید. آب‌انبارهای مذکور نیز در همین سمت قرار دارند و برای دسترسی به آنها پلکان‌های سنگی در صخره کوه کنده‌اند. در نزدیکی این دو حوضچه بقایای کتیبه‌ای ناخوانا دیده می‌شود. سطح قلّه هموار بوده و مساحتی در حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر دارد. در این سطح بقایای دیوارهای سنگی و آجری دیده می‌شود اما اثری از ستون‌های یاد شده دیده نمی‌شود.

منابع: بابا مقدم، ۱۳۶۱، صص ۸۹-۷۸۰

مصطفوی، ۱۳۴۳، ص ۵۰۷

قلعه‌سنگی بناررویه (جویم)

بقایای این قلعه که در محل به آن «شاه‌بنار» می‌گویند، بر فراز کوهی در جنوب‌شرقی روستای بناررویه، از توابع و در جنوب شهرستان جویم، واقع است. بنای اولیه قلعه، با توجه به ویژگی‌های معماری احتمالاً در دوره ساسانی ساخته شده اما سفالینه‌های مکشوفه از سطح قلعه نشان می‌دهد که این بنا حداقل تا اواخر دوره ایلخانی مورد استفاده بوده و مطمئناً در طی چند قرن بازسازی‌هایی در آن صورت گرفته است. در مجاورت این قلعه، بقایای قلعه‌خشتی از دوره صفویه وجود دارد.

قلعه سنگی بناررویه تقریباً طرحی چهار ضلعی دارد با این حال شکل کلی و فضاهای معماری آن از پستی و بلندی‌های سطح زمین تبعیت می‌کند. آثار موجود نشانگر یک قلعه مستحکم نظامی با شبکه کاملی از دیوارها و برج‌های مدور دفاعی است. مصالح اصلی بنا را سنگ‌های نتراشیده و ملات ساروج تشکیل می‌دهد. به غیر از بقایای برج و بارو، بخش‌های دیگر قلعه به مرور زمان به صورت پشته‌هایی درآمده‌اند. یکی از برج‌های دیده‌بانی قلعه که در خط‌الرأس کوه قرار دارد، توسط اهالی نقاره‌خانه خوانده می‌شود. قلعه‌سنگی بناررویه در پایین ۲۰۰ متر عرض دارد و در قسمت بالا به عرض آن افزوده می‌شود. بقایای دیوارهای ضلع غربی و شمالی قلعه امروزه به صورت پشته‌هایی درآمده‌اند. بناها و ساختمان‌های داخلی قلعه با نظم خاصی

شکل گرفته‌اند، به‌گونه‌ای که مجموعه نمای خارجی آنها به صورت دیواره‌ای دیده می‌شود.

یکی از آثار قابل‌توجه قلعه بناروبه، چاه‌ها یا آب‌انبارهایی است که در دل صخره کوه کنده شده‌اند. پراکندگی این چاه‌ها در ارتباط با گسترش واحدهای مسکونی قلعه قرار دارد. یکی از این آب‌انبارها در گوشه شمال‌شرقی قلعه کنده شده و قطر دهانه آن ۴ متر است و طوقه‌چینی محدودی از سنگ دارد.

منبع: میرفتاح. ۱۳۷۱، صص ۳۶-۱۲۸

قلعه شاه‌بربر (قیر)

این قلعه در شمال روستای «ده بر» و ۱۴ کیلومتری شهرستان قیر و جنوب رودخانه قره‌آغاج و ۳۰ متری جاده جهرم ـ قیر واقع شده و از آثار دوره اسلامی به شمار می‌آید.

قلعه شاه‌بربر از سنگ و ساروج ساخته شده و دارای دو دروازه است.

منبع: محیط. ۱۳۷۵، ص ۱۲۲

قلعه عباسقلی‌خان (کازرون)

این بنا سابق بر این در محل راهدار، از توابع کازرون قرار داشته و از ساخته‌های عباسقلی‌خان، حاکم کازرون در دوره قاجاریه بوده است. قلعه عباسقلی‌خان دارای حصار و چهار برج عظیم بوده و تا سالهای اخیر محل استقرار پاسگاه ژاندارمری بوده و بعد از آن به‌طور کامل تخریب شده است.

منبع: مظفریان، ۱۳۷۴، ص ۱۲۸

قلعه کلبعلی‌خان (کازرون)

این بنا درگذشته در محله علیا و شمال‌غربی‌شهر کازرون و نزدیکی محلی به‌نام قدمگاه خضر نبی قرار داشته و در اوایل قاجار توسط کلبعلی‌خان پسر رضاقلی‌خان افشار بنا شده بود. نامبرده تا سال ۱۲۴۰ هـ‌ق به‌مدت ۱۴ سال حاکم کازرون بوده است.

قلعه کلبعلی‌خان دارای برج و باروی مستحکمی بوده و از هفت دستگاه خانه جدا از هم، با حیاط وسیع و اتاق‌های متعدد تشکیل می‌شد. این قلعه(به غیر از حمام آن) در جریان خیابان‌کشی‌های دوره اخیر به‌طور کامل از میان رفته است.

منبع: مظفریان. ۱۳۷۴، ص ۱۲۶

قزوین

دروازه تهران قدیم (قزوین)

این بنا در ابتدای جاده قدیم تهران و حاشیه جنوب‌شرقی شهر قزوین واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید. در خیابان‌کشی‌های دوره جدید این دروازه در وسط میدانی به نام «میدان دروازه قدیم تهران» قرار گرفته است(تصاویر ش ۲۸-۲۲۲). شهر تاریخی قزوین در گذشته دارای ۸ دروازه بوده که ۵ دروازه از این مجموعه بنایی مجلل و مزین به کاشیکاری داشته‌اند. در جریان گسترش شهر در دوره اخیر به غیر از دروازه تهران قدیم و دروازه دربکوشک، بقیه دروازه‌ها از بین رفته‌اند.

بنای دروازه تهران قدیم دارای یک طاق یا ورودی اصلی و دو طاق یا ورودی فرعی در طرفین آن است. طاق‌های این ورودی‌ها بر روی چهار جرز تقریباً مستطیل قرار گرفته است. هردوی نمای شرقی و غربی این دروازه با کاشیکاری تزیین شده و بر روی هردو آنها مناره‌هایی تعبیه شده است. تعداد این مناره‌ها در مجموع ۸ عدد است(چهار مناره در نمای شرقی و ۴ مناره در نمای غربی). کاشیکاری این دروازه مربوط به تعمیرات دوره اخیر است. تنها تفاوت اصلی دو نمای این دروازه در دو بازوی جانبی است که به نمای شرقی اضافه شده و بر آن دو طاقنما و یک قاب کاشیکاری کار شده است. قسمت ازاره دروازه سنگی و بقیه سطوح نمای آن کاشیکاری است. بخش اصلی ارتفاع مناره‌های میانی دروازه به صورت نیم‌ستون در بدنه دروازه دیده می‌شود. پوشش میانی و گنبدی طاق اصلی با کاربندی مزین شده است.

دروازه تهران قدیم در دوره اخیر توسط سازمان میراث فرهنگی تعمیر و مرمت شده و به شماره ۳۹۲ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان قزوین

دروازه دربکوشک (قزوین)

این بنا در انتهای خیابان نادری شمالی واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید(تصاویر ش ۳۳-۲۲۹).

دروازه دربکوشک در مقایسه با دروازه تهران قدیم از ساخت و تزیین بهتری برخوردار است و در میان تزیینات کاشیکاری آن کتیبه‌ای به تاریخ ۱۲۹۶ هـ‌ق وجود دارد که حکایت از کاشیکاری بنا در دوره حکمرانی شاهزاده عضدالدوله دارد. دروازه دربکوشک تنها دارای یک طاق یا درگاه ورودی است که اضلاع و بازوهای جانبی آن با طاقنماسازی‌های دو طبقه و کاشیکاری زیبایی تزیین و نماسازی شده است. طاق اصلی دروازه دارای قوس اصلی نیم‌دایره و قوس تزیینی در قسمت پایین آن است. بر بالای این دروازه در مجموع ۴ مناره شکیل با تزیینات کاشیکاری ساخته شده است. ارتفاع مناره‌های میانی از قسمت ازاره به ۱۰ متر می‌رسد. بخش اصلی این ارتفاع به صورت نیم‌ستون در بدنه دروازه متجلی شده است. دروازه دربکوشک برخلاف دروازه قدیم تهران، تنها دارای یک نمای اصلی در جهت شمال است و نمای جنوبی آن فاقد نماسازی و تزیینات ویژه، همانند نمای شمالی است.

دروازه دربکوشک قزوین به شماره ۳۹۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان قزوین

قلعه الموت (رودبار الموت)

بقایای این قلعه بر بالای کوهی در ناحیه رودبار الموت و شمال‌غربی شهرستان قزوین و ۵۰۰ متری شمال‌شرقی آبادی گازرخان واقع شده و با توجه به مدارک و شواهد موجود بنای اولیه آن مربوط به سده‌های نخستین اسلامی است که توسط حسن صباح بازسازی شده و الحاقاتی به آن افزوده شده است. قلعه الموت شهرت اصلی خود را مدیون استقرار حسن صباح(مروج مذهب اسماعیلیه) در آن می‌باشد (تصاویر ش ۳۹-۲۳۴).

ابن‌الاثیر می‌نویسد: «الموت در مرز دیلم است، آلوه به‌معنی عقاب و جزء دوم این کلمه که آموت باشد به‌لهجه دیلمی به‌معنی آموزش است». درخصوص سابقه تاریخی این قلعه آمده که در سال ۲۴۶ هجری و عهد متوکل عباسی، قلعه الموت به‌دست الداعی‌الی‌الحق حسن‌بن زید‌الباقری بنا شده است(نزهة‌القلوب و تاریخ گزیده). مسعودی در مروج‌الذهب(تألیف ۳۳۶ هجری) در بیان قتل اسفار بن شیرویه در سنه ۳۱۶ هجری، از قلعه الموت ذکری به میان می‌آورد و معلوم می‌کند که در این تاریخ قلعه آباد و در دست «سیاه چشم دیلمی» بوده است. بعد از این جریان قلعه‌الموت خزانه اسفار بن شیرویه شده و ابن‌الاثیر صریحاً به این موضوع اشاره می‌کند. مسعودی در شرح اختلاف مرداویج و اسفار بن شیرویه آورده: «و اسفار تا حدود شهر ساری از بلاد طبرستان رفت ولی پناهگاهی نیافت در کار خود حیران شد. پس بازگشت و قصد الموت که از قلاع دیلم است کرد، یکی از بزرگان دیلم... با عده‌ای در این قلعه بودند، ذخایر و خزاین و اموال اسفار بن شیرویه نیز در این قلعه بود، مرداویج در پی اسفار بود تا او را بیافت و بکشت». در زمان اقتدار مرداویج قلعه الموت در تصرف او بود تا سنه ۳۲۱ هجری که به‌دست غلامانش به قتل رسید. بعد از این تاریخ قلعه الموت در قلمرو حکمرانی فخرالدوله علی، از سلسله آل‌بویه قرار گرفت. قبل از حسن صباح که در روز چهارشنبه ششم رجب سال ۴۸۳ وارد قلعه شد، قلعه الموت در دست علوی مهدی قرار داشت که از طرف سلطان ملکشاه در آنجا بود. در این تاریخ حسن صباح، علوی مهدی را از قلعه بیرون کرد و خود در آنجا مستقر شد. سلطان محمدبن ملکشاه در اول سال ۴۱۱ هجری اتابک نوشتکین شیرگیر را امیر لشکر کرد و به او دستور داد که قلاع اسماعیلیه را محاصره کند. قلعه الموت

در یازدهم ربیع‌الاول همان سال محاصره شده و این محاصره به مدت ۱۰ ماه ادامه یافت و نزدیک شد که لشکریان سلطان قلعه را فتح کنند که خبر رسید سلطان در اصفهان درگذشت. لشکریان سلطان پراکنده شدند... در زمان سلطان محمد سلجوقی قلعه الموت در مجموع به‌مدت ۱۱ سال در محاصره بود. در زمان سلطان سنجر کار پیروان حسن صباح رونقی به‌سزا گرفت. او امید بزرگ را از لمبسر بخواست و به‌جای خود نشاند و در شب ششم ربیع‌الاخر سال ۵۱۸ هجری درگذشت. کیا بزرگ امید به مدت بیش از ۱۴ سال در قلعه الموت حکومت کرد و در جمادی‌الاخر سال ۵۳۲ درگذشت. بعد از او پسرش محمد جانشین او شد و بعد از وی نیز پسرش حسن به جای او نشست. حسن کسی است که بند تکالیف دینی را از پای مردم برداشت و روز ضربت خوردن امیرالمؤمنین را عید گرفت و این روز را عید قیام نامید. وی در سال ۵۶۱ هجری در قلعه لمبسر توسط حسن بن ناماور دیلمی که برادر زن او بود، کشته شد. بعد از مرگ حسن بن محمد بن بزرگ امید، پسرش خداوند محمد حکومت یافت و در سال ۶۰۷ هجری بمرد، بعد از او هم جلال‌الدین حسن و بعد از جلال‌الدین پسرش علاءالدین محمد به قدرت رسید و ۳۵ سال حکومت کرد و در سال ۶۵۳ کشته شد. نامبرده بیشتر عمر خود را در شیرکوه گذراند. بعد از علاءالدین، پسر بزرگش رکن‌الدین خورشاه به قدرت رسید و در آخر توسط مغولان به قتل رسید.

قلعه الموت در سال ۶۵۴ هجری به‌دست مغولان ویران شد و مدتی به صورت خراب ماند تا اینکه براساس متون تاریخی اطلاع پیدا می‌کنیم در زمان صفویه از آن به‌عنوان زندان و محل نگهداری مخالفان دربار صفویه استفاده می‌شده است. ظاهراً با انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان این عملکرد نیز از قلعه گرفته شده و به‌مرور زمان متروک و ویران می‌شود.

به هنگام فتح و ویرانی قلعه الموت توسط مغولان، عطاملک جوینی اجازه یافت تا کتاب‌های ارزشمند کتابخانه مشهور قلعه الموت را خارج سازد. جوینی در این ارتباط می‌نویسد: «الموت کوهی است تشبیه آن به شتر زانو زده و گردن بر زمین نهاده کرده‌اند و وقتی که در پای لمسر بودم، به هوس مطالعه کتابخانه که صیت آن در اقطار شایع بود، عریضه داشتم که نفایس کتب الموت را تضییع نتوان کرد. پادشاه آن سخن را پسندید، فرمود و اشارت راند تا به مطالعه آن رفتم و آنچه یافتم از مصاحف و نفایس کتب بیرون آوردم و آلات رصد از کراسی و ذات‌الحق و اسطرلاب‌های تام و نصفی و الشعاع دیگر که موجود بود برگرفتم و باقی آنچه تعلق به ضلالت و غوایت ایشان داشت که نه به منقول مستند بوده و نه به معقول معتمد، بسوختم... در اثنای مطالعات تاریخ جیل و دیلم را یافتم که به نام فخرالدوله بویه تصنیف کرده‌اند در ذکر الموت آورده است که ملوک دیلم را که ارجستان(= آل‌جستان) گفتندی یکی از ایشان در سنۀست و اربعین و مائتین(۲۴۶ هجری)، برین کوه عمارتی آغاز کرد و ملوک دیلم را افتخار بدان بوده است و شیعه اسماعیلیان را استظهار بدان. در تاریخ اسلامی آورده‌اند که در ایام استیلای دیلم بر عراق، کوتوال آن موضوع را سیاه‌چشم می‌گفته‌اند. از مجیبان دعوت اسماعیلیان مصر بوده است... و راستی آن قلعه‌ای بود که مداخل و مخارج و مراقی و معارج آن بتشیید جدران مجصص و بنیان مرصص چنان استحکامی داده بودند که آهن وقت تخریب آن گوئی سر بر سنگ می‌زد و به دست هیچ نداشت. امّا دندان بر نمی‌کند و در احجار آن، احجار چند ساباط با طول و عرض و ارتفاع و حوض‌های عمیق که از استعمال سنگ و گچ استغناء حاصلی داشت، ساخته بودند... انبارها و حوض‌ها کنده... از رودخانه باهرو(؟) جوئی آب آورده‌اند تا به پای قلعه و از آنجا بر مدار نیمه قلعه، جوئی در سنگ بریده و در شیب آن حوض‌های دریاآسا هم از سنگ ساخته که آب به پای خویش جهت ذخیره در آنجا می‌رفتی و پیوسته از آنجا روان بودی...».

قلعه الموت از دو قسمت مشخص تشکیل شده است. قسمت غربی که ارتفاعش بیشتر است به نام «پیلا قلا» یعنی قلعه بزرگ یا «جور قلا» یعنی قلعه بالا(همین قسمت است که به قلعه حسن شهرت دارد) معروف است و قسمت شرقی «پیاز قلا» (قلعه کوچک) یا «جیر قلا» (قلعه پایین) خوانده می‌شود. طول قلعه در حدود ۱۲۰ متر و عرض آن بین ۱۰ تا ۲۵ متر در نوسان است. با توجه به ویرانی‌هایی که در جریان هجوم مغولان حادث شده و با توجه به کندوکاوی که در طی سده‌های بعد برای یافتن گنج‌های حسن صباح صورت گرفته، امروزه آثار زیادی از این قلعه مهم و تاریخی برجای نمانده است.

مصالح مورد استفاده در قلعه سنگ‌های نتراشیده، آجر و ملات گچ و آهک است. ابعاد آجرهای بکار رفته در این قلعه ۵/۵×۲۱×۲۱ سانتیمتر است. گچی که در این قلعه بکار رفته، بدون شک از کوه‌های آتان و بوکان آورده شده، چراکه در اطراف قلعه اثری از سنگ‌های گچی نیست. برای ساختن آب‌انبارها و مجاری آب از ملات ساروج استفاده کرده‌اند. در این قلعه همچنین از تنبوشه‌های سفالی و قطور برای آبرسانی سود جسته‌اند. قطعات اندک کاشی‌های مکشوفه نیز نشان می‌دهد که بخشی از نمای بناهای مهم با کاشیکاری تزیین می‌شده است.

تنها دروازه و یگانه راه ورود به قلعه در انتهای ضلع شرقی و چند متر پایین‌تر از برج شرقی واقع شده است. در این محل تونلی به موازات ضلع جنوب‌شرقی قلعه، در تخته‌سنگ بریده شده که حدود ۶ متر طول و ۲ متر عرض و ۲ متر ارتفاع دارد. پس از گذشتن از این تونل، برج جنوبی قلعه و دیوار جنوب‌غربی آن که در روی شیب تخته‌سنگ ساخته شده است، نمایان می‌گردد. این دیوار مشرف به دشت وسیع

گازرخان است. در این قسمت آثار چند برج نگهبانی دیده می‌شود.

دامنه جنوبی کوه قلعه شیب تندی دارد که قسمتی از آن منتهی به پرتگاهی می‌شود. به گمان اینکه از این طرف ممکن است کسی به قلعه نفوذ کند، خندقی به طول تقریبی ۵۰ متر و عرض حدود ۲ متر در دامنه صخره‌ای کوه کنده‌اند. دیوار بالائی این خندق به‌صورت مورب رو به پایین است و با این ترفند صعود از آن را بسیار مشکل ساخته‌اند. در قلعه بالا در دل کوه و به طرف جنوب، اتاقی کنده‌اند که شاید جای نگهبانی بوده است. در طرف شرقی این اتاق، دیواری به ارتفاع ۲ متر دیده می‌شود که پی آن در صخره کوه کنده شده و پشت کار آن سنگ و گچ و نمای آن آجری است. دیوار شرقی قلعه بالا زیاد خراب نشده است. طول این دیوار در حدود ۱۰متر و ارتفاع باقیمانده آن ۴ تا ۵ متر است و مانند سایر قسمت‌های قلعه از سنگ و گچ ساخته شده است. باروی قلعه در بعضی نقاط با پشتبدهایی تقویت شده و همچنین نقاطی از قلعه با کلاف‌های چوبی مستحکم شده است.

در جانب شمال‌غربی‌قلعه بالا، دو اتاق وجود دارد که در سنگ کنده شده‌اند. در اتاق اول چاله آبی به قطر نیم‌متر وجود دارد که احتمالاً با حوضچه جنوبی در ارتباط بوده است. در پای این اتاق بقایای دیواری به عرض یک متر و طول ۱۲-۱۰ متر باقی مانده که مربوط به دیوار شمالی قلعه است. علت اینکه این دیوار نسبت به کف قلعه پایین‌تر افتاده، اینست که زیر دیوار پرتگاه عمیقی است. در سمت جنوب‌غربی این قسمت از قلعه، حوضچه‌ای است به ابعاد تقریبی ۵×۸ متر که هنوز هم به هنگام بارندگی پر آب می‌شود.

در جانب شرقی قلعه بالا ساختمان‌های دیگری است که به قلعه پائین شهرت دارد. این بخش ظاهراً محل استقرار نگهبانان و خدمه و خانواده آنها بوده است. از دیوار جنوبی قلعه پایین، آثار کمی برجا مانده است. در قسمت شمالی این دیوار و در سنگ کوه حدود ۱۰ آخور تدارک دیده شده که ظاهراً برای استفاده چهارپایان بوده است. دیوار غربی این بخش پابرجاست و حدود ۲ متر از ارتفاع آن باقی است ولی از دیوار شرقی اثری برجای نمانده است. چند آب‌انبار کوچک نیز در این بخش دیده می‌شود. در قلعه پایین تعدادی اتاق ویران وجود دارد که در دل صخره‌ای کوه کنده شده‌اند.

بین دو قسمت شرقی و غربی قلعه الموت میدانگاه وسیعی وجود دارد که یک طرف آن دیواری است که بین دو قسمت از قلعه قرار گرفته است. در زمان آبادانی قلعه در این محل ساختمان‌های زیادی برپا بوده که امروزه تنها بقایای ویرانه‌های آنها برجای مانده است.

در گوشه شمال‌شرقی و در پای کوه الموت، غار کوچکی است که از قرائن برمی‌آید مجرای آب قلعه باشد. از چشمه «کلدر» که در دامن کوه شمالی قلعه است. با تنبوشه‌هایی آب را به قلعه الموت انتقال می‌دادند. درازای این تنبوشه‌ها در حدود یک متر و قطر آنها حدود ۱۰ سانتی‌متر می‌باشد. چون چشمه کلدر در سطحی بالاتر از کف قلعه قرار دارد از این جهت آب به آسانی در قلعه جریان پیدا می‌کرده است. گذشته از این، در سمت مشرق کوه «هورکان» نهر بزرگی در کوه کنده‌اند که تقریباً یک فرسخ طول دارد و به رودخانه «سیالان» متصل می‌شود. این نهر امروزه به «دیو جو» شهرت دارد و احتمال می‌توان داد نهر مورد اشاره عطاءالملک جوینی همین نهر باشد.

قلعه الموت در سالهای اخیر از طرف سازمان میراث فرهنگی مورد کاوش و بررسی قرار گرفته است.

منابع: ستوده. ۱۳۱۵، صص ۴۳-۴۳۶؛ ستوده. ۱۳۳۴، صص ۲۱-۵
ستوده. ۱۳۴۵، صص ۱۰۷-۹۰؛ ویلی ۱۳۶۸، صص ۷۷-۲۶۴
ورجاوند. ۱۳۴۹، صص ۹۱-۱۸۱

قلعه ایلان (قزوین)

بقایای این قلعه در نزدیکی قلعه لمبسر واقع شده و از قلاع اسماعیلیه به‌شمار می‌آید. قلعه ایلان به صورت بسیار مناسبی بر دشت مجاور خود اشراف دارد و ضمن حفاظت از راه خلفی دژ لمبسر، نیروی ذخیره را نیز نگهداری می‌کرده است.

قلعه ایلان که قسمت عمده آن ویران شده بنای متوسطی است که از نظر شیوه معماری مشابه دیگر قلعه‌های همزمان در منطقه است. امروزه از این قلعه تعدادی آب‌انبار، بقایای اتاق‌ها وحصار دژ برجای مانده است. آب‌انبارهای قلعه به صورت مستطیل شکل عمیق هستند که در دل صخره کنده شده‌اند.

منبع: ویلی. ۱۳۶۸، صص ۵-۳۰۴

قلعه دختر تاکستان

بقایای این قلعه که در محل به قزقلعه‌سی شهرت دارد، برفراز کوه سنگی منفردی، در ۵۰ متری روستای آبک‌لو، از توابع شهرستان تاکستان، واقع شده و با توجه به شیوه معماری به نظر می‌رسد از آثار دوره سلجوقی و یا آل‌بویه بوده باشد.

نقشه کوشک مانند این بنا، احتمال کوشک و تفرجگاه بودن آن را به ذهن متبادر می‌سازد. احتمالاً در دوره یکی از شاهان سلسله‌های مذکور، بنای مورد بحث در محدوده شکارگاه جهت اطراق و استراحت پادشاه بنا گردیده است. بقایای بنای مزبور به شماره ۲۱۴۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: کلایس. ۱۳۶۶، ص ۲۴۰
ورجاوند. ۱۳۴۹، صص ۱۱-۳۰۱

قلعه رشکین (قزوین)

بقایای این قلعه بر فراز تپه بزرگی(مشهور به زردکوه) در حسن

کلابه و پشت قریه رشگین واقع شده و از آثار دوره اسلامی است.

قلعه رشگین از سنگ ساخته شده و بقایای برج و بارو و بناهای داخلی آن همچنان پابرجاست. بناهای داخلی قلعه مشتمل بر دو راهرو می‌باشند که در دو طرف آنها در مجموع ۱۲ اتاق قرار دارد. پوشش تعدادی از این اتاق‌ها هنوز سالم مانده است.

منبع: ورجاوند. ۱۳۴۹، ص ۲۳۴

قلعه شمیران/سمیران (رودبار الموت)

بقایای این قلعه برفراز تپه صخره‌ای، در ۳ کیلومتری روستای جورکی و در میانه دریاچه سد منجیل(قبل از ساخت سد در مجاورت رودخانه قزل‌اوزن یا سفیدرود قرار داشته) واقع شده و از آثار سده‌های نخستین اسلامی به شمار می‌آید که بعدها و در قرون ۶ و ۷ هجری به‌عنوان یکی از قلاع مهم اسماعیلیه بازسازی و مورد استفاده قرار می‌گیرد(تصاویر ش ۴۳-۲۴۰).

بانی اولیه قلعه شمیران یا سمیران مشخص نیست اما در اواخر قرن سوم هجری به تصرف مسافر کنگری درآمد و از این پایگاه بود که وی بر تارم قزوین تسلط یافته و رفته رفته فرزندان او به متصرفات خود افزودند. محمد نخستین شهریار مشهور کنگری یا مسافری است که حکومت او از سال ۳۰۷ هجری آغاز می‌شود و قلمرو وی شامل آذربایجان، اران و ارمنستان نیز می‌شده است. مسعود بن مهلهل، سیاح عرب که در زمان محمد پسر مسافر به دژ شمیران راه یافته بود چنین می‌نویسد: «به دژ پادشاه دیلم که به شمیران معروف است رسیدم. آنچه از خانه‌ها و کوشک‌ها آنجا دیده در تختگاه هیچ پادشاهی ندیدم. در این دژ دو هزار و هشتصد و پنجاه و اند خانه بزرگ و کوچک هست....». ناصرخسرو قبادیانی نیز این دژ را دیده و آن را با سه دیوار تودرتو توصیف می‌کند.

بعد از محمد مسافری، دژ شمیران مدتی در دست پسر او وهسودان بود و بعد از وی پسرش اسمعیل قلعه را در دست داشت. در سالهای بعد و زمانی که حاکمیت برعهده جستان نامی که کودکی بیش نبود، قرار گرفت، فخرالدوله دیلمی(۳۳۶-۳۸۷ هجری) آهنگ گشودن دژ شمیران کرد و وزیر با تدبیرش صاحب‌بن‌عباد را مأمور تصرف آن نمود. صاحب در سال ۳۷۹ هجری سپاهی به فرماندهی ابوعلی‌حسن بن احمد را به آنسوی گسیل داشت و مدتی قلعه را در محاصره گرفت اما موفق به فتح آن نشد تا اینکه فخرالدوله با چاره‌اندیشی، فرستادگانی نزد مادر جستان فرستاد و او را به عقد خود درآورد و زنی از خویشان خود را به جستان داد و با این تدبیر در همان سال(۳۷۹ هجری) بر دژ شمیران مستولی شد. ابوعلی‌حسن‌بن‌احمد فرمانده محاصره کنندگان دژ در ارتباط با قلعه شمیران به صاحب‌بن‌عباد وزیر نامه‌ای نوشته که خلاصه آن چنین است: «نامه تو درباره شمیران رسید. گمان می‌کنم تو کار این دژ را سبک می‌شماری و اینستکه سخن بدازی میرانم.... بدان ای سرور من شمیران دژ نیست کشور است. کشور نیست کشورهاست... خاندان لنگر پایشان استوار نبود تا آنگاه که این دژ را از آن خود کردند و این باعث شد که تارم را از قزوین جدا کنند... پس به‌دست‌یاری همت خود تا آنجا رسیدند که با جستان پادشاه دیلمان که چهل سال پادشاهی کرده بود خویشی کردند و او چون دید که شمیران در استواری خواهر الموت است بدین پیوند رضا داد...».

قلعه شمیران بعد از آل‌بویه به تصرف پیروان اسماعیلیه درآمد و تا تسخیر آن به‌دست مغولان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قلاع اسماعیلیه در منطقه محسوب می‌شده است.

قلعه شمیران بر روی تپه مرتفع‌ای در کنار بستر رود قزل‌اوزن ساخته شده و با احداث سد منجیل و شکل‌گیری دریاچه سد، تپه به شبه‌جزیره‌ای در کنار دریاچه تبدیل شده است. در گذشته و در مواقع پرآبی نیز رودخانه سه جانب تپه را فرا می‌گرفته و این بر موقعیت دفاعی قلعه تأثیر بسیار مثبتی داشته است. تنها راه دسترسی به این قلعه در جهت شمالی آن قرار دارد.

قلعه شمیران نقشه‌ای تقریباً مستطیل شکل دارد و متناسب با سطح تپه شکل گرفته است. در حال حاضر سالم‌ترین قسمت قلعه دیوار شمالی آن است که به‌صورت دیوار بلندی مابین دو برج کشیده شده و ارتفاع آن به حدود ۱۴ متر می‌رسد. تمامی این دیوار با سنگ لاشه و ملات گچ به ضخامت ۳-۲ متر ساخته شده است. برای استحکام بنا و پیوستگی آن، از تیرهای چوبی در داخل دیوار و برج استفاده شده است. در بنای دیوار در مواردی از آجر نیز استفاده کرده‌اند که احتمالاً مربوط به دوره‌های تعمیراتی آن است. برج‌های دوگانه باقیمانده، در قسمت بالا دارای پنجره‌های بلند مستطیل شکل با طاق تیزه‌دار هستند که جهت دیده‌بانی و دفاع مورد استفاده بوده‌اند. در قسمت فوقانی دیوار نیز روزنه‌های کم‌عرضی برای همین منظور تعبیه شده است. تمام سطح دیوار سنگی از خارج با ملات گچ اندود شده است. بقایای حصار دفاعی و نیز ویرانه‌های بناهای دیگر قلعه که عمدتاً با سنگ لاشه و ملات گچ ساخته شده‌اند، در بخش‌های دیگر محوطه قلعه نیز دیده می‌شود. بقایای موجود نشان می‌دهد تمرکز واحدهای مسکونی در قسمت شرقی بوده و تعدادی از واحدها بیش از یک طبقه داشته‌اند. در انتهای غربی قلعه نیز بقایای اتاق‌های زیادی دیده می‌شود.

آب‌انبارها یا حصار دوم و سوم قلعه با فاصله نسبتاً زیادی از بخش مرکزی قلعه قرار داشتند و در حد فاصل آنها واحدهای ساختمانی و استحکاماتی وجود داشته است. امروزه در اطراف این تپه بقایای واحدها و بناهایی از جمله بقایای چندین پل برجای مانده‌است. همچنین با فاصله‌ای از این قلعه و برفراز کوه، برجی آرامگاهی وجود دارد(تصویر ش ۲۴۳).

قلعه شمیران به شماره ۲۳۰۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: اعظمی سنگری، ۱۳۵۰، صص ۴۳-۴۲؛ شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور؛ نادری، ۱۳۵۹، صص ۸۴-۱۷۶؛ ورجاوند، صص ۴۳-۴۴۰؛ ویلی، ۱۳۶۸، صص ۱۰-۱۰۶

قلعه شهرک (رودبار الموت)

بقایای این قلعه بر فراز تپه‌ای در روستای شهرک و در کنار بستر رودخانه الموت واقع شده و از قلاع اسماعیلیه محسوب می‌شود. پرویز ورجاوند بنای قلعه شهرک را به «کیا بزرگ امید»(رهبر اسماعیلیه بعد از حسن صباح) نسبت می‌دهد. البته این احتمال نیز وجود دارد بنای اولیه قلعه مربوط به دوره قدیمی‌تری باشد.

قلعه شهرک با استحکامات و موقعیت دفاعی ویژه‌ای ساخته شده و طرح معماری آن شباهتی به معماری کاخ دارد. طول قلعه ۱۴ متر و عرض آن در عریض‌ترین نقطه حدود ۱۹ متر است. قسمتی از دیوار شمالی قلعه شهرک به ارتفاع ۲/۵ متر در کنار دبستان روستا باقی مانده است. انتهای غربی قلعه که تقریباً سالم‌تر است به شکل اتاق مستطیل شکل بزرگی است که ۶ متر پهنا و ۱۱ متر درازا دارد. قسمت‌های تحتانی دیوار به ارتفاع ۲ متر با سنگ نتراشیده و بدون استفاده از ملات ساخته شده‌اند. قسمت بالاتر دیوار از سنگ‌های سست و شنی و با استفاده از ملات ساخته شده و این احتمال وجود دارد که مربوط به تعمیرات دوره‌های بعد باشد. انتهای غربی این تالار پابرجا مانده و تعدادی پایه ساختمانی در اینجا دیده می‌شود که ظاهراً مربوط به ۳ تا ۴ اتاق با دیوارهای حائل می‌باشند. در قسمت‌های دیگر نیز آثار ساختمانی دیده می‌شود. دیوار خارجی یکسره تا لب رودخانه ادامه داشته است. با توجه به وجود رودخانه الموت در این قلعه دیگر ضرورتی به احداث آب‌انبار نبوده است.

منابع: ورجاوند، ۱۳۴۹، ص ۱۷۷

ویلی، ۱۳۶۸، صص ۱۱-۳۰۹

قلعه شیرکوه

بقایای این قلعه بر فراز کوه بیدلان که بر الموت‌رود و طالقان‌رود مشرف است، و در نزدیکی روستای باغدشت/ بدشت واقع شده و از قلاع اسماعیلیه محسوب می‌شود که برای حفاظت دره الموت مورد استفاده بوده است. قلعه شیرکوه از نظر وسعت و پیچیدگی پس از الموت در رتبه دوم قرار گرفته و دسترسی به آن بسیار مشکل و دشوار است.

بقایای موجود مشتمل بر قسمتی از برج و بارو، هشت آب‌انبار و انباشته‌های بناهای دیگر است. آب‌انبارهای قلعه در فاصله ۵ متری از یکدیگر و به صورت مورب به سوی شیب تپه، در بدنه صخره‌ای آن کنده شده‌اند. طول این آب‌انبارها از ۶ متر تا ۱۶ متر متغیر است و عرض هرکدام به حدود ۱/۷۵ متر می‌رسد. این آب‌انبارها از طریق جوی‌های کوچک کنده شده به یکدیگر ارتباط پیدا می‌کرده‌اند.

در بلندترین سطح، در بالای آب‌انبارها، پایه خارجی‌ترین دیوار امتداد می‌یابد. این دیوار در حدود ۹۰ متر درازا دارد. در سمت غربی برجی کامل برپا مانده است. در اینجا بقایای باروها و گذرگاه سرپوشیده استثنایی در مرکز دیوار دیده می‌شود. در کنار این گذرگاه بقایای تنور و یا کوره سفالگری به قطر ۱/۷۵ و ارتفاع ۱/۶۰ متر باقی مانده است. قلعه به طرف شیب شمالی در حدود ۲۴ متر امتداد می‌یابد و بقایای دیوار آن هنوز روی تعدادی از صخره‌ها برجای مانده است. در بالای قلعه نیز سنگری دیده‌بانی وجود دارد.

قلعه شیرکوه احتمالاً اولین پایگاه دفاعی در مقابل هجوم دشمنان به دره الموت بوده است و با دو قلعه کوچک که مدخل تنگه را محافظت می‌کرده‌اند، ارتباط نزدیک داشته است. این دو قلعه یا پاسگاه را در محل «برج» و «برجک» می‌نامند. قلعه برجک کوچک‌تر است و در کناره شمالی تنگه واقع شده است. پایه‌های برجی را که از آجر و سنگ ساخته شده، در این محل می‌توان دید. بر پایه برج شکاف عجیبی وجود دارد که احتمالاً محل ریختن سنگ و مواد دیگری بر روی دشمنانی بود که قصد عبور از تنگه را داشتند. قلعه برج در کناره جنوبی تنگه و تقریباً ۳/۵ کیلومتری غرب قلعه اصلی عمل می‌کرده است. از این بنا تنها بقایای ویرانه و انباشته آن برجای مانده است.

این دو پاسگاه یا برج به همراه قلعه شیرکوه از مدخل دره الموت نگهبانی می‌کردند و مطمئناً در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار داشتند.

منابع: ورجاوند، ۱۳۴۹، صص ۷-۱۷۶

ویلی، ۱۳۶۸، صص ۱۷-۳۱۴

قلعه گبری (رودبار الموت)

بقایای این بنا بر روی برآمدگی بزرگ مشرف به دره الموت قرار گرفته و از قلاع اسماعیلیه(قرن ۶ و ۷ هجری) به شمار می‌آید.

قلعه گبری مشتمل بر یک دیوار بیرونی دایره شکل و مساحتی در حدود ۱۸۴ متر مربع است. در این محوطه بقایای برج مرکزی و تعدادی ساختمان خارج از قلعه دیده می‌شود. برج تقریباً ویران شده با این حال بقایای پلکان مارپیچی درون آن هنوز مشهود است.

منبع: ویلی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۶

قلعه لمبسر / لمسر (رودبار الموت)

بقایای این قلعه برفراز کوه منفردی در نزدیکی روستای «رازمیان» از توابع رودبار الموت واقع شده و از قلاع مهم و مستحکم اسماعیلیه به

شمار می‌آید. قلعه لمبسر ظاهراً صرفاً به‌منظور نظامی ساخته شده و به همین دلیل تمام آنچه برای یک سربازخانه لازم است در آن وجود داشته است و از کلیه عوارض طبیعی برای ایجاد موانع و استحکامات نظامی استفاده شده است. قلعه لمبسر یکی از موانع مهم استیلای دشمن به دره الموت بوده است(نقشه و تصویر ش ۴۵-۲۴۴).

عطاءالملک جوینی در کتاب خود می‌نویسد که مدتی پیش از آنکه حسن صباح به دره الموت بیاید، در لمسر قلعه وجود داشته است و مالک لمسر از پذیرفتن کیش اسماعیلی امتناع جسته بود. به‌دنبال آن گروه کوچکی از دسته‌های زیر فرمان بزرگ امید(جانشین حسن صباح و دومین فرد این فرقه در زمان حسن صباح) اعزام شدند تا قلعه را به‌تصرف درآورند. این افراد مخفیانه در سال ۴۹۵ هـ ق وارد قلعه شده و ساکنان آن را قتل‌عام کردند. بزرگ امید چند سال در لمسر ماند تا اینکه حسن صباح مریض شد و او را خواست تا به جانشینی خود منصوب کند. بزرگ امید در طی اقامت خود در لمسر این قلعه را بازسازی کرد و بر استحکامات آن افزود. بعد از سقوط میمون‌دز و الموت توسط مغولان، لمسر برای یکسال دیگر مقاومت کرد و در آخر به‌دست سپاهیان هلاکوخان مغول افتاد.

دامنه جنوبی، شرقی و غربی کوه لمبسر از رشته‌کوه‌های اطراف کاملاً جداست. طرف شرقی این کوه را رودخانه نینه‌رود و طرف غربی آن را رودکوچک و فصلی «لمه‌در» از کوه‌های دیگر جدا کرده است. این دو رودخانه در جنوب قلعه به‌هم می‌پیوندند. بنابراین سه‌جانب کوه لمبسر توسط این رودخانه‌ها از نقاط پیرامون مجزا شده و فقط قسمت شمالی کوه است که به کوه‌های دیگر پیوسته است. دسترسی به قلعه نیز از همین جهت است و یکی از دروازه‌های قلعه در آنجا قرار دارد.

دژ لمبسر جزء عظیم‌ترین و وسیع‌ترین دژهای تاریخی ایران است که در سطحی به ابعاد ۱۹۲×۴۸۰ متر و در جهت شمالی ـ جنوبی و در یک سطح شیبدار کشیده شده است. این سطح از سه جهت شرقی، جنوبی و شمالی به پرتگاه‌های ژرفی منتهی می‌شود. قسمتی از ضلع شرقی و جانب رودخانه نینه‌رود شیب کمتری دارد و به همین جهت، دیواری عظیم و قطور، با سنگ‌های بسیار بزرگ در این قسمت ساخته‌اند که امروزه بخشی از آن به طول ۲۰ و ارتفاع ۱۰ متر باقی مانده است. با توجه به عمق دره‌های اطراف و کوهستانی بودن منطقه، استفاده از منجنیق برای کوبیدن این دژ تقریباً غیرممکن است و از همین‌رو بوده که لمبسر توانسته بیش از قلعه‌های دیگر منطقه در مقابل مغولان مقاومت کند. برج‌های دفاعی این قلعه که بقایای آنها برجای مانده، به مناطق پیرامون قلعه اشراف کامل دارند. برج و باروی غربی نسبت به باروی شرقی استحکام کمتری دارد چرا که پرتگاه‌های عمیق این قسمت خود بهترین حصار و مانع دفاعی است. در این سمت و بر سر هر تیزی و پیش‌آمدگی کوه، برجی کوچک، به فاصله متوسط ۱۰۰ متر از یکدیگر ساخته‌اند. باروی جنوبی و شرقی قلعه هنوز برجای مانده است. این بارو در امتداد لبه کوه با پاره سنگ‌های نتراشیده ساخته شده است و چون اندازه سنگ‌ها در بعضی قسمت‌های بارو کوچک‌تر است می‌توان احتمال داد بارو در دوره‌های مختلف تعمیر و مرمت شده است. دیوار شرقی قلعه بسیار عظیم و مستحکم و دو پوسته است و بین این دو پوسته شکافی قرار دارد.

دسترسی به قلعه لمبسر از جانب شمالی آسانتر است و طبیعی است که در این سمت استحکامات زیادی وجود داشته باشد. لیکن بناهای این قسمت به غیر از بخش اندکی، به نظر می‌رسد ویران و نابود شده است. دروازه جنوبی که کف آن حدود ۱۵۰ متر پایین‌تر از دروازه‌شمالی است، بهتر و سالمتر مانده است. این دروازه شامل دو درگاه در پشت‌سر یکدیگر می‌باشد و اختلاف سطح این دو در حدود ۶ متر است. درگاه اول رو به مغرب باز می‌شود و در طرفین آن برج‌های بلند وجود داشته که از برج سمت چپ آن بیش از ۶ متر باقی نمانده است. بعد از این درگاه و با گذر از یک پیچ، درگاه دوم که اتاق نگهبانان در کنار آنست، قرار گرفته است. دیوارها و طاق این دو درگاه از سنگ تراشیده مکعب شکل ساخته شده‌اند.

در زمین شیبدار و محصور دژ، آثار مخروبه زیادی دیده می‌شود که از سنگ و خشت و ملات گل ساخته شده‌اند. ساختمان‌های مهم دژ درست در زیردست دروازه شمالی بوده است. این ساختمان‌ها فضایی به طول ۳۵ و عرض ۲۵ متر را اشغال کرده بودند. در زاویه جنوب‌شرقی این فضا نیز برجی بنا شده است. ساختمان‌های قسمت جنوبی این فضا سالمتر باقی مانده است. در این قسمت اخیر ۱۲ اتاق کم‌عرض وجود دارد که رو به جانب مشرق دارند. در عرض اتاق‌ها، درهایی است که به راهروها باز می‌شود. طاق جناغی درگاه‌ها که از سنگ تراشیده ساخته شده‌اند، هنوز باقیست. طول این طاق‌ها ۵/۷۰ و عرض آنها ۱/۹۰ متر است. اتاق‌ها پنجره‌های کوچک داشته و جای لولاهای درها و پنجره‌ها هنوز بر سنگ‌های اطراف درگاه‌ها دیده می‌شود. قطر دیوارهای اتاق ۱/۲۰ متر است و از قطعات بزرگ سنگ تراشیده، ساخته شده‌اند. در سطح قلعه بقایای اتاق‌های دیگری با طاق ضربی دیده می‌شود.

در قسمت غربی قلعه و بیرون از آن، خرابه دو برج سنگی دیده می‌شود که پنجره‌ها و طاقچه‌های آن هنوز باقی است. بالای طاقچه‌ها که در بناهای داخلی از سنگ یکپارچه است، در این دو برج از نوعی ساروج قالبی و یکپارچه می‌باشد. قسمت جالب توجه دیگر قلعه لمبسر مجرای آب آنست که امروزه هم می‌توان مسیر آن را به روشنی دید. این مجرا از طرف شمال وارد دژ می‌شود و به آب‌انبارهای مکعب مستطیل(هرکدام به ابعاد ۱/۹۰×۱/۹۰×۵/۸۰ متر) کنده شده در صخره، منتهی می‌گردد. سه آب‌انبار دیگر نظیر اینها در طرف شمال و شرق خارج دیوار دژ دیده می‌شوند.

در آخرین قسمت زمین سراشیب دژ و در یک سطح صخره‌ای، تعدادی آب‌انبار در مجاورت یکدیگر کنده شده‌اند که بزرگ‌ترین آنها حدود ۱۲ متر طول دارد. در فواصل این آب‌انبارها هنوز مسیر آب که در سنگ کنده شده، دیده می‌شود. در اینجا نیز جوی‌های باریک ارتباط آب‌انبارها را با یکدیگر برقرار می‌کرده است.

بخشی از آب قلعه از رودخانه مجاور آن تأمین می‌شده است. برای این منظور تونلی بر طول ۱۹۰ متر(ویلی درکتاب خود ۵۹۰ متر نوشته است) با پله‌های ناهموار تا لب رودخانه ایجاد شده است. پهنای این تونل ۹۵ سانتی‌متر و قطر هلال طاق آن کمی بیش از ۳۰ سانتی‌متر است. داخل این تونل در حال حاضر با خاک و سنگ انباشته شده است. در انتهای این تونل و جانب رودخانه، برج کوچکی برای حراست از تونل ساخته شده است.

منابع: ستوده. ۱۳۴۵، صص ۷۰-۶۷

ستوده. ۱۳۶۶، ص ۶۴

ورجاوند. ۱۳۴۹

ویلی. ۱۳۶۸، صص ۳۸-۳۳۲

قلعه محمد زمان‌خان رشوند (رودبار الموت)

این بنا در شهرستان سفلی واقع شده و در دوره قاجار توسط محمد زمان‌خان رشوند برای اقامت خود و خانواده‌اش ساخته شده است.

قلعه محمد زمان‌خان با سنگ، آجر و ملات گچ و گل ساخته شده و دارای برج‌هایی است که با تخته‌سنگ‌های بزرگ به وزن ۴۰۰ تا ۴۵۰ کیلوگرم ساخته شده است. بنای قلعه به سه قسمت بیرونی، اندرونی و محل اسکان خدمه تقسیم می‌شود. درکنار این بخش‌ها، حمام، آسیاب و اصطبل نیز ساخته شده‌اند.

تالار بزرگ بیرونی که محل پذیرائی از مهمانان بوده، هنوز برپاست و گچبری‌های جالب آن معرف شکوه دیرین آن است. در محوطه قلعه نهرهای سنگی وجود دارد که آب را با طرح جالبی در سرتاسر قلعه پخش می‌کرده است. همچنین در این قلعه آب‌انبار بزرگی وجود دارد که دیوارهای آن با آجرهای بزرگ ساخته شده و در حال حاضر(دهه ۱۳۴۰ هـ.ش) نیز مورد استفاده است.

منبع: ورجاوند. ۱۳۴۹، صص ۴۹-۲۴۸

قلعه میمون / میمون قلعه (قزوین)

بقایای این بنا در شهر قزوین و مجاورت جاده کمربندی قزوین - تاکستان و ضلع‌شرقی بقعه امامزاده شاهزاده حسین واقع شده و با توجه به سفالینه‌های به‌دست آمده به نظر می‌رسد از ساخته‌های دوره آل‌بویه باشد(طرح و تصویر ش ۴۷-۲۴۶).

میمون‌قلعه به مرور زمان به صورت تلی از خاک درآمده بود تا اینکه در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی دوره اخیر بقایای معماری آن کشف و مورد مطالعه قرار گرفت(میمون قلعه جدا از «میمون دژ» مذکور در کتب تاریخی است که در کوه‌های رودبار الموت قرار داشته و از قلاع مهم اسماعیلیه بوده است). در نتیجه کاوش‌های صورت گرفته یک تالار چلیپا شکل به ابعاد ۱۲/۲۰×۱۲/۲۰ متر و اتاق‌هایی در اطراف آن، به‌دست آمد(نقش ش ۲۴۷). در طرح کلی بنا قرینه‌سازی به طور کامل رعایت شده است. این بنا با خشت ساخته شده و دارای اندود کاه‌گل و پوشش نازک گچی است. کف تالار مرکزی و بعضی از اتاق‌ها با آجرهای مربع شکل(به ابعاد ۵×۲۴×۲۴ سانتیمتر) پوشانده شده است. از ارتفاع دیوارهای تالار به هنگام حفاری تنها ۱/۵۰ تا ۲/۲۰ متر آن باقی مانده بود. وجود چهار جرز قوی در تالار مرکزی و کشف قسمتی از گوشواره‌های چهارگانه، این احتمال را تقویت می‌کند که تالار میانی پوششی گنبدی داشته است. در جریان حفاری همچنین بقایای یک راه‌پله که به پشت‌بام منتهی می‌شد و نیز یک طبقه در زیرزمین شناسائی شد. در ضلع شرقی تپه دیواری از آجر قرار داشت که از شمال به جنوب امتداد می‌یافت. در انتهای هر ضلع میمون قلعه پایه برج نیم‌دایره‌ای که هنوز ۷۰-۹۰ سانتیمتر از ارتفاع آن باقی مانده بود، کشف گردید و دیواری نمودار شد که در میان پایه برج و دیوار شمالی - جنوبی ریزش کرده بود. آجرهای بکار رفته در این بخش ۵×۲۰×۲۰ و ۵×۲۱×۲۱ سانتیمتر ابعاد داشتند.

محمدعلی گلریز در کتاب «مینودر» احتمال می‌دهد این بنا به «میمون بن‌عون‌کاتب»، رابط قزوین در دوره خلیفه عباسی «موسی‌الهادی»(اواسط قرن دوم هجری) تعلّق داشته است.

بقایای میمون‌قلعه قزوین به شماره ۱۷۷۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: خلعتبری. ۱۳۶۹و صص ۶۷-۶۴

گلریز. ج ۱، صص ۶۰-۶۵۹

قلعه نویزر شاه (قزوین)

بقایای این بنا بر فراز کوه بلندی در شرق شترخان و شمال‌شرقی آبادی «گرم‌رود» واقع شده است و از قلاع اسماعیلیه(قرن ۷ و ۶ هجری) محسوب می‌شود. کوه مزبور دارای دیواره‌های صخره‌ای بلند است. رویهمرفته قلعه مزبور با توجه به وضع طبیعی آن از جمله قلاع مستحکم و تسخیرناپذیر منطقه به شمار می‌رفته است.

منبع: ورجاوند. ۱۳۴۹، صص ۲۰۶-۲۰۵

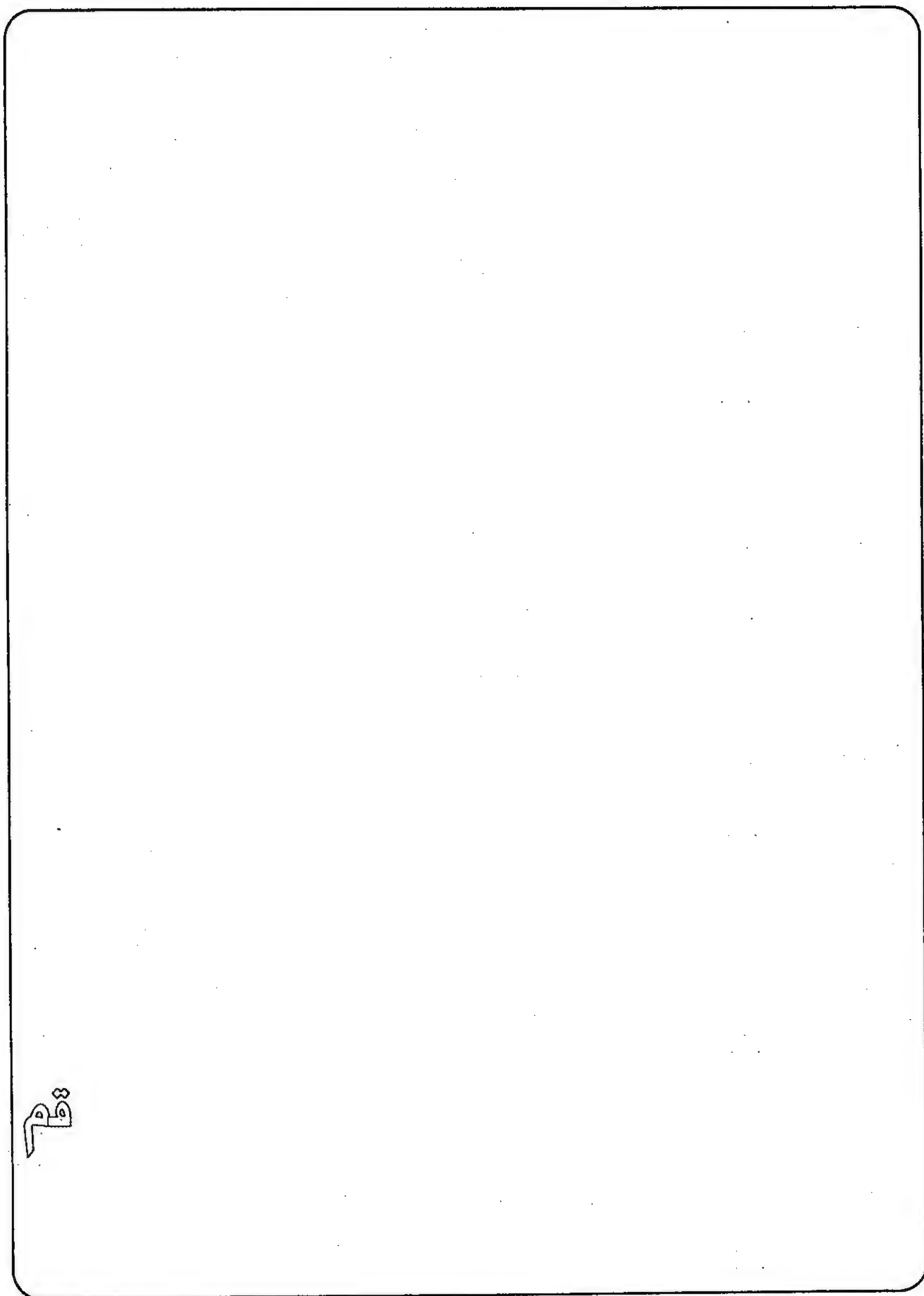
قلعه وشته (رودبار الموت)

بقایای این بنا در منطقه رودبار الموت واقع شده و از قلاع مورد استفاده اسماعیلیه به شمار می‌آید. قلعه وشته محل جالب و تا حدودی

راحتی است. از روی معماریش به نظر می‌رسد بیش از آنکه قلعه‌ای نظامی باشد، محلی برای سکونت بوده است.

قلعه وشته طرحی مدور دارد و از سنگ ساخته شده و از ماندگاری خوبی برخوردار است. دیوارهای قلعه ۴ فوت(هر فوت برابر است با حدود ۳۰ سانتی‌متر) ضخامت دارند و در قسمت ورودی ۴ پنجره تعبیه شده است. در این قسمت گذرگاه طاقداری وجود دارد که به اتاق طاقداری، به ارتفاع ۳/۷۰ متر راه می‌یابد. در این قسمت برای دیده‌بانی علاوه بر پنجره‌ها، شکاف‌ها و روزنه‌هایی تعبیه کرده‌اند که از میان آنها می‌توان قلعه لمبسر و شیرکوه را دید. این قلعه احتمالاً یکی از مهم‌ترین قلاع اسماعیلیه بوده که در خارج از دره الموت قرار داشته است.

منبع: ویلی، ۱۳۶۸، ص ۱۹۰



قلعه خورآباد (قم)

بقایای این بنا در کنار روستایی به همین نام از توابع بخش کهک و ۱۸ کیلومتری جنوب‌شرقی قم و ۳ کیلومتری غرب جاده اصلی قم به کاشان واقع شده و با توجه به شواهد موجود بنای اولیه آن از آثار دوره ساسانی است که در دوره اسلامی بازسازی و مورد استفاده مجدد قرار گرفته است(تصویر ش ۲۴۸).

قلعه خورآباد بر فراز صخره‌ای طبیعی و با استفاده از سنگ لاشه، خشت و ملات گچ، ساروج و گل ساخته شده و کاملاً به نواحی پیرامون خود اشراف دارد. در اطراف قلعه و در جهات شمال‌شرق، شمال‌غرب و شرق سه برج تدافعی نسبتاً سالم قرار دارد. برج‌ها از داخل با خشت و در نما با سنگ لاشه ساخته شده‌اند. در بالای صخره و در ضلع شمال‌غرب، بقایای اتاقی وجود دارد که دیوارهای آن در نمای داخلی با خشت‌های بزرگ به ابعاد ۱۳×۴۰×۴۰ سانتیمتر و ملات گچ ساخته شده‌اند. بر سطح محوطه قطعات سفالینه‌های بدون لعاب دوره ساسانی و اسلامی پراکنده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان قم

قلعه دختر جمکران

این بنا برفراز بلندترین نقطه کوهستانی منطقه و مابین شهر قم و جنوب‌غربی جمکران واقع شده و ظاهراً بنای اولیه آن از آثار دوره ساسانی است که در دوره اسلامی مورد استفاده مجدد قرار گرفته است (تصاویر ش ۵۱-۲۴۹).

کوهی که قلعه‌دختر جمکران بر آن ساخته شده، از سه قلّه منفرد (مرکزی، شرقی و غربی) تشکیل شده است. قلّه مرکزی این کوه مرتفع‌تر است و به همراه دو قلّه دیگر به تمام نواحی پیرامون اشراف کامل دارند. مهم‌ترین آثار به‌جای مانده، بر روی قلّه مرکزی و قسمت‌های شرقی آن دیده می‌شود. با فاصله کمی از این مجموعه در قسمت جنوبی، دیواره سنگی مرتفعی قرار دارد که یکی از مهم‌ترین عناصر حفاظتی قلعه بوده است.

قلعه‌دختر جمکران همانند بسیاری از قلاع کوهستانی، فاقد نقشه و نظم هندسی است. در داخل باروی اصلی قلعه اتاق‌های متعددی برای دژنشینان و بناهایی به‌عنوان انباری ساخته شده است. همچنین در اینجا حوضچه‌هایی برای ذخیره آب حاصل از بارندگی تدارک دیده شده است. با توجه به استفاده طولانی مدت از قلعه‌دختر جمکران و تعمیراتی که در طی دوره‌های مختلف در آن صورت گرفته، مصالح مختلفی در ساخت آن استفاده شده است. گروه نخست شامل سنگ و ملات گچ و آهک و گاهی ساروج می‌شود و گروه دوم شامل آندسته از دیوارهایی است که در ساخت آنها از خشت خام استفاده کرده‌اند. در بخش‌هایی از قلعه که هنوز اتاق‌های سالمی وجود دارد، از مصالح سنگی و آجری استفاده کرده‌اند.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان قم

قلعه طغرود (قم)

بقایای این بنا در روستای طغرود، از توابع بخش گازران و در شمال‌غرب شهرستان قم واقع شده است. بنای اولیه قلعه احتمال دارد در دوره ساسانی ساخته شده باشد اما قطعه سفالینه‌های پراکنده در سطح قلعه معرف استقراری از قرون ۵ و ۶ هجری است(تصویر ش ۲۵۲).

قلعه طغرود بر فراز تپه‌ای قرار گرفته و طرحی بیضوی، به ابعاد ۱۰۰×۲۰۰ متر دارد. ارتفاع باقیمانده این قلعه در بلندترین نقطه آن به حدود ۱۰ متر می‌رسد. در جنوب قلعه آثار یک برج به ارتفاع ۵ متر و قطر حدود ۶ متر باقی مانده است. در قسمت جنوب‌غربی نیز آثار یک چهار دیواری و در قسمت جنوبی بقایای بناهای خشتی دیده می‌شود. در قسمت شمال که محدوده داخلی قلعه را شامل می‌شود، دهانه سه چاه به فاصله ۶ متر از یکدیگر وجود دارد. دهانه یکی از چاه‌ها با لاشه‌سنگ و دهانه دو چاه دیگر با آجرهایی به ابعاد ۶×۳۶×۳۶ سانتیمتر طوقه‌چینی شده است. در ویرانه‌های قلعه دو نمونه آجر دیگر به ابعاد ۵×۲۳×۲۳ و ۵×۲۵×۲۵ سانتیمتر به‌دست آمده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان قم

قلعه گبری / گلی (جمکران)

بقایای این قلعه در یک فرسنگی شرق قم و در داخل روستای جمکران واقع شده است. بنای اولیه قلعه گبری منسوب به دوره ساسانی است اما در دوره اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته است (تصویر ش ۲۵۴).

قلعه گبری یا گلی جمکران با پلان مربع به ابعاد ۵۵×۵۵ متر ساخته شده است. ضخامت باروی قلعه در قسمت پایین ۴ متر است که با افزایش ارتفاع از ضخامت آن کاسته می‌شود. ارتفاع کنونی این دیوار در بعضی نقاط به ۱۰ متر می‌رسد. مصالح مورد استفاده در بنا خشت و گل می‌باشد. در ساخت باروی قلعه از لایه‌های مختلف خشت و چینه استفاده کرده‌اند.

قلعه گبری جمکران به شماره ۲۱۷۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان قم

قلعه گلی کاج

بقایای این بنا در مجاورت روستای کاج محمودآباد و ۵۰ کیلومتری شمال‌شرقی قم و در کنار جاده ورامین ـ قم واقع شده است. بنای اولیه

قلعه منسوب به دوره ساسانی و یا اشکانی است که در دوره‌های بعد از جمله دوره سلجوقی و صفوی بازسازی و مورد استفاده مجدد قرار گرفته است. رودخانه مسیله در فاصله حدود یک تا یک و نیم کیلومتری غرب این محوطه جریان دارد(تصویر ش ۲۵۴).

قلعه گلی کاج یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین قلاع تاریخی ایران است که با نقشه تقریباً مستطیل‌شکل ساخته شده و دارای تعداد زیادی برج دفاعی مستحکم و مستطیل شکل می‌باشد. والفرام کلایس که درخصوص قلاع ایران مطالعه کرده، در باره قلعه گلی کاج می‌نویسد: «بنای این قلعه را می‌توان به دوره ساسانی نسبت داد و اگر هم در آن زمان ساخته نشده باشد، قطعاً در قرون اولیه اسلامی و زمان سلجوقیان ساخته شده است زیرا دیوارهای آن شباهت زیادی به دیوارهای رباط سنگی(واقع در همین منطقه) دارد که متعلق به دوره سلجوقی است. در قرون بعدی اسلامی به این قلعه یک دیوار در دامنه کوه اضافه کرده‌اند».

دیوار جدید با برج‌های نیم‌دایره تقویت می‌شود امّا دیواره اصلی و قدیمی، برج‌های چهارگوش و مستحکم داشته است(عمده برج‌های دفاعی دوره اسلامی از نوع مدور است).

در سال‌های اخیر توسط سازمان میراث فرهنگی مطالعات و کاوش‌هایی در این قلعه صورت گرفته که در نتیجه آن سفالینه‌ها و سکه‌هایی از دوره ساسانی و اسلامی کشف شده است.

منابع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان قم

کلایس. ۱۳۶۶، صص ۱۱۰-۱۲۷

گدار. ۱۳۷۱. ج ۱، صص ۱۱۹-۱۱۱

قلعه مبارک‌آباد (قم)

بقایای این بنا در ۲۰۰ متری روستای مبارک‌آباد و ۶ کیلومتری شرق قم و سمت راست جاده قم ـ سراچه واقع شده است. بنای اولیه قلعه منسوب به دوره ساسانی است که در قرون ۷-۴ هجری مورد استفاده مجدد قرار گرفته است.

قلعه مبارک‌آباد امروزه ویران و به صورت تپه‌ای درآمده است. دیوارهای این قلعه با مصالح خشت و آجر، به ابعاد و اندازه‌های مختلف(که گویای دوره‌های مختلف ساختمانی در آن است) و چینه ساخته شده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان قم

کردستان

قلعه پالنگان (کامیاران)

بقایای این بنا در ۸۰۰ متری روستای پالنگان و ۱۵ کیلومتری شهرستان کامیاران و ابتدای منطقه اورامان قرار دارد. قلعه پالنگان در دره زیبای «تنگیور» و در محل چشمه‌های پرآب «شیخ علاءالدین»، «شیخ خاتون» و «شیخ عمر» ساخته شده است. از بنای قلعه پالنگان امروزه بقایای دروازه بزرگ سنگی، پل‌هایی که در ارتباط با این قلعه بر روی رودخانه ساخته شده و آثار جزئی دیگر برجای مانده است.

نویسنده کتاب «تحفه ناصری» قلعه پالنگان را مدت‌ها محل سکونت امرای کلهر دانسته و می‌نویسد: «خسروخان اردلان در سال ۵۶۴ هـ ق قلعه را متصرف و جزء قلمرو خود درآورد و از آنجا که آب و هوای قلعه «زلم» در شهر زورآباد مناسب نبود، مرکز فرمانروایی خود را به پالنگان انتقال داد». مدارک حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی مرتبط با این دوره و نزدیکی قلعه پالنگان به کتیبه «تنگیور»، انتقال مقر حکمرانی از قلعه «زلم» به قلعه پالنگان را محرز می‌سازد.

قلعه پالنگان تا بعد از انتقال مرکز حکومت خاندان اردلان از پالنگان به «حسن‌آباد» یعنی در حدود قرن دهم هـ ق آباد بوده است.

منبع: زارعی. ۱۳۸۱، ص ۱۷۲

قلعه چنگیز / چنگیز قلعه (بیجار)

بقایای این بنا در ۲۰ کیلومتری شمال‌غربی بیجار و برفراز کوهی در مجاورت جاده بیجار ـ سنندج واقع شده و از آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود.

از بنای چنگیز قلعه امروزه تنها بقایای دیوارها و آب‌انبارهای آن باقی مانده امّا شواهد موجود نشان می‌دهد در زمان آبادانی از قلاع مهم منطقه بوده است. بناهای موجود با سنگ و ملات ساروج ساخته شده‌اند. در خصوص تاریخ ساخت قلعه اطلاع دقیقی در دست نیست لیکن بقایای معماری و سفالینه‌های موجود استقراری از دوره اسلامی و به احتمال کمتر استقرار قدیمی‌تری از دوره ساسانی را نشان می‌دهد.

منبع: زارعی. ۱۳۸۱، ص ۱۷۲

قلعه حسن آباد (سنندج)

بقایای این بنا برفراز کوهی در جنوب روستای حسن‌آباد و ۵ کیلومتری شهرستان سنندج قرار گرفته است. درگذشته جاده سنندج ـ کرمانشاه از کنار روستای حسن‌آباد می‌گذشته است. با توجه به مدارک موجود در سال ۷۴۶ هـ ق امیرحسن‌خان اردلان بر بلندی کوهی در جنوب این روستا، قلعه مستحکمی جهت مرکز حکومت خود بنا نمود. در اوایل قرن دهم هجری، هلوخان اردلان والی وقت کردستان قلعه مزبور را مقر حکومت خود قرار داد. این وضعیت به نظر می‌رسد تا سال ۱۰۴۶ هجری و تا قبل از تأسیس شهر سنندج(سنه‌دژ) و انتخاب آن به‌عنوان مرکز ولایت کردستان، همچنان ادامه داشته است.

منبع: زارعی. ۱۳۸۱، ص ۱۷۴

قلعه زیرزمینی شکوه آباد (قروه)

بقایای این قلعه زیرزمینی در شکوه‌آباد شهرستان قروه واقع شده و از آثار دوره اسلامی است که به شماره ۳۶۰۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: زارعی. ۱۳۸۱، ص ۲۱۲

قلعه سنندج

این قلعه که امروزه به‌طور کامل از بین رفته، درگذشته بر فراز تپه‌ای در محله «میان‌قلعه» سنندج واقع بوده و از ساخته‌های سلیمان‌خان اردلان و قرن ۱۱ هجری به شمار می‌آمده است. سلیمان‌خان اردلان از جانب شاه‌صفی به عنوان والی کردستان انتخاب شده بود. قلعه سنندج که به «دژ سنه» یا «سنه دژ» معروف بوده و به نام کنونی سنندج تغییر یافته همان است، بعدها با گسترش شهر در داخل محله «میان‌قلعه» قرار گرفت. بر اساس متون تاریخی محله «میان قلعه» در میان بارویی با چهار دروازه قرار داشته است. دروازه غربی به نام «قلعه چوالان»، دروازه شرقی به نام «بازار»، دروازه جنوبی به نام «عبدالعظیم» و دروازه شمالی به نام «تپوله» معروف بوده است.

قلعه سنندج تا سال ۱۸۵۱ میلادی که روس‌ها برای اولین‌بار از شهر سنندج نقشه‌برداری کردند، وجود داشته است.

منبع: زارعی. ۱۳۸۱، ص ۱۷۴

قلعه صلوات آباد (بیجار)

این بنا در روستای صلوات‌آباد یا سلامت‌آباد و ۱۵ کیلومتری غرب بیجار و در مسیر رودخانه قزل‌اوزن و جاده ارتباطی بیجار ـ تکاب واقع شده است. قلعه صلوات‌آباد از جمله قلاع مسکونی است که احتمالاً در دوره قاجاریه ساخته شده است.

بنای قلعه دارای برج و بارویی از خشت و گل است. حصار قلعه دارای ۱۱ برج، هرکدام به ارتفاع ۱۰ متر است. این برج‌ها در سه‌طبقه ساخته شده و به همراه حصاری به ارتفاع ۶ متر، روستای قدیمی را دربرگرفته است. در داخل قلعه تعدادی خانه قدیمی وجود دارد که یکی از آنها، خانه اربابی بوده و از معماری و تزیینات ویژه‌ای برخوردار است. در نزدیکی این قلعه و بر روی رودخانه قزل‌اوزن، پل مهم و تاریخی صلوات‌آباد، از دوره صفویه قرار گرفته است.

قلعه قمچی‌خای / قم چقای (بیجار)

بقایای این قلعه بر فراز کوهی در نزدیکی روستای قمچی‌خای و

۴۵ کیلومتری شمال بیجار واقع شده است. با توجه به آثار معماری و قطعات سفالینه‌های مکشوفه، می‌توان سه دوره ساختمانی و استقراری را در این محل شناسائی کرد؛ دوره اول که مربوط به هزاره اول ق.م و احتمالاً دولت مانّا است، دوره دوم که معرف استقراری از دوره پارت و ساسانی می‌باشد و بالاخره دوره سوم که معرف استقراری از دوره اسلامی تا اواخر سلسله ایلخانی را شامل می‌شود.

کوهی که قلعه قمچی‌خای بر بالای آن قرار گرفته از سه جانب به دره ژرفی منتهی می‌شود و تنها از جانب شمال و شمال‌غربی امکان نفوذ به بالای آن وجود دارد که آنهم با ساخت دیواری مستحکم به طول چند صد متر، غیرقابل نفوذ شده است. دروازه قلعه نیز در همین قسمت قرار دارد. دیوار مذکور در اصل چیزی در حدود ۱۵ تا ۲۰ متر از سطح صخره کوه ارتفاع داشته و با سنگ‌های بزرگ به صورت خشکه‌چین ساخته شده است. البته در قسمت دروازه، این دیوار با ملات کار شده که می‌تواند مربوط به یکی از دوره‌های تعمیراتی بنا باشد. ابعاد سنگ‌های بکار رفته در این دیوار به حدود ۵۰×۶۰×۸۰ سانتیمتر و در مواردی به ۵۰×۹۰×۱۱۰ سانتیمتر می‌رسد. این دیوار در فواصل معین با برج‌های نیم‌دایره تقویت شده است. نقشه دیوار در قسمت ورودی یک تورفتگی را نشان می‌دهد. دروازه ورودی که در مرتفع‌ترین نقطه حد شمالی ساخته شده، فاقد برج‌های دفاعی در طرفین خود می‌باشد و این امری غیرمعمول در قلعه‌سازی است.

محوطه داخلی قلعه وسعتی در حدود ۵۰۰۰ متر مربع را شامل می‌شود. در اینجا بقایای ساختمان‌ها، آب‌انبارها، پلکان و راهروهای کنده شده در سنگ دیده می‌شود. بناهای اصلی بر روی پشته جنوبی، جنوب‌غربی و غربی ساخته شده‌اند که امروزه تنها دیوارهای ویران شده آنها برجای مانده است. بقایای چندین ساختمان نیز بر روی پشته میانی و لبه پرتگاه شرقی قرار دارد. بناهای موجود در سطح قلعه و اطراف آن با سنگ، خشت و آجر ساخته شده‌اند و معرف چندین دوره ساختمانی هستند.

در سطح قلعه بقایای تونل‌ها و فضاهای کنده شده در داخل صخره دیده می‌شود که احتمالاً بیشترین آنها مربوط به دوره اول ساختمانی و هزاره اول ق.م می‌باشند. در حاشیه شمالی قلعه حفره‌ای به ابعاد ۲×۳×۵ متر وجود دارد که به طرز زیبایی تراشیده شده و در حد شمال‌غربی این حفره درگاه کوچکی به ابعاد ۸۰×۱۱۰ سانتی‌متر وجود دارد که به راه‌پله زیرزمینی طویلی منتهی می‌شود. این راه‌پله صفه دژ را به بدنه شمالی مرتبط می‌کند. در حقیقت سازندگان این دژ عظیم با احداث این تونل راهی از جنوب به شمال باز کرده‌اند. طول تونل ۲۶ متر است و با ۴۲ پلکان به پرتگاه شمالی می‌رسد. عرض تونل ۱۴۰ و ارتفاع آن ۲۲۰ سانتیمتر و ارتفاع پله‌ها بین ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر است.

در جبهه شمال‌شرقی دژ مخازن بزرگ آب وجود دارد که عمدتاً در بدنه طبیعی کوه کنده شده‌اند و قطر بزرگ‌ترین آن ۷ و کوچک‌ترین آنها ۴ متر است. مخزن شمالی که بدنه داخلی آن با آجر بالا آمده، هرمی شکل است و حدود ۵ متر از عمق آن باقی مانده است. دروازه قلعه به‌وسیله راهرو باریکی به صفه غربی متصل می‌شود. در جهت همین راهرو، از طرف صفه غربی پلکانی وجود دارد که در صخره‌کنده شده و به‌نظر می‌رسد به سمت دروازه ادامه داشته است.

محوطه باستانی دژ قمچی‌خای به شماره ۱۷۲۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: بابک. ۱۳۴۸، صص ۷۱-۶۴

دژ قمچی‌خای. ۱۳۷۶، ص ۲۳۰

زارعی. ۱۳۸۱، صص ۱۷۳ و ۱۷۳-۱۵۷

کلایس. ۱۳۵۴، صص ۳۸-۲۳۵

قلعه گبری گرد (مریوان)

بقایای این بنا در درهٔ چم زلآوان و با فاصله‌ای از روستای «دری»، از توابع شهرستان مریوان، واقع شده و احتمالاً از ساخته‌های سده‌های نخستین اسلامی است.

بهترین مسیر دستیابی به این قلعه از طریق جاده روستای دری، به طرف چم زلآوان است که حداقل یک ساعت راهپیمائی نیاز دارد. قلعه گبری گرد مساحت کمی دارد وامروزه تنها بقایای یکی از برج‌ها و بخشی از دیوار شمالی آن که با لاشه‌سنگ و به صورت خشکه‌چین اجرا شده، باقی مانده است. این قلعه احتمالاً برای کنترل مسیر ارتباطی ساخته شده است.

منبع: مطالعات میدانی

یعقوب محمدی‌فر ـ عباس مترجم

قلعه مریوان

بقایای این قلعه که به قلعه «هلوخان» و قلعه «ایمام» نیز شهرت دارد، بر فراز کوهی در سه کیلومتری جنوب‌شرقی شهر مریوان واقع شده است.

قلعه هلوخان با آجر ساخته شده و آثار پله‌ها و آب‌انبار آن هنوز برجای مانده است. این قلعه در زمان حکمرانی «سرخاب بیگ اردلان» و حدود سال ۹۴۵ هـ.ق، به عنوان دارالملک و مقر حکومتی کردستان ساخته شده و تا روزگار سلیمان‌خان اردلان، یکی از چهار مرکز حکمرانی اردلان در کردستان بوده است تا اینکه هلوخان علی‌رغم ساخت و سازهایی که در این قلعه می‌کند، مرکز حکمرانی خود را به قلعه پالنگان(واقع در شهرستان کامیاران) منتقل می‌کند.

منبع: زارعی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۶

قلعه و غار کرفتو (دیواندره)

محوطه باستانی و صخره‌ای کرفتو در نزدیکی روستای «میرسید» و در منطقه زرینه اوباتو(هوبتو)، از توابع شهرستان دیواندره و ۷۴ کیلومتری شرق شهرستان سقز، واقع شده است. با توجه به مطالعات و کاوش‌های صورت گرفته، فضاهای طبیعی و دست‌ساز غار کرفتو از دوره پیش از تاریخ تا دوره قاجاریه پذیرای گروه‌های مختلف انسانی بوده و این گروه‌ها از موقعیت ویژه و قابل‌دفاع این غار برای در امان ماندن از تهاجمات دشمن سود جسته‌اند.

قلعه کرفتو در میان یک دیواره صخره‌ای از سنگ‌های آهکی، به طول ۱۵۰۰ و عرض حدود ۷۰۰ متر قرار گرفته و رودخانه کرفتو در مجاورت آن جریان دارد. در اینجا و در مرحله نخست جریان آب‌های زیرزمینی و تحولات زمین‌شناسی مجموعه‌ای از غارها و تونل‌ها را بوجود آورده که بعدها گروههای انسانی با استقرار در داخل آنها اقدام به گسترش آن و شکل‌دهی مناسب بخش‌های مختلف نمودند. از همین‌رو بقایا و آثار موجود را می‌توان به دو بخش طبیعی و دست‌ساز تقسیم‌بندی نمود.

ورودی غار از دامنه کوه حدود ۲۵ متر ارتفاع دارد و امروزه با توجه به توریستی بودن مجموعه، پلکانی فلزی در این مسیر قرار داده‌اند. طول غار در حدود ۷۵۰ متر است و راه‌های فرعی متعددی از آن منشعب می‌شود. در طول سکونت انسان در این غار، تغییرات و دگرگونی‌های زیادی صورت گرفته است. حجاران در اینجا و در چهار طبقه، فضاها و اتاق‌های متعددی با پنجره‌ها و نورگیری‌هایی رو به بیرون تراشیده‌اند.

قلعه کرفتو به آن بخش از این مجموعه اطلاق می‌شود که دارای فضاهای معماری بوده و نشانگر دخالت انسان در فضای طبیعی غار برای ایجاد فضاهای مورد نیاز خود می‌باشد. این قسمت از مجموعه که دارای فرم‌های متنوع معماری است، در هر دوره‌ای کارکرد خاصی داشته است. زمانی به‌عنوان پناهگاه از آن استفاده شده و زمانی دیگر به‌عنوان دژ غیرقابل نفوذ و در برهه‌ای از تاریخ ظاهراً به‌صورت نیایشگاه مورد استفاده قرار گرفته است.

بخش دست‌ساز مجموعه در حال حاضر دارای ۹ اتاق تقریباً سالم با دو دالان که کف آنها ریزش نموده و حدود ۵ اتاق نیمه مخروبه و ده‌ها اتاق ویران می‌باشد. فضاهای معماری موجود براساس تقسیم‌بندی که به آن اشاره شد، به سه دوره مجزای تاریخی تعلق دارند با این حال بخش اصلی مدارک سفالی، مربوط به دوره اسلامی است و این حکایت از طولانی بودن استقرار در این دوره دارد.

ابعاد و اشکال اتاق‌ها در این مجموعه مختلف است و در میان آنها می‌توان اشکال مدور، مربع و مستطیل را شناسائی کرد که پوشش‌های آنها به صورت مسطح، هلالی و گنبدی تراشیده شده است. برای دسترسی به طبقات مختلف غار همچنین پلکان‌های سنگی تراشیده‌اند. تعدادی از فضاها با تزیینات حجاری مزین شده‌اند. از روزنه‌ها و پنجره‌های تعبیه شده در جدار خارجی اتاق‌ها و دیواره صخره‌ای می‌توان به نواحی اطراف تسلط کامل داشت؛ البته بخشی از نمای دیواره صخره‌ای به مرور زمان ریزش کرده و در جریان آن بخش‌هایی از فضاهای معماری از میان رفته‌اند.

در سال‌های اخیر به منظور ساماندهی مجموعه کرفتو به‌عنوان مرکزی توریستی، اقدامات عمرانی نسبتاً گسترده‌ای بعمل آمده و چندین فصل کاوش باستان‌شناسی، به منظور مطالعه و شناسائی محوطه صورت گرفته است.

منابع: حمزه‌لو، منوچهر و محمود میراسکندری، ۱۳۸۱، صص ۳۰۴-۲۷۸
زارعی. ۱۳۸۱، صص ۸۵-۱۸۳

کرمان

ارگ بم

ارگ یا شهر تاریخی بم در گوشه شمال‌شرقی شهر کنونی بم قرار گرفته و با قدمتی ۲۰۰۰ ساله، یکی از ارزنده‌ترین بقایای معماری خشت و گلی جهان به شمار می‌آید. متأسفانه بخش وسیعی از این ارگ در فاجعه بزرگ و زلزله سال ۱۳۸۲ ویران و صدمات جبران‌ناپذیری به آن وارد گردید. امید است در فرصت مناسب و به شیوه علمی کار بازسازی ارگ بم آغاز و به انجام نیکو منتهی شود.

در خصوص تاریخ دقیق ساخت بنای ارگ بم مدارک مستندی در دست نیست، آنچه مسلم است، در سده‌های نخستین اسلامی ارگ و شهر تاریخی بم آباد بوده و در همان تاریخ نیز بنای اولیه آن به دوره قبل از اسلام منسوب بوده است. در بررسی‌ها و کاوش‌های صورت گرفته سکه‌ای از دوره اشکانی از این محل به‌دست آمده و این احتمال را تأیید کرده که بنای اولیه ارگ حداقل مربوط به دوره اشکانی است. بر اساس متون تاریخی دوره اسلامی، ارگ بم از سده‌های نخستین اسلامی تا اواخر دوره قاجار آباد و مورد استفاده بوده است و از همین‌رو می‌توان انتظار داشت بناهای آن در طی حیات طولانی خود، بازسازی‌ها و تغییرات زیادی را پذیرا شده باشد که آخرین آنها بازسازی‌هایی بود که توسط سازمان میراث فرهنگی، در دوره اخیر و قبل از ویرانی آن در زلزله، انجام گرفته بود. در ادامه ضمن بررسی متون تاریخی مرتبط با ارگ بم، به معرفی بخش‌های مختلف ارگ می‌پردازیم اما یادآوری یک نکته ضروری است و آن اینکه مجموعه تاریخی ارگ بم در واقع یک شهر تاریخی و محصور است که ارگ یا حاکم‌نشین در گوشه‌ای از آن بنا گردیده است و اطلاق ارگ بم به کل مجموعه اشتباهی است که متداول شده و ما ناگزیر از بکار بردن آن هستیم.

در قرن سوم و چهارم هجری شهر تاریخی بم از رونق زیادی برخوردار بوده و یکی از پنج شهر مهم سرزمین کرمان و کرسی ایالت بوده است. مؤلف «حدودالعالم»(تألیف ۳۷۲ هـ‌ق) می‌نویسد: «بم شهری است با هوای تندرست و اندر شهرستان وی حصاریست محکم و از جیرفت مهم‌تر است و اندر وی سه مزگت(مسجد) جامع است یکی خوارج را یکی مسلمانان را و یکی اندر حصار، و از وی کرباسی وجامه و دستاری و خرما خیزد».

از این شرح برمی‌آید که اولاً ارگ و حصار بم در یکهزار سال پیش کاملاً معروف و آباد بوده و ثانیاً نه تنها ارگ بلکه اطراف آن(ربض) نیز آباد بوده و علاوه بر مسجد ارگ، دو مسجد جامع دیگر نیز در شهر وجود داشته است. افضل کرمانی در «عقدالعلی» توضیحاتی دارد که از آن برمی‌آید در سال ۵۸۴ هجری ارگ بم آباد بوده است. در وقایع سال ۷۳۴ هجری باز به‌نام ارگ بم برخورد می‌کنیم و آن وقتی است که سلطان ابوسعید، امیرزاده محمد پیلتن را به قلعه بم تبعید می‌کند. در وقایع سال ۷۴۱ هجری نام ارگ بم برده می‌شود. چند سال بعد نیز در «تاریخ مظفری» به نام قلعه بم، به‌عنوان تبعیدگاه امیرمحمد مظفر، اشاره می‌شود. در دوره تیموری چندبار دیگر از بم یاد می‌شود. از دوره صفویه به بعد از قلعه بم اغلب به‌عنوان پادگان قوای دولتی برای دفاع از خطه بم یاد شده است. در متون تاریخی دوره قاجار نیز چندین بار از بم یاد می‌شود؛ از جمله در ضمن واقعه دستگیری لطفعلی‌خان زند، توسط محمدعلی‌خان زابلی، حاکم قلعه بم است.

احمدعلی‌خان وزیری در کتاب «جغرافیای کرمان» می‌نویسد: «در سنه ۱۲۵۳ هـ‌ق که آقاخان محلاتی حکمران کرمان، از ایالت معزول گردید، به خیال باطل، این قلعه را مأمن خود نموده بنای فتنه و تاخت و تاز را در محال کرمان گذاشت، عاقبت در آنجا محصور شده امتداد محاصره از یکسال متجاوز شد. از آن زمان ببعد سکنه شهر در خارج شهر، به فاصله دو هزار گام که چند قریه به یکدیگر متصل بود، ساکن هستند و شهر بم اکنون حصار و خانه‌ها و چهار سوقش معمور است لیکن جزء دو دسته سرباز و یک صاحب منصب و چند نفر توپچی و دو عراده توپ و تقریباً ۵۰ سوار که حسب‌الامر ایالت کرمان به محافظت آن قلعه ماموراند، کسی دیگر در ارگ منزل ندارد».

بعد از شورش آقاخان محلاتی، فیروز میرزا فرمانفرما که قصد سرکوب او را داشت تعدادی از برج‌های دو جانب شرقی و غربی حصار اصلی را ویران نمود و پس از مدتی بخش‌های ویران بازسازی شدند. در اواخر دوره قاجار ارگ و شهر تاریخی بم متروک و به‌مرور زمان بخش‌هایی از آن ویران گردید تا اینکه در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی از طرف اداره باستان‌شناسی و سازمان میراث فرهنگی تعمیرات نسبتاً گسترده‌ای در آن صورت گرفت(تصاویر ش ۸۶-۲۵۶).

مجموعه ارگ تاریخی بم حدود ۲۴۰۰۰۰ متر مربع وسعت دارد و با خندق و حصاری در برگرفته شده است. خندق مذکور عرضی بین ۵ تا ۱۵ متر و عمقی در حدود ۴ متر دارد. حصار مجموعه طرحی تقریباً مستطیل شکل دارد و در فواصلی با برج‌های دفاعی تقویت شده است. این حصار متناسب با پستی و بلندی‌های زمین شکل گرفته و از این رو در طول خود انحناهای زیادی را پذیرفته است. این حصار از چینه، خشت و گل ساخته شده و در قسمت بالا دارای کنگره‌ها و روزنه‌هایی جهت دیده‌بانی و تیراندازی است. تنها ورودی کنونی مجموعه در جبهه جنوبی آن قرار گرفته امّا درگذشته ورودی‌ها یا دروازه‌های متعدد در جهات مختلف و با نام‌های دروازه خیرآباد، باغ دروازه و دروازه دارایی داشته است. برای دستیابی به ورودی اصلی بنا پل کوچکی بر روی خندق دور شهر احداث شده است. در اطراف دروازه و در بدنه حصار چهار برج تدافعی تعبیه کرده‌اند تا ضمن استحکام بخشی و حراست از دروازه، بتوانند کنترل کافی بر ورود و خروج داشته باشند. دروازه مجموعه ارگ بم به بازار شهر تاریخی بم باز می‌شود.

فضاهای داخلی مجموعه در کل به سه قسمت اصلی عامه‌نشین،

حاکم‌نشین یا ارگ و بخش میانی آن‌دو که اختصاص به خدمه و کارگزاران حکومتی داشته، تقسیم می‌شود.

بخش عامه‌نشین مجموعه یا شارستان، شامل خانه‌های مردم عادی، بازار، مساجد، حسینیه، ساباط، زورخانه، کوره آجرپزی، عصاری و فضاهای شهری دیگر می‌شود. در ابتدای این بخش بازار قرار دارد که قریب ۶۵ متر طول و ۳۰ تا ۳۵ باب دکان، و در میانه چهار سوقی دارد. این بازار ظاهراً تا سال ۱۲۵۳ هـ‌ق دایر بوده و داد و ستد در آن جریان داشته است.

خانه‌های مردم عادی در زمین مسطح و متصل به هم ساخته شده‌اند و غالب آنها به یکدیگر راه دارند. این خانه‌ها از نظر ابعاد و شیوه ساخت با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند و موارد دو طبقه نیز در میان آنها دیده می‌شود. در قسمت شرقی این بخش مسجد جامع با مساحتی در حدود ۲۶۰۰ متر مربع، قرار گرفته که دارای چندین شبستان و پنج محراب است، یکی از این محراب‌ها دارای تزیینات گچبری به تاریخ ۸۳۰ هـ ق است. مسجد دیگری نیز با مساحت حدود ۵۵ متر مربع و به فاصله‌ای نه چندان دور از مسجد جامع واقع شده است.

در انتهای بازار و در قسمت شرقی آن، حسینیه‌ای واقع شده که شامل میدانی است نسبتاً وسیع که در دو جانب آن آثاری از سه منبر باقی مانده است. از دیگر بناهای عمومی و قابل‌شناسائی این بخش می‌توان به زورخانه(واقع در بخش شرقی عامه‌نشین)، مدرسه و نیز کارگاه عصاری اشاره کرد.

بخش میانی مجموعه ارگ که از محدوده حصار دوم تا دربند چهارم گسترده شد، اصطبل، منزل میرآخور، اتاق‌های نگهبانان، سربازخانه، خانه رئیس قشون و آسیاب بادی را شامل می‌شود. بنای اصطبل با توجه به وجود آخور چهار پایان و محل بستن آنها براحتی قابل‌شناسایی است. در این محل حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ اسب، تحت مراقبت میرآخور که خانه‌اش بر فراز ضلع شمالی اصطبل قرار داشته، نگهداری می‌شده است. در محوطه اصطبل آبشخور نسبتاً بزرگی نیز وجود دارد.

سربازخانه و قورخانه بنایی دو طبقه است که طبقه فوقانی آن به وسیله گچکاری زیبا و اتاق‌های منظم از طبقه تحتانی تمیز داده می‌شود. این طبقه احتمالاً محل اسکان فرماندهان نظامی بوده است. در این ساختمان دو راهرو وجود دارد که یکی به محوطه برج و آسیاب بادی و دیگری به ارگ حکومتی راه پیدا می‌کند. در برج غربی قورخانه آسیاب بادی واقع شده که هنوز یکی از سنگ‌های آن باقی است. از دیگر بناهای بخش میانه، خانه رئیس قشون است که در حد فاصل سربازخانه و حاکم‌نشین ساخته شده است. ورودی این خانه در انتهای راهرو شرقی محوطه سربازخانه واقع شده است. این بنا نسبت به بقیه خانه‌ها و عمارت‌ها(به‌جز بخش حاکم‌نشین) از تزیینات ویژه و بیشتری برخوردار است. بنا طرحی مربع داشته و گرداگرد آن را اتاق‌هایی که با راهروهایی به‌هم متصل می‌شوند، دربرگرفته است.

بخش حاکم‌نشین یا ارگ حکومتی بر فراز تپه سنگی نسبتاً بلندی بنا شده و بر کل مجموعه و مناطق پیرامون اشراف کامل دارد و توسط برج و باروی مستحکم و مستقلی حفاظت می‌شود. خود این بخش از قسمت‌های ذیل تشکیل می‌شود: خانه حاکم، مقر حکومتی یا بنای چهار فصل، زندان، برج بلند دیده‌بانی، حمام اختصاصی و چاه تاریخی. خانه حاکم در مرتفع‌ترین نقطه قرار گرفته و برخلاف سایر خانه‌های اعیانی مجموعه که دارای دو بخش اندرونی و بیرونی هستند، فقط مشتمل بر اندرونی است، لذا به احتمال قریب به یقین، انجام کارهای خارج از محدوده اندرونی در بنای چهار فصل صورت می‌گرفته است. خانه حاکم با فضایی تشریفاتی، شامل اتاق‌های تودرتو است که چند باب از آنها جهت انبار و تعدادی دیگر احتمالاً مورد استفاده خدمه بوده است. بنای موجود نسبت به بقایای ساختمان قدیمی‌تر که در زیر بنای کنونی قرار گرفته، قدمت چندانی ندارد. احتمال دارد این بخش راه‌های مخفی به بیرون از قلعه یا مجموعه داشته است.

مقر حکومتی یا بنای چهار فصل عمارتی سه طبقه است (نقشه‌های ش ۸۵-۲۸۳) که از نظر طرح و ساخت، طبقه فوقانی آن از طبقات دیگر کاملاً متفاوت است. طبقه سوم که اصطلاح چهار فصل به جهت آن گفته می‌شود، مشتمل بر یک بنای چهار طاقی با پوشش گنبدی است که در جرزهای چهارگوشه آن چهار اتاق کوچک ۸ ضلعی تعبیه کرده‌اند که به‌جز یکی از آنها، بقیه هم به طرف فضای میانی و هم به‌طرف بیرون دسترسی دارند. دو طبقه دیگر بنا در داخل صفه یا سکوی طبقه سوم قرار گرفته‌اند و احتمالاً مختص به امور خدماتی بوده‌اند. این طبقات از نظر شیوه ساخت و مصالح مورد استفاده، تفاوت‌هایی با طبقه فوقانی دارند از این رو احتمال داده می‌شود طبقه سوم در دوره صفویه بر پایه و روی ساختمان قدیمی‌تری ساخته شده باشد. در مجاورت بنای چهارفصل، چاهی وجود دارد که در گذشته آب مورد نیاز حاکم‌نشین را تأمین می‌کرده است. این چاه در داخل صخره کنده شده و براساس آثار باقیمانده حدود ۴۱ متر عمق دارد. علاوه بر این چاه، دو چاه دیگر در بخش میانی مجموعه و نزدیک قورخانه و اصطبل بزرگ وجود دارند.

در کنار خانه حاکم برجی مرتفع و چهارگوش وجود دارد که در واقع مرتفع‌ترین بنای کل مجموعه است. در زیر سکوی برج اتاقی قرار دارد. ورودی برج دارای چندین پله است که در میان هر پله پاگردی جای گرفته است. نحوه ساختمان ورودی پله‌ها به نحوی آشکار می‌کند که برج مزبور اهمیتی بیش از یک برج دیده‌بانی داشته و از طرفی به‌طور قطع ساختمان برج با پله‌هایی که در میان آن واقعند، در یک زمان صورت نگرفته است چرا که در بعضی موارد پله‌ها باعث مسدود شدن

پنجره‌های برج شده‌اند. کل بنا نیز به نظر می‌رسد در محل برج قدیمی‌تری ساخته شده باشد.

بنای معروف به زندان، راهرو تنگ و تاریکی به شکل تونل است که ۲۲ متر طول دارد و در انتها به محوطه گرد مسقفی در زیرخانه حاکم، می‌رسد. ورودی زندان در ابتدای ورودی بخش حاکم‌نشین قرار دارد.

همچنانکه اشاره شد بخش حاکم‌نشین توسط برج و باروی مستحکم محصور شده است. این برج و بارو در بالا دارای مردگرد یا راهرویی است که نگهبانان در آنجا به نگهبانی و یا دفاع می‌پرداختند. این راهروها از دو سمت دارای جان‌پناه‌هایی به ارتفاع ۱/۵ متر می‌باشند(تصویر ش ۲۷۴ و ۲۷۶). عمده مصالح استفاده شده در مجموعه ارگ بم خشت و گل است و از آجر در موارد کمی استفاده شده است. پوشش مورد استفاده برای مسقف کردن فضاهای معماری نیز اغلب از نوع طاق و گنبد می‌باشند.

مجموعه تاریخی ارگ بم در فهرست آثار ملی و در سال ۱۳۸۳ در فهرست میراث جهانی به ثبت رسیده است.

منابع: ارگ بم. ۱۳۵۴، ص ۷؛ اصغریان جدی. ۱۳۷۴، صص ۷۷-۶۹؛ افسر. ۱۳۴۹، ص ۲۰-۱۷؛ باستانی پاریزی. ۱۳۳۴، صص ۴۳-۲۶؛ بازوکی. ۱۳۷۶، صص ۴۱-۲۳۰؛ رکوعی. ۱۳۷۵، صص ۲۴-۲۳؛ شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان کرمان؛ غضنفری. ۱۳۶۹، صص ۴۷-۲۴۳؛ گوبه. ۱۳۷۰، صص ۷۹-۳۶۵؛ نوربخش. ۱۳۵۵

ارگ راین (کرمان)

مجموعه تاریخی ارگ راین در جنوب‌غربی شهر راین و برفراز بلندی قرار گرفته است. بنای اولیه ارگ به دوره ساسانی منسوب است که در دوره‌های بعد بازسازی و مورد استفاده مجدد قرار گرفته است. در متون تاریخی و ضمن وقایع قرن اول هجری از این قلعه یاد شده است.

ارگ و مجموعه خشتی راین با مساحتی در حدود ۲۰ هزار متر مربع، بعد از ارگ بم دومین بنای بزرگ خشتی استان کرمان است. نقشه قلعه تقریباً مربع‌شکل است و دارای چند برج در پیرامون می‌باشد. ارگ با حصاری به ضخامت ۱۰ متر دربرگرفته شده و تنها ورودی آن در جبهه شرقی قرار دارد. بخش‌های مختلف مجموعه عبارتند از: راسته‌ای که به هسته مرکزی و خانه‌های اعیانی راه دارد، محله اعیان‌نشین و محله عامه‌نشین و نیز بناهای عمومی دیگری چون مسجد، حمام و غیره.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان کرمان

قلعه چوغوکی (شهداد)

بقایای این بنا در قسمت جنوبی شهداد واقع و ظاهراً از آثار سده‌های نخستین اسلامی است. نام اصلی قلعه مشخص نیست و چوغوک در زبان محلی به معنای گنجشک است(نقشه ش ۹۰-۲۸۹).

قلعه چوغوکی با نقشه مستطیل بنا شده و امروزه(۱۳۵۳ شمسی) حدود ۹ متر از ارتفاع حصار آن باقیمانده است. بنای قلعه در اصل در دو طبقه ساخته شده و تنها ورودی آن در ضلع شرقی قرار دارد. در چهار گوشه قلعه چهار برج مدور و در طرفین ورودی دو برج نیم‌دایره و کوچک‌تر تعبیه کرده‌اند.

نقشه داخلی بنا از یک دالان عریض مرکزی با دو ردیف اتاق‌های متقارن تشکیل می‌شود که همین وضع در طبقه دوم نیز تکرار می‌شود. سقف قسمتی از دالان و اتاق‌های مجاور با طاق بیضوی و با استفاده از خشت‌های بزرگ(به ابعاد ۱۱×۳۵×۳۵ سانتیمتر) پوشیده شده است. به نظر می‌رسد برای تأمین روشنایی طبقه همکف، قسمتی از دالان روباز بوده است.

چون عرض دیوارهای شرقی و غربی داخلی در طبقه پایین به ۲/۲۵ متر می‌رسد، لذا دیوارهای داخلی اتاق‌های فوقانی را حدود ۱/۲۰ متر عقب‌تر ساخته‌اند و از این نظر تفاوتی در این بخش بین نقشه دو طبقه دیده می‌شود. اتاق‌های طرفین دالان با درگاه‌های نسبتاً کوتاهی به بیرون راه پیدا می‌کنند. ارتفاع این اتاق‌ها تا خیز طاق‌ها به ۳/۷۵ متر می‌رسد. ارتفاع خود قلعه از داخل ۷/۵ متر و از خارج ۹/۲۰ متر است. بنابر این دیوارهای خارجی با احتساب ۱/۷۰ متر ارتفاع برج‌ها، از بام طبقه دوم مرتفع‌تر بوده و روزنه‌هایی در این ارتفاع اضافه داشته‌اند که نگهبانان قلعه می‌توانستند با گردش بر روی بام از قلعه دفاع کنند و مراقب پیرامون قلعه باشند.

در چهار گوشه قلعه چهار برج مدور وجود داشته که امروزه تنها قسمتی از آنها باقیمانده است. در طرفین دروازه ورودی نیز دو نیم برج وجود داشته که آثار آن اکنون بر روی دیوار شرقی بنا دیده می‌شود. برج‌های طرفین ورودی تا ارتفاع طبقه اول توپر بوده و مدخل آن از طبقه دوم، از طریق راهروئی که بر روی دالان ورودی وجود داشته، بوده است. جهت دسترسی به طبقه فوقانی و نیز پشت‌بام قلعه از راه‌پله مارپیچی واقع در چهار اتاق گوشه‌ای قلعه که با برج‌های ارتباط داشتند، استفاده می‌شده است.

نقشه قلعه چوغوکی یادآور سبک معماری دوران ساسانی و قابل‌مقایسه با قلاع دارزین (نقشه و طرح ش ۹۶-۲۹۴) می‌باشد و از این‌رو می‌توان آن را به سده‌های نخستین اسلامی منسوب کرد.

منبع: قلعه چوغوکی. ۱۳۵۳، ص ۲۸-۱۲۷

قلعه دختر بم

بقایای این بنا بر فراز ارتفاعات دشت شمالی ارگ بم و به فاصله حدود ۱۲۵۰ متری ارگ واقع شده و از آثار دوره اسلامی و مرتبط با

ارگ تاریخی بم می‌باشد. این قلعه احتمالاً نقشی حمایتی و حفاظتی در قبال ارگ بم برعهده داشته و در مواقع خطر پادگان نظامی مستقر در آن به کمک ساکنان ارگ می‌آمدند(نقشه ش ۲۸۷).

قلعه دختر بم ظاهراً مشتمل بر دو بخش قدیمی و جدید است که هرکدام با نقشه مستطیلی شکل ساخته شده‌اند. حصار جانب شرقی قدیمی‌تر بوده و بخش دیگر که برج‌های آن قابل تشخیص است، بعداً به آن الحاق شده است. در این قلعه سه دروازه یا مدخل مشاهده می‌شود که به ترتیب در جانب شمال‌غرب، شمال‌شرق و جنوب‌غرب واقع شده‌اند. در بخش قدیمی‌تر دو دهانه از یک چهار طاقی مشاهده می‌گردد که عرض هر دهانه آن ۳/۷۰ متر است. این طاق‌ها بشکل جناغی بوده و با خشت‌هایی به ابعاد ۶×۳۰×۳۰ سانتیمتر ساخته شده‌اند. در بخش دیگر قلعه از خشت‌های بزرگ‌تری(۶×۳۲×۳۲ سانتیمتر) استفاده کرده‌اند. بر دیوار طاق جنوبی این فضا، نقشی ایجاد شده که شاید مذهبی بودن مکان را نشان دهد.

منبع: نوربخش، ۱۳۵۵، صص ۲۷-۲۶

قلعه دختر راور

بقایای این بنا در بین راه دیهوک و راور(۶۰ کیلومتری راور) و در نزدیکی محلی به نام دربند قرار گرفته و کاروانسرای معتبری نیز در ۲۰ کیلومتری آن قرار دارد. کاروانسرای مزبور از ساخته‌های قرن سیزدهم هجری می‌باشد و «چاه کورو» نام دارد. قلعه دختر راور بر فراز پشته‌ای که حدود ۱۵۰ متر از زمینهای اطراف بلندتر است و در کنار رودخانه خشک «کال» که در مواقع سیلابی آب زیادی دارد، ساخته شده است.

بنای قلعه با نقشه‌ای مربع، به ابعاد هر ضلع ۱/۵ متر، از سنگ ساخته شده و بدنه و اتاق‌ها با خشت و گل بالا آمده‌اند، بناهای داخلی قلعه به صورت ویرانه‌ای درآمده‌اند. به فاصله نیم‌کیلومتری قلعه و در جهت جنوبی یال همان پشته، برج ویرانی وجود دارد که احتمالاً جهت دیده‌بانی و در ارتباط با قلعه از آن استفاده می‌شده است. در جهت غربی پشته، آبریز و دره‌مانندی وجود دارد که بر آن سدی سنگی بسته‌اند تا آب‌های جاری حاصل از بارندگی در پشت آن جمع شده و به مصرف قلعه‌نشینان برسد. طول این بند در حدود ۲۰۰ متر و ارتفاع دیواره آن ۲ تا ۳ متر است.

منابع: باستانی پاریزی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۵
افشار، ۱۳۵۳، صص ۶۵-۱۶۴

قلعه دختر جاده کرمان-زرند

بقایای این قلعه بر فراز صخره‌ای مرتفع و وسیع در ارتفاعات شمالی جلگه شهر کرمان و حدود ۱۰ کیلومتری آن و در دست چپ راهی که به زرند می‌رود، واقع شده و از وسیعترین قلعه‌های کوهستانی ایران به شمار می‌آید. با توجه به شواهد و قرائن موجود به نظر می‌رسد قدمت بنای اولیه قلعه به دوره قبل از اسلام بازگردد که در دوره اسلامی با تعمیرات و تغییراتی مورد استفاده مجدد قرار گرفته است.

صخره‌ای که قلعه‌دختر بر آن قرار گرفته در حدود ۴۰۰ متر ارتفاع دارد و سطح فوقانی آن نیز وسعتی در حدود ۲۰ هکتار دارد. تنها راه دسترسی به سطح این صخره، تنگهٔ باریکی است که در سایه‌انداز شمالی صخره قرار دارد. در این تنگه و در دامنه صخره، استحکامات، دیوار و برج‌های مفصلی جهت محافظت از مدخل تنگه ساخته شده است. طول دیواره‌های محافظ مدخل تنگه نزدیک به نیم‌کیلومتر است و عرض پی سنگی آن از ۲ متر بیشتر است. این دیوار تا ارتفاع ۲ متری با سنگ بالا آمده و بر روی آن بدنه خشتی و گلی دیوار را ساخته‌اند. تمام طول دیوار را روزنه‌هایی نسبتاً بزرگی فراگرفته است(تصویر ش ۲۹۲).

در داخل محوطه بسیار وسیع و شیبدار بخش نخست قلعه آثار چند عمارت کوچک گلی دیده می‌شود. دروازه این محوطه رو به شمال باز می‌شود و خرابه‌های برج‌های محافظ دروازه هنوز پابرجاست. بعد از این محوطه مدخل تنگه قرار دارد که از آنجا می‌توان بقایای دیوارها و استحکامات اصلی قلعه را مشاهده کرد. دو برج مرتفع که ۲۰ متر از ارتفاع یکی از آنها باقی مانده، در طرفین مدخل تنگه جهت محافظت از این تنگه، ساخته شده‌اند. بعد از این قسمت تنگه تبدیل به شکافی با دیوارهای عمودی می‌شود. از همین‌جا ابتدای ساختمان راه‌پله‌ای عظیم و چندصد متری با شیب مناسب شروع می‌شود. عرض این پله‌ها که در سنگ کوه کنده شده‌اند به ۳ الی ۴ متر می‌رسد. بعد از چند دقیقه طی طریق راه به دو قسمت تقسیم می‌شود که یکی ادامه راه‌پله و دیگری پاطاقی است به عرض ۲ متر و طولی بیش از نیم کیلومتر. در اینجا بقایای برج‌های محافظ دیده می‌شود. اگر در پاطاق بین ۵۰ الی ۱۰۰ متر پیش برویم، بقایای برج و باروی عظیم واقع در سایه‌انداز شمالی صخره را خواهیم دید. راه‌پله چند دقیقه دیگر ادامه می‌یابد تا آنکه دیواره سنگی حجیمی آن را قطع می‌کند. این دیوار جدار یکی از دهها مخزن بزرگ آب قلعه است. در قلعه‌دختر جاده کرمان - زرند مخازن آب متعددی بنا شده که ظرفیت بعضی از آنها به چندصد هزار لیتر می‌رسد. با گذشتن از ارتفاع خاکی سمت راست دیوار مخزن می‌توان وارد قلعه شد.

آثار موجود در قلعه‌دختر با توجه به بقایای موجود عبارتند از:

۱) برج و بارو و استحکامات نظامی

۲) ابنیه مسکونی

۳) مخازن آب

محیط برج و باروی قلعه که به جهت شکل طبیعی صخره به‌صورت دایره است، بیش از ۳ کیلومتر می‌باشد. دیوارها و برج‌ها همه

از سنگ و ملات و با استادی بنا شده‌اند. در داخل محوطه بارو، بنای سنگی عظیمی باقی مانده که از نظر سطح و حجم دست‌کمی از نمای جنوبی عمارت موزه ملی ندارد و با دقت و ظرافت ساخته شده است. انحنای ملایم و متناسبی که به زوایای جرزها داده‌اند، به بنا حالتی مجسمه‌وار داده است. در مساحت چندصد هکتاری قلعه بقایای ده‌ها مجموعه ساختمانی وجود دارد که محور اصلی آنها تالاری است به طول ۳۶ و عرض ۱۰/۲۰ متر که در طرفین آن اتاق‌هایی به ابعاد معقول قرار گرفته است. راهروهای متناسب و مستقیم، جرزهای ظریف و باریک سنگی، حکایت از سلیقه و چیره‌دستی سازندگان و ساکنان قلعه می‌کند. سقف بناها بدون استثناء فرو ریخته و از چگونگی آنها اطلاعی در دست نیست، امّا تالار چندصد متری مذکور به‌نظر می‌رسد به صورت شبستان ستوندار بنا شده باشد. در ضلع جنوبی همین ساختمان، بقایای پلکانی باقی مانده که به کوشک زیبا و کوچکی منتهی می‌شود. این کوشک نه تنها استحکامات مخصوص خود را دارد بلکه مخزن آب اختصاصی نیز در جوار آن بنا شده است.

مصالح مورد استفاده در بناها سنگ لاشه وملات گچ و آهک است امّا در مواردی از قطعات سنگ به صورت خشکه‌چین نیز استفاده شده است که از نظر ظرافت دست‌کمی از دیوارهای ملات‌دار ندارد.

در قلعه‌جاده کرمان ـ زرند حدود ۱۱ آب‌انبار یا حوضچه ذخیره آب ساخته شده است که تعدادی از آنها در مقایسه با آب‌انبارهای قلاع دیگر، از ابعاد بسیار وسیعی برخوردارند. یکی از این مخازن ۳۰ متر عمق و بیش از ۲۵ متر پهنا دارد و به صورت سد یا بندی بر لبه پرتگاه ساخته شده و آب‌های جاری پشت دیواره آن جمع می‌شده است. دیوار یکی از مخازن با آجر ساخته شده و هشت ستون عظیم با مقطعی به ابعاد چهار متر مربع، پوشش آن را نگهداری می‌کرده است. در ساخت این دیوار آجری نهایت دقت و مهارت بکار رفته و با افزایش ارتفاع، در سه نقطه از ضخامت آن کاسته شده است. بیشتر مخازن آب این قلعه مسقف بودند و این به منظور جلوگیری از تبخیر سریع و آلودگی آب داخل آنها بوده است.

منبع: صنعتی. ۱۳۶۱، ص ۶۸۱-۸۵

قلعه دختر کرمان

بقایای این قلعه در حاشیه شرقی کرمان و برفراز ارتفاعات مابین زریف و کوه مسجد صاحب‌الزمان(عج) واقع شده است. بنای اولیه قلعه احتمال می‌رود از ساخته‌های دوره هخامنشی باشد که در دوره‌های بعد بازسازی و مورد استفاده مجدد قرار گرفته است. در دوره ساسانی بر بالای تپه سنگی مرتفع‌تری در شرق قلعه دختر، قلعه دیگری ساخته می‌شود که بعدها به «قلعه اردشیر» معروف می‌شود. در متون تاریخی از قلعه‌دختر با نام «قلعه کهنه» و از قلعه اردشیر با نام «قلعه کوه» یاد شده است. بعد از دوره ساسانی و در دوره اسلامی ظاهراً اولین‌بار قلعه دختر توسط ابوعلی محمدبن الیاس(از سرهنگان رانده شده دولت سامانی)، در سال ۳۲۲ هجری بازسازی و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در زمان سلجوقی نیز قلعه دختر پناهگاه کرمانیان بوده است. افضل کرمانی در «بدایع‌الزمان» می‌نویسد: «... سلطان ملکشاه عزم کرمان فرمود و سلطان سوگند خورده بود که شهر کرمان را خراب کند، تصدیق سوگند سلطان را یک برج از قلعه کهنه که آن را برج فیروزه می‌خوانند و این ساعت هنوز خرابست، خراب کردند و سلطان باز گردید».

یک خرابی دیگر در اوایل قرن ۷ هجری در این قلعه رخ داده است: «ملک‌معظم قوام‌الدین(زوزنی)، از حکام غز، با نصرت‌الدین کبودجامه در ماه آبان سنه ۶۰۵ به کرمان رسیده و در صحرا مقام فرمود سپس عزم گرمسیر کرد و فرمود که قلعه کوه که آنرا قلعه کبیره گفتندی که بیردسیر بود از بناء بوعلی محمدبن الیاس، خراب کرده و چاهی عجیب که بر سنگ خاره فرو برده بودند، بزعم مردم چهارصد گز بر سنگ فرو شده بود(و من افضل ظاهر آن دیدم قریب هشت گز در هشت گز طول و عرض سر چاه بود و بر چهار قسمت کرده بودند و چهار چرخ برنهاده) چاهی بدین عظمت و بلعجبی انباشتند و باطل کردند». در دوره قراختائیان نیز از قلعه کرمان نامی برده شده است. از زمان صفویه به بعد از این قلعه کمتر استفاده شده و بیشتر قلاع داخل شهر مورد استفاده قرار گرفتند.

استحکامات نظامی قلعه دختر کرمان و کوه مجاور آن به دو قسمت مستقل تقسیم می‌شود: قسمتی که بر فراز قلّه نسبتاً مرتفع جنوب‌شرقی قرار گرفته و سابقاً «قلعه کوه» نامیده می‌شد(و امروزه به قلعه اردشیر معروف شده) و قسمت دوم که بر روی تپه کم‌ارتفاع‌تری قرار دارد و به «قلعه‌دختر» معروف است.

دیوارهای قلعه اردشیر با خشت‌های بسیار ضخیم ساخته شده است. این قلعه از طریق راهرویی به قلعه دختر متصل می‌شده است. در حد فاصل این دو قلعه نیز بقایای واحدهای ساختمانی مختلفی دیده می‌شود. متأسفانه از سالیان گذشته اهالی محل خاک و خشت این بناها را جهت تقویت مزارع انتقال داده و بدین ترتیب صدمات جبران‌ناپذیری به بناها وارد نموده‌اند. در رشته جنوبی کوه قلعه اردشیر، صخره‌ای نسبتاً بلند دیده می‌شود که از اواسط آن صخره پلکانی برای رسیدن به سطح صخره تراشیده‌اند. تعداد این پله‌ها به ۱۳۴ عدد می‌رسد. پلکان مذکور به‌نظر نمی‌رسد زیاد قدیمی باشد. درگذشته و در سطح محوطه قطعات کاشی وجود داشته که در اصل قسمتی از نمای ساختمان‌ها را تزئین می‌کرده‌اند.

بقایای قلعه دختر و قلعه اردشیر کرمان به‌شماره ۵۲۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: باستانی پاریزی. ۳۵-۱۳۳۴، صص ۲۵-۹؛ باستانی پاریزی. ۱۳۳۸، صص ۱۱۷-۱۱۳؛ باستانی پاریزی. ۱۳۶۳، صص ۶۴-۱۵۶؛ باستانی پاریزی. ۱۳۶۶، صص ۲۰۶-۱۹۵؛ شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور؛ نوربخش. ۱۳۵۵، ص ۲۸

قلعه دستگرد (شهداد)

بقایای این قلعه در منطقه باستانی خبیص شهداد و شمال‌شرقی آثار دوره سلجوقی آن واقع شده و ظاهراً از ساخته‌های سده‌های نخستین اسلامی تا دوره سلجوقی است(نقشه ش ۲۹۳).

بنای اصلی قلعه دستگرد با خشت‌هایی به ابعاد ۱۱×۳۵×۳۵ سانتیمتر ساخته شده است. براساس آثار موجود بنای قلعه متشکل از یک دالان عریض مرکزی است که در طرفین آن اتاق‌های مستطیل شکل قرار گرفته‌اند. قلعه مزبور در اصل دو طبقه بوده است. پس از خراب‌شدن قسمتی از طبقه همکف و دیوار شرقی، مقداری از اتاق‌های طبقه اول باقیمانده است. قطر دیوارها زیاد و در بعضی قسمت‌ها بیش از ۲ متر است. با مطالعه نقشه باقیمانده این قلعه معلوم می‌شود که در زمان آبادانی وسعت زیادی داشته است. ویرانی اصلی این قلعه ظاهراً در جریان سیل بزرگی روی داده است. این سیل سبب ویرانی کامل بخش‌های زیادی از قلعه به استثناء قسمتی از بنای مرکزی و شرقی شده است.

وجود خشت‌های بزرگ در این قلعه بنای آن را قدیمی‌تر از مسجد و دروازه سلجوقی خبیص نشان می‌دهد. با توجه به تداوم شیوه معماری ساسانی در طی سده‌های نخستین اسلامی می‌توان گفت که قلعه دستگرد در این زمان و به شیوه ساسانی ساخته شده است.

منبع: قلعه دستگرد. ۱۳۵۳، ص ۱۲۶

قلعه سنگ سیرجان

بقایای این بنا بر روی تپه‌ای صخره‌ای در شهر قدیم سیرجان و ۱۲ کیلومتری جنوب‌شرقی سیرجان کنونی واقع شده و ظاهراً بنای اولیه آن مربوط به دوره پیش از اسلام بوده که در دوره اسلامی و به‌ویژه دوره آل مظفر (قرن هشتم هجری) بنای قلعه با طرحی جدید بازسازی و مورد استفاده قرار می‌گیرد. بقایای موجود و نیز عمده اهمیت بنا مربوط به دوره آل‌مظفر و پادشاهی احمد عمادالدین، از پادشاهان این دوره می‌باشد.

قلعه‌سنگ سیرجان در متون تاریخی دوره‌های مختلف، به‌نام‌های «قلعه‌برکوه»، «قلعه بیضا» و «قلعه سیرجان» و غیره خوانده شده است. این قلعه در اصل ارگ حکومتی یا کهندژ شهر قدیم سیرجان بوده و بناهای شهر در پیرامون آن شکل گرفته بودند. حیات و اهمیت این قلعه با برافتادن آل‌مظفر به‌دست امیرتیمور گورکانی به پایان رسید.

قلعه سنگ سیرجان در وسط دشت مسطحی، بر روی یک تپه صخره‌ای از سنگ آهک سفید که بلندترین نقطه آن از سطح زمین‌های اطراف حدود ۱۰۰ متر ارتفاع دارد، ساخته شده است(نقشه ش ۲۹۱). نقشه و طرح این قلعه متناسب با صخره سنگی مذکور شکل گرفته و طرحی تقریباً بیضی شکل دارد. ابعاد این قلعه با احتساب دیوارهای پیرامون به ۲۰۰×۴۰۰ متر می‌رسد. صخره مزبور به جهت قرار گرفتن در میانه دشتی مسطح، اشراف کامل بر مناطق پیرامون دارد و از این نظر موقعیت بسیار مناسبی را برای ساخت قلعه و مقر حکومتی و دفاع از آن، فراهم ساخته است.

محوطه قلعه سنگ از سه واحد مختلف تشکیل شده که عبارتند از: صخره سنگی میانی و دو حصار و خندق پیرامون آن. فاصله حصار اول و دوم، در بیشترین مقدار آن حدود ۲۰۰ متر است. عمده واحدهای مسکونی و عمومی قلعه در فاصله این دو حصار و تماماً با خشت ساخته شده و امروزه از آنها تنها بقایای اندکی برجای مانده است. حصارهای قلعه با برج‌های دفاعی تقویت شده است. ضخامت حصار حدود ۳ متر است و با خشت‌هایی به ابعاد ۵×۲۵×۲۵ سانتیمتر ساخته شده است. تعداد ۳۴ برج در اطراف این حصار برپا شده که فاصله هر برج از برج دیگر به ۶۰ متر می‌رسد. برج‌ها دایره‌ای شکل بوده و قطری درحدود ۶ متر دارند و از سطح خارجی دیوار هر یک به اندازه ۵ متر بیرون آمده‌اند. ورودی این برج‌ها در قسمت داخلی حصار قرار دارد. تعدادی از این برج‌ها دریچه‌ای به شکل درگاهی کوچک، با طاق جناغی به ابعاد ۵۰×۶۰ سانتیمتر دارند. دیواره حصار نیز دارای بریدگی‌های تزیینی است. حصار اول در دو قسمت شرقی و غربی خود به صخره متصل می‌شود و راه عبور و مرور از طریق دو دروازه بوده که نگهبانان مستقر در اتاقک‌های مشرف به دروازه بر رفت و آمد نظارت داشتند.

در فاصله ۲ کیلومتری قلعه، آثار دو خندق کم‌عرض به صورت دو کانال وجود داشته که به احتمال زیاد حد حومه را در زمان آبادانی مشخص می‌کرده است. در فاصله بین این دو خندق و بنای اصلی قلعه، کم و بیش برجستگی‌های مربوط به ویرانه‌های کهن وجود داشته که امروزه به زمین‌های کشاورزی تبدیل شده‌اند.

صخره میانی قلعه با انجام تغییراتی از جمله تراش قسمت‌هایی از آن و صفه‌سازی، برای ساخت بناهای ارگ مورد استفاده قرار گرفته است. در ساختمان‌های بخش مرکزی قلعه از آجر و ملات گچ نیز استفاده شده است. آجرهای بکار برده شده در اینجا به ابعاد مختلف هستند که گویای وجود دوره‌های مختلف تعمیراتی در بنا می‌باشد. با توجه به ویرانی گسترده واحدهای بالای صخره، از نقشه و جزئیات معماری واحدهای مختلف اطلاعاتی در دست نیست با این حال می‌توان گفت که مقر حاکم و واحدهای اداری و خدماتی مربوط به آن

در این قسمت قرار داشته‌اند. صخره سنگی با مسدود کردن شکاف‌های موجود، توسط دیوارهای مستحکم، خود به قلعه‌ای تبدیل شده که دسترسی به بالای آن براحتی ممکن نبوده است. در دیوارسازی مورد بحث از آجرهای نازک دوره آل‌بویه و آجرهای معمول دوره سلجوقی استفاده شده است.

در جبهه غربی صخره آثار بناهای مخروبه زیادی به چشم می‌خورد که اغلب با آجر و ملات گل ساخته شده‌اند. ارتفاع دیوارهای به‌جای مانده حداکثر ۶ متر و طول آنها به ۱۰ متر می‌رسد. متأسفانه به علت استفاده اهالی از مصالح ساختمانی این قلعه، بناهای موجود به‌طور گسترده‌ای تخریب شده‌اند. پی تعدادی از بناها با سنگ‌های سیاه و ورقه‌ای شکل و در شکاف‌ها و بریدگی‌هایی که به همین منظور در سطح صخره ایجاد شده، ساخته شده‌اند. بالای صخره سنگی بقایای ایوان مانند وسیعی وجود دارد که مردم محل آنرا «شاه‌نشین» می‌نامند. داخل این ایوان کتیبه‌ای بوده که تقریباً محو شده با این حال می‌توان نام «محمدشاه» را بر آن خواند. پایین شاه‌نشین نیز دو فضای غار مانند وجود دارد که به اندرون معروف است.

در جبهه‌جنوبی صخره، مکان دره‌مانندی وجود دارد که بنا به مقتضیات طبیعی اکثر آب‌های جاری حاصل از بارندگی از آن محل جریان می‌یابد. سازندگان قلعه در تنگ‌ترین قسمت دره، دیواری با آجر و ملات ساروج ساخته‌اند تا آب‌های جاری را جمع‌آوری کرده و به مصرف قلعه‌نشینان برسانند. طول این دیوار ۱۱ متر و پهنای آن ۸۰ سانتیمتر است و برای استحکام آن از خارج جرزهای پشتیبان بدان الحاق نموده‌اند. در ساخت این دیواره از آجرهایی به ابعاد ۵×۲۳×۲۳ سانتیمتر استفاده کرده‌اند. در قلعه‌سنگ علاوه بر این حوضچه یا بند، قناتی نیز وجود دارد که به قنات «منصورآباد» معروف است و آثار آن در قسمت جنوب قلعه مشهود می‌باشد. یک حلقه چاه از این قنات در نوک قلعه موجود است.

در شرق آب‌انبار یا حوضچه یاد شده، کتیبه محو شده‌ای وجود دارد که در اصل به خط ثلث نگارش یافته بود و حکایت از ساخت حمامی توسط امیراعظم حسین‌بن‌علی می‌کرده است. سرپرسی سایکس که در دوره قاجار از این محل بازدید کرده تاریخ کتیبه را ۴۱۰ تا ۴۲۰ هجری دانسته است. خرابه‌های این حمام که داخل یکی از غارهای صخره است، هنوز دیده می‌شود.

یکی از آثار قابل‌توجه قلعه سنگ سیرجان، منبری سنگی و پلکانی شکل است که بر یک طرف آن کتیبه‌ای حجاری شده است. این منبر در قسمت شمالی قلعه و ۵ متری حصار داخلی و احتمالاً در مکانی که در گذشته مسجد بوده قرار گرفته است. ارتفاع این منبر که دارای ۸ پله است، ۲ متر می‌باشد. متن کتیبه منبر در پنج سطر و به خط ثلث نگاشته شده و در آن نام عمادالدین احمد(سلطان‌آل‌مظفر) و تاریخ ۷۸۹ هجری خوانده می‌شود. روبروی این منبر و به فاصله ۴ متری آن پایه ستون سنگی و مکعب شکلی وجود دارد که احتمالاً مربوط به مسجدی بوده است. پرویز ورجاوند در مقاله خود احتمال داده منبر مذکور، در اصل آتشدانی بوده (از نوع دوره هخامنشی که در پاسارگاد برجای مانده) که بعدها از آن برای منبر استفاده کرده‌اند.

منابع: حاتمی. ۱۳۸۰

وثوقی رهبری. ۱۳۷۶، صص ۳۹-۱۳۴

ورجاوند. ۱۳۵۱، صص ۱۱۵-۱۰۱

ابوالقاسم حاتمی

قلعه هشتادان (شهداد)

بقایای این بنا که به «هشتاد طاق» نیز شهرت دارد، برفراز تپه بلندی مشرف به دشت هشتادان و در قسمت شرقی روستای هشتادان(۶۶ کیلومتری شهداد و ۱۵ کیلومتری گوگ) واقع شده است.

بنای قلعه هشتادان به‌طور کامل تخریب شده و از وضعیت طرح و نقشه آن اطلاعی در دست نیست اما در سطح زیرین و صخره‌ای قلعه، فضاهای متعددی در دل سنگ تراشیده‌اند که تا امروزه باقی مانده و تعدادی از آنها به‌عنوان انبار کاه مورد استفاده روستاییان قرار می‌گیرد. بر سطح تپه جزء انباشته‌های لاشه‌سنگ، چیزی دیگری به چشم نمی‌خورد.

منبع: قلعه هشتادان. ۱۳۵۲، ص ۴۹

قلعه‌های دارزین (بم)

بقایای این قلعه‌ها در یک کیلومتری شرق روستای دارزین، از توابع شهرستان بم، قرار گرفته‌اند که در این مقاله از غرب به شرق با شماره‌های ۱ تا ۳ نامگذاری شده‌اند. این بناها با توجه به شیوه و بعضی از عناصر معماری، به سده‌های نخستین اسلامی مربوط می‌شوند(طرح و نقشه ش ۹۵-۲۹۴).

قلعه‌های دارزین نه تنها در نقشه بلکه در جزئیات معماری نیز مشابه یکدیگر و با قلعه چوغوکی شهداد کاملاً قابل‌مقایسه‌اند. قلاع دارزین با نقشه مربع و برج‌های مدوری در گوشه‌ها و سه برج در هر ضلع بنا(به غیر از ضلع ورودی) ساخته شده‌اند.

دروازه ورودی در هر سه قلعه نسبتاً کوچک و در وسط ضلع چهارم قرار دارد و به وسیله دو نیم برج مدور در طرفین احاطه شده است. بخش پایینی برج‌ها توپر بوده و در بخش فوقانی آنها نشانه‌هایی از وجود حجره به چشم می‌خورد. در قلعه ۱ و ۲ بعضی از دیوارهای داخلی در طبقه زیرین هنوز هم از سطح زمین بالاتر هستند و قلعه سوم زودتر از دو قلعه دیگر رو به خرابی گذاشته و تنها دیوار شمالی آن باقی مانده است. حصارها همگی بلند بوده(احتمالاً در اصل ۱۴ متر) و ۱/۵

متر در پایه ضخامت دارند. بناهای داخلی شامل حجره‌هایی با سردر طاقی شکل هستند و پیرامون حیاط مرکزی قرار گرفته‌اند.

طاق‌هایی که در طبقه اول قلعه ۱ و ۲ باقی مانده‌اند، قوس بیضوی دارند که معرف معماری دوره ساسانی یا اوایل دوره اسلامی است. استفاده از این نوع طاق‌ها در قلاع درازین نشانگر نمونه‌های اولیه این سبک از معماری است. انواع دیگر طاق در این قلعه شناسائی شده که به نظر می‌رسد مربوط به دوره‌های تعمیراتی بنا باشند. مصالح مورد استفاده در این طاق‌ها متفاوت از بخش‌های دیگر بوده و شامل آجرهایی به ابعاد کوچک‌تر و ملات نرم می‌باشد.

وجود شکاف‌های پیکانی‌شکل در باروی قلاع دارزین از دیگر آثار قابل‌توجه است. قسمت پایین این شکاف‌ها دارای روزنه‌ای برای دیده‌بانی است در حالی که بخشی مثلثی آن مسدود می‌باشد. نمونه چنین اشکالی در سده‌های نخستین اسلامی و در بین‌النهرین و سوریه رواج داشته است.

عمده مصالح به کار رفته در قلاع درازین خشت‌هایی به ابعاد ۲۷×۲۷×۷ سانتیمتر است که مشابه انواع دوره ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی می‌باشند. وجود این خشت‌ها دلیل دیگری بر تاریخگذاری قلاع است. علاوه بر این جنس خشت‌های قلاع درازین مخلوطی از کاه و گل است که چندان در معماری اسلامی ایران متداول نیست. قطعاتی از آجرهای قرمز به اندازه‌های معمول دوره اسلامی در قلاع درازین و به ویژه قلعه ۲ به‌دست آمده است که احتمال می‌رود برای نمای ساختمان و آجر فرش بنا بکار می‌رفته و یا اینکه مربوط به یکی از دوره‌های تعمیراتی بنا بوده است.

باتوجه به خرابی بسیار قلاع درازین ارائه نقشه دقیقی از آنها مقدور نیست با این حال با مقایسه شباهت‌های آنها با بناهای دوره بنی‌امیه و عباسی در سوریه و بین‌النهرین، نقشه و طرحی فرضی از آنها ارائه شده که نمی‌تواند بی‌اشکال باشد(نقشه و طرح ش ۲۹۵).

درازین براساس متون تاریخی تا قرن دهم چهارم هجری شهری نسبتاً مهم بوده است. بقایای قلاع درازین حاکی از شباهت زیاد آنها با بناهای دوره بنی‌امیه و عباسی، در قرن دوم هجری است. طاق‌های بیضوی و استفاده از خشت‌های بزرگ دلیل دیگری بر سبک و معماری قدیمی آنهاست. علاوه بر این دروازه ورودی کوچک با برج‌های نیم‌دایره در طرفین از دیگر ویژگی‌هایی است که تاریخگذاری مذکور را تایید می‌کند. ساخت دروازه ورودی به این شکل در عصر ساسانی و اوایل اسلام رایج بوده است. اما در اواخر قرن دوم هجری نمونه‌های متفاوتی متداول می‌گردد. همچنین وجود شکاف‌ها یا فرورفتگی‌های پیکانی‌شکل که به صورت نیزه‌های عمودی در اینجا نشان داده شده‌اند، در کوچک‌ترین جزئیات دقیقاً با نمونه‌های دیگری از سوریه و بین‌النهرین، متعلق به قرن دوم هجری، مطابقت دارد.

منبع: شکوهی، ۱۳۷۵، صص ۶۹-۶۴

کرمانشاه

قلعه‌ساری اصلان (کنگاور)

این بنا که امروزه به‌طور کامل از میان رفته، سابق بر این در محله شراباد شهرستان کنگاور واقع بوده و از قلاع بزرگ و معتبر منطقه محسوب می‌شده و در اصل به‌عنوان منزل مسکونی مورد استفاده حکمرانان محلی قرار داشته است. در کتاب «کرمانشاهان ـ کردستان» توصیفی از بنای این قلعه بعمل آمده است.

منبع: گلزاری. ۱۳۵۷، ص ۱۶۷

قلعه سرماج

بقایای این قلعه در روستای سرماج، از توابع بخش هرسین واقع شده و بنای اولیه آن منسوب به دوره ساسانی است که به‌نظر می‌رسد با بازسازی و تعمیراتی در سده‌های نخستین اسلامی مورد استفاده مجدد قرار گرفته است.

امروزه بخشی از شالوده دیواره این قلعه که در نما با سنگ‌های مکعب شکل ساخته شده، در زیر منازل مسکونی روستا باقی مانده است(تصویر ش۲۹۷).

منابع: کرمانشاهان باستان. ۱۳، ص ۷۲

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان کرمانشاه

قلعه سید دوکان (سرپل ذهاب)

بقایای این بنا در جنوب‌شرقی شهرستان سرپل ذهاب واقع شده و ظاهراً بنای اولیه آن به دوره ساسانی و یا سده‌های نخستین اسلامی بازمی‌گردد(طرح و نقشه ش ۹۹-۲۹۸).

قلعه سید دوکان با نقشه مربع شکل به ابعاد ۱۵۲×۱۵۱ متر ساخته شده و شباهت زیادی به نقشه کاروانسراها دارد و متشکل از برج و بارو، صحن وسیعی در میانه و اتاق‌هایی در پیرامون این صحن است.

منبع: کلایس. ۱۳۶۶، ص ۱۰۹

قلعه کهنه (کرمانشاه)

این بنا که امروزه به‌طور کامل از میان رفته و جای خود را به شهرک مسکونی داده است، سابق بر این در مجاورت شهر کرمانشاه قرار داشته و از آثار دوره افشاریه و یا قاجاریه به شمار می‌رفته است. تصویر این قلعه در عکس هوایی که اریک اشمیت حدود ۸۰ سال قبل تهیه کرده، دیده می‌شود. همچنین از این قلعه نقشه‌ای نیز تهیه شده است(عکس و نقشه ش ۱-۳۰۰).

با توجه به عکس و نقشه مذکور، قلعه کهنه کرمانشاه با طرح ویژه و احتمالاً به تقلید از نقشه قلاع اروپائی ساخته شده است. نقشه حصار این قلعه را می‌توان با نقشه حصار قدیم شهر خوی(نقشه ش ۵۱) مقایسه کرد.

منبع: کلایس. ۱۳۶۶، ص ۱۱۱

Schnidt.1940

کهکیلویه و بویراحمد

قلعه توس (حمسنی)

این بنا بر فراز کوهی به همین نام، در شمال قریه قاید و شمال‌شرقی قلعه «مورد» و منطقه پشتکوه رستم حمسنی واقع شده و از قلاع مهم و معتبر منطقه است.

مؤلف فارسنامهٔ ناصری درخصوص این قلعه آورده: «قلعه توس شمال قریه مال قاید، از ناحیه رستم حمسنی و... معتمدالدوله در کتاب جام‌جم مرقوم فرموده که قلعه توس بالای کوهی که از جانب آن رودخانه فریاب (پیریاو) جاری است و یک جانب او اتصال به کوه دارد و در دامنه کوه نزدیک به صدگام است که از میان قلعه تا سر آن چشمه نقبی کنده‌اند که قاطر در او به آسانی از نقب عبور می‌کند و بالای چشمه برجی ساخته‌اند که قلعه‌گیان در مقام ضرورت از آن نقب بر سر چشمه آمده آب بردارند».

قلعه توس در دوره قاجاریه مدتی پناهگاه یاغیان و متمردین محلی می‌شود؛ از جمله خانعلی‌خان رستم که در زمان محمدشاه قاجار یاغی شده و در این قلعه پناه می‌گیرد و اقدام به مرمت و بازسازی آن می‌کند.

راه رسیدن به قلعه مسیر سنگفرش فرو ریخته‌ای است که از دامنه کوه کنده شده و تا قلّه آن ادامه دارد. چشمه آبی نیز در محل قلعه وجود دارد که از قسمتی از کوه نقبی زده شده تا در هنگام ضرورت، از راه نقب آب قلعه‌نشینان را تأمین کنند. چنین ترفندی در تعداد دیگری از قلاع تاریخی ایران از جمله در قلعه لمبسر قزوین(از قلاع معروف اسماعیلیه) استفاده شده است.

منبع: مجیدی،؟، صص ۳۵-۱۳۴

قلعه تیرمردان (حمسنی)

بقایای این بنا در میان قراء کلاه‌سیاه و کائیدان دشمن زیاری (تیرمردان قدیم) و در محلی به نام «چرخاب» و «لهَبید» قرار گرفته و از قلعه‌های مهم منطقه تیرمردان به شمار می‌رفته است.

قلعه تیرمردان بر روی تپه‌ای بنا شده و بر پیرامون خود اشراف کامل دارد، بنای قلعه از سنگ و ملات ساروج و گچ ساخته شده است. در زیر قلعه نقبی زده شده تا در هنگام محاصره، نیازمندی‌های قلعه‌نشینان از آن طریق تأمین شود.

منبع: مجیدی،؟، صص ۳۶-۱۳۵

قلعه جص / گچ (دهدشت)

بقایای این بنا در میان کوه‌های گچی بخش شمال خاوری کوه تنگ تکاب(خائیز) و حدود ۳۰کیلومتری جنوب‌غربی شهرستان دهدشت و در مجاورت آتشکده‌های سه‌گنبدان ایل طیبی واقع شده است. بنای اولیه قلعه از آثار دوره ساسانی است و بنا به روایت جغرافی‌نویسان و مورخان سده‌های نخستین اسلامی، در اوایل دوره اسلامی قلعه همچنان مورد استفاده زرتشتیان ساکن منطقه قرار داشته است.

بقایای این قلعه که با سنگ و گچ ساخته شده به همراه آب‌انباری از سنگ و ساروج، بر بالای کوه مذکور(که دسترسی بر بالای آن بسیار دشوار است) مشهود است.

منبع: مجیدی.؟، ص ۸۵-۱۸۴

قلعه چلادگان / چلو (حمسنی)

بقایای این بنا که در گویش محلی بدان قلعه چلو می‌گویند، در محلی بین رودخانه زهره و دریاچه برم‌شور، در منطقه بابامنیر و شاه‌تسلیم باباکلان(از بخش ماهور میلاتی) واقع شده و از قلاع مهم منطقه در طول دوره اسلامی بوده است. نام این قلعه در متون تاریخی به صورت‌های «جلادجان»، «خلاوخان» و «خلاوهان» ضبط شده که درست آن بایستی چلادگان پارسی بوده باشد.

پرفسور هاینس گوبه در خصوص این قلعه می‌نویسد: «... ابن‌اثیر در جای دیگر آن را به ارجان متعلق می‌داند که در سال ۱۱۰۱ میلادی (۴۹۴ هـ‌ق) در دست اسماعیلیه بوده است. این قلعه می‌بایستی در حدود صد سال(قبل از تسلط اسماعیلیه) مرکز سارقین بوده باشد تا اینکه عضدالدوله دیلمی(۳۳۸ هـ‌ق) آن را تسخیر کرده و اهالی آن را به قتل رسانید. این قلعه مابین فارس و خوزستان قرار داشت. در تاریخ ابن‌خلدون هم قلعه‌ای تقریباً به همین نام دیده می‌شود».

قلعه چلادگان امروزه به صورت ویرانه‌ای از سنگ و گچ درآمده که در کنار آنها بقایای چند آب‌انبار دیده می‌شود.

حبیبی فهلیانی در کتاب «حمسنی در گذرگاه تاریخ» از قلعه چرو واقع بر فراز کوهی به همین نام در ۱۵ کیلومتری غرب دریاچه برم‌شور نام برده که به نظر می‌رسد قلعه چلادگان مدنظر بوده است. نامبرده در توصیف این قلعه می‌نویسد: «... این کوه به کوه‌های اطراف خود متصل نیست و دور تا دور آن دیوار مانند و پرتگاه است و تنها یک راه باریک و پرخطر... دارد. بالای کوه سطح وسیعی به مساحت تقریبی ۶۰۰۰۰ متر مربع است که در آن آثار متعددی از قبیل ساختمان‌های سنگ و ساروجی، آب‌انبارها، چاه‌های عمیق که بیش از ۵۰ متر در دل صخره کنده شده است و بارو و برجهای دیده‌بانی دیده می‌شود. سقف اتاق‌ها عموماً طاقی است. به احتمال بسیار از قلاع اسماعیلیه در قرن ۵ بوده است».

منابع: حبیبی فهلیانی. ۱۳۷۱، ص ۴۱۸

مجیدی.؟، ص ۱۳۱

قلعه خنک (گچساران)

بقایای این بنا بر فراز ارتفاعات مجاور شهرک قدیم ملغان، واقع در تنگ «ملو» و حدود ۵ کیلومتری شمال‌شرقی شهرستان گچساران قرار

گرفته و از آثار دوره اسلامی است. این قلعه پس از متروک و ویران شدن ملغان دیگر مورد استفاده نبوده است. از قلعه خنگ امروزه آثار ویرانه بناها و چند آب‌انبار باقی مانده است.

منبع: مجیدی.؟، صص ۸۸-۱۷۸

قلعه دزکوه (دهدشت)

بقایای این بنا در ۱۵ کیلومتری جنوب‌غربی شهرستان دهدشت واقع شده و از آثار دوره اسلامی است که تا دوره صفویه مورد استفاده بوده و در این دوره به‌دستور حاکمان صفوی برج و باروی آن را خراب کرده‌اند.

قلعه دزکوه بنای مستحکم و مهمی بوده و ظاهراً در قرن ۵ و ۶ هجری مورد استفاده پیروان اسماعیلیه قرار داشته است. ویرانه‌های دزکوه تا سال ۱۳۲۷ شمسی کم و بیش وجود داشت که تمامی از سنگ و گچ بودند. بعد از این تاریخ مصالح قلعه توسط روستائیان برای ساخت بناهای جدید مورد استفاده قرار گرفت. اکنون در دزکوه تنها آثار چند بنا در جوار امامزاده ناصر عبدان باقی مانده است.

منبع: مجیدی.؟، ص ۱۹۱ .

قلعه رئیسی (کهکیلویه)

قلعه رئیسی از بناهای دوره قاجار است که به شماره ۲۱۸۱ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه رودیان (ممسنی)

بقایای این قلعه در تنگ رودیان دشمن‌زیاری و به فاصله‌ای از روستای هرمجان قرار دارد و از آثار دوره زندیه به‌شمار می‌آید. روایت شده است که کریمخان‌زند، معمار سازنده ارگ کریمخانی شیراز را جهت ساختن این قلعه نزد رشیدخان دشمن‌زیاری که باجناق زکیخان برادرش بوده، می‌فرستد تا برابر نقشه ارگ کریمخانی این قلعه ساخته شود. قلعه رودیان در محل سرسبزی قرار گرفته و آب‌های رودخانه‌های شش‌پیر و اردکان در آنجا یکی می‌شوند.

منبع: مجیدی.؟، صص ۳۷-۱۳۶

قلعه سفید (نورآباد)

بقایای این قلعه بر فراز یک منطقه کوهستانی به مساحت تقریبی ۱۰×۷ کیلومتر، در ۱۵ کیلومتری شمال نورآباد و شمال‌شرقی شهر نوبندگان قدیم و در مجاورت روستای بهلو واقع شده است. بنای اولیه قلعه منسوب به دوره ساسانی است اما با بازسازی‌های مکرر تا اواسط دوره قاجار مورد استفاده بوده است. بنا به نوشته مرضیه عریان: «در اواخر ایام اموی «منصور بن جمهور»، والی فارس بدانجا(قلعه سپید) رفت و در آن اقامت گزید بدان سبب آن را قلعه منصور خواندند. پس از وی این قلعه ایامی چند متروک ماند و ویران گردید تا آنکه محمدبن واصل حنظلی حکومت فارس یافت و آن را از نوع ساخت. پس از استیلای یعقوب لیث(۲۶۵-۲۵۳ هـ‌ق) بر فارس وی از عهده فتح این قلعه برنیامد و عاقبت به فرمان «محمدبن‌واصل» قلعه و اهالی آن تسلیم یعقوب گردیدند. یعقوب فرمان داد قلعه را ویران کنند ولی پس از چندی نیازمند آن گردید و قلعه را با بازسازی و به زندان مبدل کرد و گویا از آن پس پیوسته به‌عنوان محبس به‌کار رفته و حکام فارس دشمنان خود را در آن زندانی می‌کردند».

غالب جغرافی‌نویسان و مورخان اسلامی از جمله ابوحوقل، مقدسی، اصطخری و ابن‌بلخی از این قلعه یاد کرده‌اند. ابن‌بلخی مورخ قرن پنجم هجری درخصوص این دژ می‌نویسد: «قلّه اسپید دژ قدیمی بوده امّا از سالهای دراز باز خراب شده بود، چنانکه کسی نشان نتواند داد که به چه تاریخی آبادان بودست و ابونصر تیرمردانی پدر باجول در روزگار فترور آن را عمارت کرد و این قلعه‌ای است که گرد بر گرد کوه آن بیست فرسنگ باشد و حصار نتوان دادن و جنگ خود نیست و کوهی است گرد و سنگ آن سپید و بر سر قلعه خاکی است نرم و سرخ و کشت کنند و باغ‌های انگور و بادام و دیگر میوه‌ها است و چشمه‌های آب خوش است و در آن گِل هرکجا چاهی فرو برند آب دهد...». با توجه به نوشته ابن‌بلخی معلوم می‌شود که بنای قلعه سفید در دوره اسلامی، به جای بنای قدیمی‌تری که به‌طور کامل ویران شده بود، ساخته شده است. در «تاریخ وصاف» ضمن وقایع دوره ایلخانی آمده که به هنگام تسلط مغولان فرمانی صادر شد تا تمام قلاع و استحکامات منطقه شیراز ویران شود لیکن قلعه سپید به جهت استحکام از این فرمان معاف شد. بر طبق توصیف «تاریخ وصاف»، قلعه سفید راه باریکی داشته که تنها یک سوار می‌توانسته از آن بالا رود. بر بالای کوه حدود ۴۴۴۰ ساقه درخت انجیر و بر سطح قلعه چشمه گوارایی وجود داشته است. در آن تاریخ قلعه در دست اتابک ابوبکر(سعدبن زنگی) بوده و او کوتوالی معتمد در آنجا گماشته بود، بعدها نیز قلعه در اختیار شاه‌منصور قرار گرفت. قلعه سفید در سال ۷۵۹ هجری توسط تیمور گورکانی ویران و درختان میوه آن نابود شدند. علی‌رغم این ویرانی مدارک و شواهد نشان می‌دهد که قلعه سپید با تعمیرات و بازسازی تا اواسط دوره قاجاریه، توسط امراء و یاغیان محلی مورد استفاده قرار گرفته است. به ادعای آگاهان محلی بخش‌هایی از بنا در زمان یاغیگری‌های امراء محلی از جمله ولی‌خان بکش، و در سال ۱۲۵۲ هـ ق بازسازی شده است. شیوه معماری بخش‌های جدیدتر بنا چنین ادعایی را تأیید می‌کند.

راه رسیدن به قلعه سپید از چهار مسیر به نام‌های «دروازه

شترخسب»، «گلستان»، «کلاه زری» و «سیاه شیر» امکان داشته است. این اسامی از دوران اتابکان فارس به بعد متداول بوده است. از این دروازه‌ها و از طریق مسیرهای شیبداری که در نقاط مختلف توسط دیوارها و استحکامات نظامی حراست و کنترل می‌شدند، به بالای کوه قلعه سفید می‌رفتند. بخش وسیعی از سطح کوه در حال حاضر نیز با درختان گرمسیر و سردسیر پوشیده شده است.

در سطح قلعه بقایای دیوارها و بناهایی که با سنگ‌لاشه و ملات گچ ساخته شده‌اند، باقی مانده است. بقایای چند ساختمان و قبرستان؛ نیز در این قلعه وجود دارد که مربوط به دوره‌های متاخرتری می‌باشد. از جمله ساختمان زیارتگاهی جدید به نام «حاجی رستم» که احتمالاً از ساخته‌های دوره صفویه است. در قسمت جنوب‌شرقی کوه و مشرف به روستای بهلو، غار یا اشکفتی دیده می‌شود که به زندان مشهور است و راه رسیدن به آن کوره راهی است که در زیر آن پرتگاهی به عمق ۳۰۰ متر قرار دارد. این محل به نظر می‌رسد در زمان اتابکان فارس (۷۹۵-۵۴۳ هـ‌ق) محل نگهداری مغضوبان دربار بوده است. این غار طبیعی در حال حاضر وسعتی در حدود ۵×۱۰ متر دارد. در این قلعه سرچشمه آب فصلی و نیز بقایای یک آب‌انبار از سنگ و ساروج دیده می‌شود.

منابع: حبیبی فهلیانی. ۱۳۷۱، صص ۳۱-۴۲۹

عریان. ۱۳۷۴، صص ۳۰۸-۳۰۷

مجیدی.؟، صص ۳-۱۲۲

قلعه شاه‌منصور (کهکیلویه)

بقایای این بنا در تنگ لیرا و بهمئی سردسیر واقع شده و احتمال دارد از قلاع مهم عهد اتابکان لر بزرگ و قبل از آن بوده است. در منابع و متون تاریخی نامی از این قلعه برده نشده است. قلعه شاه‌منصور در منطقه کوهستانی و موقعیت نظامی قرار گرفته و راه صعود به آن مسیر باریک و سنگفرشی است.

منبع: مجیدی.؟، ص ۱۹۳

قلعه قلات / کلات (حمسنی)

این بنا بر فراز کوهی در حد فاصل روستای «دشت رزم» و «مورکی جاوید»(قهره علیا) واقع شده و در متون تاریخی تحت‌نام «استاک» و «اشناک» آمده است. بنای اولیه قلعه احتمال دارد مربوط به دوره قبل از اسلام باشد. ابن بلخی (قرن ۵ هـ‌ق) می‌نویسد که قلّه استاک زیر قلعه سفید واقع بوده و پیرامون آن نخجیرگاهی نیکوست. حمدالله مستوفی نیز از این قلعه تحت‌نام «اشناک» نام برده و نوشته که حصاری محکم داشته و اطرافش کوشک‌ها و نخجیرگاه‌ها و میدانی فراخ بوده است.

راه دستیابی به این دژ مستحکم نظامی، باریکه راهی است سنگفرش که از جهت غربی و از جانب قریه مورکی به قلعه راه می‌یافته است. این قلعه وسعت و محل مسطح چندانی نداشته و صرفاً یک بنای دفاعی بوده است. از این بنا امروزه تنها بقایای استحکامات ساخته شده از سنگ و گچ و آب‌انباری از سنگ و ساروج برجای مانده است.

منبع: مجیدی.؟، صص ۳۳-۱۳۲

قلعه کاکا (حمسنی)

بقایای این قلعه در محلی به نام «تنگ انایا آب تُپو»، واقع در ارتفاعات دره «تنگ خاس» و در جهت شمال خاوری روستای کلگه شیراز و تل‌انجیر ناحیه جاوید ماهوری قرار دارد.

قلعه کاکا بر فرازکوهی قرار دارد که اطراف آن را دره‌ها و پرتگاه‌های خطرناک و صعب‌العبور دربرگرفته است. راه دستیابی به محل قلعه از طریق باریکه راهی است که آن را دره یا شکاف عمیقی قطع می‌کند. از زیر این بخش که به سیاه‌جک معروف است، رودخانه فهلیان می‌گذرد. به‌نظر می‌رسد بر روی شکاف که حدود ۱/۵ متر عرض دارد، در زمان آبادانی قلعه، قطعه سنگ یا پلی چوبی قرار می‌داده‌اند.

وسعت محوطه قلعه حدود ۱۰۰×۱۰۰ متر است و بر این سطح بقایای استحکامات نظامی و واحدهای مسکونی ساخته شده از سنگ و گچ و ساروج و نیز پله‌های کنده شده در صخره، برجای مانده است.

منابع: حبیبی فهلیانی. ۱۳۷۱، ص ۴۶-۴۴۵

مجیدی.؟. ص۱۳۲

قلعه کاگنجی (کهکیلویه)

این بنا در محلی به نام رودخانه کوف(قلات) و در حدود ۱۲ کیلومتری جنوب‌غربی بخش کنده، از توابع کهکیلویه واقع شده و از قلاع دوره صفویه به شمار می‌آید. قلعه کاگنجی در دوره صفویه مرکز ایل کرائی بود و پس از غائله صفی‌میرزا(۱۱۴۵ هـ‌ق) و پناهنده شدن او به صاحب این قلعه(شخصی به نام قاید گنجی) و سپس قتل صفی‌میرزا که به دروغ خود را پسر شاه سلطان‌حسین صفوی معرفی کرده بود، ویران گردید.

منبع: مجیدی.؟، صص ۹۳-۱۹۲

قلعه لنده (کهکیلویه)

این بنا در لنده، از توابع کهکیلویه، واقع شده و ظاهراً از آثار دوره قاجاریه است. قلعه لنده دارای در بزرگ چوبی با قدمتی بیش از ۱۵۰ سال است. در ساختمان قلعه نهایت سلیقه معماری بکار رفته است.

قلعه مانجست / مانگشت (کهکیلویه)

این بنا در ۲ کیلومتری شمال‌غربی‌قریه واجل و سر درهٔ بهمئی

علاءالدین واقع است و در این زمان مرز مشترک ایلات جانکی و بهمئی کهکیلویه محسوب می‌شود.

قلعه مانجست یا منگشت / مانگشت مهم‌ترین قلعه عصر اتابکان لر بزرگ و حدود قرن ۷ هجری بوده است. در تاریخ گزیده در ارتباط با وقایع فتح بغداد توسط مغولان(۶۵۵ هـ ق) به پناهنده شدن اتابک «تکله» به این دژ اشاره شده است. در زمان حکومت محلی اتابک افراسیاب(۶۹۵-۶۸۸ هـ ق) و فرمانروائی ارغون‌خان مغول، اتابک افراسیاب مدتی را عاصی شده و در این دژ پناه می‌گیرد.

راولینسون که در دوره قاجار از منطقه بازدید کرده در سفرنامه خود در ارتباط با این دژ می‌نویسد: «... سطح کوه منگشت عاری از خاک و هرگونه رستنی است و قلّه‌های مرتفع آن پوشیده از برف است. دژ که پناهگاه سردار بختیاری(محمدتقی‌خان چهار لنگ) یعنی همان کسی که اکنون تمامی طوایف لر بزرگ را تحت فرماندهی دارد، متشکل از توده‌ای سنگی است که منفرد و مجزا در ضلع جنوبی دشت به طریقی نمایان است. راه بسوی دژ بسیار شیب‌دار است و قسمت بالائی دژ به ارتفاع چهل و پنج متر عمودی بریده شده است. تنها راه دسترسی به دژ کوه، راهی سنگلاخ است که تا فاصله پانزده متر مانده به آن ادامه می‌یابد، ولی از آن به بعد باید با دشواری بسیار بالا رفت. سطح دژ کاملاً مسطح و محیطش حدود هشتصد متر و دو چشمه دائمی دارد که به عقیدهٔ من اگر به خوبی از آن نگهبانی شود، دسترسی به آن محال به‌نظر می‌رسد، گرچه می‌توان از موانع گوناگون آن را مورد هدف قرار داد. قلعه گنجایش بیش از هزار نفر را دارد. دژ منگشت یا مانجشت در جنگ‌های ایران از اهمیت زیادی برخوردار بوده است».

این قلعه از سال ۱۲۴۹ هـ ق که محمدتقی‌خان بختیاری مدتی بر علیه دولت قاجار در آن موضع گرفت، دیگر مورد استفاده جنگی واقع نشد.

منبع: مجیدی.؟، ص ۱۹۱

قلعه مورد (موردستان)

بقایای این بنا بر فراز تپه‌ای در فاصله ۵۰۰ متری شمال‌شرقی روستای پیرپاو، از توابع دهستان رستم و مشرف به رودخانه گجستان واقع شده و ظاهراً از قلعه‌های مهم قبل و بعد از اسلام است. مؤلف فارسنامه ناصری محل این قلعه را در هشت فرسخ و نیمی شمال فهلیان دانسته است.

قلعه مورد در حال حاضر متروک و ویرانه است اما درگذشته برج و باروی مستحکم و یک راه مخفی داشته است. امروزه در اطراف این قلعه بناهای جدیدی ساخته شده است.

منبع: حبیبی فهلیانی. ۱۳۷۱، ص ۴۳۴

قلعه نادر (کت بهمئی)

بقایای این قلعه در ارتفاعات شهرک لیکک بهمئی گرمسیر و ۲ کیلومتری مرکز بخشداری کت بهمئی واقع است و ظاهراً همان قلعه «النظیر» متون تاریخی است که یکی از پایگاه‌های اسماعیلیه در منطقه بوده است. این قلعه تا اواخر دوره قاجار مورد استفاده بوده است. در سال ۱۳۰۳ شمسی و جریان غائله خوزستان، حسین‌خان رئیس ایل بهمئی گرمسیری که از همدستان شیخ خزعل و امیر مجاهد بختیاری بود، این قلعه را پناهگاه خود ساخته و به مقاومت در برابر دولت مرکزی پرداخت.

امروزه از بنای قلعه نادر تنها ویرانه‌هایی برجای مانده و سطح کوه با درختان گرمسیری پوشیده شده است. چشمه آبی نیز به نام «گازری» در آنجا وجود دارد.

منبع: مجیدی.؟، صص ۹۰-۱۸۸

قلعه نوکگ (حمسنی)

این بنا در مجاورت پاسگاه نیروی انتظامی روستای نوکگ، از ناحیه تنبوک موردستان واقع شده و از قلعه‌های قدیمی و تاریخی منطقه است که در دوره‌های مختلف تاریخی مکرراً بازسازی و مورد استفاده سران طوایف و روسای منطقه‌ای قرار گرفته است. در «فارسنامه ناصری» در ارتباط با این قلعه آمده است: «قلعه نوکگ حمسنی در قریه رستم حمسنی، پیوسته بر پارچه سنگ بزرگی، حصار و چندین برج ساخته‌اند و پناه اهل قریه نوکگ است».

منبع: مجیدی.؟، ص ۱۳۶

گلستان

قلعه‌گبری / گبری قلعه (گرگان)

بقایای این قلعه در ۱۵ کیلومتری شرق شهر جرجان قدیم واقع شده و شکل تقریباً مربع دارد. هر یک از اضلاع این قلعه در حدود ۶۵۰ متر است که مساحتی در حدود ۳۶ هکتار را دربرمی‌گیرد(تصویر ش ۳۰۶). دو دیوار داخلی و خارجی این قلعه را محصور می‌کند که ارتفاع دیوار خارجی آن ۵ متر و دیوار داخلی آن ۱۶/۵۰ متر است.

دور تا دور قلعه در فاصله دو دیوار داخلی و خارجی خندقی تعبیه گردیده که بین ۷۰ الی ۱۰۰ متر عرض دارد. ورودی اصلی قلعه در ضلع شمال‌شرقی قرار گرفته و حدود ۲۰ متر از زمین‌های مجاور بلندتر است. بناهای داخلی قلعه ویران شده‌اند. باتوجه به سفالینه‌های جمع‌آوری شده از سطح این قلعه، بنای قلعه گبری از دوره پیش از اسلام تا سده‌های نخستین اسلامی مورد استفاده بوده است.

منبع: گبری قلعه. ۱۳۵۵، ص ۱۵

قلعه میان قلعه / میانکاله

بقایای این قلعه در شبه‌جزیره میانکاله و کناره دریای خزر واقع شده و از آثار دوره صفویه و ساخته‌های شاه‌عباس اول صفوی محسوب می‌شود(نقشه ش ۳۰۷).

قلعه میانکاله با طرح هشت ضلعی ساخته شده و در زوایای آن برج‌هایی با همان طرح تعبیه کرده‌اند. طرح این قلعه در حقیقت طرح بزرگ شده قلعه‌ای است که شاه‌عباس با پذیرش نفوذ معماری اروپایی، در فرح‌آباد ساری ساخته بود.

منبع: کلایس. ۱۳۶۶، ص ۱۱۱

گیلان

قلعه بندبن (قاسم‌آباد رانکوه)

بقایای این بنا بر پوزه کوهی مسلط بر دهکده بندین(از توابع قاسم‌آباد رانکوه) واقع شده است. با توجه به درختان بسیار روئیده بر سطح کوه، در خصوص نقشه بنا اظهار نظری نمی‌توان کرد امّا بقایای دیوارها و برج‌های تدافعی که از سنگ ساخته شده‌اند حکایت از بزرگی قلعه دارند. در آخرین نقطه جنوبی قلعه و بر بالاترین نقطه کوه، بقایای یکی از برج‌های دفاعی این قلعه باقی مانده است. قطر داخلی این برج سنگی ۴/۶۰ متر و قطر دیوار آن در یک متری کف، حدود ۱/۷۰ متر است. بلندی برج از کف اصلی در حدود ۷ متر است و ۸ روزنه یا سنگ‌انداز سالم دارد. دیواری از سنگ و گچ نزدیک این برج است که درازای آن ۴/۲۰ متر و پهنایش ۱/۲۰ متر است.

منبع: ستوده. ۱۳۵۱، صص ۳۰-۳۲۹

قلعه تول‌لات (اشکور)

بقایای این بنا نزدیک ازاضی تول‌لات و مسلط بر بستر اصلی پلورود واقع شده و باتوجه به شیوه و مصالح معماری احتمال دارد از قلاع اسماعیلیه در خاک اشکور باشد.

قلعه تول‌لات بنای سنگی عظیمی است به طول ۵۰ و عرض حدود ۴۰ متر که با مصالح سنگ و گچ ساخته شده است. سنگ‌های بکار رفته تراشیده نیستند اما فرم گرفته‌اند. بلندی باروی موجود حدود ۱۰ متر و قطر دیوارها بیش از یک متر است. در جهت شمالی قلعه آب‌انباری از سنگ و ساروج ساخته‌اند و نزدیک دیوار شرقی نیز چاهی عمیق است.

منبع: ستوده. ۱۳۵۱، ص ۳۸۲

قلعه دزدبن / دیزبن (لاهیجان)

بقایای این قلعه بر فراز کوهی در پشت آبادی دیزبن/ دزدبن، در سر راه لاهیجان به لنگرود و میان لیالستان و دیوشل واقع شده و ظاهراً از ساخته‌های اوایل دوره اسلامی است. میرظهیرالدین مرعشی(اواخر قرن نهم هجری) در شرح وقایع زمان ناصر کیا و حدود سالهای ۸۴۵ و ۸۴۶ هـ ق می‌نویسد: «چون ناصرکیا از جمعی آن حکایت را استماع نمود برفور خلابران رانکو را بفرمود تا مجموع جبه و جوشن بپوشیدند و سیدمحمد را(که در زندان ناصر کیا بود) سوار ساخته بدیشان بسپرد و گفت به قلعه دزدبن لاهیجان برید و به کوتوال قلعه بسپارید».

از بنای این قلعه امروزه تنها آثار اندکی از دیوار قلعه و آب‌انباری که در بالاترین نقطه قلعه بنا شده، باقی مانده است. آب‌انبار مزبور ۴ متر طول، ۳/۱۳ متر عرض و ۴/۱۵ متر عمق داشته است. بلندی مدخل آب‌انبار ۲/۸۰ و پهنای آن ۱/۱۰ متر است. جنس صخره‌ای که قلعه بر آن قرار گرفته از نوع ساختمانی است و با استخراج این سنگ‌ها بقایای موجود نیز رو به نابودی است.

منابع: ستوده. ۱۳۵۱، صص ۶۷-۱۶۶

قربانی. ۱۳۷۵، صص ۷۲-۲۷۰

قلعه رودخان (فومن)

بقایای این قلعه که به‌نام‌های سکسار، سکسال و صلصال نیز خوانده شده، بر فراز تپه بلندی در ۲۵ کیلومتری جنوب‌غربی شهرستان فومن و ۵ کیلومتری روستای حیدرآلات و در یک منطقه جنگلی واقع شده و رودخانه رودخان از مجاورت آن جریان دارد. علی‌رغم وجود کتیبه تاریخی مربوط به تعمیرات و بازسازی بنا، در خصوص تاریخ ساخت بنای اولیه قلعه اطلاع دقیقی در دست نیست. با این حال با توجه به مصالح و شیوه ساختمانی احتمال داده می‌شود از آثار دوره سلجوقی باشد. همچنین این احتمال نیز وجود دارد که بنای دوره سلجوقی بر روی بقایای قلعه قدیمی‌تری مربوط به پیش از اسلام ساخته شده باشد.

در گذشته سنگ‌نوشته‌ای بر بالای دروازه ورودی قلعه نصب بوده که در حال حاضر در موزه رشت نگهداری می‌شود و بخش‌هایی از آن محو و نابود شده است. بر اساس قرائتی که از این کتیبه در دوره قاجار صورت گرفته، قلعه رودخان در طی سالهای ۹۱۸ تا ۹۲۱ هجری به فرمان «سلطان حسام‌الدین امیر دباج بن امیر علاءالدین اسحقی» تجدید بنا یافته و از همین‌رو به «قلعه حسامی» شهرت یافته بود. بر اساس تأکید این سنگ‌نوشته، برای اولین‌بار بود که قلعه مورد بازسازی قرار می‌گرفت. در ادامه کتیبه اشعاری وجود داشته که بخش اصلی آن از میان رفته است. حجاری این کتیبه کار کمال‌الدین محمد گیلانی بوده و اشعار و خط آن به ترتیب از خان احمد شیروانی و ابن‌حسین خراسانی بوده است. در دوره زندیه نیز تعمیراتی در این بنا صورت گرفته است. با توجه به نوشته رابینو؛ هدایت‌خان هنگامی که بر ضد کریمخان زند به عصیان پرداخت، شروع به تعمیر قلعه رودخان نموده و در آنجا اسلحه و مهمات ذخیره کرد.

قلعه رودخان به مساحت تقریبی ۵۰۰۰ متر مربع دارای بارویی به طول ۱۵۵۰ متر است که متناسب با پستی و بلندی‌های تپه شکل گرفته است. فرم کلی قلعه به شکل نامنظم است و از دو بخش شرقی و غربی تشکیل می‌شود. تمامی این دو بخش توسط برج و بارو محصور شده‌اند. در این قلعه در کل ۴۲ برج دفاعی و دیده‌بانی وجود دارد که به اشکال و ابعاد مختلف ساخته شده‌اند. مصالح مورد استفاده در برج و بارو از سنگ و آجر است. وجود دوره‌های تعمیراتی از شیوه ساخت و مصالح مورد استفاده مشخص می‌شود.

دروازه ورودی قلعه در ضلع شمالی آن قرار دارد و با دو برج مستحکم مدور حفاظت می‌شود. در طرفین این دروازه دو سکو از

سنگ‌لاشه به ارتفاع ۱/۵ متر ساخته شده است. عرض دروازه ۲/۶۰ متر و ارتفاع آن تا نوک قوس طاق، ۳/۵ متر است. این دروازه یا درگاه با طاقی جناغی مسقف شده است. بعد از دروازه و در جانب چپ آن چند پله سنگی وجود دارد که به پشت‌بام سردر راه پیدا می‌کند.

همانگونه که اشاره شد قلعه از دو بخش اصلی شرقی و غربی تشکیل می‌شود. وجود بناهای مهم در هر دو بخش این احتمال را بوجود آورده که قلعه رودخان دارای ۲ ارگ یا حاکم‌نشین است. در منتهی‌الیه بخش غربی قلعه، در فاصله حدود ۲۰۰ متری از دروازه اصلی و در بلندترین نقطه این بخش، بنای معظمی قرار دارد که شاه‌نشین خوانده می‌شود. بناهای این قسمت از نظر نوع مصالح، ابعاد، اندازه و زیبایی با سایر ساختمان‌ها متفاوت بوده و درکل مستحکم‌تر و مجلل‌تر ساخته شده‌اند. این بنا در دو طبقه و با آجر ساخته شده است. چند پله سنگی دسترسی به یک ایوان در طبقه همکف و دو اتاق مستطیل‌شکل، به ابعاد ۳/۴×۳/۶ متر را که در طرفین راه‌پله طبقه اول واقع شده‌اند، فراهم می‌سازد. آجرهای بکار برده شده در این ساختمان و دیگر بناهای قلعه به ابعاد ۳/۵×۲۰×۲۰ و ۴×۲۳/۵×۲۳/۵ سانتیمتر می‌باشند.

بناهای بخش شرقی نیز از برجستگی خاصی برخوردار بوده و برای رسیدن به آن پس از طی مسافتی حدود ۹۰ متر از دروازه اصلی، در باریکترین نقطه قلعه، جایی که برج و باروهای شمالی و جنوبی به‌هم می‌رسند، به دروازه شرقی می‌رسیم که همانند دروازه اصلی قلعه ساخته شده است. پس از عبور از این دروازه به بنایی چهار طاقی می‌رسیم که در شمال و جنوب آن دو اتاق وجود دارد. اتاق شمالی فقط روزنه‌ای کوچک در بالا دارد و بسیار تاریک است. با عبور از این چهار طاقی، وارد بخش شرقی قلعه می‌شویم. در سمت چپ تعدادی پله‌سنگی وجود دارد که به تراس بالای دروازه راه دارد و در سمت شمال و جنوب آن دو اتاق ساخته‌اند. پس از عبور از ۷ برج نگهبانی یا قراول‌خانه و پایین رفتن از پله سنگی، در منتهی‌الیه شمال‌شرقی، بنای دو طبقه‌ای مشاهده می‌شود که دارای اتاق‌ها و راهروهای متعددی است. احتمال دارد این بنا محل اسکان فرماندهان نظامی و یا ارگ و شاه‌نشین دیگری بوده باشد. در ادامه برجها و باروها پس از عبور از سه قراول‌خانه به یک در خروجی اضطراری می‌رسیم که به بیرون قلعه راه پیدا می‌کند. دره در این قسمت شیب ملایم‌تری دارد.

در پایین‌ترین سطح قلعه و در فاصله ۱۴۰ متری غرب دروازه ورودی، آب‌انبار قلعه قرار گرفته است. طرح این آب‌انبار از داخل به صورت هشت ضلعی، با ابعاد هر ضلع ۲ متر است. کف آن با سنگ فرش شده و ارتفاع آن از کف تا نوک گنبد ۴/۵ متر است. برای دسترسی به این آب‌انبار دو راه پله سنگی، یکی با ۱۸ پله و دیگری با ۱۱ پله، تعبیه شده است. در وسط آب‌انبار حوضی هشت‌ضلعی، به عمق ۳ متر وجود دارد که اندازه هر ضلع آن ۹۰ سانتیمتر است. جنس دیواره آن از آجر است کف آن با آجرهای لعابدار فیروزه‌ای رنگ و مثلث شکل(به ابعاد هر ضلع ۱۴ و ضخامت ۵ سانتیمتر) فرش شده است. آب چشمه‌های اطراف توسط تنبوشه‌های سفالی به این حوض هدایت می‌شده است. در ارتفاع ۲/۵ متری از کف آب‌انبار، چهار سوراخ در دو ضلع از هشت ضلع بنا دیده می‌شود که به نوشته دکتر رزازی محل قرارگیری تیرهای چوبی است که در سابق مواد غذایی را جهت سرد نگه داشتن به آنها می‌آویختند.

در بنای قلعه رودخان از سنگ‌های لاشه و در مواردی تراشیده، آجر و نیز تیرهای چوبی استفاده کرده‌اند. از آجر برای نیمه‌فوقانی برج و باروها و نیز برای بنای ساختمان‌های داخلی به‌ویژه پوشش‌های طاقی استفاده کرده‌اند. از سنگ‌های تراشیده نیز برای دروازه‌ها و نقاط مهم استفاده نموده‌اند. طبقات اول برج‌ها و واحدهای مسکونی و پوشش در و پنجره نیز در مواردی به کمک تیرهای چوبی صورت گرفته است.

در سالهای اخیر از طرف سازمان میراث فرهنگی استان گیلان مطالعات و تعمیراتی در این قلعه صورت گرفته است. در جریان این مطالعات گلوله آهنی توپی(احتمالاً از دوره صفویه) و انبار بزرگی از آجر قرمز و آجرهای لعابدار، در بخش شرقی قلعه به‌دست آمده است.

قلعه رودخان به شماره ۱۵۴۶ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منابع: باقری، ۱۳۵۸، صص ۸۱-۷۷؛ رزازی، ۱۳۷۹، ص ۱۷
ستوده، ۱۳۴۹، صص ۶۱-۱۵۷؛ عریانی، ۱۳۶۸، صص ۸۴-۸۳
فقیری، ۱۳۷۴، صص ۳۷-۳۶؛ فلاح‌فر، ۱۳۸۰، صص ۲۶-۲۷
متولی، ۱۳۷۶، صص ۱۵-۱۳

قلعه فریدون (اشکور)

بقایای این قلعه در جیر ولایت اشکور و در میان دهکده‌های راشه، ستاسن، تلانبه، سیاچال و بر پوزه سوم کوه‌های سمت راست رودخانه پلورود واقع شده و با قلاع اسماعیلیه قابل‌مقایسه است.

قلعه فریدون از سه طرف به پرتگاه محدود می‌شود و راه دسترسی آن از هرات‌بر و دیمابن و از طریق دامنه کوه است که مستقیم می‌توان به آن رسید. آثار برج و بارو و دیوارهای این قلعه برجای مانده است.

منبع: ستوده، ۱۳۵۱، ص ۳۸۲

قلعه قلاکوتی (سیاهکل)

بقایای این قلعه بر فراز قلّه‌ای به نام «کلدم‌سرا» واقع شده و از آثار دوره اسلامی به شمار می‌آید. راه رسیدن به این قلعه از طریق سیاهکل به مهرین و کلدم‌سرا است. امروزه بقایای برج دفاعی، آب‌انباری مربع‌شکل از آجر و ملات ساروج و پایه‌های بناهای دیگر برجای مانده

است. در مجاورت قلعه قلاکوتی چشمه‌ای به‌نام گلزارچشمه یا لارچشمه وجود دارد. در محل معروف است که این قلعه یکی از کاخ‌های خان‌احمد گیلانی(حاکم معروف گیلان در اوایل دوره صفویه) است.

منبع: ستوده، ۱۳۵۱، ص ۶۲

قلعه لیسار

بقایای این قلعه بر فراز تپه کم‌ارتفاعی در نومندان لیسار و ۴ کیلومتری دریای خزر واقع شده و ظاهراً از آثار دوره اسلامی است.

بنای قلعه سراسر اراضی مسطح بالای تپه را فراگرفته و دارای حصار بسیار مستحکمی است و احتمال دارد قبل از دوره اسلامی نیز وجود داشته باشد. مساحت این قلعه ۳۲×۵۳ متر است و ارتفاع باقیمانده آن به حدود ۵ و در برخی نقاط به ۱۰ متر می‌رسد. ورودی قلعه در ضلع شرقی آن قرار دارد و ارتفاع آن تا تیزه طاق به ۳/۵ متر و عرض آن به ۲/۲۰ متر بالغ می‌شود. ضخامت باروی قلعه ۱/۸۰ تا ۲/۱۰ متر است. مصالح ساختمانی دیوارها سنگ و ملات ساروج است. متصل به باروی شرقی، ارگ قلعه قرار گرفته که آنهم دارای مدخلی با قوس جناغی است. ارگ بنایی مربع شکل به ابعاد ۱۰ تا ۱۲ متر است که در چهار گوشه آن برج‌های توپُر ساخته‌اند. در باروی شرقی ارگ دو پنجره با پوشش طاقی و آجری وجود دارد.

در داخل قلعه بقایای آب‌انباری به طول و عرض ۳×۵ و عمق ۴ متر وجود دارد که با آجر و ملات ساروج ساخته شده است(ابعاد آجرهای مورد استفاده ۴×۲۲×۲۲ سانتیمتر می‌باشد). این آب‌انبار در دوره اخیر نیز پر آب بوده و احتمال دارد از طریق مجرایی به یکی از سرچشمه‌های کوهستانی متصل باشد.

منبع: ستوده، ۱۳۴۹، صص ۴۴-۴۳

قلعه لیما / دز ماشین (اشکور)

قلعه لیما یا دز ماشین که در متون تاریخی به آن اشاره شده است، ظاهراً همان بقایایی است که بر پوزه کوهی میان کشکی‌دره و دره کاکرود(از منطقه جیر ولایت اشکور) واقع است. علی‌بن شمس‌الدین لاهجی در باره این قلعه می‌نویسد: «مردم کهن‌سال به سید رضی‌کیا گفتند که در پشت لیوما محل محکمی است که سابقاً هم قلعه بود و «دز ماشین» نام داشت. اگر مجدداً به عمارت قلعه اشارت شود امید که چون بنای دولت استوار و پایدار گردد. این اندیشه مقبول طبع همایون افتاد، به یرق مایحتاج قلعه اشارت علیه شرف صدور یافت». صدور این فرمان در سال ۹۱۶ هـ.ق بود.

رابینو محل دهکده لیما را در دامنه کوه شرقی پلورود و مقابل دهکده تویلا تعیین می‌کند و متن مذکور را به سیدظهیرالدین و تعمیر قلعه را به سلطان احمدخان، والی بیه پیش، نسبت داده است که به نظر دکتر منوچهر ستوده صحیح به نظر نمی‌رسد.

قلعه لیما که قبل از سال ۹۱۶ هجری نیز آباد بوده ۲۵۰ متر طول دارد و عرض آن در پهن‌ترین نقطه به ۴۰ و در باریکترین نقطه به ۱۰ متر می‌رسد. مصالح بنا سنگ کوه است و ملات جز در بنای آب‌انبارها مشاهده نمی‌شود. دسترسی به قلعه ظاهراً از طریق بازوی راست کوه، در امتداد کاکرود صورت می‌گرفته است و آثاری از سردر و برج در این قسمت دیده می‌شود. سراسر بام اتاق‌های قلعه بی‌شک سفال‌سر بوده چراکه سفال شکسته فراوانی از این نوع در سراسر اراضی قلعه پراکنده شده است. در داخل قلعه بقایای سه آب‌انبار وجود دارد که پهنای تقریبی هر یک ۵ متر است و با سنگ و ملات ساروج ساخته شده‌اند. در داخل قلعه بقایای لوله‌کشی سفالی دیده می‌شود که آب را از رودخانه «کشکی‌دره» و «پس‌دره» و نیز از کوه «الیه‌آب» به قلعه می‌رسانده است.

منبع: ستوده، ۱۳۵۱، صص ۸۷-۳۸۶

لرستان

قلعه جق (کوهدشت)

بقایای این قلعه بر روی قلّه کوه مشهور به «کژنه»، واقع در دهکده «زریونی» و جنوب‌شهر کوهدشت قرار گرفته و ظاهراً از آثار دوره اسلامی است.

قلعه جق(جغد)، به طول و عرض تقریبی ۲۵×۳۵ متر، با سنگ و گچ ساخته شده است. در داخل قلعه بقایای ۱۰ اتاق و چندین حوضچه سنگی جهت ذخیره آب وجود دارد.

منبع: ایزدپناه، ۱۳۵۰، ص ۳۶۷

قلعه چمشک (ملاوی)

این بنا در روستای چمشک، از روستاهای «بالا گریوه» بخش ملاوی و ۴۰ کیلومتری غرب خرم‌آباد واقع شده و تا دوره اخیر برای سکونت اهالی مورد استفاده بوده است. قلعه چمشک در مسیر کاروانرو خرم‌آباد به دزفول، به‌عنوان دومین منزل مورد استفاده کاروانیان قرار می‌گرفته و از این‌رو می‌توان آنرا قلعه کاروانسرا نامید.

قلعه چمشک از استحکام و معماری جالب توجهی برخوردار است. دروازه ورودی قلعه در سمت جنوبی آن قرار دارد و اندازه آن ۲×۳/۵ متر است. از طریق این دروازه و راهروئی به طول ۱۷ و عرض ۲/۵ متر و درب دیگری می‌توان به صحن قلعه راه پیدا کرد. در طرفین راهرو مذکور، دو حیاط مشابه با چهار اتاق و دو اصطبل، به قرینه یکدیگر ساخته شده است. بنای اصلی قلعه ۱۲ اتاق دارد که هر اتاق به دو قسمت تقسیم می‌شود، قسمت جلو برای سکونت کاروانیان و قسمت عقب برای نگهداری چهارپایان آنها(این شیوه در بنای کاروانسراها رایج است). قلعه چمشک با سنگ، آجر و گچ بنا شده و ناودان‌های آن همه سنگی است. باروی قلعه برای دیده‌بانی و تیراندازی دارای کنگره‌هایی است.

منبع: ایزدپناه، ج۲، ۱۳۵۵، صص ۵۰-۴۹

قلعه چنگری (کوهدشت)

بقایای این قلعه بر روی قلّه‌ای مشرف به دشت کوهدشت و در ۱۰ کیلومتری شهر کوهدشت واقع شده و از آثار دوره اسلامی است.

بقایای قلعه چنگری در سطحی به طول و عرض ۷۵×۷۰۰ متر پراکنده شده و از این نظر بزرگ‌ترین قلعه منطقه «مادانرود» به شمار می‌آید. این قلعه دارای دو بارو بوده که باروی اولی، از سه طرف بر تیغه کوه بنا شده و سپس قلعه با دیوار مجزایی در داخل این بارو قرار گرفته است. تنها راه دسترسی به قلعه در ضلع غربی باروی اولی قرار داشته است. قلعه از دو قسمت شمالی و جنوبی تشکیل شده و هر قسمت آن دارای چند اتاق بوده است. در قسمت شمالی فقط دیوارهای اتاق‌ها باقی است، ولی قسمتی از طاق اتاق‌های صحن جنوبی هنوز برجای مانده است. ابعاد تعدادی از اتاق‌های جنوبی ۴/۵×۶/۵ متر و پهنای پایه آنها ۱/۷۰ متر می‌باشد.

در شمال قلعه بقایای چاهی است که بیشتر عمق آن پر شده است.

منبع: ایزدپناه، ۱۳۵۰، صص ۶۹-۳۶۸

قلعه دوشه (کوهدشت)

قلعه یا قلاع دوشه که در دهکده «چهار قلعه» واقع شده، متشکل از دو بناست که بر فراز دو قلّه به همین نام، از کوه گردل قرار گرفته‌اند. قلعه اول نسبتاً بزرگ بوده(به ابعاد ۱۶×۲۲ متر) که بقایای دیوار شمالی و ویرانه‌های آن بر تیغه کوه باقی مانده است. تنها ورودی قلعه در ضلع جنوبی آن قرار داشته است. در داخل قلعه سه حوضچه ذخیره آب در صخره کنده شده است. اندازه هر یک از این حوضچه‌ها ۲/۵۵×۸ متر است. در جنوب قلعه نیز چشمه آبی وجود دارد.

دومین قلعه دوشه از لحاظ سبک ساختمانی مانند قلعه اولی است و در شرق آن قرار دارد. هر دوی این قلعه‌ها از سنگ ساخت شده‌اند.

منبع: ایزدپناه، ۱۳۵۰، ص ۳۶۵

قلعه رزه (الوار گرمسیر)

این بنا در دهستان قیلاب و کنار جاده خرم‌آباد به دزفول و ۱۸۰ کیلومتری خرم‌آباد واقع شده و از آثار دوره اسلامی است که تا دوره اخیر مورد استفاده بوده است. قلعه رزه از جمله قلاعی بوده که منزلگاه کاروانیان قرار می‌گرفته و در دوره پهلوی نیز از قرارگاه‌های مهم نیروهای دولتی بوده است.

بنای قلعه رزه بر روی تپه‌ای سنگی با مصالح سنگ و گچ ساخته شده و سراسر دیوار جنوبی آن مشرف به دره‌ای به عمق ۱۵ متر است. بلندی دیوار قلعه در بعضی نقاط به ۸ متر می‌رسد. تنها ورودی این قلعه در ضلع غربی آن قرار داشته است. بالای این ورودی اتاقی برای دیده‌بانی و دربانی قلعه وجود دارد که دارای تیرکش‌های متعددی است.

صحن قلعه ۱۴×۲۴ متر وسعت دارد و در اطراف آن در اصل ۱۳ اتاق بزرگ و چند اتاق کوچک وجود داشته است. اتاق‌های جنوبی در ارتباط با یکدیگر قرار داشته و احتمالاً به‌عنوان اصطبل از آنها استفاده می‌شده است.

نمای کلی دیوارها و اتاق‌های قلعه رزه نشانگر دوره‌های مختلف تعمیراتی در این بنا است. در شمال قلعه رزه بقایای قلعه‌ای کوچک و دو طبقه وجود دارد که به «حسینیه» یا «قلعه حسینی» مشهور است.

منبع: ایزدپناه، ۱۳۵۵، صص ۱۴-۱۲

قلعه سرقلا (الوار گرمسیر)

این بنا بر فراز تپه‌ای در روستای «امیر سیف»، از توابع منطقه الوار

گرمسیر و دهستان قیلاب، واقع شده و به نظر می‌رسد از آثار دوره اسلامی است(ایزدپناه احتمال داده از آثار پیش از اسلام باشد).

باروی سرقلا به طول و عرض ۶۰×۳۰۰ متر، با استفاده از سنگ قلوه و ملات گچ و آهک بنا شده و ضخامت آن به ۳ متر می‌رسد. دیواره غربی قلعه مشرف به دره‌ای است به عمق بیش از ۲۰ متر که رودخانه گرداب از میان آن می‌گذرد. دیوار شمالی و شرقی نیز بیش از ۱۰ متر از سطح زمین بلندتر است. در دیوار شرقی، دروازه بزرگی به ابعاد ۲/۴۰×۳/۱۰ متر وجود داشته که راه آن با شیب تندی به سطح دره مجاور منتهی می‌شده است. در دیوار جنوبی نیز ورودی بزرگی به ارتفاع ۲/۸۰ و پهنای ۲ متر وجود دارد.

قلعه سرقلا در زمان آبادانی دارای چهار برج دفاعی بوده که اکنون (۱۳۵۵ شمسی) قسمتی از برج جنوب غربی آن باقی است. در ضلع جنوبی قلعه خندقی به پهنای ۴ متر و طول مساوی با دیواره جنوبی قلعه، حفر گردیده بود که بعدها توسط اهالی محل پر شده است. اتاق‌های داخل قلعه توسط اهالی روستای امیرسیف تعمیر شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در داخل قلعه همچنین چاهی است به عمق تقریبی ۳۰ متر که آب مورد نیاز قلعه‌نشینان را تأمین می‌کرده است.

منبع: ایزدپناه. ۱۳۵۵، صص ۱۱-۱۰

قلعه شهنشاه (خرم‌آباد)

این بنا که به «قلعه گوشه» نیز معروف است، در روستای گوشه و ۲۰ کیلومتری جنوب خرم‌آباد واقع شده و از آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود. اتاق‌های این قلعه در دوره اخیر تعمیر شده و مورد استفاده روستائیان قرار گرفته است. قلعه شهنشاه بر سر راه خرم‌آباد به خوزستان قرار گرفته و اولین منزل به سوی دزفول و آخرین منزل به‌جانب خرم‌آباد بوده است و از این جهت می‌توان آن را «قلعه کاروانسرا» نامید.

قلعه شهنشاه در زمینی به مساحت ۲۰۰۰ متر مربع، با سنگ و ملات گچ ساخته شده است. صحن قلعه ۱۲×۲۵ متر وسعت دارد و دارای ۱۵ رواق و اتاق نشیمن است. هر اتاق به‌وسیله دیواری به دو قسمت تقسیم می‌شود که قسمت عقب آن برای نگهداری چهارپایان و قسمت جلو آن(به ابعاد ۳×۳ متر) برای نشیمن کاروانیان ساخته شده است. طاق اتاق‌ها هنوز با استواری برجای مانده است. بلندی دیوار قلعه ۵ متر است و در گوشه جنوب‌غربی قلعه پله‌های سنگی برای دسترسی به پشت‌بام ساخته شده است.

این قلعه در دوره قاجار تعمیر و مرمت شده است.

منبع: ایزدپناه، ۱۳۵۵، صص ۴۹-۴۸

قلعه شیخ ماخو (دره‌شهر)

این بنا در دامنه کوهی بیرون از تنگه شیخ‌ماخو و در بخش بدره از توابع سیمره شهرستان دره‌شهر واقع شده و از آثار دوره اسلامی است.

قلعه شیخ‌ماخو بنایی بزرگ و سه طبقه، با برج و بارو است که یک طبقه آن در زیرزمین قرار گرفته است. در این طبقه چهار اتاق به زندان اختصاص یافته و اتاق‌های دیگر برای نگهداری احشام و چهارپایان و نیز سکونت اشخاص مورد استفاده بوده است.

برج‌های پنجگانه قلعه در سه طبقه ساخته شده‌اند و در دیواره آنها روزنه‌ها و تیرکش‌هایی جهت دیده‌بانی و تیراندازی تعبیه شده است. صحن قلعه ۲۳×۲۵ متر وسعت دارد و تعداد اتاق‌های آن به ۳۰ باب می‌رسد. مصالح مورد استفاده در بنا سنگ و گچ و در قسمت نما آجر است.

قلعه شیخ‌ماخو یکبار در سال ۱۳۳۵ هـ.ق به‌دستور میرتیمورخان تعمیر و بازسازی شده و شرح و تاریخ این تعمیرات به‌صورت منظوم بر روی سنگی نوشته شده و بر دیوار قلعه نصب شده است.

منبع: ایزدپناه. ۱۳۵۰، صص ۹۶-۴۹۴

قلعه شینه (الیشتر)

این قلعه برفراز صخره کوهی در شمال دهکده شینه، واقع در انتهای جنوب غربی بخش الیشتر، قرار دارد. یکی از قلّه‌های کوه مزبور به «شاه‌نشین» شهرت دارد. بر دو تیغه یا صخره این قلّه بقایای دو قلعه قرار گرفته که در اصل بر تنگه میان کوه نظارت داشته‌اند. تنها راه رسیدن به این قلّه و قلاع بالای آن، باریکه راهی است که از سمت شمال و از روی دیواره‌های پرشیب و لغزان می‌گذرد و عبور از آن به دشواری امکانپذیر است. یکی از تیغه‌های قلّه مذکور نزد اهالی به «باریگاه» معروف است و بر آن بقایای قلعه بزرگ و وسیعی وجود دارد که در داخل آن حدود ۱۰ باب اتاق، هرکدام به طول و عرض ۵/۶۵×۳/۴۰ متر دیده می‌شود. پهنای دیوار این اتاق‌ها بیش از ۱/۵ متر است. تمامی بنا با قلوه‌سنگ و نوعی ملات ساخته شده است. در جنوب این قلعه آثار حوضچه سنگی بزرگی وجود دارد که جهت ذخیره آب مورد استفاده بوده است. بنای اولیه این قلعه منسوب به دوره پارت و ساسانی است اما در دوره اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

بر تیغه دوم قلّه شاه‌نشین، قلعه دیگری با ۱۲ اتاق و حصار پیرامون آنها برجای مانده است. اندازه بعضی از اتاق‌ها ۴/۳۰×۴/۳۰ و برخی ۴/۵×۳/۵ متر است. چند واحد از این اتاق‌ها به صورت دو طبقه بوده و طبقه زیرین آنها با سنگ و طبقه بالا با سنگ و آجرهای قرمز رنگ ساخته شده است. این قلعه نیز دارای دو آب‌انبار بزرگ به ابعاد ۲×۳×۸ متر است. دیواره داخلی این آب‌انبارها با نوعی ساروج اندود شده

است.

منبع: ایزدپناه. ۱۳۵۵، صص ۷۸-۲۷۶

قلعه فلک‌الافلاک (خرم‌آباد)

این بنا بر روی تپه‌ای طبیعی و مرتفع در مرکز شهر خرم‌آباد و مجاور رودخانه خرم‌آباد واقع شده و از قلاع مهم تاریخی و آباد کشور به شمار می‌آید. بنای اولیه قلعه منسوب به دوره ساسانی است و احتمال داده می‌شود همان دژ شاپورخواست باشد. در سده‌های نخستین دوره اسلامی، این قلعه بازسازی شده و به‌عنوان مقر حکمرانی آل‌حسنویه و در قرون بعدی به‌عنوان یکی از مقرهای اصلی اتابکان لر، مورد استفاده قرار گرفته است. از دوره صفویه به بعد این قلعه با اهداف نظامی مورد استفاده قرار گرفته و چندین‌بار بازسازی و تعمیر شده است. بنای کنونی قلعه حاصل بازسازی و تعمیراتی است که در دوره صفویه و به‌ویژه قاجاریه بر روی آن صورت گرفته است(نقشه و تصاویر ش ۱۰-۳۰۸).

قلعه فلک‌الافلاک در گذشته ۱۲ برج دفاعی داشته که در بازسازی‌های دوره قاجار به ۸ برج تقلیل پیدا کرده است. امروزه خیابان غربی قلعه هنوز به‌نام دوازده برجی مشهور است. ژاک دمورگان سرپرست هیأت حفاری شوش در دوره قاجار و سالهای ۹۱-۱۸۸۹ میلادی، از این قلعه عکسی گرفته که آن را به صورت نیمه‌ویران نشان می‌دهد و ظاهراً مدتی بعد از این تاریخ است که قلعه بازسازی و مورد استفاده مجدد قرار می‌گیرد.

فلک‌الافلاک نامی است که ظاهراً در دوره قاجار به این بنا داده شده است و قبل از آن قلعه به‌نام‌های «دژ شاپورخواست»، «دز بر» و «قلعه خرم‌آباد» معروف بوده است. این قلعه در اوایل دوره پهلوی در اختیار ارتش قرار داشت و مدتی نیز به‌عنوان زندان از آن استفاده می‌شد و در اواخر این دوره در اختیار اداره فرهنگ و هنر وقت قرار گرفت و در سالهای بعد به موزه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی، آزمایشگاه مرمت اشیاء و در کل به یک مجموعه فرهنگی تغییر کاربری داده شد. قلعه فلک‌الافلاک در جریان جنگ و حملات رژیم بعثی متحمل خساراتی شد که متعاقباً توسط سازمان میراث فرهنگی تعمیر و مرمت گردید.

نقشه قلعه فلک‌الافلاک با مساحتی در حدود ۵۳۰۰ متر مربع، متناسب با شکل تپه زیرین صورت گرفته و از نظم هندسی خاصی تبعیت نمی‌کند(نقشه ش ۳۰۸) و تقریباً به‌صورت هشت ضلعی نامنظم است. بنا دارای حصاری است با هشت برج مستحکم و به ابعاد مختلف. بلندترین نقطه دیوار این قلعه از سطح زمین به ۲۲/۵ متر می‌رسد. ورودی بنا در جبهه شمالی و در بدنه برج جنوب‌غربی تعبیه شده است. عرض این ورودی ۲/۱۰ و ارتفاع آن ۳ متر است. این ورودی به یک راهرو سرپوشیده منتهی می‌شود. داخل برج سمت غربی ورودی، دو اتاق و در شرق آن یک اتاق ساخته‌اند. راهرو مذکور با شیب ملایمی و پس از گردشی به سمت شرق به اولین صحن قلعه راه پیدا می‌کند. در گذشته قلعه تنها یک صحن وسیع داشته که با ساخت ردیفی متشکل از چند اتاق در میانه صحن اولیه، آن را بدو قسمت تقسیم کرده‌اند، و بدین‌ترتیب یک بخش بیرونی و یک بخش اندرونی شکل گرفته است.

صحن اول به ابعاد ۲۲/۵×۳۱ متر در جهت شمالی ـ جنوبی کشیده شده و در پیرامون خود چند اتاق و یک زیرزمین دارد. در جهت شمال‌شرقی این صحن، راهروئی است که با هفت پله به محوطه‌ای می‌رسد که چاه قلعه در آن واقع است. عمق این چاه در حدود ۴۲ متر است و آب مورد نیاز ساکنین قلعه را تامین می‌کرده است. چاه دارای دهانه چهارگوش به ابعاد هر ضلع ۲/۷۵ متر است و دیواره آن در بالا با آجر کار شده است. این چاه به سرچشمه آب گلستان راه می‌یافته و در حال حاضر نیز قابل بهره‌برداری است. در گوشه جنوب‌شرقی صحن نیز راهروئی وجود دارد که به صحن دوم و اصلی قلعه راه می‌یابد. از داخل این راهرو دسترسی به سرویس بهداشتی و نیز پشت‌بام صورت می‌گیرد.

صحن اصلی قلعه ۲۱×۲۹ متر وسعت دارد و در پیرامون خود دارای ۱۶ اتاق و ۱۱ کفش‌کن(مابین اتاق‌ها) است. کف اتاق‌ها یک متر و نیم بلندتر از کف حیاط است. در قسمت جنوبی این صحن سه تالار به ابعاد ۳/۸۰×۱۰/۸۰ متر و دو راهرو مابین آنها، هرکدام به عرض ۱/۹۰ متر ساخته‌اند. در میانه اضلاع شمالی و جنوبی نیز تالار یا اتاق ستوندار بزرگی قرار گرفته و در اطراف آن نیز چند اتاق و راهروی مستطیل شکلی وجود دارد. تالار ستوندار جنوبی از طریق یک فضای ایجاد شده در بدنه برج جنوبی قلعه، گسترش یافته است. قطر ستون‌های آجری این اتاقها ۹۷×۹۷ سانتیمتر است. اتاق‌های این دو ضلع پنجره‌هایی به داخل و بیرون قلعه دارند.

فضاهای مختلف قلعه با پوشش‌های طاقی مسقف شده‌اند. این طاق‌ها عموماً به شکل نیم‌دایره و بعضاً جناغی هستند. نمای صحن با تزیینات کاشیکاری مزین شده است.

مصالح مورد استفاده در بنای قلعه فلک‌الافلاک آجر، سنگ و ملات گچ و آهک است. بنای قبلی قلعه ظاهراً دارای بارویی دو لایه و خشتی با ۱۲برج دفاعی بوده که بیشتر به سمت غرب گسترش داشته است. از بقایای برج‌های دوازده‌گانه و باروی خشتی قبلی، بقایای دو برج در محوطه بیرونی و شمالغرب و جنوب‌شرق قلعه فعلی قابل‌مشاهده است.

این بنا به شماره ۸۸۳ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منابع: ایزدپناه. ۱۳۵۰، صص ۱۵-۱۱۱؛ ساکی. ۱۳۴۳، ص ۲۱۴

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان لرستان
غضنفری، ۱۳۷۲، صص ۴۵-۴۱؛ موسوی، ۱۳۷۱، ص ۴۵

قلعه گریت (پاپی)

بقایای این قلعه بر فراز کوهی موسوم بـه «سـرتنگ» در روسـتای «سرتنگ قلا» و جنوب‌غربی گریت(یکی از دهستان‌های بخش پـاپی) واقع شده و از آثار دوره اسلامی است. ظاهراً حیات و اهمیت اصلی این قلعه مربوط به دوره اتابکان لر کوچک بوده است. در این دوره به نظر می‌رسد قلعه گریت یکی از مقرهای اصلی حکومت این سـلسله بوده است. در خصوص زمان ویرانی قلعه اطلاعی در دست نیست اما احتمال دارد این ویرانی در جریان حملات تیمور لنگ صورت گـرفته باشد.

قلعه گریت بر تمام نواحی اطراف و راه‌های ارتباطی منطقه تسلط کامل دارد. این قلعه در حدود ۱۶۰×۳۰۰ متر وسعت داشته و با باروئی محصور می‌شده است. ارتفاع قلعه به ۲۵ مـتر مـی‌رسد امـا مـوقعیت طبیعی آن و قرارگیری سه ضلع شرقی، جنوبی و شمالی آن بر تیغه کوه، مانع از دست یـافتن دشـمن بـر آن مـی‌شده است. در جـانب شـرقی محوطه، بقایای برج‌هائی که با سنگ و ملات ساخته شـده‌انـد، بـاقی مانده است. در سطح داخلی قلعه نیز بقایای تعدادی اتاق دیده می‌شود.

آب قلعه گریت به وسیله لوله‌های سـفالی از «سـراب الی» تـامین می‌شده و چون این سراب در سطح بالاتری از قلعه قرار گرفته، انتقال آب آن به قلعه مقدور بوده است.

منبع: ایزدپناه، ۱۳۵۵، صص ۵۴-۱۵۰

قلعه گمور (کوهدشت)

بقایای این قلعه بر روی یکی از قلل کوه «گمور» در روستای «چهار قلعه»(واقع در ۳۰ کیلومتری جنوب‌شرقی کوهدشت) قرار گـرفته و از آثار دوره اسلامی به شمار می‌آید.

قلعه گمور از نظر معماری مشابه دو قلعه دوشه است و در سمت جنوب آن دو بنا شده است. حصار این قلعه بزرگ‌تر و آثار به‌جای مانده آن بیشتر است. در غـرب قـلعه قـناتی حـفر شـده کـه آب مـورد نـیاز قلعه‌نشینان از آن تأمین می‌شده است.

منبع: ایزدپناه، ۱۳۵۰، ص ۳۶۶

قلعه منگره (الوار گرمسیر)

این بنا بر فراز قلّه‌ای مشهور به «قلّه دز»، در غرب دهکده «گرداب» (از توابع دهستان منگره و بخش الوار گرمسیر) واقع شده و احتمالاً از آثار نیمه‌دوم قرن پنجم هجری می‌باشد که مدتی در دست شجاع‌الدین خورشید و خانواده‌اش قرار داشته است.

قلّه دز که قلعه منگره بر بالای آن ساخته شده، با حدود ۱۰۰۰ متر ارتفاع، اشراف کاملی به دره‌های پیرامون خود دارد. دسترسی به این قلّه منحصراً از طریق یک معبر بُزرو و دشوار صورت می‌گیرد. دیوار شرقی قلعه مشرف به پرتگاه است. قلعه منگره وسعتی در حدود ۲۰۰۰ متر مربع دارد و دارای ۱۲ اتاق است کـه طـول و عـرض هـر یک از آنـها ۵/۵۰×۴/۵۰ متر می‌باشد. در ضلع شـرقی قـلعه چـهار مـخزن بـرای جمع‌آوری آب‌های جاری حاصل از بارندگی ایجاد شده و دیواره آنها با سنگ و ملات و اندود ساروج کار شده است.

این قلعه تا سال ۷۹۵ هجری یعنی تا هنگام حمله امیرتیمور بـه لرستان، دارای اهمیت نظامی بود.

منبع: ایزدپناه، ۱۳۵۵، صص ۵-۳

قلعه نصیر (پلدختر)

این بنا بر فراز تپه‌ای در میانه کوه «مین‌لو» و کـوه «کـوچیل» قـرار گرفته و از آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود.

قلعه نصیر با ابعاد ۳۰×۳۰ متر، دارای بارو و چهار برج هرکدام به ارتفاع ۱۵ متر و یک ورودی بزرگ می‌باشد. بلندی دیوار قلعه ۱۰ متر و پهنای آن ۱/۵ متر است. قلعه در وضعیت حاضر فاقد اتاق و بـناهای داخلی است اما در قسمت غربی آن سکوئی سراسری بـه بـلندی ۷۵ سانتیمتر بنا گردیده که احتمال دارد بر روی آن بناهایی قرار مـی‌گرفته است. در چهار دیوار قلعه میخ‌های چوبی برای بستن چهارپایان تعبیه کرده‌اند.

برجهای قـلعه دو طـبقه‌انـد و در قسـمت بـالای آنـها روزنـه‌ها و تیرکش‌هایی تعبیه شده است. در داخل هر یک از این برج‌ها راه‌پله‌ای برای دسترسی به پشت‌بام قرار دارد. مصالح مورد استفاده در بنا سنگ و ملات گچ است. آب قلعه نصیر از چاهی که در داخل آن کـنده شـده، تأمین می‌شده است.

در شرق قلعه نصیر و به فاصله ۱۰۰ متری آن، بقایای قلعه دیگری واقع است که فاقد برج می‌باشد ولی اتاق‌های زیادی داشته و از نـظر شیوه ساختمانی مشابه دو قلعه چمشک و شهنشاه می‌باشد و احتمال دارد همانند دو قلعه مذکور به‌عنوان کاروانسرا مورد استفاده کاروانـیان قرار می‌گرفته است. این بنا از آثار دوره صفویه به شمار می‌آید.

منبع: ایزدپناه، ۱۳۵۵، صص ۴۴-۴۳

مازندران

قلعه اسپهبد خورشید (پل سفید)

بقایای این قلعه یا پناهگاه صخره‌ای در ارتفاعات ناحیه دوآب(در مسیر راه‌آهن تهران ـ گرگان و حدفاصل دو ایستگاه پل سفید و سرخ‌آباد) و کیلومتر ۱۰ جاده دوآب ـ ورسک و به فاصله حدود ۱۵۰۰ متری این جاده، بر دیواره صخره‌ای کوه واقع است. بنای اسپهبد خورشید که هسته اصلی آن را یک پناهگاه صخره‌ای تشکیل می‌دهد، منسوب به اسپهبد خورشید دوم، حاکم منطقه در سده دوم هجری است. نامبرده مدتی را در این قلعه در برابر سپاهیان خلیفه عباسی مقاومت نمود و بعد از شکست و به اسارت درآمدن خانواده‌اش، در سال ۱۴۴ هجری با خوردن زهر به زندگی خود پایان داد. از این قلعه در متون تاریخی به‌نام‌های «طاق»، «غار»، «عایشه کرکیلی دز»(گرگیلی دز) و «دربند کولا» نیز یاد شده است. با توجه به متون تاریخی و سفالینه‌های مکشوفه، قلعه یا طاق اسپهبد خورشید حداقل تا دوره ایلخانی مورد استفاده بوده است.

بخش اصلی قلعه، فضایی وسیع و غار مانند، به ابعاد ۱۴/۳۵×۱۹/۷۵ و ارتفاع ۱۵ متر است که در دیواره صخره‌ای کوه ایجاد شده(طرح و تصاویر ش ۱۹-۳۱۷) و مکان مناسبی را برای استفاده به‌عنوان پناهگاه امن فراهم آورده است. سقف و دیواره‌های این طاق به مرور زمان ریزش کرده و بخش‌های زیادی از تأسیسات قلعه را در زیر خود مدفون کرده است. در جلو دهانه غار، دیوار مستحکمی از سنگ و ساروج بنا کرده بودند که امروزه بقایای آن برجای مانده است. از مدخل غار راهرو باریکی شروع شده و تا انتهای غار ادامه می‌یابد. در سمت راست این راهرو بقایای دو اتاق بزرگ و در سمت چپ آن چند اتاق کوچک‌تر و یک راه‌پله سنگی قرار داشته است. اتاق‌های موجود در این غار در اصل با پوشش مسطح تیر چوبی، مسقف می‌شده‌اند.

در فضای بیرونی غار نیز بقایای تأسیساتی از جمله حوضچه‌های ذخیره آب دیده می‌شود.

منابع: پازوکی، ۱۳۷۶، صص ۴۵-۱۴۱
سورتیجی، ۱۳۸۱، صص ۵۶-۴۳

قلعه بلده (نور)

بقایای این بنا بر فراز کوهی در بلده و در دره نور واقع شده و از قلاع مهم و معتبر منطقه در طول دوره اسلامی بوده است. سابقه تاریخی این قلعه ظاهراً به دوره ساسانی باز می‌گردد اما بر طبق متون دوره اسلامی قلعه بلده از سده‌های نخست اسلامی تا دوره صفویه از مراکز مهم حاکمان محلی و به‌ویژه سلسله بادوسپان بوده است. در دوره شاه عباس اول، برای ممانعت از قدرت‌یابی امرای محلی دستور داده می‌شود تا این قلعه ویران شود(نقشه ش ۳۲۰).

قلعه بلده بر فراز صخره‌ای که دستیابی بدان دشوار است ساخته شده و در زمان آبادانی از استحکامات ویژه‌ای برخوردار بوده است. امروزه بقایای برج و باروی قلعه بلده برجای مانده است.

منابع: بینایی، ۱۳۶۷، ص ۵۴
ستوده، ۱۳۵۵، صص ۹۶-۲۹۵
صنیع‌الدوله، ۱۳۳۵، صص ۲۳-۱۱۶ و ۶۷-۱۵۹

قلعه تنکا/گودن (تنکابن)

بقایای این بنا بر روی ارتفاعات مجاور روستای خرم‌آباد و ۷ کیلومتری جنوب شهر تنکابن واقع شده و ظاهراً از ساخته‌های قرن ششم هجری است که تا دوره قاجار مورد استفاده بوده است. نام شهر تنکابن نیز احتمالاً برگرفته از نام «قلعه تنکا» است.

از قلعه تنکا برای نخستین‌بار در سال ۵۶۰ هـ.ق نام برده شده است. در حدود ۲۲۹ سال بعد از این تاریخ بار دیگر نام این قلعه در متون تاریخی ذکر می‌شود. در دوره قاجار ساعدالدوله قلعه را تعمیر کرده و مورد استفاده مجدد قرار می‌دهد. ظاهراً آخرین‌بار قلعه تنکا مورد استفاده میرزا کوچک‌خان جنگلی و یارانش قرار می‌گیرد و بعد از آن برای همیشه متروک می‌شود.

سطح تپه‌ای که قلعه بر روی آن قرار گرفته حدود ۴۰۰ متر مربع وسعت دارد که از سمت جنوب با شیب تند و از بقیه جهات با شیب ملایم به دامنه منتهی می‌شود. ارتفاع این تپه از سطح جاده به ۵۰ متر می‌رسد و بر کلیه مناطق پیرامون خود اشراف کامل دارد.

محوطه قلعه محصور در چهار دیواری است که بیشتر آن فرو ریخته و تنها قطعاتی از این حصار با طول‌های مختلف و ضخامت میانگین ۱/۵۰ و ارتفاع باقیمانده ۱ تا ۳ متر برجای مانده است. مصالح بکار رفته در این حصار قلوه‌سنگ و ملات گل و ساروج است. این حصار در مجموع مساحتی در حدود ۳۵۰ متر مربع را دربرمی‌گیرد از دیوار شمالی مشرف به شهر و دریا تنها ۶ متر آن باقی مانده است. این دیواره ۱۴ روزنه به فواصل ۳۰ تا ۵۰ سانتیمتر از یکدیگر و در دو ردیف دارد. قطر این روزنه‌ها که جهت دیده‌بانی و تیراندازی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند، بین ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر است.

منبع: سورتیجی، ۱۳۸۱، صص ۸۹-۸۶

قلعه دیوچال (ساری)

بقایای این بنا بر فراز تپهٔ بلندی در ۷۰۰ متری روستای تاکام و ۲۵ کیلومتری جنوب شهرستان ساری واقع شده و براساس قطعه سفالینه‌های مکشوفه معرف استقراری از هزاره اول ق.م تا دوره ایلخانی است.

تپه‌ای که قلعه بر بالای آن قرار گرفته از سه جهت شیب تندی دارد و تنها از جانب غرب دارای شیب ملایمی است. در مجاورت این تپه

رودخانه تجن جاری است. ارتفاع سطح تپه از رودخانه حدود ۱۰۰ متر است. در جانب شرق و شمال قلعه امروزه آثاری از پی دیوار قلعه به ضخامت ۱/۵ تا ۲ متر از جنس سنگ لاشه و ملات آهکی برجای مانده است. این دیوارهها مساحتی حدود ۲۰۰۰ متر مربع را دربر می‌گیرند. هیچ برج یا حصار بلندی در قلعه دیده نمی‌شود. علاوه بر آثار دیوارهای مذکور در سطح قلعه بقایای حوضچه‌های ذخیره آب مشهود است.

منبع: سورتیجی. ۱۳۸۱، صص ۱۱۳-۱۰۹

قلعه دیو سفید

بقایای این قلعه بر روی تپه‌ای صخره‌ای مشرف به رود تالار و حدود کیلومتر ۱۰ جاده دوآب ـ ورسک واقع شده و با توجه به قطعه سفالینه‌های پراکنده در سطح تپه، به نظر می‌رسد از ساخته‌های سده‌های نخستین اسلامی(و یا دوره ساسانی) باشد که تا دوره صفوی مورد استفاده بوده است.

قلعه دیو سفید در موقعیتی قرار گرفته که امکان کنترل مسیر اصلی طبرستان به داخل فلات ایران و راه انشعابی و قدیم منتهی به شهمیرزاد و سمنان را داشته و همچنین به نظر می‌رسد در ارتباط نزدیک با قلعه «اسپهبد خورشید» قرار داشته است. بخش مرکزی قلعه دیو سفید پلانی تقریباً مستطیل‌شکل دارد(نقشه ش ۳۲۱) و در اصل در دو گوشه با برج‌های مستحکم و مدوری تقویت می‌شده است. سطح قلعه حدود ۴۰۰ متر مربع مساحت دارد اما فضای مستطیل شکل اصلی ابعادی در حدود ۱۰×۲۵ متر دارد. مصالح مورد استفاده در بنا سنگ لاشه و ملات گچ و به مقدار کمتری آجر است.

ارتفاع باقیمانده برج و باروی قلعه در بعضی نقاط به ۱۰ متر و ضخامت آنها به ۱ تا ۱/۷۰ متر می‌رسد. در زاویه شمال‌غربی قلعه برجی توپُر به قطر ۳ و ارتفاع کنونی ۴ متر وجود دارد. این برج با وزن سنگین خود مانع از رانش تأسیسات قلعه می‌شده است. برجی دیگر از همین نوع در گوشه جنوب‌شرقی قرار گرفته و ۳/۵ متر قطر و حدود ۱۰ متر ارتفاع دارد.

دروازه ورودی قلعه متشکل از دو جرز نیم‌استوانه‌ای است که به فاصله ۲/۲۰ متری از همدیگر قرار گرفته‌اند. قطر هر نیم‌استوانه ۲/۵۰ متر و ارتفاع باقیمانده آنها از بیرون حدود ۳ متر است. متصل به این دو جرز و در امتداد آنها به طرف داخل قلعه، دو دیوار هر یک به طول ۵ و ضخامت یک متر احداث شده است که در اصل به حصار قلعه منتهی می‌شده‌اند.

از تأسیسات داخلی قلعه آثار اندکی مشتمل بر دیوارهای سنگی برجای مانده است. در ضلع شرقی قلعه و به فاصله ۶/۵ متری از دیوار این ضلع، بقایای ساختمانی بیضی‌شکل که قسمتی از پوشش گنبدی آن هم برجای مانده، دیده می‌شود. قطر بزرگ بنا ۳ و قطر کوچک آن ۲/۶۰ متر است(نقشه ش ۳۲۲ فضای ش۲). احتمال دارد از این بنا به‌عنوان آب‌انبار استفاده می‌کرده‌اند.

منبع: سورتیجی. ۱۳۸۱، صص ۴۲-۳۴

قلعه کافر /کافر قلعه (ساری)

بقایای این قلعه بر فراز تپه‌ای مرتفع، در ۳۵۰ متری جنوب‌غربی روستای امره و ۱۹ کیلومتری جنوب ساری واقع است و باتوجه به سفالینه‌های مکشوفه، به‌نظر می‌رسد از ساخته‌های سده‌های نخستین اسلامی باشد که تا قرن ۶ و ۷ هجری مورد استفاده قرار گرفته است.

تپه‌ای که قلعه بر آن قرار گرفته حدود ۱۰۰ متر ارتفاع دارد و امروزه قسمت اعظم آن پوشیده از درختان و درختچه‌های جنگلی است. تپه از سه جهت شیب تندی دارد و تنها دسترسی مناسب از جانب شرقی است. از کافر قلعه بقایای حصاری از جنس سنگ لاشه و ملات گچ و آهک برجای مانده که در کل مساحتی در حدود ۵۰۰ متر مربع را دربرمی‌گیرد. امروزه حدود یک متر از بلندی این دیوار، در سمت شمال و جنوب باقی مانده است. ضخامت این حصار به‌طور میانگین در حدود ۱/۲۰ متر است.

در شرق قلعه حوضچه‌ای عمیق و بیضی شکل دیده می‌شود که قطر بزرگ آن ۸/۳۰ متر است. عمق کنونی این حوضچه ۶ متر است. دیواره حوضچه از دو ردیف آجر قرمزرنگ(به ابعاد هر آجر ۷×۲۰×۲۰ سانتیمتر) و ملات آهکی بنا شده و سطح داخلی آن با ساروج اندود شده است.

منبع: سورتیجی. ۱۳۸۱، صص ۱۰۳-۹۵

قلعه‌کنگلو /کنگه‌لی (سوادکوه)

این بنا بر فراز تپه‌ای مخروطی شکل و مرتفع، در نزدیکی روستای کنگه‌لی، از توابع سوادکوه، واقع شده و از قلاع نسبتاً سالم و جالب‌توجه خطه مازندران به شمار می‌آید(تصویر ش ۳۲۲). تپه‌ای که قلعه بر روی آن ساخته شده، به‌صورت مجزا و منفرد قرار گرفته و بر مناطق پیرامون خود اشراف کامل دارد. رودخانه «آریم تنگه» از کنار این تپه می‌گذرد. راه رسیدن به قلعه و روستای کنگه‌لی از کیلومتر ۱۰ جاده دوآب ـ ورسک به سمت چپ و از طریق جاده‌ای است فرعی، به طول ۱۴ کیلومتر که از خطیرکوه آغاز و به دوراهی روستای چاشم ـ کنگه‌لی ختم می‌شود. با توجه به قطعه سفالینه‌های پراکنده بر سطح تپه، به نظر می‌رسد بنای اولیه قلعه در سده‌های نخستین اسلامی ساخته شده و با تعمیرات و بازسازی‌هایی تا دوره‌های متاخرتر مورد استفاده قرار گرفته است(تصاویر ش ۲۶-۳۲۲).

تپه مذکور حدود ۱۰۰ متر ارتفاع دارد و قلعه کنگه‌لی با پلان

منحصر به فرد و مصالح سنگ و گچ بر قلّه آن قرار گرفته است. بنای کنونی قلعه مشتمل بر یک هسته مرکزی و بیضی شکل و دو بازوی مستحکم و دو برج توپُر در دو انتهای بازوها می‌باشد(نقشه ش ۳۲۳). این دو بازو که به‌طرف پایین و دامنه تپه گشوده شده است، جبهه‌ای مستحکم برای قلعه به وجود آورده و همچنین از رانش دیواره اصلی قلعه ممانعت کرده است. برج و بازوها و نیز بنای مرکزی قلعه تا حدود زیادی سالم برجای مانده و تنها کنگره‌ها و بخش‌های کمی از آنها آسیب دیده است. از آنجا که در ملات پوشش بنا و سنگ‌چین‌ها از خرده‌سنگ‌های املاح‌دار، به رنگ قرمز و سنگ‌هایی که اکسید آهن دارند، به همراه گچ استفاده شده است، رنگ قلعه به قرمز آجری متمایل شده است.

ورودی اصلی قلعه رو به شمال و در میانه هسته بیضی شکل بنا قرار گرفته است. این ورودی با قوس بیضوی، ۲ متر ارتفاع و یک متر عرض و ۱/۹۰ متر ضخامت دارد. در مجاورت این ورودی و انتهای شرقی بازوی غربی بنا نیز ورودی دیگری به ارتفاع ۲/۳۵ متر تعبیه کرده‌اند که به فضای باز داخل قلعه راه پیدا می‌کند.

بازوهای قلعه در حدود ۱۳ متر طول دارند و برج‌های توپر انتهای آنها در پایین ۵ متر و در بالا ۴ متر قطر دارند. ارتفاع این بازوها و برج‌ها در حال حاضر ۶ متر و حداکثر ارتفاع بخش مرکزی ۱۰ متر است. بنای مرکزی و بیضی شکل در دو طبقه ساخته شده و پنجره‌هایی رو به بیرون دارد. این پنجره‌ها، پوشش‌های مسطح و تیرپوش داشته‌اند.

در داخل بخش مرکزی دو دیوار به فاصله ۴/۱۵ متر از یکدیگر در جهت جنوبی ـ شمالی کشیده شده‌اند. وضعیت انتهای جنوبی این دیوارها مشخص نیست. در دیوارهای جانبی بنای دو طبقه مرکزی، طاقنماهایی به عمق ۱/۴۵ متر و ارتفاع ۲/۴۰ و عرض دهانه ۳ متر تعبیه کرده‌اند. در حاشیه نمای این طاقنماها، یک کادر تزیینی مقعر به پهنای ۱۸ و عمق ۵ سانتیمتر ایجاد کرده‌اند(تصویر ش ۳۲۶). در دیوار پشتی این طاقنماها، روزنه‌ای مستطیل شکل به عرض ۵۵ سانتیمتر و طول ۲ متر قرار داده‌اند. قلعه کنگه‌لی در سمت غرب و شرق نیز ظاهراً حصاری داشته که امروزه تنها قسمت کوچکی از آن، متصل به بازوی شرقی و به طول ۲/۳۰ و ضخامت یک متر برجای مانده است. ضلع جنوبی قلعه ظاهراً به جهت ختم شدن آن به دره از ابتدا فاقد حصار بوده است.

منابع: ستوده. ج ۴، ۱۳۶۶، ص ۴۷۳

سورتیجی. ۱۳۸۱، صص ۶۸-۵۷

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی مازندران

قلعه مارکوه (رامسر)

بقایای این قلعه بر فراز تپه مرتفع و منفردی در ۲ کیلومتری روستای کتالم، از توابع شهرستان رامسر، واقع شده و قدمت آن با توجه به نمونه سفال‌های جمع‌آوری شده، حداقل به سده‌های نخستین اسلامی برمی‌گردد. در دوره اخیر بر بالای تپه مذکور فرستنده رادیو و تلویزیونی نصب کرده و برای دسترسی به آن راه‌پله‌ای سیمانی با ۳۶۰ پله ایجاد کرده‌اند(تصاویر و نقشه ش ۲۸-۳۲۷).

تپه مذکور با توجه به اشراف کاملی که بر مناطق مجاور دارد، موقعیت بسیار مناسبی برای احداث تأسیسات نظامی فراهم ساخته است. سطح تپه در حال حاضر با انبوه درختان و درختچه‌های جنگلی پوشیده شده و این امر مطالعه قلعه را با مشکل مواجه می‌کند.

مساحت قلعه مارکوه حدود ۶۰۰ متر مربع است و بقایای مشهود آن تماماً با سنگ لاشه و ملات گچ و ساروج بنا شده‌اند. حصار قلعه طرحی تقریباً مستطیل شکل دارد و با برج‌ها و جرزهای پشتیبان مدور استحکام‌بخشی شده است. بیشترین ضخامت حصار ۲/۴۰ و کمترین آن ۴۰ سانتی‌متر است. ضلع شرقی حصار ۳۳ متر، ضلع جنوبی ۱۷/۷۰ متر، ضلع شمالی بدون احتساب برج ۱۴ متر است. ضلع غربی به جهت پوشش انبوه گیاهی قابل‌اندازه‌گیری نیست. در این ضلع بقایای سه برج یا پشتیبان شناسائی شده که به صورت توپُر ساخته شده‌اند.

منابع: ستوده. ج ۳، ۱۳۵۵، ص ۳۷

سورتیجی. ۱۳۸۱، صص ۸۵-۸۱

قلعه مازیار (پل‌سفید)

بقایای این بنا برفراز کوهی در سمت راست پل ورسک و نزدیک روستای ورسک و ۲۹ کیلومتری جنوب شهر پل‌سفید واقع شده و بنای آن منسوب به مازیار ابن‌قارن(حاکم طبرستان، رویان و دماوند در طی سالهای ۲۰۸ و ۲۲۵ هجری) می‌باشد. نامبرده در سال ۲۲۵ هـ.ق به جرم همراهی با بابک خرم‌دین در بغداد به قتل رسید.

برای رسیدن به قلعه مازیار باید از جاده آسفالته پل‌سفید ـ فیروزکوه در امتداد پل ورسک به سمت چپ پیچید و پس از طی مسیری به دامنه شرقی قلعه رسید. ساختار کوهی که قلعه برفراز آن قرار گرفته به‌گونه‌ای است که امکان نفوذ دشمن را به حداقل می‌رساند(تصاویر ش ۳۲-۳۲۹).

از برج و باروی قلعه مازیار امروزه بقایای اندکی برجای مانده است. این بقایا سطحی در حدود یک هکتار را می‌پوشاند. ورودی قلعه با یک نیم‌قوس (قوس شمشیری) پوشش یافته است(تصویر ش ۳۳۲). استفاده از چنین قوسی به جهت قرار گرفتن درگاه در شیب صخره‌ای کوه است. ارتفاع این ورودی ۲/۲۰ متر، فاصله دو پایه آن ۱/۸۰ متر و ضخامت آن یک متر است. جرز مستحکم این درگاه که بر شالوده صخره‌ای نهاده شده، فشار حاصل از رانش طاق را مهار می‌کند. بقایای حصار موجود طرحی تقریباً هندسی را نشان می‌دهد. قسمت اصلی

این حصار به طول ۵۰ و ارتفاع ۳ متر(از داخل)، دارای روزنه‌هایی جهت دیده‌بانی و تیراندازی است. ارتفاع این روزنه‌ها از کف داخلی و کنونی قلعه بین ۴۰ تا ۶۰ سانتیمتر و از بیرون در حدود ۷ متر است. در قسمت داخلی حصار و متصل به آن، اتاق‌هایی وجود داشته که بقایای ۲ واحد از آنها قابل‌شناسائی است. یکی از این اتاق‌ها پنجره‌ای به ابعاد ۱/۲۰×۱/۷۰ متر به بیرون داشته است(فضای ش ۱ نقشه ش ۳۳۰). در این قسمت از حصار همچنین بقایای فضاهای مدوری دیده می‌شود که احتمالاً به‌عنوان برج دفاعی عمل می‌کرده‌اند. برج بزرگ‌تر ۵ متر قطر و ۸ متر ارتفاع دارد و در حال حاضر نیمی از فضای آن از بین رفته است (فضای شماره ۴ نقشه).

از حصار ضلع غربی قلعه تنها بقایای دیواری به طول ۲۵ و ضخامت ۱/۲۰ و ارتفاع متغیر ۴ تا ۵ متر باقی مانده است. زاویه و محل اتصال این ضلع به ضلع جنوبی، مقطع‌ای مدور و گرد شده دارد.

از بناهای داخل قلعه آثار چندانی برجای نمانده است. از جمله بقایای قابل‌توجه، دیواره جانبی ساختمان چند طبقه‌ای است که احتمالاً حاکم‌نشین قلعه بوده است. این دیوار در آغاز شیب غربی قلعه قرار گرفته و ۱۳ متر ارتفاع دارد(تصویر ش ۳۳۱). با توجه به آثار برجای مانده، بنای مزبور در ۳ یا ۴ طبقه ساخته شده بود. بر سطوح این دیواره بقایای اندود گچی و آجری رنگ دیده می‌شود. اتاق‌های این بنا پنجره‌هایی رو به بیرون داشته‌اند.

به فاصله ۲۵ متری حصار ضلع جنوبی، بقایای سکو مانندی به ابعاد ۵×۱۰ و ارتفاع ۲/۱۰ متر وجود دارد که احتمالاً محل ساختمانی بوده است. مصالح استفاده شده در این بنا و بخش‌های دیگر قلعه سنگ‌لاشه و ملات گل و گچ است.

در حدود ۳۵۰ متری قلعه و بر روی کوه آثار دو برج دیده‌بانی وجود دارد.

منبع: سورتیجی. ۱۳۸۱، صص ۳۳-۲۵

تنها راه نسبتاً آسان دسترسی به این قلعه دامنه شرقی صخره است که احتمالاً از طریق ایجاد پلی بر روی دو دیواره طرفین آبشار موجود در این محل، صورت می‌گرفته است.

نقشه بنای قلعه متناسب با ناهمواری‌های سطح صخره شکل گرفته و در کل مساحتی حدود ۱۰۰×۳۰۰ متر را شامل می‌شود. ژاک دمورگان رئیس هیأت حفاری فرانسه در شوش، حدود ۱۱۰ سال پیش، از این قلعه بازدید کرده و نقشه‌ای از آن تهیه کرده است(نقشه ش ۳۳۴). برطبق این نقشه و بقایای معماری موجود، مجموعه بنای قلعه در سطوح مختلفی شکل گرفته و با حصار و برج‌های مدور حراست می‌شده است. ارتباط سطوح مختلف قلعه از طریق راهروهای سرپوشیده و راه‌پله‌ها برقرار می‌شده که امروزه بقایای حداقل یکی از راه‌پله‌های سرپوشیده باقی مانده است. مصالح مورد استفاده در بنا را سنگ‌هایی به ابعاد مختلف و ملات گچ و آهک تشکیل می‌دهد. در بخش‌هایی از بنا همچنین از سنگ‌هایی به ابعاد بزرگ و منظم، به صورت خشکه‌چین، استفاده کرده‌اند. طول و عرض تعدادی از این تخته‌سنگ‌ها به ۱×۲ متر می‌رسد.

برای ساختمان تعدادی از بناها و دیوارها، سطوح صخره را تراشیده و شالوده مناسبی به این منظور ایجاد کرده‌اند. در نقاط مختلف قلعه برج‌های توپر و استوانه‌ای شکل به قطرهای ۱/۵ تا ۲/۵ متر ساخته‌اند که ارتفاع کنونی آنها گاه تا ۶ متر هم می‌رسد. علاوه بر این برج‌ها، حصار مجموعه در نقاط مختلف با برج‌های مدور استحکام‌بخشی شده است. در این قلعه از اندود گچی برای پوشش دیوارها استوار شده و در داخل یکی از اتاق‌ها بقایای تزیینات گچی نیز مشاهده شده است. قطر دیوارهای داخلی بین ۱ تا ۱/۵ متر است.

منبع: سورتیجی. ۱۳۸۱، صص ۸۰-۶۹

قلعه ملک‌بهمن (لاریجان)

بقایای این قلعه بر روی صخره کوهی در نزدیکی روستای شاهاندشت منطقه لاریجان واقع است. قلعه مذکور منسوب به ملک‌بهمن، آخرین امیر سلسله استندار لاریجان و فرزند ملک کیومرث‌بن‌ملک کاووس است که در دوره شاه‌عباس صفوی کشته شده است. با توجه به متون تاریخی ظاهراً این قلعه در آن تاریخ «قلعه دشمنکور» خوانده می‌شده است. علی‌رغم انتساب قلعه به ملک‌بهمن شواهد و قرائن موجود و سفالینه‌های جمع‌آوری شده، تاریخی از قرن چهارم تا یازدهم هجری را برای این بنا تعیین می‌کند.

صخره‌ای که قلعه ملک‌بهمن بر روی آن ساخته شده(تصویر ش ۳۳۳) از موقعیت نظامی و استحفاظی بسیار خوبی برخوردار است.

مرکزی

بقایای ارگ و برج شیشه (اراک)

بقایای به‌جای مانده این بناها در خیابان ادبجو، روبروی خیابان شهید کلاهدوز و در کوچه شهید رنجبر واقع شده است. برج شیشه و عمارت ارگ قدیم که متصل به آن می‌باشد، از بناهای دوره سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار و همزمان با شکل‌گیری و احداث شهر اراک، به مباشرت یوسف‌خان گرجی(سپهدار اعظم) می‌باشند. شهر ساخته شده نقشه‌ای چهارگوش داشته و برج شیشه و ارگ حکومتی در ناحیه شمال‌غربی‌آن قرار داشته‌اند. مقر حکومتی توسط دیواری از بخش‌های دیگر شهر جدا می‌شد. این بخش به‌عنوان مرکز حکومتی و محل سکونت و استقرار حاکم و دیوانیان و برخی نهادهای حکومتی بود.

از مجموعه عظیم ارگ حکومتی تا سال ۱۳۴۰ تنها عمارت نظمیه، خانه سپهدار و برج شیشه باقی بوده است. برج شیشه و خانه سپهدار در سال ۱۳۵۴ به شماره ۱۰۷۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید با این حال چندی بعد بخش اعظم این مجموعه تخریب شد(تصاویر ش ۳۹-۳۳۵) و امروزه تنها آثار ناچیزی از آن برجای مانده است(نقشه ش ۳۳۵ مربوط به قبل از این ویرانی است).

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی استان مرکزی

قلعه آردمین (غرق‌آباد)

این بنا در میانه روستای آردمین از توابع غرق‌آباد واقع شده است. روستای آردمین از کیلومتر ۵۶ جاده ساوه ـ همدان و از طریق سه‌راهی غرق‌آباد و با طی ۱۶ کیلومتر جاده خاکی، در دامنه جنوبی رشته‌کوه‌های رحمان قابل‌دسترسی است(نقشه ش ۳۴۰).

قلعه آردمین با طرح مربع مستطیل ساخته شده و در چهار گوشه آن چهار برج تقریباً مدور وجود دارد. دو برج شمالی قلعه هم‌سطح بام قلعه بوده ولی دو برج جنوبی از ارتفاع بیشتری برخوردارند. برج و بارو و دیوارهای اصلی قلعه(به غیر از برج جنوب‌غربی) همگی با چینه ساخته شده‌اند. برج جنوب‌غربی به جهت وسعت بیشتر و مصالح متفاوت، شاخص‌ترین قسمت بنا در نمای بیرونی است. این برج با طرح استوانه‌ای و با مصالح سنگ لاشه و ملات آهکی ساخته شده و تنها قسمت فوقانی آن چینه‌ای است.

بنای قلعه آردمین با طرح خاصی متشکل از دو قسمت بیرونی و اندرونی ساخته شده و حد فاصل این دو قسمت حیاط روبازی قرار دارد. ساختمان بیرونی در بخش جنوبی قلعه قرار گرفته و شامل یک هشتی ورودی در زیر برج جنوب‌شرقی است، در این قسمت از قلعه یک حیاط نیم‌هشت ضلعی نامتناسبی به‌عنوان تقسیم‌کننده مسیر تعبیه کرده‌اند که به بخش‌های مختلف قلعه دسترسی می‌دهد. در طبقه دوم برج‌های شرقی و غربی این قسمت اتاق و تالاری ساخته شده است.

ساختمان اندرونی، بخش شمالی قلعه و طرفین حیاط اصلی قلعه را شامل می‌شود. در جانب جنوبی این حیاط بنایی است دو طبقه که در هر طبقه آن تالاری در وسط و اتاق‌هایی در اطراف آن ساخته‌اند. هسته اصلی اندرونی را بخش شمالی حیاط تشکیل می‌دهد و شامل ایوان، تالار و شاه‌نشین بوده و در طرفین آنها دو اتاق با صندوقخانه‌هایشان قرار دارد. در شرق این جبهه رو به شمال دو حیاط خلوت و آشپزخانه و متعلقات آن و یک حمام و انبار وجود دارند.

داخل دیواره‌های قطور برج جنوب‌غربی راهروئی(غلام گردش) تعبیه شده که از سه جانب تالار میانی را دربرگرفته است. ارسی‌های سه‌لنگه در دوسوی راهرو و در سه سمت، غرب، جنوب و شرق ارتباط فضای خارج را با تالار برقرار ساخته و منظره بدیعی را برای تالارنشینان پدید می‌آورد. در درون راهرو فوق و در میان دیواره خارجی برج روزنه‌هایی برای دیده‌بانی و تیراندازی تعبیه شده است. قرینه این تالار (البته بدون راهرو پیرامون) بر روی هشتی ورودی و بخش فوقانی برج شرقی ساخته شده است. این تالار نیز از سه جهت و از سه طریق درهای دو لنگه با فضای بیرونی ارتباط پیدا می‌کند.

پوشش بناهای داخلی قلعه عموماً تیرپوش و تخته‌کوبی شده و تنها در راه‌پله‌ها و فضای داخلی حمام از پوشش‌های طاق و گنبد استفاده شده است. آجرهای بکار برده شده در بنا از نظر ابعاد و شکل از تنوع خاصی برخوردارند و عمدتاً درنمای بنا از آنها استفاده شده است. نمای بنا از داخل حیاط با قاب‌های مستطیل آجری که یک در میان باگچ اندود شده‌اند، نماسازی شده است.

منبع: فرهنگی، عادل واسکندر مختاری، ۱۳۶۵، صص ۱۱۳-۱۰۷

قلعه آسیاآباد / اسیرآباد (ساوه)

بقایای این بنا بر روی تپه‌ای باستانی، در جنوب‌شرقی امامزاده سیداسحاق ساوه واقع شده است. قلعه آسیاآباد با استفاده از خشت و گل ساخته شده و قدمت آن به اوایل دوره اسلامی و یا دوره ساسانی برمی‌گردد که امروزه بقایای برج و باروی آن برجای مانده است. ابعاد خشت‌های مورد استفاده در این قلعه ۴۰×۴۰ سانتیمتر است.

منبع: آگاهینامه. ش ۷، ۱۳۵۵، ص ۸

قلعه ابوالفتح‌خان (فراهان)

این بنا در روستای شتریه، از توابع بخش فراهان، واقع شده و احتمال می‌رود از آثار دوره قاجاریه بوده باشد. قلعه ابوالفتح‌خان از خشت و گل ساخته شده و بعضی از قسمت‌های داخلی آن به‌صورت دو طبقه است. بر بالای ورودی قلعه شاه‌نشینی قرار دارد و در پشت سر ورودی، هشتی شش‌ضلعی قرار گرفته که پوشش آن با شمسهٔ زیبایی تزیین شده است. بیشتر قسمت‌های قلعه ابوالفتح‌خان در چند سال اخیر تخریب شده است.

منبع: پوربخشنده. ۱۳۷۹، ص ۷۴

قلعه اسماعیلیه کهک

بقایای این بنا در ۲۰۰ متری روستای کهک، از توابع دهستان «دو دهک» و در آخرین نقطه شمال‌غربی شهرستان دلیجان واقع شده است. همانگونه که از نام قلعه برمی‌آید، از جمله قلاعی بوده که در طی قرن‌های ۷-۵ هجری مورد استفاده پیروان فرقه اسماعیلیه قرار داشته است. قلعه اسماعیلیه کهک برفراز کوهی به‌نام «سن‌قلعه» ساخته شده و بر دهکده کهک و تمامی دره‌ها و راه‌های ارتباطی اشراف دارد.

قلعه کهک با پلان مستطیل شکل و با مصالح سنگ و گل و در جهت شرقی ـ غربی ساخته شده و امروزه تنها بقایای حصار آن برجای مانده و بناهای داخلی به پشته‌ای تبدیل شده‌اند(نقشه ش ۳۴۱). با توجه به وضعیت موجود، موقعیت دروازه قلعه مشخص نیست. ضخامت دیوار قلعه حدود ۶۰ سانتیمتر بوده و چهار برج مدور در چهار گوشه آن قرار داشته است. برج‌های مذکور به قطر ۳/۵ متر و ضخامت دیواره یک متر بنا شده‌اند. راه ورود به برجها از داخل قلعه و از طریق پله‌های سنگی به‌طول ۷۰ سانتیمتر است.

قلعه اسماعیلیه کهک به شماره ۶۹۷۶ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه پاشاخان (فراهان)

این بنا در ۲/۵ کیلومتری غرب روستای تبرته، از توابع بخش فراهان، واقع شده و گفته می‌شود توسط پاشاخان(از سرداران ترکمن فتحعلی‌شاه قاجار، که به دستور پادشاه به همراه طایفه خود به این منطقه کوچ کرده بودند) ساخته شده است. علی‌رغم این، در محوطه قلعه سفالینه‌هایی از دوره صفویه پراکنده است.

قلعه پاشاخان با پلان مربع ساخته شده و در چهار گوشه آن چهار برج مدور خشتی به فاصله ۶۷ متر از یکدیگر قرار گرفته‌اند. حصار قلعه که ارتفاع کنونی آن به ۴ متر می‌رسد، در بیشتر قسمت‌ها هنوز پابرجاست.

منبع: پوربخشنده ۱۳۷۹، ص ۷۲

قلعه پیرزن (فراهان)

بقایای این بنا در ۵ کیلومتری شمال روستای مهرآباد(از توابع فراهان) و بر فراز کوه منفرد و مشهور به «پیرزن» واقع شده و ظاهراً از جمله قلاعی است که مورد استفاده پیروان فرقه اسماعیلیه قرار داشته است.

قلعه پیرزن در موقعیتی ساخته شده که ضمن اشراف بر مناطق پیرامون، دسترسی دشمن به آن دشوار است. تمام سطح قلّه کوه برای احداث قلعه اختصاص یافته است. بنای قلعه با سنگ‌های کوهستان و ملات گل ساخته شده و دارای حصاری به ضخامت ۲ متر می‌باشد. در چهار گوشه بنا برج‌هایی وجود داشته که امروزه تنها آثار اندکی از آنها باقی مانده است. ورودی قلعه احتمالاً در ضلع شمالی آن قرار داشته است.

منبع: پوربخشنده. ۱۳۷۹، ص ۷۵

قلعه تخت‌کوه (دلیجان)

بقایای این بنا برفراز صخره‌ای آهکی در دامنه کوهی به همین نام و در شمال‌غرب روستای رباط ترک و ۶ کیلومتری جاده اصفهان ـ تهران واقع شده و از ساخته‌های دوره اسلامی است.

قلعه تخت‌کوه با پلانی مستطیل شکل و مصالح سنگ و ملات گل ساخته شده است. ارتفاع باقیمانده دیواره‌های قلعه در برخی نقاط به ۵ متر و ضخامت آنها به ۱/۵ متر می‌رسد. دیوار جنوب‌غربی و غربی قلعه تقریباً سالم مانده اما دیوارهای دیگر تخریب شده‌اند. قلعه دارای چهار برج توخالی بوده که به‌جز برج جنوب‌غربی بقیه برج‌ها تقریباً سالم مانده‌اند. قسمت فوقانی این برج‌ها با چینه ساخته شده است(نقشه ش ۳۴۲).

در داخل قلعه بقایای دیوار بناهای داخلی پراکنده‌اند. در بیرون از حصار نیز بقایای چند بنا دیده می‌شود. قلعه تخت‌کوه به شماره ۶۹۶۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه جوقا (دلیجان)

بقایای این بنا بر فراز کوهی در یک کیلومتری شرق روستای درب جوقا(از توابع دهستان هستیجان) و جنوب‌شرقی شهرستان دلیجان واقع است. با توجه به سفالینه‌های مکشوفه، بنای اولیه قلعه مربوط به پیش از اسلام است که در دوره اسلامی و به‌ویژه صفویه بازسازی و مورد استفاده قرار گرفته است.

قلعه جوقا دارای پلانی مربع‌شکل به ابعاد ۲۰×۲۰ متر است(نقشه ش ۳۴۳) و بر روی صخره‌ای ساخته شده که از سه جهت به پرتگاه منتهی می‌شود. این قلعه نیز همانند سایر قلاع منطقه دارای حصاری با چهار برج دفاعی است. دیوار شمالی و غربی این حصار و سه برج آن تخریب شده و تنها برج جنوب‌غربی آن سالم است. ضخامت حصار بین ۹۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر بوده و متناسب با پستی و بلندی‌های صخره شکل گرفته است. در دیوار جنوبی قلعه چهار تیرکش عمودی وجود دارد. این دیوارها با سنگ لاشه و ملات گل ساخته شده و ارتفاع باقیمانده آن در برخی نقاط به ۴ متر می‌رسد. در محوطه داخلی

وجنوبی قلعه آثار دیوارهای سنگی چهار اتاق قابل‌شناسائی است.

نزدیکترین منبع آب به قلعه، قنات یغما می‌باشد که در ۲ کیلومتری شمال‌شرقی قلعه واقع شده است.

قلعه جوقا به شماره ۶۹۷۵ در فهرست آثار ملی بـه ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه جوقان (فراهان)

بقایای این بنا در ۵۰۰ متری شمال روستای تبرته، از توابع بخش فراهان، واقع شده و بر اساس سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه قلعه، بنای اولیه آن قبل از اسلام ساخته شده و در دوره اسلامی بازسازی و مورد استفاده مجدد قرار گرفته است.

قلعه جوقان با وسعتی در حدود ۷۵×۹۱ متر ساخته شده و در چهار گوشه آن بقایای چهار برج دفاعی دیده می‌شود. در وسط باروی جنوبی نیز بقایای دو برج وجود دارد. قطر دیوار پیرامون قلعه در پایین به ۲ متر می‌رسد و ارتفاع باقیمانده آنها نیز در حدود ۷ متر است. برج‌ها با خشت‌هایی به ابعاد ۵×۲۲×۲۲ سانتیمتر ساخته شده‌اند و در درون آنها راه‌پله مارپیچی شکلی جهت دسترسی به طبقه فوقانی، تعبیه شده است.

منبع: پوربخشنده ۱۳۷۹، ص ۷۲

قلعه چمن‌آلاله (فراهان)

بقایای این بنا در حدود ۲۰۰ متری جنوب روستای مخلص‌آباد، از توابع بخش فراهان، واقع شده و بر اساس سفالینه‌های موجود به نظر می‌رسد از آثار اواسط دوره اسلامی بوده باشد. قلعه چمن‌آلاله با طرح چهارگوش، دارای چهار برج دفاعی است که دو برج شمال‌غربی‌و جنوب‌شرقی آن سالم مانده‌اند.

منبع: پوربخشنده. ۱۳۷۹، ص ۷۲

قلعه حاج‌وکیل (اراک)

این بنا که اکنون به ساختمان مدیریت میراث فرهنگی استان تغییر کاربری داده است، در خیابان شهید چمران و کوچه بن‌بستی به نام وکیل واقع شده است. بانی اصلی قلعه حاج‌وکیل، یک شرکت انگلیسی سوئیسی‌الاصل به‌نام «زیگلر» بود که با هدف تولید و تجارت فرش و با همراهی کمپانی‌های دیگر به احداث این مجموعه وسیع در سمت شرق و بیرون شهر اقدام نمود. این مجموعه شامل کارگاه‌های تولید فرش، رنگرزی و منازل مسکونی بود. که در دوره قاجار و با نظارت انگلیسی‌ها ساخته شد. پس از انحلال این شرکت، مجموعه فوق توسط یکی از ثروتمندان اراک به‌نام حاج‌محمدحسن هیئتی وکیل، خریداری و از آن پس به نام قلعه وکیل شهرت یافت. ساختمان کنونی(نقشه و تصاویر ش ۴۶-۳۴۴) تنها بخش کوچکی از کل مجموعه اولیه است. این ساختمان به مساحت تقریبی ۹۰۰ متر، در محوطه‌ای به مساحت ۳۸۰۰ متر مربع و در دو طبقه ساخته شده است.

قلعه حاج وکیل به شماره ۱۷۷۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه دختر ساوه

بقایای این بنا برفراز صخره‌ای در ۲۳ کیلومتری جنوب‌غربی ساوه و مجاورت روستای قیزقلعه(قلعه‌دختر) واقع شده و ظاهراً از جمله قلاع اسماعیلیه در طی قرون ۷-۵ هجری بوده است.

قلعه دختر ساوه بر روی صخره بلندی که از دو طرف آن دو رودخانه کوچک عبور می‌کنند، ساخته شده و با مساحتی در حدود ۳ هکتار از دو بخش متمایز تشکیل می‌شود. قسمت اول حصار و فضاهای معمولی و بخش پایینی قلعه را شامل می‌شود و قسمت دیگر شامل مجموعه مسکونی و قصر مانندی است که در مرتفع‌ترین نقطه صخره قرار گرفته و از طرح معماری ویژه‌ای برخوردار است(نقشه ش ۳۴۷).

ورود به قلعه از طریق راه‌پله‌های سرپوشیده و کنده شده در صخره صورت می‌گیرد. یک سمت این راه‌پله‌ها را دیواره صخره‌ای و سمت دیگر آنها را دیواری از لاشه‌سنگ فراگرفته است. پنج راه‌پله در پشت بنا و دوتای آن هم در قسمت غرب بنا و در ارتفاع چند متری از سطح رودخانه قرار دارند و به اتاق‌هایی در دل صخره منتهی می‌شوند. این اتاق‌ها اغلب تودرتو بوده و در ارتباط با یکدیگر قرار داشته‌اند.

حصار قلعه نظم مشخصی ندارد و شکل آن تابعی از شکل صخره است. در قسمت‌هایی از این حصار بقایای برج‌های تدافعی و دیده‌بانی به اشکال نیم‌دایره دیده می‌شود. ضلع جنوبی این حصار نیز از داخل با پشتبندهایی تقویت شده است.

بخش اصلی قلعه یا محوطه قصر، طرحی مربع مستطیل، به ابعاد ۲۵/۳۰×۲۴ متر دارد و شامل یک راهروی میانی است که در دو طرف آن تعدادی اتاق، تقریباً به قرینه یکدیگر شکل گرفته‌اند. این بقایا بیشتر به کاخ می‌ماند تا یک بنای معمولی نظامی. در بعضی از قسمت‌های ساختمان اصلی، بقایای طبقه دومی دیده می‌شود. گمان می‌رود طبقه سومی نیز وجود داشته است.

در جوار بنای اصلی، در سمت دروازه بنای دیگری احداث کرده‌اند که نمازخانه در آن قرار داشته است و محراب آن هنوز در قسمت جنوب‌غربی دیده می‌شود.

منابع: ذکایی ساوجی. ۱۳۷۵، صص ۲۰۸-۱۹۸
کلایس. ۱۳۶۶، صص ۱۱۰ و ۱۲۵
گزارش‌های باستان‌شناسی در ایران. ۱۳۵۴، صص ۱۳-۳۱۱

قلعه دزدور (دلیجان)

بقایای این بنا بر فراز کوهی در یک کیلومتری جنوب‌غربی روستای مزوش، از توابع هستیجان شهرستان دلیجان، واقع شده و بنای اولیه آن منسوب به دوره تاریخی است اما در دوره اسلامی بازسازی و مورد استفاده مجدد قرار گرفته است.

قلعه دزدور با پلان مربع شکل و چهار برج نیم‌دایره و مصالح سنگ و گل ساخته شده است. امروزه بنای قلعه تخریب شده و تنها حصار آن به ارتفاع حدود ۱/۵ متر باقی مانده است.

بقایای قلعه دزدور به شماره ۶۹۸۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه راونج (دلیجان)

بقایای این بنا در جنوب‌شرقی روستای راونج، از توابع دهستان دودهک شهرستان دلیجان، واقع شده و از ساخته‌های دوره قاجاریه به شمار می‌آید. قلعه راونج بر فراز تپه‌ای در میان دو دره سرسبز واقع و به خاطر دارا بودن شش برج به «قلعه شش برجی» نیز معروف است.

قلعه راونج با پلان مستطیل شکل، در جهت شرقی ـ غربی بنا شده و دیوار شرقی و برج جنوب‌شرقی آن به طور کامل تخریب شده و در آن قسمت دبستانی ساخته‌اند. ارتفاع باقی مانده دیوارهای قلعه ۳ تا ۵/۵ متر است. برج‌ها نیز حدود ۶ تا ۷ متر ارتفاع دارند و به صورت نیم‌دایره ساخته‌شده‌اند. برج‌های اضلاع طولی قلعه از داخل طرحی چهارگوش دارند و فضای داخلی آنها مورد استفاده بوده است.

دیواره داخلی این برج‌ها با طاقچه و طاقنما، نماسازی شده است. این برج‌ها تا ارتفاع ۱ تا ۱/۵ متری با لاشه سنگ و ملات گل و قسمت بالای آن با خشت و گل ساخته شده‌اند. نمای بیرونی برج‌ها با خشت و طرح‌های لوزی و زیگزاگی تزیین شده است. دیواره‌های قلعه نیز در پایین با لاشه‌سنگ و در بالا با چینه کار شده است. بناهای داخلی قلعه به‌طور کامل ویران شده‌اند.

قلعه راونج به شماره ۶۹۷۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه رضاقلیخان (فراهان)

این بنا در روستای عزیزآباد، از توابع بخش فراهان، واقع شده و در دوره قاجار توسط رضاقلیخان قائم‌مقام، بنا گردیده است. بر اساس ماده تاریخ موجود در بنا، ساختمان قلعه در زمان مظفرالدین‌شاه به انجام رسیده است.

قلعه رضاقلیخان دارای چهار حیاط و واحد مستقل است که هرکدام دارای بیرونی و اندرونی می‌باشند. ارتفاع دیوارهای قلعه به ۶ متر می‌رسد. از برج‌های قلعه، برج شمال‌شرقی تا حدودی سالم مانده است. دروازه بزرگ و قدیمی قلعه از الوارهای بزرگ و قطور ساخته شده است. بنای اصلی و داخلی قلعه دارای ایوان‌هایی است با ستون‌های چوبی کنده‌کاری شده. در پوشش این قسمت از تزئینات قاب‌بندی(تخته‌کوبی) استفاده کرده و بر تخته‌ها جملاتی نگاشته‌اند. بیشتر این جملات یا اشعار در مدح حضرت علی(ع) و ائمه‌اطهار است.

منبع: پوربخشنده. ۱۳۷۹، ص ۷۳

قلعه ریزه سینقان (دلیجان)

بقایای این بنا بر فراز کوهی در ۲ کیلومتری شمال روستای سینقان، از توابع دهستان هستیجان شهرستان دلیجان، واقع شده و بنای اولیه آن منسوب به دوره تاریخی است. محلی که قلعه ریزه بر بالای آن ساخته شده، بر تمامی منطقه هستیجان اشراف دارد(نقشه ش ۳۴۸).

قلعه ریزه سینقان با پلان مستطیل شکل در جهت غربی ـ شرقی ساخته شده و دسترسی به آن از جانب شرقی کوه که شیب ملایمی دارد صورت می‌گیرد. در این سمت قلعه، بقایای دروازه‌ای وجود دارد. برای ساخت قلعه ابتدا سطح مورد نظر را با چیدن لاشه‌سنگ به صورت مسطح درآورده و سپس دیواره‌ای قلعه را بر روی این سطح یا سکو برافراشته‌اند. در گوشه شمال‌غربی‌بنا، برجی نیم‌دایره وجود دارد. سایر برج‌های قلعه تخریب شده‌اند. دیوار اصلی قلعه تا ارتفاع ۳ تا ۵/۳ متری با سنگ لاشه و ملات گل بالا آمده و بعد از آن با خشت ساخته شده است. در این دیوار روزنه‌هایی جهت دیده‌بانی و تیراندازی تعبیه شده است. نزدیکترین منبع آب به قلعه، قنات ریزه در غرب آن می‌باشد.

قلعه ریزه سینقان به شماره ۶۹۷۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه سالار محتشم (خمین)

این بنا در شهرستان خمین واقع شده و در اواخر دوره قاجاریه توسط میرزا علی‌خان، ملقب به سالار محتشم بنا گردیده است. این قلعه در اصل در درون باغ مشجری قرار داشته و دیوارهای بلندی آن را محصور می‌کرده است(نقشه و تصاویر ش ۵۴-۳۴۹).

بنای اصلی قلعه با طرح مستطیل شکل و در جهت شرقی ـ غربی

ساخته شده و مشتمل بر دو طبقه است. در طبقه اول شبستان و هشت اتاق به ابعاد مختلف وجود دارد که عملکردی خدماتی و مسکونی داشته‌اند. در قسمت غرب شبستان حوضخانه‌ای با طرح چلیپا وجود دارد که از نوع سردابه تابستانی محسوب می‌شود و دارای پوششی تزیینی از آجر است. در جلو شبستان ایوانی سرتاسری قرار گرفته که پوشش مسطح آن در جلو بر روی ۱۰ ستون میانی و دو جرز و ستون کناری قرار گرفته است(نقشه ش ۵۰-۳۴۹).

سطح زیرین پوشش ایوان با قاب‌های مربع شکل چوبی آراسته شده است. دسترسی به طبقه فوقانی بنا از طریق راه‌پله‌های دو سمت بنا صورت می‌گیرد. در این طبقه ۱۳ فضای مختلف به همراه راهروها و ایوان قرار گرفته‌اند. ایوان این طبقه از نظر پلان مشابه طبقه تحتانی است. ستون‌های این ایوان با روکشی از گچ اندود شده است. تزیینات بنا شامل قاب‌بندی سقف و نقاشی می‌شود.

قلعه سالار محتشم به شماره ۵۸۰۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه قلمستان (فراهان)

بقایای این بنا در شمال روستای کمرک، از توابع بخش فراهان، واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید. از قلعه قلمستان امروزه تنها برجی به ارتفاع ۴ و قطر ۶ متر، از خشت و گل برجای مانده است.

منبع: پوربخشنده، ۱۳۷۹، ص ۷۳

قلعه قنبرعلی (فراهان)

بقایای این بنا بر فراز تپه‌ای به ارتفاع حدود ۳۰ متر، در ۴۰۰ متری شمال روستای «داین» دشت سینه‌سیاه(از توابع بخش فراهان) واقع شده است. بنای اولیه قلعه منسوب به دوره تاریخی است که با بازسازی و تعمیراتی تا اواسط دوره اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است.

قلعه قنبرعلی به تبعیت از شکل سطح تپه، به شکل ذوذنقه، از سنگ لاشه و ملات گل ساخته شده و ظاهراً بیش از ۲ برج مدور به قطر ۲ متر در شمال‌شرقی و جنوب‌شرقی نداشته است. اضلاع شمالی، جنوبی، شرقی و غربی قلعه به ترتیب ۱۷، ۲۷، ۴۶ و ۳۵ متر طول دارند. ضخامت دیوارها نیز ۲ متر است. در پشت باروی شرقی پشتبندی به شکل نیم‌دایره و قطر ۳ متر ساخته‌اند.

در محوطه داخلی قلعه، اتاق‌های متعددی وجود داشته که آثار آنها نشان‌دهنده حضور افراد زیادی در دوره آبادانی، در قلعه است. در ضلع شرقی ۱۱ اتاق، در ضلع غربی ۶ اتاق و در اضلاع شمالی و جنوبی ۴ اتاق وجود داشته‌اند. طول قلعه از شمال به جنوب ۴۰ متر و عرض آن ۲۸ متر است.

با توجه به نظم خاصی که در ساختمان اتاق‌های این قلعه وجود دارد، بنا احتمالاً کارکردی نظامی داشته است.

منبع: پوربخشنده، ۱۳۷۹، ص ۷۵

قلعه گرگان (آشتیان)

این بنا در روستای گرگان و ۳ کیلومتری شهرستان آشتیان واقع شده و در دوره قاجار توسط میرزا مصطفی‌خان مستوفی گرگانی ساخته شده است.

قلعه گرگان شامل سه بخش بیرونی، اندرونی و بهاربند است. این قلعه دارای برجی است که قسمت جان‌پناه آن ویران شده است. این برج در سه طبقه بنا شده که طبقه سوم آن اختصاص به شاه‌نشین دارد. برج از بیرون طرحی استوانه‌ای شکل دارد ولی شاه‌نشین یا طبقه سوم آن از داخل هشت ضلعی است. طول اضلاع کوچک این شاه‌نشین ۱/۲۰ متر و اضلاع بزرگ‌تر ۳ متر است.

در یکی از اضلاع بزرگ بخاری دیواری با تزیینات گچبری تعبیه شده است. بغیر از بخاری، طاقچه‌هایی نیز در دیوارها کار شده است. این اتاق یا شاه‌نشین پنج در و پنجره دارد که چهار عدد آنها به بیرون عمارت نگاه می‌کنند. وجود این تعداد در و پنجره در تابستان باعث تلطیف و خنکی هوای درون می‌شده است. پوشش اتاق با تزیینات قاب‌بندی و نقاشی مزین شده است. طبقات دیگر برج کارکردی خدماتی و انباری داشته‌اند.

منابع: آثار تاریخی اراک، ۱۳۵۲، صص ۷۱-۷۰

قریب، ۱۳۶۴، صص ۴۳-۴۱

قلعه محمدرضاخان (فراهان)

این بنا بر فراز تپه‌ای باستانی، در روستای خسروان سفلی(از توابع بخش فراهان) واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید.

قلعه محمدرضاخان متشکل از شش واحد مسکونی اربابی بوده که همه واحدها به هم راه داشتند. خانه‌ها به صورت دو طبقه بوده و در زیر پوشش تیرچوبی اتاق‌ها، پرتوها یا تخته چوب‌هایی کوبیده و بر روی آنها آیات قرآنی و اشعاری نوشته شده است. بر روی یکی از این پرتوها، تاریخ ۱۳۰۳ هجری ثبت شده است.

منبع: پوربخشنده، ۱۳۷۹، ص ۷۴

قلعه مرد (دلیجان)

این بنا در ۱۴ کیلومتری شمال‌غربی‌شهر دلیجان و بر فراز کوهی در غرب دریاچه سد ۱۵ خرداد واقع شده و بر اساس سفالینه‌های جمع‌آوری شده، بنای اولیه آن مربوط به دوره تاریخی است که در دوره

اسلامی و قرن ۷ هجری مورد استفاده مجدد قرار می‌گیرد.

قلّه کوهی که «قلعه مرد» بر آن ساخته شده، از سه جهت به پرتگاه منتهی می‌شود و تنها از طریق دره شمالی و سمت غربی قلعه دسترسی به آن، آنهم با دشواری امکان‌پذیر است. در قسمت شرقی کوه و در دل صخره، کانال یا راهروئی برای دسترسی به قلعه کنده‌اند. در سمت شرقی همین کانال اتاقی در دل صخره کنده شده که دارای روزنه‌های کوچک و بزرگ به‌منظور دیده‌بانی است.

در بخش جنوبی قلعه و نزدیک پرتگاه، دیوارها و بقایای بناهایی از سنگ و ساروج، به ضخامت دیواره ۹۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر و ارتفاع باقیمانده ۷۰ تا ۱۶۰ سانتیمتر وجود دارد. در مرکز قلعه حوضچه‌هایی به شکل مربع و مستطیل و گرد تا عمق ۳/۱۰ متر در صخره کنده شده‌اند. در بخش شرقی نیز سه اتاق نسبتاً بزرگ وجود دارد که سه دیواره آن را از شیب صخره تراشیده و تنها دیوار جلوئی آن به ضخامت ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر از سنگ و ساروج ساخته‌اند.

قلعه مرد به شماره ۶۹۷۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه میرزا اسدالله (فراهان)

بقایای این بنا در روستای آهنگران، از توابع بخش فراهان، واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید.

بیشتر قسمت‌های قلعه تا حدود ۱۰ سال پیش سالم بود. اما اکنون تنها برج شرقی و غربی آن نسبتاً سالم مانده‌اند. قسمت‌هایی از بناهای داخلی قلعه به صورت دو طبقه بوده و تزییناتی داشته‌اند.

منبع: ۱۳۷۹، ص ۴-۷۳

قلعه مزیرآباد / میرز آباد (فراهان)

بقایای این بنا در حدود ۲ کیلومتری شمال روستای جونوش، از توابع بخش فراهان، واقع شده است.

قلعه مزیرآباد با نقشه مربع‌شکل و به ابعاد ۱۰۰×۱۰۰ متر ساخته شده و در طول حصار آن تعداد ۱۷ برج وجود داشته که به فاصله بین ۱۶ تا ۶۰ متر از یکدیگر قرار داشته‌اند. برج و باروی قلعه با خشت و چینه ساخته شده و برج‌های اصلی دارای پلکان مارپیچی و آجری در قسمت داخلی می‌باشند. در محوطه داخلی قلعه آثار دیوارها و اتاق‌ها و تأسیسات مربوط به قلعه برجای مانده است. درگذشته پیرامون قلعه خندقی وجود داشته است.

منبع: پوربخشنده. ۱۳۷۹، ص ۷۳

قلعه نشست‌آباد (دلیجان)

بقایای این بنا در ۳ کیلومتری دلیجان و ۳۰۰ متری شرق جاده آسفالته تهران ـ اصفهان و در داخل دشت و میان مزارع و باغات واقع است. بنای اولیه قلعه منسوب به دوره تاریخی است که در دوره اسلامی بازسازی شده و مورد استفاده قرار گرفته است(نقشه ش ۳۵۵).

قلعه نشست‌آباد با پلان مربع و با چهار برج نیم‌دایره در چهار گوشه ساخته شده و در ساخت آن از مصالح خشت و چینه استفاده شده است. هر چهار دیوار این قلعه تقریباً سالم برجا مانده‌اند و ارتفاع آنها به ۱۰-۸ متر و ضخامتشان به ۲ تا ۲/۵ متر می‌رسد. قلعه دارای دو ورودی است که ورودی شمالی در دوره‌های بعد با خشت مسدود شده و امروزه تنها ورودی آن در بخش غربی قرار دارد و در کنار آن اتاقی برای نگهبانی ساخته‌اند. در دیوار جنوبی قلعه علاوه بر برج نیم‌دایره، برجی مستطیل شکل نیز در بین دو برج کناری تعبیه کرده‌اند.

داخل قلعه ساختمان‌های مسکونی بسیاری وجود داشته که همگی از خشت و گل ساخته شده و با پوشش‌های طاق و گنبد مسقف شده بودند. بخش زیادی از این بناها تخریب شده‌اند. در اطراف قلعه بقایای خندق مشهود است.

قلعه نشست‌آباد به شماره ۶۹۸۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی استان مرکزی

هرمزگان

قلعه پرتقالی‌ها (جزیره هرمز)

بقایای این بنا در رأس شمالی جزیره هرمز واقع شده و از آثار دوره استعمار پرتقالی‌ها و قرن ۱۶ میلادی است.

جزیره هرمز در سده ۱۵ و ۱۶ میلادی در ارتباط با تجارت دریایی با هند رونق بسیار داشت که این امر در کنار موقعیت مناسب این جزیره در تنگه هرمز و خلیج‌فارس سبب شد تا پرتقالی‌ها در حدود سال ۱۵۰۰ میلادی و در رقابت با انگلیسی‌ها وارد منطقه شوند. آنها به رهبری آلفونسو آلباکرک، نماینده پادشاه پرتقال در هند شرقی، در سال ۱۵۰۷ میلادی(۹۱۳ هجری) با هدف کنترل تجارت دریایی، در جزیره هرمز مستقر شده و استحکاماتی در آنجا احداث نمودند که ظاهراً «مورنا» نامیده شد. در سالهای بعد این استحکامات گسترش پیدا کرد و تقویت شد و به تدریج به قلعه مستحکمی تبدیل گردید. پرتقالی‌ها در نقاط دیگر منطقه از جمله جزیره قشم نیز مبادرت به ساخت استحکامات نظامی نمودند. این وضعیت همچنان ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۰۳۱ هجری(۱۶۲۲م) و سلطنت شاه عباس اول، نیروهای ایرانی با کمک انگلیسی‌ها توانستند جزیره هرمز و قلعه نظامی آن را متصرف شوند. شاه عباس اول بعد از بازپس‌گیری جزیره، سکنه آن را به گامرون(بندرعباس سالهای بعد) کوچ داد و جزیره هرمز برای مدت نسبتاً طولانی خالی از سکنه شد و رهبری فعالیت‌های بازرگانی را بندر جدید(بندرعباس) به عهده گرفت.

استحکامات نظامی پرتقالی‌ها، منطقه‌ای به طول ۲۶۰ و عرض ۱۷۶ متر را دربرمی‌گیرد. این استحکامات در طول ۱۱۵ سال و در طی چند مرحله ساختمانی شکل گرفته است(نقشه و تصاویر ش ۶۱-۳۵۶). بخش اصلی مجموعه قلعه‌ای است پنج ضلعی به وسعت ۸۰×۹۰ متر(در نقشه با رنگ تیره‌تر نشان داده شده است) که نیمه جنوبی آن در میان ساختمان‌های مرحله جدیدتر باقی مانده و نیمه‌شمالی آن در اثر تغییرات و بازسازی‌ها از میان رفته است. از حصار سراسری این بخش، قسمت‌هایی از جمله تأسیسات دروازه و زیربنای یک کاخ(همانگونه که لازمه یک قلعه اروپائی قرون وسطاست) باقی مانده است. آب‌انبار بزرگ و مستطیل شکل قلعه نیز در این قسمت قرار دارد. دو برج شش‌گوشه که در طرفین دروازه قلعه اصلی قرار دارند، در وضع نسبتاً خوبی به سر می‌برند. دروازه از سمت بیرون دارای یک شبکه چوبی (حفاظ درب) بوده که قسمت‌هایی از آن در قسمت پایین قاب کشوئی که در آن حرکت می‌کرده، باقی مانده است.

در تنها برج چهارگوش قلعه اصلی که هنوز پابرجا مانده و حداقل چهار طبقه بلندی داشته، در زیر سقف مسطح طبقه دوم آن، گوشواره‌هایی دیده می‌شود که در نگاه اول به نظر می‌آید برداشتی از نمونه‌های معماری ایرانی باشد.

در حدود اواسط قرن ۱۶م آلبا کرک در قلعه اصلی و برای تقویت آن، تغییراتی انجام داد که در نتیجه آن برج چهارگوش با دیوار جدیدی تقویت شد و حصار قلعه که ۱/۶۰ متر ضخامت داشته و در برابر حملات گسترده توپخانه مقاوم نبوده، از بیرون با حصار دیگری مستحکم گردید. برج‌ها نیز به همین صورت استحکام‌بخشی شدند؛ خصوصاً برج چهارگوش که در بالای آن یک برج مدور بی‌قاعده برای استقرار عراده‌های توپ بنا شد. در دوره دوم ساختمانی، در مقابل تأسیسات دروازه استحکامات عظیم مدوری بوجود آمد، زیرا برج‌های قبلی استحکام کافی را نداشتند. در نیمه دوم قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷، پرتقالی‌ها تأسیسات گسترده‌ای در اطراف قلعه قدیمی بوجود آوردند. در این مرحله که چهارمین و آخرین مرحله ساختمانی را شامل می‌شود، استحکاماتی بنا شد که با مدرنترین اصول هنر جنگ انطباق داشت. این استحکامات به صورت یک سپر حجیم با برج و باروی مستحکم، جبههٔ جنوبی قلعه را در برابر گلوله‌های توپ محافظت می‌کرده است.

کنگره‌های حصار کوتاه ساخته شده‌اند و مدافعان می‌توانستند به‌طور درازکش از بین آنها تیراندازی کنند. امروزه برج و باروی جنوبی سخت آسیب دیده و نیمی از آن ناپدید شده است، در عوض محل استقرار توپ‌ها در حصار کوتاه شمالی برج و باروی جنوب‌غربی، قابل‌شناسائی است. محل استقرار توپخانه سنگین در حصار ارتباطی جنوبی نیز پابرجاست و دریچه‌های مربوط به عراده‌های توپ در حصار ارتباطی هنوز به چشم می‌خورد. امروزه تعدادی از توپ‌های مورد استفاده در این قلعه، در معرض دید قرار داده شده است.

دروازه اصلی استحکامات که رو به سوی خشکی داشته، در پناه برج و باروی جنوب‌شرقی قرار گرفته است. بخش‌های شمالی قلعه به صورت مجتمع‌ای بوده که حصاری به ضخامت ۵ متر آن را در بر می‌گرفته است. در این مجتمع اتاق‌های مسکونی خدمه و اسلحه‌خانه‌ها در یک ردیف و کنار حصار ساخته شده بودند. سقف این اتاق‌ها به منظور ایجاد فضای خنک، بلند و نعلی شکل ساخته شده است. ارتفاع بخش‌های مختلف بنا از ۱۱ متر(در قسمت‌های شرقی، شمالی و غربی) تا ۲۴ متر(در قسمت برج قلعه) متغیر بوده است. تمامی قلعه از سنگ لاشه و سنگ‌های مرجانی دریا و در قسمت نما از سنگ‌های مکعب‌شکل بادبُر، ساخته شده است. از گچ مرغوب و بسیار سخت نیز به‌عنوان ملات و همچنین اندود سطوح مختلف استفاده کرده‌اند.

در قلعه پرتقالی‌ها دو نمونه جالب از معماری آب‌انبارها باقی مانده است. یکی از آنها که در حیاط قلعه اصلی قرار داشته به وسعت ۱۵/۳۰×۵/۸۰ متر و عمق اصلی ۳ متر ساخته شده بود و گنجایش ۲۶۳ متر مکعب آب را داشته است. پوشش طاقی این آب‌انبار در میانه بر روی ۱۰ ستون سنگی قرار می‌گرفت. شیوه طاق‌زنی این بخش یکی

از نمونه‌های جالب هنر طاق‌زنی اواخر دوره گوتیگ اروپا است که تا امروز سالم برجای مانده است(تصویر ش ۳۶۱). آب‌انبار دیگری در بیرون حصار قلعه اصلی و با طرح بیضی شکل ساخته شده که گنجایش بیشتری دارد.

در وسط تیغه شمالی ارتفاعات کوهستانی هرمز، در رأس یک صخره که دید وسیعی به طرف غرب و شرق هرمز دارد، ویرانه‌ای به نام «بی‌بی‌گل قلعه» وجود دارد که راه مارپیچ و شیب‌دار نسبتاً سالمی به آن منتهی می‌شود. این مخروبه مربوط به یک برج دیده‌بانی است که تنگه را زیر نظر داشته و به قلعه پرتقالی‌ها علامت می‌داده است. امروزه از این بنا در رأس صخره، یک راه‌پله و یک دیوار سنگی باقی مانده است.

قلعه پرتقالی‌ها به شماره ۱۹۹۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: پازوکی. ۱۳۷۶، صص ۶۲-۲۵۷؛ کلایس. ۱۳۷۰، صص ۹۵-۹۰ کیانی. ۱۳۸۰، صص ۱۰۸-۱۰۷؛ ورجاوند. ۱۳۵۴، صص ۲۹-۲۴ ورجاوند. ۱۳۵۵، صص ۱۱۲-۹۹؛ مصطفوی. ۱۳۶۹، ص ۵۷

قلعه سنگی / پرتقالی‌ها (قشم)

بقایای این بنا در کنار شهرک قشم و در فاصله چند متری از ساحل قرار دارد و منتسب به سال‌های اولیه قرن ۱۶ میلادی و اشغالگران پرتقالی است.

قلعه سنگی قشم دارای دو حصار چهارگوش با برج‌هایی در گوشه‌های این حصارهاست که اکنون تنها برج‌های حصار داخلی برجای مانده است. در پشت حصار اول، دور تا دور خندق عریضی به پهنای حدود ۱۰ متر وجود داشته که اکنون قسمتی از آن با خاک پر شده است. دیوارسازی قلعه به کمک سنگ‌های مرجانی مکعب شکل و سنگ لاشه و ملات گچ و ساروج انجام شده است. سنگ‌های تراشیده و بادبُر در روکار بنا بکار رفته است. در زمان آبادانی سطوح دیوارها با اندود گچ پوشیده می‌شد. بر بالای دیوارها جان‌پناهی برای نگهبانان و تیراندازان وجود داشته است.

تنها راه ورود به قلعه در گوشه جنوب‌شرقی قرار گرفته و سقفی کوتاه دارد، به‌گونه‌ای که عبور سواره از آن غیرممکن است. بنای اصلی قلعه در جانب شمالی قرار داشته و طرحی مستطیل شکل دارد. در میان محوطه قلعه یک آب‌انبار مستطیل‌شکل وجود دارد که پوشش گهواره‌ای شکل آن فرو ریخته است. علی‌رغم انتساب این قلعه به پرتقالی‌ها، شیوه معماری آن به آثار دوره ساسانی شباهت دارد.

قلعه سنگی قشم به شماره ۲۲۰۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: ورجاوند. ۱۳۵۵، صص ۴۷-۴۵

قلعه کوهستک (میناب)

این بنا که به قلعه شاداب نیز شهرت دارد، بر فراز صخره کوهی در کوهستک از توابع شهرستان میناب واقع شده است. بنای اولیه قلعه مربوط به دوره تاریخی است اما با بازسازی و تعمیراتی در دوره اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

محمدعلی سدیدالسلطنه در دوره قاجار از این قلعه شرحی تهیه کرده که به ذکر آن می‌پردازیم: «آن قلعه را هم شاداب و هم کلاگت گویند، خاک کوهستک واقع شده، آن عبارت از یکپارچه کوه مرتفع خدا آفرینی است که بر سه طبقه تقسیم می‌شود. در شمال آن پرتگاهی است به ارتفاع ده الی دوازده قامت، در مشرق و مغرب آنهم دره و پرتگاه است و دره مغرب بسیار ژرف است، و آن قلعه را فقط یکراه از طرف جنوب باشد... و راهی است بسیار تنگ و باریک... دروازه‌ای که بعداً نصب کرده از چوب سندوس است و یک لنگه آن افتاده... قریب آن دروازه آثار چند مخروبه‌ای پیداست، از آن دروازه به دالان قلعه درآیند. پس وارد حیاط طبقه اول شوند... قدم‌گاهی است در آنجا که نسبت آنرا به حضرت ولایت پناهی علی‌ابن‌ابیطالب دهند.

گویند در قدیم تعداد سیصد و شصت و شش آب‌انبار در آنجا بوده و حال انباشته شده‌اند، حالیه فقط چهار آب‌انبار موجود است که مملو از آب باشند. چاهی در آنجا هست تقریباً عمق آن شش قامت شود و آب گوارائی دارد... عرض حیاط از مشرق به مغرب تقریباً صد و پنجاه ذرع شاه است. طول آن از شمال تا به دامنه طبقه دومین تقریباً چهارصد ذرع شاه شود. همه آن محوطه را... اهالی کنار جو زراعت نمایند. در طبقه دومین آثار آب‌انبار بزرگی است که انباشته شده، درخت کنار بزرگی هم در آنجا هست. طبقه سومین را هم شاه‌نشین و هم نارنج قلعه گویند، دو سنگر از خود کوه در آن طبقه ترتیب داده‌اند... سنگر دیگر برای محافظت جانب مشرق قلعه و حاشیه کوه که رو به شمال واقع است، می‌باشد. قلعه مزبور در رشته‌کوهی واقع شده که از طرف مشرق به‌جانب میناب ممتد می‌شود، مغرب و جنوب آن کوه صحرا می‌باشد. شمال آن صحاری میناب است، مشرق آن همه جبال واقع گردیده...».

منبع: سدیدالسلطنه. ۱۳۶۳، صص ۸-۶۰۶

قلعه لشتان (بندر لنگه)

بقایای این بنا بر فراز کوهی در کناره ساحل و ۶ کیلومتری شمال‌شرقی بندر لنگه واقع شده و مربوط به دوره اسلامی و احتمالاً قرن ۱۰ هجری است.

درون قلعه لشتان ده‌ها راهرو، دخمه و اتاق حجاری شده که در ترکیب آنها هنوز تغییر چندانی حاصل نشده است. در اتاق‌ها طاقچه‌هائی به‌چشم می‌خورد. قلعه همچنین دارای اصطبل و محل‌های مخصوص نگهبانی است. تعدادی از راهروهای سنگی و زیرزمینی قلعه

تا نقاط دورتری ادامه داشته‌اند که به‌مرور زمان منهدم شده‌اند. به موازات این قلعه و در داخل آب، برج مدوری وجود دارد که احتمالاً در ارتباط با این قلعه قرار داشته است.

منابع: قلعه لشتان، ۱۳۵۶، ص ۱۸

اقتداری، ۱۳۴۸، ص ۵۰۰

قلعه مغویه (بندر لنگه)

این بنا در شهرستان بندر لنگه واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید که به شماره ۲۲۳۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است(تصویر ش ۳۶۲).

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه نادری (قشم)

این بنا در لافت قشم و در مجاورت بنایی از دوره قاجاریه واقع شده و بنیاد آن به نادرشاه افشار نسبت داده می‌شود. قلعه نادری دارای ۴ برج مربع‌شکل سنگی بوده و ورودی آن در ضلع جنوبی قرار داشته است. در پیرامون این قلعه تعداد ۵۰ چاه سنگی وجود دارد که در سطح گسترده‌ای در اطراف قلعه کنده شده‌اند و عموماً شکلی مدور دارند. این چاه‌ها در حال حاضر نیز آب اهالی منطقه را تأمین می‌کنند.

منبع: کیانی، ۱۳۸۰، صص ۸۵-۸۴

همدان

برج انوج (ملایر)

این بنا در روستای انوج، از توابع دهستان سفیدکوه بخش سامن واقع شده است. روستای انوج در ۴۵ کیلومتری جنوب‌غربی شهرستان ملایر واقع است.

برج انوج با پلان دایره، در سه طبقه با خشت و گل و چینه ساخته شده و از آثار دوره قاجاریه محسوب می‌شود(تصویر ش ۳۶۳).

محسن جانجان

برج بیدکریه (ملایر)

این بنا در مرکز روستای بیدکریه وسطی و ۴۰ کیلومتری جنوب شهرستان ملایر و در مسیر جاده ملایر ـ اراک واقع شده و از آثار اوایل دوره قاجاریه به شمار می‌آید. برج بیدکریه در اصل به همراه بناهای مجاور خود، مجموعه‌ای مسکونی و دفاعی را تشکیل می‌داده است. برج مزبور با پلان دایره در چهار طبقه و با مصالح آجر و خشت ساخته شده و ارتفاعی در حدود ۱۶ متر دارد. از قطر برج با افزایش ارتفاع کاسته می‌شود. قطر میانی برج در طبقه سوم به ۲/۵ متر می‌رسد. جبهه داخلی برج با خشت و نمای بیرونی آن با آجرهای قرمز رنگ ساخته شده است.

محسن جانجان

برج خانقلی سامن (ملایر)

این بنا در میان ساختمان‌های جدید محله چال خانقلی بخش سامن، از توابع شهرستان ملایر، قرار گرفته و قدمت بنای اولیه آن به ۷۰۰ سال پیش برمی‌گردد(تصاویر ش ۶۵-۳۶۴).

برج خانقلی با پلان دایره به قطر پایینی ۱۵ متر، در چهار طبقه با مصالح خشت و گل ساخته شده است. طبقه چهارم برج در جریان حمله روس‌ها و جنگ جهانی اول تخریب شده است.

محسن جانجان

برج دروازه (تویسرکان)

این بنا در روستای دروازه، از توابع شهرستان تویسرکان واقع شده و در سال ۱۲۰۰ هـ ق توسط پدر سرهنگ یاور ساخته شده است.

محسن جانجان

برج قلقل (تویسرکان)

این بنا در روستای قلقل از توابع شهرستان تویسرکان واقع شده و از آثار قرن دهم هجری به شمار می‌آید.

محسن جانجان

برج کل‌آباد (تویسرکان)

این بنا در روستای کل‌آباد از توابع شهرستان تویسرکان واقع شده و به سال ۱۳۰۰ هـ ق توسط عباس‌خان نانکلی ساخته شده است.

محسن جانجان

قلعه ازناوله (ملایر)

این بنا در روستای ازناوله و کنار جاده آسفالته ملایر ـ جوزان و حدود ۱۵ کیلومتری جنوب‌شرقی شهرستان ملایر واقع شده است. قلعه ازناوله حدود ۱۵۰ سال پیش به صورت کنونی بر روی پایه‌های بنای قدیمی‌تری ساخته شده و امروزه به خانواده مختاری تعلق دارد (تصاویر ش ۶۷-۳۶۶).

قلعه ازناوله با نقشه چهار ضلعی، به ابعاد هر ضلع حدود ۷۰ متر با مصالح خشت، گل، چینه و به مقدار کمتری آجر ساخته شده و در چهار گوشه آن چهار برج با پلان دایره قرار گرفته است. برج‌ها در سه طبقه ساخته شده‌اند. طبقه پایین این برج‌ها دارای طاق خشتی و طبقات فوقانی پوشش تیر چوبی دارند. ارتفاع باقیمانده حصار قلعه به حدود ۶ متر و ارتفاع برج‌ها به ۸ متر می‌رسد. ورودی قلعه در ضلع جنوبی آن واقع شده و دارای نمائی آجری با قوس جناقی و پوشش کاربندی است. از طریق این ورودی و هشتی پشت‌سر آن می‌توان بداخل قلعه راه یافت. بناهای اصلی و دو طبقه قلعه در جبهه شمالی آن قرار گرفته و همانند برج‌ها، طبقه تحتانی آن پوششی طاقی و طبقه فوقانی پوشش تیر چوبی دارد. بناهای مذکور شامل یک‌سری اتاق‌های تودرتو می‌شوند که در دیواره‌های آنها طاقچه‌ها، رف‌ها و بخاری دیواری تعبیه شده است.

محسن جانجان

قلعه اشتران / حمزه‌خان (تویسرکان)

این بنا در روستای اشتران و ۲۵ کیلومتری شمال‌غربی‌شهرستان تویسرکان واقع شده و از آثار اوایل دوره قاجاریه به شمار می‌آید (تصویر ش ۳۶۸).

قلعه اشتران یا حمزه‌خان با پلان مربع مستطیل و مصالح آجر و خشت و گل و در قسمت شالوده با قلوه سنگ، ساخته شده و در چهار گوشه آن برج‌های چهارطبقه، با پلان دایره قرار گرفته است. بناهای داخلی قلعه در دو طبقه ساخته شده و امروزه بخش‌های زیادی از آن ویران شده است.

محسن جانجان

قلعه بادامستان (اسدآباد)

این بنا که امروزه آثار قابل توجهی از آن برجای نمانده، سابق بر این

بر بالای تپه‌ای به‌نام «بادامستان» و در میان اراضی دهکده بیاج، از توابع شهرستان اسدآباد، واقع بوده است. قلعه بادامستان تا اواخر دوره قاجار سرپا بوده و سالها شجاع‌الممالک به همراه خانواده خود در آن زندگی می‌کرده‌اند. این قلعه بیش از هزار متر مربع وسعت داشته و در بنای آن از آجر، قلوه‌سنگ، گچ و آهک استفاده کرده بودند. آجرهای بکار رفته در بنا به ابعاد ۸×۴۱×۴۱ و ۷×۴۰×۴۰ سانتیمتر بودند.

منبع: گلزاری، ۱۳۷۵، ص ۸۲

قلعه باشقورتاران / قز قلعه‌سی (کبودرآهنگ)

بقایای این بنا بر فراز تپه‌ای در ۴ کیلومتری شمال‌غربی روستای باشقورتاران، از توابع شهرستان کبودرآهنگ واقع شده و از آثار دوره اسلامی و احتمالاً قرن ۵ و ۶ هـ ق به شمار می‌آید.

تپه‌ای که قلعه بر روی آن ساخته شده با حدود ۵۰ متر ارتفاع بر نقاط پیرامون اشراف کامل دارد. قلعه باشقورتاران چون دیگر قلعه‌های کوهستانی فاقد نقشه منظم هندسی است و متناسب با شکل صخره و تپه، با مصالح سنگ لاشه و ملات ساروج ساخته شده است. امروزه بخشی از حصار قلعه به ارتفاع ۴ الی ۵ و قطر ۲ متر برجای مانده است. در داخل قلعه نیز بقایای آب‌انباری با اندود ساروج دیده می‌شود.

بهزاد بلمکی

قلعه حسام‌الملک (اسدآباد)

این بنا که امروزه آثار قابل توجهی از آن برجای نمانده، سابق بر این بر فراز تپه‌ای در میان دهکده کلنگ‌تپه اسدآباد واقع بوده و از قلاع خوب دوره قاجاریه به شمار می‌آمده است. قلعه مزبور در اواخر سلطنت فتحعلیشاه قاجار، توسط کلبعلی‌خان حسام‌الملک ساخته شده بود.

قلعه حسام‌الملک بنائی چهار گوشه بود، به طول و عرض ۲۰۰×۲۵۰ متر که در چهار گوشه آن، چهار برج مرتفع و دو طبقه ساخته بودند. برج و باروی قلعه از چینه ساخته شده بود و دیوارها در پایه حدود ۳ متر ضخامت داشتند. بر بالای دروازه ورودی اتاق‌هایی و در داخل قلعه هفت حیاط با ساختمان‌های مجزا و بزرگ وجود داشت.

بعد از حسام‌الملک پسرش، حسن‌خان سرتیپ این قلعه را بازسازی و تکمیل نمود و یک تالار بزرگ و مجلل با تزئینات آئینه‌کاری و کتابخانه‌ای معظم، با کتب خطی نفیس به آن افزود. کتب و اشیاء ارزشمند این قلعه در جریان جنگ جهانی اول توسط روس‌ها به غارت رفت و خود بنا نیز در سال‌های بعد از رونق افتاده و به مرور زمان ویران شد.

منبع: گلزاری، ۱۳۵۷، صص ۹۱-۹۰

قلعه حسن‌خانی (نهاوند)

این بنا که امروزه به‌طور کامل از میان رفته، سابق بر این در جنوب‌شرقی شهر نهاوند قرار داشته و در اوایل دوره قاجار توسط محمدحسنخان قاجار، پدر امیرنظام که نسقچی‌باشی فتحعلی‌شاه قاجار بود، ساخته شده بود.

قلعه حسن‌خانی تا اوایل دوره پهلوی آباد و مدتی جهت استقرار نظامیان مورد استفاده بوده است. این قلعه با نقشه چهارضلعی و برج‌هایی در هر گوشه ساخته شده بود.

منابع: افراسیاب‌پور، ۱۳۸۱، صص ۲۳-۴۲۲

زابلی، ۳۷-۱۳۳۶، ص ۲۸

قلعه حمیل‌آباد (تویسرکان)

بقایای این بنا در روستای حمیل‌آباد و ۴۰ کیلومتری جنوب‌شرقی شهرستان تویسرکان واقع شده و به سال ۱۲۱۰ هـ ق توسط حاج‌علی‌خان یاور ساخته شده است.

قلعه حمیل‌آباد با پلان مربع مستطیل و مصالح خشت و گل ساخته شده و امروزه بخش وسیعی از آن ویران شده است.

محسن جانجان

قلعه خانلرخان (اسدآباد)

بقایای این بنا در اراضی دهکده گذرگجین اسدآباد واقع شده و ساختمان آن در دوره قاجار توسط کلبعلی‌خان حسام‌الملک شروع و توسط فرزندش خانلرخان به اتمام رسیده است. قلعه خانلرخان با نقشه مربع مستطیل بنا شده و در چهار گوشه آن چهار برج مدور تعبیه شده است. از بناهای داخلی این قلعه چیزی سالم برجای نمانده است. نقشه و شیوه معماری این قلعه شباهت زیادی به قلعه صاحب‌اختیاریه دهکده خاکریز (البته در ابعاد کوچک‌تر) دارد.

منبع: گلزاری، ۱۳۵۷، ص ۹۷

قلعه دختر همدان

بقایای این بنا بر فراز کوهی در فاصله بین قلّه الوند و گردنه و معبر معروف تویسرکان به همدان و در جاده شاهی گنجنامه واقع شده است. بنای اولیه قلعه به اوایل دوره اسلامی و یا دوره ساسانی مربوط می‌شود. امروزه از بنای قلعه دختر تنها بقایای سنگی پی‌ها، پلکان‌های سنگی تراشیده در صخره و بقایای آجرهای فروریخته برجای مانده است. قلعه‌دختر همدان در نقطه‌ای ساخته شده که اشراف مناسبی به راه‌های ارتباطی پیرامون دارد.

منبع: جهانپور، ۱۳۵۴، ص ۵۴

قلعه سلیمان‌خان بوربور (ملایر)

این بنا در روستای اسلام‌آباد از توابع بخش جوکار شهرستان ملایر و در سر راه ارتباطی ملایر به همدان واقع شده است. زمان ساخت قلعه دقیقاً مشخص نیست ولی با توجه به کتیبه حمام روستا که سال ۱۲۰۸ هـ.ق را نشان می‌دهد و با توجه به ویژگی‌های معماری قلعه، می‌توان آن را از آثار اوایل دوره قاجاریه دانست(تصاویر ش ۷۰-۳۶۹).

قلعه سلیمان‌خان در زمینی به مساحت حدود یک هکتار ساخته شده و پیرامون آن را حصاری مرتفع از خشت و چینه گرفته است. ارتفاع متوسط بخش باقیمانده دیوار به حدود ۸ متر می‌رسد. در طول این حصار و در فواصل هر ۴۰ متر تعداد ۱۰ برج برای دفاع و نیز استحکام دیواره تعبیه شده که قطر پایه آنها حدود ۱۰ متر و ارتفاع متوسط و باقیمانده آنها نیز ۱۰ متر می‌باشد. بیشتر وسعت این برج‌ها بیرون از حصار قرار گرفته است.

در محوطه درونی حصار ۳ قلعه جداگانه وجود دارد که قلعه شمال‌شرقی مربوط به محمودخان، فرزند مصطفی‌خان است و مشتمل بر اندرونی، بیرونی و حمام با طاق آجری می‌باشد. ۳ جبهه حیاط این بخش دارای نمای زیبای آجرکاری است. ساختمان ضلع جنوب‌غربی مربوط به سلیمان‌خان بوده که امروزه از آن تنها بقایای چند دیوار برجای مانده است. در ضلع شمال‌غربی‌قلعه نیز ساختمانی مشتمل بر اندرونی و بیرونی قرار دارد که نسبتاً سالم و مسکونی است. این بخش به عظام‌الملک، معروف به قوام همایون، تعلق داشته است. سلیمان‌خان بوربور پس از مدتی تمامی قلعه را از مالکین آنها که همگی نسبت فامیلی باهم داشتند، خریداری نموده و ضمیمه ساختمان خود می‌کند.

ورودی اصلی قلعه در ضلع جنوبی واقع و دارای سردر آجری است که به فضای چهار طاقی راه پیدا می‌کند. از این بخش و از طریق کوچه مانندی می‌توان به بخش‌های مختلف قلعه دسترسی پیداکرد. در حال حاضر پس از گذشت یک دهه از فوت مالک قلعه، بخش اعظم بنا تخریب شده است.

محسن جانجان

قلعه شاهدیز (تویسرکان)

این بنا در روستای شاهدیز و ۲ کیلومتری جنوب‌شرقی شهرستان تویسرکان واقع و در حدود سال ۱۲۰۰ هـ.ق توسط حاج‌سلیم مالمیر ساخته شده است. قلعه شاهدیز با پلان مربع‌مستطیل و مصالح خشت و گل ساخته شده و در حال حاضر سالم و مورد استفاده است.

محسن جانجان

قلعه صاحب‌اختیاریه (اسدآباد)

بقایای این بنا در ضلع جنوب‌شرقی روستای خاکریز، از توابع شهرستان اسدآباد واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به‌شمار می‌آید. این قلعه به دستور «خان باباخان»، پسر سلیمان‌خان صاحب‌اختیار ساخته شده است(نقشه ش ۳۷۱).

قلعه صاحب‌اختیاریه که بناهای داخلی آن ویران شده، با نقشه مستطیل‌شکل به ابعاد ۱۰۱×۱۳۱/۵ متر ساخته شده و مصالح اصلی آن را خشت، چینه، گل و به مقدار کمتری آجر و سنگ تشکیل می‌دهد. در چهارگوشه قلعه چهار برج مدور ساخته شده که برج جنوب‌غربی تا حدی سالمتر است. بلندی باقی‌مانده این برج حدود ۶ متر و قطر آن ۷ متر است. دروازه ورودی قلعه در ضلع جنوبی آن قرار دارد. در طرفین این دروازه دو طاقنما با طاق جناغی و در طرفین این طاقنماها دو حجره یا شاه‌نشین به عرض ۳/۸۷ و عمق ۲/۰۶ متر تعبیه شده است. ورودی بنا نیز دارای طاق جناغی است. در طرفین درب ورودی دو سکو قرار گرفته است.

بناهای داخلی قلعه ویران شده و محوطه آن امروزه به باغ درختان میوه تبدیل شده است. گلزاری در کتاب خود شرحی از این بناها ارائه داده که به ذکر چکیده آن می‌پردازیم: «بنای داخلی قلعه از پنج حیاط با ساختمان مجزا و دو قطعه زمین وسیع که به نارنجستان معروف بوده، تشکیل می‌شده است. حیاط اصلی قلعه در هر چهار ضلع دارای بناها و اطاق‌هایی بوده که به شخص خان باباخان و فرزندان ذکور آن مرحوم تعلق داشته و دارد. محل نشست و رسیدگی به امور در بناهای ضلع شمالی این حیاط بوده که به استثنای تالار مرکزی آن که خراب گردیده بقیه اطاق‌های آن سالم است. یکی دیگر از حیاط‌ها، اندرونی خان باباخان بوده... سالمترین قسمت بنای قلعه زیرزمین‌هایی است که در ضلع شمالی قلعه قرار دارد.»

منابع: گلزاری، ۱۳۵۷، ص ۸۶-۸۴
مطالعات میدانی

بهزاد بلمکی

قلعه عباس‌خان چنار علیا (همدان)

این بنا بر فراز تپه‌ای در کنار روستای چنار علیا واقع شده و از آثار دوره قاجاریه و متعلق به یکی از خوانین محل بوده است. مالکیت قلعه عباس‌خان در حال حاضر در اختیار یکی از وراث عباس‌خان است که در قسمتی از بخش غربی قلعه سکونت دارد. قلعه عباس‌خان با نقشه مربع شکل، به ابعاد ۴۵×۴۵ متر ساخته شده و متشکل از دو بخش شرقی و غربی است که بخش غربی جدیدتر از بخش دیگر است. بخش شرقی با خشت ساخته شده و فضاهای بیشتری از آن با طاق‌های ضربی مسقف شده است. در برخی از قسمت‌های بنا از آجر و

طرح‌های آجرکاری نیز استفاده کرده‌اند. ورودی بنا در شرق آن قرار دارد.

منبع: مطالعات میدانی

بهزاد بلمکی

قلعه قلیچ خان (ملایر)

بقایای این بنا در روستای احمدیه، از توابع بخش مرکزی شهرستان ملایر و ۲۵ کیلومتری این شهرستان واقع شده و از آثار اواخر دوره زندیه و اوایل قاجار به شمار می‌آید. قلعه قلیچ‌خان که بخش اعظم آن ویران شده با پلان مربع مستطیل و مصالح خشت و گل ساخته شده است.

محسن جانجان

قلعه کرزان (تویسرکان)

این بنا در روستای کرزان و ۷ کیلومتری شمال‌غربی شهرستان تویسرکان واقع شده و از آثار دوره قاجاریه و ساخته‌های مجید نظام، به سال ۱۲۱۰ هـ.ق می‌باشد.

قلعه کرزان با طرح مربع مستطیل و در دو طبقه و با مصالح خشت و آجر ساخته شده است. این قلعه مسکونی تقریباً سالم و قابل‌استفاده است و به‌جز طبقه فوقانی آن که تجدید ساختمان شده، مابقی به حالت قدیمی خود باقی مانده است.

محسن جانجان

قلعه نهاوند

این بنا که امروزه آثار ناچیزی از آن برجای مانده سابق بر این بر فراز تپه‌ای در میانه بافت قدیم شهرستان نهاوند واقع بوده و از قلاع مهم و کهن منطقه به شمار می‌آمده است. قدمت بنای اولیه قلعه ظاهراً به دوره ساسانی برمی‌گردد که در دوره‌های مختلف اسلامی چندین‌بار بازسازی و مورد استفاده مجدد قرار گرفته است؛ از جمله بازسازی سال ۱۰۲۰ هـ.ق که به دستور شاه‌عباس اول و سرکاری مهدی‌قلی‌بیگ میرآخورباشی صورت گرفته است. بنای دوره صفوی به‌مرور زمان دچار ویرانی شد تا اینکه در سال ۱۲۳۵ هـ.ق محمود میرزا، حاکم نهاوند و پسر فتحعلیشاه قاجار آن را بازسازی می‌کند و ظاهراً در این دوره «روئین‌دژ» نام می‌گیرد. بنای بازسازی شده بعد از ۷۰ سال به دستور ناصرالدین‌شاه قاجار و بدلایل امنیتی، تخریب و به تدریج آثار آن نابود و بناهای جدیدی به جای آن ساخته می‌شوند. در حال‌حاضر چند تونل زیرزمینی و قسمتی از سنگ‌های زیربنای این قلعه برجای مانده است.

ناصرالدین شاه قاجار به هنگام عزیمت به عتبات این قلعه را دیده و در «سفرنامه عراق و عجم» خود شرحی از آن ارائه داده است: «رو به قلعه‌ای که مرحوم محمودمیرزا ساخته است می‌رفتیم تا رسیدیم به پای قلعه. در آنجا میدانگاه و فضای وسیعی بود. از این‌جا گذشته رسیدیم به دروازه دیگر و بعد محوطه‌ای است که اگر این تخته پل را بردارند هیچ‌کس نمی‌تواند داخل این قلعه شود. آمدیم توی عمارت اندرونی و بیرونی معتبر وجای خواجه‌سرا و حمام و اتاق‌ها و منازل متعدد دارد. رفتیم توی اتاقی، تمام شهر و اطراف و صحرا از آن‌جا پیدا بود... توی این قلعه و عمارت آب ندارد. گاو چاه دارد... دروازهٔ اولی هم وارد شدیم. خیلی دروازه عالی و مرتفعی است با کاشیکاری خوب و برج‌های محکم کاشی‌کاری هم داشته، خیلی برج و قلعه محکمی است». دکتر فوریه پزشک ناصرالدین‌شاه که در این سفر شاه را همراهی می‌کرد، در ارتباط با قلعه نهاوند آورده است: «این قلعه بنایی است مربع شکل و از جهت بزرگی و چهار برجی که در گوشه دارد باشکوه است. قسمت بالای این برج‌ها را از آجرهای دو رنگ به شکل لچکی‌هایی منظم درست کرده‌اند. این قسمت در میان رنگ تیره و یکنواخت دیوارها نمایش مخصوص پیدا کرده. چون مدخل قلعه را قدری بالا ساخته‌اند باید به وسیله‌ی پله‌ای به آن راه یافت و در داخل آن آب‌انبار بزرگی است». در اطراف این قلعه خندقی نیز وجود داشته است.

منابع: افراسیاب‌پور. ۱۳۸۱، صص ۱۸-۴۱۴

زابلی. ۳۷-۱۳۳۶، صص ۳۳-۲۹

فلاندن. ۱۳۶۰، ص ۲۲۰

قلعه نهندر (ملایر)

این بنا بر فراز تپه‌ای در مجاورت روستای نهندر و ۲۳ کیلومتری ملایر و در مسیر اصلی ملایر به اراک واقع شده و احتمالاً از آثار اواخر دوره زندیه و اوایل قاجاریه می‌باشد(تصویر ش ۳۷۲).

قلعه نهندر با پلان چهار ضلعی و مصالح خشت و گل و به مقدار کمتری سنگ، ساخته شده است. در چهار گوشه این حصار چهار برج دفاعی با طرح دایره تعبیه شده است.

محسن جانجان

قلعه هادی‌خان (کبودر آهنگ)

این بنا در داخل روستای باشقورتاران، از توابع شهرستان کبودرآهنگ، واقع شده و از ساخته‌های هادی‌خان حبیبی(از خوانین سابق روستا) است.

دیوار اصلی قلعه مشرف به روستا بوده و در ساخت آن از ردیف‌های چینه و سنگ استفاده کرده‌اند. در وسط این دیوار برج نیم‌دایره و نیز دروازه ورودی نسبتاً بزرگی قرار گرفته است. بعد از این ورودی هشتی کوچکی قرار دارد که راه را به دو قسمت تقسیم کرده است. یکی از راه‌ها به ساختمان شمالی قلعه و دیگری به ساختمان

میانی قلعه که دارای نمای آجری است، راه می‌یابد. واحدهای مسکونی داخل حصار قلعه از دو قسمت تحتانی، با دیوارهای خشتی و فوقانی، با آجرهای قرمز رنگ و انواع طرح‌های آجرکاری، تشکیل شده است.

شاه‌نشین عمارت که اتاق اصلی را تشکیل می‌دهد دارای سه درب است و در طرفین آن دو راه‌پله قرار دارد.

منبع: مطالعات میدانی

بهزاد بلمکی

يزد

باروی شهر یزد

امروزه تنها بقایای اندکی از برج و باروی شهر یزد در محله فهادان باقی مانده است اما سابق بر این تمامی بافت قدیمی یزد توسط باروی مستحکمی احاطه می‌شده است. حصار قدیمی شهر یزد در سه قسمت و در سه دوره تاریخی مجزا بنا گردیده است: بخشی که در محله شاهزاده فاضل و قلعه کهنه قرار داشته از ساخته‌های دوره آل‌مظفر بوده، بخش محله مالمیر(مادر امیر) از دوره اتابکان یزد و بخش واقع در محله فهادان و سید گلسرخ از ساخته‌های دوره ابوجعفر کاکوئیه بوده است(تصاویر و نقشه ش ۷۷-۳۷۳).

باروی قدیمی شهر یزد در فواصل معین دارای برج‌های دفاعی نیم‌دایره بوده و در قسمت بالا تیرکش‌ها و کنگره‌هایی داشته است. تعدادی از برج‌ها دارای طرح‌های تزئینی خشتی و آجری بوده‌اند. بخش‌های باقیمانده این بارو در دوره اخیر تعمیر و مرمت شده و به شماره ۹۵۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: سیدحسینی، ۱۳۸۱، ص ۳۱

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

برج توت (اردکان)

این بنا بر فراز تپه‌ای در مجاورت روستای توت، از توابع دهستان زرین بخش خرانق شهرستان اردکان واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید(تصاویر و نقشه‌های ش ۸۱-۳۷۸).

برج توت جهت دیده‌بانی و حفاظت از روستا و اموال روستائیان در برابر غارتگران و راهزنان ساخته شده و علاوه بر دیده‌بانی، مردم روستا اموال خود را در مواقع خطر در آن انبار می‌کرده‌اند. بنای برج توت با نقشه مدور، در سه طبقه و از سنگ و ساروج ساخته شده است. در قسمت فوقانی برج تیرکش‌ها و روزنه‌هایی جهت دیده‌بانی و دفاع تعبیه شده است. انتهای دیواره‌های برج نیز به صورت کنگره درآمده است. ارتباط طبقات مختلف برج از طریق راه‌پله‌ای امکان‌پذیر است.

برج توت به شماره ۲۳۵۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

برج چاه ریگ (عقدا)

این بنا در نزدیک کوه سیاه و منفردی، در سه فرسخی خلیل‌آباد به طرف غرب و در کنار راهی که به رباط باغمیش منتهی می‌شود، واقع شده و از آثار دوره صفویه محسوب می‌شود. ساخت این برج احتمالاً در ارتباط با مسائل حفاظتی و جاده مذکور بوده است.

منبع: افشار، ۱۳۴۸، ص ۳۹

برج حاجی‌آباد (بافق)

این بنا در روستای بهاباد، از توابع شهرستان بافق واقع شده و از آثار دوره قاجاریه به شمار می‌آید. این برج به جهت مسائل حفاظتی و دفاعی ساخته شده است.

برج حاجی‌آباد بنائی است با طرح مدور که در دو طبقه بنا گردیده است. ارتباط طبقات مختلف برج از طریق یک راه‌پله مارپیچی برقرار می‌شود. ورودی کوچک برج در ارتفاع ۴ متری قرار دارد و در بالای برج نیز روزنه‌هایی برای تیراندازی و دیده‌بانی تعبیه شده است.

منبع: افشار، ۱۳۴۸، ص ۱۹۴

دروازه شاهی / قطریان (یزد)

دروازه شاهی یا قطریان در شهر یزد واقع است و آثار تعمیرات و بازسازی‌های دوره‌های مختلف بر روی آن دیده می‌شود. بنای اصلی این دروازه مربوط به دوره دیلمیان و از ساخته‌های چهار سرهنگ دستگاه علاءالدوله دیلمی است و از عصر صفوی به این طرف به دروازه شاهی مشهور شده است. دروازه کنونی دارای دربی چوبی، یک لنگه و قدیمی است که قسمت‌هایی از رویه آن آهنکوب شده و ظاهراً از ساخته‌های دوره تیموری است. ذکر این دروازه در «جامع‌الخیرات» و «تاریخ یزد» مکرر آمده است.

منبع: افشار، ۱۳۵۴، ص ۶۸۶

دروازه هفتادر (اردکان)

بقایای این بنا که به «بزگله کن» شهرت دارد در قسمت شرقی آبادی هفتادر، از توابع شهرستان اردکان، واقع شده و احتمالاً بنای اولیه آن از ساخته‌های قرن نهم هجری است. دروازه هفتادر از آجر ساخته شده است.

منبع: افشار، ۱۳۴۸، ص ۵۰

قلعه ابوالقاسم رشتی (رحمت‌آباد یزد)

این بنا در شمال آبادی رحمت‌آباد و ۹ کیلومتری شهر یزد واقع است.

قلعه ابوالقاسم رشتی بنائی است وسیع که در سال ۱۲۵۵ هـ ق توسط حاجی ابوالقاسم تاجر رشتی، بانی مزرعه رحمت‌آباد، ساخته شده است. قسمت جنوب‌شرقی قلعه به خانه اربابی اختصاص داشته و کاملاً همانند یک خانه شهری بنا گردیده است. بر سردر این خانه سنگ نوشته‌ای نصب شده و بر آن نام بانی و تاریخ ساخت حک شده است.

منبع: افشار، ۱۳۵۴، ص ۸۴

قلعه ارنون (مهریز)

این بنا در ارنون/ ارنان مهریز واقع و در حدود ۱۰۰ سال قبل بنا گردیده است. قلعه ارنون بنائی است مسکونی با دیوارهای چینه‌ای بلند که تاریخ بنای آن در چینه بدین عبارت نقر شده است: «عمل استاد محمدقاسم فی‌سنه ۱۳۲۰ (هـ ق)».

منبع: افشار. ۱۳۴۸، ص ۲۹۵

قلعه اللّه‌آباد ساغند (اردکان)

این بنا در آبادی متروک اللّه‌آباد، از توابع روستای ساغند اردکان و در مجاورت کاروانسرایی به‌همین نام واقع شده است. در خصوص تاریخ ساخت بنا اطلاع دقیقی در دست نیست لیکن بنای آن قدیمی‌تر از ساختمان کاروانسرای ساغند(از آثار دوره قاجاریه) است و احتمالاً در طی قرن‌های ۷ و ۸ هجری ساخته شده و تا دوره قاجاریه مورد استفاده بوده است. قلعه اللّه‌آباد در ردیف بناهای وقفی و عام‌المنفعه قرار دارد (تصویر ش ۳۸۲).

این قلعه بر فراز تپه‌ای با مصالح خشت، گل و آجر ساخته شده و دارای حصاری با ۵ برج مدور است. چهار عدد از این برج‌ها در زاویه‌های قلعه و پنجمی در میانه یکی از اضلاع و کنار ورودی قلعه قرار گرفته است. ضلع ورودی قلعه و نیز برجها، نمایی آجری دارند. بناهای داخلی قلعه به مرور زمان تخریب شده و پوشش‌های برخی قسمت‌های آن از میان رفته است.

امروزه بقایای اتاق‌ها، انبارها، طویله و حمام قلعه که با آجر ساخته شده‌اند، برجای مانده است.

منابع: افشار. ۱۳۴۸، ص ۱۸۷

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه بشنیغان (یزد)

این بنا در شمال بشنیغان میبد و در گودی کنار جاده واقع شده و ظاهراً از آثار اوایل دوره قاجاریه می‌باشد که تا دوره اخیر به‌عنوان انباری از آن استفاده می‌شده است.

قلعه بشنیغان بنائی است چهار ضلعی با هشت برج دفاعی که نمای این برج‌ها با نقوش زیبای آجرچینی تزیین شده است.

منبع: افشار. ۱۳۴۸، ص ۸۴ .

قلعه پهلوان بادی (تفت)

بقایای این بنا برفراز کوهی موسوم به لاکونو، در جنوب‌غربی شهر تفت و در راه دره گاوون (به فاصله ۲/۵ کیلومتری از مزرعه سیدمحمد و کنار دره شرقی ـ غربی لاکونو) واقع و از آثار دوره اسلامی است.

قلعه پهلوان بادی بر صخره مرتفعی که همه جهات آن پرتگاه است و تنها یک راه بُز رو از جانب شمال‌شرقی دارد، بنا شده است. وسعت قلعه در حدود ۱۵۰۰ متر مربع است و بناهای آن با آجرهایی به ابعاد ۴×۲۱×۲۱ سانتیمتر ساخته شده است. در فضای داخلی قلعه بقایای اتاق‌ها و حوضچه‌های ذخیره آب دیده می‌شود که در میان پستی و بلندی‌های قلّه کوه قرار گرفته‌اند.

منبع: افشار. ۱۳۴۸، ص ۲۸-۴۲۵

قلعه حاجی‌خان اسفندآباد (ابرکوه)

این بنا در اسفندآباد ابرکوه واقع شده و ظاهراً از آثار دوره افشاریه و زندیه است(تصویر ش ۳۸۳). قلعه حاجی‌خان هنوز دیوار محکم و سردری سالم دارد. قلعه دارای حصار بلند با چهار برج چینه‌ای است. پوشش بخش‌هایی از بنا ویران شده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه حسن‌خان مهرآباد (ابرکوه)

این بنا در مهرآباد ابرکوه واقع شده و احتمالاً در دوره قاجاریه ساخته شده است. قلعه حسن‌خان دارای حصار چینه‌ای با چهار برج تدافعی و استوانه‌ای شکل است. از ویژگی‌های مهم این بنا ساخت یک برج استوانه‌ای شکل در میانه قلعه است که جنبه حفاظتی داشته است. بناهای مسکونی قلعه‌نشینان امروزه به‌صورت مخروبه درآمده و قلعه خالی از سکنه شده است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه خرانق (اردکان)

این بنا در روستای خرانق و ۸۵ کیلومتری شرق شهرستان اردکان واقع شده و از آثار دوره اسلامی است.

قلعه خرانق بنائی است با ۶ برج تدافعی که برای محافظت روستائیان در برابر هجوم غارتگران ساخته شده و از قدمت زیادی برخوردار است. شهرت این قلعه به دلیل مناره جنبان آن است.

قلعه خرمشاه (یزد)

بقایای این بنا در آبادی خرمشاه و مجاورت شهرستان یزد و جاده یزد به کرمان واقع شده و امروزه تنها بقایای حصار چینه‌ای آن، به طول و عرض ۳۰×۶۰ متر و بناهای داخلی ویران و دو طبقه آن برجای مانده است.

منبع: افشار. ۱۳۵۴، ص ۹۴

قلعه خورمیز (مهریز)

این بنا برفراز صخره‌ای از رشته‌کوه‌های منفرد شیرکوه، در روستای خورمیز(از توابع شهرستان مهریز) و در ۳۸ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان یزد واقع است. با توجه به متون تاریخی بنای اولیه این قلعه به دوره ساسانی برمی‌گردد که در دوره‌های مختلف اسلامی(تا حدود ۱۰۰ سال پیش) با بازسازی‌ها و تغییراتی مورد استفاده مجدد قرار گرفته است(نقشه و تصاویر ش ۸۸-۳۸۴).

قلعه خورمیز با پلانی تقریباً مستطیل شکل و برج‌های دفاعی مدور بنا گردیده است. حصار قلعه که بر روی صخره کوه قرار گرفته، در قسمت پایین با سنگ‌های نتراشیده و در قسمت‌های فوقانی با خشت و اندود کاه‌گل ساخته شده است. این حصار دارای ۷ برج مدور(به ابعاد و طرح‌های مختلف) است که قسمت بالای آنها با تزیینات خشت‌چینی، روزنه‌هایی برای دیده‌بانی و تیراندازی و کنگره‌هایی در قسمت انتهایی، نماسازی شده است.

در داخل قلعه چاهی مربع‌شکل، به عمق کنونی ۱۵ متر وجود دارد که در دل صخره کوه کنده شده و در میان اهالی حرمت خاصی دارد. قلعه خورمیز در سالهای اخیر از طرف سازمان میراث فرهنگی تعمیر و مرمت شده و به شماره ۲۳۳۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: افشار، ۱۳۷۴، ص ۴۰-۲۳۹

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه دربید (یزد)

بقایای این بنا در مرتفع‌ترین نقطه آبادی دربید(در ۳ کیلومتری شمال یزد) و مشرف به آن واقع شده است. قلعه دربید که امروزه تنها ویرانه‌های آن برجای مانده تماماً از سنگ‌های کوه ساخته شده و حدود ۱۵×۲۵ متر وسعت دارد.

منبع: افشار، ۱۳۴۸، ص ۱۶۴

قلعه دونگائون (مهریز)

بقایای این بنا برفراز کوهی بلند در حاشیه «دره دونگائون» و دو فرسنگی بالاسر بغدادآباد(از توابع شهرستان مهریز) واقع شده و از آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود. این قلعه بر سر هیچ راهی نیست و از آبادی‌ها نیز به دور است از این رو می‌توان پناهگاه گروهی خاص باشد.

قلعه دونگائون بر ستیغ کوه قرار گرفته و از یک سو به دره دونگائون و از سوی دیگر به دره مجاور آن اشراف دارد و در هر طرف آن پرتگاه‌های ژرف وجود دارد. بقایای ویران شده قلعه در زمینی به وسعت ۵۰×۸۰ متر قرار گرفته‌اند. بر سطح قلعه مقادیر بسیار زیادی آجر به رنگ‌های قرمز و سفید و مقداری سفال شکسته پراکنده است. آجرها به ابعاد ۴/۵×۲۴/۵×۲۴/۵، ۴×۲۲×۲۲، ۳/۵×۱۹×۱۹ و ۳/۵×۱۸×۱۸ سانتیمتر بوده و با انواع قلعه پهلوان بادی تفت مشابهت دارند. به فاصله ۱۵۰ متری قلّه کوه که قلعه مذکور بر روی آن ساخته شده، بقایای دو آب‌انبار به ابعاد ۴×۱۱ و ۵×۱۶ متر وجود دارد که از سنگ، آجر و ساروج ساخته شده‌اند.

منبع: افشار، ۱۳۴۸، صص ۳۸-۲۳۶

قلعه رباط (ابرکوه)

این بنا در شهرستان ابرکوه واقع شده و دارای وسعت زیاد، حصار چینه‌ای و برج‌هایی با تزیینات زیبای خشتی است، قلعه رباط برای سکونت و حفاظت از روستائیان ساخته شده است(تصویر ش ۳۸۹).

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه رکن‌آباد (میبد)

این بنا در روستای رکن‌آباد میبد واقع و ظاهراً از آثار دوره قاجاریه است. قلعه رکن‌آباد از جمله قلعه‌های گلی و جلگه‌ای منطقه است و از معماری جالب‌توجهی برخوردار است. امروزه ورودی، دیوارها و برج‌های استوانه‌ای شکل قلعه که از چینه ساخته شده‌اند، تقریباً سالم برجای مانده‌اند، اما شن‌های روان آن را دربرگرفته است (تصویر ش ۳۹۰).

منابع: افشار، ۱۳۴۸، ص ۱۰۵

سیدحسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱

قلعه زارچ (یزد)

این بنا در روستای زارچ یزد واقع و از آثار دوره اسلامی است. براساس نوشته «تاریخ یزد»، محمد مظفر باروئی در این محل می‌سازد که امکان دارد قاعده و دیوار قدیمی و اصلی این قلعه بوده باشد. قلعه زارچ، بنائی بزرگ با حصاری مرتفع است. به‌جز دیوار دور تا دور قلعه، دو دیوار دیگر با راه گردشی برای دیده‌بانی به‌دور قلعه کشیده شده است.

منبع: افشار، ۱۳۴۸، ص ۱۴۷

قلعه سام (عقدا)

بقایای این بنا در عقدا واقع و از آثار دوره اسلامی است که امروزه به صورت ویرانه‌ای درآمده است. قلّه سام از انواع قلعه‌های جلگه‌ای و بزرگ است که با مصالح خشت و گل ساخته شده است.

منبع: افشار، ۱۳۴۸، ص ۳۸

قلعه سریزد

این بنا در شهر سریزد و در حدود ۳۰ کیلومتری جاده یزد به کرمان

واقع شده و از قلاع جلگه‌ای سالم و زیبای منطقه به‌شمار می‌آید که جهت اقامت و حفاظت روستائیان ساخته شده است. این قلعه تا دوره اخیر مسکونی و مورد استفاده بوده است(نقشه و تصاویر ش ۹۴-۳۹۱).

قلعه سریزد دارای سه دیوار دفاعی و خندقی مابین دو دیوار بیرونی می‌باشد و از این نظر از دیگر قلاع منطقه متمایز است. دیوار خارجی قلعه در حال حاضر حدود ۲ متر ارتفاع دارد. بعد از این دیوار خندقی به عمق ۴ و عرض ۵ تا ۶ متر گرداگرد قلعه را فراگرفته و بعد از آن حصار میانی قلعه به ارتفاع ۶ تا ۷ متر، با ۹ برج مدور، هرکدام به ارتفاع ۸ تا ۹ متر ساخته شده است(نقشه ش ۳۹۱). بعد از این دیوار، محوطه‌ای به عرض ۸ متر در گرداگرد قسمت اصلی قلعه قرار گرفته که باتوجه به آثار و شواهد موجود، محل آب‌انبار، انبار علوفه و طویله چهارپایان و آغل گوسفندان بوده است. بعد از این محوطه دیوار داخلی و اصلی قلعه با چهار برج در چهار گوشه، قرار گرفته است. در داخل این حصار، منازل، بناهای عمومی و انبارهای آذوقه ساخته شده‌اند. درب ورودی قلعه، در سمت شمالی آن قرار دارد و بر روی خندق مقابل آن، پل متحرکی نصب بوده که به هنگام شب با کمک طناب و قرقره بلند می‌شده و در پشت دروازه قرار می‌گرفته است(تصویر ش ۹۳-۳۹۲). با گذشتن از پل و عبور از درب اصلی قلعه، به محوطه هشتی ورودی می‌رسیم. در محوطه هشتی ۳ درب دیگر تعبیه شده که دو تا از آنها به طرفین راست و چپ و درب سوم به جانب مقابل دروازه ورودی باز می‌شوند. درهای جانبی دسترسی به محوطه میان دو حصار داخلی قلعه را که محل نگهداری احشام و چهارپایان بوده، فراهم می‌سازند اما درب سوم به محوطه مسکونی و میانی قلعه راه پیدا می‌کند. کوچه اصلی قلعه، در امتداد این درب و در جهت شمالی ـ جنوبی است و تا انتهای ضلع جنوبی قلعه امتداد می‌یابد. در هر طرف این خیابان ۶ کوچه فرعی، هرکدام به طول ۵۰ متر ساخته شده و در طرفین هرکدام از آنها خانه‌های مسکونی قرار گرفته‌اند. خانه‌های مسکونی این قلعه در سه طبقه بنا گردیده و ارتباط طبقات مختلف آنها از طریق راه‌پله‌هایی برقرار می‌شود. حداکثر زیربنای این خانه‌ها در حدود ۳۰ متر است. در دیوارهای داخلی اتاق‌ها، طاقچه‌ها، رف‌ها و در قسمت پایین دیوار، محل‌هایی برای قرار دادن خمره‌های بزرگ آذوقه ساخته شده است.

برج‌های دفاعی قلعه در سه‌طبقه بنا شده و در هر طبقه آن روزنه‌هایی جهت دیده‌بانی و تیراندازی تعبیه شده است. در پشت‌بام برج‌ها نیز جان‌پناهی به ارتفاع ۱/۵ متر ساخته شده است. در زیر دیوار جان‌پناه سوراخ‌هایی با شیب تند برای ریختن مایعات داغ بر روی مهاجمان قرار داده شده است. بر بالای درهای سه‌گانه ورودی نیز کانال‌هایی وجود دارد که از آنها مدافعان می‌توانستند بر سر مهاجمان مواد و مایعات داغ بریزند.

بر بالای درب اصلی قلعه تیر چوبی تعبیه شده که بر روی آن ۴ قرقره نصب شده است(تصویر ش ۳۹۳). از این قرقره‌ها برای جابه‌جا کردن پل چوبی روی خندق و نیز درب قلعه استفاده می‌کرده‌اند. این تنها نمونه موجود از باز و بستن درب، به صورت عمودی می‌باشد که تاکنون آثار آن باقی مانده است.

قلعه سریزد دارای آب‌انباری مسقف به ابعاد ۵×۶ متر است که آب آن از طریق جمع‌آوری آب‌های جاری حاصل از بارندگی و نیز از طریق آب‌جاری در خندق، تأمین می‌شده است.

منابع: پازوکی، ۱۳۷۳، صص ۲۹-۲۷

پازوکی، ۱۳۷۶، صص ۴۹-۲۴۲

قلعه شواز (تفت)

این بنا برفراز صخره‌ای مرتفع در آبادی شواز از توابع شهرستان تفت، واقع شده و از آثار دوره اسلامی به‌شمار می‌آید.

صخره‌ای که قلعه شواز بر روی آن قرار گرفته حدود ۱۰۰ متر ارتفاع دارد و در اطراف پرتگاه‌ها و خاکریزهای تندی دارد. قلعه بر سطح این صخره و به ابعاد تقریبی ۵۰×۱۰۰ متر بنا گردیده است. دیوارهای اصلی قلعه از بیرون با سنگ و از داخل با خشت ساخته شده است. جرزهای اتاق‌ها و پوشش‌های طاقی نیز غالباً با خشت اجرا شده و از آجر به مقدار کم در طاق سردرها و نیز سردر ورودی قلعه استفاده شده است.

قلعه در طرف شرق «گاو پهلوی» مرتفعی دارد که از آجر بنا شده و از آن در کشیدن آب استفاده می‌کرده‌اند. قلعه شواز در اصل دری سنگی، از نوع رسوبی همان صخره، داشته که از جای خود خارج شده و قسمتی از آن در خاک فرو رفته است. اکنون به جای در سنگی، دری چوبی نصب کرده‌اند.

منبع: افشار، ۱۳۴۸، ص ۲۸۷

قلعه شهرسب (ابرکوه)

این بنا در روستای شهرسب و مرکز دهستان تیرجرد ابرکوه واقع شده و از آثار دوره صفویه است که به جهت سکونت روستائیان و حفاظت از آنها ساخته شده است. قلعه شهرسب دارای سردری بزرگ و رفیع و هشت‌برج تدافعی است. بناها و خانه‌های داخل قلعه با یک نقشه شطرنجی ساخته شده‌اند. در دوره قاجار به‌دلیل افزایش جمعیت، در اطراف حصار قلعه قدیمی و به فاصله ۲۵ متری آن، دیواری کشیده و حد فاصل این دو دیوار را به خانه‌های جدید روستائیان اختصاص دادند.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه عزآباد (یزد)

این بنا در آبادی عزآباد و نزدیک شهرستان یزد واقع شده و از آثار دوره اسلامی است. این قلعه بنائی است بزرگ و قدیمی با دو دیوار و خندقی در پیرامون آن.

منبع: افشار، ۱۳۴۸، ص ۱۲۳

قلعه عزت‌آباد (ابرکوه)

این بنا در عزت‌آباد ابرکوه واقع شده و از آثار اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجاریه به‌شمار می‌آید(تصویر ش ۳۹۶).

قلعه عزت‌آباد به صورت باغ بزرگ و خشکیده‌ای است با نقشه مربع که چهار برج تدافعی در چهارگوشه حصار آن ساخته شده است. در میانه این باغ عمارتی دو طبقه و خشتی قرار گرفته است.

منبع: شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه گاریز

بقایای این بنا برفراز تپه صخره‌ای در آبادی گاریز(واقع در ۲۹ کیلومتری نیر و بر سر راه ابرقو) قرار گرفته و به‌نظر می‌رسد از ساخته‌های دوره صفویه بوده باشد.

قلعه گاریز با نقشه چهار ضلعی و چهار برج دفاعی در چهارگوشه آن، ساخته شده و مصالح مورد استفاده در آن سنگ، خشت و گل است.

منبع: افشار، ۱۳۴۸، ص ۳۹۸

قلعه گرمسیر (تفت)

بقایای این بنا در گرمسیر تفت واقع و از آثار دوره قاجاریه می‌باشد که به هنگام خطر اهالی در آن پناه می‌گرفته‌اند.

قلعه گرمسیر از خشت ساخته شده و امروزه تنها قسمتی از برج و باروی آن باقی مانده است.

منبع: افشار، ۱۳۴۸، ص ۴۲۳

قلعه گوری (یزد)

بقایای این بنا برفراز کوهی منفرد به ارتفاع ۲۰۰ متر، در ۲ کیلومتری آبادی علی‌آباد(از توابع شهرستان یزد) واقع شده و از آثار دوره اسلامی است.

قلعه گوری به ابعاد تقریبی ۱۸×۴۰ متر با خشت‌هایی به ابعاد ۱۰×۴۰×۴۰ سانتیمتر ساخته شده و امروزه تنها ویرانه‌ای از آن برجای مانده است.

منبع: افشار، ۱۳۴۸، ص ۳۶۴

قلعه محمد باقری (خاتم)

این بنا در مرکز شهر خاتم واقع و در حدود ۳۰۰ سال پیش توسط حاج‌محمدباقر که اصالتاً عرب بوده، در مظهر قنات رئیسی احداث گردیده است(تصویر ش ۳۹۷).

قلعه محمد باقری حدود ۴۰۰۰ متر مربع زیربنا داشته که متأسفانه در جریان بارندگی شدید و سیل سال ۱۳۶۵، ساختمان‌های داخلی آن تخریب شد و اکنون تنها سردر ورودی و بخشی از برج و باروی آن با مرمت‌هایی، برجای مانده است. قسمت تحتانی برج و باروی قلعه با چینه و قسمت فوقانی آن با خشت ساخته شده است. برج‌ها طرحی مدور ندارند و در قسمت فوقانی دارای تزیینات خشتی و تیرکش‌هایی هستند.

منابع: سیدحسینی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۱

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه مروست

این بنا برفراز تپه‌ای کم‌ارتفاع در میانه شهر مروست واقع و بنای اولیه آن به ۸۰۰ سال قبل بازمی‌گردد که با بازسازی و تعمیراتی تا دوره اخیر مورد استفاده بوده و اکنون نیز ویرانی چندانی به آن راه نیافته است.

قلعه مروست به ابعاد تقریبی ۱۵۰×۱۵۰ متر از خشت و گل و با سردری آجری ساخته شده است و در گذشته پیرامون آن را خندقی فرا می‌گرفت(نقشه و تصاویر ش ۴۰۱-۳۹۸).

این بنا به شماره ۲۵۴۵ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

منابع: افشار، ۱۳۴۸، ص ۳۱۱

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

قلعه محمدکریم‌خان (خاتم)

این بنا در شهر خاتم و محله مشهور به «قلعه محمد کریم‌خان» واقع است و بنا به روایت‌های صورت گرفته در حدود ۱۴۰ سال پیش توسط حاج‌محمد کریمخان که مدتی حاکم منطقه بوده، ساخته شده است.

قلعه محمد کریمخان حدود ۲۰۰۰۰ متر مربع وسعت دارد.

منبع: سیدحسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۶

قلعه ملکی (خاتم)

این بنا در ۲۰۰ متری فرمانداری شهرستان خاتم واقع شده و در حدود ۲۰۰ سال پیش توسط فرج‌اللّه‌خان شهر بابکی که عمده مالک منطقه بوده، احداث شده است.

قلعه ملکی در حدود ۱۵۰۰۰ متر مربع وسعت دارد و

ساختمان‌های داخلی آن سالم و قابل‌استفاده است.

منبع: سیدحسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸

قلعه مهرجرد (میبد)

این بنا در روستای مهرجرد، از توابع شهرستان میبد، واقع شده و از آثار دوره اسلامی است. قلعه مهرجرد دارای حصاری با چهار برج مدور سالم و تزیینات آجرکاری است.

منبع: سیدحسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹

نارنج قلعه میبد

این بنا بر فراز تپه‌ای خاکی، مشرف به شهر میبد واقع شده و از قلعه‌های مهم و تاریخی منطقه به‌شمار می‌آید. بنای اولیه نارنج یا نارین‌قلعه میبد به دوره پیش از اسلام برمی‌گردد اما بناهای موجود و آبادانی اصلی آن مربوط به دوره اسلامی و حکومت آل‌مظفر(قرن ۸ و ۹ هجری) است(تصاویر ش ۷-۲-۴۰۲).

نارنج‌قلعه میبد به مساحت حدود ۳ هکتار، با نقشه‌ای متناسب با شکل تپه، که طرحی بیضوی دارد، ساخته شده و در گذشته خندقی پهن و عمیق آن را دربرمی‌گرفته است. بناهای داخلی قلعه در چند سطح و طبقه، با مصالح خشت و گل ساخته شده است. تحتانی‌ترین طبقات قلعه زیرزمین‌هایی هستند که در دل تپه خاکی کنده شده‌اند. در اصطلاح محلی به این نوع فضاسازی «بوکن» می‌گویند. مرتفع‌ترین قسمت قلعه شاه‌نشین یا محل استقرار حاکم قلعه است که به‌وسیله حصاری مستطیل شکل از بخش‌های دیگر قلعه متمایز شده است.

نارنج‌قلعه با حصاری از خشت و چینه و برج‌های مدور دربرگرفته شده است. برج و باروی قلعه تماماً مجهز به تیرکش‌ها، روزنه‌ها و جان‌پناه‌هایی جهت دفاع و تیراندازی است. بخش‌های فوقانی برج‌ها و دروازه قلعه دارای تزیینات خشتی است. درگاه اصلی قلعه در ارتفاع ۲ متری زمین و در دیوار خارجی تعبیه شده است(متأسفانه این بخش و بخش جنوبی قلعه در خیابان‌کشی‌های سال ۱۳۴۳ از میان رفته است). این ورودی و دالان اصلی قلعه دارای برج نگهبانی و تأسیسات دفاعی ویژه‌ای بوده است. بدین‌ترتیب که علاوه بر روزنه‌های مورب و افقی، چندین سوراخ عمودی نیز تعبیه شده بود تا در هنگام هجوم دشمن، با فرو ریختن مواد و مایعات داغ مهاجمان را از درگاه قلعه برانند. دروازه‌های طبقات بالاتر نیز چنین سوراخ‌هایی داشته‌اند. در پشت دروازه اصلی، دالان نسبتاً بزرگی(حدود ۵۰ متر مربع) وجود داشت که از طریق سه درگاه به بخش‌های مختلف قلعه راه پیدا می‌کردند. درگاه مقابل دروازه اصلی مستقیماً به محوطه بزرگ قلعه گشوده می‌شود.

محوطه بزرگ و داخلی قلعه که بناهای آن ویران شده، در حکم حیاط مرکزی قلعه بوده و درکل حدود ۱۰ هزار متر مربع وسعت دارد. امروزه ویرانه‌های این قسمت را هموار کرده و آن را به زمین بازی تبدیل کرده‌اند. بناهای این قسمت نیز از خشت و گل ساخته شده و برخی نیز به صورت زیرزمین‌هایی در دل تپه خاکی ایجاد شده‌اند، که آثار آنها برجای مانده است.

درگاه سطح سوم قلعه، درکنار دیوار شرقی حیاط مرکزی قرار دارد و سالم برجای مانده است. از این درگاه و راهرو پشت‌سر آن می‌توان به محوطه ارگ یا بخش اصلی و حاکم‌نشین آن راه یافت. این بخش به صورت یک مجموعه مکعبی شکل در مرتفع‌ترین بخش تپه ساخته شده و شامل چند طبقه ساختمانی است. درگاه اصلی ارگ در دیواره غربی آن واقع شده و دسترسی به قسمت شاه‌نشین را فراهم می‌کند. در این طبقه اتاق‌ها و فضاهای معماری جالب‌توجهی قرار گرفته‌اند که مختص حاکم قلعه بوده است. در مرتفع‌ترین نقطه این بخش، شاه‌نشین یا ایوان رو به شمالی وجود دارد که مشرف به شهر و تمام منطقه میبد است و از چشم‌انداز بسیار خوبی برخوردار است. بخش حاکم‌نشین تا اوایل قرن اخیر مورد استفاده بوده است.

نارنج‌قلعه به شماره ۱۰۸۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منابع: پریا، ۱۳۷۱، صص ۳۲-۲۳

حیدریه‌زاده، ۱۳۵۷، صص ۱۰-۹

شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور

فهرستها

(منابع و اعلام)

فهرست منابع

- «آثار تاریخی شهرستان اراک»، **نشریه موسسه عالی علوم اراک**، ش ۱، فروردین ۱۳۵۲، صص ۱-۷۰
- آخوندی، اردشیر. «قلعه سورک»، **فرهنگ بام ایران**، ش ۷، پاییز ۱۳۷۹، صص ۵۹-۵۵
- آخوندی، اردشیر. «قلعه بارده»، **فرهنگ بام ایران**، ش ۸، زمستان ۱۳۷۹، صص ۴۹-۴۶
- آذری دمیرچی، علاءالدین. «آوردگاه مورچه خورت»، **هنر و مردم**، ش ۱۴۴، صص ۸-۴۴
- آذری دمیرچی، علاءالدین. «ورامین»، در «**شهرهای ایران**»، ج ۳، به‌کوشش محمدیوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸، صص ۲۳۴-۵۲
- آزما، حسین. «شهر من داراب»، ؟، ؟، ۱۳۷۰
- «**آگاهینامه**»، ش ۴، فروردین ۱۳۵۵، ص ۱۹
- احمدزاده، علیرضا. «کلیبر، قلعه بابک»، **جهانگردان**، ش ۱۲، دی ۱۳۷۷، صص ۳-۶۲
- احمدی ملکی، رحمان. «قلعه دختران (قزلار قالاسی)»، **باستان‌شناسی و تاریخ**، س ۳، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۶۸، صص ۵۲.۵۴
- «قلعه باستانی بفتاک...» **زمان**، شهریور ۱۳۷۸، صص ۳۹-۳۵
- اذان دره؟. « »، **زمان**، ش ۴، مرداد ۱۳۷۴، صص ۱-۳۰
- «ارگ بم»، **آگاهینامه**، ش ۳، بهمن ۱۳۵۴، ص ۷
- استروناخ، دیوید. «پاسارگاد»، حمید خطیب شهیدی، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۹
- اسکندر بیک ترکمان. «تاریخ عالم آرای عباسی»، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵
- اسلامی، الله‌قلی. «گزارش بررسی قلعه خرابه جم‌جم، آذربایجان غربی»، مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۴۵
- اسلامی، الله‌قلی. «باغ تخت، قلعه مربوط به اوایل دوره قاجاریه»، **بررسی‌های تاریخی**، ش ۲، خرداد و تیر ۱۳۵۰، صص ۶۸-۵۵
- اسماعیلی، حسین. «قلعه آژدهاک(ضحاک) هشترود»، **پیام میراث۵**، خبرنامه داخلی سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰، صص ۳۲-۲۹
- اشراقی، احسان. «چشم‌اندازی به قلعه‌های اصطخر و قهقهه در روزگار صفویه»، **هنر و مردم**، س ۱۲، ش ۱۴۲، مرداد ۱۳۵۲، صص ۲-۲۱
- اصغریان جدی، احمد. «دفاع غیرعامل در ارگ بم»، **صفه**، ش ۲۰-۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۷۴، صص ۷۷-۶۹
- اصلاح عربانی، ابراهیم. «قلعه عظیم رودخان»، **کتاب گیلان**، ۱۳۶۸، صص ۸۴-۸۳
- اعظمی سنگسری، چراغعلی. «پایگاه اسپهبدان باوندی کجاست»، **بررسی‌های تاریخی**، س ۷، ش ۱، ؟؟
- اعظمی سنگسری، چراغعلی. «خداوندان دژ شمیران»، **هنر و مردم**، س ۹، ش ۱۰۳-۱۰۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۰، صص ۳-۴۲
- افراسیاب‌پور، علی‌اکبر. «جغرافیای تاریخی نهاوند»، قم، زهیر، ۱۳۸۱
- افسر، کرامت‌الله. «ارگ بم»، **هنر و معماری**، ش ۸-۷، ۱۳۴۹، صص ۲۰-۱۷
- افسر، کرامت‌الله و محمدکریم پیرنیا. «راه و رباط»، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۰
- افشار، ایرج. «یادگارهای یزد»، ج ۱ (۱۳۴۸)، ج ۲ (۱۳۵۴)، تهران، انجمن آثار ملی
- افشار، ایرج. «قلعه دختر راور»، **راهنمای کتاب**، ش ۳-۱، ۱۳۵۳، صص ۶۵-۱۶۴
- افشار سیستانی، ایرج. «نگاهی به ایلام»، تهران، نشر هنر، ۱۳۶۶
- افشار سیستانی، ایرج. «آذربایجان شرقی»، تهران، موسسه تحقیقاتی و پژوهشی رایزن، ۱۳۶۹/۱
- افشار سیستانی، ایرج. «نگاهی به بوشهر»، تهران، نسل دانش، ۱۳۶۹/۲
- افشار سیستانی، ایرج. «نگاهی به سیستان و بلوچستان»، تهران، نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۹/۳
- افشار سیستانی، ایرج. «سیستان‌نامه»، ج ۱، ۱۳۶۹/۴
- افشار سیستانی، ایرج. «بلوچستان و تمدن دیرینه آن»، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱
- اقتداری، احمد. «آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج‌فارس و دریای عمان»، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸
- اقتداری، احمد. «دیار شهریاران»، ج ۱، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳
- اقتداری، احمد. «خوزستان و کهگیلویه و ممسنی»، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵
- اللّه‌وردیان طوسی، حسن. «سفر به خراسان»، بی‌جا، کتابکده، ۱۳۷۲
- امیری، احمد. «گزارش مقدماتی شناسایی و بررسی قلعه بختک...»، مرکز اسناد ومدارک سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۶۷
- امینی، فضل‌الله. «دژ فرزین»، در نامواره دکتر محمود افشار، ج ۵،

ش ۲۳، ۱۳۶۸، صص ۱۶-۲۸۱۵

- ایزدپناه، حمید. «آثار تاریخی و باستانی لرستان»، ج ۱، تهران، انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۵۰

- بابامقدم. «قلعه سنگی یا دژ بهمن»، آینده، س ۸، ش ۱۱، بهمن ۱۳۶۱، صص ۹-۷۸۰

- بابک، جواد و غلامعلی شاملو. «گزارش بررسی آذربایجان غربی، سال ۱۳۴۵»، مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی کشور

- بابک، جواد و دیگران. «گزارش بررسی آذربایجان غربی، سال ۱۳۴۶»، مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی کشور

- بابک، جواد و دیگران. «دژ قمچی‌خای (بیجار)»، باستان‌شناسی و هنر ایران، ش ۳، تابستان ۱۳۴۸، صص ۷۱-۶۴

- «باروی قدیم ری»، آگاهینامه، ش ۱۷، اردیبهشت ۱۳۵۶، صص ۹-۸

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. «راهنمای آثار تاریخی کرمان - قلعه دختر و ارگ بم»، نشریه فرهنگ کرمان، ۱۳۳۵-۱۳۳۴، صص ۹-۴۳

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. «ابنیه دختر- قلعه دختر کرمان»، باستان‌شناسی، ش ۲-۱، بهار و تابستان ۱۳۳۸، صص ۱۷-۱۱۳

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. «خاتون هفت‌قلعه»، تهران، روزبهان، ۱۳۶۳

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. «کرمان»، در «شهرهای ایران»، ج ۲، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، صص ۲۰۶-۱۹۵

- باتری، محمد. «قلعه رودخان»، مجله نجوم - هدهد(مجله علمی و فرهنگی)، س ۱، ش ۹، تهران، ۱۳۵۸

- بامداد، مهدی. «آثار تاریخی کلات و سرخس»، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۴

- بایرام‌زاده، رضا. «قلعه خوی و تک‌دروازه باقیمانده از آن»، هفته‌نامه اورین (نشریه اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و هنری آذربایجان غربی - شرقی)، س ۱، ش ۲۷، ۱۳۸۱/۸/۷، ص۸

- «برج مسعود سلجوقی»، هنر و مردم، ش ۱۲۷، اردیبهشت ۱۳۵۲، ص ۲۵

- بلاغی، حسین. «تاریخ نایین»، بی‌جا، مظاهری، ۱۳۶۹

- بنی‌اسدی، علی. «سیمای استان سمنان»، ج ۱، استانداری سمنان، ۱۳۷۴

- بهروزی، علی‌نقی. «بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز»، شیراز، اداره کل فرهنگ فارس، ۱۳۴۹

- بیانی، خانبابا. «تاریخ نظامی ایران در دوره صفویه»، تهران، ستاد بزرگ ارتشداران، ۱۳۵۳

- پازوکی، ناصر. «قلعه سریزد»، معماری و شهرسازی، ش ۲۷، اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۳، صص ۹-۲۷

- پازوکی، ناصر. «قلعه گرد کوه یا گنبدان دژ» بسیج، س ۲، ش ۴-۳، ۱۳۷۳/۲، صص ۵۵-۴۳

- پازوکی، ناصر. «قلعه گردکوه یا گنبدان دژ»، اثر، ش ۵، ۱۳۷۴، صص ۴۴-۲۳۳

- پازوکی، ناصر. «استحکامات دفاعی در ایران دوره اسلامی»، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۶

- پازوکی، ناصر. «گزارش بررسی و شناسایی آثار فرهنگی - تاریخی حوزه بخشداری طالقان، پاییز ۱۳۸۰»، مرکز اسناد و مدارک مدیریت سازمان میراث فرهنگی استان تهران

- پازوکی، ناصر. «آثار تاریخی فیروزکوه»، تهران، اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۸۱/۱

- پازوکی، ناصر. «معرفی اجمالی فیروزکوه و فهرست آثار تاریخی و فرهنگی آن»، پژوهشنامه، دفتر پنجم، زمستان ۱۳۸۱/۲، ص ۸۹-۱۶۳

- پازوکی، ناصر. «آثار تاریخی دماوند»، تهران، اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۸۱/۳

- پازوکی، ناصر. «آثار تاریخی شمیران»، ج ۱، تهران، اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۸۲

- پدرام، محمود. «برفراز دم‌دم»، هنر و مردم، ش ۱۵۱، اردیبهشت ۱۳۵۴، صص ۸-۴۴

- «پژوهشنامه»، مجموعه مقالات پژوهشی اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ویژه‌نامه بررسی و شناسایی آثار فرهنگی و تاریخی استان تهران

- پوربخشنده، خسرو. «بررسی و شناسایی قراهان از دیدگاه باستان‌شناسی»، پژوهشنامه، دفتر یکم، پاییز ۱۳۷۹، صص ۸۶-۲۷

- پوربخشنده، خسرو و قدیر افروند. «گزارش بررسی و شناسایی آثار فرهنگی - تاریخی حوزه شهر ری، پاییز و زمستان ۱۳۸۱»، مرکز اسناد و مدارک مدیریت سازمان میراث فرهنگی استان تهران

- پورکاظم، کاظم. «جغرافیای تاریخی خوزستان»، اهواز، آیات، ۱۳۷۳

- پویا، سیدعبدالعظیم. «سیمای شهر قدیم میبد»، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۱

- پیرزاده، حاج‌محمدعلی. «سفرنامه حاجی‌پیرزاده»، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲

- «تپه باستانی آسیاآباد - ساوه»، آگاهینامه، ش ۷، تیر ۱۳۵۵، ص ۸

- ترابی طباطبائی، جمال. «آثار باستانی آذربایجان»، ج ۲، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵

- جلالی عزیزیان، حسن. «دایرةالمعارف اندیمشک»، اندیمشک، ۱۳۶۳
- جوکار، مسعود. «مجموعه بناهای وکیلی شیراز»، اثر، ش ۱۶ و ۱۵، زمستان ۱۳۶۷، صص ۲۲۳-۲۰۶
- جوینی، عطاملک. «تاریخ جهانگشای جوینی»، به کوشش محمد قزوینی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۵
- جهانپور، علی. «شاه‌الوند ـ قز قلعه‌سی»، هنر و مردم، ش ۱۵۲، خرداد ۱۳۵۴، ص ۵۴
- چارلز ورث، مارتین. «شهرهای جاده ابریشم (کومس)»، در «شهرهای ایران» ج ۲، به کوشش محمدیوسف کیانی، ۱۳۶۶، صص ۳۶۱-۳۲۸
- چلبی، اولیاء. «کرد در تاریخ همسایگانش(سیاحتنامه اولیاء چلبی)»، فاروق کیخسروی، ارومیه، صلاح‌الدین ایوبی، ۱۳۶۴
- حاتمی، ابوالقاسم. «سیرجان قدیم مرکز صنعت و هنر اسلامی»، کرمان، مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۸۰
- حاتمی، ابوالقاسم. «گزارش بررسی و شناسایی آثار فرهنگی ـ تاریخی حوزه فرمانداری کرج، تابستان ۱۳۸۰»، مرکز اسناد و مدارک مدیریت میراث فرهنگی استان تهران
- حاتمی، ابوالقاسم. «گزارش بررسی وشناسایی آثار فرهنگی ـ تاریخی حوزه فرمانداری ساوجبلاغ، تابستان ۱۳۸۱»، مرکز اسناد و مدارک مدیریت میراث فرهنگی استان تهران
- حبیبی فهلیانی، حسن. «ممسنی در گذرگاه تاریخ»، شیراز، نوید، ۱۳۷۱
- حسن‌آبادی، علی. «قلعه شاهدژ نهبندان»، پیام میراث، خبرنامه داخلی سازمان میراث فرهنگی کشور، س ۱، ش ۱، اردیبهشت ۱۳۷۹
- حقیقت، عبدالرفیع. «بناهای تاریخی قومس»، مولف، ۱۳۴۴
- حقیقت، عبدالرفیع. «قلعه استوناوند»، گوهر، س ۵، ش ۱، فروردین ۱۳۵۶، صص ۳-۵۰
- حقیقت، عبدالرفیع. «تاریخ قومس»، تهران، ۱۳۷۰/۱
- حقیقت، عبدالرفیع. «قلعه تاریخی استوناوند»، در «تجلی تاریخ ایران»، انتشارات کومش، ۱۳۷۰/۲، صص ۹-۴۰۰
- حقیقت، عبدالرفیع. «شناسنامه آثار تاریخی کومش ـ استان سمنان»، سمنان، کومش، ۱۳۷۹
- حکمت یغمایی، عبدالکریم. «جندق...»، تهران، توس، ۱۳۵۳
- حقیقت، عبدالرفیع. «بر ساحل کویر نمک»، تهران، توس، ۱۳۷۰
- حمزه‌لو، منوچهر و محمود میراسکندری. «قلعه و غار کرفتو»، اثر، ش ۴-۳۳، بهار و تابستان ۱۳۸۰، صص ۳۰۴-۲۷۸
- حیدری، رضا. «سیمای میراث فرهنگی آذربایجان غربی»، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۲
- حیدریه‌زاده، محمود. «بلوک میبد»، تهران، چکیده، ۱۳۵۷
- خاماچی، بهروز. «فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی»، تهران، سروش، ۱۳۷۰
- خاماچی، بهروز. «قلعه‌های تاریخی آذربایجان»، تبریز، آشنا، ۱۳۷۲
- خسروی، محمدرضا. «جغرافیای تاریخی ولایت زاوه»، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶
- خسروی، محمدرضا. «کلات نادری»، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷
- خلعتبری، رضا. «کاوش در میمون قلعه قزوین»، **میراث فرهنگی**، ش ۲، ۱۳۶۹، صص ۷-۶۴
- خلعتبری، رضا. «گزارش بررسی و شناسایی محوطه‌های باستانی حوزه فرمانداری ورامین، زمستان ۱۳۸۰»، مرکز اسناد و مدارک مدیریت میراث فرهنگی استان تهران
- دریانورد، غلامحسین. «سیمای بندر گناوه»، انتشارات هیرمند، ۱۳۷۷
- «دژ برازجان»، اثر، ش ۱۴-۱۲، اسفند ۱۳۶۵
- «دژ قمچی‌خای»، اثر، ش ۱۶-۱۵، زمستان ۱۳۶۷، ص ۲۳۰
- دهقان، علی. «سرزمین زردشت»، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۸
- دهگان، ابراهیم. «قلعه فردجان یا محبس ابوعلی‌سینا»، یغما، س ۶، ش ۱، فروردین ۱۳۳۲، صص ۳-۳۰
- دهگان، ابراهیم. «قلعه فرزین»، یغما، س ۷، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۳۳، صص ۶-۸۵
- دیاکونوف، ام. «تاریخ ماد»، کریم کشاورز، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱
- دیباج، اسماعیل، «آثار باقی مانده از آتشکده‌ها و شهرها و قلعه‌های آذربایجان»، **بررسی‌های تاریخی**، س ۲، ش۶، ۱۳۳۶، صص ۱۰-۸
- دیباج، اسماعیل، «راهنمای آثار تاریخی آذربایجان»، تهران، ۱۳۴۳
- دیباج، اسماعیل، «آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان»، تهران، انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی، ۱۳۴۵
- دیولافوآ، ژان. «سفرنامه دیولافوآ»، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۱
- ذکا، یحیی. «ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران»، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹
- ذکائی ساوجی، مرتضی. «قلعه دختر ساوه»، راه دانش، ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، صص ۲۰۸-۱۹۸
- «راهنمای گردشگری استان همدان»، اداره کل ارشاد اسلامی

استان همدان ـ سازمان ایرانگردی و جهانگردی، ۱۳۷۸
ـ رجبی، سیدصفر. «آبشارهای شوشتر»، اثر، ش ۲۱، ۱۳۷۱، صص ۱۹-۱۱۸
ـ رزازی، محمدتقی. «قلعه رودخان»، روزنامه همشهری، ۷۹/۹/۱۲، ص ۱۷
ـ رضا، عنایت‌الله. «ایران و ترکان در روزگار ساسانیان»، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵
ـ رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. «آثار ملی اصفهان»، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲
ـ رکوعی، عزت‌الله. «سرزمین ما»، نشر کیوان، ۱۳۷۴
ـ رکوعی، عزت‌الله. «ارگ بم یادگاری کهن»، فروهر، س ۳۱، ش ۶-۵ (پیاپی ۳۵۶)، صص ۴-۲۳
ـ روح‌بخشان، ع. «قلعه فرزین»، شقایق، ش ۲، تابستان ۱۳۷۶، صص ۵-۴۰
ـ ریاحی، محمدامین. «تاریخ خوی»، تهران، توس، ۱۳۷۲
ـ رئیس‌نیا، رحیم. «آذربایجان در سیر تاریخ ایران»، تبریز، یغما، ۱۳۶۸
ـ زابلی، علی‌رضا. «آثار تاریخی نهاوند»، در «سالنامه فیروزان»، ۱۳۳۶-۳۷، چاپ میهن، صص ۳۳-۲۷
ـ زارعی، محمدابراهیم. «سیمای میراث فرهنگی کردستان»، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۱
ـ زائر، س ۵، ش ۷، مهر ۱۳۷۷، ص ۴۱
ـ زمانی، عباس. «سه اثر تاریخی در زیبد گناباد»، بررسی‌های تاریخی، س ۷، ش ۴، مهر و آبان ۱۳۵۱، صص ۷-۵۴
ـ زمانی، عباس. «قلعه فرود...»، بررسی‌های تاریخی، س ۷، ش ۵، آذر و دی ۱۳۵۱، صص ۹۰-۳۱
ـ زمانی، عباس. «قلعه دختر مزار بجستان گناباد»، بررسی‌های تاریخی، س ۷، ش ۶، بهمن و اسفند ۱۳۵۱، صص ۶۳-۲۵۳
ـ زنده‌دل، حسن و دیگران. «راهنمای جامع ایرانگردی استان آذربایجان غربی»، تهران، ۱۳۷۷
ـ سامع سردرودی، مقصود. «با سردرود و قلعه تاریخی آن آشنا شویم»، پیام میراث، خبرنامه داخلی سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰، صص ۲-۳۱
ـ سایکس، ژنرال سرپرسی. «سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس»، حسین سعادت‌نور، تهران، لوحه، ۱۳۶۳
ـ ستوده، منوچهر. «مطالعات تاریخی و جغرافیایی مسافرت به قلعه الموت»، تعلیم و تربیت، س ۱۶، ش ۶، شهریور ۱۳۱۵، صص ۱۳۶-۴۳
ـ ستوده، منوچهر. «قلعه گردکوه»، مهر، س ۸، ش ۶، شهریور ۱۳۲۱، صص ۳۹-۳۴۳
ـ ستوده، منوچهر. «قلعه الموت»، فرهنگ ایران زمین، ج ۳، ۱۳۳۴، صص ۲۱-۵
ـ ستوده، منوچهر. «استحکامات سرزمین ایران در دوران اسلامی»، مکتب تشیع، ش ۳، ۱۳۴۰
ـ ستوده، منوچهر. «قلعه گردکوه»، مهر، س ۸، ش ۶
ـ ستوده، منوچهر. «شهر دربند و دیوار دربند یا سد یأجوج و مأجوج»، یغما، ش، ۱۳۴۳، صص
ـ ستوده، منوچهر. «قلاع اسماعیلیه در رشته‌کوه‌های البرز»، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵
ـ ستوده، منوچهر. «از آستارا تا استرآباد»، ج ۱ (۱۳۴۹)، ج ۲ (۱۳۵۱)، ج ۳ (۱۳۵۵)، تهران، انجمن آثار ایران، ج ۴ (۱۳۶۶)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
ـ ستوده، منوچهر. «قلاع»، در «معماری ایران ـ دوره اسلامی»، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، صص ۱۰۴-۹۱
ـ ستوده، منوچهر و دیگران. «استوناوند»، تهران، مؤسسه جهانگیری، ۱۳۶۷
ـ سدیدالسلطنه، محمدعلی. «بندرعباس و خلیج‌فارس»، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳
ـ سرفراز، علی‌اکبر و جواد بابک. «گزارش بررسی آذربایجان غربی، ۱۳۴۴»، مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی کشور
ـ سعیدیان، عبدالحسین. «دائرةالمعارف سرزمین و مردم ایران»، تهران، علم و زندگی، ۱۳۶۳
ـ سعیدیان، عبدالحسین. «شناخت شهرهای ایران»، تهران، علم و زندگی، ۱۳۷۹
ـ سعیدیان، عبدالحسین. «نایین»، در «شهرهای ایران»، ج۲، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، صص ۷۵-۲۳۲
ـ سلطانزاده، حسین. «واحدها و محله‌های مسکونی در شهرهای ایران»، در «شهرهای ایران»، ج ۳، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸، صص ۴۱۹-۳۵۰
ـ سلطانزاده، حسین. «نایین شهر هزاره‌های تاریخی»، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۴
ـ سلیمی مؤید، سلیم. «سیمای میراث فرهنگی استان تهران»، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۱
ـ سورتیجی، سامان. «قلاع باستانی مازندران»، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۱
ـ سیدحسینی، محمدرضا. «یزد در یک نگاه»، سازمان ایرانگردی و

جهانگردی یزد، ۱۳۸۱
- شاردن، ژان. «سفرنامه شاردن»، حسین عریضی، تهران، بنگاه، ۱۳۶۲
- شریعتی، علی. «راهنمای خراسان»، تهران، سازمان جلب سیاحان، ۱۳۴۵
- شفقی، سیروس. «پیشینه تاریخی قلعه‌های دفاعی اصفهان»، **فرهنگ اصفهان**، ش ۲۲، زمستان ۱۳۸۰، صص ۷۰-۶۲
- شفیعی، محمدرضا. «جاذبه‌های سیاحتی شهرستان فارسان»، بام ایران، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، صص ۴-۳
- شکاری نیری، جواد. «معرفی چهار اثر باستانی ناشناخته در شهرستان نیر»، **باستان‌شناسی و هنر**، س ۱، ش ۳-۲، بهار و تابستان ۱۳۷۹، صص ۸-۵۰
- شکوهی، مهرداد. «قلعه‌های دارزین»، **میراث فرهنگی**، ش ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، صص ۹-۶۴
- صبا، فرج‌الله. «گزارش بازدید از قلعه رودخان»، **نجوم**، س ۲، ش ۱۲ (پیاپی ۲۴)، شهریور ۱۳۷۲، ص ۳۰
- صدرائی، علی. «بررسی بناهای دوره صفویه در آذربایجان غربی...»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳
- صدرائی، علی. «بررسی بناهای دوره صفویه در آذربایجان غربی...»، **اثر**، ش ۲۷-۲۶، ۱۳۷۵، صص ۲۰۳-۱۸۶
- صدرائی، علی. «پژوهش و گمانه‌زنی در قلعه بختک لیلان، سال ۱۳۸۰»، مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی کشور
- صفایی، ابراهیم. «دژ شاپور و عمارت خوابگاه»، **انجمن تاریخ**، ش ۶، دی ۱۳۵۰، صص ۹-۵۵
- صمصام بختیاری، امیرحسین. «قلعه قورتان عظمتی که پابرجا مانده است»، **زمان**، دوره دوم، ش ۱، بهمن ۱۳۷۳، صص ۷-۴
- صنیع‌الدوله، محمدحسن‌خان. «مطلع‌الشمس»، (۱۳۰۱)، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲
- ......«قلعه نور»، **یغما**، ش ۳، ۱۳۳۵، صص ۲۳-۱۱۶ و ش ۴، صص ۶۷-۱۵۹
- صنعتی، همایون. «دومین قلعه دختر کرمان»، **آینده**، س ۸، ش ۱۰، دی ۱۳۶۱، صص ۸۵-۶۸۱
- طوفان، جلال. «شهرستان جهرم»، شیراز، ۱۳۳۶
- غضنفری، حسین. «لرستان در گذر تاریخ»، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۲
- غضنفری‌پور، محمدعلی. «معرفی شهر قدیم بم»، **کرمان‌شناسی**، مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۶۹، صص ۷-۲۴۳
- فدایی، احمد. «جغرافیای شهرستان اسفراین»، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴
- فرخ‌یار، حسین. «نگاهی به بناهای تاریخی کاشان»، بی‌جا، مؤلف، ۱۳۶۹
- فرصت‌الدوله شیرازی، محمدنصیر. «آثارالعجم»، بمبئی، سیدمحمد شیرازی، ۱۳۱۴
- فرمانفرما، فیروز میرزا. «سفرنامه کرمان و بلوچستان»، تهران، بابک، ۱۳۶۰
- فرهنگی، عادل و اسکندر مختاری. «قلعه آردمین»، **اثر**، ش ۱۴-۱۲، ۱۳۶۵، صص ۱۱۷-۱۰۷
- فقیری، اسلام. «... قلعه رودخان»، **گیله‌وا**، س ۴، ش ۲(پیاپی ۳۳)، مهر و آبان ۱۳۷۴، صص ۳۷-۳۶
- فلاح‌فر، سعید. «رودخان قلعه‌ای در آغوش جنگل»، **گردشگری**، س ۳، ش ۱۰، مرداد ۱۳۸۰، صص ۲۷-۲۶
- فلاح‌فر، سعید. «قلعه سلاسل(شوشتر)»، **گردشگری**، س ۳، ش ۱۱، دی ۱۳۸۰، صص ۱-۴۰
- فلاندن، اوژن. «سفرنامه اوژن فلاندن به ایران»، حسین نورصادقی، تهران، اشراقی، ۱۳۶۰
- قاضی‌زاده، میرحمدالله. «نارین قلعه چگونه ویران شد (اردبیل)»، **تماشای زندگی**، دوره جدید، س ۳، ش ۲ (پیاپی ۲۷)، آذر ۱۳۷۴، صص ۳-۲۲
- قدیانی، عباس. «جغرافیای تاریخی ری»، تهران، انتشارات آرون، ۱۳۷۹
- قراخانی بهار، حسن. «دژ گل‌خندان و بقعه سلطان مطهر»، بررسی‌های تاریخی، ش ۵، آذر و دی ۱۳۵۳، صص ۲۴-۲۰۷
- قراخانی بهار، حسن. «بررسی‌های باستانشناسی در حاشیه رودخانه ساروق آذربایجان»، بررسی‌های تاریخی، ش ۲، ۱۳۵۵، صص ۱۷۸-۱۷۰
- قراخانی بهار، حسن. «آثار باستانی و معماری بقاع اطراف سبزوار و اسفراین»، تهران، یساولی، ۱۳۶۳
- قربانی، محمد. «گزارش شناسایی و بررسی آثار باستانی سلماس، سال ۱۳۷۳»، مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی کشور
- قربانی، محمدعلی. «پیشینه تاریخی و فرهنگی لاهیجان و بزرگان آن»، انتشارات سایه، ۱۳۷۵
- قریب، عبدالکریم. «بناهای تاریخی را از انهدام بازدارید؛ قلعه مستوفی آشتیان»، **چیستا**، س ۳، ش ۱، شهریور ۱۳۶۴، صص ۳-۴۱
- قزوینی، محمد. «قلعه بندر در حوالی شیراز»، **یادگار**، س ۲، ش ۷، اسفند ۱۳۲۴، صص ۳۷-۲۸
- «قلعه جلالی»، **آگاهینامه**، ش ۱۹، تیر ۱۳۵۶، ص ۶
- «قلعه چوغوکی»، **هنر و معماری**، س ۶، ش ۲۴-۲۲، خرداد -

آبان ۱۳۵۳، صص ۲۸-۱۲۷

- «قلعه دستگرد»، هنر و معماری، س ۶، ش ۲۴-۲۲، خرداد - آبان ۱۳۵۳، ص ۲۶

- «قلعه رودخان»، روزنامه همشهری، ۸۱/۲/۱۶، ص ۱۷

- «قلعه رودخان»، روزنامه سیاست روز، ۸۰/۶/۲۹، ص ۸

- «قلعه سب - سراوان»، اثر، ش ۲۷، ۱۳۷۶، ص ۱۹۴

- «قلعه سهرین»، گزارش ماه، ۱۳۸۰، صص ۱۸-۱۷

- «قلعه ضحاک هشترود»، پیام میراث ۲، نشریه داخلی میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۰، صص ۳۲-۲۶

- «قلعه گرگد - گلپایگان»، اثر، ش ۳۲-۳۱، ۱۳۷۹، ص ۴۲

- «قلعه لشتان»، آگاهینامه، ش ۱۷، اردیبهشت ۱۳۵۶، ص ۱۸

- «قلعه نارنج سبزوار»، باستان‌شناسی و تاریخ، س ۳، ش ۱، ۱۳۶۷، صص ۹۰-۸۹

- «قلعه هشتادان»، هنر و معماری، ش ۲۰، دی و اسفند ۱۳۵۲، ص۴۹

- قلمی، عزیزالله. «مغان در گستره تاریخ»، شرکت سهامی کشت و صنعت مغان، انتشارات فرشاد، ۱۳۷۶

- کاتب، مجید. «تهران و ابنیه تاریخی آن»، بررسی‌های تاریخی، س ۳، ش ۱، ۱۳۴۷، ص ۱۴-۲۰۹

- کارگر، بهمن. «گزارش بررسی منطقه سرو... آذربایجان غربی - ۱۳۶۵»، مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی کشور

- کامبخش‌فرد، سیف‌الله. «قلعه جمهور...»، هنر و مردم، س ۵، ش ۵، ۱۳۴۵/۱، صص ۶-۲

- کامبخش‌فرد، سیف‌الله. «قلعه جمهور...»، بررسی‌های تاریخی، س۱، ش۴، دی ماه ۱۳۴۵/۲، صص ۹-۴

- کامبخش‌فرد، سیف‌الله. «آثار تاریخی ایران»، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰

- کریمان، حسین. «قصران»، ج ۱، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶

- کریمان، حسین. «ری‌باستان»، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹

- کریمان، حسین. «آثار بازمانده از ری قدیم»، تهران، دانشگاه ملی، ۱۳۵۰

- کریمان، حسین. «تهران در گذشته و حال»، تهران، دانشگاه ملی، ۱۳۵۵

- کریمی، بهمن. «خرابه‌های ری»، یغما، تیر ۱۳۲۸، صص ۷-۱۵۴

- کریمی، فاطمه. «کاشان»، در «شهرهای ایران»، ج ۳، به کوشش محمدیوسف کیانی، ۱۳۶۸، صص ۳۳-۲۰۳

- کریمیان سردشتی، نادر. «پیشینه و نقشه تاریخی قلعه چهریق»، اثر، ش ۳۵، ۱۳۸۲، صص ۹۵-۲۸۰

- کشاورز، علی‌اصغر. «تاریخ و جغرافیای دامغان»، انتشارات هیرمند، ۱۳۷۰

- «کشف دروازه و برج‌های قلعه و محوطه تاریخی روستای قدیمی سهرین»، گزارش ماه، نشریه داخلی سازمان میراث فرهنگی کشور، ش ۲۲، اسفند ۱۳۸۰، صص ۸-۱۷

- کلایس، والفرام. «قلاع»، در «معماری ایران - دوره اسلامی»، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، صص ۲۸-۱۰۵

- کلایس، والفرام. «قلعه پرتقالی جزیره هرمز»، فرامرز نجد سمیعی، میراث فرهنگی، ش ۲-۳، ۱۳۷۰، صص ۵-۹۰

- کلایس، والفرام. «قلعه ضحاک در آذربایجان»، میراث فرهنگی، ش ۹-۸، بهار و تابستان ۱۳۷۲، صص ۵-۷۱

- کیانی، محمدیوسف و محمد مهریار. «دیوار دفاعی گرگان»، اثر، ش ۴-۲، ۱۳۵۹، صص ۳۷-۱۰۴

- کیانی، محمدیوسف و محمد مهریار. «معرفی دو قلعه اسلامی در شهمیرزاد»، باستان‌شناسی و تاریخ، س ۱، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۶۵، صص ۹۰-۸۸

- کیانی، محمدیوسف و محمد مهریار. «نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران»، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵/۲

- کیانی، محمدیوسف و محمد مهریار. «شهرهای ایران»، ۴ ج، تهران، جهاد دانشگاهی، ج ۲ (۱۳۶۶)، ج ۳ (۱۳۶۸)، ج ۴ (۱۳۷۰)

- کیانی، محمدیوسف و محمد مهریار. «معماری ایران - دوره اسلامی»، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶

- کیانی، محمدیوسف و محمد مهریار. «معماری و شهرسازی ایران به روایت تصویر»، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۲

- کیانی، محمدیوسف و محمد مهریار. «معرفی معماری و شهرسازی جزایر خلیج‌فارس»، معماری و فرهنگ، س ۲، ش ۸، بهار ۱۳۸۰، صص ۱۰۸-۸۴

- «گبری قلعه»، آگاهینامه، ش ۱۳، دی‌ماه ۱۳۵۵، ص ۱۵

- گدار، آندره و دیگران. «آثار ایران» ۴ ج، ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱

- «گزارش ثبتی بنای قلعه گبری شهر ری، ۱۳۷۶»، مرکز اسناد و مدارک مدیریت سازمان میراث فرهنگی استان تهران

- «گزارش‌های باستان‌شناسی در ایران»، سروش حبیبی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴

- گلریز، محمدعلی. «مینودر؛ باب‌الجنه»، ج ۱، تهران، طه، ۱۳۶۸

- گلزاری، مسعود. «کرمانشاهان - کردستان»، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۷

- گوبه، هاینس. «ارگ بم»، کرامت‌الله افسر، در «نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران»، به کوشش محمدیوسف کیانی،

۱۳۶۵، صص ۱۹-۳۰۲

ـ گوبه، هاینس. «ارگ بم»، کرامت‌اللّه افسر، در «کرمان در قلمرو تحقیقات ایرانی»، ۱۳۷۰، صص ۷۹-۳۶۵

ـ لباف خانیکی، رجبعلی. «آشیانه‌های عقاب»، **میراث فرهنگی**، س ۲، ش ۴-۳، پاییز ۱۳۷۰، صص ۷-۱۰۱

ـ لسترنج. «جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی»، محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴

ـ لولویی، کیوان. «دژ رازناک و گنجینه بـا ارزش نـادری»، **جهانگردان**، ش ۱۵، اردیبهشت ۱۳۷۸، صص ۵-۴۴

ـ مبارکشاه، محمدبن منصور. «آداب‌الحرب و الشجاعه»، احمد سهیلی، تهران، اقبال، بی‌تا

ـ مترجم، عباس و یعقوب محمدی‌فر. «فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، ۱۳۷۹»، مدیریت میراث فرهنگی ایلام، ۱۳۸۰

ـ متولی، عبداللّه. «دیدار از قلعه رودخان»، **جهانگردان**، ش ۶، بهمن ۱۳۷۶، صص ۱۷-۱۳

ـ مجیدی، نورمحمد. «تاریخ و جغرافیای ممسنی»، تهران، علمی و فرهنگی، بی‌تا

ـ مجیدی، نورمحمد. «تاریخ کهگیلویه و بویراحمد»، تهران، علمی و فرهنگی

ـ مجیدی، نورمحمد. «تاریخ شهرستان بهبهان»، انتشارات به‌آفرین، ۱۳۷۸

ـ محمدی‌فر، یعقوب و عباس مترجم. «فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، ۱۳۸۰»، مدیریت میراث فرهنگی ایلام، ۱۳۸۰

ـ محیط، محمود. «جغرافیا و سیمای دیار ما، قیر و کارزین»، ۱۳۷۵

ـ مخلصی، محمدعلی. «آثار تاریخی سمنان»، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۶

ـ مخلصی، محمدعلی. «فهرست بناهای تاریخی آذربایجان شرقی»، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۱

ـ مسلمی، اعظم. «ممسنی بهشت گمشده»، ۱۳۶۹

ـ مشکوتی، نصرت‌اللّه. «فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران»، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۹

ـ مشکور، محمدجواد. «نگاهی به تاریخ آذربایجان»، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹

ـ مصطفوی. محمدتقی. «سرسره فتحعلیشاه و آثار تاریخی دیگر مجاور کارخانه سیمان شهر ری»، **اطلاعات ماهانه**، ش ۶۹، آذر ۱۳۳۲، صص ۷-۲۶

ـ مصطفوی. محمدتقی. «یک اثر تاریخی از دوران ماد تا دوره اسلامی، قلعه ضحاک در آذربایجان شرقی»، در «یادنامه ایرانی مینورسکی»، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱، صص ۹-۱۲۸

ـ مصطفوی. محمدتقی. «اقلیم پارس»، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۳

ـ مصطفوی. محمدتقی. «آثار تاریخی تهران»، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۶۱

ـ مصطفوی. محمدتقی. «قلعه مورنا»، در «مجموعه مقالات خلیج‌فارس»، ۱۳۶۹، ص ۵۷

ـ مظفریان، منوچهر. «کازرون در آیینه تاریخ»، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۷۴

ـ معرفت، احمد. «کوه‌ها و غارهای ایران»، تهران، کانون معرفت، ۱۳۵۲

ـ معصومی، غلامرضا. «سیراف(بندر طاهری)»، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳

ـ مقری، علی‌اصغر. «بناهای تاریخی خراسان»، مشهد، پارت، ۱۳۵۹

ـ مقیمی، محمداسماعیل. «جغرافیای تاریخی شیروان»، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۱

ـ مک‌گرگر، کلنل سی.ام. «شرح سفری در ایالات خراسان»، ج ۱، مهدی‌زاده، ج ۲، اسداللّه توکلی طبسی، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸

ـ منتخبی، سیدهاشم. «قلعه دختر گوجکی»، **فرهنگ خراسان**، ش ۱۰-۹، ۱۳۴۸، صص ۸-۵۶

ـ موسوی، سیامک. «خرم‌آباد و میراث باستانی و تاریخی آن»، **ایران‌شناسی**، س ۱، ش ۱۰-۹، شهریور ۱۳۷۱، ص ۲۵

ـ مولوی، عبدالحمید. «آثار باستانی خراسان»، ج ۱، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵

ـ مهریار، محمد. «قلعه‌های اصفهان»، **مجله دانشکده ادبیات اصفهان**، س ۱، ش ۱، ۱۳۴۳، صص ۱۵۵-۸۸

ـ مهریار، محمد و دیگران. «بررسی و پیگردی مقدماتی برج و باروی شهر قدیم سلطانیه»، اثر، ش ۱۴-۱۲، ۱۳۶۵، صص ۶۴-۲۰۹

ـ میرعظیمی، نعمت‌اللّه. «اصفهان زادگاه جمال و کمال»، نشر گل‌ها، ۱۳۷۹

ـ میرفتاح، علی‌اصغر، «قلعه سلاسل(شوشتر)»، **بررسی‌های تاریخی**، س ۱۱، ش ۲، خرداد و تیر ۱۳۵۵، صص ۸۳-۵۹

ـ میرفتاح، علی‌اصغر، «بناهای تاریخی بنارویه...»، اثر، ش ۲۱، تابستان ۱۳۷۱، صص ۴۱-۱۲۶

ـ میرمیران، سیدهادی. «طرح احیای مجموعه کریمخانی شیراز»، **معماری و فرهنگ**، س ۲، ش ۷، زمستان ۱۳۷۹، صص ۸۳-۷۹

ـ میشل، لیدی. «خاطرات لیدی میشل»، حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، ۱۳۶۹

ـ ناومان، رودلف. «ویرانه‌های تخت‌سلیمان و زندان سلیمان»، فرامرز نجد سمیعی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴
ـ نجاتی دامغانی، رحمت‌الله. «قلعه کوه مهرنگار»، یغما، س ۲۰، ش ۶، ۱۳۴۶، صص ۲۵-۳۲۴
ـ نجاتی دامغانی، رحمت‌الله. «قلعه منصور کوه دامغان»، یغما، ش ۱۳(پیاپی ۳۵۷)، خرداد ۱۳۵۷، صص ۶۱-۱۵۹
ـ نراقی، حسن. «آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز»، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸
ـ نوربخش، حمید. «ارگ بم»، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۵۵
ـ نوروززاده چگینی، ناصر. «شهرهای مازندران»، در «شهرهای ایران»، ج ۴، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰، صص ۱۲۲-۷۰
ـ وثوقی رهبری، علی‌اکبر. «تاریخ سیرجان»، ۱۳۷۶
ـ ورجاوند، پرویز. «قلعه باستانی ایزدخواست»، بررسی‌های تاریخی، س ۷، ش ۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۱
ـ ورجاوند، پرویز. «دیداری از کلات نادری و آثار آن»، باستان‌شناسی و هنر ایران، ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۴۸، صص ۶۲-۶۱
ـ ورجاوند، پرویز. «سرزمین قزوین»، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹
ـ ورجاوند، پرویز. «قلعه سنگ سیرجان و آتشدان سنگی آن»، بررسی‌های تاریخی، س ۷، ش ۳، مرداد و شهریور، صص ۱۱۵-۱۰۱
ـ ورجاوند، پرویز. «سفرنامه جنوب»، تهران، چاپخش، ۱۳۵۵
ـ ویلبر، دونالد. «معماری ایران در دوره ایلخانان»، عبدالله فریار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶
ـ ویلی، پیتر. «قلاع حشاشین»، محمدعلی ساکی، تهران، علمی، ۱۳۶۸
ـ هاشمی، حمید. «بناهای کریمخانی شیراز»، تهران، فرهنگ و قلم، ۱۳۷۹
ـ هرودوت. «تاریخ هرودوت»، وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲
ـ هنرفر، لطف‌الله. «گنجینه آثار تاریخی اصفهان»، اصفهان، ثقفی، ۱۳۴۴
ـ هنرفر، لطف‌الله. «آثار تاریخی لنجان اصفهان»، وحید، س ۲، ش ۶، خرداد ۱۳۴۴، صص ۵۰-۴۹
ـ هوف، دیتریش. «فیروزآباد»، در «شهرهای ایران»، ج ۲، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، صص ۱۱۷-۷۵
ـ یکتایی، مجید. «شهر باستانی دربند و حصار آن»، بررسی‌های تاریخی، س ۷، ش ۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۱،
- Schmidt,E.F."Flights Over Ancient Cities Of Iran",The University Of Chicago,1940

فهرست اعلام

نام جای‌ها

«پ»

فهرست اعلام

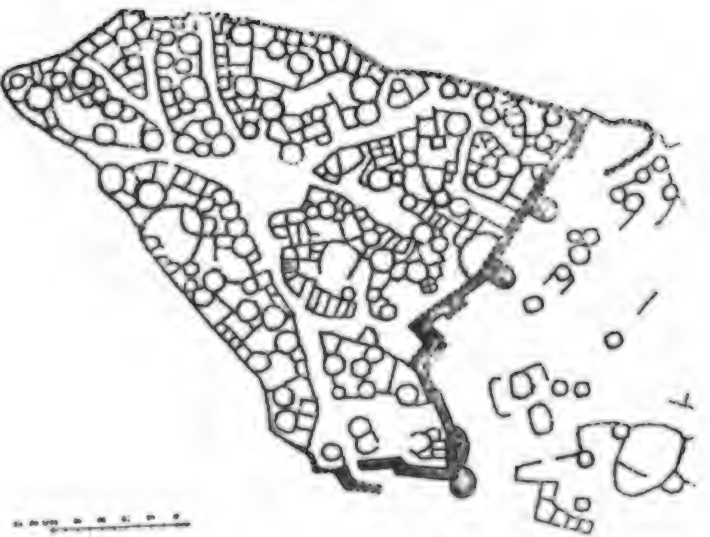
کسان

منابع و مأخذ تصاویر و نقشه‌ها

نام منبع	شماره تصویر
ـ آذری دمیرچی. ۱۳۶۸	۱۱۱
ـ استروناخ. ۱۳۷۹	۱۱
ـ اسلامی. ۱۳۵۰	۲۱۷
ـ بایرام‌زاده، رضا	۴۷، ۵۰، ۵۱
ـ بلمکی، بهزاد	۳۷۱
ـ پازوکی. ۱۳۷۶	۲۷ـ۳۱، ۳۳، ۴۸، ۴۹، ۶۴ـ۶۸، ۷۷ـ۷۹، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۶، ۸۶ـ۱۸۲، ۱۹۷ـ۲۰۱، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۲، ۲۹۲، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۹۱ـ۹۴
ـ پازوکی. ۱۳۸۱ـ۸۲	۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۰ـ۲۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰
ـ جانجان، محسن	۳۶۳ـ۶۶، ۳۶۹ـ۷۰، ۳۷۲
ـ چگینی. ۱۳۷۰	۳۰۴
ـ حاتمی، ابوالقاسم	۱۱۵ـ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۶، ۲۹۱
ـ حیدری. ۱۳۸۲	۵۳، ۵۹
ـ دیاکونف. ۱۳۷۱	۳ـ۵
ـ راهنمای گردشگری استان همدان. ۱۳۷۸	۳۶۸
ـ ستوده. ۱۳۶۶	۱۴۷، ۱۴۸، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۴، ۳۷۳
ـ سلطانزاده. ۱۳۶۸	۱۹۵
ـ سورتیجی. ۱۳۸۱	۳۱۷ـ۳۱۹، ۳۲۱ـ۳۲۴
ـ سیدحسینی. ۱۳۸۱	۳۹۰، ۳۹۷، ۴۰۰، ۴۰۲
ـ شاه‌محمدی، لیلا	۴۵، ۴۶
ـ شکاری. ۱۳۷۹	۶۱
ـ شکوهی. ۱۳۷۵	۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶
ـ غضنفری. ۱۳۷۲	۳۰۸
ـ فرهنگی عادل و اسکندر مختاری. ۱۳۶۵	۳۴۰
ـ قلعه چوغوکی. ۱۳۵۳	۲۸۹، ۲۹۰
ـ کامبخش فرد. ۱۳۴۵ و ۱۳۸۰	۲۶، ۳۴، ۴۴
ـ کریمی. ۱۳۶۸	۷۰
ـ کریمیان سردشتی. ۱۳۸۲	۵۶
ـ کلایس. ۱۳۶۶	۱، ۹، ۱۰، ۱۲، ۳۶، ۵۸، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۹۸، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۵۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۲۰، ۳۴۷
ـ کلایس. ۱۳۷۰	۳۵۶، ۳۵۷
ـ کیانی. ۱۳۶۵/۱	۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰
ـ کیانی. ۱۳۶۵/۲	۱۳، ۱۰۹، ۱۱۰، ۲۰۸، ۲۶۰، ۲۶۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۱
ـ کیانی. ۱۳۶۶	۱۹۲، ۱۹۳
ـ گدار. ۱۳۷۱	۶۹
ـ گزارش‌های باستان‌شناسی در ایران	۳۸، ۴۱، ۱۲۹

ـ گوبه. ۱۳۶۵	۲۵۷
ـ محمدی‌فر، یعقوب و عباس مترجم	۸۱ـ۹۲
ـ مخلصی. ۱۳۵۶	۱۸۱،۱۸۰،۱۷۵
ـ مهریار و دیگران. ۱۳۴۵	۱۷۴،۱۷۳،۱۷۲
ـ ناومان. ۱۳۷۴	۱۵،۱۴،۶
ـ نوربخش. ۱۳۵۵	۲۸۳ـ۸۷
ـ هوف. ۱۳۶۶	۱۸،۱۷،۱۶
ـ schmidt.1940	۳۱۳،۳۰۰،۲۹۶،۲۱۸،۱۹۶،۱۵۵،۱۰۶،۱۰۵،۶۲
ـ شبکه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور، قزوین، یزد، کرمان، آذربایجان شرقی، خراسان، بیرجند، سمنان، مرکزی، کرمانشاه	۱۴۶،۱۴۵،۱۳۸ـ۱۴۴،۹۳ـ۱۰۴،۷۱ـ۵،۵۵،۴۳،۴۲،۴۰،۳۹،۳۷،۳۵، ۲۰۶،۲۰۵،۲۰۳،۱۷۶ـ۷۹،۱۷۱،۱۷۰،۱۶۹،۱۶۲،۱۵۸،۱۵۷،۱۴۹ـ۵۴، ۲۴۵ـ۴۷،۲۴۸ـ۵۴،۲۴۵ـ۴۷،۲۴۰ـ۴۳،۲۳۷ـ۳۹،۲۲۲ـ۳۳،۲۱۰ـ۱۶،۲۰۹، ۳۵۶ـ۶۲،۳۴۸ـ۵۵،۳۴۱ـ۴۶،۳۳۵ـ۳۹،۳۱۰،۳۰۹،۲۹۷،۲۴۰ـ۴۳، ۴۰۷،۴۰۶،۴۰۴،۴۰۳،۴۰۱،۳۹۸ـ۹،۳۹۶،۳۸۲ـ۸۸،۳۷۷،۳۷۸ـ۸۱

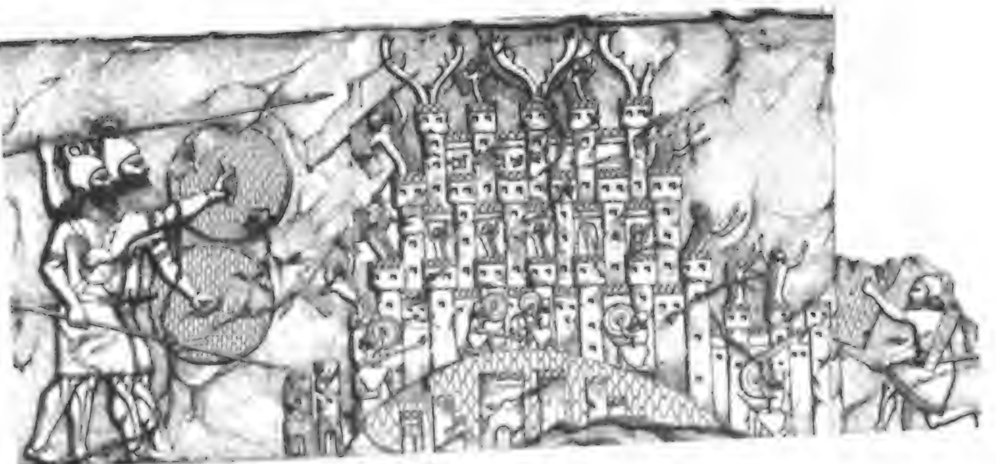
تصاویر و نقشه‌ها

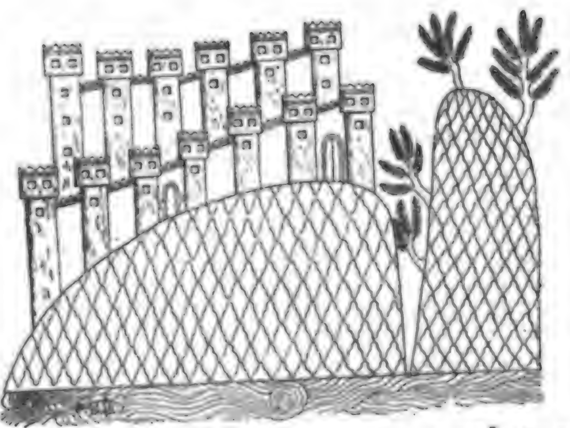


۱) راوز، نقشه بقایای موجود

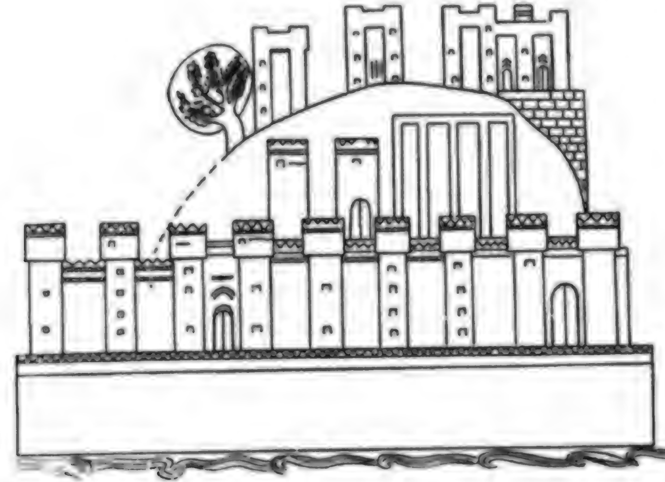


۲) معبد چغازنبیل، نقشه بقایای موجود

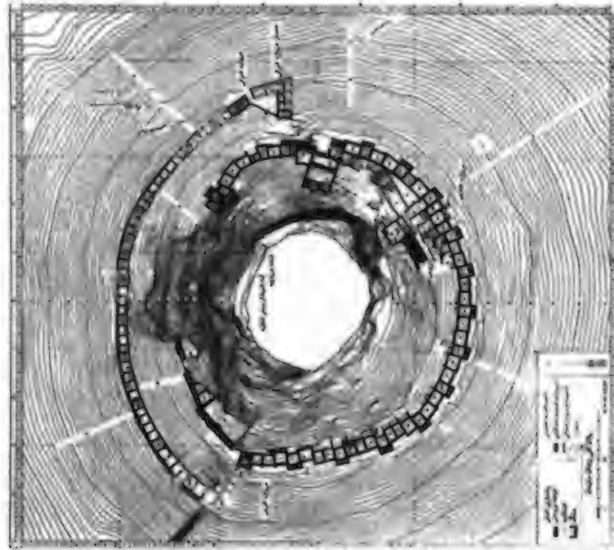




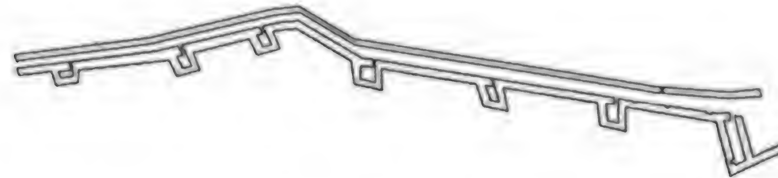
۳-۴) قلاع غرب و شمالغرب ایران به روایت نقوش برجسته آشوری



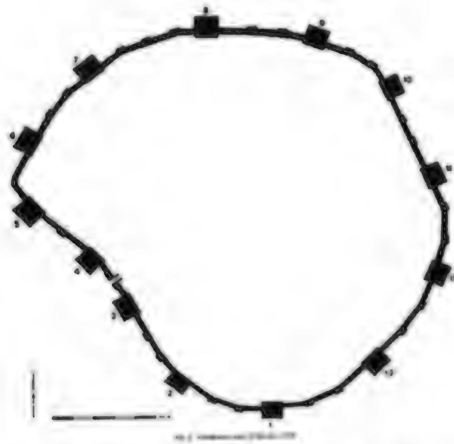
۵) قلّعه مادی به روایت نقش برجسته آشوری



۶) محوطه زندان سلیمان، نقشه بقایای موجود



۷) دیواره دفاعی جان آقا، نقشه



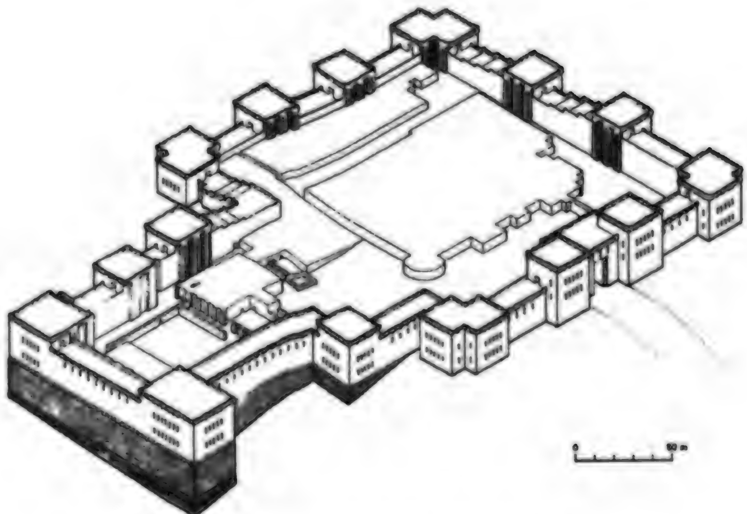
۸) محوطه باستانی حسنلو، نقشه برج و بارو



۹) قلّعه گاور، نقشه بقایای موجود



۱۰) محوطه باستانی بسطام، نقشه بقایای موجود



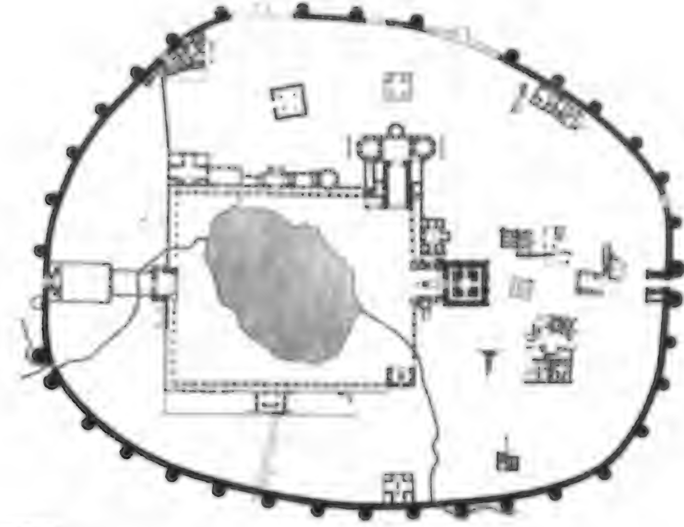
۱۱) پاسارگاد، طرح بازسازی شده قلّعه دفاعی



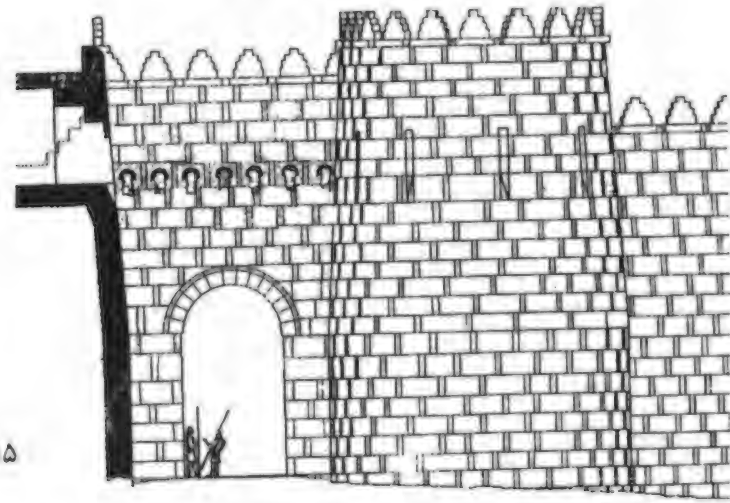
۱۲) تخت جمشید، نقشه بخشی از دیواره دفاعی



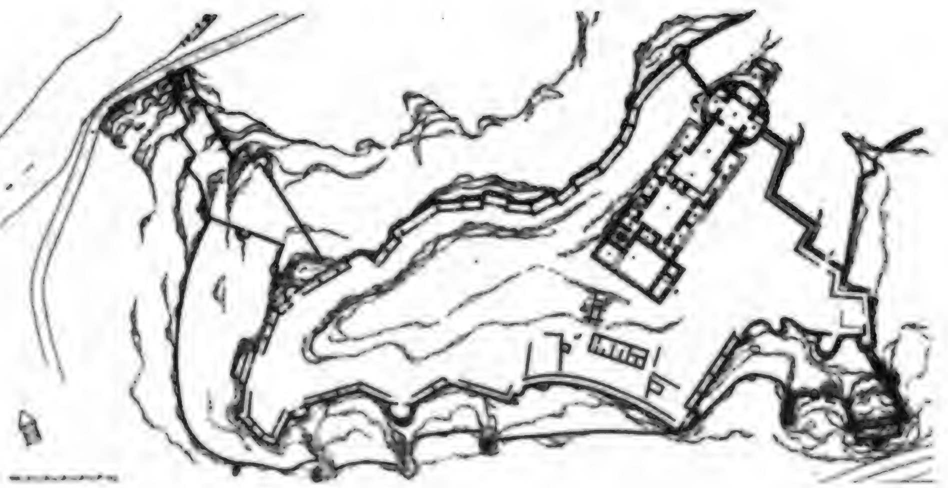
۱۳) محوطه تخت سلیمان، تصویر هوایی

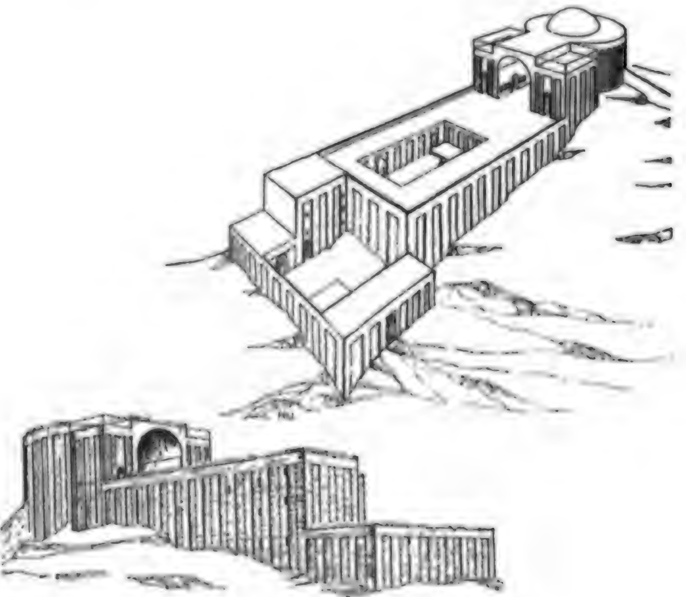


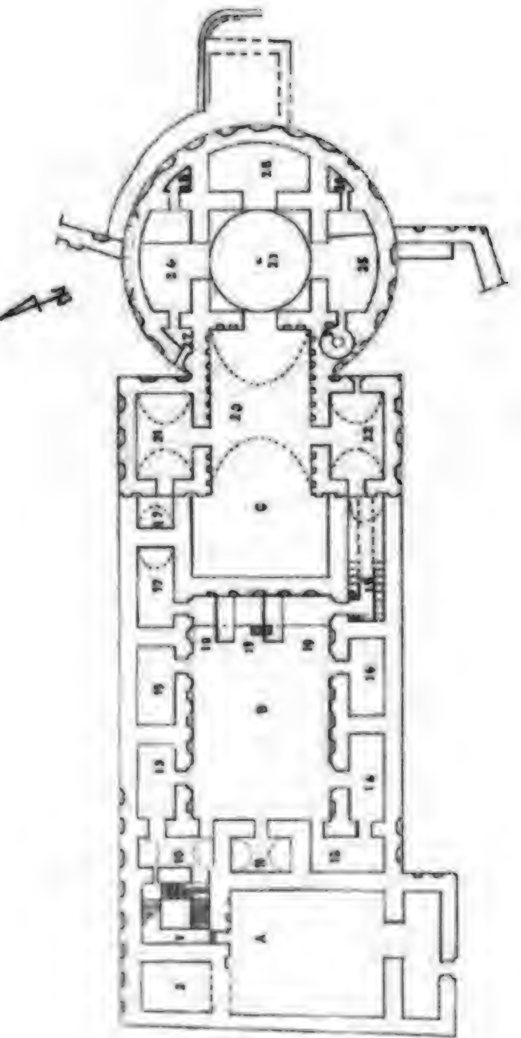
۱۴) محوطه تخت سلیمان، نقشه بنا در دوره ایلخانی



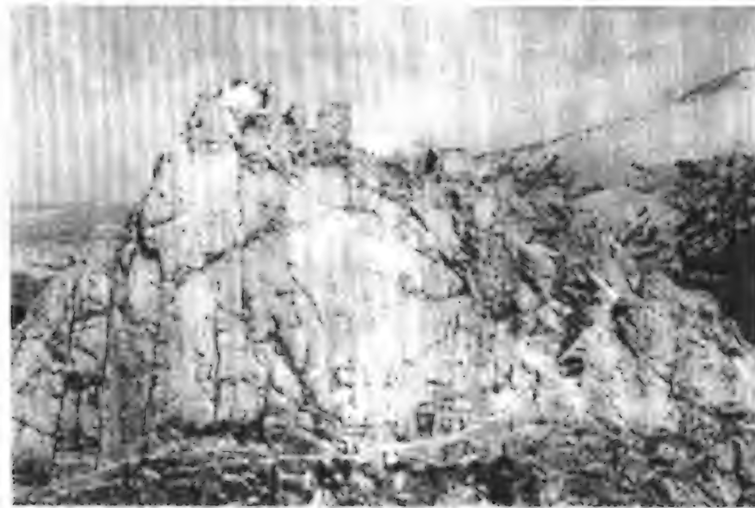
۱۵) تخت سلیمان، طرح بازسازی نمای ورودی







۱۶-۱۸) قلّعه دختر فیروزآباد، نقشه و طرح بازسازی شده






۲۲-۱۹) قلّعه بابک، نمای عمومی و بقایای معماری









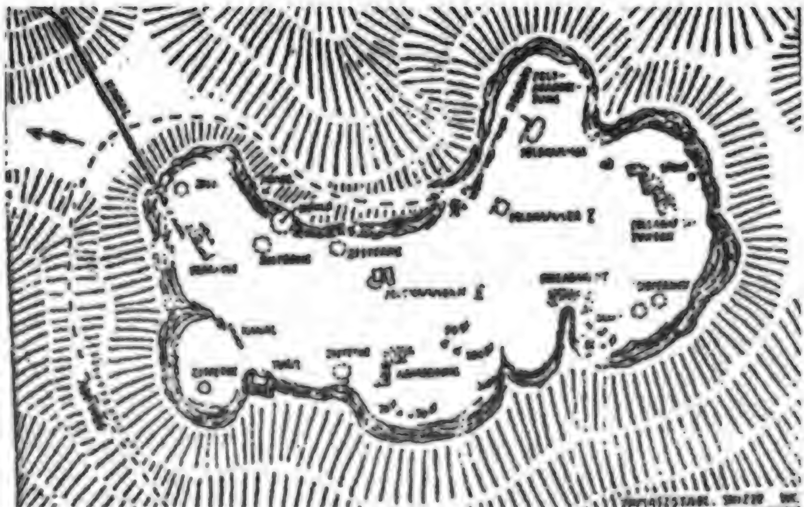
۲۳-۲۶) قلعه بابک، نقشه و آثار معماری موجود






۳۰-۲۷) قلّعه پشتو، نمای عمومی و بقایای راه‌پله و آب‌انبارها

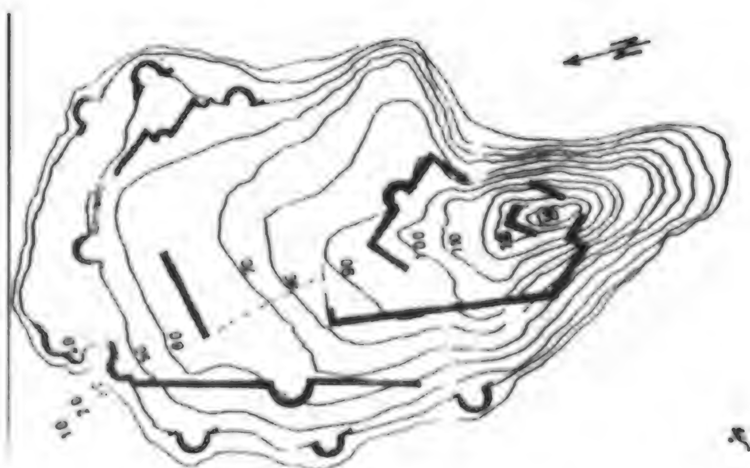




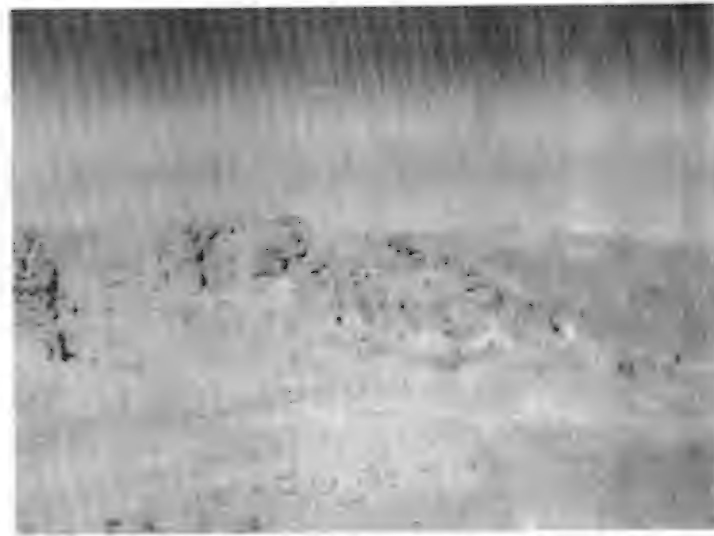
۳۱-۳۲) قلعه ضحاک عجب‌شیر، نمای عمومی و نقشه



۳۳) قلعه ضحاک عجب‌شیر، بقایای معماری



۳۴) قلعه پیکان، نقشه بقایای موجود



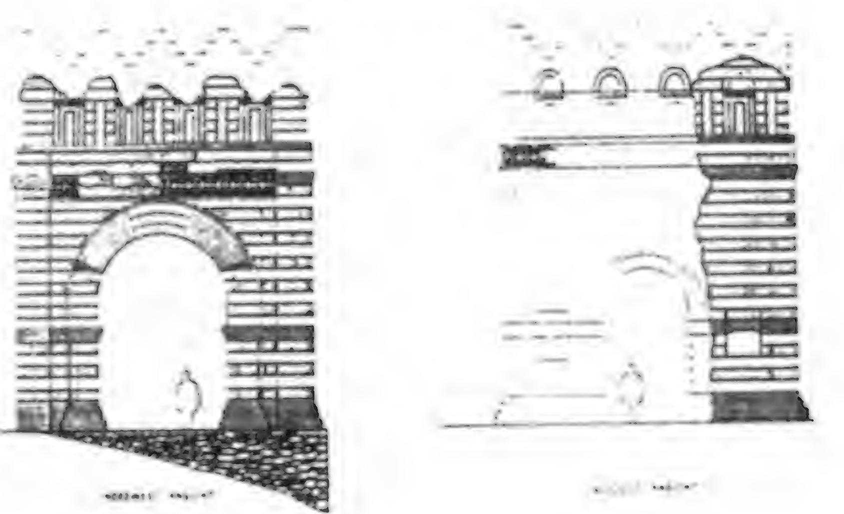




۳۵-۳۷) قلّعه دختر میانه، نمای عمومی، نقشه و بقایای موجود







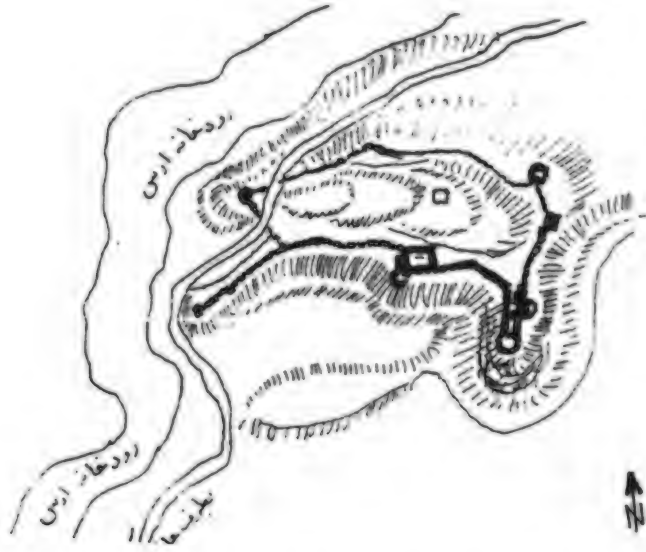




۴۲-۳۸) قلّعه ضحاک هشترود، نقشه و بقایای چهار



۴۳) قلّعه کردشت، دیواره دفاعی



۴۴) قلّعه مارازاد جلفا، نقشه بقایای موجود



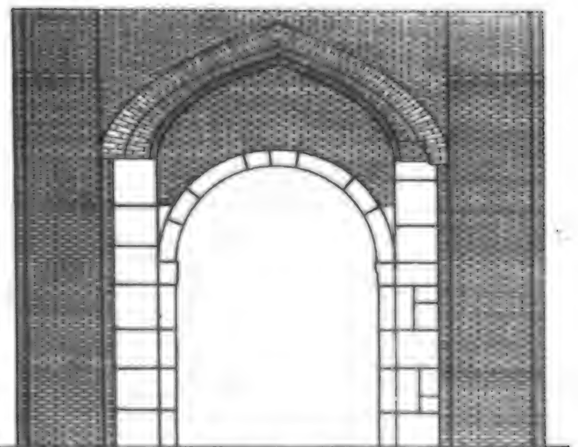


۴۶- ۴۵) قلّعه نجفقلی خان میانه، بقایای معماری

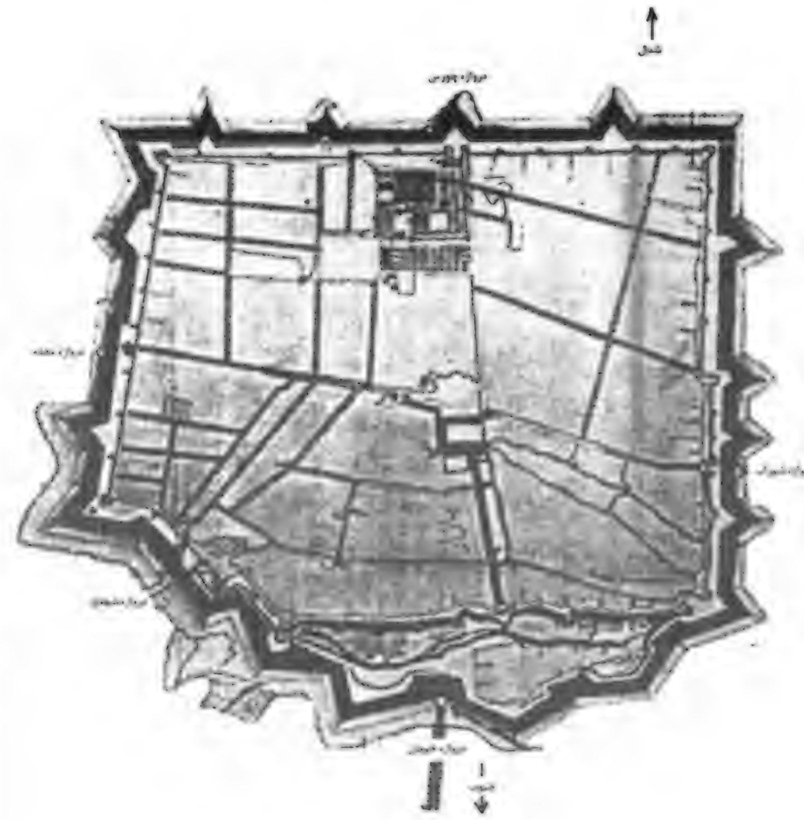








۵۰-۴۷) دروازه سنگی خوی، نمای خارجی(جنوبی) و داخلی بنا



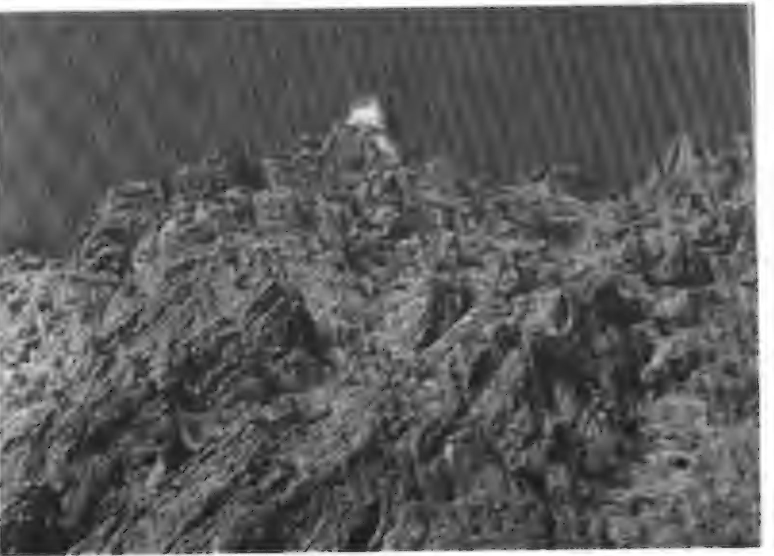
۵۰) نقشه حصار قدیم شهر خوی





۵۱-۵۲) قلّعه اسماعیل آقا، نمای عمومی و بقایای موجود



۵۳) قلّعه بردوک، نمای عمومی، سردر ورودی و بقایای معماری





۵۳) قلّعه بردوک، نقشه و بقایای موجود





۵۴) قلّعه بردینه، نمای عمومی و راه‌پله



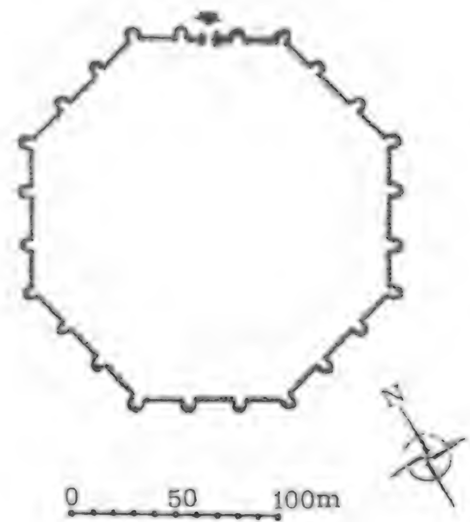
۵۵) قلّعه جوق ماکو،
نمای عمومی



۵۶) قلعه چهریق، نقشه تهیه شده از بنا در دوره قاجار



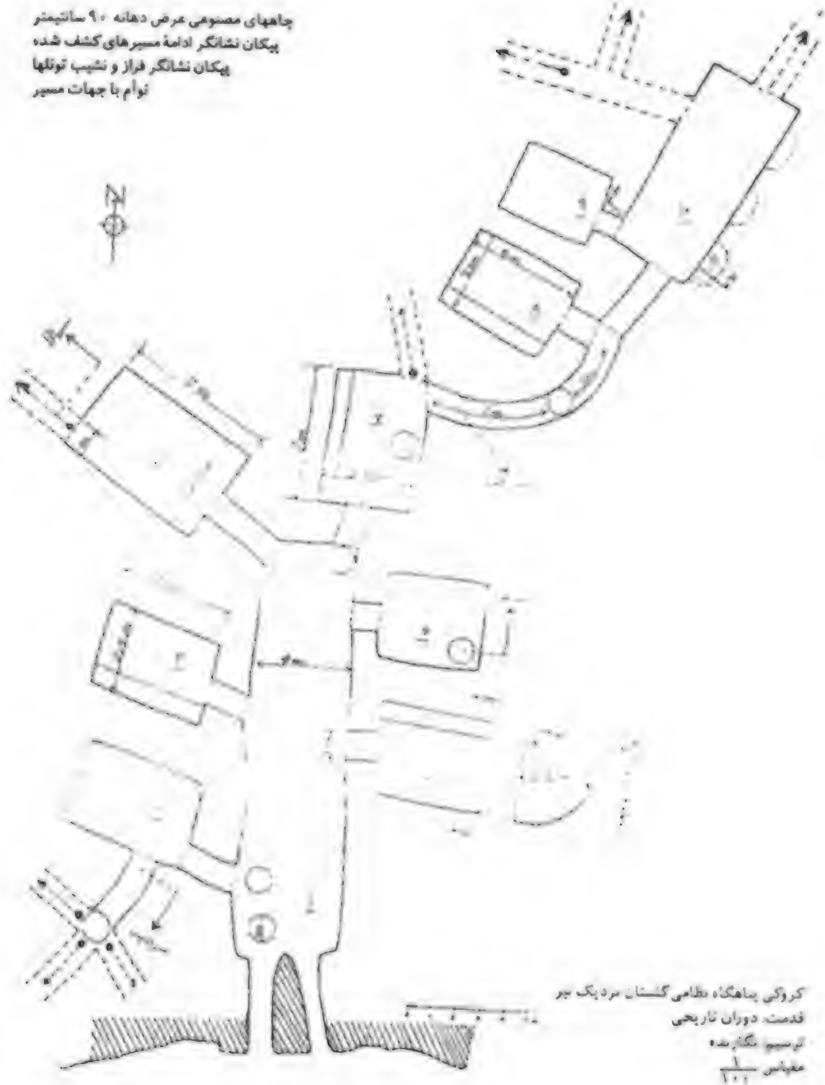
۵۷) قلعه ساری‌قورقان، نمای عمومی

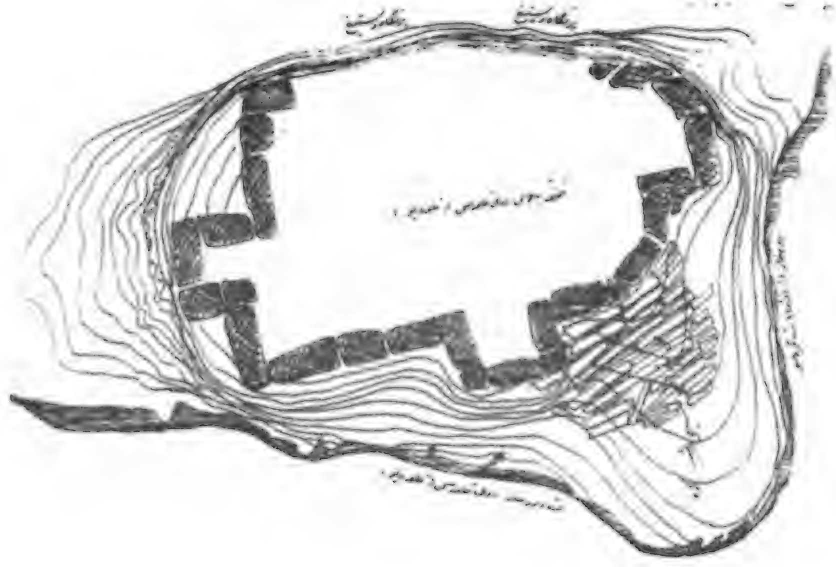


۵۸) قلعه قوشچی، نقشه برج و بارو



۵۹) قلعه کاظم داشی، نمای عمومی



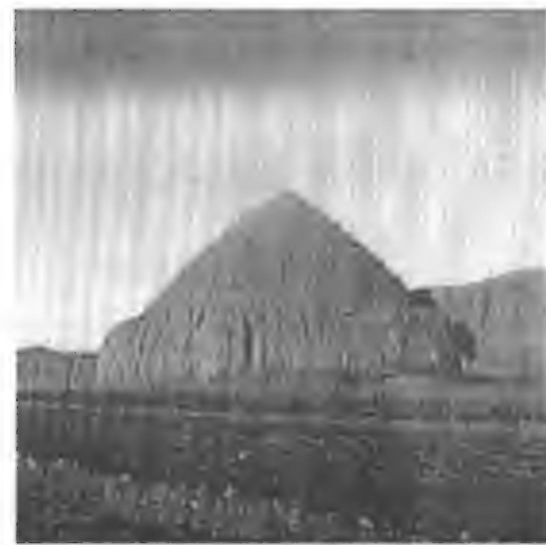


(۶۱) قلّعه زیرزمینی گلستان، نقشه فضاهای شناسایی شده


۶۲) کوه آتشگاه اصفهان، عکس هوایی


۶۳) بخشی از بارو و حصار دفاعی و باقیمانده شهر کاشان


۶۴) بخشی از حصار و باروی قلّعه جلالی
در غرب کاشان



۶۵) حصار قلّعه جلالی کاشان و یخچال مجاور آن



۶۶) قلّعه تُرشاب کاشان، نمای عمومی



۶۷) قلّعه زرین‌کفش کاشان، بقایای معماری



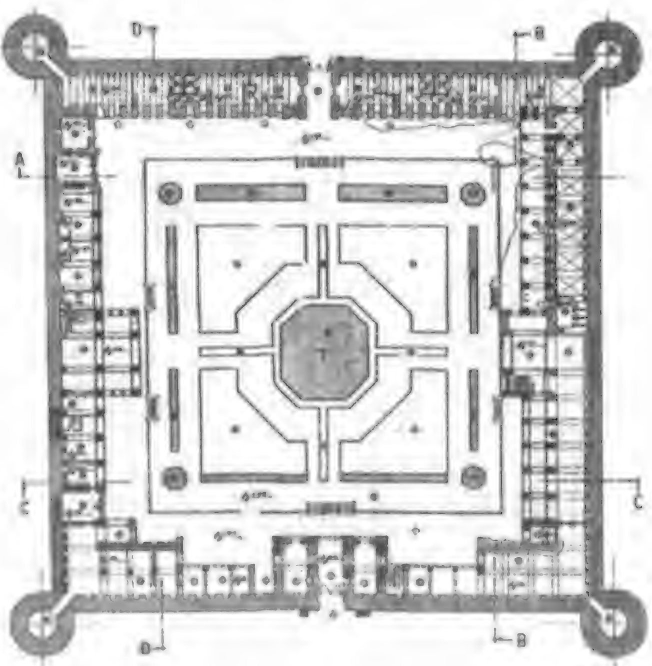
۶۸) قلّعه مشهد اردهال



۶۹) قلّعه طبرک اصفهان، تصویر قدیمی از بنا



۷۰) قلّعه قهرود کاشان، تصویری قدیمی از بنا



۷۱) قلّعه گوگد گلپایگان، نقشه

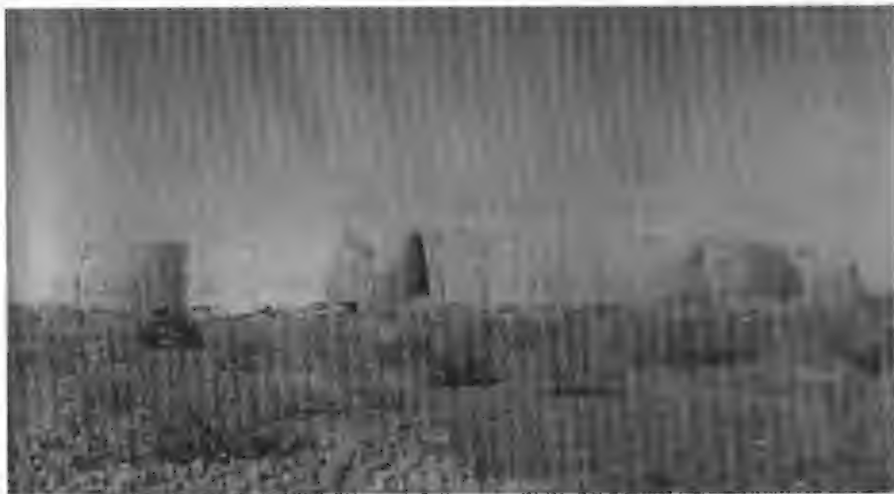








۷۵- ۷۲) قلّعه گوگد گلپایگان، وضعیت بنا قبل و بعد از بازسازی



۷۶) قلّعه مورچان کاشان، نمای عمومی



۷۷) قلّعه نوش‌آباد، نمای ورودی



۷۸) قلّعه نوش‌آباد، نمای عمومی برج و بارو



۷۹) قلّعه وشاق نطنز، نمای عمومی



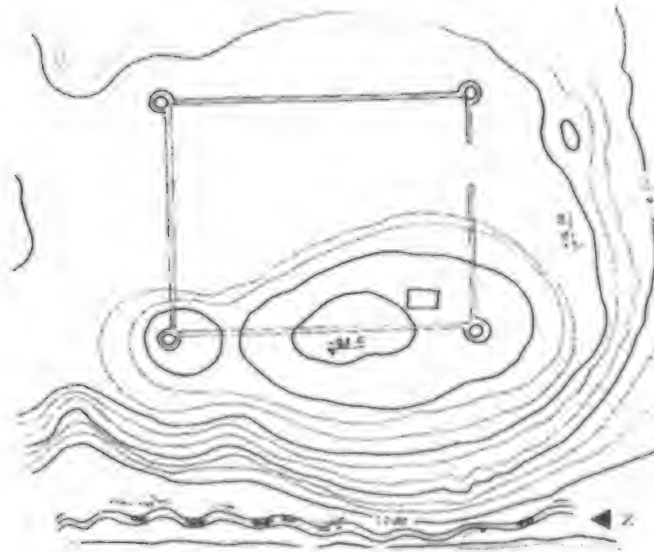
۸۰) نارین قلّعه نایین، بقایای معماری



۸۱) پشت قلّعه آبدانان، نمای عمومی



۸۲) پشت قلّعه آبدانان، بقایای معماری

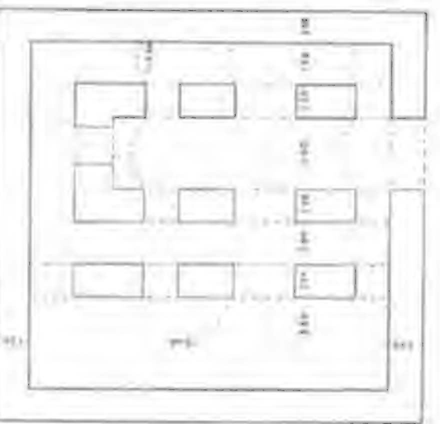


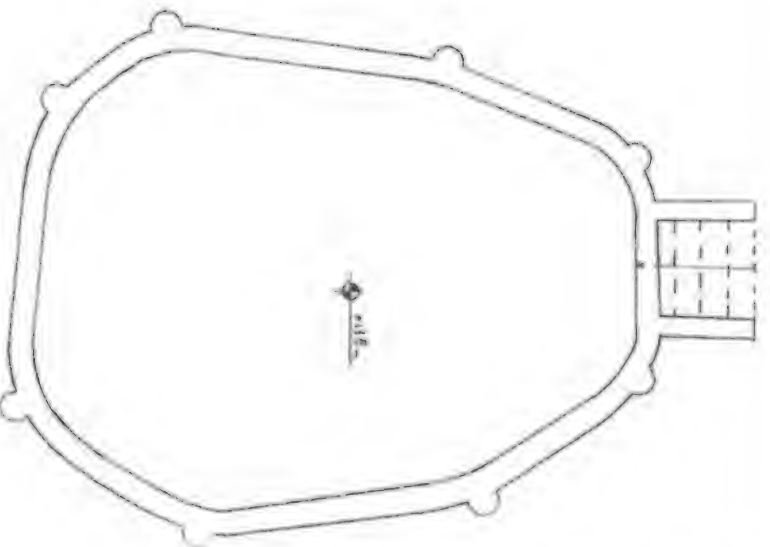
۸۳) قلّعه پنج برار، نقشه بقایای موجود





۸۵ -۸۴) قلّعه جولیان آبدانان ، نمای عمومی و نقشه

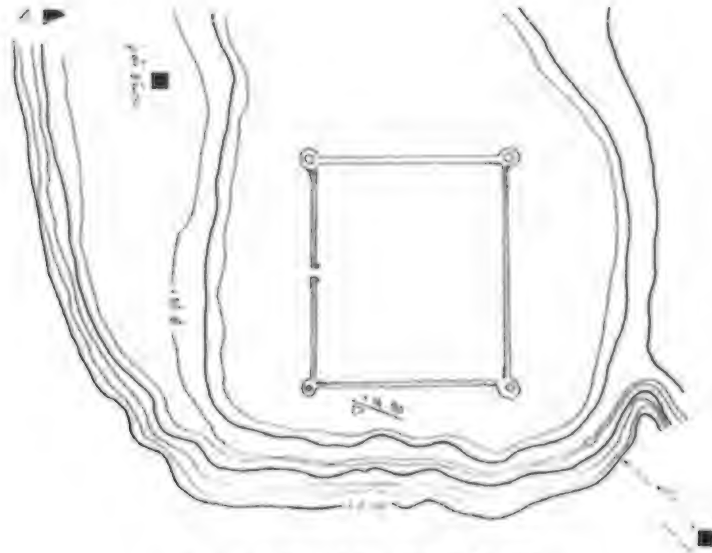




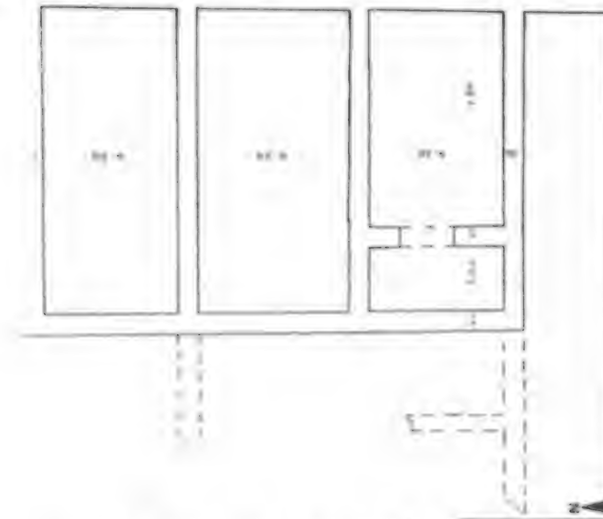
۸۷ - ۸۶) قلّعه سراب نقل، بقایای معماری و نقشه



۸۸) قلّعه قلاقیران، نمای عمومی کوهی که قلعه بر آن قرار گرفته



۸۹) قلّعه قلاتو، نقشه بقایای موجود



۹۰) قلّعه هزارانی ، نقشه بقایای موجود



۹۱) قلّعه هزار درب، نمای عمومی



۹۲) قلّعه هزار درب، بقایای معماری موجود

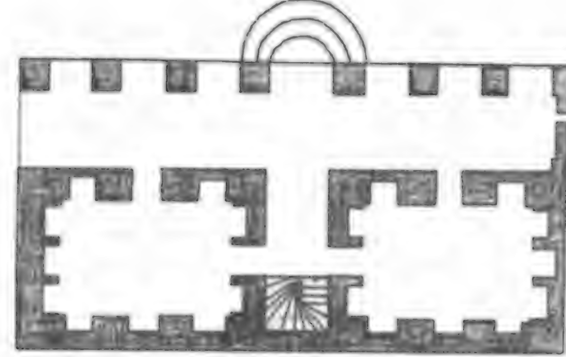


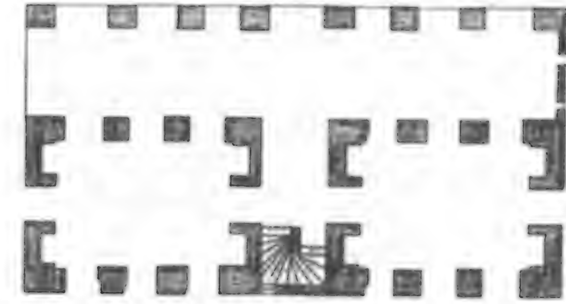
۹۳) قلّعه برازجان، نمای بیرونی

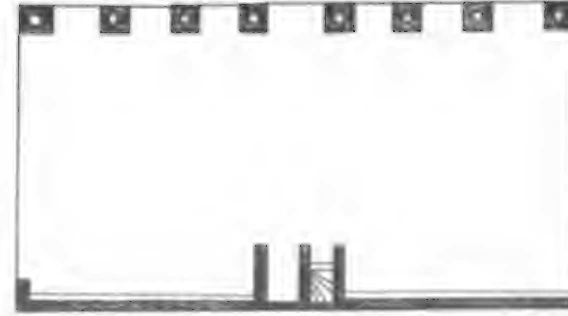




۹۵- ۹۴) قلّعه برازجان، نمای ورودی بنا











۹۸-۹۶) قلعه خان ریگ، نقشه طبقات مختلف و نمای داخلی

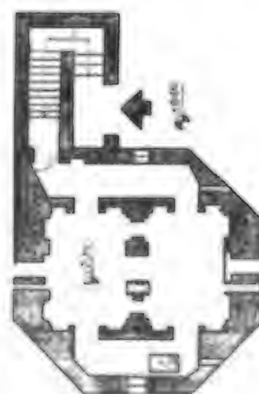


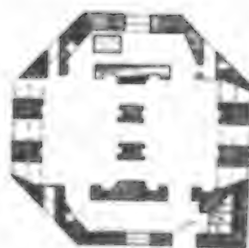
۹۹) قلّعه زائر خضرخان، نمای عمومی

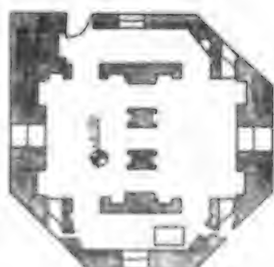


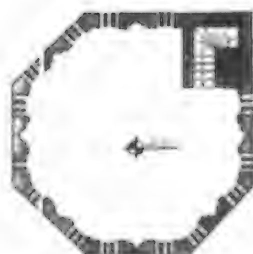
۱۰۰) قلّعه نصوری کنگان، نمای داخلی











۱۰۱) قلّعه محمد خان دشتی، نقشه طبقات مختلف





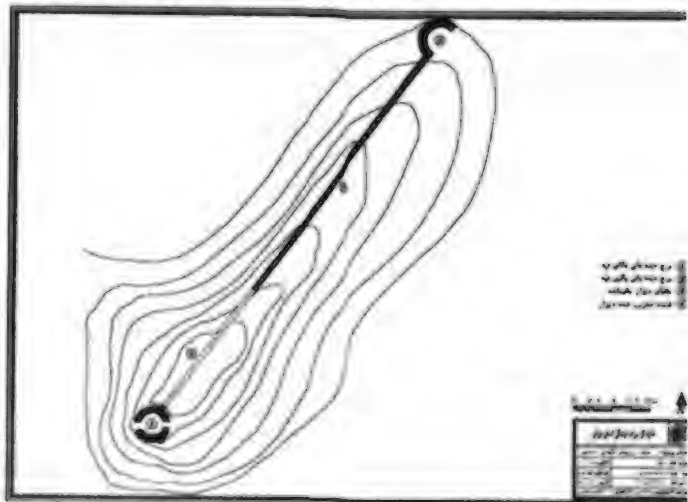

۱۰۴-۱۰۲) قلّعه محمد خان دشتی، نمای برج و فضای داخلی

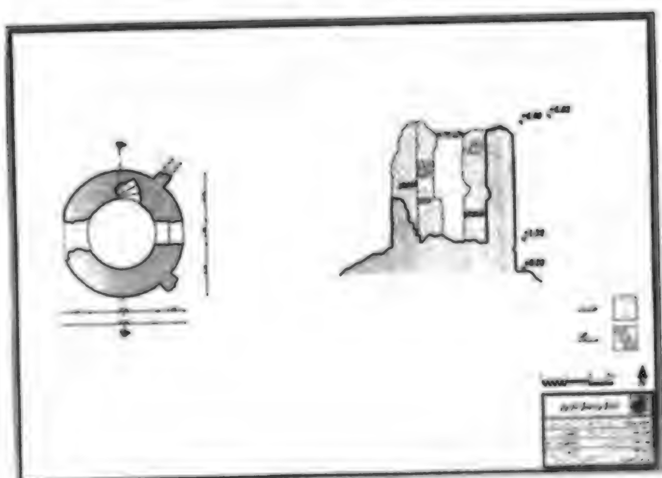


۱۰۵)بقایای باروی شهر ری در هشتاد سال قبل، عکس هوایی



۱۰۶)بقایای ارگ شهر ری در هشتاد سال قبل





۱۰۸-۱۰۷) برج‌های دفاعی سیمین‌دشت فیروزکوه، نقشه و مقطع





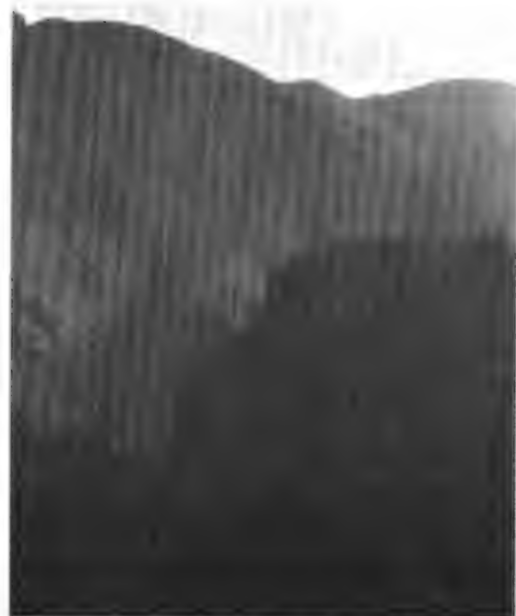
۱۰۹) دروازه دولت تهران(عکس قدیمی) و سردر باغ ملی



۱۱۰) برج و باروی تهران در سال ۱۲۷۴قمری



۱۱۱) قلعه نزدیک شهر ورامین در دوره قاجار



۱۱۲) قلّعه بابریش فیروزکوه، نمای عمومی



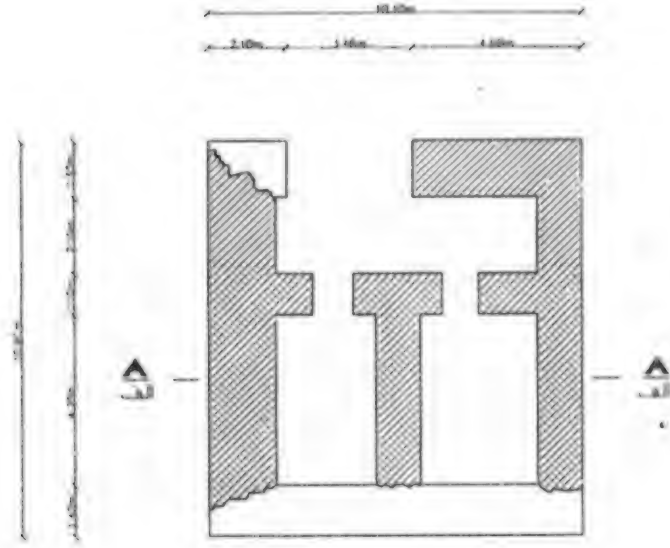
۱۱۳) قلّعه پشت تندیر فیروزکوه، نمای عمومی



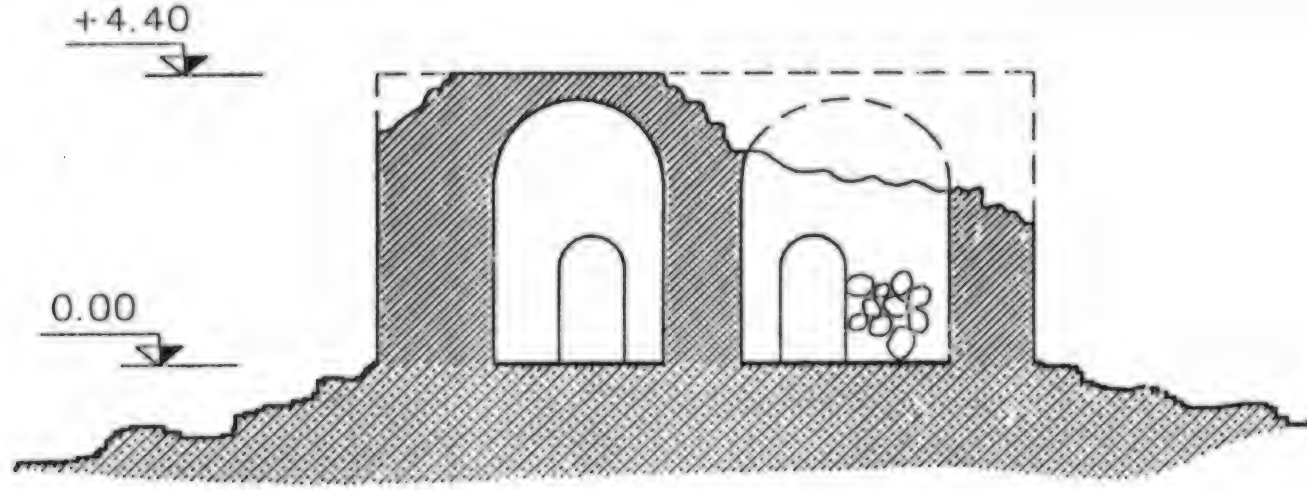
۱۱۴) قلّعه پشت تندیر فیروزکوه، بقایای معماری



۱۱۵) قلّعه تنگ گسیل، بقایای معماری







۱۱۸-۱۱۶) قلّعه شهرستانک کرج، نقشه و بقایای معماری



۱۱۹) قلّعه کلارک کرج، نمای عمومی کوهی که قلّعه بر آن قرار گرفته

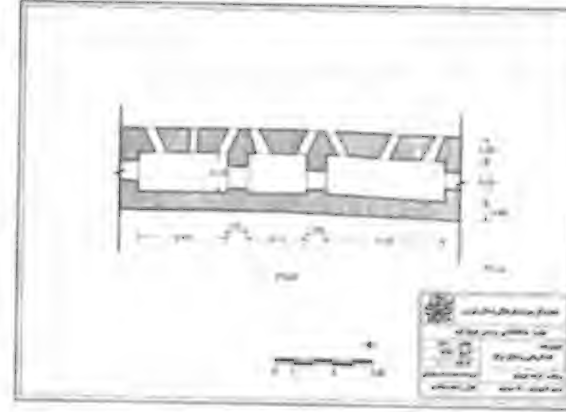


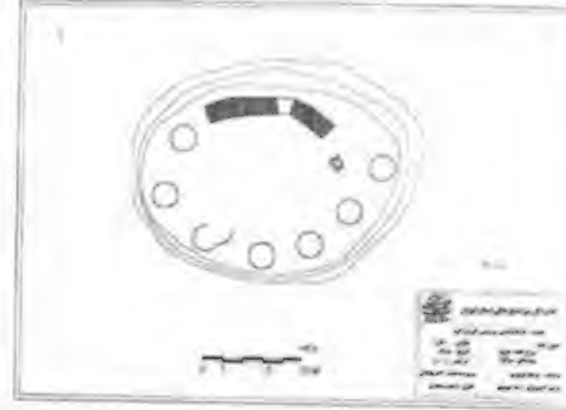
۱۲۰) قلّعه زورآباد، کروکی بنا





۱۲۲- ۱۲۱) قلّعه سرخ طرود، نمای عمومی و آثار معماری



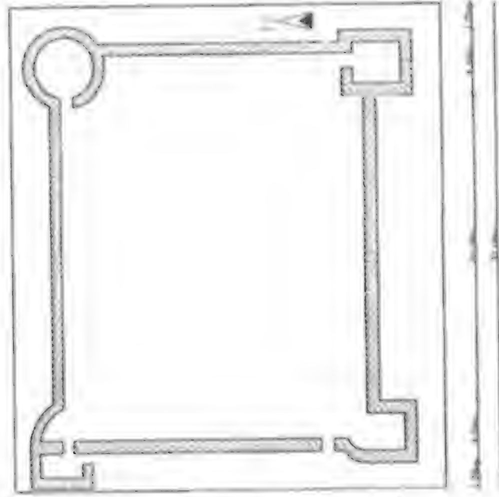


۱۲۳-۱۲۴) قلّعه سرخ طرود، نقشه بقایای معماری



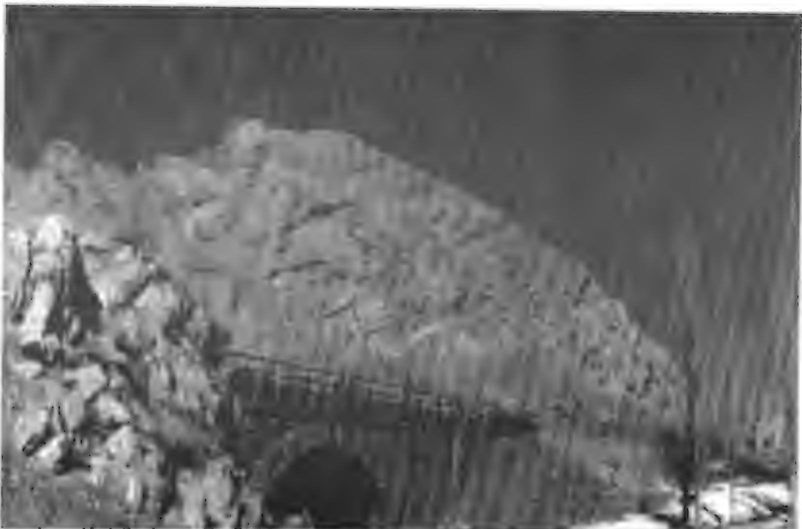




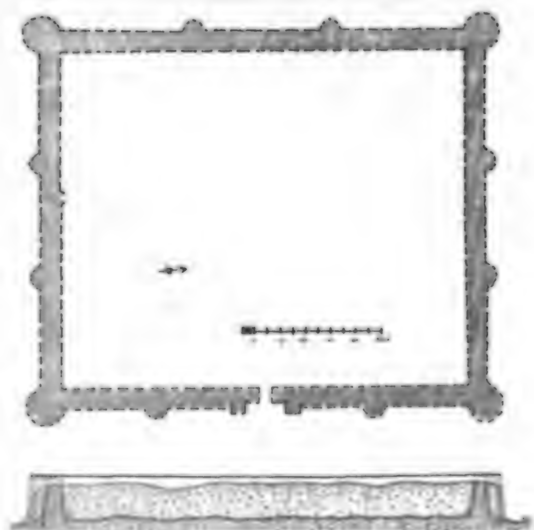


۱۲۵-۱۲۶) قلّعه صمصام کرج، نقشه و بقایای بر جای مانده





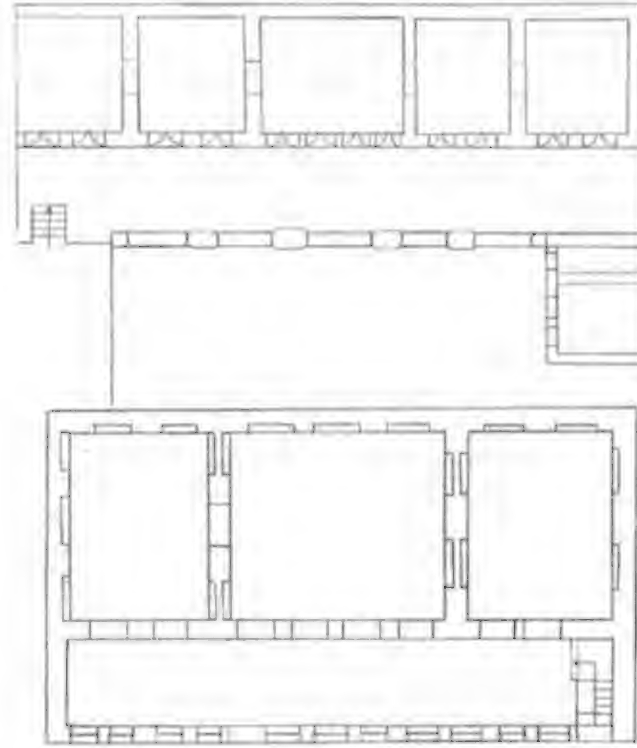
۱۲۸-۱۲۷) قلّعه فیروزکوه، نمای عمومی



۱۲۹) قلّعه گبری ری، نقشه و مقطع بقایای موجود



۱۳۰) مسلمان قلّعه و کافر قلّعه، نمای عمومی









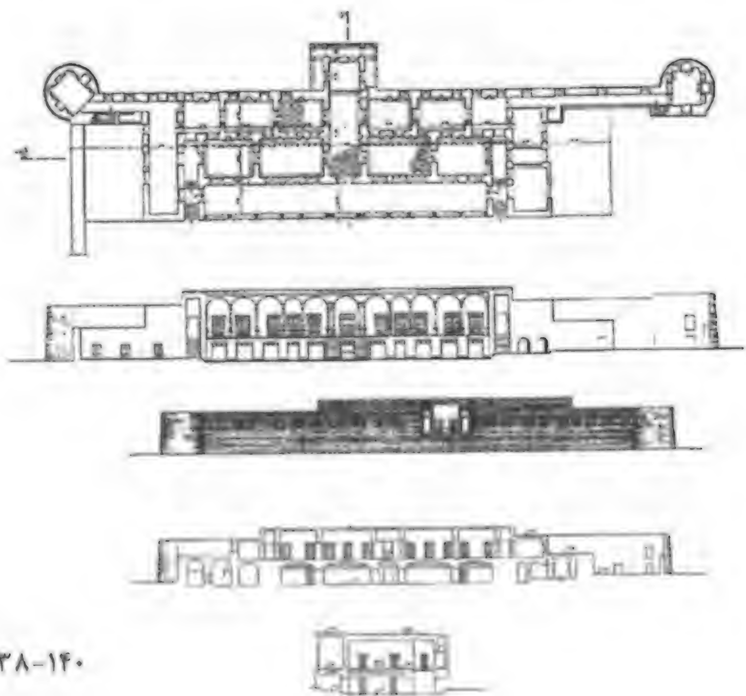
۱۳۵-۱۳۱) قلّعه چالشتر، نقشه و نمای داخلی و پوشش ایوان

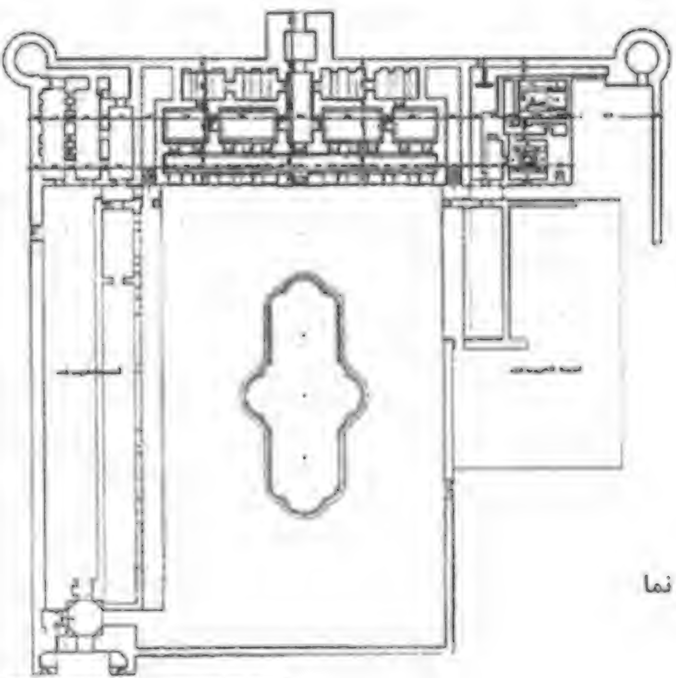


۱۳۶) قلّعه دزک شهر کرد، نمای داخلی



۱۳۷) قلّعه شلمزار شهر کرد، نمای عمومی





۱۴۰-۱۳۸) قلّعه سورک، نقشه و نما



۱۴۱) قلّعه سورک، نمای داخلی



۱۴۲) قلّعه یوسف خان امیر مجاهد، نمای ورودی





۱۴۳-۱۴۴) قلّعه یوسف خان امیر مجاهد، نمای عمومی





۱۴۶- ۱۴۵) ارگ حاجی‌آباد بیرجند، نمای عمومی



۱۴۷) برج ارگ تون



۱۴۸) برج ارگ طبس



۱۴۹) ارگ کلاه فرنگی بیرجند



۱۵۰) ارگ کلاه فرنگی بیرجند، نمای جانبی



۱۵۱) شهر طوس، عکس هوایی





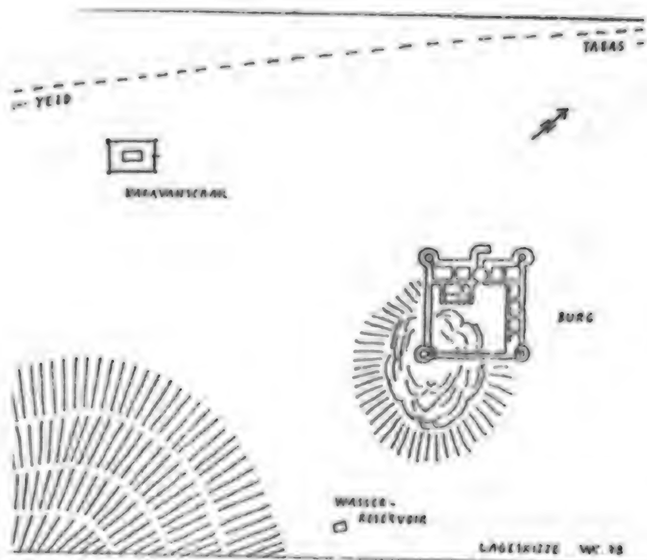
۱۵۲-۱۵۳)بقایای ارگ طوس، عکس قدیمی



۱۵۴) ارگ طوس، بقایای معماری



۱۵۵) شهر قدیم اسفراین، ویرانه‌ها و بقایای قلّعه قدیمی



۱۵۶) قلّعه اله‌آباد طبس، نقشه بقایای موجود

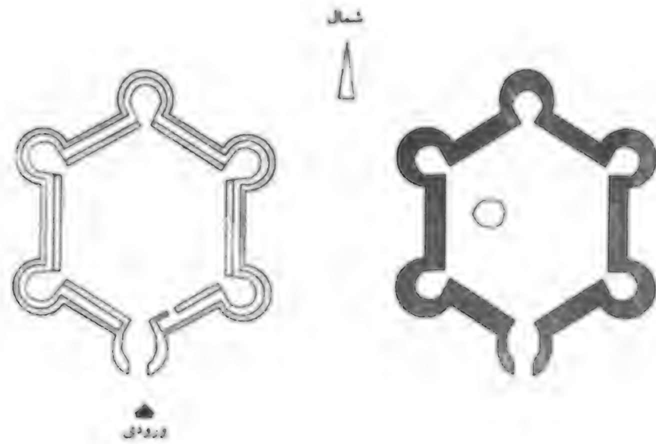


۱۵۷) قلّعه پایین شهر بیرجند، نمای عمومی



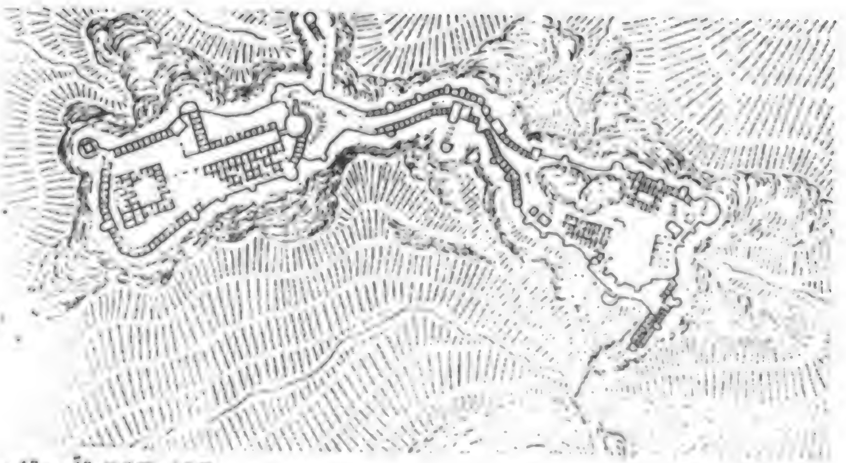
۱۵۸) قلّعه پایین شهر بیرجند، نمای عمومی



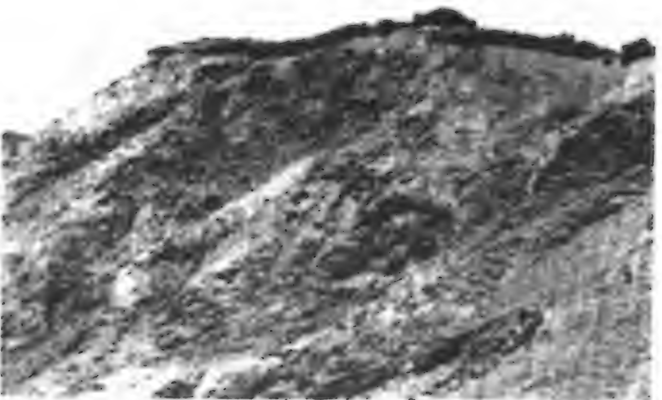




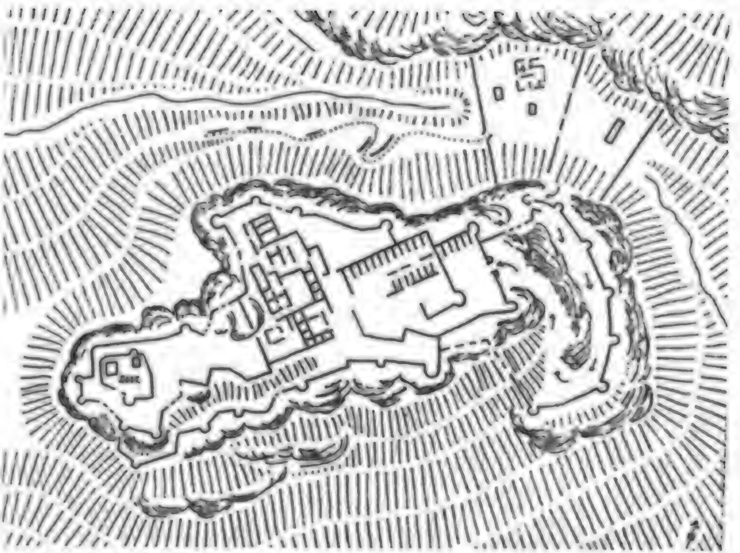
۱۶۰-۱۵۹) قلّعه جلال‌الدین جاجرم، نمای عمومی، نقشه و دیواره داخلی



۱۶۱) قلّعه اسماعیلی طبس، نقشه بقایای موجود



۱۶۲) قلّعه فورگ بیرجند، نمای عمومی

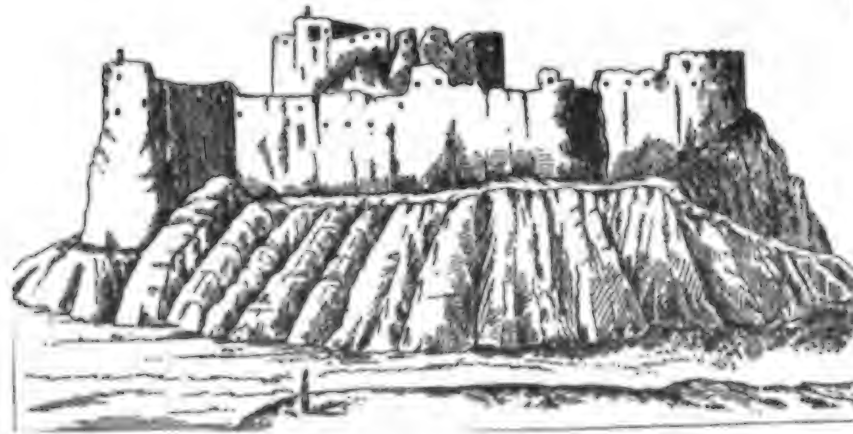




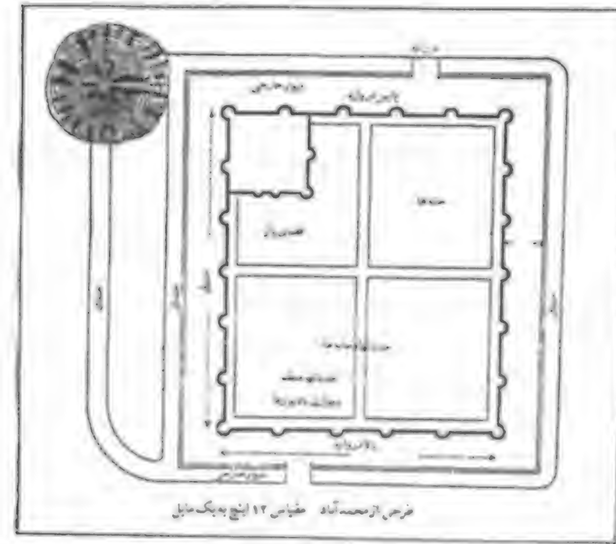
۱۶۳-۱۶۴) قلّعه قاین / حسین قائنی، نقشه و نمای عمومی



۱۶۵) قلّعه قدیمی جاجرم، نمای عمومی



۱۶۶) قلّعه قدیمی جاجرم به روایت سفرنامه‌ها

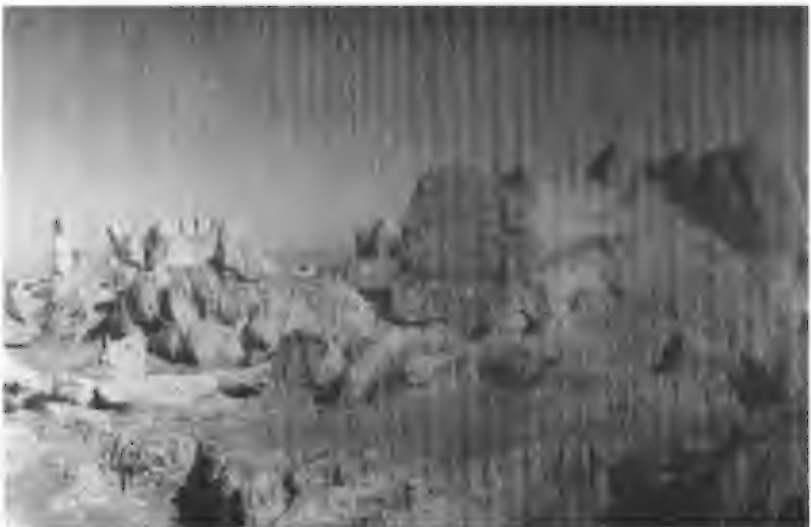


۱۶۷) قلّعه محمدآباد درگز، نقشه بنا



۱۶۸) قلّعه نهبندان، بقایای معماری

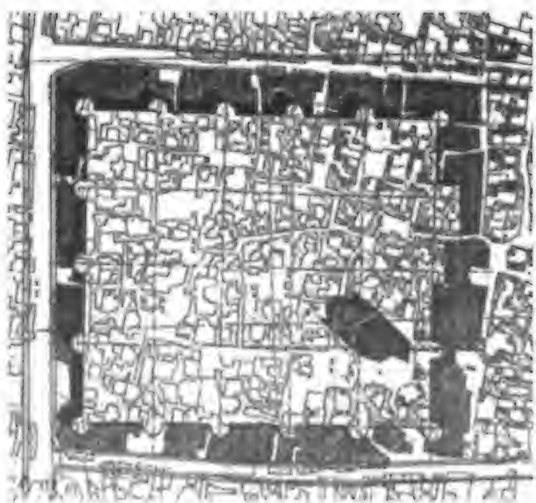




۱۷۰-۱۶۹) قلّعه نهبندان، بقایای معماری



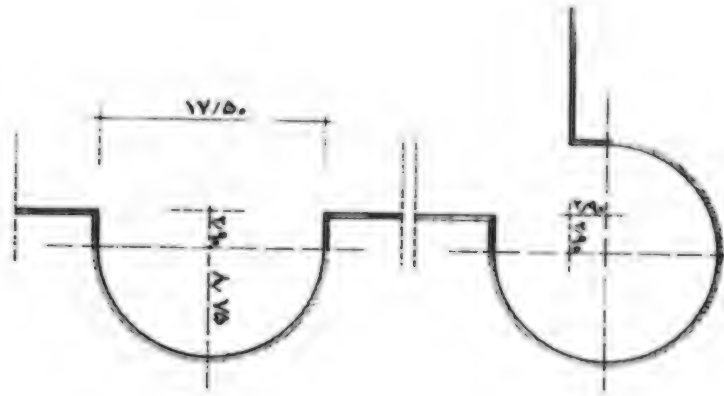
۱۷۱) قلّعه شوش، نمای عمومی



۱۷۲) برج و باروی سلطانیه، طرح فرضی



۱۷۳) بقایای باروی سلطانیه به روایت سفرنامه‌ها



۱۷۴) باروی سلطانیه، طرح برج‌ها

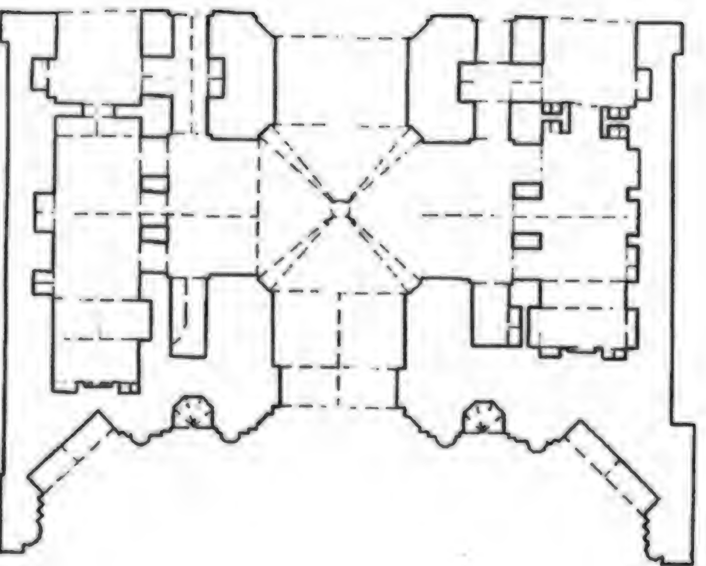


۱۷۵) ارگ علا در سمنان، نمای عمومی



۱۷۶) دروازه ارگ سمنان، نمای شمالی









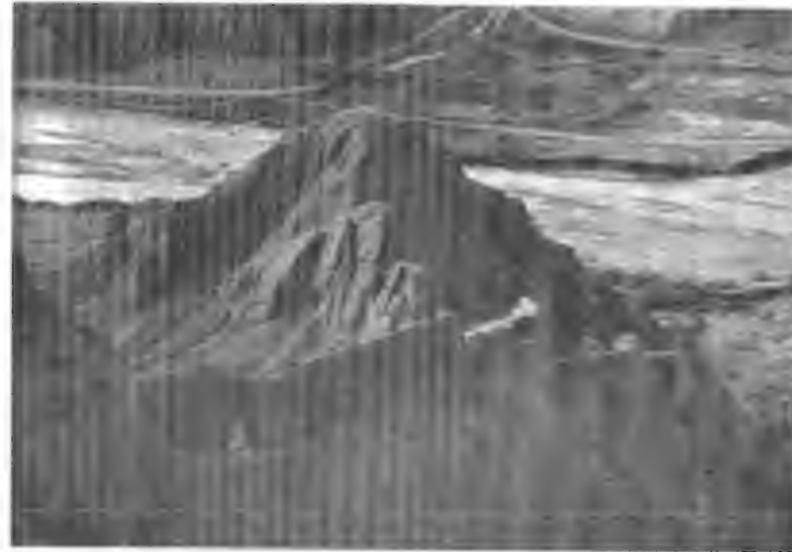
۱۸۰-۱۷۵) دروازه ارگ سمنان، نقشه، نمای جنوبی و کاشیکاری نمای شمالی



۱۸۱) قلّعه غربی پاچنار، نمای عمومی



۱۸۲) قلّعه استوناوند، نمای عمومی

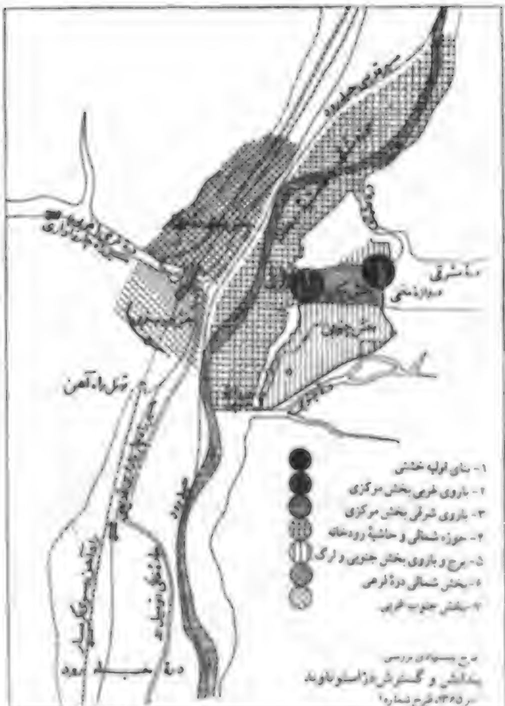




۱۸۴-۱۸۳) قلّعه استوناوند، بقایای دیواره‌های دفاعی



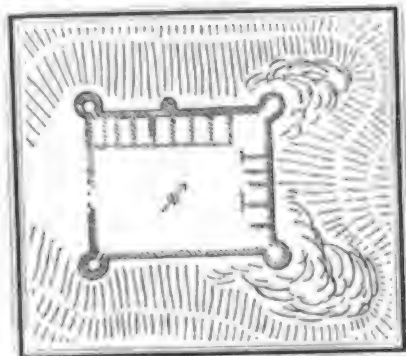
۱۸۵) کروکی بخش شرقی دژ استوناوند



۱۸۶) مراحل مختلف شکل‌گیری دژ



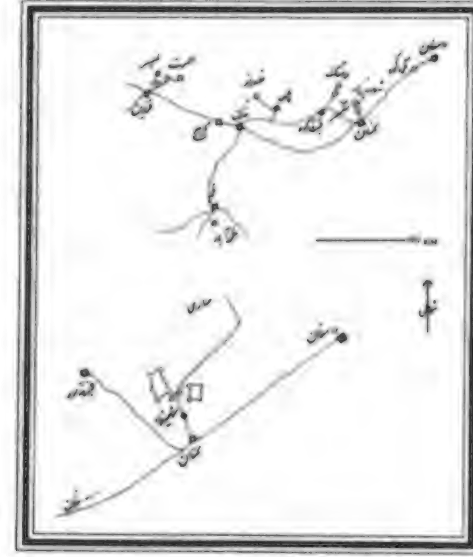
۱۸۷) قلّعه ساروی، نمای برجهای دفاعی

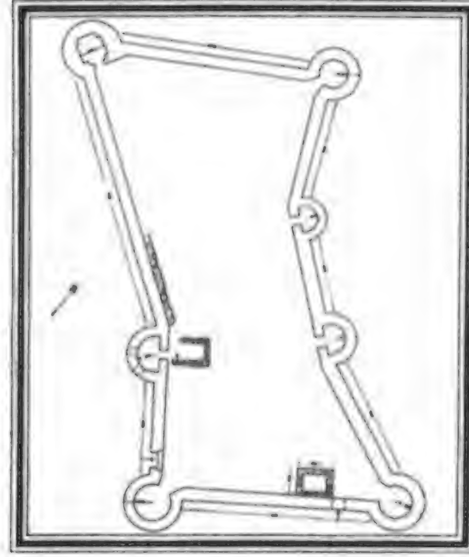


۱۸۸) قلّعه شیخی، نقشه بقایای موجود



۱۸۹) شیر قلّعه شهمیرزاد، بقایای برج و باروی بنا







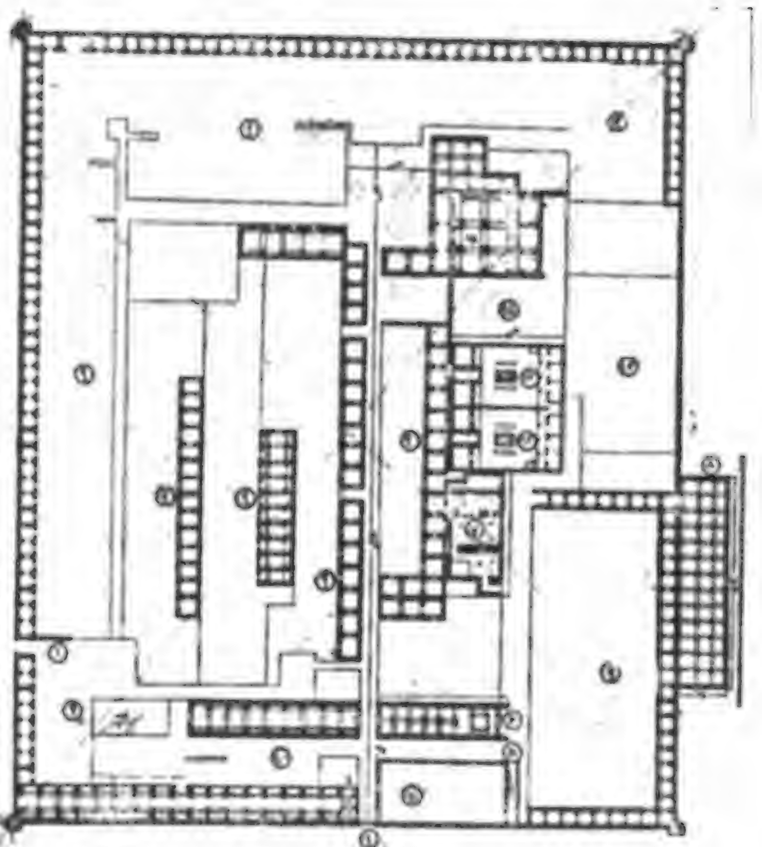




۱۹۳–۱۹۰) شیر قلّعه شهمیرزاد، موقعیت، نقشه، نما و بقایای برج و بارو

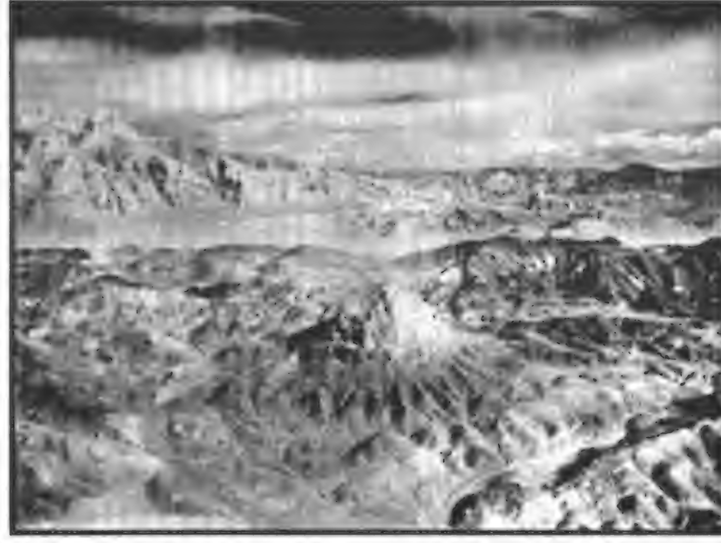


۱۹۴) شیر قلّعه، بقایای برج و بارو



اماکن مختلف قلعه که با شماره مشخص‌شده عبارتند از:
۱- در ورودی ۲و۳- محل سکونت دروازه‌بان ۴- بقالی ۵- آب‌انبار ۶- انبارگندم ۷- حمام
۸- انبارکاه ۹- خانه‌های روستائی ۱۰- گاودانی ۱۱- مسجد ۱۲و۱۳- خانه‌مالک ۱۴- انبا
وطویله متعلق بمالک ۱۵- طویله و آغل و انبارهای کاه روستائیان

۱۹۵) قلّعه مسکونی طالب‌آباد، نقشه مجموعه






۱۹۹-۱۹۶) قلّعه گردکوه دامغان، نمای عمومی، نقشه و بقایای





۲۰۱–۲۰۰) قلّعه گردکوه دامغان، بقایای معماری



۲۰۲) قلّعه حیدرآباد خاش، نمای ورودی



۲۰۳) قلّعه سب سراوان، نمای عمومی



۲۰۴) قلّعه کنت سراوان، نمای عمومی



۲۰۵) قلّعه سه کوهه زابل، نمای عمومی



۲۰۶) قلّعه سه کوهه زابل، نمای عمومی



۲۰۷) قلّعه گرد سیستان، تصویر هوایی



۲۰۹) قلّعه مچی زابل، نمای داخلی



۲۱۰) قلّعه ناصریه یا دوست محمدخان، نمای ورودی



۲۱۱) ارگ کریمخانی شیراز، برج و بارو



۲۱۲) ارگ کریمخانی، تزیینات آجری برج دفاعی



۲۱۳) ارگ کریمخانی، نمای داخلی





۲۱۵ - ۲۱۴) دروازه قرآن شیراز، بنای قدیمی و جدید



۲۱۶) دروازه قرآن شیراز



۲۱۷) قلّعه آقا محمد خانی شیراز، نمای عمومی



۲۱۸) ویرانه شهر و قلّعه اسلامی استخر، عکس هوایی



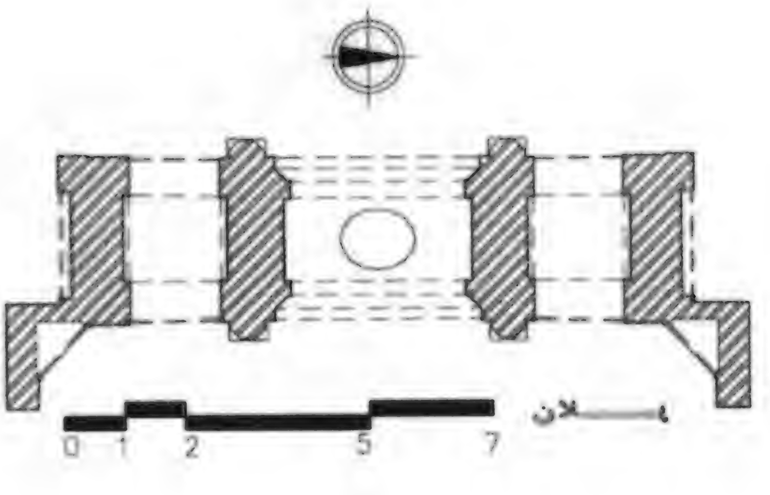
۲۱۹) قلّعه ایزدخواست به روایت سفرنامه‌ها

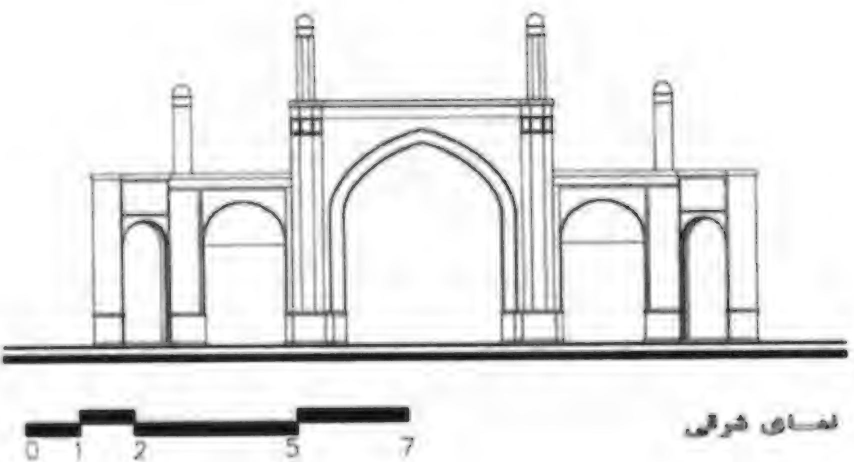


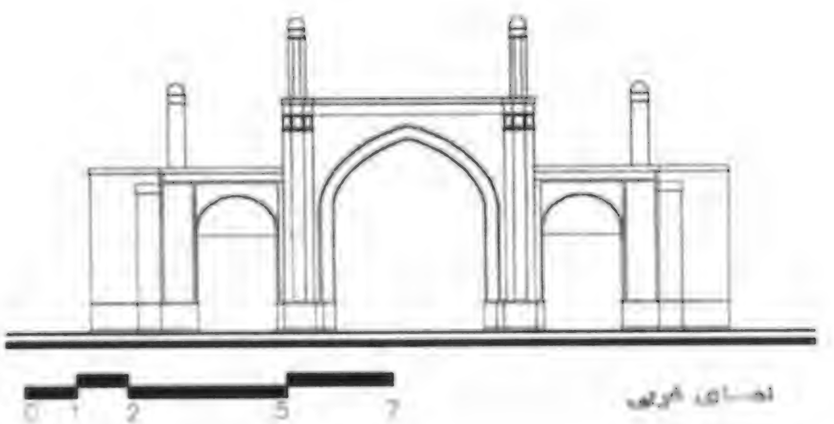

۲۲۱ -۲۲۰) قلعه ایزدخواست، بقایای موجود

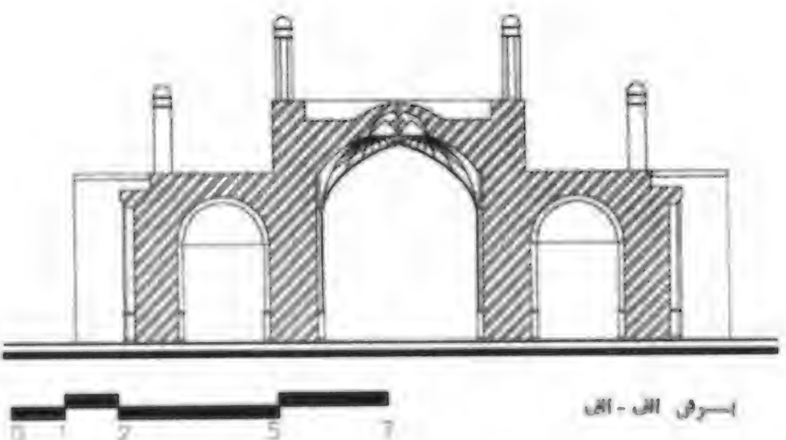



۲۲۳-۲۲۲) دروازه تهران(قزوین)، نمای عمومی

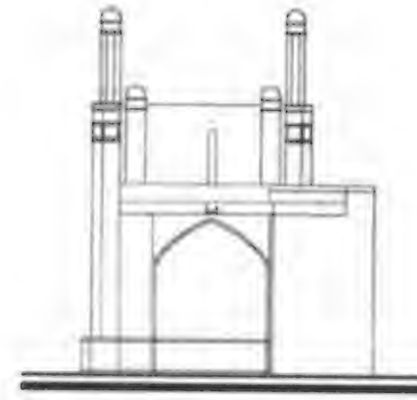








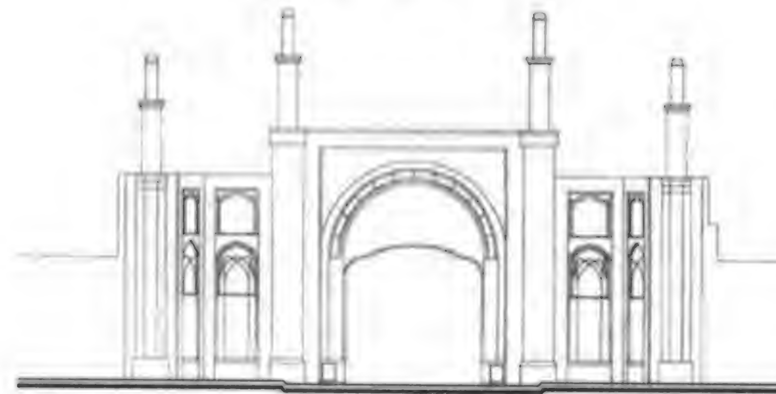
۲۲۷-۲۲۴) دروازه تهران(قزوین)، پلان، نما و مقطع

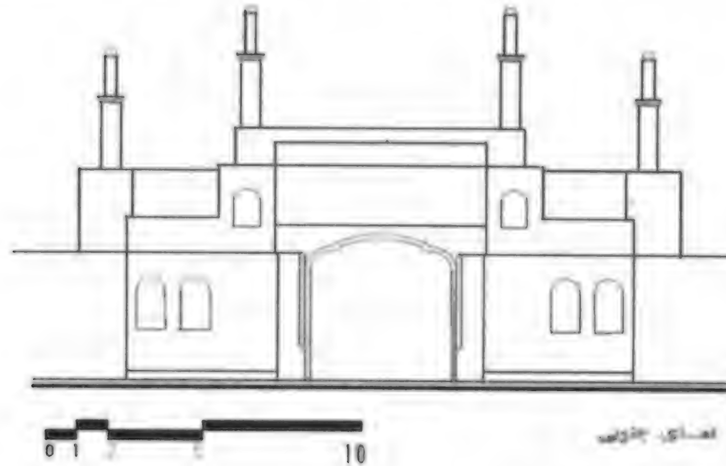


۲۲۸) دروازه تهران، نمای جانبی



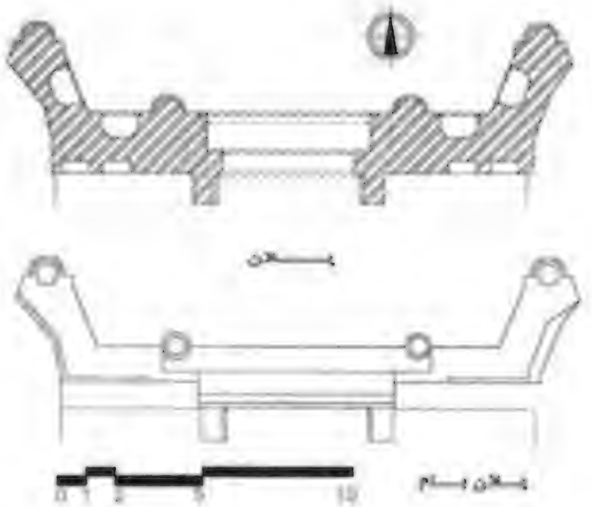
۲۲۹) دروازه دربکوشک قزوین، نمای بنا

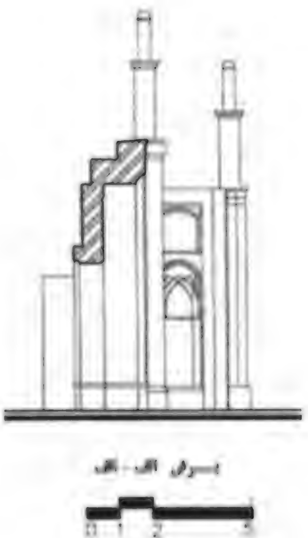




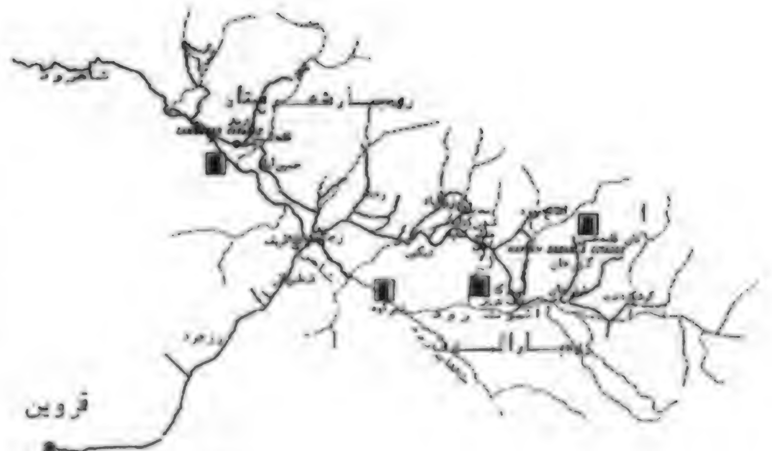


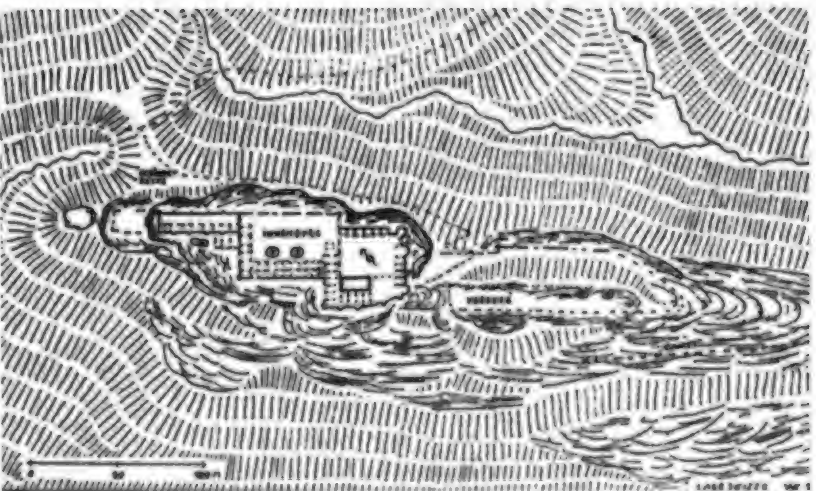
۲۳۱-۲۳۰) دروازه دربکوشک، طرح نمای شمالی و جنوبی





۲۳۲-۲۳۳) دروازه دربکوشک، نقشه و مقطع





۲۳۴-۲۳۵) قلّعه الموت، موقعیت و نقشه

۲۳۹-۲۳۶) قلّعه الموت، نقشه و بقایای معماری موجود









۲۴۰-۲۴۳) قلّعه سمیران / شمیران، نمای عمومی، بقایای برج و بارو و بنای آرامگاهی مجاور قلّعه

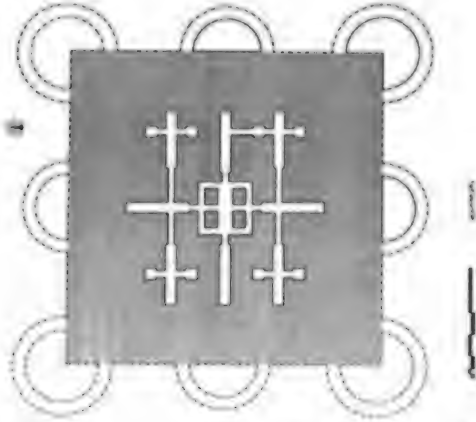


۲۴۴) قلّعه لمبسر قزوین، نقشه بقایای موجود



۲۴۵) قلّعه لمبسر، برج دفاعی

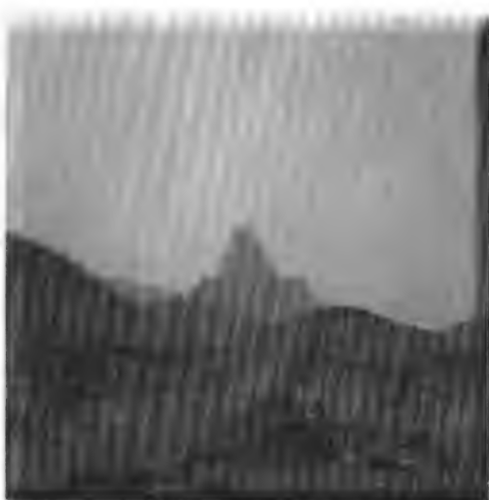




۲۴۶-۲۴۷) میمون قلّعه قزوین، بقایای موجود و نقشه بازسازی شده



۲۴۸) قلّعه خورآباد قم، بقایای موجود

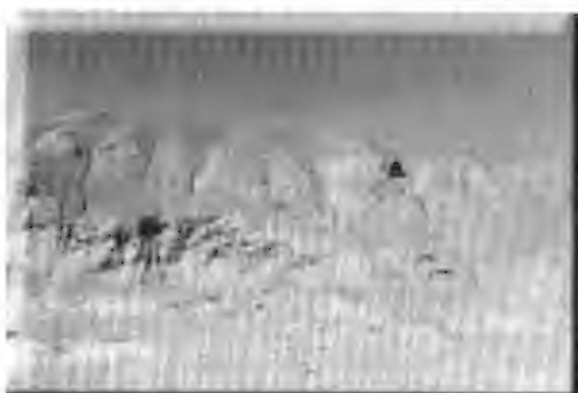




۲۵۰-۲۴۹) قلّعه دختر جمکران، نمای عمومی کوه و بقایای معماری برجای مانده بر قلّه آن



۲۵۱) قلّعه دختر جمکران، بقایای معماری

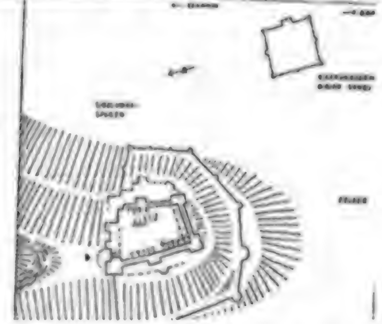


۲۵۲) قلّعه طغرود، نمای عمومی



۲۵۳) قلّعه گبری جمکران، بقایای معماری





۲۵۴-۲۵۵) قلّعه گلی کاج، نمای عمومی و نقشه



۲۵۶) ارگ بم، نمای ورودی



۲۵۷) مجموعه ارگ و شهرقدیم بم، نقشه






۲۵۸-۲۶۱) مجموعه ارگ بم، بارو، ورودی ارگ، تصویر هوایی و بقایای خندق پیرامون ارگ









۲۶۵-۲۶۲) مجموعه ارگ بم



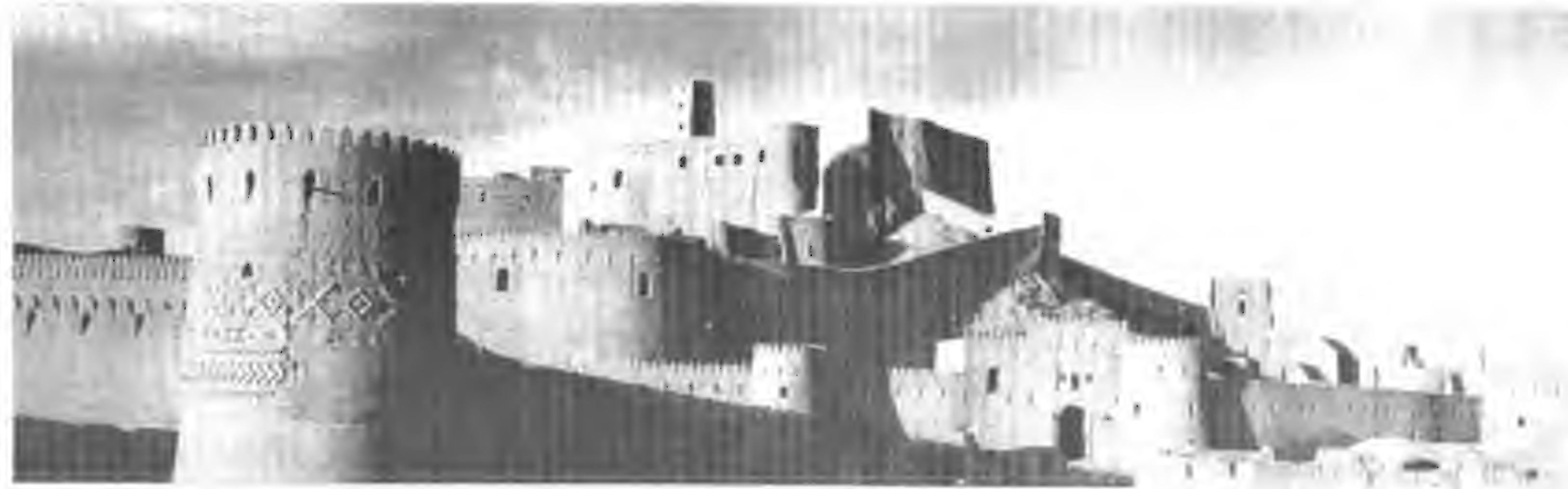



۲۶۹ -۲۶۶) مجموعه ارگ بم









۲۷۰-۲۷۳) مجموعه ارگ بم

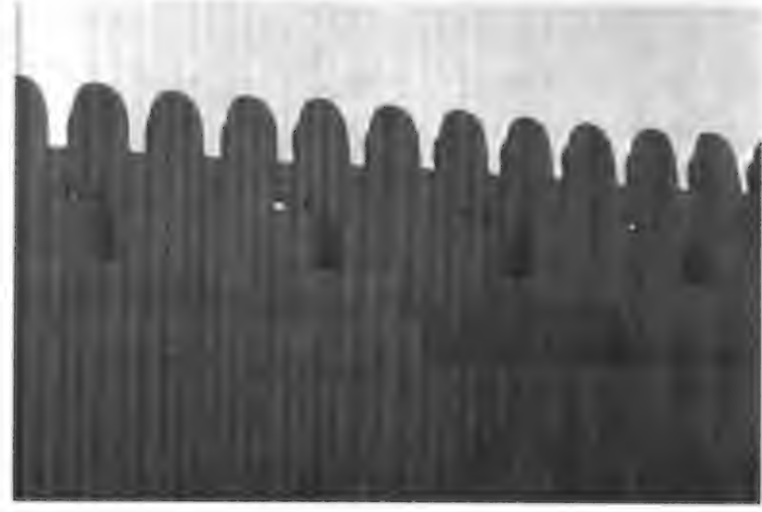


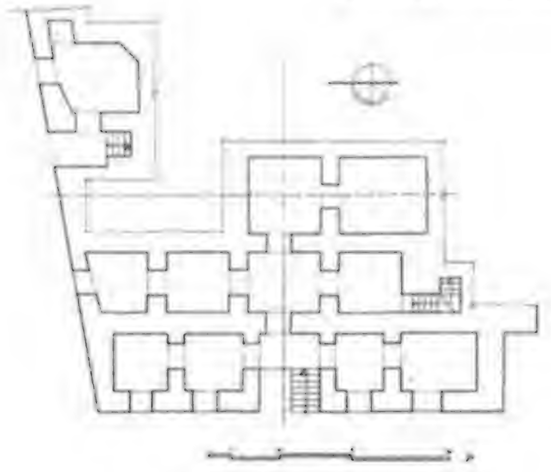


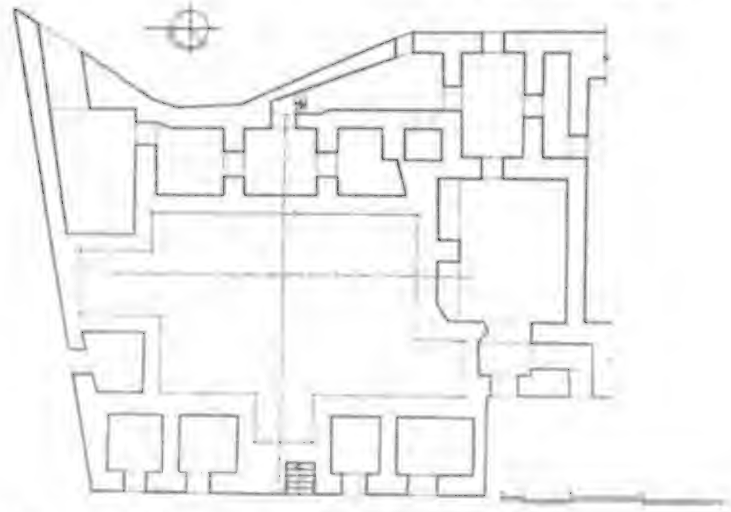


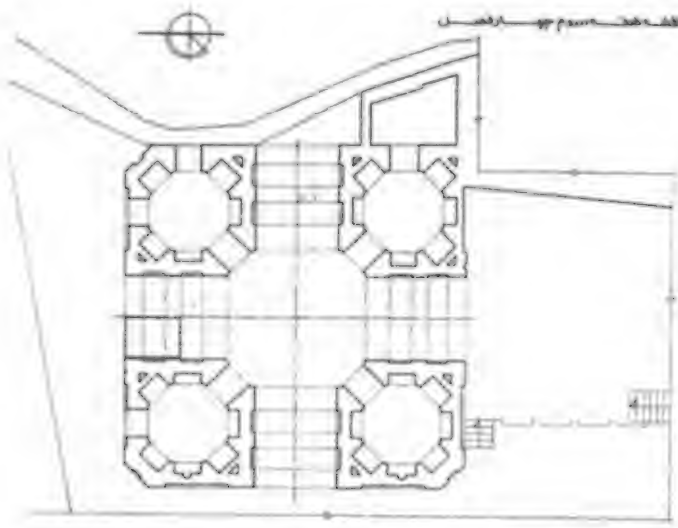



۲۷۴-۲۸۱) مجموعه ارگ بم

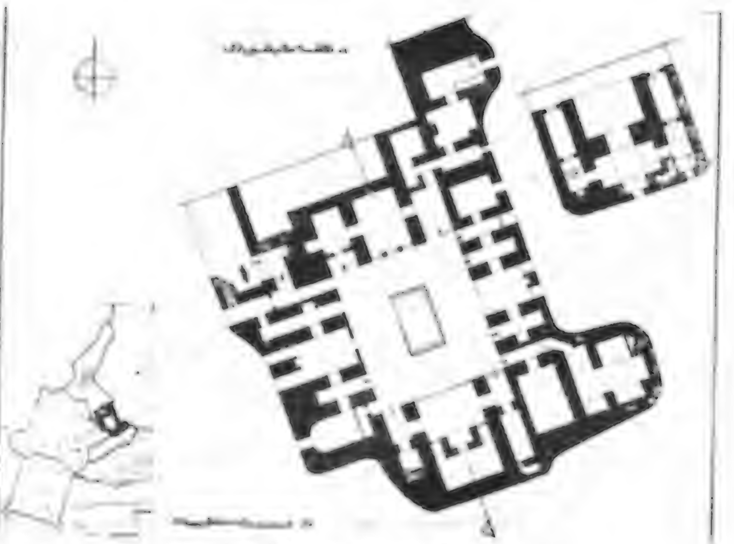




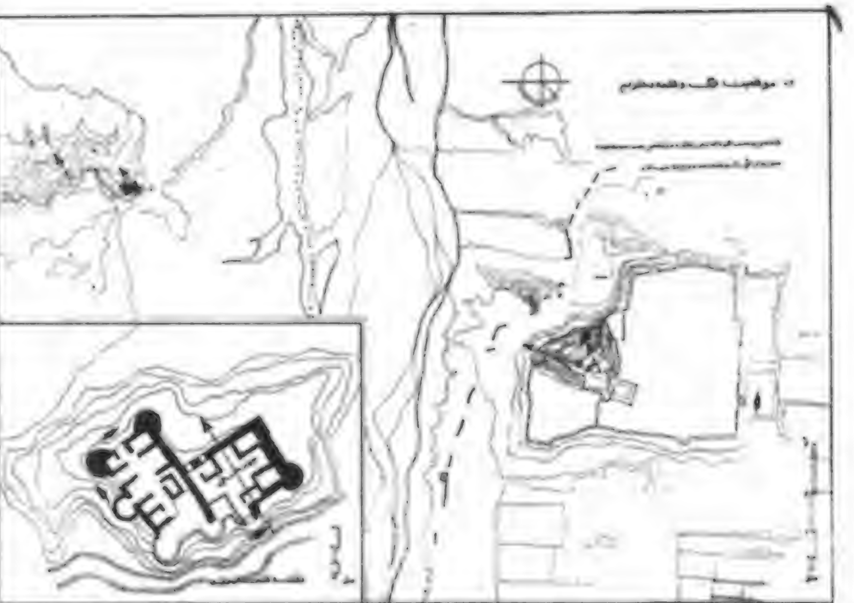




۲۸۲-۲۸۵) مجموعه ارگ بم، تزیینات کنگره‌ای بارو و نقشه طبقات مختلف عمارت چهار فصل



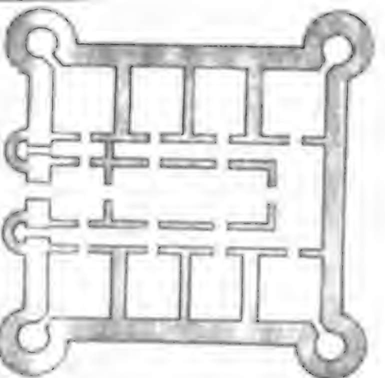
۲۸۶) ارگ بم، نقشه حاکم‌نشین

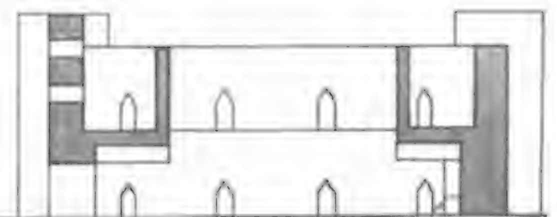


۲۸۷) ارگ و قلّعه دختر بم، موقعیت و نقشه



۲۸۸) قلّعه ابارق بم، نمای عمومی





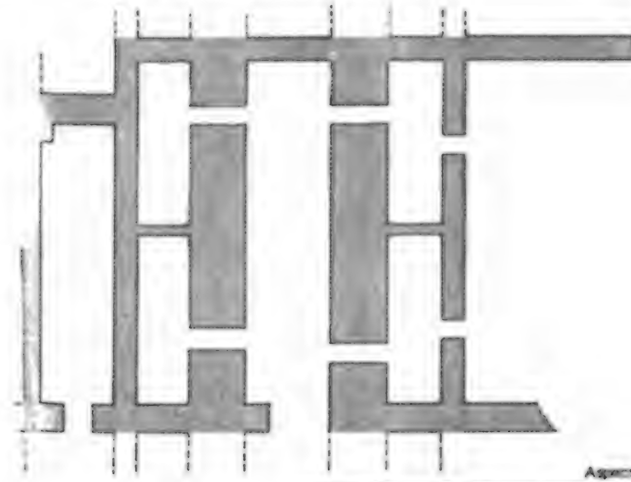
۲۹۰-۲۸۹) قلّعه چوغوکی کرمان، نقشه و مقطع



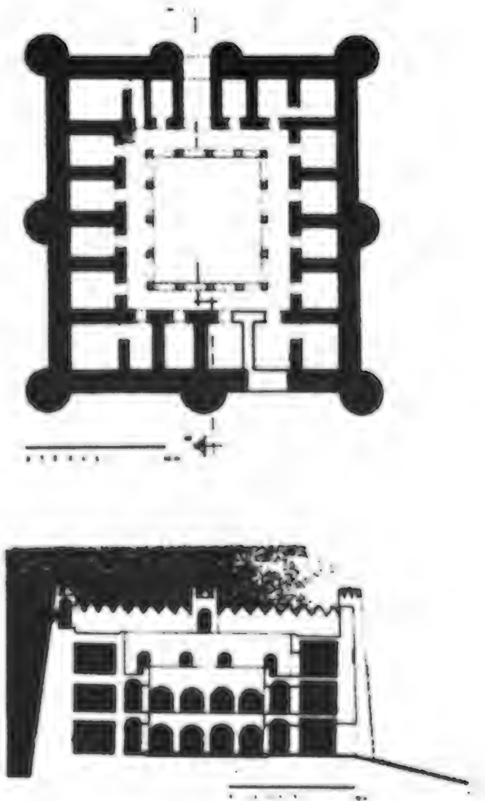
۲۹۱) قلّعه سنگ سیرجان، نقشه

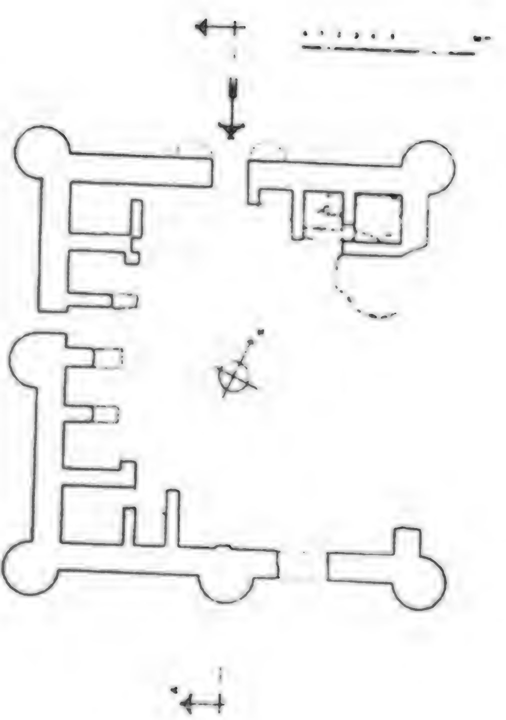


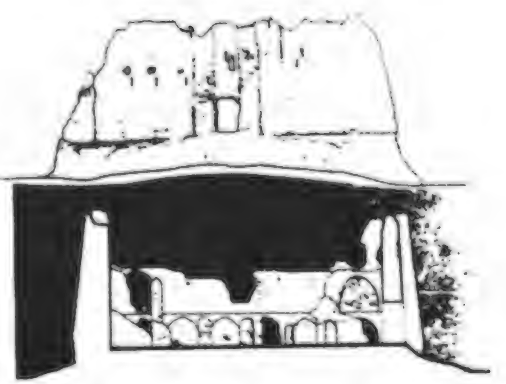
۲۹۲) قلّعه دختر جاده کرمان-زرند، نمای بخشی از دیواره دفاعی



۲۹۳) قلّعه دستگرد کرمان، نقشه بقایای موجود



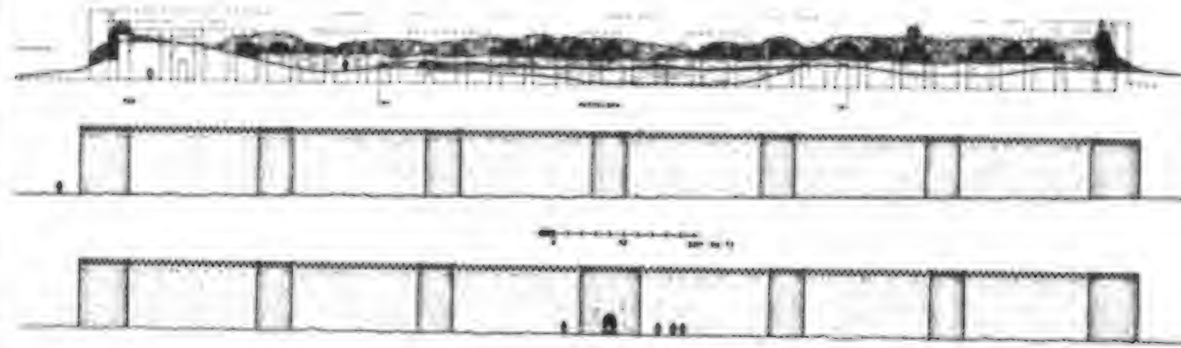
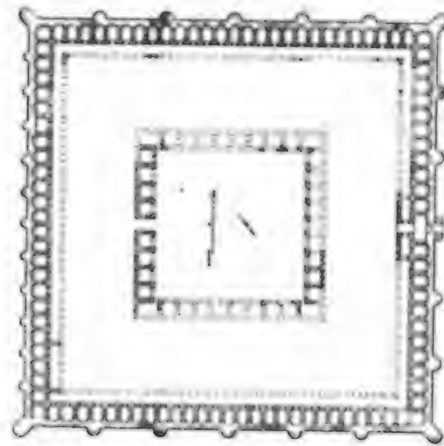


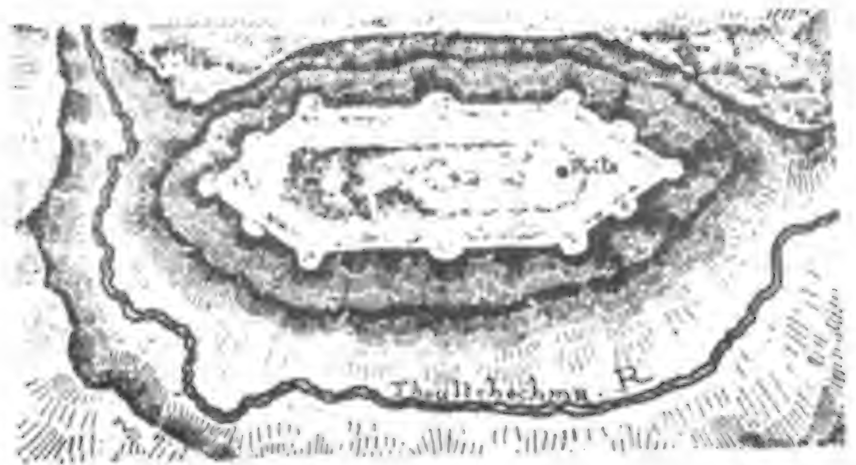


۲۹۴-۲۹۵) قلعه‌های دارزین کرمان، نقشه، مقطع و نما


۲۹۶) قلّعه بزه‌رود در دشت دینور، عکس هوایی


۲۹۷) قلّعه سرماج، بقایای دیواره بر جای مانده



۲۹۹-۲۸۹) قلّعه سید دوکان سرپل ذهاب، نقشه و نما



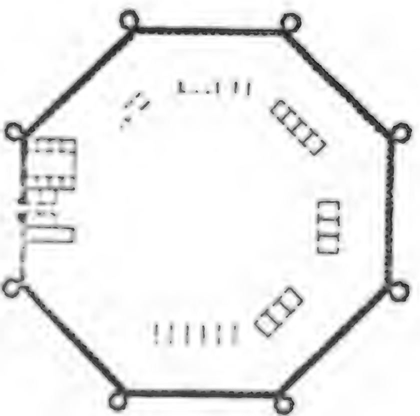
۳۰۴) قلّعه خندان گرگان، نقشه بقایای برجای مانده



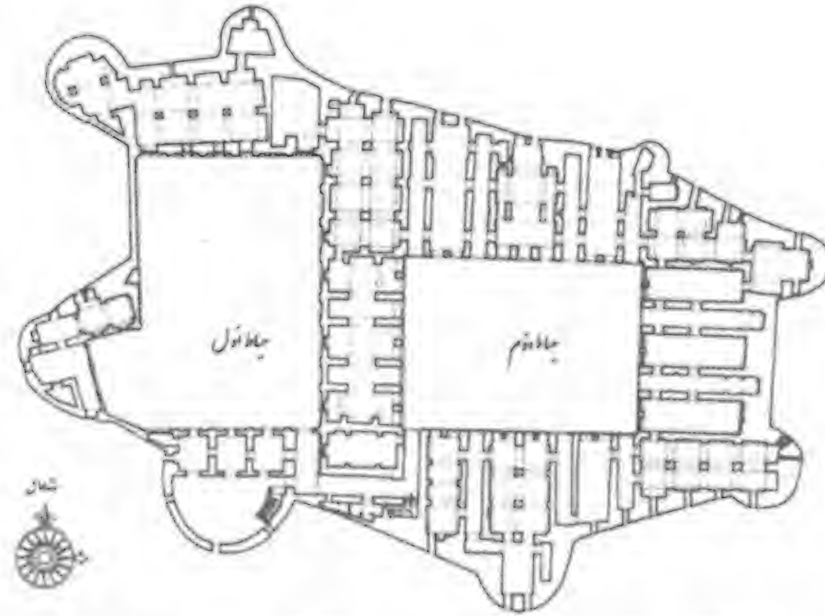
۳۰۵) کافر قلّعه گرگان، عکس هوایی



۳۰۶) قلّعه گبری گرگان، عکس هوایی



۳۰۷) قلّعه میانکاله گرگان، نقشه بنا







۳۰۸-۳۱۰) قلعه فلک‌افلاک، نقشه و نمای عمومی



۳۱۱) دروازه بروجرد به روایت سفرنامه‌ها

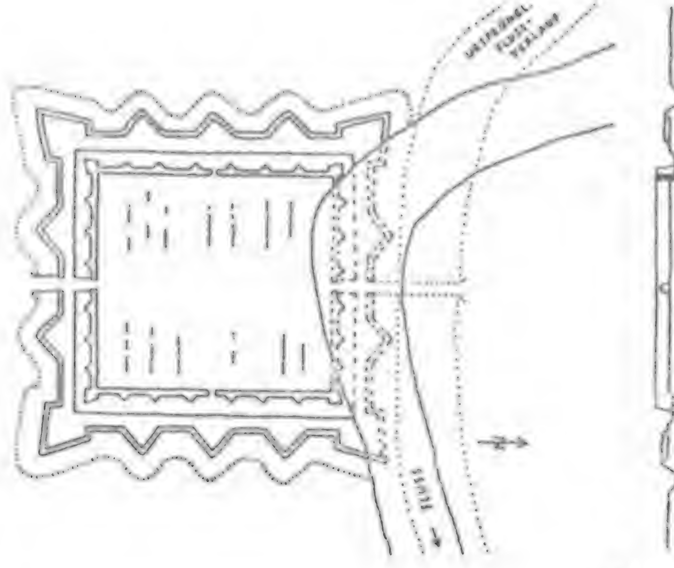


۳۱۲) بقایای قلّعه‌ای بر روی کوههای کردی لرستان، عکس هوایی



۳۱۳) بقایای قلّعه‌ای بر روی یاوان تپه لرستان. عکس هوایی





۳۰۱-۳۰۰) قلّعه کهنه کرمانشاه، عکس هوایی و نقشه





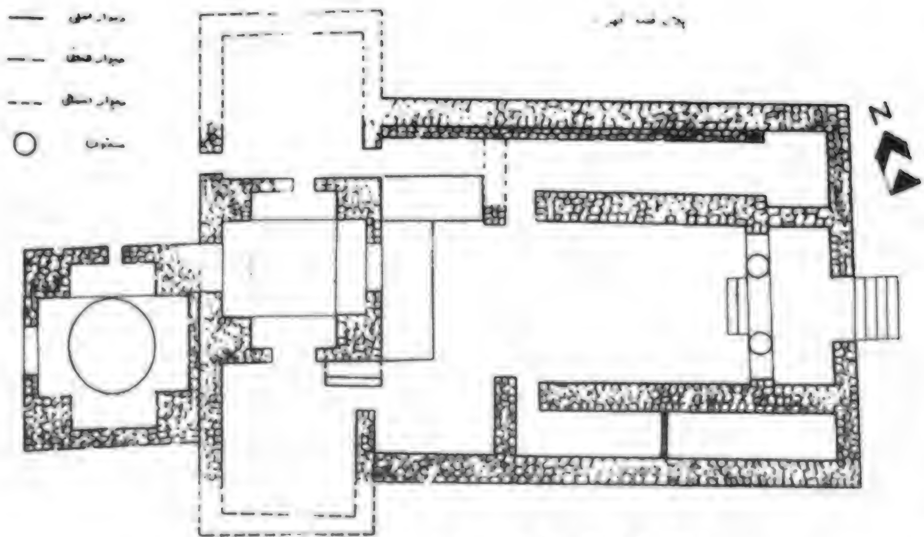
۳۰۳-۳۰۲) دیوار دفاعی گرگان، نقشه



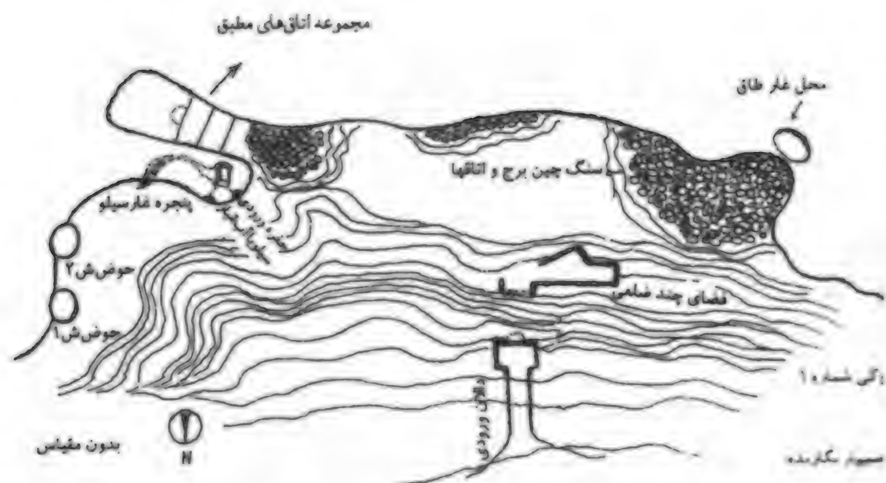
۳۱۴) قلّعه کوهزاد رومشگان لرستان، بقایای معماری



۳۱۶) قلّعه زاغه رومشگان، بقایای معماری موجود



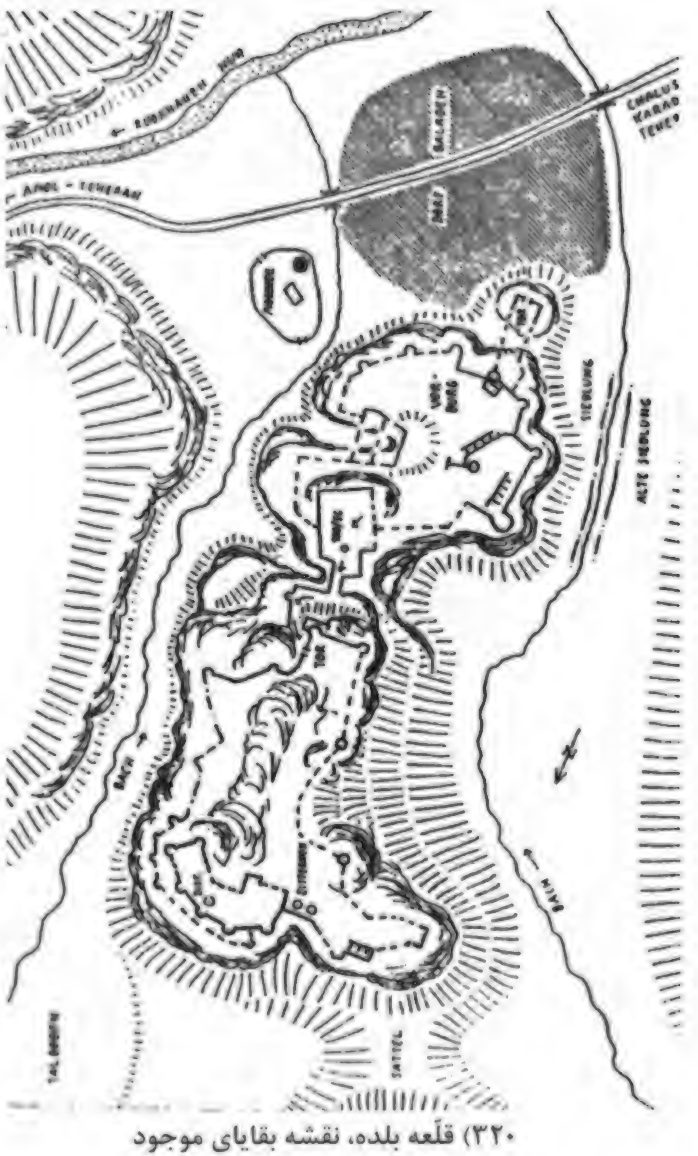
۳۱۵) قلّعه کهزاد کوهدشت، نقشه بقایای برجای مانده



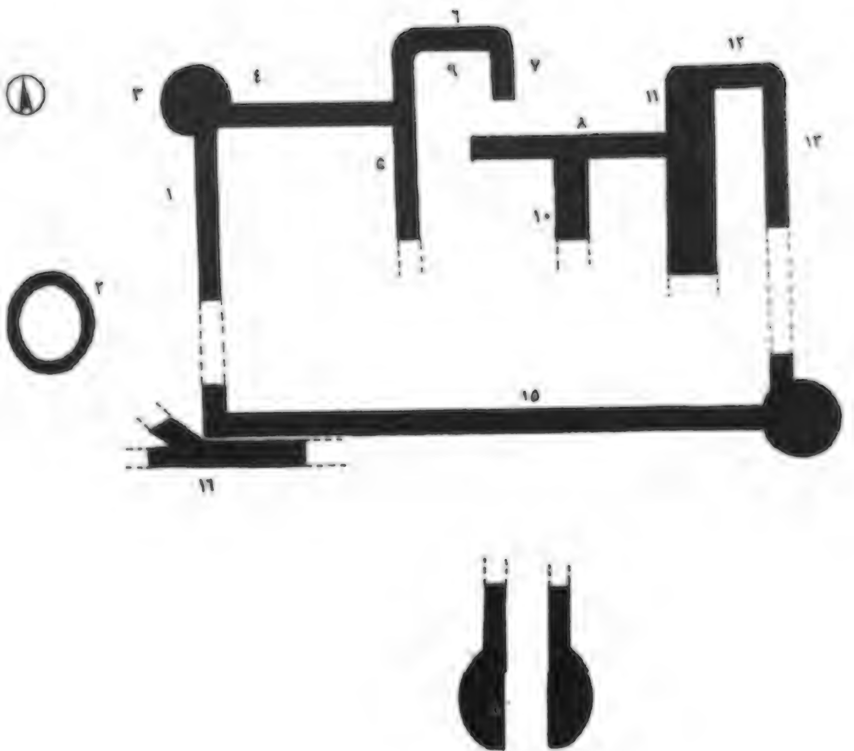




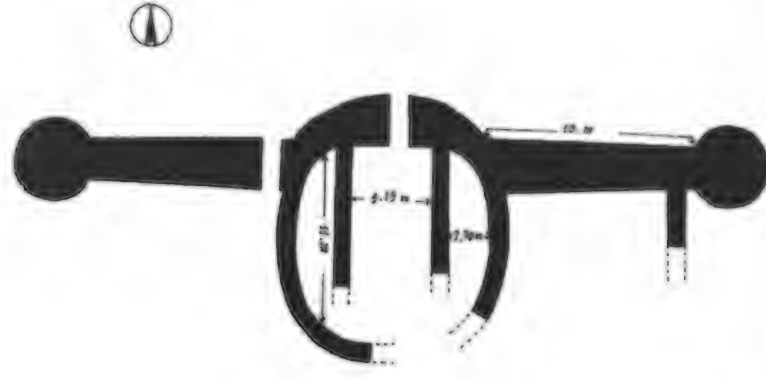
۳۱۷-۳۱۹) قلعه اسپهبد خورشید، نمای عمومی، فضای معماری و کروکی محوطه قلعه



۳۲۰) قلّعه بلده، نقشه بقایای موجود



۳۲۱) قلّعه دیو سفید، نقشه بقایای موجود

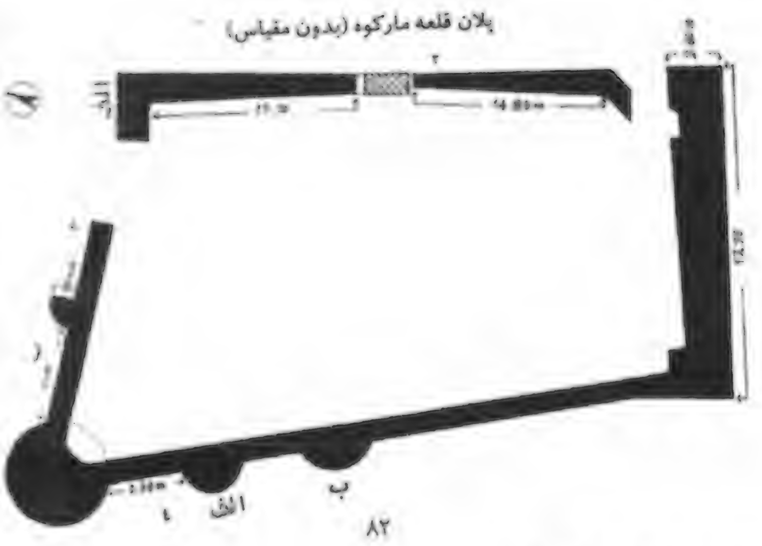






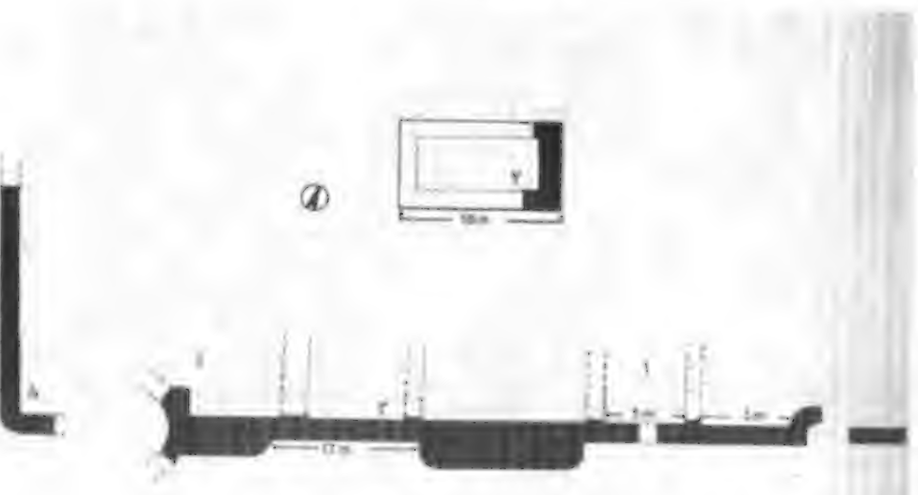
۳۲۶-۳۲۲) قلّعه کنگلو(سواد کوه)، نمای عمومی، نقشه و بقایای معماری





۳۲۷-۳۲۸) قلّعه مارکوه، نمای عمومی و نقشه بقایای موجود





۳۲۹-۳۳۰) قلّعه مازیار، نمای عمومی و نقشه بقایای موجود





۳۳۱-۳۳۲) قلّعه مازیار، بقایای معماری





۳۳۳-۳۳۴) قلّعه ملک بهمن، نمای عمومی و نقشه بقایای موجود





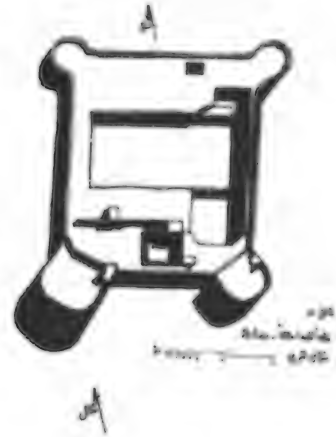


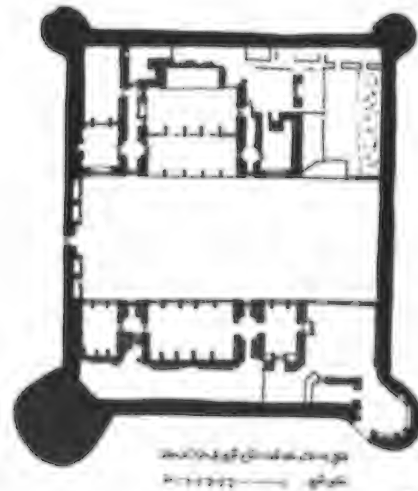


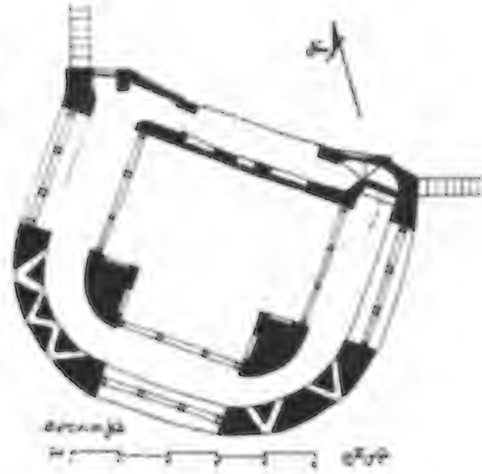
۳۳۸-۳۳۵) برج شیشه و ارگ قدیم اراک، نقشه و تصاویر بناهای ویران شده



۳۳۹) بخش باقیمانده ارگ قدیم اراک

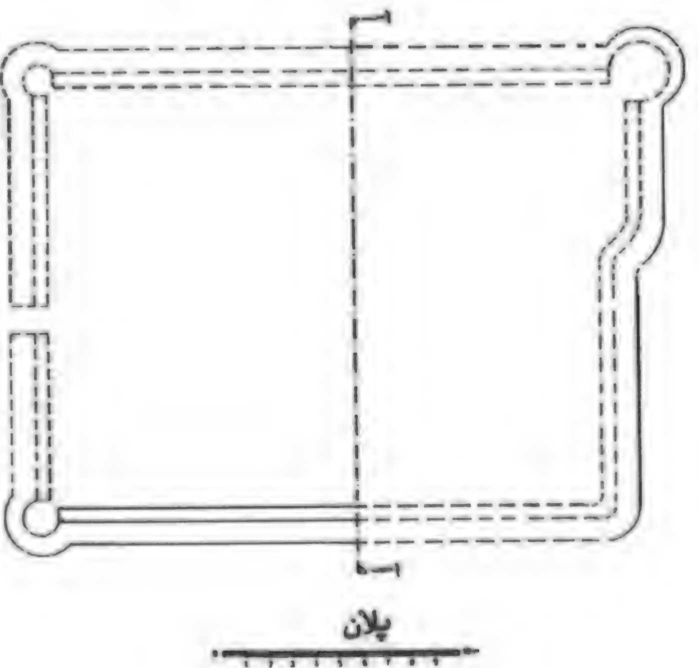


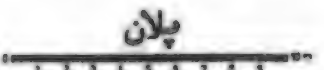




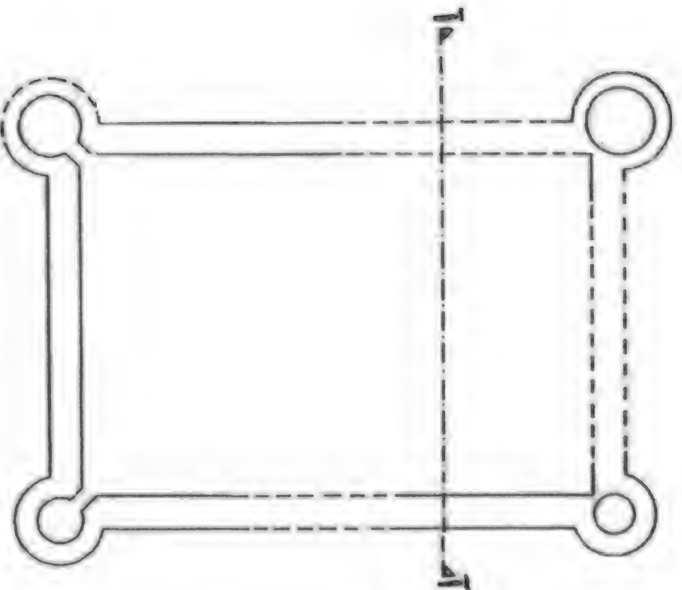


۳۴۰) قلّعه آردمین، نقشه بنا و برجهای آن

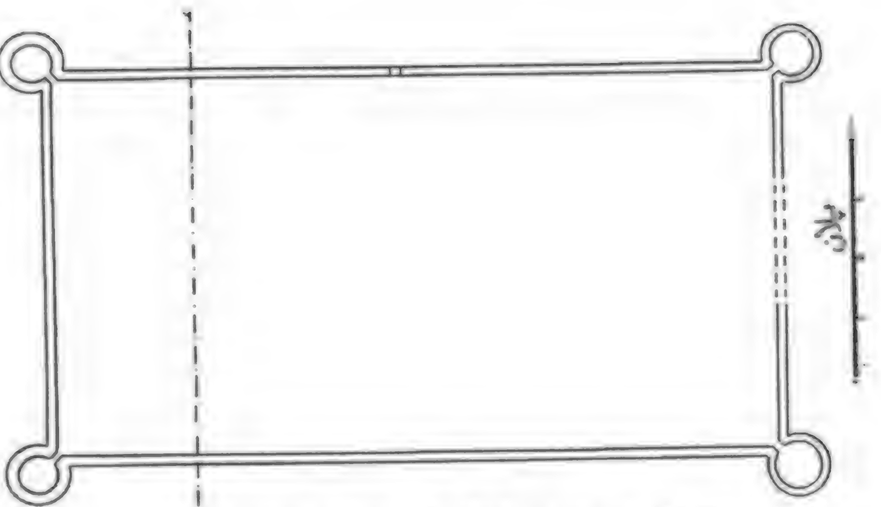




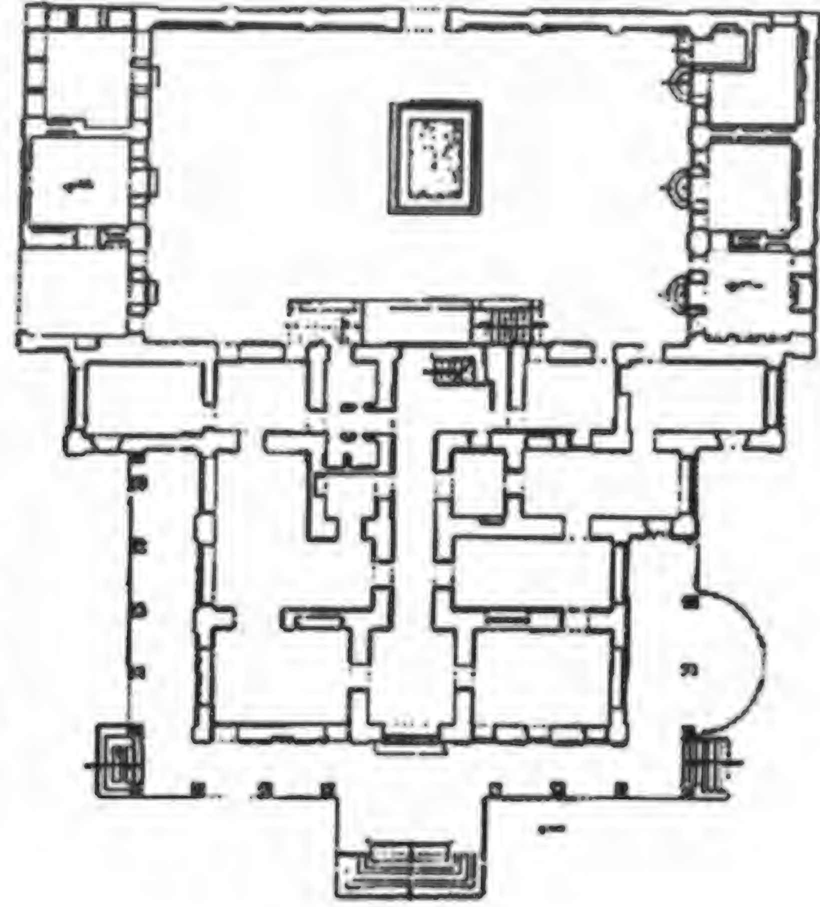
(۳۴۱) قلّعه اسماعیلیه کهک، نقشه بقایای برج و بارو



(۳۴۲) قلّعه تخت کوه دلیجان، نقشه بقایای برج و بارو

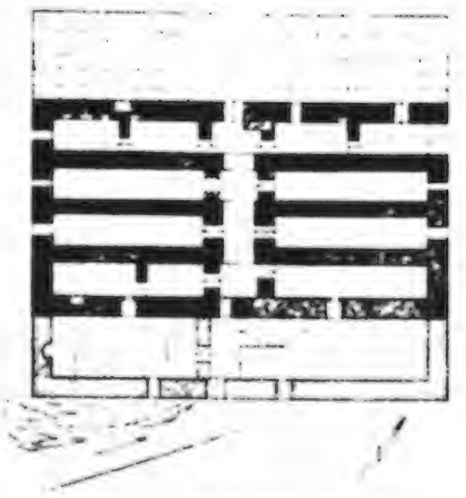


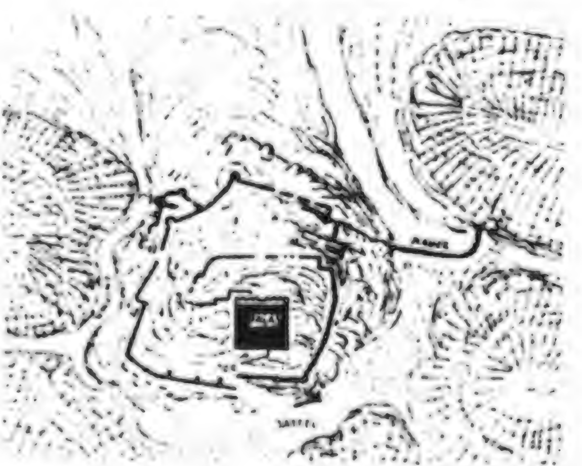
(۳۴۳) قلّعه جوقا، نقشه بقایای برج و بارو



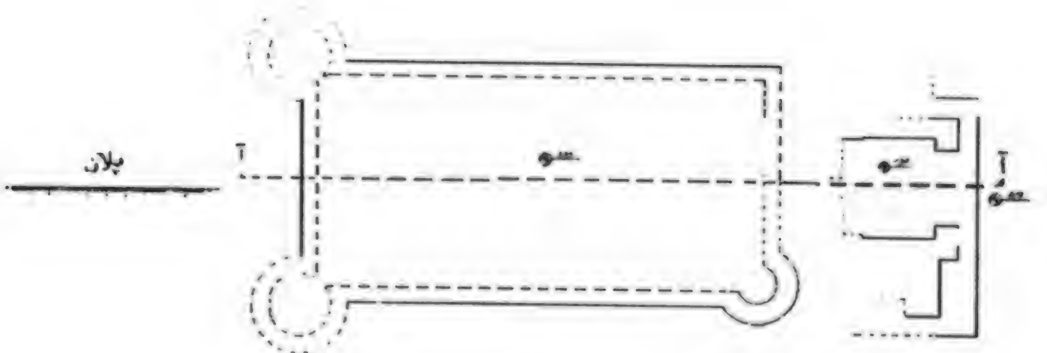


۳۴۶-۳۴۴) قلّعه حاج وکیل، نقشه و نما

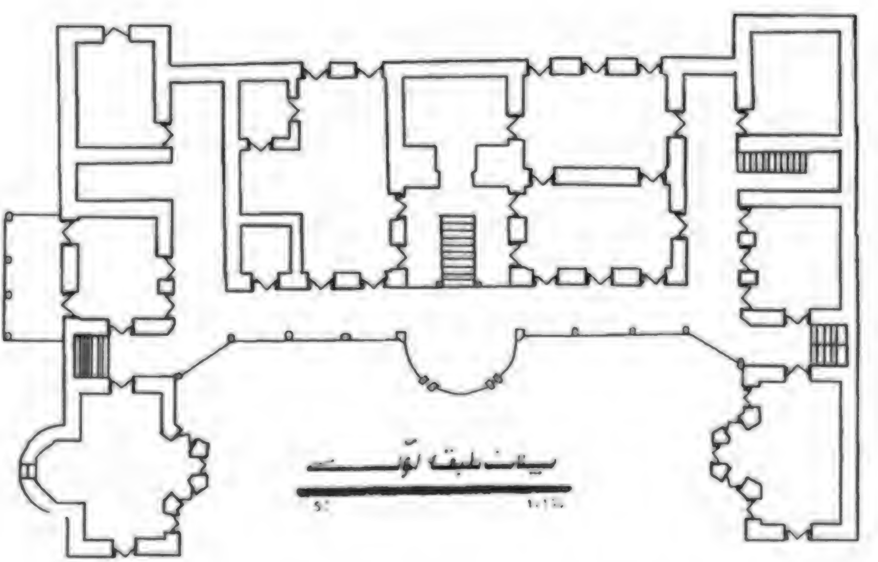




۳۴۷) قلّعه دختر ساوه، نقشه بقایای موجود

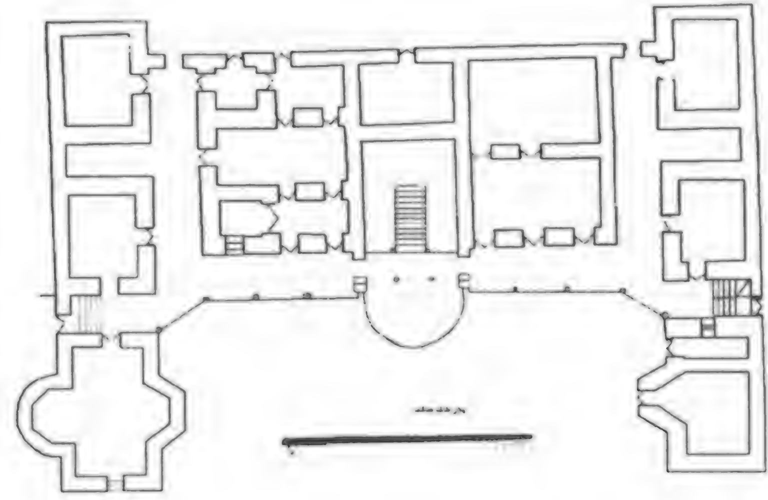


۳۴۸) قلّعه ریزه سینقان، نقشه بقایای موجود



۳۴۹) قلّعه سالار محتشم، نقشه طبقه



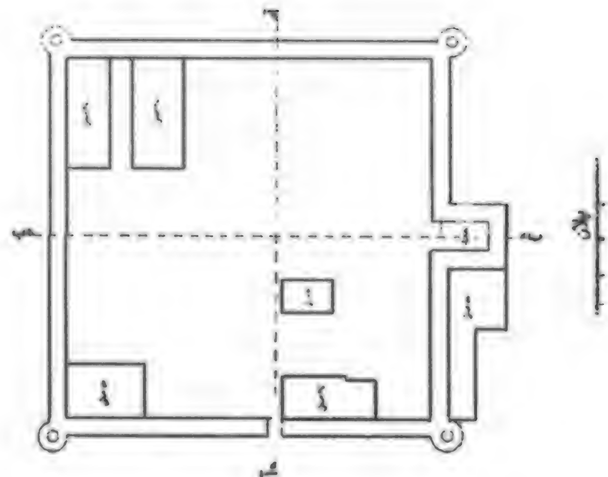




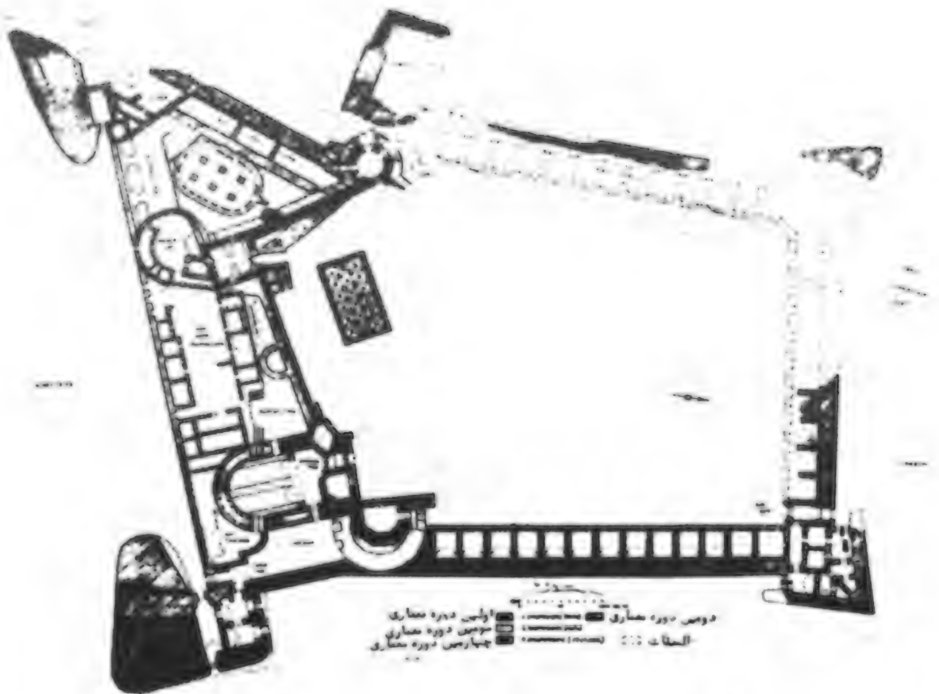


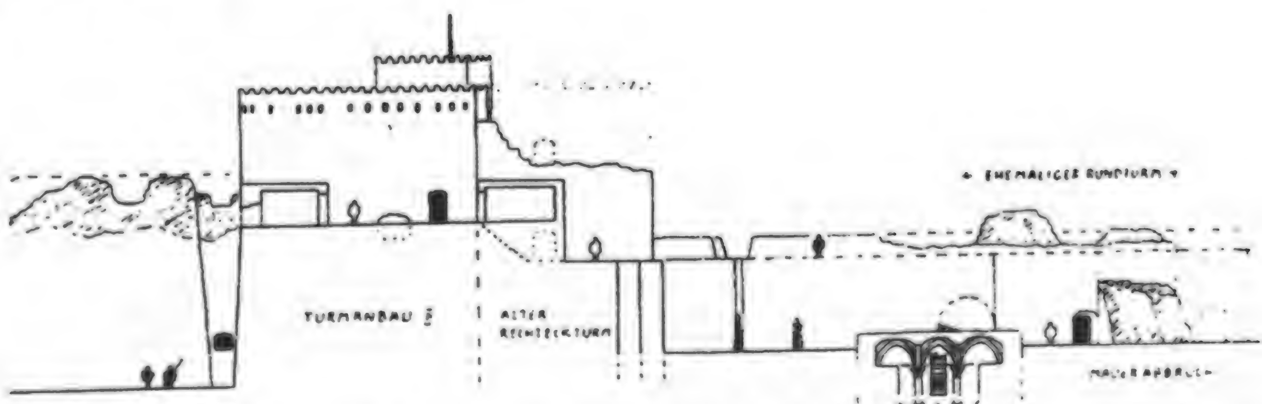


۳۵۰-۳۵۴) قلّعه سالار محتشم، نقشه، نما و تزیینات سردر



۳۵۵) قلعه نشست‌آباد دلیجان، نقشه بقایای موجود





۳۵۶-۳۵۷) قلعه پرتقالی‌ها(جزیره هرمز)، نقشه و نما









۳۶۱-۳۵۸) قلّعه پرتقالی‌ها، بقایای معماری موجود و شیوه طاقزنی پوشش آب‌انبار



۳۶۲) قلّعه مغویه بندر لنگه، نمای عمومی



۳۶۳) برج انوج ملایر، نمای عمومی





۳۶۴-۳۶۵) برج خانقلی سامن، نمای عمومی





۳۶۷ - ۳۶۶) قلّعه ازناوله، نمای عمومی بنا

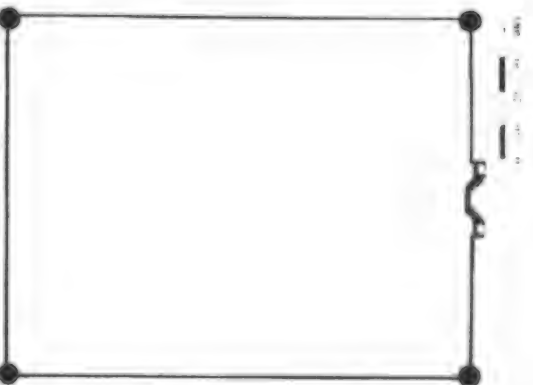


۳۶۸) قلّعه اشتران، نمای عمومی





۳۷۰-۳۶۹) قلّعه سلیمان خان بور بور، نمای عمومی



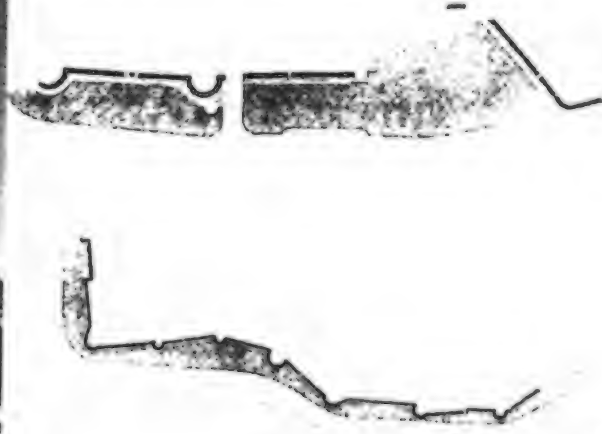


۳۷۱) قلّعه صاحب اختیاریه، نقشه حصار و نمای اصلی



۳۷۲) قلّعه نهندر ملایر، نمای

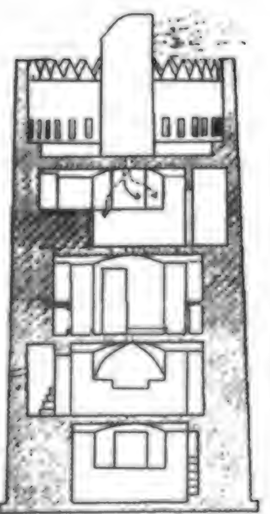


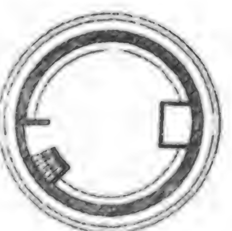



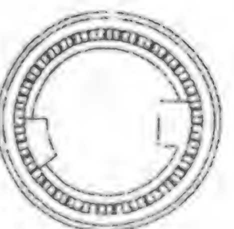

۳۷۷-۳۷۳) برج و باروی شهر یزد، بقایای بر جای مانده



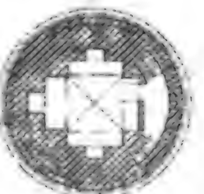












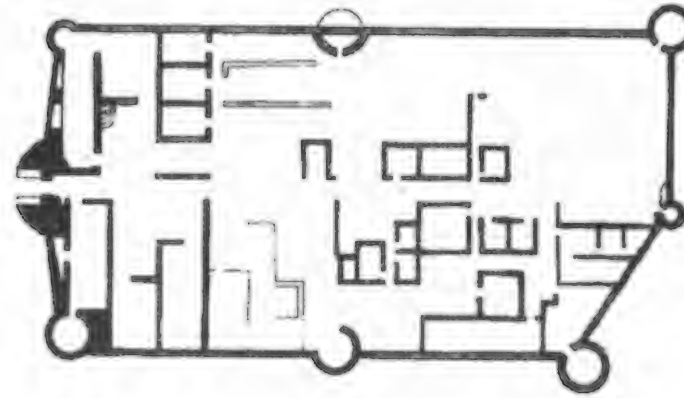
۳۸۱-۳۷۸) برج توت، نمای عمومی، مقطع و نقشه طبقات مختلف بنا



۳۸۲) قلّعه اله‌آباد اردکان، نمای عمومی



۳۸۳) قلّعه حاجی خان اسفندآباد، نمای داخلی







۳۸۴-۳۸۵) قلّعه خورمیز، نقشه و نمای ورودی





۳۸۶-۳۸۷) قلّعه خورمیز، بقایای معماری



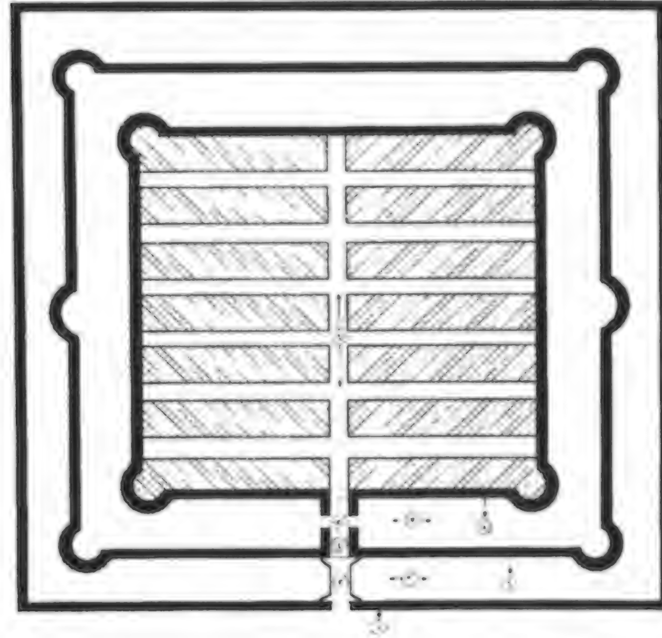
۳۸۸) قلّعه خورمیز، نمای برج و بارو



۳۸۹) قلّعه رباط ابرکوه، برج‌های دفاعی و تزیینات آنها



۳۹۰) قلّعه رکن‌آباد میبد، نمای عمومی





۳۹۴-۳۹۱) قلّعه سریزد، نقشه مجموعه، درگاه ورودی و فضای میانی









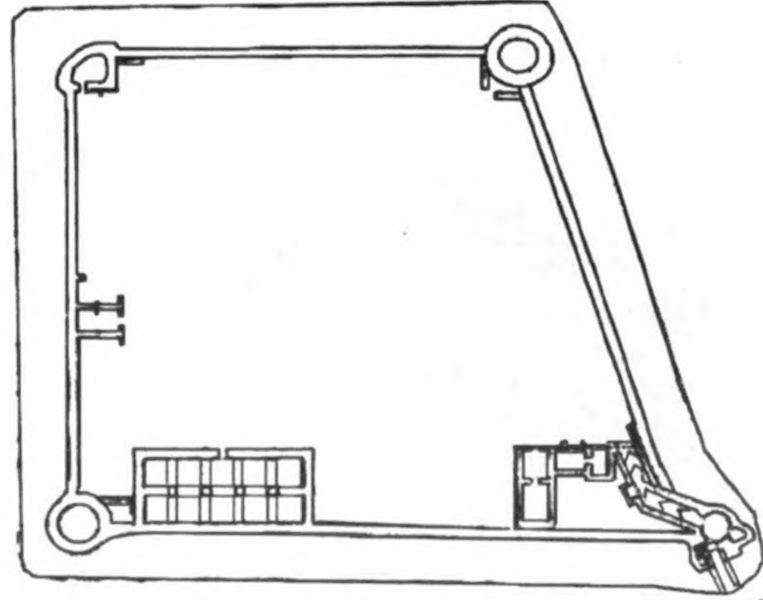
۳۹۵) قلّعه حسین‌آباد یزد، نمای عمومی

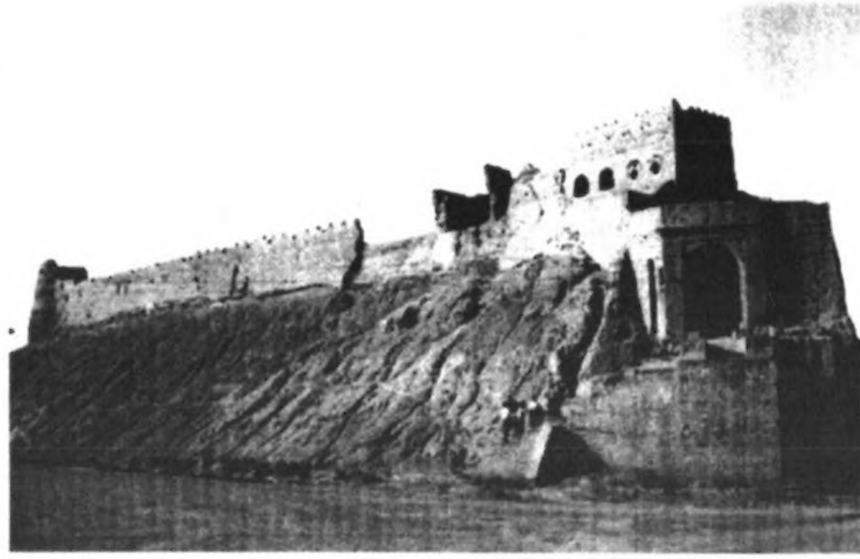


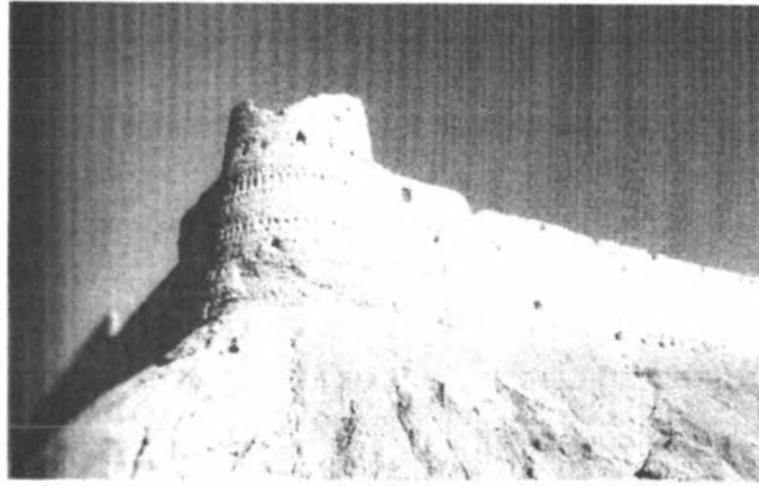
۳۹۶) قلّعه عزت‌آباد ابرکوه، نمای عمومی

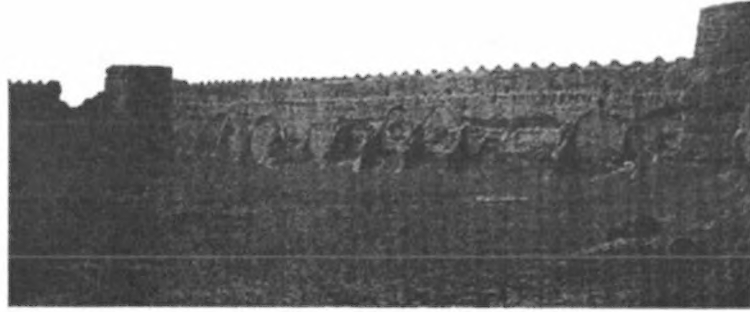


۳۹۷) قلّعه محمد باقر شهر خاتم، بقایای برج



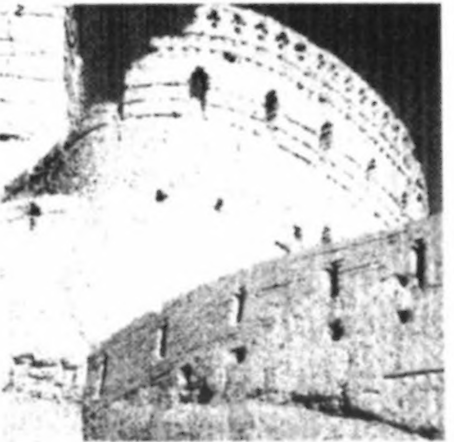






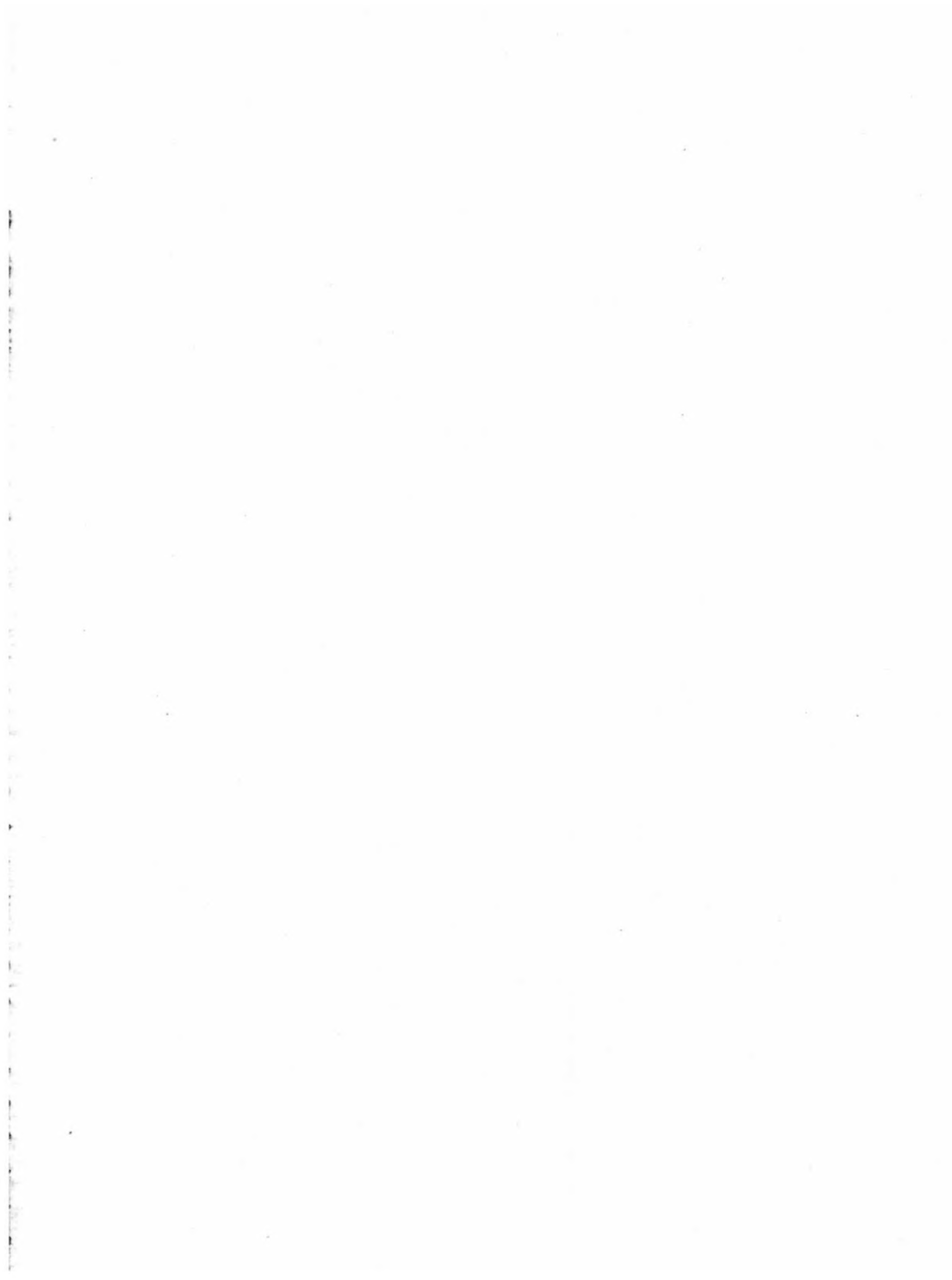
۳۹۸-۴۰۱) قلّعه مروست یزد، نقشه، نما و برج دفاعی







۴۰۶-۴۰۲) نارین قلّعه میبد، آثار و بقایای معماری



Research Institute for Islamic Culture & Art

معماری یکی از شاخه‌های مهم هنر و تمدن بشری است که از روزگاران دور تاکنون مورد توجه گروههای مختلف انسانی قرار گرفته و سعی وافر در تکامل و گسترش آن به عمل آمده است. در طی این دوران، معماری علاوه بر رفع نیازهای کاربردی، عرصه‌ای برای ظهور هنرهای مختلف و نمایش شکوه و عظمت صاحبان و پدیدآورندگان آن بوده است. این فن و هنر سترگ در سرزمین ایران سابقه‌ای بس طولانی دارد و در طی دوره‌های مختلف تاریخی، معماران، استادکاران و هنرمندان ایرانی آثار بسیار گرانقدری آفریده‌اند که امروزه بخش اندکی از آنها بر جای مانده است. معماری نظامی و تدافعی بخشی از این میراث ارزشمند است که با هدف جلوگیری از حملات و غلبه بر دشمن ساخته شده است و در تاریخ پُرکشمکش این سرزمین نقش ویژه‌ای بر عهده داشته‌اند.



سوره مهر
(وابسته به حوزه هنری)
تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، کوچه جمشید جم
صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۱۱۴۴ تلفن: ۶۶۴۶۵۸۴۸
مرکز پخش: شرکت انتشارات سوره مهر
تلفن: ۵-۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱



ISBN 964 - 471 - ...
قیمت: ۷۲۰۰ تومان